بسم الله الرحمن الرحیم

# اولین کنگره پزشکی اجتماعی ایران

# پیشگیری و کنترل بیماری های غیر واگیر

۲۶-۲۹ بهمن ماه ۱۳۹۵

# فهرست مطالب

پیام دبیر علمی کنگره پزشکی اجتماعی .....ت
پیام وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی .....ج
پیام معاونت محترم بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی .....ح
پیام معاون محترم فنی معاونت بهداشت ..... د
پیام معاون محترم آموزشی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی ..... ر
فهرست بخش فارسی مقالات .....س
فهرست بخش انگلیسی مقالات .....غ

بسم الله الرحمن الرحیم

إنّه من یتّق و یصبر... فإنّ الله لا یضیع اجر المحسنین...

همانا هر که تقوی پیشه کرد و صبر کرد... پس همانا الله ضایع نمی کند اجر نیکوکاران را...

سلام.

مایه بسی افتخار و خوشبختی است که در این زمان اولین کنگره پزشکی اجتماعی با محوریت پیشگیری و کنترل بیماری های غیرواگیر به همت انجمن علمی پزشکی اجتماعی ایران و حمایت وزارت محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران و دیگر گروه های همکار در حال برگزاری است. در مورد این گروه بیماری هایی که حدود ۸۰٪ از مرگ و میر و حدود ۷۰٪ از سال های عمر مفید از دست رفته را در کشور به خود اختصاص می دهند، این گردهمایی یکی از رخدادهای ضروی است.

نکته بسیار مهم در پیشگیری از بیماری ها به ویژه بیماری های غیرواگیر که هزینه اثربخش ترین رویکرد در ارائه مراقبت های سلامتی است، توجه به عوامل خطر بیماری ها است. در خصوص عوامل خطر بیماری های غیرواگیر در طول کنگره به تفصیل نکات کلیدی توسط همکاران از گروه ها و تخصص های مختلف شرح داده خواهد شد، لکن نکته تلخ در این مورد در کشور ما وجود حداقل یک عامل خطر این بیماری ها در بیش از نیمی از جمعیت بالغ کشور و تجمیع این عوامل خطر در حدود ۲۰٪ از جمعیت کشور است. مطلبی که در عین افزایش نگرانی، ضرورت توجه بیش از پیش به پیشگیری و تغییر عوامل خطر این بیماری ها را چه در سطوح فرد و خانواده و چه در سطح جمعیت به دنبال خواهد داشت.

تدبیر شایسته وزارت محترم بهداشت درمان و آموزش پزشکی در تدوین سند ملی پیشگیری و کنترل بیماری های غیرواگیر در عالی ترین سطح اجرایی در کشور و متعاقباً انطابق برنامه سازمان جهانی بهداشت در قالب برنامه ایراپن به منظور ادغام مراقبت های پیشگیرانه ضروری برای این گروه از بیماری ها در ارائه خدمات سلامتی در شبکه بهداشتی کشور از رویدادهای ارزشمند در این مهم بوده است. پیش از این انجام مطالعات ارزیابی وضعیت عوامل خطر این بیماری ها و ارزیابی بار بیماری ها بستر اطلاعاتی مناسبی را در اختیار قرار داده بود تا اولویت ها در این حوزه مشخص شوند.

اکنون در این کنگره با مشارکت بیش از چند صد پژوهشگر در قالب ارائه خلاصه مقاله، پس از داوری تعداد ۱۳۰ سخنرانی و ۹۹ پوستر در حوزه پیشگیری و کنترل بیماری های غیرواگیر پذیرفته شده و ارائه خواهند شد.

علاوه بر این در طی این کنگره چهار روزه حدود ٦٠ سخنرانی کلیدی و ۱۲ پنل زمینه مرور اطلاعات به روز، چالش ها و راهکارهای موجود در امر خطیر پیشگیری از بیماری های غیرواگیر را به خوبی فراهم آورده و انتظار می رود که بتواند در ارتقاء فعالیت های جاری و پیش رو برای گروه های مختلف برنامه ریزان و سیاستگذاران، فعالین بالینی و گروه های ناظر بر وضعیت سلامت عمومی ایفاء نقش نماید.

انجمن علمی پزشکی اجتماعی ایران در راستای رسالتی که به منظور تحقق مراقبت های پیشگیرانه در جامعه دارد، در این مهم علاوه بر برگزاری کنگره که حاصل ماه ها رایزی و جلسات متعدد به منظور دستیابی هر چه بیشتر به اهداف آن انجام شده است به مدیریت و اجرای برنامه آموزشی خطر سنجی و مدیریت خطر بیماری های غیرواگیر به سفارش معاونت محترم بهداشتی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی نیز در سطح کشور پرداخته و امید است در آینده‌ای نزدیک این فرایند آموزشی به منظور توانمند سازی گروه های مختلف به ویژه پزشکان عمومی و خانواده به نحوی فراگیر شود که ارائه مراقبت های کاهش خطر بیماری های غیرواگیر در بخش های دولتی و خصوصی در نظام سلامت به امری رایج تبدیل شود. مشارکت متخصصان پزشکی اجتماعی در این فرایند مهم و کلیدی که یکی از مهمترین رسالت های رشته است مایه فخر و مباهات جامعه متخصصین پزشکی اجتماعی است.

در تحقق اهداف رویکردهای پیشگیرانه بیماری های غیرواگیر بدیهی است علاوه بر آموزش ها و رویه های فوق، راهکارهای حمایت بیمه‌ای، سیاستگذرای و توجه به اصول اقتصاد سلامت نقش کلیدی خواهند داشت. اما این کنگره فرصتی است تا نکات بالینی مهم و رویکردهای سلامت عمومی تعیین کننده که می توانند در افزایش سرعت و کیفیت ارائه مراقبت ها در این حوزه نقش داشته باشند مرور شود.

ضروری می دانم ضمن شکر پروردگار جهانیان به واسطه این توفیق از تمامی عزیزانی که در این مسیر ما را یاری کرده اند تشکر نمایم. در این بین دوستان و همکاران ارجمندی بیش از همه در کمیته اجرایی قبول زحمت داشته اند، جناب آقای دکتر احسان شجاعی فر و جناب آقای دکتر محمدسینا رضایی در کنار دیگر عزیزان که در فهرست کمیته اجرائی کنگره نام ایشان مرور می شود، بیش از همه خالصانه و بدون توقع در برگزاری بی نقص این برنامه مارا یاری رسانده اند.

ضروری است از حمایت های علمی و اجرایی معاونت محترم بهداشت، معاونت محترم آموزشی، معاونت محترم پژوهشی و معاونت محترم درمان وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی نیز که در اجرای هر چه پر بارتر برنامه ما را یاری رسانده اند قدردانی ویژه داشته باشم.

و من الله التوفیق

بهمن ۱۳۹۵

دکتر علی پاشا میثمی

دبیر علمی اولین کنگره پزشکی اجتماعی

رئیس انجمن علمی پزشکی اجتماعی ایران

**پیام وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی**

**به اولین کنگره پزشکی اجتماعی با محوریت پیشگیری و کنترل بیماری های غیرواگیر**

بیماریهای مزمن و غیرواگیر اصلی ترین عوامل مرگ و میر و ناتوانی در دنیای امروز به شمار می روند. عبارت بیماری های غیرواگیر به مجموعهای از بیماری ها اطلاق میشود که اساسا توسط یک عفونت حاد ایجاد نمیشوند، اثرات مرتبط با سلامت آنها دراز مدت بوده، و عموما نیاز به درمان و مراقبت طولانی مدت دارند. عمده این بیماریها عبارتند از انواع سرطان ها، بیماری های قلبی-عروقی، دیابت و بیماریهای مزمن دستگاه تنفسی بسیاری از بیماری های غیرواگیر میتوانند با کنترل عوامل خطر همچون مصرف دخانیات، مصرف الکل، عدم فعالیت جسمی کافی، و رژیم های غذایی نامناسب پیشگیری و کنترل شوند.

چنین برآورد میشود که بیماریهای غیرواگیر سالانه سبب ۳۵ میلیون مرگ در دنیا میشوند که این رقم چیزی در حدود ٦٠ درصد از کل مرگهای جهان را شامل میشود. از آمار یادشده چیزی در حدود ۸۰ درصد آن در کشورهای درحال توسعه اتفاق میافتد که این امر نیاز به توجه بیش از پیش به مقوله بیماریهای غیرواگیر را در کشورهای در حال توسعه و خصوصا کشور ما دوچندان میکند.

استراتژی جهانی سازمان جهانی بهداشت کنترل تنها چهار بیماری غیرواگیر را در اولویت قرار میدهد که این چهار بیماری عبارتند از: بیماری های قلبی-عروقی، انواع سرطانها، دیابت، چاقی و بیماریهای تنفسی مزمن. با این حال باید در نظر داشت که این اولویت بندی نباید اذهان سیاستگذاران حوزه سلامت را از سایر بیماریهای مزمن و غیرواگیر همچون اختلالات روانی، بیماریهای اسکلتی-عضلانی، بیماریهای دهان و دندان و سوانح و حوادث دور کند .

پیشگیری و کنترل بیماریهای غیرواگیر می تواند یکی از موثرترین راهکارها جهت کاهش بار بیماریهایی باشد که به نظام سلامت کشور تحمیل می شوند.

برگزاری اولین کنگره پزشکی اجتماعی با محوریت پیشگیری و کنترل بیمار های غیرواگیر به منظور مرور مهمترین اصول تنظیم شده در سند ملی پیشگیری از این بیماری ها و بررسی چالش ها وراهکارهای موجود در این مسیر تعیین کننده، فرصت مغتنمی است تا بتوان با سرعت و دقت بیشتری این مهم را پیگیری نمود.

امید است انجمن علمی پزشکی اجتماعی ایران در راستای برنامه تنظیم شده و با همکاری متخصصین این رشته بتواند در راستای آموزش همگانی خطر سنجی و مدیریت خطر به گروه های ارائه کننده مراقبت سلامتی به ویژه پزشکان عمومی و خانواده در کشور نقش آفرینی مناسبی در پیشبرد اهداف این حوزه داشته باشد.

دکتر سید حسن قاضی زاده هاشمی

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

رئیس کمیته ملی پیشگیری و کنترل بیماری های غیرواگیر

**پیام معاونت محترم بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی**

**به اولین کنگره پزشکی اجتماعی با محوریت پیشگیری و کنترل بیماری های غیرواگیر**

سلامتی که با افزایش میزان امید به زندگی به دنبال افزیش روند شهرنشینی و صنعتی شدن جوامع که منجر به تغییرات وسیع در سبک زندگی شده است، مهم ترین عوامل افزایش بار بیماریهای غیرواگیر بوده اند. بیماریهای غیرواگیر، مسوول بیش از ۵۳٪ بار بیماریها در سراسر جهان هستند و بیش از ۷۶٪ کل بار بیماریها در ایران به بیماریهای غیرواگیر اختصاص دارد. پایه پیشگیری از بیماریهای غیرواگیر، شناسایی عوامل خطر اولیه و پیشگیری و کنترل این عوامل است.

شش میلیون از کل ۳۵ میلیون مرگ ناشی از بیماریهای غیرواگیر در سنین کمتر از ۷۰ سال رخ میدهد و بیش از ۸۰٪ این مرگ ها در کشورهای در حال توسعه اتفاق می افتد. افزایش شیوع بیماریهای غیرواگیر و ماهیت مزمن، پیشرونده و ناتوان کننده آنها باعث بوجود آمدن مشکلات عدیده ای می شوند و متاسفانه نیروی مولد جوامع را بطور مستقیم در معرض خطر مرگ و میر، معلولیت و ناتوانی ها قرار میدهند. به دلیل هزینه های درمانی طولانی مدت و هزینه های بالای از جیب مردم، بیماریهای غیرواگیر می توانند منجر به هزینه های کمرشکن سلامت و فقر شوند. لذا بیماریهای غیرواگیر از مهمترین موانع توسعه کشورها هستند و هزینه های سرسام آور ناشی از این بیمار یها هر نظام بهداشتی و درمانی را با چالش های عدیده ای روبرو می نماید.

چهار بیماری دیابت، بیماری های قلبی عروقی، سرطان و بیماریهای مزمن تنفسی به همراه چهار عامل خطررفتاری شامل کم تحرکی، تغذیه ناسالم، مصرف الکل و دخانیات و چهار عامل خطر بیولوژیکی شامل فشارخون بالا، اختلال چربی خون، اختلال قند خون، و چاقی مهمترین علل مرگ و میر ناشی از بیماریهای غیرواگیر هستند که احتمال مرگ ناشی از بیماریهای غیر واگیر را افزایش میدهند. به همین دلیل سازمان جهانی بهداشت کنترل این بیماریها و عوامل زمینه ساز آنها را بعنوان هدف اصلی برای کاهش ۲۵٪ مرگ و میر ناشی از بیماریهای غیرواگیر تا سال ۱٤۰٤تعیین کرده است.

معاونت بهداشت از سالهای دور تجارب ارزنده ای در اجرای برنامه های موفقیت آمیز در راستای پیشگیری و کنترل بیماریهای دیابت و فشارخون بالا داشته است و بر مبنای این تجارب و دستورالعمل‌های جدید سازمان جهانی بهداشت و "سند ملی پیشگیری و کنترل بیماریهای غیرواگیر و عوامل خطر مرتبط در جمهوری اسلامی ایران در بازه زمانی ۱۳۹٤تا ،"۱٤۰٤همکاران عزیزم در دفتر مدیریت بیماریهای غیرواگیر همکاری سایر دفاتر و مراکز معاونت بهداشت، بسته خدمت پیشگیری و کنترل چهار بیماری و چهار عامل خطر منتسب به آنها را تهیه نمودند و پس از اجرای مرحله یک در چهار شهرستان پایلوت برنامه تحت عنوان ایراپن و تعیین میزان قابلیت اجراء آن، در بسته خدمات سطح یک ادغام شد و در سراسر کشور مطابق با روند تحول سلامت در حوزه بهداشت به اجراء درآمد.

اکنون در راستای پوشش جامع اجرایی شدن برنامه ایراپن مقرر شده است تا با همکاری متخصصان پزشکی اجتماعی در کشور امر آموزش خطر سنجی و مدیریت خطر بیماری های غیرواگیر مدیریت شده تا در فاصله زمانی کوتاهی بتوان به توانمندسازی پزشکان سراسر کشور در

این مهم دست یافت تا ارائه مراقبت های ضروری در این حوزه که می تواند بیشترین تأثیر در کاهش بار این بیماری ها را با هزینه اثربخش ترین رویکرد که پیشگیری از بروز بیماری ها است به انجام برساند.

همت انجمن علمی پزشکی اجتماعی ایران در برگزاری اولین کنگره پزشکی اجتماعی با محوریت پیشگیری و کنترل بیماری های غیرواگیر ستودنی است و امید است این کنگره بتواند در نشر دانش نو مرتبط با اقدامات پیشگیری از بیماری های غیرواگیر به اهداف خود دست یابد و سرآغازی به منظور پیگیری این اهداف که در سند پیشگیری و کنترل بیماری های غیرواگیر دیده شده و با برنامه ایراپن به انجام خواهد رسید، باشد.

امیدوارم به یاری خداوند و همت کلیه همکاران محترم در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور طی دهه آینده، گامی بلند و استوار در راستای حفظ و ارتقای سلامت هموطنان عزیزمان در حیطه کاهش مرگ زود هنگام ناشی از چهار بیماری غیرواگیر و عوامل خطر منتسب به آنها برداریم.

و من الله توفیق

دکتر علی اکبر سیاری

معاون بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

**پیام معاون محترم فنی معاونت بهداشت و مدیرکل محترم دفتر مدیریت بیماریهای غیر واگیر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی**

**به اولین کنگره پزشکی اجتماعی با محوریت پیشگیری و کنترل بیماری های غیرواگیر**

در طی چند دهه اخیر علیرغم پیشرفتهای بسیار در امور تشخیصی و درمانی، بیماریهای غیر واگیر در کل جهان توسعه روزافزونی داشته است. به همین سبب سازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۱۳ برنامه اقدام جهانی ۲۰۱۳-۲۰۲۰ را مشتمل بر ۹ هدف و ۲۵ شاخص به منظور کنترل ٤ بیماری عمده غیرواگیر بیماریهای قلبی عروقی، دیابت، سرطانها و بیماریهای تنفسی و همچنین کاهش عوامل خطر چهار گانه دخانیات، کمی فعالیت بدنی، تغذیه نامناسب و الکل در اختیار جهانیان قرار داد و پس از آن اقدامات عملی را که می تواند کشورهای مختلف دنیا را برای نیل به این اهداف رهنمون شود به آنان پیشنهاد نمود.

کلیدی ترین توصیه این سازمان آن است که نظام مراقبتهای اولیه بهداشتی به سمت پیشگیری و کنترل این بیماریها سوق داده شود. در متعاقب پیشرفتهای مهم در کنترل بیماریهای واگیر، در کشور ما نیز از سالیان گذشته اقدامات خوبی (از جمله اقدامات آموزش همگانی، ادغام بیماریابی دیابت و فشارخون بالا در نظام شبکه و ...) در جهت کنترل بیماریهای غیرواگیر انجام گردید اما علیرغم تلاش های فراوان، همانند سایر کشورها ما نیز شاهد افزایش روزافزون این بیماریها در کشورمان بودیم لذا لازم بود که در راستای تعهدات ملی و جهانی خود و با بومی سازی و اجرای پیشنهادات سازمان جهانی بهداشت اقدامات شایسته ای را در این راستا انجام شود.

تشکیل کمیته ملی بیماریهای غیر واگیر به ریاست وزیر محترم بهداشت و همت اعضا آن و مشارکت معاونت های وزارت بهداشت جهت تکمیل سند ملی پیشگیری و کنترل بیماری های غیرواگیر که به تصویب شورای عالی سلامت کشور رسید اقدامی بسیار مهم در این راستا بود.

این سند همزمان به امضا ریاست محترم مجلس شورای اسلامی، مدیر کل سازمان جهانی بهداشت و همچنین مدیر دفتر منطقه مدیترانه شرقی سازمان فوق و نهایتاً ریاست محترم جمهور رسید. در راستای اجرای این سند، تفاهمنامه های همکاری وزارت بهداشت و وزارتین مرتبط با سلامت آماده گردیدند تا اقدامات ضروری در جهت ایجاد محیط های سالم و فراهمی امکانات لازم برای تسهیل رفتارهای سالم و کاهش مواجهه مردم با عوامل خطر انجام گردد.

در این راستا برنامه مداخلات اساسی پیشنهادی سازمان جهانی بهداشت ایراپن تدوین گردیده که در این برنامه در خانه های بهداشت و پایگاه های سلامت میزان احتمال خطر ۱۰ ساله بروز حوادث کشنده و غیرکشنده قلبی عروقی (مانند سکته های قلبی و مغزی) جمعیت هدف برنامه حتی در زمانی که علامتدار و بیمار نیستند تعیین میگردد و متناسب با میزان احتمال به دست آمده اقداماتی برای پیشگیری از بروز بیماری یا عوارض آن صورت می پذیرد. علاوه برآن در زمینه بیماریهای سرطانی (روده بزرگ، پستان و دهانه رحم) و آسم نیز اقداماتی در جهت تشخیص و مداخلات زودهنگام انجام می گیرد.

در این برنامه افراد قبل از بیمار شدن یا در ابتدای بیماری مراقبت های لازم را دریافت می نمایند لذا انتظار می رود این برنامه با هزینه اثربخشی بسیار بالا در کنترل بیماری های غیرواگیر مؤثر باشد.

در این میان در مسیر برگزاری اولین کنگره پزشکی اجتماعی با محوریت پیشگیری و کنترل بیماری های غیرواگیر فرصت مغتنم است که تبادل نظر در راستای رویکردهای مختلف اجرایی برنامه های تدوین شده صورت پذیرد. امید است انجمن علمی پزشکی اجتماعی ایران که به عنوان مجری برنامه های آموزشی خطر سنجی و مدیریت خطر بیماری های غیرواگیر قبول مسئولیت کرده است، بتواند از این فرصت به منظور حساس سازی گروه های مختلف ارائه کننده مراقبت های سلامتی به ویژه پزشکان عمومی استفاده کرده و اجرای برنامه های آتی را به خوبی مدیریت نماید.

**دکتر احمد کوشا**

**معاون فنی معاونت بهداشت**

**مدیرکل دفتر مدیریت بیماریهای غیر واگیر**

**پیام معاون محترم آموزشی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و دبیر کمیته ملی پیشگیری و کنترل بیماری های غیرواگیر**
**به اولین کنگره پزشکی اجتماعی با محوریت پیشگیری و کنترل بیماری های غیرواگیر**

به دلیل افزایش روند مرگ ومیر ناشی از بیماریهای غیرواگیر به خصوص در کشورهای در حال توسعه، سازمان جهانی بهداشت از دو دهه پیش بیماریهای غیرواگیر را جزو اولویتهای بهداشتی کشورهای در حال توسعه اعلام کرده است. درحال حاضر بیماریهای غیرواگیر علل اصلی مرگ ومیر و ناتوانی در جهان هستند به طوری که بخش قابل ملاحظه ای از بار جهانی بیماریها را به خود اختصاص میدهند. این در حالی است که بار بیماریهای غیرواگیر در کشورهای با درآمد پایین و متوسط به طور قابل توجهی نسبت به کشورهای پیشرفته بیشتر است. چهار بیماری عمده غیرواگیر شامل بیماریهای قلبی-عروقی، سرطان، بیماری های مزمن ریوی و دیابت به سه عامل خطر اصلی قابل پیشگیری شامل مصرف سیگار، تغذیه نامناسب و عدم فعالیت بدنی مستقیما مناسب وابسته هستند. افزایش روز افزون شیوع این بیماریها، خسارات اقتصادی بزرگی را به کشورها تحمیل میکند. علت این افزایش، زمینه سازی مساعدی است که در اثر افزایش عوامل خطر این بیماری ها در سالیان گذشته به وجود آمده است. تغییر شیوه زندگی سبب شده است که برخی از عوامل خطر مهم از جمله مصرف دخانیات، عدم فعالیت بدنی مناسب، رژیم غذایی نامناسب، سوانح و حوادث، تعداد مبتلایان به فشار خون و چربی و قند خون بالا در جامعه افزایش یابد و این خود زنگ خطری است برای افزایش مرگ و میر و ناتوانیهای ناشی از بیماریهای غیرواگیر که درحال حاضر گریبان گیر کشورهای در حال توسعه است.

در بسیاری از موارد، عدم آگاهی کافی از عوامل خطر و عدم به کارگیری تمهیدات لازم و ضروری سبب شده است تا این عوامل روز به روز افزایش یابند. بنابراین شناخت عوامل خطر، سیاستگذاری در چگونگی مقابله و در نهایت کاهش روند روز افزون آنها میتواند تأثیر بسزایی در کاهش بیماریهای غیرواگیر داشته باشد. چنین به نظر می رسد که بیماریهای مزمن و غیرواگیر هم در کشورهای پیشرفته و هم در کشورهای در حال توسعه، در بین بزرگسالان اهمیت بیشتری می یابند. هم اکنون بیماریهای قلبی-عروقی و سرطان ها در رأس علل مرگ ومیر در کشورهای پیشرفته قرار دارند و بخش زیادی از همه مرگها را شامل میشوند. در بسیاری از کشورها شیوع و بروز بیماریهای غیرواگیر و مزمن روند صعودی داشته و انتظار میرود که این روند همچنان ادامه پیدا کند. یکی از دلایل این افزایش می تواند افزایش امید به زندگی در بسیاری از کشورها باشد که در نتیجه آن شمار افراد مسن و در نتیجه احتمال ابتلا به انواع بیماریهای غیرواگیر و مزمن بیشتر میشود. دلیل دیگر آن است که الگوهای زندگی و رفتاری مردم به سرعت دگرگون میشود و این دگرگونی فرد را مستعد ابتلا به انواع بیماریهای غیرواگیر می کند.

درحال حاضر اهمیت توجه به بیماریهای غیرواگیر در دنیا و به خصوص در کشورهای در حال توسعه بیش از پیش نمایان بوده و کشور ما نیز از قاعده مستثنی نیست. ضرورت توجه همه جانبه به بیماریهای غیرواگیرمسئولان امر را بر آن داشت تا با تشکیل کمیته ای ملی با عنوان **کمیته ملی پیشگیری و کنترل بیماریهای غیرواگیر جمهوری اسامی ایران** با تمرکز بر بحث بیماریهای غیرواگیر در جهت پیشگیری و کنترل هرچه بیشتر این دسته از بیماریها و عوامل خطر مرتبط با آنها تلاش کرده و فعالیتهای موجود در این زمینه را به نحو مقتضی جهت دهد.

امید است با توکل بر خداوند منان و تلاش بی وقفه اعضای کمیته شـــاهد تغییرات چشمگیری در وضعیت پیشگیری و کنترل بیماریهای غیرواگیر در کشور باشیم. در این راستا برگزاری اولین کنگره پزشکی اجتماعی با محوریت پیشگیری و کنترل بیماری های غیرواگیر گامی مؤثر در مرور فعالیت های انجام شده بر اساس سند ملی و تبیین راهکارهای نوین تحقق هر چه بهتر اهداف تعیین شده برنامه خواهد بود.

در اینجا لازم می دانم از همکاری و تلاش انجمن علمی پزشکی اجتماعی که با برگزاری اولین کنگره پزشکی اجتماعی با محوریت پیشگیری و کنترل بیماری های غیر واگیر گامی بزرگ در راستای بسط تفکر خطر سنجی بیماری های قلبی عروقی در کشور برداشته است صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم و آرزومندم که در طی سال های آینده شاهد استمرار فعالیت ها و کاهش مرگ و میر زودرس ناشی از این بیماری ها باشیم.

دکتر باقر لاریجانی

معاون آموزشی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی

نایب رئیس کمیته ملی پیشگیری و کنترل بیماریهای غیرواگیر

# فهرست بخش فارسی مقالات


بررسی رفتار های مرتبط با سلامت و عوامل خطر زای بیماریها در دانش آموزان استان البرز سال تحصیلی۹۳ – ۹۲ ..... ۲
ده علت مرگ و امید به زندگی در زاهدان در سال ۲۰۱۴ ..... ۴
بررسی شیوع عوامل خطر بیماریهای غیرواگیر رفسنجان سال ۱۳۹۱ ..... ۶
تدوین مسیری مبتنی بر شواهد برای ارزیابی خطر بیماری های غیرواگیر در کلینیک پیشگیری و ارتقاء سلامت ..... ۸
نقش پزشکی اجتماعی در پیشگیری از بیماری های مزمن ..... ۱۰
اولویت بندی مبتنی بر شواهد اصلی در دستیابی به اهداف سند ملی پیشگیری و کنترل بیماری های غیرواگیر و اهداف توسعه پایدار ..... ۱۲
طراحی و توسعه برنامه ی سلامت همراه اوسیناپ: گامی در پیشگیری و مدیریت بیماری های قلبی- عروقی و دیابت در ایران ..... ۱۴
برنامه های مبتنی بر ارایه دهنده-پرداخت کننده برای بهبود مراقبت از افراد دارای بیماری جدی و ادغام مراقبتهای تسکینی ..... ۱۶
بررسی بودجه بخش بهداشت و درمان طی برنامه های اول تا چهارم توسعه اجتماعی اقتصادی کشور ..... ۱۸
مولفه اجتماعی یکی از ابعاد اصلی فرهنگ ..... ۲۰
بررسی احساس امنیت شغلی در استادیاران ضریب کا و پیمانی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۹۴-۱۳۹۳ ..... ۲۲
دیابت و شهرنشینی در جمعیت ایران: تجزیه و تحلیل از بررسی ملی روش گام به گام برای مراقبت فاکتورهای خطر بیماریهای مزمن در سال ۲۰۱۱ ..... ۲۴
مراحل تغییر بر اساس مدل فرانظری و انگیزه در پایبندی به فعالیت های خود مراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ ..... ۲۶
خودپنداره بدنی و خودمراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت ..... ۲۸
ارزشیابی برنامه پیشگیری و کنترل دیابت در تهران ..... ۳۰
بررسی شیوع پره دیابت در افراد ۳۰ ساله و بالاتر جامعه روستائی قزوین ۹۴ – ۱۳۹۳ ..... ۳۲
بررسی وضعیت و الگوهای تغذیه ای مرتبط با چاقی ودیابت در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در سال ۱۳۹۴ ..... ۳۴
بررسی ارتباط بین میزان بافت کلی چربی بدن و مقاومت انسولین در جمعیت تهران در سال ۱۳۹۴ ..... ۳۶
بررسی برهمکنش الگوهای غذایی غالب و واریانت های ژن پروتئین حامل ویتامین دی در ابتلا به سندرم متابولیک در جمعیت شهر تهران ..... ۳۸
بررسی میزان توانمندی مبتلایان به دیابت درزمینه خودمراقبتی درکنترل دیابت دراستان مرکزی درسال۹۴ ..... ۴۰
رژیم غذایی و سندرم متابولیک در زنان ۲۵-۷۰ ساله ایرانی: : مطالعه بر داده های پیمایش کشوری عوامل خطر بیماریهای غیر واگیر در سال ۱۳۹۰ ..... ۴۲
رابطه بین تغذیه و سرطان سینه ..... ۴۴
بررسی ارتباط بین عوامل تغذیه ای و سرطان معده ..... ۴۶
تبیین عوامل مرتبط با مصرف، فروش و توزیع سیگار در ایران ..... ۴۸
بررسی فراوانی مصرف دخانیات در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در سال ۱۳۹۴ ..... ۵۰
استفاده از مدل ترانس تئورتیکال در پیشگویی مراحل تغییر سیگار و قلیان ..... ۵۲
فراوانی مصرف دخانیات در دانش آموزان شهر تهران ..... ۵۴
تاثیر مداخلات آموزشی وجلب حمایت در پیشگیری از استعمال دخانیات درشهرستان اراک درسال۹۵-۹۴ ..... ۵۶
رفتار فعالیت فیزیکی منظم در دانش آموزان دختر: کاربرد الگوی بین نظریه ای ..... ۵۸
بررسی تاثیر آموزش بر کیفیت زندگی بیماران فشارخون بالا ..... ۶۰
نمک های رژیمی در دنیا و ایران؛ تنوع و اثربخشی ..... ۶۲
پایبندی به درمان دارویی در بیماران مبتلا به فشار خون بالا: بررسی نقش رضایت بیمار از ارتباط با پزشک ..... ۶۴
چه سطحی از وزن اضافی، قند خون و سن می تواند باعث دو برابر شدن خطر فشار خون شود؟ ..... ۶۶
بررسی ارتباط آموزش های تغذیه ای با کنترل فشار خون در بیماران مبتلا به فشار خون بالا ..... ۶۸
بررسی مروری درمان پرفشاری خون با مصرف غذاهای دریایی ..... ۷۰

بررسی شیوع فشار خون بالا در افرد بالای ۳۰ سال شهرستان کاشان ..... ۷۲
بررسی رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت و عوامل موثر بر آن در کارکنان شرکت دخانیات تهران ..... ۷۴
بررسی تاثیر درآمد بر وضعیت عملکرد خود مراقبتی ..... ۷۶
بررسی امکان کاهش مصرف شکر از طریق جایگزینی با استویا ..... ۷۸
راههای کاهش مصرف شکر در جامعه درجهت کاهش بیماریهای غیرواگیر ..... ۸۰
بررسی وضعیت کنترل فشار خون در بیماران مبتلا به پرفشاری خون شناسایی شده شهرستان گناباد سال۹۳ ..... ۸۲
بررسی تاثیرخودمراقبتی درپیشگیری از فشارخون درسال۹۴درشهرستان تفرش ..... ۸۴
بررسی ارتباط بین پلی مورفیسم‌های شایع ژن گیرنده ویتامین ***D*** و خطر ابتلا به بیماری عروق کرونر قلب: یک مطالعه مروری و متاآنالیز نظام‌مند ..... ۸۶
تاثیر برنامه بازتوانی قلبی به دنبال مداخله عروق کرونر از راه پوست اختیاری بر شدت علایم افسردگی بیماران: مطالعه کوهورت ..... ۸۸
بررسی فعالیت فیزیکی دانشجویان مقطع علوم پایه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ ..... ۹۰
بررسی تاثیر آموزش بر کیفیت زندگی بیماران فشارخون بالا ..... ۹۲
نمک های رژیمی در دنیا و ایران؛ تنوع و اثربخشی ..... ۹۴
پایبندی به درمان دارویی در بیماران مبتلا به فشار خون بالا: بررسی نقش رضایت بیمار از ارتباط با پزشک ..... ۹۶
روان سنجی ابزار ارزیابی آسیب پذیری ***Tilburg*** در بررسی شیوع و ریسک فاکتورهای این سندرم در سالمندان ایرانی ..... ۹۸
ارتباط بین خود مراقبتی با کیفیت زندگی مبتلایان به پرفشاری خون در مطالعه آذر کوهورت در شمال غرب ایران ..... ۱۰۰
اپیدمیولوژی سکته مغزی در جنوب غربی ایران، بوشهر، ۱۳۹۲ ..... ۱۰۲
تاثیر رژیم پالئو بر عوامل خطر بیماری های قلبی-عروقی ..... ۱۰۴
بررسی کارآمدی سواد سلامت بر فعالیت بدنی و سلامت زنان ..... ۱۰۶
بررسی میزان تبعیت پزشکان از دستورالعمل انجمن قلب امریکا در رویکرد به عوامل خطر بیماری های قلبی عروقی در بیمارستان آموزشی فیروزگر ..... ۱۰۸
شیوع بیماری های غیر واگیر در واحد مراقبت های بهداشتی اولیه ایران در شهرضا طی ۱۰ ماه از شروع ***IRAPEN*** در ایران از اسفند ۱۳۹۴ تا پایان آذر ماه ۱۳۹۵ . ۱۱۰
معرفی برنامه ملی مدیریت درمان سکته حاد قلبی ..... ۱۱۲
مرگ منتسب به چاقی و اضافه وزن، عامل خطر اصلی بیماریهای غیرواگیر ..... ۱۱۴
مرور نظام مند شیوع چاقی و اضافه وزن در کودکان و نوجوانان ایرانی ..... ۱۱۶
چاقی مرکزی و فاکتورهای خطر بیماری های قلبی عروقی: نظام مراقبت بیماری های غیر واگیر ***(SURF NCD1391)*** ..... ۱۱۸
مداخلات اضافه وزن و چاقی مبتنی بر مشارکت محله: طرح سنجش عدالت در سلامت شهر ..... ۱۲۰
بررسی ارتباط الگوهای دریافت غذایی با ترکیب بدن، شانس ابتلا به چاقی عمومی و مرکزی و برخی زیست نشانگرهای بیوشیمیایی مرتبط در بزرگسالان سالم ساکن تهران ..... ۱۲۲
بررسی میزان شیوع چاقی، مصرف سیگار، عادات غذایی و میزان فعالیت فیزیکی اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل و عوامل موثر بر آن در سال ۱۳۹۲(مطالعه ای کمی و کیفی) ..... ۱۲۴
معرفی مطالعه همگروه ارزیابی و مدیریت خطر بروز بیماریهای قلبی- عروقی و دیابت در جمعیت منتخب محله های مناطق ۱۶ و ۱۷ تهران از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰. فاز دوم: استقرار پس از پیش مطالعه موفق امکان سنجی و ارزیابی اولیه. ..... ۱۲۶
ارتباط بین افسردگی و بیماری های قلبی عروقی: مقاله مروری ..... ۱۲۸
پیشگیری از چاقی واضافه وزن در شهرستان دلیجان درسال۹۵-۹۴ ..... ۱۳۰
نقش حمایت اجتماعی و حس انسجام در پیش بینی بیماری عروق کرونر قلبی ..... ۱۳۲
دسترسی به درمان و مراقبت در بیماران با سکته مغزی بار اول ..... ۱۳۴
کشندگی۲۸روزه سکته مغزی درایران:مرورسیستماتیک ومتاآنالیز ..... ۱۳۶
تعیین بار سلامتی (***DALY***) ناشی از بیماری سکته قلبی در استان آذربایجان غربی طی سالهای ۱۳۹۱و۱۳۹۲ ..... ۱۳۸
ادراک، دانش و آگاهی از بیماری قلبی در میان دانشجویان پزشکی دانشگاه شهید بهشتی ..... ۱۴۰
شیوع مصرف سیگار و فشار خون بالا، دو عامل خطر بیماری های غیرواگیر : نظام مراقبت بیماری های غیرواگیر ***(SURF NCD) 1391*** ..... ۱۴۲
تاثیر مداخله مبتنی بر تئوری برای ترویج فعالیت در دختران نوجوان: یک کارآزمایی بالینی تصادفی ..... ۱۴۴

تجزیه و تحلیل نابرابری اجتماعی و اقتصادی از رفتارهای کم تحرکی در میان کودکان در کردستان، با استفاده از شاخص تمرکز ..... ۱۴۸
مداخلات موثر به منظور ارتقای فعالیت فیزیکی و کنترل چاقی ..... ۱۵۰
فعالیت فیزیکی و سندرم متابولیک در زنان ایرانی: پیمایش ملی عوامل خطر بیماریهای غیر واگیر وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی ایران (**SuRFNCD-2011**) ..... ۱۵۲
بررسی تاثیر به کارگیری دستورالعمل های پیشگیری نوع اول بیماری عروق کرونر در کاهش مصرف سیگار و عدم فعالیت فیزیکی ..... ۱۵۴
بررسی روند حوادث ترافیکی در استان گلستان طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ ..... ۱۵۶
سلامت فرد یا جامعه کدام نقش جدی تری در پیشگیری از سوانح ترافیکی دارند؟ (انالیز چند سطحی) ..... ۱۵۸
پیشگیری از رانندگی همراه با حواسپرتی: بررسی اثربخشی یک مداخله آموزشی ..... ۱۶۰
بررسی پراکندگی جغرافیایی و علل فوت و عوامل موثر در آن در حوادث جاده ای منجر به فوت در استان اردبیل از تیرماه ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۲ یک تحلیل (**GIS**) ..... ۱۶۲
هزینه صدمات ناشی از حوادث ترافیکی در شمال شرق ایران (۲۰۱۴-۲۰۱۶) ..... ۱۶۴
بررسی میزان فعالیت فیزیکی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی همدان در سال ۹۴ ..... ۱۶۶
پیش بینی مراحل تغییر فعالیت بدنی بر اساس **Trans -Theoretical Model** مطالعه مبتنی بر جمعیت ..... ۱۶۸
مقایسه تاب آوری در بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس و افراد سالم ..... ۱۷۰
بررسی اثربخشی برنامه های آموزشی شیوه های فرزندپروری مادران بر اختلالات رفتاری – هیجانی کودکان پیش دبستانی شهرستان چالوس۹۵ ..... ۱۷۲
شیوع اختلال شخصیت : یک مطالعه مقطعی در تبریز ..... ۱۷۴
عوامل زوجی موثر بر شکل‌گیری اعتیاد زنان: یک پژوهش کیفی ..... ۱۷۶
هنجاریابی ابزار غربالگری خطر خشونت ۱۰ (**V-RISK-10**) در مراجعین به یک بیمارستان روانپزشکی در ایران ..... ۱۷۸
بررسی نگرش ارائه دهندگان خدمات بهداشتی و درمانی نسبت به انگ اختلالات روانی درمرکز بهداشت شهرستان کرج در سال ۱۳۹۵ ..... ۱۸۰
بررسی رابطه بین اختلالات شخصیت و حوادث ترافیکی ..... ۱۸۲
اثربخشی آموزش سختروبی بر کاهش فرسودگی شغلی پرستاران اورژانس ..... ۱۸۴
تاثیر مشاوره ی شناختی-رفتاری بر میزان اضطراب مادران دارای نوزاد بستری در بخش مراقبت های ویژه ..... ۱۸۶
بررسی شیوع اقدام به خودکشی در استان آذربایجان شرقی ..... ۱۸۸
بررسی ارتباط مصرف تنقلات کم ارزش با افسردگی در نوجوانان ساکن مناطق با وضعیت اقتصادی-اجتماعی بالا و پایین شهر تهران ..... ۱۹۰
ارتباط الگوی مواد مغذی دریافتی و سرطان پستان در ایران ..... ۱۹۲
عوامل موثر بر بروز سرطان سینه ..... ۱۹۴
مطالعه دموگرافیک سرطانهای دستگاه گوارش در شمال شرق ایران:گزارش۱۲۰۰۰ بیمار ..... ۱۹۶
مهم ترین عوامل خطر سرطان پستان از نظر زنان ۶۵-۲۰ ساله اصفهان در سال ۱۳۹۱ ..... ۱۹۸
تاثیر زندگی در محیط شهری بر سرطان پستان در ایران ..... ۲۰۰
ارزیابی برنامه غربالگری افراد در معرض خطر سرطان کولورکتال در شهر اراک ..... ۲۰۲
عوامل اجتماعی تعیین کننده سلامت و بقای پنج ساله سرطان روده بزرگ ..... ۲۰۴
بررسی توزیع پراکندگی جغرافیایی سرطان مری ورکتوم و مقایسه آنها در بیمارستان های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی در سال ۹۲ ..... ۲۰۶
بررسی هزینه پرداختی در بخش دارو بیماران سرطان مری بستری در بیمارستان های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی تهران در سال ۹۲ ..... ۲۰۸
نقش متفورمین در جلوگیری از سرطان پستان از طریق مهار پروتئین **mTOR** ..... ۲۱۰
مقایسه ارزش تشخیصی **MRI** و **CT-Scan** در سرطان کولورکتال ..... ۲۱۲
حضور برخی ازهیدروکربن های آروماتیک چندحلقه ای سرطان زا در تخم افتابگردان های بو داده ..... ۲۱۴
نرخ مشارکت و عوامل مرتبط با آن در برنامه غربالگری کولونوسکوپی در بستگان درجه اول بیماران مبتلا به سرطان روده بزرگ و راستروده ..... ۲۱۶
رایج ترین سرطان های تشخیص داده شده و شایع ترین علت مرگ و میر سرطانی در زاهدان (جنوب شرق ایران) در سال ۱۳۹۲ ..... ۲۱۸
یکپارچه سازی پزشکی شخصی در کنترل و پیشگیری از سرطان: جوانب مثبت و منفی ..... ۲۲۰
نقش آموزش بهداشت در پیشگیری از سرطانها – مرور سیستماتیک ..... ۲۲۲
بررسی موانع انجام غربالگری ماموگرافیک سرطان پستان در زنان شهر زاهدان ..... ۲۲۴
بررسی بقای بیماران مبتلا به سرطان ثبت شده در سیستم ثبت سرطان استان بوشهر۹۲-۱۳۸۰ ..... ۲۲۶

مراقبت های بهداشتی ساکنین مناطق ناپایدار (حاشیه نشین) شهر کرج ۱۳۹۳ ..... ۲۲۸
بررسی میزان رعایت تناسب جنسیتی دربهره مندی خدمات درمانی دربیمارستانهای وابسته به دانشگاه علوم پزشکی مشهد ..... ۲۳۰
شیوع سندرم متابولیک و فنوتیپ های مختلف چاقی در مردان نظامی ایرانی ..... ۲۳۲
تفاوت شهر و روستا در شیوع عوامل خطر بیماری های غیر واگیر:**WHO–STEPS** نظام مراقبت بیماری های غیرواگیر ایران در سال۲۰۱۱ ..... ۲۳۴
چالش های مالی نظام سلامت برای مقابله با بیماری های غیرواگیر ..... ۲۳۶
آیا طرح تحول سلامت تجارب بیماران از بستری را تغییر داده است؟ مقایسه نتایج دو بررسی مقطعی در ۵ بیمارستان دانشگاهی کرج ..... ۲۳۸
گزارش طراحی مراحل اولیه سند کشوری کنترل و پیشگیری بیماری های غیر واگیر ..... ۲۴۰
تاثیر اجرای برنامه پزشک خانواده در بهبود مشارکت مالی بیماران ..... ۲۴۲
کاهش مرگ و میر ناشی از بیماریهای غیرواگیر در راستای دستیابی به اهداف توسعه پایدار ..... ۲۴۴
بیماری های مزمن و هزینه های کمرشکن سلامت: شواهدی از همدان، ایران ..... ۲۴۶
معرفی برنامه ملی مدیریت درمان سکته حاد مغزی ..... ۲۴۸
بررسی منبع کنترل سلامت و ارتباط آن با کیفیت زندگی در افراد مبتلا به عفونت **HIV** ..... ۲۵۰
تأثیرمشاوره گروهی مبتنی بر رویکرد شناختی_ رفتاری وتنش و نگرانی های مختص بارداری ..... ۲۵۲
تاثیر برنامه حمایتی خانواده بر استرس اعضای خانواده بیماران جراحی قلب باز ..... ۲۵۴
اثربخشی مداخلات بازتوانی قلبی در بیماران مبتلا به بیماری ایسکمیک قلب در شمال غرب ایران ..... ۲۵۶
بررسی تأثیر کوئرستین بر بیماریهای قلبی عروقی ..... ۲۵۸
بررسی ارتباط دور مچ دست و دور گردن با عوامل خطرزای کاردیومتابولیک در کودکان و نوجوانان: مطالعه کاسپین ..... ۲۶۰
بومی سازی راهنمای بالینی پیشگیری از بیماری های قلبی عروقی ..... ۲۶۲
ارزیابی وضعیت سلامت در کارکنان یک ارگان نیمه خصوصی ..... ۲۶۴
آیا فشار خون بالا ارتباطی با وزن تولد یا وزن کنونی دارد؟ ..... ۲۶۶
همه گیرشناسی سرطان ریه و عوامل خطر ساز آن در اردبیل، ایران ..... ۲۶۸
آزمایش ژنتیک تشخیص خطر سرطان ..... ۲۷۰
تاثیر کار درشب و فشار کاری بر سرطان پستان ..... ۲۷۲
ارتباط بین سرطان و شیوه زندگی ..... ۲۷۴
عوامل مساعدکننده بر بروز سرطان ..... ۲۷۶
مطالعه بقای سرطان ریه در استان یزد: نتایج یک مطالعه طولی از سال ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۲ ..... ۲۷۸
بررسی اثر ماده نگهدارنده غذایی سدیم نیترات بر القا تشکیل میکرونوکلئوس در لنفوسیت های انسانی ..... ۲۸۰
نقش حمایت اجتماعی و تاب آوری در پیشگیری و کنترل اختلالات روانشناختی در بیماران مبتلا به سرطان ..... ۲۸۲
عوامل مساعد کننده سرطان مثانه ..... ۲۸۴
بررسی روشهای تشخیص سرطان پستان و نتایج آن رفسنجان ۱۳۹۵-۱۳۹۰ ..... ۲۸۶
اپیدمیولوژی سرطان های اولیه ریه و روند آن ها در شمال شرق ایران در سالهای ۱۳۹۱-۱۳۶۴ ..... ۲۸۸
بررسی وضعیت غربالگری سرطان پستان در زنان شهر خرم آباد(یک مطالعه مقطعی) ..... ۲۹۰
بررسی فراوانی انجام غربالگری سرطان پروستات و عوامل مرتبط با ان در مردان شهرستان زاهدان در سال ۱۳۹۵ ..... ۲۹۲
رابطه سرطان پروستات و فعالیت جنسی: یک مطالعه مورد-شاهدی ..... ۲۹۴
رابطه کمبود ۲۵ هیدروکسی ویتامین دی سرم با ریسک سرطان پستان ..... ۲۹۶
بررسی فعالیت فیزیکی و تحرک بدنی در زنان باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان در سال ۱۳۹۴ ..... ۲۹۸
بررسی روند فعالیتهای ورزشی زنان باردار و باورها نسبت به آن:براساس تئوری رفتارهای برنامه ریزی شده ..... ۳۰۰
بررسی اپیدمیولوژیک دلایل مراجعه سالمندان بیمارستانهای مشهد ..... ۳۰۲
ارتباط بین اسکیزوفرنی و بیماریهای قلبی عروقی: مقاله مروری ..... ۳۰۴
بررسی تاثیر پرفشاری خون بر میزان و وضعیت رتینوپاتی هایپرتانسیو در بیماران مراجعه کننده به بخش های داخلی و قلب بیمارستان خاتم الانبیاء و امام حسین شاهرود – ۱۳۹۴ ..... ۳۰۶

بررسی شیوع فشار خون بالا در جمعیت بالای ۳۰ سال روستایی در دانشگاه علوم پزشکی دزفول در سال ۱۳۹۵ ..... ۳۰۸
فراوانی خشونت علیه پرستاران شاغل در بیمارستان های آموزشی وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی مشهد در سال ۱۳۹۴ ..... ۳۱۰
بررسی نیازهای سلامت دختران نوجوان ایران: مطالعه موردی شهر خرم‌آباد در سال ۱۳۹۴ ..... ۳۱۲
ارزیابی اثربخشی خدمات سلامت مادران با تاکید بر نقش تعیین گرهای اجتماعی ..... ۳۱۴
بررسی شیوع اضافه وزن، چاقی در ادارات استان آذر شرقی ..... ۳۱۶
بررسی برهمکنش الگوهای دریافت غذایی و پلی مورفیسم های ناحیه ۹***P21*** با ترکیب بدن، شانس ابتلا به چاقی عمومی و مرکزی و برخی زیست نشانگرهای بیوشیمیایی مرتبط در بزرگسالان سالم تهرانی ..... ۳۱۸
بررسی شیوع چاقی در دانش آموزان ۱۱- ۹ ساله مدارس ابتدایی دخترانه تهران در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ ..... ۳۲۰
غربالگری دیابت و فشار خون در بالغین و مروری بر عوامل خطر بروز دیابت در مرکز آموزشی درمانی اسدآبادی تبریز ..... ۳۲۲
غربالگری دیابت در افراد ۳۰ ساله و بالاتر جامعه روستایی قزوین سالهای ۱۳۹۴-۱۳۹۳ ..... ۳۲۴
بررسی اثربخشی مراقبت بیماران دیابتی نوع دو لارستان در سال ۱۳۹۴ ..... ۳۲۶
تاثیرآموزش برموانع زندگی با دیابت ..... ۳۲۸
رابطه کنترل قند خون و پروفایل لیپیدها در بیماران دیابتی ..... ۳۳۰
تاثیر آموزش از طریق پمفلت بر رفتارهای خودمراقبتی و الگوی توانمند سازی خانواده در بیماران دیابت نوع دو ..... ۳۳۲
بومی سازی راهنمای بالینی پیشگیری، ارزیابی و مدیریت عوامل خطر بیماری دیابت در کلینیک پیشگیری بیمارستان فیروزگر تهران ..... ۳۳۴
بررسی تاثیر آموزش خود مراقبتی در پیشگیری وکنترل دیابت بارداری ..... ۳۳۶
بررسی وضعیت افسردگی افراد بالای ۱۶ سال مبتلا به دیابت ..... ۳۳۸
اثر سیاه دانه و عسل در کنترل هلیکوباکتر پیلوری و دیس پپسی ..... ۳۴۰
تعیین عوامل خطر مرتبط با سنگ کلیه : مطالعه مورد-شاهدی ..... ۳۴۲
ارتباط بین دانشگاههای علوم پزشکی و بیمارستانهای آموزشی در ایران ..... ۳۴۴
بررسی روایی ملاک پرسشنامه تشخیص بیماریهای انسدادی مزمن ریوی با اسپیرومتری در جمعیت آذر کوهورت ..... ۳۴۶
بررسی ارتباط وضعیت رشد کودک با رفتار تغذیه ای مادران کودکان ۳ تا ۶ ساله مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی قزوین ..... ۳۴۸
بررسی نحوه عملکرد دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در زمینه ورزش وفعالیت های فیزیکی در سال ۱۳۹۴ ..... ۳۵۰
بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب روش خودکشی کامل در استان کرمانشاه ..... ۳۵۲
غربالگری نوروپاتی محیطی در بیماران مبتلا به دیابت مراجعه کننده به مرکز دیابت شهرخرم آباد در سال ۱۳۹۴ ..... ۳۵۴
ویژگی‌های یک نظام پاداش‌دهی مؤثر بر بهبود عملکرد کارکنان بیمارستان ..... ۳۵۶
تاثیر مدل فرانظری بر افزایش فعالیت جسمانی کارکنان : یک اقدام پژوهی ..... ۳۵۸
نگرش خوردن در دختران نوجوان شهر تهران: مطالعه مقطعی مبتنی بر مدرسه ..... ۳۶۰
وضعیت اختلالات عملکرد جنسی در خانواده های ایرانی: یک مطالعه مرور سیستماتیک ..... ۳۶۲
بررسی افسردگی و اضطراب در بیماران مزمن کلیوی تحت درمان با درمان های جایگزینی کلیه، مشهد، ۹۴-۱۳۹۳ ..... ۳۶۴
بررسی تاثیر نوع عمل جراحی بر بروز دلیریوم در بیماران بعد از عمل جراحی چشم ..... ۳۶۶
نقش حفاظتی و درمانی اریتروپویتین درحوادث حاد عروقی ..... ۳۶۸
مقایسه بقای کوتاه مدت و عملکرد عصبی ***CPR*** مکانیکی و دستی در بیماران نیازمند احیا و مزایای دستگاه مکانیکی در احیا پیش بیمارستانی و داخل آمبولانس ..... ۳۷۰
مدل سازی عوامل موثر بر مرگ ومیر در اثر عمل جراحی قلب باز با استفاده از دو مدل رگرسیون لجستیک و درخت تصمیم ..... ۳۷۲
بررسی تاثیرآموزش برآگاهی وعملکردتغذیه ایی بیماران تحت جراحی عروق کرونربراساس الگوی ***HBM***دربیمارستان شهیدبهشتی قم درسال۱۳۹۳ ..... ۳۷۴
پیشگویی بروز انفارکتوس قلبی در مراجعین به مرکز قلب تهران ..... ۳۷۶
تاثیر آموزش و پی گیری پس از ترخیص بیماران در میزان مراجعه مجدد ..... ۳۷۸
فاکتورهای موثر در بستری مجدد بیماران نارسایی قلب ..... ۳۸۰
بررسی پراکندگی بیماریهای قلبی -عروقی بستری و توزیع تختها در بخشهای مراقبت ویژه قلبی در سالهای ۱۳۹۰-۱۳۹۴: بر اساس سامانه آمار و اطلاعات بیمارستانی (آواب) وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی ..... ۳۸۲
بررسی ارتباط بین شیفت کاری با میزان موفقیت احیای قلبی-ریوی در اورژانس و بخشها ..... ۳۸۴

بررسی الگوی خانواده محور بر توانمندی بیماران فشارخونی ۳۸۶
بررسی کارکرد اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در موضوع بیماران نیازمند ۳۸۸
ارزیابی آگاهی زنان سنین باروری از مراقبت پیش از بارداری ۳۹۰
عوامل اجتماعی موثر بر افسردگی در افراد ضایعه نخاعی در ایران ۳۹۲
تجربه زیسته زنان چاق: یک مطالعه پدیده شناسی هرمنیوتیک ۳۹۴
بررسی ارتباط وضعیت رشدکودکان ۳ تا ۶ ساله با امنیت غذایی در خانوار در مراجعین به مراکز بهداشتی درمانی قزوین سال ۱۳۹۵ ۳۹۶
کیفیت زندگی مرتبط با سلامت در بیماران مزمن کلیوی تحت درمان با دیالیز خونی، صفاقی و پیوند کلیه ۳۹۸
بررسی تمایل مادران کودکان مبتلا به سرطان نسبت به دریافت خبر بیماری فرزندشان ۴۰۰
پیشگیری و کنترل سرطان پستان با تصویربرداری مولکولی ۴۰۲
ترجمان دانش در پیشگیری و غربالگری سرطان: مرور توصیفی منابع **MEDLINE** ۴۰۴
ریسک تومورهای مغزی مرتبط با هورمونهای جنسی اندوژن و اگزوژن ۴۰۶
بررسی تاثیر نانواولئوروپین بر پروتئین **PSMD7** در سل لاین سرطانی **MCF7** ۴۰۸
بررسی عوامل موثر در بازگشت به مصرف مواد درمعتادان مراجعه کننده به مراکز ترک اعتیاد شهر خرم اباد در سال ۱۳۹۵ ۴۱۰
فراوانی مصرف ریتالین(متیل فنیدیت) و فاکتورهای همراه در دانشجویان پزشکی ۴۱۲
کاربرد مدل فرانظری در رفتار پیشگیری از پوکی استخوان ( فعالیت فیزیکی )در زنان ۳۰-۵۰ سال خرم آباد ۴۱۴
عوامل اجتماعی موثر بر سندرم روده تحریک پذیر در زنان مراجعه کننده به بیمارستان اروند اهواز ۴۱۶
بررسی میزان بروز دیس لیپیدمی در دوران بارداری و نقش آن در ایجاد دیابت بارداری سال ۹۵-۱۳۹۴ ۴۱۸
ارتباط سطوح بالای تری گلیسرید پلاسما با دیابت حاملگی و سایرعوارض در سه ماهه دوم بارداری ۴۲۰
آیا اختلالات نگرش به خوردن با چاقی همراه است؟ ۴۲۲
بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد جامعه ایرانی نسبت به استئوپروز ۴۲۴
تدوین الگوی مراقبت زنان پس از زایمان در منزل و بررسی تاثیر آن برسلامت مادران ۴۲۶
رابطه بین سلامت روان دانش آموزان و گرایش به رفتارهای پرخطر ۴۲۸
شیوع برونشیت مزمن و آسم در جمعیت آذرکوهورت ۴۳۰
چگونه سیستم ثبت ستون فقرات ایران را راه اندازی کردیم؟ ۴۳۲
ارزیابی دانش و نگرش دانشجویان پزشکی در رابطه با ایدز ۴۳۴
الگوی متیلاسیون **DNA** در سرطان پستان ۴۳۶
تاثیر حرکات ایروبیک بر اضطراب کودکان مبتلا به سرطان ۴۳۸
ارزیابی اثربخشی بالینی شیمی درمانی داخل صفاقی هایپرترمیک **(HIPEC)**در بیماران مبتلا به سرطان پیشرفته معده: مرور نظام مند بر مطالعات مرور نظام مند ۴۴۰
اثرات مصرف الکل بر ژن و پروتئین **XRCC1:**عوامل تهدید کننده سلامت ارگان های حیاتی بدن انسان ۴۴۲
ارزشیابی تأثیر برنامه آموزش اصلاح سبک زندگی مرتبط با چاقی (بعد فعالیت فیزیکی) در دانش آموزان دارای اضافه وزن مقطع ابتدایی شهر اصفهان ۴۴۴
ارزشیابی تأثیر برنامه آموزش بهداشت بر سبک زندگی مرتبط باتغذیه، در دانش آموزان دارای اضافه وزن شهر اصفهان ۴۴۶
بررسی مروری درمان پرفشاری خون با مصرف غذاهای دریایی ۴۴۸

# فهرست بخش انگلیسی مقالات


***Evaluation of health related behaviors and disease risk factors in students of Alborz Province in 1392-1393 ..... 3***
***Top Ten Causes of Death and Life Expectancy in Zahedan 2014 ..... 5***
***Prevalence of non-communicable disease risk factors in Rafsanjan in 1391 ..... 7***
***Development of an evidence-based approach to NCD risk assessment in Preventive Clinic ..... 9***
***The role of community medicine in preventing chronic disease ..... 11***
***Evidence based priority setting in achieving the objectives of National Action Plan for Prevention and Control of Non-communicable diseases and Sustainable Development Goals ..... 13***
***Designing and Developing Avicennapp Mobile Health Application: A Stride toward Prevention and Management of Diabetes and Cardiovascular Diseases in Iran ..... 15***
***Payer-provider case programs to improve care for peoples with serious illness and integration of palliative care ..... 17***
***Health sector budget review during the first and fourth Socio-economic Development Plan ..... 19***
***Social attribute as one of the main cultural attributes ..... 21***
***Job security among assistant professors (including permanent and contract staff) of Mashhad University of Medical Science, in the period of 1393-94 ..... 23***
***Diabetes and urbanization in the Iranian population: an analysis of national survey Stepwise Approach to Chronic Disease Risk Factor Surveillance 2011. ..... 25***
***Stage of change and motivation to self-care adherence in type 2 diabetes ..... 27***
***physical self-concept and self-care in patients with diabetes ..... 29***
***Evaluation of Diabetes Prevention and Control Program in Tehran ..... 31***
***The prevalence of pre-diabetes in people 30 years and older rural population of Qazvin 94-1393 33***
***Survey of the status and dietary patterns associated with obesity and diabetes at the University of Medical Sciences in 1394 ..... 35***
***Assessment of relationship between total body fat and insulin resistance in Tehran population in 1394 ..... 37***
***Study the interaction of dietary patterns and carrier protein gene variants in the vitamin D metabolic syndrome in Tehran ..... 39***
***Evaluation of the potential of diabetics regarding the self-management in controlling the diabetes in the central province (2015) ..... 41***
***Diet and metabolic syndrome in Iranian adult women: national surveillance of risk factors of non-communicable diseases ..... 43***
***The relationship between nutrition and breast cancer ..... 45***
***The relationship between dietary factors and gastric cancer ..... 47***
***Factors associated with the use, sale and distribution of cigarettes in Iran ..... 49***
***Prevalence of tobacco use among Shahr-e-kord University of Medical Sciences students in 139451***
***Application of Transtheoretical Model to predict Stage transition regarding smoking types (Cigarette vs. hookah): Report of a population based study in Iran ..... 53***
***Frequency of tobacco use among students in Tehran city ..... 55***

*The impact of educational interventions on smoking prevention in the city of Arak (2015-2016 ). 57*
*Regular Physical Activity among Female Students ..... 59*
*The effect of education on the quality of life of hypertensive patients ..... 61*
*Salt Substitutes in the World & Iran: Types & Effectiveness ..... 63*
*Medication Adherence in Patients with Hypertension: Does Satisfaction with Doctor-Patient Relationship Work? ..... 65*
*How much excess body weight, blood sugar, or agecan double the risk of hypertension? ..... 67*
*The survey of relationship between nutritional educations with hypertension control in patients with hypertension ..... 69*
*A Review on the Treatment of Hypertension with Seafoods ..... 71*
*The prevalence of high blood pressure in people over 30 years the city of Kashan ..... 73*
*Health-promoting behaviors and related factors among employees of Tehran Tobacco company 75*
*Evaluation of the effect income on self-care performance ..... 77*
*Study the possibility of reducing sugar intake by replacing it with a natural sweetener Stevia ..... 79*
*Ways to reduce consumption of sugar in the community to reduce noncommunicable diseases 81*
*Check the status of blood pressure in patients with hypertension detected Gonabad city 93 years 83*
*Self-care in the prevention of hypertension in 2015 (Case study of Tafresh city ) ..... 85*
*Association between common polymorphisms of vitamin D receptor gene and risk of coronary artery disease: a systematic review and meta-analysis ..... 87*
*The impact of cardiac rehabilitation program after optional percutaneous coronary intervention on the severity of depressive symptoms in patients: a cohort study ..... 89*
*Assessment of physical activity in medical students of Shahid Sadoughi university of medical sciences in 2015 – A descriptive cross-sectional study ..... 91*
*The effect of education on the quality of life of hypertensive patients ..... 93*
*Salt Substitutes in the World & Iran: Types & Effectiveness ..... 95*
*Medication Adherence in Patients with Hypertension: Does Satisfaction with Doctor-Patient Relationship Work? ..... 97*
*Validity and reliability of Tilburg frailty indicatr in assess of prevalence and risk factors of this syndrome in Iranian elderly ..... 99*
*The Relationship of self care and quality of life in hypertensive patients ..... 101*
*Epidemiology of stroke in south west of Iran, Bushehr, 2013-2014 ..... 103*
*The effect of paleo diet on the risk factors of cardiovascular diseases ..... 105*
*Efficiency of health literacy on the physical activity and health in women ..... 107*
*Assessment of physicians adherence to American Heart Association guidelines on the approach to cardiovascular disease risk factors in Firoozgar educational hospital ..... 109*
*The prevalence of non-communicable diseases in iran primary health care unit in Shahreza within 10 months from the start of IRAPEN in Iran from Esfand 1394 until the end of Azar 1395 ..... 111*
*Introducing the National management Program for Acute Myocardial Infarction ..... 113*
*Mortality Attributable to Excess Body Mass Index in Iran ..... 115*
*A Systematic Review on the Prevalence of Overweight and Obesity, in Iranian Children and Adolescents ..... 117*
*Central obesity and cardiovascular risk factors: The SuRF NCD (Surveillance of Risk Factors of Non-Communicable Diseases) Report 2012 ..... 119*
*Overweight and obesity contribute to community-based interventions: Health Equity Assessment city plan ..... 121*
*Assessing the association between dietary patterns and body composition, general and central obesity and some related biochemical biomarkers in healthy Tehrani adults ..... 123*
*Prevalence of obesity, smoking, eating habits and physical activity and factors affecting faculty of medical sciences in 1392 (the study of quantitative and qualitative) ..... 125*

*Introduction of Risk Assessment and Risk Management COHORT for Cardiovascular diseases and diabetes mellitus in selected areas of 16th and 17th zones in Tehran from 2016 to 2021: Phase 2, Establishment after a successful pilot and feasibility assessment study* ..... 127
*Depression and cardiovascular disease: review article* ..... 129
*Prevention of obesity and overweight in the city of Delijan in 2015-2016* ..... 131
*The role of social support and sense of coherence in predicting coronary artery disease* ..... 133
*Access to care and treatment in patients with first ever stroke* ..... 135
*Case Fatality Rate of Stroke in Iran: A Systematic Review and Meta-Analysis* ..... 137
*Estimation of Burden in DALY for Myocardiac Infacrtion in West Azarbayjan* ..... 139
*Perception, Knowledge & Awareness of Heart Disease among Medical Students of Shahid Beheshti University* ..... 141
*Prevalence of Smoking and High Blood Pressure, Two Major Risk Factors for Non-communicable Diseases: The SuRF NCD (Surveillance of Risk Factors of Non-Communicable disease) Report 2012* ..... 143
*Effect of theory-based intervention to promote activity among adolescent girls: a randomized control trial* ..... 145
*Forecast stretching in office workers using health promotion model: cross-sectional study from Tehran, Iran.* ..... 147
*Analyzing socioeconomic inequity of sedentary behaviors among children in Kurdistan, using the concentration index* ..... 149
*Effective interventions to promote physical activity and obesity control* ..... 151
*Physical activity and metabolic syndrome among Iranian women: National Surveillance of risk factors of non - communicable diseases (SuRF)* ..... 153
*Effect of coronary artery disease primary prevention guidelines on reducing prevalence of cigarette smoking and physical inactivity* ..... 155
*The trend of traffic accidents in Golestan Province from 1390 to 1394* ..... 157
*Which community health or a more serious role in the prevention of traffic accidents? (Multilevel analysis)* ..... 159
*Distracted Driving Behavior prevention: effectiveness of education* ..... 161
*Reviews the geographical distribution and causes of death and risk factors in fatal road accidents in Ardabil province from July 1391 to 1392 (an analysis GIS)* ..... 163
*Price injuries caused by traffic accidents in the North East of Iran (2014-2016)* ..... 165
*Physical Activity Assessment of Medical Students from Hamadan University of Medical Sciences during 2015* ..... 167
*Predictors of Stages of Change on physical activity based on Trans -Theoretical Model: A Population-based Study* ..... 169
*Compare resiliency in patients with MS and normal subjects* ..... 171
*Assessing the effectiveness of mothers' parenting practices training programs on behavioral-emotional disorders of preschoolers in city of Chalus 95* ..... 173
*The prevalence of Personality Disorder :A Cross-Sectional study in Tabriz* ..... 175
*Paired factors involved in the emergence of Women addiction: a qualitative study* ..... 177
*Validation of the Violence Risk Screening-10 instrument (V-RISK-10) among patients referred to a psychiatric hospital in Iran* ..... 179
***Keywords:*** *Violence, Screening, Psychiatric* ..... 179
*Attitudes of health care providers about mental disorders stigma in Karaj health centers in 2016181*
*The relationship between personality disorders and traffic accidents* ..... 183
*The effectiveness of hardiness to reduce burnout among emergency nurses* ..... 185
*The impact of cognitive-behavioral counseling on anxiety of mothers of newborns hospitalized in intensive care unit* ..... 187
*Frequency of in the attempted suicide in East Azerbaijan province* ..... 189

***Association of Junk Food Consumption with Depression in adolescents living in high and low socio-economic districts of Tehran*** ..... ***191***
***Nutrient pattern in relation to the breast cancer*** ..... ***193***
***Factors affecting the incidence of breast cancer*** ..... ***195***
***Demographic study of gastrointestinal cancers, in north east of Iran: report of twelve thousand patients*** ..... ***197***
***The most important risk factors for breast cancer for the women of 65-20 years old in 1391*** ..... ***199***
***Effects of living in an urban environment on breast cancer in Iran*** ..... ***201***
***Evaluation of people with Colorectal cancer risk screening program in Arak*** ..... ***203***
***Social determinants of health and five-year survival of colon cancer*** ..... ***205***
***The geographical distribution of esophageal and rectal cancer and comparing them in the hospitals of Shahid Beheshti University of Medical Sciences .tehran's Iran - 1392 (Persian Calender)*** ..... ***207***
*word :Esophagial cancer,* ***Out- of- Pocket Payment 's medication of patients with esophageal cancer admitted in hospitals of Shahid Beheshti University, Tehran province- 1392 (Persian Calender)209***
***The role of metformin in preventing breast cancer through mTOR inhibition*** ..... ***211***
***Compare the diagnostic value of MRI and CT-Scan in Colorectal Cancer*** ..... ***213***
***The presence of some carcinogenic polycyclic aromatic hydrocarbons in roasted sunflower seeds*** ..... ***215***
***Participation rate and related factors in colonoscopy screening program in first –degree relatives of patients affected by colorectal cancer*** ..... ***217***
***Most common diagnosed cancers and the most common cancerous cause of death in zahedan (south east Iran) in 2014*** ..... ***219***
***Integrating Personalized Medicine in Cancer Control and Prevention: Pros and Cons*** ..... ***221***
***The role of health education in the prevention of cancer - a systematic review*** ..... ***223***
***Mammographic screening for breast cancer in women in Zahedan barriers*** ..... ***225***
***Cancer survival rates according to cancer registry of Bushehr province 2001-2013*** ..... ***227***
***Health Care in Slums of Karaj 2015*** ..... ***229***
***The study of gender equityobservable in health care reception in hospitals of Mashhad University of Medical Sciences*** ..... ***231***
***The prevalence of metabolic syndrome and different obesity phenotype in Iranian male military personnel*** ..... ***233***
***Urban-rural differences in prevalence of risk factors of non-communicable diseases (NCDs): The WHO–STEPS Iranian NCD risk factor surveillance in 2011.*** ..... ***235***
***The financial challenges of the health system to deal with non-communicable diseases*** ..... ***237***
***Does health reform plan has changed patient experiences of a hospital stay? Comparing results of 2 cross sectional studies in 5 public hospitals in Karaj*** ..... ***239***
***The early stages of designing Country document of non-communicable Disease Control and Prevention*** ..... ***241***
***Does family Physician programme improve financial contribution of patients?*** ..... ***243***
***Reduce mortality from non communicable diseases in order to achieve sustainable development goals*** ..... ***245***
***Chronic Diseases and Catastrophic Health Expenditure: Evidence from Hamadan, Iran*** ..... ***247***
***Introducing the National Management program for acute ischemic stroke*** ..... ***249***
***Evaluation of health locus of control (HLOC) and association with quality of life among HIV-infected patients*** ..... ***251***
***The effect of group counseling based on cognitive-behavioral approach on the pregnancy-specific stress and anxiety*** ..... ***253***
***The Impact of Family Support Program on Stress in the Family Members of Open-Heart Surgery Patients*** ..... ***255***

*Effectiveness of cardiac rehabilitation interventions in ischemic heart diseases in North-west of Iran ..... 257*
*The effects of quercetin on cardiovascular diseases ..... 259*
*The relationship between the wrist and neck circumference with cardiometabolic risk factors in children and adolescents: CASPIAN Study ..... 261*
*Clinical Guideline on Cardiovascular Disease Prevention ..... 263*
*Assessment of health status among employees of semi-private organizations ..... 265*
*Is hypertension in children linked to birth weight or current weight? ..... 267*
*Lung cancer epidemiology and risk factors in Ardabil, Iran ..... 269*
*Genetic Testing for Cancer Risk ..... 271*
*The effect of night work and working pressure on breast cancer ..... 273*
*Association between Cancer and Lifestyle ..... 275*
*Predisposing factors on cancer incidence ..... 277*
*Mantenance of Lung Cancer Study in Yazd, Results of a Longitudinal Research, Duration: 1386-1392 ..... 279*
*Effect of Sodium Nitrate as a Food Preservative on Micronucleus Induction in Human Lymphocytes ..... 281*
*The role of social care and tolerance in prevention and control of psychological disorders in cancer patients ..... 283*
*Predisposing factors for bladder cancer ..... 285*
*Breast Canser Diagnosis Methods and Results Study in Rafsanjan (1390-1395) ..... 287*
*Epidemiology of primary lung cancers and their trends in Northeast of Iran during 1985-2012.. 289*
*Screening for Breast Cancer in women in Khoram Abad (a cross-sectional study) ..... 291*
*Evaluation of the prevalence of prostate cancer screening and related factors in men of zahedan in 2016 ..... 293*
*Relationship between Prostate Cancer and Sexual Activity: A Case-Control study ..... 295*
*Association of 25-hydroxy Vitamin D and the risk of breast Cancer ..... 297*
*Physical Activity in Pregnant women presenting to Health Care Centers of Hormozgan University of Medical Sciences in 2015 ..... 299*
*Trend of Physical Exercise in Pregnant women and their attitude: Based on Planned behaviour theory ..... 301*
*Epidemiological assessment of reffering reasons in elderly people in Mashhad's hospitals..... 303*
*Schizophrenia and cardiovascular disease: review article ..... 305*
*Effect of Hypertension on rate and severity of Hypertensive Retinopathy in patients presenting to Internal Medicine and Cardiology Departments of Khatamolanbia Hospital and Imam Hosein Hospital in Shahrood— 2015 ..... 307*
*The prevalence of hypertension in rural population over 30 years in Dezful University of Medical Sciences, 1395 ..... 309*
*Prevalence of Violence against nurses working in teaching hospitals affiliated to Mashhad Islamic Azad University in 1394 ..... 311*
*Assess the health needs of adolescent girls in Iran: A Case Study of Khorramabad in 1394..... 313*
*Effectiveness of Maternal Health Care and Role of Social Determinants on Pregnancy Outcome315*
*Prevalence of overweight and obesity in offices in Azar East ..... 317*
*Assessing the dietary patterns and 9P21 region polymorphisms interaction on body composition measurements, general and central obesity and some related biochemical biomarkers in healthy Tehrani people ..... 319*
*Prevalence of obesity in 11- 9-year-old female primary school students in Tehran in the academic year 93-92 ..... 321*
*Screening for diabetes and high blood pressure in adults and a review of risk factors for diabetes in the asadabadi hospital, Tabriz ..... 323*

*Screening for diabetes in people 30 years and older rural population of Qazvin during 1394-1393325*
*Study of effectiveness of diabetic care (type II) in LARESTAN-2015 ..... 327*
*The effect of barriers to living with diabetes..... 329*
*The relationship between glycemic control and lipid profile in patients with diabetes ..... 331*
*The effect of education pamphlets on self-care and empowerment of families in type II diabetic patients..... 333*
*Adaptation of Guideline for assessment, prevention, management of risk factors for diabetes . 335*
*The Effect of Self-care Education in Prevention and Control of Gestational Diabetes ..... 337*
*study the status of depression in people over 16 years with diabetes ..... 339*
*The effect of buckwheat and honey in the control of Helicobacter pylori and dyspepsia ..... 341*
*Determining the risk factors relating to kidney stones:case-control study..... 343*
*Relationships between medical schools and teaching hospitals in Iran: A case study at Tehran University of Medical Sciences..... 345*
*Validity of Questionnaire-Based Diagnosis of Chronic Obstructive Pulmonary Disease in Azar-Cohort Population..... 347*
*Relationship between child growth and maternal feeding behavior ..... 349*
*Evaluate the performance of students at the University of Medical Sciences in the field of sports physical activities in 1394 ..... 351*
*The factors affecting the choice of complete suicide method in Kermanshah Province..... 353*
*Screening for peripheral neuropathy in diabetic Patients referred to diabetes center of Khorramabad in 2015 ..... 355*
*Features of an effective reward system on the performance of hospital staff..... 357*
*Impact of trans-theoretical model on promoting employees' physical activity: An action research359*
*Eating attitudes among adolescent girls in Tehran:A school-based cross-sectional study ..... 361*
*Sexual dysfunction status, in Iranian Families: a systematic review..... 363*
*To Assess the Frequency of Depression and Anxiety in Chronic Kidney Disease Patients Undergoing Hemodialysis, Peritoneal Dialysis and Kidney Transplantation,Mashhad, 2014-15 ..... 365*
*Survey of effect of type of Surgery on outbreak of delirium in patients after eye surgery in AL-Zahra eye hospitals..... 367*
*Protective and Therapeutic Role of Erythropoietin in Acute Ischemic Events ..... 369*
*Compare short-term survival outcomes and neurological function in patients undergoing mechanical and manual CPR, And the benefits of mechanical compressions in pre-hospital and inside the ambulance resuscitation..... 371*
*Modeling the factors affecting mortality of open heart surgery using two models: Logistic regression and decision trees ..... 373*
*the effec of health belief model based educational program on the nutritional knowledge and behaviors of patients with cabg in shahidbeheshti hospital in pom..... 375*
*Predicting MI among patients in emergency unit of Tehran heart center ..... 377*
*Effects of patient education and post_discharge follow upon readmission rate ..... 379*
*Effective factors in heart failure readmission..... 381*
*Dispersion of inpatient cardiovascular diseases and distribution of Coronary Care Unit beds during 2011-2015: based on hospital data and information of ministry of health and medical education of Iran..... 383*
*Investigating the relationship between working shifts and the success rate cardio-pulmonary resuscitation ..... 385*
*The effect of family-centered empowerment model on the indicators of the ability of patients with high blood pressure ..... 387*
*Evaluation of Mashhad University of Medical Science performance in poor patients: 2016 ..... 389*
*Assessment of knowledge of reproductive age women of pre-pregnancy care..... 391*
*Social determinants of depression in people with spinal cord injury ..... 393*

*Lived Experience in obese women: A Hermeneutic Phenomenological Study ..... 395*
*A Study of Relationship between Child Growth and Food Security in family with Children Aged 3 to 6 Years Old in Qazvin 1395 ..... 397*
*Health Related Quality of Life in Chronic Kidney Disease Patients Undergoing Hemodialysis, Peritoneal Dialysis and Kidney Transplantation ..... 399*
*Mothers' preferences toward Breaking Bad News about their children cancer ..... 401*
*Prevention and Control of Breast Cancer by Molecular Imaging ..... 403*
*Cancer Prevention and Screening through Knowledge Translation: a MEDLINE Literature Review405*
*Risk of Brain Tumors Associated with Exogenous and Endogenous Sex Hormones ..... 407*
*Mechanism on the Evaluation of Nano Oleuropin Effects on PSMD7 Protein in MCF7 Cell line .. 409*
*Study of effective factors in return to substance abuse in clients referred to addiction treatment centers of Khorramabad in 2016. ..... 411*
*The frequency of methylphenidate (Ritalin) consumption and it's associated factors in medical students ..... 413*
*Application of Trans –theoretical Theory Model for physical activity behavior in osteoporosis preventive among women Khoramabad: A study based on the Trans-theoretical Model ..... 415*
*Survey of Social factors in Patients with Irritable Bowel Syndrome ..... 417*
*Incidence rate and the role of dyslipidemia during pregnancy in developing gestational diabetes419*
*Relationship between High levels of plasma triglyceride with gestational diabetes and other problems in the second trimester of pregnancy ..... 421*
*Is Abnormal Eating Attitudes Associated With Obesity? ..... 423*
*A survey of knowledge,attitude and practice of Iranian society about osteoporosis ..... 425*
*Developing of take care of the postpartum women at home and assess the effect of the mother's health ..... 427*
*The relationship between students' mental health and tendency toward risky behavior ..... 429*
*Prevalence of Chronic Bronchitis and Asthma in Azar- Cohort Population ..... 431*
*How we developed national spinal (cord and column) injury registry of Iran(NSCIR-IR)? ..... 433*
*Assessment of medical students' perceptions of HIV/AIDS ..... 435*
*Model of DNA Methylation in Breast Cancer ..... 437*
*The Effect of aerobics on anxiety mild in Children with Cancer ..... 439*
*Assessment of the Clinical effectiveness of hyperthermic intraperitoneal chemotherapy (HIPEC) for patients with advanced gastric cancer: a comprehensive review of systematic reviews ..... 441*
*The effects of alcohol on XRCC1 gene and protein: health problems of the human body vital organs ..... 443*
*Evaluate the effectiveness of lifestyle modification for obesity (physical activity) in overweight elementary school students in Isfaha ..... 445*
*Evaluation of the impact of health education program on lifestyle related to nutrition, overweight students in Isfahan ..... 447*
*A Review on the Treatment of Hypertension with Seafoods ..... 449*

# خلاصه مقالات

## اولین کنگره پزشکی اجتماعی ایران

## پیشگیری و کنترل بیماری های غیر واگیر

# بررسی رفتار های مرتبط با سلامت و عوامل خطر زای بیماریها در دانش آموزان استان البرز سال تحصیلی۹۳ – ۹۲

فخرالسادات امامی اوره [1]، سهیلا هادیان[2]، زهرا داداشی عین شیخ[3]

۱- مشاور معاون و کارشناس مسئول بهداشت ، معاونت بهداشت، ع.پ. ایران، تهران ، ایران

۲- کارشناس مسئول بهداشت مدارس ، معاونت بهداشت ، البرز، کرج، ایران

۳- مدیرگروه بهداشت خانواده ، کرج، البرز، کرج، ایران

**نویسنده مسئول:** فخرالسادات امامی اوره

**محور:**سایر

**زمینه و هدف:** افزایش روند مرگ و میر و شیوع بیماریهای عمده غیرواگیر مستقیماً به سه عامل خطر اصلی قابل پیشگیری (مصرف سیگار، تغذیه نامناسب و عدم فعالیت بدنی مناسب) وابسته هستند. این پژوهش به منظوربررسی رفتار های مرتبط با سلامت و عوامل خطر زای بیماریهابر روی ۴۸۰ دانش آموز دختر و پسر انجام شد.

**روش کار:** بر روی ۴۸۰ دانش آموز دختر و پسر به روش نمونه گیری طبقه بندی شده و خوشه ای چند مرحله ای انجام شد. روش اجرای طرح: مطالعه به صورت مقطعی و توصیفی برروی تعداد ۴۸۰ نمونه از دانش آموزان مدارس استان البرزدر سال ۹۲ انجام شد.ابتدا پرسشنامه های ساختار یافته در خصوص بررسی رفتارهای مرتبط با سلامتی با همکاری والدین و دانش آموزان تکمیل شد و سنجش فشار خون وسنجش قد و وزن دانش آموزان ، $BMI$ نیز محاسبه و ثبت شد.

**یافته ها:** ۱۲ ٪ دختران و /۱۶٪پسران دارای اضا فه وزن ،میزان فعالیت فیزیکی با شدت متوسط وزیاد در دختران ۹۰٪ودر پسران ۹۴٪ بود. ۶۳٪دانش آموزان دارای وضعیت بد بهداشت فردی بودند. ۲۳٪ دانش آموزان مقطع دبیرستان استعمال دخانیات را حداقل یکبار تجربه کرده اندو ۱۵٪ دانش آموزان مقطع دبیرستان بطور ادواری از سیگارو قلیان استفاده می کنند .

**نتیجه گیری:** آموزش رعایت بهداشت فردی (مسواک زدن و دست شستن ) وآگاهی دادن به دانش آموزان و خانواده ها بخصوص مادران در ارتباط با عوامل زمینه ساز رعایت بهداشت فردی وآموزشهای اجتماعی پیشگیرانه رفتاری به دانش آموزان اکیدا توصیه می گردد.

**کلمات کلیدی:** مصرف سیگار، تغذیه ، فعالیت بدنی،شاخص توده بدنی ،فشارخون، بهداشت

# Evaluation of health related behaviors and disease risk factors in students of Alborz Province in 1392-1393

*Emami-Oreh F. [1], Hadian S. [2], Dadashi-EinSheikh Z. [3]*

*1. The deputy adviser and officers of Health, Department of Health, Medical Science of Iran, Tehran, Iran*

*2. The Department of School Health, Department of Health, Alborz, Karaj, Iran*

*3. Head of department of family, Karaj, Alborz, Karaj, Iran*

*Corresponding Author: Emami-Oreh F.*

*Introduction: the increased of fatality caused by non- communicable diseases that are directly related to three main preventable risk factors including smoking, mal nutrition, and lack of appropriate physical activity is important, This research was performed for studying behaviors related to health and diseases risk making factors in Alborz province*

*Methods: The study was performed in a sectional and descriptive way onl students in Alborz province schools in 2013. First structured questionnaires were completed with cooperation of parents and sblood pressure was taken and the height and weight by standard scale by health technicians of schools; BMI was also calculated and registered.*

*Results: 12% of girls and 16.7% of boys was over weight. The amount of physical activity with . 63.7% of students had bad condition of personal hygiene 23.8% of senior high school students had experienced at least one time smoking and 15.4% of senior high school students were using cigarette and hookah periodically. The regular exercise program was 84.7% in girls\' school and 69.2% in boys\' school.*

*Conclusion: Findings estimate that mild increasing of B.P index of blood pressure at adulthood. in these students, also an so observance of low personal hygiene (teeth brushing and hands washing). we are steel facing outbreak of tobacco products utilization in senior high school level increasing physical activities as well as observing personal hygiene and preventive measures and education teeth brushing and hand washing to students is recommended.*

# ده علت مرگ و امید به زندگی در زاهدان در سال ۲۰۱۴

ملک کیانی[۱]، نرجس سرگلزایی[۲]، محمد سالاری[۳]، مرتضی خسروی[۴]

۱- معاون اجرایی مرکز بهداشت استان، مرکز بهداشت استان، زاهدان، زاهدان، ایران

۲- مدیر گروه، پردیس علوم پزشکی، زاهدان، زاهدان، ایران

۳- مسئول واحد آمار مرکز بهداشت استان، مرکز بهداشت استان، زاهدان، زاهدان، ایران

۴- دانشجو، دانشکده پزشکی، زاهدان، زاهدان، ایران

**نویسنده مسئول:** ملک کیانی

**محور:**سایر

**زمینه و هدف:** امید زندگی از شاخصهای نشان دهنده وضعیت کلی سلامت در جوامع می باشد. سیستان و بلوچستان پهناورترین استان و از استانهای کمتر توسعه یافته ایران می باشد.در این مطالعه ما سعی کردیم ۱۰ علت اول مرگ و امید زندگی در مرکز این استان را تعیین و با الگوی کشوری مقایسه کنیم .

**روش کار:** مطالعه ما یک مطالعه مقطعی است. جمعیت مورد مطالعه عبارتند از کل ساکنین شهرستان زاهدان در سال ۱۳۹۳. داده های مربوط به علل مرگ را از سیستم ثبت مرگ مرکزبهداشت استان مطابق با کدهای *ICD10* استخراج کردیم .برای برآورد موارد کم شماری ثبت مرگ از روش ویلیام براس استفاده شد و سپس با استفاده از جدول عمر ، امید زندگی را برای مردان و زنان زاهدانی محاسبه گردید

**یافته ها:** ده علت اول مرگ در شهرستان زاهدان به ترتیب عبارت بودند از : حوادث و مسمومیتها، بیماریهای پریناتال، سکته های مغزی، بیماریهای ایسکمیک قلب،سرطانها،الزایمر، بیماریهای خاص عفونی و انگلی، ناهنجاریهای جنینی و عفونتهای سیستم تنفسی. پوشش ثبت مرگ در زاهدان بر اساس روش ویلیام براس ، برای مردان ۸۳٪ و برای زنان ۷۳٪ بود. پس از اعمال موارد کم شماری امید زندگی برای مردان و زنان به ترتیب ۶۴,۳۹ و ۶۷,۵۱ سال برآورد شد

**نتیجه گیری:** با توجه به رتبه سکته های قلبی، بیماریهای ایسکمیک قلب، حوادث و سرطانها در مطالعه ما، الگوی علل مرگ در زاهدان به الگوی جمعیتهای با درآمد متوسط و بالا شبیه است. ولی رتبه دوم بیماریهای دوره پریناتال در این شهرستان به الگوی جمعیتهای با درآمد پایین نزدیکتر است.

**کلمات کلیدی:** *Causes of Death, Life Expectancy, life table*

# Top Ten Causes of Death and Life Expectancy in Zahedan 2014

*Kiani Malek [1], Sargolzaee Narjes [2], Salari Mohammad [3], Khosravi Morteza [4]*

*1. Executive Vice Provincial Health Center, Health Center of the province, Zahedan, Iran*

*2. The Director of the Department, College of Medical Sciences, Zahedan, Iran*

*3. Responsible for Statistics unit of Provincial Health Center, Health Center of the province, Zahedan, Iran*

*4. Student, Faculty of Medicine, Zahedan, Iran*

*Corresponding Author: Kiani Malek*

*Introduction: Sistan and Balouchestan is widest and one of the least developed provinces in Iran. We tried to determine the top 10 causes of death and life expectancy in this province's center in 2014 and compare them with Iran and global pattern*

*Methods: It is a cross-sectional study.on Zahedan population in 2014. We used data from the death registration system according to ICD10 codes to determine the top 10 causes of death. We applied William Brass method to modify mortalities undercount. Then we estimated the life expectancy for men and women in Zahedan by providing lifetime tables*

*Results: The top ten causes of death in Zahedan were, respectively:injury, poisoning and other certain consequences of external causes, certain conditions originating in the prenatal period, strokes, ischemic heart diseases, neoplasm, Alzheimer disease, hypertension-related diseases, congenital malformations, deformations and chromosomal abnormalities, certain infectious and parasitic diseases and respiratory system infections. The death registration coverage in Zahedanhad been 83% for men and 73% for women in 2014 based on William Brass method. After applying undercount deaths we determined life expectancy 64.39 years and 67.51 years respectively for men and women.*

*Conclusion: In regard to ranks of strokes, ischemic heart disease, road accidents and cancers in our study; our results are similar to countries with middle income and higher income. Also, it is pertinent to also state it that the second rank of prenatal disease in our population is similar to that of the low-income countries.*

# بررسی شیوع عوامل خطر بیماریهای غیرواگیر رفسنجان سال ۱۳۹۱

آلاء سعیدی[۱]، سید محسن نژادقادری[۲]، احمد جمالیزاده[۳]، امیرحسین پورکرمی[۱]، نجمه ایران نژاد[۱]

۱- کارشناس بیماریها، معاونت بهداشتی رفسنجان، ایران

۲- مدیرگروه بیماریها، معاونت بهداشتی رفسنجان، ایران

۳- معاونت بهداشتی رفسنجان، ایران

**نویسنده مسئول:** آلاء سعیدی

**محور:**سایر

**زمینه و هدف:** در طول سالیان اخیر، عوامل خطر بیماریهای غیرواگیر افزایش یافته است.

**روش کار:** دراین مطالعه ۶۴۰نفر در ۴گروه سنی، بااستفاده ازپرسشنامه و نرم افزار *SPSS20* موردبررسی قرارگرفتند.

**یافته ها:** نتایج نشان میدهد شیوع مصرف سیگار ۱۲/۲٪ که درمردان بالاترازنان ( $p<۰/۰۵$)، میانگین مصرف روزانه میوه و سبزی ۲/۷۶ واحد، میانگین فعالیت جسمانی ۱۲۳/۴۵ دقیقه که درمردان با '۱۹۲/۱۴ بالاتر اززنان ( '۵۹/۶۱) و طبق نمایه توده بدن، چاقی ۲۱/۷٪ و اضافه وزن ۳۳/۱٪ براورد گردید. پرفشاری خون ۱۹/۴٪ که این درصددرمردان و زنان ۲۳/۲ و ۱۶/۱ تفاوت معنی داری مشاهده شد. ($p<۰/۰۵$)

**نتیجه گیری:** ۵ عامل خطر بیماریهای غیرواگیر دررفسنجان شیوع بالایی دارد به طوریکه تنها ۸/۶٪ از افراد ۴۴-۱۵ ساله فاقدتمامی عوامل خطر و درگروه کم خطر قرارداشتند. از آنجاکه عوامل خطر اثرات تجمعی بریکدیگردارند، باکاهش عوامل خطر، میتوان ازبیماریهای غیرواگیر کاست.

**کلمات کلیدی:** *Prevalence, risk factors, non-communicable diseases, Rafsanjan*

# Prevalence of non-communicable disease risk factors in Rafsanjan in 1391

***Saeedi Ala 1, Nezhadqadery Seyed Mohsen 2, Jamalizadeh Ahmad 3, Poorkaramy Amirhossein, Iraninezhad Najmeh***
***1. Department of Health, Rafsanjan, Iran***
***2. Department of Health, Rafsanjan, Iran***
***3. Deputy of Health, Department of Health, Rafsanjan, Iran***
***Corresponding author : Saeedi Ala***

*Introduction: In recent years, non-communicable disease risk factors have been increased*

*Methods: 640 people divided four age groups. Data were collected by questionnaire and were analyzed SPSS 20*

*Results: Smoking was estimated %12.2 that this prevalence in men was higher than women*

*Conclusion: Five risk factors of non-communicable diseases have high prevalence in Rafsanjan. Only 8/6% of 44-15 year-old were without these risk factors and in low-risk group. So by reducing risk factors can decrease non-communicable diseases.*

# تدوین مسیری مبتنی بر شواهد برای ارزیابی خطر بیماری های غیرواگیر در کلینیک پیشگیری و ارتقاء سلامت

مریم بیگلری ابهری[1]، بتول طایفی[2]، زهرا رام پیشه[3]

۱- مسئول کلینیک پیشگیری، بیمارستان فیروزگر، علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۲- استادیار، علوم پزشکی ایران، علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۳- استادیار، علوم پزشکی ایران، علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** مریم بیگلری ابهری

**محور:**سایر

**زمینه و هدف:** ارزیابی خطر مهم ترین پیش نیاز برای طراحی واجرای مداخلات پیشگیرانه می باشد. دراین پژوهش نیز هدف ما تدوین کوتاه ترین ودرعین حال جامع ترین مسیر ارزیابی خطربیماری های غیرواگیر می باشد.

**روش کار:** ابتدا جستجوی مبسوطی در جدیدترین راهنماهای معتبر بالینی و نیز مقیاس های محاسبه خطر بیماری ها صورت گرفت. الگوریتم ها به نوعی طراحی شدند که هیچ عامل خطری از نظر دور نماند. لذا برای بیماری های قلبی عروقی و سرطان پستان ، دوالگوریتم طراحی شدند که به تریتب اجرا می شوند. برمبنای شواهد موجود، برای بیماری های قلبی عروقی، دیابت، بیماری های مزمن کلیوی، پوکی استخوان و سرطان های روده بزرگ ،پستان ،پوست و دهانه رحم، همچنین برای عوامل خطر مهم شامل تغذیه، فعالیت فیزیکی، مصرف دخانیات، الکل ومواد الگوریتم های اختصاصی طراحی شدند. برون داد نهایی اجرای الگوریتم ها یا به صورت کمی ودرصد ویا کیفی رتبه ای (کم، متوسط، زیاد)خواهد بود که مبنای تصمیم گیری های بالینی وارائه توصیه ها برای افراد می باشد. سایر عوامل خطر طی اخذ شرح حال یا معاینه فیزیکی بررسی وشناسایی می شوندکه مستقیما ملاک تصمیم گیری برای ارجاع فرد به متخصص مربوطه خواهند بود.

**یافته ها:** درپایان فرایند، یک شرح حال ساختاریافته الگوریتمیک و ۲۶ الگوریتم اختصاصی به دست آمد.

**نتیجه گیری:** طی این فرایند، چارچوبی علمی و عملی برای فعالیت های کلینیک پیشگیری فراهم شد که به بروزرسانی و ارتقاء مستمر آن توجه ویژه خواهد شد.

**کلمات کلیدی:** بیماریهای غیرواگیر، ارزیابی خطر، الگوریتم، کلینیک پیشگیری

# Development of an evidence-based approach to NCD risk assessment in Preventive Clinic

*Beiglari Abhari Maryam [1], Tayefi Batool [2], Rampisheh Zahra [3]*

*1. Resposible for Prevention Clinic, Firoozgar Hospital, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran*

*2. Assistant Professor, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran*

*3. Assistant Professor, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran*

*Corresponding Author: Beiglari Abhari Maryam*

*Introduction: Risk assessment is the most critical perquisite for development of preventive interventions. So, the aim of current research is providing the most complete and brief direction, based on evidences for non- communicable diseases risk assessment in preventive clinic .*

*Methods: A comprehensive search was conducted through evidences and clinical guidelines and validated scores of risk calculation .Algorithms were developed carefully, so we didn't miss any risk factor in assessment process. For cardiovascular diseases and breast cancer we provided a two step algorithms considering all risk factors. Evidence based algorithms were structured for ischemic heart diseases, Type 2 DM, chronic kidney diseases, osteoporosis and cancers of colon, breast, skin and cervix. for Some important risks ,assessment algorithms are separately provided. for example: nutrition, physical activity, smoking and alcohol-drug abuse. Final out of algorithms apply will be continuous variables and percentiles or ordinal(low, moderate, high) which would be the criterion for clinical decision making and recommendations. Other risk factors will be detected through taking history and physical examination and patient will be referred to specialist directly.*

*Results: At the end of process, an structured history form and 26 algorithms were provided.*

*Conclusion: The output of research is a scientific framework for preventive actions in clinic. We will update and promote them continuously.*

*Keywords: risk assessment, algorithm, disease prevention, NCD*

# نقش پزشکی اجتماعی در پیشگیری از بیماری های مزمن

محمد امیری[1]

۱- مدیر گروه، دانشکده پزشکی بوشهر، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، ایران

**نویسنده مسئول:** محمد امیری

**محور:**سایر

**زمینه و هدف:** نقش جامعه، هماهنگی های بین بخشی و تعیین کننده های اجتماعی سلامت در کنترل بیماری های مزمن پررنگتر است و گروهی که می توانند با در نظر گرفتن این مولفه ها درپیشگیری از بیماری های مزمن گام های بلندی بردارند، متخصصین پزشکی اجتماعی هستند

**روش کار:** با استفاده از سند معتبر اعلامیه آلماآتا، فعالیت هایی که در جریان طراحی شبکه های بهداشتی درمانی کشور انجام شده و برنامه های متنوعی که توسط *WHO* و یونیسف در قالب شبکه های بهداشتی درمانی ارایه و اجرا شده است. آمارهای حیاتی مقایسه ای طی سال های فعالیت های شبکه های بهداشتی درمانی و اسناد مربوط به بار بیماری ها

**یافته ها:** بیماری های مزمن چالش های جدی پیش روی سلامت جامعه است و علیرغم اختصاص منابع عظیمی از بخش سلامت، اقدامات درمانی نتیجه مطلوبی ندارد.

**نتیجه گیری:** منخصص پزشکی اجتماعی دانش آموخته ای است که دانش و مهارت های لازم در این زمینه را کسب کرده و می تواند رهبری برنامه های کنترل بیماری مزمن را عهده دار شود. ارزیابی سلامت جامعه، کلینیک طب پیشگیری و ارتقا سلامت، *Population Lab*، تاکید و توجه بر *SDH* با پشتیبانی هماهنگی بین بخشی، پایش و ارزشیابی برنامه های سلامت و تحقیقات در نظام سلامت (*HSR*) و پژوهش های کاربردی فعالیت های ثمربخشی هستند که مغفول مانده و باید با فوریت و جدیت مورد توجه قرار گیرند. همه فعالیت هایی که تنها راه چاره و تنها استراتژی های پایان دادن به چالش های متنوع ناشی از بیماری های مزمن است در دامنه فعالیت های پزشکی اجتماعی است

**کلمات کلیدی:** پزشکی اجتماعی - مراقبت بهداشتی اولیه -بیماری مزمن

# The role of community medicine in preventing chronic disease

**Mohammad Amiri [1]**

**1-Department of Community Medicine, Bushehr University of Medical Sciences, Bushehr, Iran**

**Introduction: The role of community, inter sectoral coordination, and social determinants of health highlighted in the control of chronic disease. Considering these components group that can take a big steps toward prevention of chronic disease are community medicine specialists.**

**Method: Credible document Declaration of Alma Ata; health activities conducted during the designing the national healthcare network; various programs that had provided and implemented by WHO and UNICEF in healthcare network; comparable vital statistics of health care networks activities and documents of the Burden of disease was used.**

**Results: Chronic disease is a serious challenge for the public health. Although allocating a large part of health resources, treatment actions had not desirable outcome.**

*Conclusion:* **community Medicine Specialist are graduates who have acquired obligatory knowledge and skills in this field and can be assumed as leadership of control of chronic disease. Community health assessment, preventive medicine and health promotion clinics, population labs, Emphasis on SDH supported by inter-sectoral coordination, monitoring and evaluation of health programs, health system research(HSR) and applied research are effective programs that has been neglected and must be addressed with urgency and seriousness. All the activities that are the only solution and the only strategy to end diverse challenges of chronic diseases are in the domain of the community medicine.**

*Keywords*: **community medicine; primary healthcare; chronic disease**

# اولویت بندی مبتنی بر شواهد اصلی در دستیابی به اهداف سند ملی پیشگیری و کنترل بیماری های غیرواگیر و اهداف توسعه پایدار

نیلوفر پیکری[۱]، شیرین جلالی نیا[۲]، زهرا خیری[۳]

۱- دبیر دبیرخانه ملی پیشگیری و کنترل بیماریهای غیرواگیر، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تهران، ایران

۲- معاون توسعه مرکز توسعه هماهنگی و ارزیابی تحقیقات، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تهران، ایران

۳- دانشجو، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آزاد اسلامی، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** نیلوفر پیکری

**محور:**دیابت

**زمینه و هدف:** در ایران بالغ بر ۳۸۰هزار نفر در سال گذشته، جان خود را در اثر دیابت از دست دادند. مرگ زودرس و ناتوانی ناشی از ابتلا به دیابت بار قابل توجهی را به دنبال دارد.

**روش کار:** در مطالعه حاضر، تحقیقات منتشر شده در خصوص اولویت های دیابت در کشور، از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ با استفاده از پایگاه اطلاعاتی پابمد مورد بررسی قرار گرفت.

**یافته ها:** اغلب نتایج تحقیقات (۴۶٪) متمرکز بر عوامل خطر متابولیک ابتلا به دیابت بوده و ۳۶ ٪ آنها به موضوعات هزینه ، مرگ و میر، نابرابری و نظام بهداشتی اولیه پرداخته اند. ۲۰٪ دیگر نیز با هدف مطالعه حاضر ارتباطی نداشتند.

**نتیجه گیری:** متوقف ساختن روند فزاینده دیابت در کشور بر اساس برنامه عملیاتی سازمان جهانی بهداشت و اهداف توسعه پایدار و سند ملی پیشگیری و کنترل بیماری های غیرواگیر در ایران، نیازمند اولویت بندی مبتنی بر شواهد در چهار حیطه حاکمیت، کاهش خطر، نظام مراقبت سلامت و پایش بیماریها و عوامل خطر می باشد.

**کلمات کلیدی:** دیابت- بیماری های غیرواگیر - اهداف توسعه پایدار

# Evidence based priority setting in achieving the objectives of National Action Plan for Prevention and Control of Non-communicable diseases and Sustainable Development Goals

**Peykari Niloofar [1], Djalalinia Shirin [2], Kheyri Zahra [3]**

**1. Iranian Non-communicable Diseases Committee (INCDC), Ministry of Health and Medical Education.**

**2. Deputy of Research and Technology, Ministry of Health and Medical Education.**

**3. Ministry of Health and Medical Education and Azad University**

**Corresponding author: Peykari Niloofar**

*Introduction: In Iran, more than 380000 people died from diabetes in the past year. Premature death and years lived by disability because of diabetes followed by remarkable burden of disease.*

*Methods: In this study, we assessed whether research output in priority areas of diabetes in Iran between 2000 and 2016, using PubMed database.*

*Results: The most research outputs addressed metabolic risk factors of diabetes (46%). Cost, mortality, Inequality, Primary health system contained 36% of publication, and 20% of studied papers were not related to our objective.*

*Conclusion: Halt the rise of diabetes according to the World Health Organization action plan, SDGs, and national non-communicable diseases action plan of Iran needs to Evidence based Prioritization in four areas of governance, risk reduction, health care, and surveillance.*

*Key words: diabetes, non-communicable diseases, Sustainable Development Goals*

# طراحی و توسعه برنامه ی سلامت همراه اوسیناپ: گامی در پیشگیری و مدیریت بیماری های قلبی- عروقی و دیابت در ایران

علی عمیدی[1]، مهین نوملی[2]

۱- مدیرعامل شرکت اوسیناپ، تهران، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲-دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری، تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** علی عمیدی

**محور:**سایر

**زمینه و هدف:** بیماری های قلبی- عروقی و دیابت با شیوع در حال افزایش و مرگ و میر بالا، بار مالی قابل توجهی را به سیستم های مراقبت بهداشتی و بیماران تحمیل می نمایند. با توجه به اهمیت پیشگیری، شناسایی و مدیریت سریع این بیماری ها، برخورداری اکثریت افراد جامعه از تکنولوژی تلفن همراه و تمایل به خود-پایشی وضعیت سلامتی با برنامه های تلفن همراه، هدف، طراحی و توسعه برنامه ی سلامت همراه اوسیناپ بوده است.

**روش کار:** : بخش تحقیق و توسعه این نرم افزار توسط تیم مهندسی دانشگاه تهران طراحی و محتوی پزشکی توسط تیم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهیه، تایید و به صورت کد وارد برنامه شد.

**یافته ها:** : این برنامه از قسمت های مختلف تشکیل شده است که شامل راهنمای استفاده از برنامه و ابزارهای اندازه گیری فشارخون، قند خون و کلسترول خون، پروفایل شخصی، محاسبه ی ریسک بیماری های قلبی – عروقی و دیابت و ارائه‌ی توصیه های بهداشتی هوشمند براساس سطح خطر، یاداورهای هوشمند، تعیین وضعیت خودمراقبتی بعد از قرار گرفتن فرد در طبقه ی بیمار و ارائه ی توصیه ها مبتنی بر نمره ی خودمراقبتی، ارتباط با اورژانس پزشکی و تیم سلامت و اطلاع رسانی به آن ها در مواقع پرخطر می باشد.

**نتیجه گیری:** طراحی و توسعه برنامه ی سلامت همراه در پیشگیری و مدیریت بیماری های قلبی- عروقی و دیابت در ایران .توسط تیم چندرشته ای گامی در جهت ارتقاء مراقبت بهداشتی در کشور می باشد

**کلمات کلیدی:** برنامه ی موبایل، پیشگیری، مدیریت بیماری، دیابت، بیماری قلبی- عروقی

# Designing and Developing Avicennapp Mobile Health Application: A Stride toward Prevention and Management of Diabetes and Cardiovascular Diseases in Iran

**Amidi Ali[1], Nomali Mahin [2]**

**1. Student of Entrepreneurs at University of Tehran**

**2. Student of Critical Care Nursing at Nursing and Midwifery School, Tehran University of Medical Science**

**Corresponding author: Amidi Ali**

*Introduction: Cardiovascular diseases (CVDs) and diabetes with increasing prevalence and high mortality rate imply high economic burden on health care systems and patients. According to the importance of prevention, early detection and management of these disease, availability of a mobile phone for majority of population and tendency to self-monitoring of health status by mobile health applications, the aim was to design and develop of Avicinapp mobile health application.*

*Methods: The engineering team from Tehran University (TU) designed the research and development session of this application. The medical content prepared and approved by medical team from Tehran University of Medical Sciences (TUMS) and converted to codes to be entered in the application.*

*Results: This application consists of different sections. They include guidance for using the application and its measurement devices for blood pressure, blood glucose and cholesterol, personal profile, CVDs and diabetes risk calculators and providing smart recommendations based on the level of risk, smart reminders, the self- care status determinant and providing recommendations based on the self- care scores, calling emergency medical services and health care team in emergency situation.*

*Conclusion: Designing and developing the mobile health application in prevention and management of CVDs and diabetes in Iran by multidisciplinary team can be a stride toward health care improvement in our country.*

*Key words: mobile application, prevention, disease management, diabetes, cardiovascular diseases.*

# برنامه های مبتنی بر ارایه دهنده-پرداخت کننده برای بهبود مراقبت از افراد دارای بیماری جدی و ادغام مراقبتهای تسکینی

سعید حسینی برقزن[1]

۱- دانشجو، دانشکده بهداشت، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** سعید حسینی برقزن

**محور:**سایر

**زمینه و هدف:** *There is increasingly wide recognition of need to improve quality of care for those with serious illness. One of the major strategies in this trend is palliative care – an emerging medical specialty focused on improving overall quality of life for people with serious illness and their families. In order to improve access to this high value care, payer, provider and communities are working together to find new ways to deliver and finance palliative care. We intended to summarize original research articles determining innovative payer-provider case programs to make care better for peoples with serious illness.*

**روش کار:** *Acceptable articles consisted of original research determining payer and providers innovative case examples models with the aim of improving care for peoples with serious illness. Data were tabulated and analyzed descriptively*

**یافته ها:** *Aetna, Excellus bluecrossblueshield, highmarkInc, north shore – lij health system and hospice care of California are most known programs in integration palliative care into services. Per-visit rate for services delivered to home, fee for service, hospice per diem, value based payment are most used payment models to providers in these programs.*

**نتیجه گیری:** *Multiple studies have shown that palliative care services result in less symptom distress and longer patient survival, as well as better patient and family quality of life. This services provide more benefits not only for patients and family but also for payers and providers. we must constantly looking for better ways to make good payer - provider partnership to improve cares for peoples with serious illness.*

**کلمات کلیدی:** *palliative care, hospice care, end of life, payer-provider partnership*

# Payer-provider case programs to improve care for peoples with serious illness and integration of palliative care

***Saeed Hoseini Barqzan***

*Introduction: There is increasingly wide recognition of need to improve quality of care for those with serious illness. One of the major strategies in this trend is palliative care – an emerging medical specialty focused on improving overall quality of life for people with serious illness and their families. In order to improve access to this high value care, payer, provider and communities are working together to find new ways to deliver and finance palliative care. We intended to summarize original research articles determining innovative payer-provider case programs to make care better for peoples with serious illness.*

*Methods: Acceptable articles consisted of original research determining payer and providers innovative case examples models with the aim of improving care for peoples with serious illness. Data were tabulated and analyzed descriptively*

*Results: Aetna, Excellus bluecrossblueshield, highmarkInc, north shore – lij health system and hospice care of California are most known programs in integration palliative care into services. Per-visit rate for services delivered to home, fee for service, hospice per diem, value based payment are most used payment models to providers in these programs.*

*Conclusion: Multiple studies have shown that palliative care services result in less symptom distress and longer patient survival, as well as better patient and family quality of life. This services provide more benefits not only for patients and family but also for payers and providers. we must constantly looking for better ways to make good payer - provider partnership to improve cares for peoples with serious illness.*

# بررسی بودجه بخش بهداشت و درمان طی برنامه های اول تا چهارم توسعه اجتماعی اقتصادی کشور

محبوبه نعمت شاهی[1]، حسین ابراهیمی پور[2]، محمد خواجه دلویی[3]

۱- دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

۲- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، مشهد، ایران

۳-دانشگاه علوم پزشکی مشهد ، مشهد، ایران

نویسنده مسئول: محمد خواجه دلویی

**محور:**سایر

**زمینه و هدف:** سلامت یکی از مهم ترین بخش های توسعه اقتصادی اجتماعی در هر جامعه است. در هر کشور منابع اقتصادی به صورت سالانه در قالب بودجه به بخش های مختلف توسعه تخصیص می یابد. درصد تخصیص منابع به بخش سلامت نشان دهنده دیدگاهها و اولویت های سیاست گذاران و برنامه ریزان آن جامعه است. این مطالعه به بررسی روند بودجه سلامت و سهم آن از بودجه کشور می پردازد.

**روش کار:** این مطالعه تحلیلی بر سیاست های سلامت می باشد. اطلاعات از کتب قانون بودجه کشورجمع آوری گردید. سهم بودجه بخش سلامت از بودجه کل و بودجه عمومی کشور و همچنین روند رشد بودجه کل،عمومی و سلامت در طی سالهای چهار برنامه محاسبه گردید

**یافته ها:** هر سه بودجه کل ، عمومی و سلامت در طی چهار برنامه توسعه ، به جز سال پایانی برنامه چهارم، در حال افزایش بوده است. بودجه تخصیص داده شده به بخش سلامت از بودجه کل کشور در طی چهار برنامه در مقایسه با صنعت، کشاورزی و سایر بخش ها در حال کاهش بوده است بطوری که از ۵,۹۹ درصد در برنامه اول به ۰,۸۱ درصد در برنامه چهارم رسیده است

**نتیجه گیری:** علیرغم رشد بودجه بخش سلامت در طی برنامه اول تا چهارم توسعه ، سهم بخش سلامت از بودجه کل کشور همواره روندی کاهنده داشته است. بنابراین توجه بیشتر سیاست گذاران و برنامه ریزان کشور را در تخصیص منابع به این بخش می طلبد.

**کلمات کلیدی:** بخش سلامت، بودجه کل، توسعه اقتصادی اجتماعی، ایران

# Health sector budget review during the first and fourth Socio-economic Development Plan

*Mahboobeh Nemat Shahi [1], Hossein Ebrahimi Pour [2], Mohammad Khajedalooie [3]*

*1. Sabzevar University of Medical Sciences, Medical Sciences, Sabzevar, Iran*

*2. University of Medical Sciences, Mashhad, Mashhad, Iran*

*3. Mashhad University of Medical Sciences, Medical Sciences, Mashhad, Iran*

*Corresponding Author: Mohammad Khajedalooie*

*Introduction: Health is the most important component of the socioeconomic development of any country. In each country, the economic resources are annually allocated to various sectors. The allocated percentage the health sector reflects the views and priorities of policy makers and planners in the community. This study evaluates the trend in the health budget and allocated percentage to health sector, during the first to fourth programs.*

*Methods: The current study focuses on the analysis of the health policies.The collected data were based on the books "Law of the country budget, " the four socioeconomic developmental programs. Percentage of health budget from the total and public budget, and growth trend of total, public and health budgets were calculated during the four developmental programs.*

*Results: All three budgets, including the total, public and health budgets have been increasing in four programs except for the last year in the fourth program. The allocated budget to the health from total budget in compared to industry, agriculture and etc. is decreasing in all programs from 5.99% in the first program to 0.81% in fourth socioeconomic developmental program.*

*Conclusion: In spite of increasing health budget during the first to fourth program, Part of the total budget allocated to the health sector has been constantly decreasing. Therefore, more attention has to be paid by policy makers and planners in allocation of resources to this sector.*

# مولفه اجتماعی یکی از ابعاد اصلی فرهنگ

لاله قدیریان[1]، لیلا مونسان[2]، آزاده سیاری فرد[1]

۱- استادیار، تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲- پژوهشگر، تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** لاله قدیریان

**محور:** سایر

**زمینه و هدف:** موضوع فرهنگ بحثی گسترده و بنیادین در شکل گیری و ارتقا عرصه های مختلف علمی و عملی هر مجموعه بوده وساختار اجتماعی یکپارچه ای را در حرکت بسوی اهداف آن متصور می سازد. توسعه فرهنگ خود تابعی از رشد مولفه های فرهنگی است. بر این اساس مروری با هدف تعیین مولفه های اصلی و شاخص های فرهنگی انجام شد.

**روش کار:** مطالعه در ۳ گام اصلی شامل: ۱.جستجوی متون خارجی و داخلی در پایگاه های اطلاعاتی ۲. تهیه لیست اولیه از مولفه ها و شاخص ها ۳. ادغام و دسته بندی مفاهیم و نهایی کردن مولفه ها،زیر مولفه ها و شاخص ها طی جلساتی با حضور افراد کلیدی در حوزه فرهنگ انجام شد.

**یافته ها:** نتایج حاصل از مرور۷ سند جامع فرهنگی و ۱۱ مطالعه و گزارش بدست آمد. در این مقاله تمرکز اصلی بر مولفه اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد اصلی فرهنگی قرار گرفت. زیر مولفه های اجتماعی شامل:کیفیت زندگی و خوشبختی اجتماعی، مراکز فرهنگی اجتماعی، برنامه ها و مشارکت جامعه، علوم کامپیوتر و اینترنت، فعالیت رسانه ها و انتشار محصولات بود. ۳۸ شاخص اجتماعی نیز ذیل این مولفه درنظر گرفته شد.

**نتیجه گیری:** جوامع گوناگون از منظرهای متعدد به موضوع فرهنگ پرداخته و مولفه های مختلفی را در نظر داشتند. لیکن بعد اجتماعی قدر مشترک تمامی اسناد معتبر خارجی و داخلی بود. مولفه اجتماعی با سنجش خط مشی ها، شیوه زندگی سالم و مشارکت در زندگی روزمره زمینه ای بسیار مهم در بعد فرهنگ و ارتقا آن در عمل می باشد.

**کلمات کلیدی:** ***Culture,Culture Attribute/S,Culture Indicator/S***

# Social attribute as one of the main cultural attributes

***Laleh Ghadirian[1], Leila Mounesan[2], Azadeh Sayarifard[1]***
***[1] Assistant Professor, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran***
***[2] Researcher, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran***

*Introduction: Cultural issues are considered as crucial discussions that have been had the significant effects on the formation and promotion of scientific and practical fields. They make an integrated social structure toward their goals. The development of culture is directly associated with growth of their attributes. In this regard a review was conducted to determine the main cultural components and indicators.*

*Methods: This study carried out with 3 steps including: 1.An expanded search on the main databases 2. Preparing a preliminary list of attributes and indicators 3. Integrating and categorizing of concepts and also finalizing them to three parts (Attributes, sub themes, indicators) by expert panels.*

*Results: The results of 7 comprehensive documents and 11 related reports and articles were classified. In this article we focused on social attribute as an important dimension in the cultural field. 6 social sub themes were quality of life and social happiness, social and cultural centers, cultural programs and community involvement, the uses of computer science and the internet, media activities and dissemination of cultural products. In addition, there were 38 social indicators.*

*Conclusion: Evidences showed that various communities have many views on the cultural issues and also considers variety of attributes, but the social dimension was the common point in all of international and local documents. The social factor has a basic role in cultural promotion by measuring behaviors, manners and routine activities and also healthy lifestyle.*

*Keywords: culture, culture attribute/s, culture indicator/s*

# بررسی احساس امنیت شغلی در استادیاران ضریب کا و پیمانی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۹۳-۱۳۹۴

ملیحه دادگرمقدم[۱]، محمد خواجه دلویی[۱]، سارا وریدی[۲]

۱- استادیار، دانشکده پزشکی، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- دانشکده پزشکی، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

**نویسنده مسئول:** ملیحه دادگرمقدم

**محور:**سایر

**زمینه و هدف:** : یکی از عوامل بسیار مهم و تأثیرگذار بر بهره وری اعضای هیأت علمی به عنوان سرمایه های فکری سازمان ، تأمین امنیت شغلی آنهاست. هدف از انجام این مطالعه بررسی و مقایسه امنیت شغلی استادیاران ضریب کا و پیمانی است.

**روش کار:** جامعه آماری آن را ۲۶۰ استادیار شاغل در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد تشکیل داده اند. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه بود که در دو بخش اطلاعات جمعیت شناختی و پرسشنامه امنیت شغلی نیسی و همکارانبود. پرسشنامه در دو مرحله به پست الکترونیک استادیاران ارسال شد و در مرحله سوم به صورت حضوری توزیع گردید. در نهایت مطالعه بر روی ۱۳۱ استادیار هیأت علمی که پرسش نامه را تکمیل نمودند ، انجام شد

**یافته ها:** بر اساس یافته های پژوهش، میانگین امنیت شغلی استادیاران از حداکثر ۴ نمره ۲,۲۰±۰,۴۴به دست آمد . بیشترین میزان رضایت مربوط به حیطه انتخاب شغل مناسب (۳,۵۸±۰,۴۹) و کمترین میزان رضایت در حیطه رضایت اقتصادی (۱,۶۶±۰,۸۲) بود. در بین استادیاران زن و مرد و همچنین استادیاران گروه های بالینی و علوم پایه ، امنیت شغلی و حیطه های آن تفاوت آماری معنی داری نداشت. از نظر نوع قرارداد، استادیاران ضریب کا، در حیطه عاطفی بودن محیط کار نسبت به استادیاران پیمانی رضایت بیشتری داشتند( $p=0.04$

**نتیجه گیری:** با توجه به یافته های این پژوهش ، مدیران و برنامه ریزان لازم است با رفع مشکلات اقتصادی ، استخدامی و شرایط محیط کار استادیاران و نظارت بر اجرای قوانین سازمان و رعایت عدالت و انصاف موجبات افزایش امنیت شغلی ایشان را فراهم کنند.

**کلمات کلیدی:** *Job Security, Assistant Professor, Medical Sciences Faculty :*

# Job security among assistant professors (including permanent and contract staff) of Mashhad University of Medical Science, in the period of 1393-94

**Malihe Dadgar moqadam [1], Mohamad Khajedavalooie [1], Sara varidi [2]**

**1. Assistant Professor, Faculty of Medicine, Medical Sciences, Mashhad, Iran**

**2 Faculty of Medicine, Medical Sciences, Mashhad, Iran**

**Corresponding Author: Malihe Dadgarmoqadam**

*Introduction: The level of job security provided for faculty staff , is one of the most important and influential factors in their performance. The present work aims to study job security among assistant professors (including permanent and contract staff) .*

*Methods: The statistical sample of this study contains the data related to 260 assistant professors of the medical science faculty of Mashhad University which. All staff members were entered into this study using questionnaires which consisted of two main sections: Section one:demographic information and Section two about job security The questionnaire was given to the assistant professors in three stages: electronically emails twice, and then printed copies were handed to them*

*Results: The average job security level of the assistant professors showed as 2.20±0.49 (4 was the maximum possible value). The highest satisfaction level related to the 'selection of a suitable job' whilst the lowest satisfaction level related to the 'salary satisfaction', with the following respective values: (3.58±0.49) and (1.66±0.82). Amongst the male and female assistant professors and those related to the 'clinical' and 'fundamental science' groups, there were no significant statistical differences. Regarding the employment type of the participants , contract staff had a higher satisfaction level within the 'morale in the workplace' domain, with a (p=0.04) significance level.*

*Conclusion: Having regards to the results of this study, relevant managers and policy makers can improve job security of the assistant professors employed by their organizations through the following measures: eliminating economic and recruitment problems, improving workplace conditions*

*Keywords: job security, assistant professor, Medical Sciences faculty*

# دیابت و شهرنشینی در جمعیت ایران: تجزیه و تحلیل از بررسی ملی روش گام به گام برای مراقبت فاکتورهای خطر بیماریهای مزمن در سال ۲۰۱۱

زهرا خرمی[۱]، کورش اعتماد[۲]، شهین یاراحمدی، سهیلا خداکریم[۲]، علیرضا مهدوی هزاوه[۳]، محمد اسماعیل کاملی[۴]

۱- کارشناس ارشد، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی ش، علوم پزشکی شهید بهشتی، فارس، ایران

۲- استادیار، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی ش، علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳- اداره غدد وزارت بهداشت، وزارت بهداشت، اداره بیماری های غیرو، وزارت بهداشت، تهران، ایران

۴- رئیس اداره قلب وعروق، وزارت بهداشت، اداره بیماری های غیرو، وزارت بهداشت، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** زهرا خرمی

**محور:**دیابت

**زمینه و هدف:** رفتارهای مرتبط با شهرنشینی تاثیر مهمی بر گذار اپیدمیولوژیک بیماری های غیر واگیر دارد، که مهم ترین این بیماری ها دیابت است ، به ویژه در ایران و دیگر کشورهای در حال توسعه، که یک تهدید جدی است. هدف از این مطالعه بررسی ارتباط بین شهرنشینی و خود گزارش دیابت براساس رویکرد گام به گام *WHO* است.

**روش کار:** این مطالعه با استفاده از اطلاعات بررسی کشوری *STEPS* در سال ۲۰۱۱ و اطلاعات زیرساختی از شهرنشینی انجام شد. ۱۰۰۶۹ فرد ۲۰تا۷۰ ساله انتخاب شدند. دیابت طبق خودگزارشی افراد لحاظ شد.عوامل خطر اصلی طبق رویکرد *WHO STEPS*بررسی شدند.تحلیل مولفه اصلی جهت مشخص کردن شهرنشینی و رگرسیون لجستیک چندگانه جهت بررسی ارتباط بین شهرنشینی و خودگزارشی دیابت استفاده شد.

**یافته ها:** در مطالعه حاضر شیوع دیابت خودگزارشی۷٪ بود. شیوع این بیماری با افزایش شهرنشینی افزایش یافت(در سطوح پایین ۶,۷٪ در برابر ۷٪ در سطوح بالا).شهرنشینی ارتباط مثبتی با فعالیت فیزیکی کم، تاریخچه خانوادگی دیابت، فشارخون سیستول ، *BMI* بالا و دور کمر بالا در هر دو جنس داشت.شهرنشینی ارتباط مثبتی با مصرف بالای لبنیات (*OR=1.50 CI95%=1.05-2.15* ) و فشارخون دیاستولیک *(OR=1.01,CI95%=1.01-1.02)*درافراد دیابتی داشت که این ارتباط در سطوح بالای شهرنشینی مشاهده شد.

**نتیجه گیری:** شهرنشینی، ارتباط معنی داری با افزایش خود گزارشی دیابت و عوامل خطر آن در ایران دارد.

**کلمات کلیدی:** *Diabetes; Urbanization; Risk factor; Iranian population; Stepwise*

# Diabetes and urbanization in the Iranian population: an analysis of national survey Stepwise Approach to Chronic Disease Risk Factor Surveillance 2011.

*Zahra khorami [1], Cyrus Etemad [2], Shahin Yarahmadi[3], Soheila Khodakarym [2], Ali Reza Mahdavi Hezaveh [4], Mohammad Ismail Kameli [3]*

*1. Master of Science, Faculty of Health, Tehran University of Medical Sciences, martyr Beheshti Medical Sciences, Fars, Iran*

*2. Assistant Professor, Faculty of Health, Tehran University of Medical Sciences, martyr Beheshti Medical Sciences, Tehran, Iran*

*3. Endocrinology Department of the Ministry of Health, Ministry of Health, Department diseases, etc., Ministry of Health, Tehran, Iran*

*4. Head of the Department of Cardiology, Department of Health, Department diseases, etc., Ministry of Health, Tehran, Iran*

*Corresponding Author: Z. khorami*

*Introduction: Behaviors related to urbanization have an important effect on the epidemiologic transition of non-communicable diseases (NCDs), the most important of which is diabetes, particularly in Iran and other developing countries, has been a serious threat. The aim of this study was to examine the relationship between urbanization and self-reported diabetes based on the stepwise approach.*

*Methods: This study was conducted using the results of the STEPS survey conducted in 2011 and nation-wide data from infrastructural database of urbanization. 10069 individuals aging 20-70 years were recruited. Diabetes was considered based on self-reported diabetes. The major risk factors were studied using modified WHO STEPS approach. Principal component analysis was utilized to determine urbanization, and multiple logistic regressions were used to examine the relationship between urbanization and self-reported diabetes and its risk factors.*

*Results: In the present study, the prevalence of type 2 self-reported diabetes was 7% overall. The prevalence of this disease increased with increasing urbanization (in low levels of urbanization and high levels of urbanization was 6/7% and 7%, respectively). Urbanization had a positive association with low physical activity, Family history of diabetes, Systolic blood pressure, high BMI and high Waist circumference in both genders. Also, urbanization had a significant positive association with High consumption of dairy) OR=1.50, CI95%=1.05-2.15 (and Diastolic blood pressure )OR=1.01,CI95%=1.01-1.02( which were observed in high levels of urbanization.*

*Conclusion: Urbanization has a significant association with the increase of self-reported diabetes and its risk factors in Iran..*

*Keywords: Diabetes; Urbanization; Risk factor; Iranian population; Stepwise.*

# مراحل تغییر بر اساس مدل فرانظری و انگیزه در پایبندی به فعالیت های خود مراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲

انسیه نسلی اصفهانی[۱]، مریم پیمانی[۲]، فاطمه منجذبی[۳]

۱- ریاست مرکز تحقیقات، مرکز تحقیقات دیابت، پژوهشگاه غدد، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲- کارشناس پژوهشی، مرکز تحقیقات دیابت، پژوهشگاه غدد، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۳- کارشناس پژوهشی، بیمارستان مسیح دانشوری، علوم بهزیستی وتوانبخشی، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** انسیه نسلی اصفهانی

**محور:**دیابت

**زمینه و هدف:** مقدمه: هدف از مطالعه حاضر تعیین مرحله تغییر و عوامل روانی مرتبط به عنوان پیش نیاز بهبود استراتژی های تغییر رفتار (بر اساس تئوری فرانظری) در پایبندی به فعالیت های خود مراقبتی بیماران دیابتی می باشد

**روش کار:** ۳۰۰ بیمار مبتلا به دیابت نوع ۲ مراجعه کننده به کلینیک تخصصی دیابت به طور تصادفی انتخاب شده و پرسشنامه استاندارد شده انگیزه برای تغییر رفتار در بعد رفتارهای مربوط به رژیم غذایی و فعالیت فیزیکی را بر اساس مدل فرا نظری تکمیل نمودند. آنالیز رگرسیون برای شناسایی عوامل موثر در مراحل خواهان ایجاد تغییرات رفتاری استفاده شد.

**یافته ها:** تغییر در جهت ارتقای رفتارهای سالم تر در حوزه رژیم غذایی نسبت به فعالیت فیزیکی شایع تر بود و نمرات بیماران در مرحله عمل و مرحله نگهداری بالاتر بود. تفاوت در ارتباط با جنسیت ، سن و طول مدت بیماری مشاهده شد. بعد از تعدیل عوامل مداخله گر، مقاومت به تغییر در رژیم غذایی با شاخص توده بدنی بالاتر ارتباط داشت. مقاومت به بهبود فعالیت فیزیکی نیز با شاخص توده بدنی بالاتر، افزایش و با سطح تحصیلات بالاتر کاهش یافت

**نتیجه گیری:** بیماران دیابتی آمادگی کمی برای تغییر سبک زندگی بویژه در حوزه فعالیت فیزیکی دارند. لذا مداخلات رفتاری باید به گونه ای طراحی شوند که پایبندی بیماران به فعالیت فیزیکی را بهبود بخشند.

**کلمات کلیدی:** *Stage of change, self-care adherence, diabetes*

# Stage of change and motivation to self-care adherence in type 2 diabetes

*Ensiyeh nasli Esfahani [1], maryam peymani [2], Fatemeh Monjazeb [3]*

***1-president Research Center, Center for Diabetes Research, Institute of Endocrinology, D, Medical Sciences, Tehran, Iran***

***2. Research Expert, Center for Diabetes Research, Institute of Endocrinology, D, Medical Sciences, Tehran, Iran***

***3-management expert, masih daneshvari Hospital, Rehabilitation of Social Welfare, Tehran, Iran***

***Corresponding Author: Ensiyeh nasli Esfahani***

*Introduction: The aim of this study was to determine the stage of change and associated psychological factors as a precondition to improve strategies to implement behavior changes.*

*Methods: In this randomized field study, a total of 300 patients with type 2 diabetes mellitus referred to diabetes specialty clinic affiliated to Tehran University of Medical Sciences were selected and completed the validated EMME-3 questionnaire, consisting of two parallel sets of instruments (for diet and physical activity, respectively) and providing stages of change according to transtheoretical model. Logistic regression analysis was used to identify factors associated with stages making behavioral changes more demanding.*

*Results: A stage of change favoring progress to healthier behaviors was more common in healthy diet than in physical activity, with higher scores in action and maintenance. Differences were observed in relation to gender, age and duration of disease. After adjustment for confounders, resistance to change toward diet was associated with higher body mass index (BMI) (odds ratio (OR)1.05; 95 % confidence interval (CI) 1.02–1.08). Resistance to improve physical activity also increased with BMI (OR 1.06; 95 % CI 1.03–1.10) and decreased with education level (OR 0.74; 95 % CI 0.64–0.92).*

*Conclusion: Patients with T2DM have little readiness to lifestyle changes, particularly with regard to physical activity, and it is not perceived as an essential part of treatment by many of patients. However, this evidence must be considered when planning behavioral programs, and specific interventions are needed to promote adherence to physical activity.*

# خودپنداره بدنی و خودمراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت

فاطمه پورحاجی۱، عباسعلی عماری۲، رویا پورحاجی۳، محمد حسین دلشاد۴
۱.دانشجوی دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت و عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه آموزش بهداشت ، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، کارشناس مسئول آموزش بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ایران
۲.کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی ، معاون اجرایی مرکز بهداشت ثامن مشهد
۳.دانشجوی کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی، دانشگاه فردوسی مشهد
۴.دانشجوی دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت و عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه آموزش بهداشت ، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران،کارشناس مسئول گروه هماهنگی و گسترش شبکه بهداشت و درمان شمیرانات و کارشناس برنامه ریزی،پایش وا رزشیابی تابعه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی

**نویسنده مسئول**: فاطمه پورحاجی

**زمینه و هدف:** دیابت از جمله بیماری‌های شایع در بین افراد جامعه در گروه‌های سنی مختلف است که به صورت متقابل با شرایط زندگی فرد ارتباط دارد. از جمله موارد مرتبط با آن خودپنداره‌ی بدنی و خودمراقبتی می‌باشد.لذا این مطالعه با هدف بررسی ارتباط بین خودپنداره‌ی بدنی و خودمراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت انجام شد.

**روش کار:** این مطالعه به صورت توصیفی تحلیلی انجام شد. جامعه آماری شامل افراد مراجعه کننده به کلینیکهای دیابت مراکز بهداشتی درمانی شهر مشهد در سال ۱۳۹۴ بود که تعداد ۹۰ نفر از آن‌ها به روش نمونهگیری خوشهای انتخاب شدند.ابزار پژوهش شامل پرسشنامه خودمراقبتی دیابت و فرم کوتاه پرسشنامه خودپنداره بدنی بود.روایی ابزار به شیوه محتوایی و پایایی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برای خودمراقبتی دیابت۰/۶۸، خودپنداره بدنی۰/۸۸ محاسبه گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار**spss** نسخه۱۸و آزمونهای آماری همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره تجزیه و تحلیل شد.

**یافته ها:** میانگین نمره سن واحدهای پژوهش۱۱/۳۷۸ ± ۵۱/۸۲ بود. نتایج حاکی از این بود که بین خودپنداره بدنی و خودمراقبتی ارتباط مستقیم و معنی‌دار وجود داشت ($p < ۰,۰۵, r = ۰,۴$).

**نتیجه گیری:** نتایج نشان داد بین خودپنداره بدنی و خودمراقبتی در بیماران دیابتی ارتباط وجود دارد لذا به منظور افزایش سطح برنامه کنترل دیابت توجه به این امر ضروری به نظر می رسد.

**کلمات کلیدی:** خودپنداره بدنی ، خودمراقبتی، دیابت

# physical self-concept and self-care in patients with diabetes

***Fatemeh Pourhaji1, Abbas Ali Ammari2 ,Roya pourhaji3, Mohammad Hossein Delshad4***
***Corresponding author: Fatemeh Pourhaji***

***Introduction: Diabetes disease is most common among people of different age groups which are mutually linked with life conditions. Such those related to mood, body image and physical self-concept .This study aimed to investigate the relationship between physical self-concept and self-care behaviors in patients with diabetic in Mashhad city of Iran,2015***

***Materials and Methods: This cross-sectional study was carried out within a multidisciplinary "Diabetic Clinic of health centers" in a regional city of Mashhad. 90 People who had been admitted to the Diabetic Clinic of health centers at any time from the years 2015 to 2016 were invited to participate and Were selected by cluster sampling. The instruments was consisted of a questionnaire diabetes self-care and body image Inventory short form content and reliability of the instrument in a manner calculated Cronbach's alpha coefficient for diabetes self-care by0.68, body image 0.88 respectively. Data were analyzed using spss software version 18 and correlation and multivariate regression test .***

***Results: The mean score of age was 51.82 ± 11.37. The results showed that the prevalence of strong self-care was 4.4 percent and strong body image in 16.7 percent. The results showed a there was a significant relationship between body image and self-care(r=0.4,P<0.05).***

***Conclusion: The results showed relationship between physical self-concept and self-care behaviors in patients with diabetes, Therefore, to enhance the level of diabetes control programs and help improve the living conditions of these people can these factors be taken into consideration.***

***Key words: physical self-concept , self-care ,diabetes***

# ارزشیابی برنامه پیشگیری و کنترل دیابت در تهران

بتول طایفی نصرآبادی۱، محمد رضا سهرابی ۲، فرید ابوالحسنی ۳، امیر کسائیان۴، الهام زندیان۵، مریم بیگلری ابهری۱، زهرا رام-پیشه۱، فرشاد فرزادفر۶

۱- استادیار، گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
۲- استاد، گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
۳- دانشیار، گروه مدیریت سلامت، موسسه ملی تحقیقات سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۴- دکترای تخصصی، مرکز تحقیقات، هماتولوژی، انکولوژی و پیوند مغز استخوان، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۵- کارشناس ارشد، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۶- دانشیار، مرکز تحقیقات بیماریهای غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** فرشاد فرزادفر

**محور:** دیابت

**زمینه و اهداف:** برنامه دیابت از سال ۱۳۸۸ در مناطق شهری ایران از جمله تهران و پنج شهر بزرگ دیگر استقرار یافت. بکارگیری برنامه پیشگیری و کنترل دیابت درکل کشوریا در برنامه کشوری کنترل بیماریهای غیر واگیر(ایراپن) از ضروریات است. بنابراین ارزشیابی اثربخشی این برنامه ازاولویت های نظام سلامت است

**روش کار:** مطالعه از نوع توصیفی تحلیلی است.جامعه مورد پژوهش افراد بالای ۳۰ سال که از ابتدای سال ۱۳۸۹ تا پایان ۱۳۹۱ به مراکز بهداشتی درمانی شهری تحت پوشش دانشگاه تهران جهت غربالگری و یا درمان دیابت مراجعه کردند. داده های ۲۱۴۴۲ نفر مورد بررسی قرار گرفت.از داده های ***STEP*** سال ۱۳۹۰ نیز برای شبیه سازی داده ها و از نرم افزار ***R*** و بسته ***Match It*** برای شبیه سازی (***simulation***) وهمسان سازی (***Matching***)استفاده شد.

**یافته ها:** داده های ۲۱۴۴۲ نفرفرد بالای ۳۰ سال مورد آنالیز و تحلیل قرار گرفت. ۵۰۱۳ نفر دیابت نوع ۲ داشتند. در دومین بارمراجعه نسبت به بار اول، میانگین قندخون ***(SE=1.58) mg/dl***۱۳و سومین بار نسبت به بار اول***(SE=1.99) mg/dl***۱۹٫۶کاهش داشت. ۳۲۲۵ نفر مبتلا به فشار خون بالا بودند و میانگین فشارخون سیستولیک ***(SE=0.7)mmHg***۲٫۶ در بار دوم مراجعه نسبت به بار اول و ***(SE=0.8)mmHg***۶٫۱ در بار سوم نسبت به بار اول کاهش نشان داد که از نظر آماری معنادار بودند.

**نتیجه گیری:** برنامه پیشگیری و کنترل دیابت در کنترل قندخون و دیگر ریسک فاکتورها از جمله فشارخون اثربخش بوده است. بکار گیری چارچوب آن در دیگر برنامه های نظام سلامت از جمله ایراپن(***Irapen***) توصیه می شود.

# Evaluation of Diabetes Prevention and Control Program in Tehran

***Corresponding author: Farshad Farzadfar***

***Introduction: The Diabetes Program has been implemented since 2010 in urban areas in Tehran and another more five big cities. So, the evaluation of the program is a priority for the health system of the country to contribute this framework to prevention of non-communicable disease program including Ira pen program.***

***Materials and Methods: Data of subjects older than 30 years who were referred to the diabetes ward of urban primary health care centers affiliated to Tehran University from beginning of 2010 to end of 2012 was analyzed. Statistical analyses of diabetes program effectiveness data were done using R soft wares with Match It package. Data from STEP 2010 was used for simulation.***

***Results: Data of 21442 subjects' ≥ 30 years old was analyzed. 5013 subjects had known diabetes type 2. The mean blood glucose levels decreased 13 mg/dl (SE =1.58) in the second compared to the first referral, and 19.6 (SE = 1.99) mg/dl in the third compared to the first referral.3225 subjects were hypertensive and the mean systolic blood pressure decreased 2.6 (SE =0.7) mmHg in the second compared to the first referral, and 6.1 (SE = 0.8) mmHg in the third compared to the first referral, which were statistically significant.***

***Conclusion: The Diabetes Program was effective in blood glucose control as well as associated risk factors such as high blood pressure. Using the framework of this program is suggested to other health system national program including Irapen.***

# بررسی شیوع پره دیابت در افراد ۳۰ ساله و بالاتر جامعه روستائی قزوین ۹۴ – ۱۳۹۳

فاطمه ناجی[۱]، سولماز فرخ زاد[۱]

۱- کارشناس بیماریهای غیرواگیر، معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

**نویسنده مسئول:** فاطمه ناجی

**محور:**دیابت

**زمینه و هدف:** در اغلب موارد ابتلا به دیابت نوع ۲، وضعیت پره دیابت قبل از ابتلا به دیابت وجود داشته است. هدف این مطالعه شناسایی افراد پره دیابت ت در مناطق روستائی استان قزوین به منظور پیگیری و مراقبت آنها بود

**روش کار:** در راستای اجرای برنامه کشوری پیشگیری و کنترل دیابت، افراد ۳۰ ساله و بالاتر ساکن در مناطق روستائی ابتدا از نظر وجود عوامل خطر ابتلا به دیابت بررسی شدند. سپس از نظر بیماری دیابت و وضعیت پره دیابت با انجام آزمایش *FBS* مورد ارزیابی قرار گرفتند. مقدار *FBS* بین ۱۰۰ تا ۱۲۵ میلی گرم در دسی لیتر به عنوان اختلال قند خون ناشتا *(IFG)*و با تشخیص پره دیابت ثبت شدند. این افراد آموزشهای لازم را در زمینه اصلاح و تغییر شیوه زندگی دریافت و سالیانه از نظر سطح قند خون کنترل و تحت مراقبت قرار می گیرند. نتایج مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**یافته ها:** از ۱۱۱۸۹۳ فرد ۳۰ ساله و بالاتر که از نظر وجود عوامل خطر دیابت ارزیابی شدند۵۶۶۳۷ نفر (۵۰٪) دارای حداقل یکی از عوامل خطر بیماری دیابت بودند. شیوع دیابت ۶٪ و شیوع وضعیت پره دیابت ۵/۴٪ (مردان ۵/۳٪ و زنان ۵/۵٪)بود.

**نتیجه گیری:** از آنجا که می‌توان با تغییر روشهای زندگی و کنترل قند خون در افراد پره دیابت از بروز بیماری دیابت در آنها جلوگیری و یا آن را به تأخیر انداخت، شناسائی و ثبت افراد پره دیابت و مراقبت آنها می‌تواند در کنترل و پیشگیری از ابتلا به دیابت نوع ۲ موثر باشد.

**کلمات کلیدی:** پره دیابت، دیابت نوع ۲ ،قزوین

# The prevalence of pre-diabetes in people 30 years and older rural population of Qazvin 94-1393

**Fatemeh Naji [1], Soulmaz Farrokhzad 2**

**1- Noncommunicable diseases expert , health departments Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran**

**Corresponding Author: Fatemeh Naji**

*Introduction: Before people develop type 2 diabetes ,they almost always have prediabetes. To determine cases with prediabetes during screening for diabetes in rural areas of Qazvin province to follow up them*

*Methods: Based on national diabetes control programme , all ≥30years old people of rural areas were recalled through Health system. At first , they were studied about diabetes related risk factors including: overweight ,obesity , familial history of diabetes , hypertension , abortion, still birth , gestational diabetes and pregnancy .The people who had at least one risk factor were referred to FBS test. Then, they screened for diabetes and prediabetes. Those who had FBS = 100-125 mg/dl were detected as Impaired Fasting Glucose and prediabetic. They were educated about their lifestyle changes. Also they are being followed for diabetes by annually FBS test.*

*Results: In total 111893 people were screened. 56637(50%) people had at least one risk factor for diabetes. Among them 48141 (85%) were tested for FBS. Prevalence of diabetes was 6. %, and prevalence of prediabetes was 4/5% (men: 3/5% women: 5/5%) .*

*Conclusion: As people with prediabetes can delay or prevent the onset of type 2 diabetes through life style changes, detection and following up them can decrease prevalence of type 2 diabetes in . By changing the way of life and regular control of blood sugar in people with pre-diabetes from developing diabetes prevent or delay it*

# بررسی وضعیت و الگوهای تغذیه ای مرتبط با چاقی ودیابت در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در سال ۱۳۹۴

**نویسنده مسئول:** سپهر فاضلی دهکردی

**محور:**دیابت

**زمینه و هدف:** مصرف غذاهای پرچرب و دریافت میزان بالای کلسترول و چربی‌ها بویژه چربی‌های اشباع و مقادیر پایین فیبر غذایی علاوه بر اثر شناخته شده آن در چاقی می‌توانند زمینه‌ساز بیماری‌های بسیاری از جمله دیابت شوند. این مسئله باعث افزایش خطر مرگ-و میر زود هنگام و ناتوانی در جامعه می‌شود. مطالعه حاضر به تعیین وضعیت تغذیه ای دانشجویان علوم پزشکی شهرکرد پرداخته است.

**روش کار:** در این مطالعه توصیفی تحلیلی به شیوه مقطعی، به منظور تعیین فراوانی و نحوه عملکرد دانشجویان در زمینه الگوهای تغذیه‌ای پرسشنامه‌ای حاوی اطلاعات دموگرافیک به صورت محقق ساخته تنظیم گردید و سپس در اختیار۳۸۴ نفراز دانشجویان قرار گرفت. داده های جمع آوری شده از طریق نرم افزار *SPSS* تجزیه و تحلیل گردید.

**یافته ها:** نتایج نشان داد ۶۳,۹ درصد از دانشجویان سبزیجات و ۳۷,۹ درصد میوه‌جات را به ندرت یا هفته ای یکبار استفاده می کردند. ۴۸,۸ درصد مصرف انواع غذاهای پرچرب و ۴۲,۱ درصد مصرف نوشابه‌های گازدار را بیش از حد مجاز در برنامه غذایی خود داشتند. ۱۱ درصد دانشجویان گوشت پرچرب و ۲۲ درصد آنان لبنیات پرچرب مصرف می‌نمودند. به طور کلی میزان مصرف کلسترول، چربی و مواد قندی در میان دانشجویان نسبتاً بالا بوده است و برعکس درصد کمتری از فیبرها استفاده می کردند.

**نتیجه گیری:** با توجه به میزان اندک مصرف میوه و سبزیجات و میزان بالای مصرف کلسترول، چربی و مواد قندی به عنوان ریسک فاکتورهای چاقی و دیابت، ضرورت دارد نسبت به اصلاح شیوه تغذیه و عادات غذایی دانشجویان با ارائه اطلاعات لازم، آموزش و فرهنگ‌سازی حساسیت بیشتری داشت.

**کلمات کلیدی:** الگوهای تغذیه ای، چاقی ، دیابت

# Survey of the status and dietary patterns associated with obesity and diabetes at the University of Medical Sciences in 1394

**Corresponding Author: Sepehr fazeli dehkordi**

*Introduction: Get high-fat foods and high levels of cholesterol and fat Especially saturated fats and low amounts of dietary fiber in addition to its known effects on obesity Can be grounds for numerous diseases including diabetes. This increases the risk of premature death and disability in the community. This study was conducted to determine the nutritional status of students of shahr-e-kord university of Medical Sciences.*

*Methods: In this cross-sectional analytical manner, In order to determine the frequency and performance of students in the field of nutritional patterns, self-made questionnaire containing demographic information was developed. The questionnaire was provided to 384 students. Collected data were analyzed by SPSS software.*

*Results: The results showed that 63.9% of students, vegetables, and 37.9 percent, fruits, are rarely used or once a week. 48% in consumption of high-fat foods and 42.1% in Consumption of soft drinks were over the limit in their diet. 11% of students , fatty meat, and 22% full fat dairy products were consumed. Overall consumption of cholesterol, fat and sugar was relatively high among students and, conversely, a smaller percentage of their fiber.*

*Conclusion: Due to the low consumption of fruits and vegetables and high levels of cholesterol, fat and sugar as risk factors for obesity and diabetes, It is necessary to correct the feeding practices and dietary habits of students with the necessary information, education and culture.*

# بررسی ارتباط بین میزان بافت کلی چربی بدن و مقاومت انسولین در جمعیت تهران در سال ۱۳۹۴

ساغر وجدی[۱]، محمد حسین یزدان پناه[۱]، امیررضا نیک منش[۲]، رضا همایونفر[۳]، هادی رئیسی شاهرکی[۴]

۱- محقق و دانشجو، علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

۲- دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

۳- رئیس پژوهش دانشگاه و بیماری های غیر واگیر ، علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

۴- دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

**نویسنده مسئول:** ساغر وجدی

**محور:**دیابت

**زمینه و هدف:** افزایش بافت چربی عامل اصلی ناهنجاری های متابولیک است. با توجه به فاکتور مهم بافت چربی در متابولیسم انرژی به ویژه تاثیر آن بر روی مقاومت به انسولین، مطالعه حاضر برای بررسی دقیقتر ارتباط بین میزان بافت چربی بدن با مقاومت انسولین در افراد معمولی و چاق طراحی و اجرا شده است.

**روش کار:** این مطالعه مقطعی بر روی ۱۵۰۰ نفر جمعیت تهران به صورت نمونه گیری خوشه ای تصادفی در سال ۱۳۹۴ انجام شد.معیار خروج از مطالعه مصرف داروهای موثر بر قند خون و انسولین درنظر گرفته شد.نمونه خون افراد تهیه و نمایه توده بدنی *(BMI)*اندازه گیری گردید. شاخص های توصیفی شامل درصد فراوانی و میانگین± انحراف معیار گزارش شده است.همچنین ارتباط بین متغیرها به وسیله آزمون های تی تست مستقل و کای اسکوئر مورد ارزیابی قرارگرفت. تمامی داده ها در نرم افزار *SPSS* نسخه ۲۰ کدگذاری شده است.مقادیر کمتر از ۰۵/۰ به عنوان سطح معنادار گزارش شده است.

**یافته ها:** یافته های این مطالعه، ارتباط معنی داری را بین مجموع بافت چربی بدن و جنسیت با مقاومت انسولین نشان داد($P<0.001$) اما بین سن و *BMI* با مقاومت انسولین ارتباطی بدست نیامد. همچنین سن، جنس و چربی بدن فارغ از *BMI* بر قند خون ناشتا($FBS$) تاثیر می گذارد($P<0.001$).

**نتیجه گیری:** نتایج این مطالعه نشان داد میزان چربی بدن فارغ از وزن افراد باعث القای مقاومت انسولین در آنها می شود. به نظرمی رسد که کنترل *FBS* و قند خون دوساعته می تواند در پیش آگهی بیماری های خطرناکی مثل دیابت و بیماری های قلبی-عروقی موثر باشد که می توان به آن ها پرداخت.

**کلمات کلیدی:** بافت چربی-مقاومت انسولین-شاخص توده بدنی-قندخون ناشتا

# Assessment of relationship between total body fat and insulin resistance in Tehran population in 1394

*Saghar Wagdy[1], Mohamed Hussein Yazdanpanah [1], Amir Reza Nikmanesh [2], Homayunfar [3], Shahrky chief conductor[4]*

*1. researchers and students, Fasa Medical Sciences, Fasa, Iran*

*2. Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran*

*3. The President of the University and noncommunicable diseases, Fasa Medical Sciences, Fasa, Iran*

*4. Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran*

*Corresponding Author: Wajdi Saghar*

*Introduction: Higher adiposity is one of the main factor of metabolic abnormality. According to the main function of adipose tissue in metabolism, specially, effect on insulin resistance (HOMA-IR), this study also aimed to examine the relationship between total body fat and HOMA-IR among normal and obesity of Tehran population.*

*Methods: This cross-sectional study was performed on 1500 participants of Tehran population as accidental selection in 1394. Blood samples were taken and body mass index (BMI) was also measured. Descriptive statistics performed using mean (SD) and frequency (percent) for quantitative and qualitative variables respectively. Independent T test and Chi square test were implemented as univariate statistical tests. All the statistical analysis carried out in SPSS version 20 and P-value*

*Results: In order to access the simultaneous effect of BMI, age, sex and total body fat on HOMA-IR, multiple regression with enter method performed. The results showed that total body fat and sex have significant effect on HOMA-IR (P<0.001) but age and BMI were not significant. Moreover, total body fat, age and sex had significant relation with fasting blood sugar (FBS) but BMI didn't significant effects on FBS.*

*Results: The mean score of age was 51.82 ± 11.37. The results showed that the prevalence of strong self-care was 4.4 percent and strong body image in 16.7 percent. The results showed a there was a significant relationship between body image and self-care(r=0.4,P*

*Conclusion: The results showed relationship between physical self-concept and self-care behaviors in patients with diabetes, Therefore, to enhance the level of diabetes control programs and help improve the living conditions of these people can these factors be taken into consideration.*

*Keywords: physical self-concept, Self-care, Diabetes disease*

# بررسی برهمکنش الگوهای غذایی غالب و واریانت های ژن پروتئین حامل ویتامین دی در ابتلا به سندرم متابولیک در جمعیت شهر تهران

مهدی ملاحسینی[1]، محمد حسین رحیمی[2]، خدیجه میرزایی[2]

۱- کارشناس تغذیه، تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲- هیئت علمی، تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** محمد حسین رحیمی

**محور:**اختلالات چربی خون

**زمینه و هدف:** هر چند ارتباط غذاها و مواد مغذی با سندرم متابولیک تا حدودی شناخته شده است، اما این که آیا الگوهای غذایی حاصل از تحلیل عاملی نیز با سندرم متابولیک مرتبط می باشند یا نه هنوز ناشناخته است . همچنین اثرات واریانت های مختلف ژن پروتئین پیوندی ویتامین دی بر روی سندروم متابولیک در مطالعات قبل بررسی نشده بود. بنابراین اثر برهمکنش الگوهای غذایی و واریانت های ژن پروتئین پیوندی ویتامین دی بر روی سندروم متابولیک در این مطالعه بررسی شد.

**روش کار:** این مطالعه مقطعی بر روی ۲۶۰ نفر از افراد تهرانی انجام گرفت. دریافت غذایی افراد با استفاده از پرسشنامه بسامد غذایی نیمه کمی ارززیابی گردید. الگو های غذایی با استفاده از پرسشنامه بسامد غذایی ۱۴۷ آیتمی نیمه کمی تایید شده استخراج گردید. تعیین ژنوتایپ های ژن به وسیله پی سی آر_آر اف ال پی انجام شد

**یافته ها:** میان پلی مورفیسم ۷۰۴۱ و الگوی غذایی سنتی بر روی قند خون ناشتا در مدل خام و مدل تعدیل شده و به همراه الگوی محدود از غلات بر روی فشار خون سیستولیک و دیاستولیک بعد از تعدیل رابطه وجود داشت. همچنین میان پلی مورفیسم ۴۵۸۸ و الگوی غذایی محدود از چربی و شیرینی بر روی تری گلیسیرید سرمی در مدل خام رابطه وجود داشت.

**نتیجه گیری:** نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که الگو های غذایی غالب با پلی مورفیسم های ژن پروتئین پیوندی ویتامین دی بر روی برخی اجزای برخی اجزای سندروم متابولیک رابطه وجود دارد.

**کلمات کلیدی:** *Dietary Patterns, GC polymorphism, Metabolic syndrome, Interaction*

# Study the interaction of dietary patterns and carrier protein gene variants in the vitamin D metabolic syndrome in Tehran

**Mehdi Mollahosseini [1], Mohammad Hossein Rahimi [1], Khadija Mirzaee [2]**

**1. Dietitian, Tehran, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran**

**2. Faculty member, Tehran, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran**

**Corresponding Author: Mohammad Hossein Rahimi,**

*Introduction: Controversial data is available on ineffectiveness of diet in managing MetS and whether dietary patterns derived from factor analysis are associated with metabolic syndrome or not is still unknown. While the study of dietary patterns and their association with metabolic syndrome have more useful than the relationship of exclusively one or more micronutrients. And the effect of the DBP gene variation on metabolic syndrome (MetS) was not investigated in previous studies. So effects of the interaction between DBP polymorphism and dietary pattern on MetS were investigated in this study.*

*Methods: This cross-sectional study was conducted in a random sample of participants (n=260 and 18–50 years old) in Tehranian adults. MetS was defined according to the Adult Treatment Panel III guidelines. Dietary patterns were determined using factor analysis on 20 foods groups using a valid and reliable, 147-item semi-quantitative food frequency questionnaire (FFQ). DBP (rs7041 and rs4588) were genotyped by PCR-RFLP.*

*Results: There was a relationship among rs7041 polymorphism and traditional dietary pattern on fasting blood sugar in the crude and adjusted model (P interaction = 0/036) and to limit grain pattern on systolic and diastolic blood pressure after adjusting (P interaction= 0/097, P interaction = 0/077 Respectively) . Also there was a relationship among the rs4588 polymorphism and limited diet of fats and sweets on serum triglycerides in the crude model (P interaction= 0/048).*

*Conclusion: The results of this study showed that dietary patterns with DBP gene polymorphism are related on some components of metabolic syndrome.*

# بررسی میزان توانمندی مبتلایان به دیابت درزمینه خودمراقبتی درکنترل دیابت دراستان مرکزی درسال ۹۴

ناهید چزانی شراهی[۱]، نادیا مشایخی[۲]، ناصر ربیعی[۳]، پری میرشفیعی[۴]

۱- کارشناس آموزش سلامت، مرکز بهداشت استان مرکزی، اراک، اراک، ایران

۲- کارشناس مسئول آموزش سلامت، مرکز بهداشت استان مرکزی، اراک، اراک، ایران

۳- کارشناس دیابت، مرکز بهداشت استان مرکزی، اراک، اراک، ایران

۴- کارشناس مسئول غیرواگیر، مرکز بهداشت استان مرکزی، اراک، اراک، ایران

**نویسنده مسئول:** ناهید چزانی شراهی، **محور:**دیابت

**زمینه و هدف:** این مطالعه با هدف بررسی میزان توانمندی مبتلایان به دیابت درزمینه خودمراقبتی درکنترل دیابت انجام گردیده است.

**روش کار:** مطالعه ازنوع مقطعی توصیفی بود که در ۳۸۵ بیماردیابتی انجام شد . نمونه گیری بصورت تصادفی ساده از بیماران مبتلا انجام گرفت داده ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته که روایی وپایایی آن مورد تایید قرارگرفت تکمیل وسپس اطلاعات بانرم افزار***spss***موردتحلیل قرارگرفت.

**یافته ها:** ازمجموع ۳۸۵ بیمار دیابتی ۲۶ ٪مرد و۷۴٪ زن که متوسط سن این افراد۵۶سال ،۴۷٪سابقه خانوادگی ابتلا به دیابت داشتند.۲۹٪ درشهر و۷۳٪ در روستا زندگی می کردند.۳۸٪این افراد دارای اضافه وزن و۳۳٪چاق بودند ،۳۰٪درکمتر از یکماه قندخون خود راانداز گیری نموده بودند.۷۲٪آزمایش قندخون ناشتا در بیشتر از سه ماه گذشته داشته اند ، ۶۷٪خودداری از پوشیدن کفش تنگ ،۶۰٪ کاهش حجم وافزایش تعداد دفعات غذا ،۴۹٪مصرف روزانه ۶تا۸لیوان آب ،۴۸٪عدم استفاده از تنقلات ناسالم ،۴۶٪ به مصرف واحد میوه وسبزی، ٪۴۲ مراجعه به چشم پزشک،۳۶٪مصرف روزانه بیش از یک قاشق چایخوری نمک انجام می دادند.

**نتیجه گیری:** نتایج نشان داد میزان عملکرد بیماران دراکثر موارد پایین تر از ۵۰درصد می باشد دراین راستابا توجه به تاثیرخودمراقبتی درتوانمندسازی بیماران بران شدیم نسبت به طراحی مداخله و تهیه محتوای آموزشی چگونگی خودمراقبتی در پیشگیری وکنترل بیماری دیابت اقدام نمائیم .

**کلمات کلیدی:** خودمراقبتی،کنترل دیابت،توانمندسازی

# Evaluation of the potential of diabetics regarding the self-management in controlling the diabetes in the central province (2015)

**Nahid Sharahi[1], Nadia Mashayekhi[1], Naser Rabie[1], Pari Mirshafiee[1]**

**1- Health Center of OstanMarkazi, Arak University of Medical Sciences, Arak, Iran**

*Introduction: this study aimed to evaluate the potential of diabetics for self-management of diabetes, has been done in the field*

*Methods: This study is a cross-sectional study conducted in 385 diabetics. Simple random sampling was conducted in patients. Data using a questionnaire that its validity and reliability was confirmed and completed then analyzed using SPSS software*

*Results: in a total number of 385 patients with diabetes that 26% were male and 74% female with an average age of 56 years , 47% had a family history of diabetes , 29% live in the city and 73% in rural areas , 38 % with overweight and 33% were obese , 30% less than a month had measured their blood sugar , 72 % had FBS tests in more than three months , 67% refrained from wearing tight shoes ,60% had volume reduction and increased frequency of food , 49% had daily consumption of 6 to 8 glasses of water , 48% with non-use of unhealthy snacks, 46% with the consumption of fruits and vegetables , 43% avoided the barefoot walking, 42% referred to an ophthalmologist, 43 % with daily intake of more than one teaspoon of salt.*

*Conclusion: The results showed that the patients are in most cases lower than 50%. In this regard Due to the effect of self-Care in patient's empowerment we decided to design an intervention and providing the educational content of self-care to prevent and control diabetes.*

*Keywords: self-care, diabetes control, empowerment*

# رژیم غذایی و سندرم متابولیک در زنان ۲۵-۷۰ ساله ایرانی: : مطالعه بر داده های پیمایش کشوری عوامل خطر بیماریهای غیر واگیر در سال ۱۳۹۰

مرضیه نجومی[۱]، فاطمه بهتاج[۲]، جلیل کوهپایه زاده[۳]، عاطفه واعظی[۴]

۱- مدیر گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۲- کارشناس گروه مدیریت آمار و اطلاعات ، وزارت بهداشت و درمان و اموزش پزشکی، علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۳- هیات علمی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۴- هیات علمی، گروه پزشکی اجتماعی اصفهان، علوم پزشکی ایران، اصفهان، ایران

**نویسنده مسئول:** فاطمه بهتاج

**زمینه و هدف:** رژیم غذایی نقش مهمی در ایجاد و توسعه سندرم متابولیک دارد. رژیمهای غنی از میوه و سبزیجات با شیوع کمتر سندرم متابولیک همراهی دارند. هدف مطالعه تعیین ارتباط بین سندرم متابولیک و مصرف میوه و سبزیجات در زنان ایرانی می باشد.

**روش کار:** داده های ۴۹۸۷ زن ۲۵-۷۰ ساله جمع آوری شده در پیمایش ملی عوامل خطر غیرواگیر سال ۱۳۹۰ وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی مورد تحلیل قرار گرفت. جهت بررسی رژیم غذایی از پرسشنامه عوامل خطر بیماریهای غیر واگیر سازمان جهانی بهداشت استفاده شد. سندرم متابولیک بر اساس معیارهای ***Adult Treatment Panel*** تعریف شد. جهت سنجش ارتباط بین رژیم غذایی و سندرم متابولیک از رگرسیون لوجستیک و ***odds ratio*** با ۹۵ درصد اطمینان استفاده گردید.

**یافته ها:** میانگین مصرف میوه و سبزیجات در زنان ۲۵-۷۰ ساله، به ترتیب، ۱,۵ و ۱,۲ واحد در روز بود. شیوع سندرم متابولیک در زنان با رژیم با مصرف کم، متوسط و بالای میوه/ سبزیجات، به ترتیب ۲۷,۰۲، ۲۵,۶ و ۲۵ درصد بود. بین سندرم متابولیک و میزان مصرف میوه/ سبزیجات ارتباط معنی دار دیده نشد (***p=0.87*** و ***p=0.23***).

**نتیجه گیری:** میانگین مصرف میوه و سبزی نسبت به پیمایش قبلی در ایران، تغییر چندانی نداشته است. هر چند با افزایش مصرف میوه و سبزیجات، شیوع سندرم متابولیک کاهش می یابد ولی ارتباط معنی داری بین میزان مصرف میوه و سبزیجات و سندرم متابولیک یافت نشد. انجام مطالعات با ابزارهای سنجش عینی تر پیشنهاد می گردد.

**کلمات کلیدی:** رژیم غذایی، سندرم متابولیک، زنان

# Diet and metabolic syndrome in Iranian adult women: national surveillance of risk factors of non-communicable diseases

***Nojomi Marzieh[1], Behtaj Fatemeh[2], Koohpayeh zadeh Jalil[1], Vaezi Atefeh[3]***
***1- MD, Community Medicine Specialist, Iran University of Medical Sciences.***
***2- MD, Community Medicine Specialist, Ministry of health and medical education.***
***3- MD, Community Medicine Specialist, Isfehan University of Medical Sciences.***

*Introduction: diet plays an important role in development and progression of metabolic syndrome (METs). Vegetable and fruit rich diet is associated with lower prevalence of METs. The aim of current study was to determine the association between METs and vegetables/fruits consumption in Iranian women.*

*Methods: data from 4987 25-70 year old women which was collected through a national surveillance of risk factors of non-communicable diseases in Iran was analyzed. METs was defined according to the Adult Treatment Panel Criteria. Logistic regression and odds ratio with 95% confidence interval were used to evaluate the association between diet and METs.*

*Results: The average fruit and vegetable consumption were 1.5 and 1.2 units per day, respectively. The prevalence of metabolic syndrome in women with low, moderate and high dietary pattern of fruit/vegetable consumption was 27.02, 25.6 and 25%, respectively. Association between fruit/vegetable consumption and metabolic syndrome was not significant at any level (P= 0.87 and P=0.23 respectively).*

*Conclusion: The average fruit and vegetable consumption did not changed considerably comparing to last survey in Iran. Although the prevalence of METs decreases with increase in fruit and vegetable consumption, but we could not find any association between metabolic syndrome and dietary pattern. Studies with objective measurement tools for fruits and vegetables consumption are recommended.*

*Keywords: diet, metabolic syndrome,women*

# رابطه بین تغذیه و سرطان سینه

فریده کوشا[1]، آرزو اصغری[2]، فتح اله پورعلی[2]، حمیده کوشا[2]

۱- کارشناس مامایی، سازمان بیمه تامین اجتماعی، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۲- کارشناس، معاونت بهداشتی ، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

**نویسنده مسئول:** فریده کوشا

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** سرطان پستان شایعترین سرطان در زنان و شایع ترین علت مرگ در اثر سرطان در سنین ۵۵- ۴۵سالگی می باشد. سرطان پستان حدود یک سوم از کل سرطان های زنان را تشکیل می دهد که در صورت تشخیص به موقع می تواند به یکی از سرطان های قابل علاج تبدیل گردد. تعیین عوامل خطر ساز این سرطان در تشخیص زودرس و درمان به موقع آن بسیار موثر است

**روش کار:** این مطالعه، مروری بر مقالات در مورد بررسی ارتباط بین عوامل تغذیه ای و سرطان سینه می باشد که در پایگاه های داده ای ***pubmed*** ،***Science Direct*** ،***Google Scholar*** جستجو و مورد بررسی قرار گرفتند.

**یافته ها:** بین مصرف زیاد فیبرهای غذایی و سرطان پستان یک رابطه ی معکوس مشاهده می شود. فیبرها با باند شدن به هورمون استروژن در روده مانع رشد برخی تومورها در بدن می شوند. دریافت چربیهای اشباع از طریق تاثیر بر ترشح استروژن باعث افزایش خطر ابتلا به سرطان سینه در زنان می شود در زنانی که چربی بالایی دارند، میزان ابتلا به سرطان سینه نیز ۱۳٪ افزایش می یابد.

**نتیجه گیری:** تعدیل رژیم غذایی به سمت افزایش مصرف میوه و سبزی، فیبرهای گیاهی، ماهی، اسیدهای چرب اشباع و کاهش مصرف چربی یک استراتژی بسیار مهم در کنترل و پیشگیری از سرطان پستان باشد. تغذیه مناسب و پیشگیری از اضافه وزن و چاقی با کاهش خطر ابتلا به سرطان سینه همراه است.

**کلمات کلیدی:** سرطان سینه ، عوامل موثر، تغذیه مناسب

# The relationship between nutrition and breast cancer

**Koosha Farideh*[1], Asghari Arezu[2], Pourali Fthollah[2]. Koosha Hamideh[2]**

**1- Social Security Organization, Tabriz, Iran**

**2- Tabriz Health Services Management Research Center, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran**

*Introduction: Breast cancer is the most common cancer and the most common cause of death from cancer in women between the ages of 55- 45 years. Determine the risk factors for this cancer early detection and timely treatment is very effective*

*Methods: This review of the literature on the relationship between dietary factors and breast cancer databases in pubmed, Science Direct, Google Scholar search and were examined.*

*Results: Between a high intake of dietary fiber and breast cancer observed an inverse relationship. Fibers by binding to estrogen in the intestine inhibits the growth of some tumors in the body. Saturated fat by affecting estrogen in women increases the risk of breast cancer in women who are high in fat increases your risk of getting breast cancer by 13%.*

*Conclusion: Dietary modification to increase consumption of fruit and vegetables, fiber plants, fish, fatty acids and saturated fat consumption is a very important strategy in the control and prevention of breast cancer. Proper nutrition and the prevention of overweight and obesity is associated with a reduced risk of developing breast cancer*

*Keywords: Breast cancer. Proper nutrition*

# بررسی ارتباط بین عوامل تغذیه ای و سرطان معده

نازلی سلطانی[1]، میترا یگانه[1]، جبرییل شعربافی[1]، ملیحه طالبی[1]، محسن پاشا[1]، لیلا عبدالهی[1]، احمد نامداری[1]

۱- کارشناس بیماریهای غیر واگیر، معاونت بهداشتی، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۲- پزشک خانواده، شبکه بهداشت ودرمان هشترود، تبریز، تبریز، ایران

**نویسنده مسئول:** نازلی سلطانی

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** : سرطان معده، چهارمین سرطان شایع دنیا و دومین علت مرگ ناشی از سرطان در جهان می باشد. عفونت هلیکوباکتر پیلوری عامل مهم در ابتلا به سرطان معده است. اما تنها عامل ایجاد بیماری به شمار نمی آید و نقش تغذیه به عنوان مهمترین عامل در بروز، کنترل و پیشگیری از سرطان معده می باشد. این مطالعه جهت بررسی ارتباط بین عوامل تغذیه ای با بروز سرطان معده انجام شد.

**روش کار:** این مطالعه، مروری بر مقالات می باشد که در پایگاه های داده ای ***pubmed*** ،***Science Direct*** ،***Google Scholar*** مورد بررسی قرار گرفتند.

**یافته ها:** خطرسرطان معده رابطه ای معکوس با شرایط اجتماعی، اقتصادی و تغذیه ای افراد دارد. مهمترین راهکار پیشنهادی پیشگیری کننده از سرطان معده استفاده از برنامه تغذیه ای مناسب و غنی از آنتی اکسیدان ها می باشد. خطر سرطان معده با مصرف بالای میوه ها و سبزیجات تازه کاهش می یابد. مصرف انواع گوشت های فرآوری شده، نمک و غذاهای نمک سود شده، با افزایش خطر سرطان معده همراه است و شواهد روشنی مبنی بر ارتباط بین انواع گوشتها، چای سیاه، قهوه و سرطان معده موجود نیست.

**نتیجه گیری:** خطر سرطان معده در افرادی با سبک زندگی سالم که دارای رژیم غذایی غنی از میو ه ها و سبزیجات می باشند، کمتر است. تعدیل رژیم غذایی به سمت افزایش مصرف میو ه ها و سبزیجات تازه و کاهش مصرف نمک و گوشت های فرآوری شده می تواند در پیشگیری از سرطان معده مهم باشد.

**کلمات کلیدی:** سرطان معده، عوامل خطر، تغذیه مناسب

# The relationship between dietary factors and gastric cancer

**Sultani Nazli[1]*,Yeganeh Mitra[1] , Sharbafi Gabriel[1], Talebi Malihe[1], Pasha Mohsen[1], Abdallahi Leila[1], Ahmad Namdari[2]**

**1- Tabriz Health Services Management Research Center, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran**

**2- Family doctor in East Azerbaijan Health Center of Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran**

*Introduction: Gastric cancer is the fourth most common cancer worldwide and the second leading cause of cancer death in the world. H. pylori infection is an important factor in the development of gastric cancer. But it is not the only cause of the disease and the role of nutrition as the most important factor in the development, control and prevention of gastric cancer. This study aimed to investigate the association between dietary factors and gastric cancer was performed.*

*Methods: This study is a review of the literature in databases pubmed, Science Direct, Google Scholar were examined.*

*Results: The risk of gastric cancer inversely with social, economic and nutritional status of individuals. The proposed strategy for prevention of gastric cancer using a proper nutritional program and is rich in antioxidants. Risk of gastric cancer with high consumption of fruits and vegetables decreases. Consumption of processed meats, salt and salted foods, is associated with an increased risk of gastric cancer and clear evidence of the relationship between a variety of meats, black tea, coffee and gastric cancer is not available.*

*Conclusion: The risk of gastric cancer in individuals with healthy lifestyle with a diet rich in fruit and vegetables are lower. Dietary modifications to increase consumption of fruit and vegetables and reduce salt intake and processed meats could be important in the prevention of gastric cancer.*

*Keywords: .nutrition.dietary factors.gastric cancer*

# تبیین عوامل مرتبط با مصرف، فروش و توزیع سیگار در ایران

محمدرضا مسجدی[1]، شیرین شهبازی صیقلده[2]

۱- استاد، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شه، علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲- استادیار، گروه بهداشت باروری دانشکده پرستاری ، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** دکتر محمدرضا مسجدی

**محور:**سیگار و دخانیات

**زمینه و هدف:** این مطالعه با هدف شناسایی عوامل مرتبط با مصرف سیگار در ایران، با تمرکز بر ارتباط عامل قیمت با مصرف این ماده دخانی انجام شده است.

**روش کار:** این مطالعه به صورت کیفی، از شهریور ماه ۱۳۹۴ تا مرداد ماه ۱۳۹۵ در شهر تهران انجام شد. ابزار جمع آوری داده ها مصاحبه شناختی و نیمه ساختاریافته عمیق بود. شرکت کنندگان مطالعه شامل ۷ مرد و ۵ زن مصرف کننده سیگار، ۳ دکه دار خرده فروش، ۴ حجره دار عمده فروش و نیز ۱ مسئول مبارزه با قاچاق سیگار بودند. آنالیز داده ها با روش تحلیل محتوای کیفی قراردادی انجام شد.

**یافته ها:** از تجربیات شرکت کنندگان مطالعه ۵ طبقه و ۱۴ زیرطبقه استخراج شد. این طبقات عمدتا به عوامل مرتبط با مصرف، فروش و توزیع سیگار در کشور از جمله قیمت سیگار می پردازند.

**نتیجه گیری:** در ایران هزینه سیگار برای مصرف کننده ناچیز است، سیگار بر خلاف قانون به زیر ۱۸ ساله ها فروخته می شود، سیگار بر خلاف قانون به صورت نخی به فروش می رسد و سیگارهای قاچاق به راحتی و با حجم بالا وارد کشور می شوند. این عوامل یعنی قیمت قابل پرداخت و قابلیت دسترسی آسان به سیگار منجر به استفاده روز افزون سیگار در میان جوانان و زنان ایرانی شده است. برای مبارزه با جریان مذکور، تجدید نظرهای اساسی در قوانین مرتبط با توزیع و فروش سیگار از جمله تغییر در مالیات و در نتیجه قیمت انواع سیگار و همچنین کنترل منظم قاچاق سیگار به داخل کشور لازم و ضروری به نظر می رسد.

**کلمات کلیدی:** ***Cigarette, qualitative research, cigarette price, cigarette smuggling,***

# Factors associated with the use, sale and distribution of cigarettes in Iran

**Mohammadreza Masjedi[1], Shirin Shahbazi Sighaldeh[2],**

**1-Chronic Respiratory Research Center, National Research Institute of Tuberculosis and Lung Diseases, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran**

**2- Department of Reproductive Health, School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran**

*Introduction: This study aims to explore factors related to the cigarette use in Iran, focusing on the relationship between price and the use of cigarette.*

*Methods: This qualitative study conducted in Tehran from August 2015 to September 2016. Data was gathered through cognitive and semi-structured in- depth interview. Participants were 7 men and 5 women who were current smoker, 3 retailers in newspaper stand, 4 wholesaler shopkeepers and one official from the fight against cigarette smuggling company. Data were analyzed through qualitative content analysis approach.*

*Results: From participants' experiences 5 categories and 14 subcategories were obtained. These categories are mainly associated with the use, sale and distribution of cigarettes in the country including the price of cigarette.*

*Conclusion: According to the participants' experiences, the price of cigarette for Iranian smokers is very low, cigarette illegally are sold to youth under 18 years, cigarette are sold illegally on cotton and a large quantities of contraband cigarettes enter into the country easily. These factors, the payable price and easy access to cigarette, have led to the increasing use of cigarettes among young people and women in Iran. Thus, major revisions in the laws related to the distribution and sale of cigarettes, including changes in tax and therefore the price of cigarette as well as the control of cigarette smuggling, are urgent and essential.*

# بررسی فراوانی مصرف دخانیات در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در سال ۱۳۹۴

علیرضا عباسی تشنیزی[۱]، معصومه معزی[۲]، سپهر فاضلی[۳]

۱- دانشجو، شهرکرد، علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

۲- استادیار، شهرکرد، علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

۳- دانشجو، شهرکرد، علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

**نویسنده مسئول:** علیرضا عباسی تشنیزی

**محور:**سیگار و دخانیات

**زمینه و هدف:** استعمال دخانیات یکی از مشکلات همه جانبه بشر است که به عنوان یک گرفتاری مهلک، تمامی ابعاد سلامتی ساکنان کره-خاکی را به اشکال مختلف تحت تأثیر قرار داده‌است. بررسی اعتیاد به مواد دخانی از جمله سیگار به عنوان رایج ترین، ارزانترین و سمی ترین ماده اعتیادآور و همچنین عوامل روانشناختی و جمعیت شناختی مرتبط با آن در جوانان بویژه قشر دانشجو که نیروهای جوان، کارآمد و سازندگان فردای جامعه می‌باشند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

**روش کار:** در این مطالعه توصیفی تحلیلی به شیوه مقطعی، به منظور تعیین فراوانی و نحوه عملکرد دانشجویان در زمینه دخانیات پرسشنامه‌ای حاوی اطلاعات دموگرافیک به صورت محقق ساخته تنظیم گردید و سپس پرسشنامه در اختیار۳۸۴ نفراز دانشجویان قرار گرفت. داده های جمع آوری شده از طریق نرم افزار ***SPSS*** تجزیه و تحلیل گردید.

**یافته ها:** شرکت کنندگان در مطالعه ۴۸٪ پسر و۵۲٪ دختر بودند. ۱۱,۵ درصد پاسخ مثبت دادند که ۳۶٪ سیگار۴۷,۲٪ قلیان و۱۱,۱٪ پیپ استفاده می کردند. . میانگین روزانه استفاده آنان از سیگار $\mu$***:9.98±9.2*** و

**نتیجه گیری:** سرانه استفاده از مواد دخانی بین دانشجویان پسر دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد بالاتر از شاخص کشوری در رده سنی جوانان است. با توجه به ارتباط بین مصرف دخانیات و مهارت‌های زندگی، توجه بیشتر به این گروه و ارائه آموزش‌های لازم درخصوص مهارت‌های زندگی و آگاهی بخشی در خصوص مضرات مواد دخانی ضرورت دارد. همچنین با توجه به درصد بالای استفاده از قلیان در بین جوانان باید نسبت به فعالیت مراکز عرضه قلیان نیز حساسیت بیشتری داشت.

**کلمات کلیدی:** سیگار,دخانیات, جوانان, دانشجویان

# Prevalence of tobacco use among Shahr-e-kord University of Medical Sciences students in 1394

**Alireza Abbasi*[1], Masumeh Moezy[2], Sepehr Fazeli[1]**

**1-Medical Students, Student Research Committee, Shahrekord University Of Medical Sciences, Shahrekord, Iran**

**2- Assistant Professor, Health Research Center, Shahrekord University Of Medical Sciences, Shahrekord, Iran**

*Introduction: Smoking is one of the comprehensive problem of human that affect all aspects of world inhabitants health as a serious and pandemic problem. investigation of addiction to tobacco products, including smoking as the most common, cheapest and toxic addiction and psychological and demographic factors associated with youth, specially the students as the efficient, is too important.*

*Methods: In this cross-sectional analytical manner, in order to determine the frequency and method of operation of Students in the field of tobacco, self-made questionnaire containing demographic information was developed. The questionnaire was provided to 384 students. Collected data were analyzed by SPSS software.*

*Results: Study participants were 48% male and 52% female. 11.5% responded yes, that 36% cigarette and 11.1%pipe, 47.2% hookah pipe were used. Their average daily use of cigarettes, , $\mu$:9.98±9.2.*

*Conclusion: Per capita use of tobacco products among the male students of shahr-e- kord University of Medical Sciences was higher than the index of country in the adolescents and youth. Regarding the relationship between smoking and life skills, pay more attention to this group and provide the necessary training on life skills and awareness about the dangers of these substances is necessary. Considering the high prevalence of hookah pipe use among young people, we should have more sensitive to the activity of distribution centers, in addition to training.*

# استفاده از مدل ترانس تئورتیکال در پیشگویی مراحل تغییر سیگار و قلیان

ویدا وکیلی[۱]، مهدی رضا عمادزاده[۲]، مریم عمادزاده[۳]

۱- استادیار، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- دانشیار، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- استادیار، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

**نویسنده مسئول:** ویدا وکیلی

**محور:**سیگار و دخانیات

**زمینه و هدف:** طبق تخمین وزارت بهداشت ایران امروزه حدود ۷۵۰۰۰۰ مرگ منتسب به عوارض سیگار در کشور داریم. هدف از این مطالعه استفاده از مدل ترنس تئورتیکال( ***TTM)***برای ارزیابی مراحل تغییر و فاکتورهای احتمالی موثر در ترک دخانیات در جمعیت عمومی شهر مشهد بود.

**روش کار:** این مطالعه مقطعی مبتنی بر جمعیت، در شهر مشهد در سال ۱۳۹۳ انجام گرفت. تعداد ۵۶۲ نفر در رابطه با مراحل تغییر مرتبط با ترک دخانیات( سیگار یا قلیان) مورد پیمایش قرار گرفتند.

**یافته ها:** ۱۸٪ و ۱۹٪ از شرکت کنندگان این مطالعه به ترتیب مصرف کنندگان منظم سیگار و قلیان بودند. تفاوت معناداری بین استعمال سیگار و جنسیت ( ***p*** <۰/۰۰۱) و ضعیت تاهل(***p*** =۰/۰۱) وجود داشت. در رابطه با استعمال سیگار تفاوت معنادار آماری بین مراحل تغییر در زنان و مردان وجود داشت(***p***<۰/۰۰۱) **.**جنس مذکر، استعمال قلیان و سوء مصرف الکل عوامل پیشگویی کننده مرحله پیش تفکر ***(precontemplation)***بودند، و سن تنها پیشگویی کننده مرحله انتهایی ***(termination)***در استعمال سیگار بود. جنسیت نقشی در استعمال قلیان نداشت.

**نتیجه گیری:** نزدیک به یک چهارم شرکت کنندگان مصرف کننده منظم دخانیات بودند. آموزش در سطح جامعه و مداخلاتی همچون افزایش قیمت سیگار مورد نیاز است.

**کلمات کلیدی:** ***Smoking, Stages Of Change, Transtheoretical Model, Socioeconomic Facto***

# Application of Transtheoretical Model to predict Stage transition regarding smoking types (Cigarette vs. hookah): Report of a population based study in Iran

**Veda Vakili[1], Mahdireza Emadzadeh[2], Maryam Emadzadeh[3]**

**1- Assistant Professor of Community Medicine, Department of Community Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran.**

**2- Associate Professor of Cardiology, Department of Cardiology, Ghaem Hospital, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran.**

**3- Resident of Community Medicine, Department of Community Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran.**

*Introduction: Recently Iranian Ministry of Health estimated about 750,000 attributed death to smoking complications. The aim of the present study was to apply the Transtheoretical Model (TTM) on general population of Mashhad city to evaluate the stages of change and possible cultural factors regarding smoking cession.*

*Methods: This descriptive, cross-sectional population based study was conducted in Mashhad, Iran in 2014. We surveyed a total of 562 participants about stages of change for smoking cessation for both hookah and cigarette smoking.*

*Results: 18% and 19% of people in this study were regular hookah and cigarette smokers respectively. There was significant difference between cigarette smoking and sex (p*

*Conclusion: Near one fourth of participants were regular smokers. Community-wide education and interventions such as increasing the price of cigarettes are needed.*

# فراوانی مصرف دخانیات در دانش آموزان شهر تهران

علی‌پاشا میثمی[1]، زهرا مهدیین[2]، لیلا صدیق[3]

۱- استاد، دانشگاه علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲- دانشگاه علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۳- دانشگاه علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** دکتر لیلا صدیق

**محور:**سیگار و دخانیات

**زمینه و هدف:** مصرف دخانیات به عنوان مهمترین عامل قابل پیشگیری بیماری و مرگ زودرس شناخته شده و چهارمین عامل خطر بار بیماری‌ها در جهان است.به‌دلیل باور اشتباه ضرر کمتر و منع اجتماعی کمتر، افراد بسیاری قلیان می‌کشند. براساس پژوهش‌های انجام‌شده، مصرف دخانیات در نوجوانان در حال افزایش و سن شروع آن رو به کاهش است.در این مطالعه شیوع مصرف تنباکو در دانش‌آموزان گروه سنی ۱۴ تا ۱۸ ساله شهر تهران ارزیابی و با مطالعات دیگر مقایسه شد.

**روش کار:** در این مطالعه مقطعی ۲۸۷۷ دانش‌آموز از خرداد تا تیرماه ۱۳۹۳ در شهر تهران بررسی شدند. نمونه‌گیری از آموزشگاه‌های زبان و فرهنگ‌سراها به صورت خوشه‌ای طبقه‌بندی شده بر مبنای مناطق شهر تهران انجام شد.پرسشنامه ساختارمند برای ارزیابی انواع عادات مصرف تنباکو مورد استفاده قرار گرفت.به دلیل نحوه نمونه گیری ،آنالیز به روش *complex sample survey* با نرم افزار *SPSS, ver. 20* و *Stata, ver. 12* انجام شد.

**یافته ها:** از افراد مورد مطالعه (۱۳٫۳٪-۱۰٫۸٪) ۱۱٫۵٪ تجربه‌ی مصرف سیگار را داشته و فراوانی مصرف سیگار در حال حاضر(۵٫۳٪-۳٫۷٪) ۴٫۴٪ بود. (۲٫۲٪-۰٫۹٪)۱٫۴٪ از دختران و (۸٫۵٪-۵٫۷٪)۷٪ از پسران در حال حاضر سیگار می‌کشیدند. ($P$ <۰٫۰۰۱) تجربه‌ی مصرف قلیان در (۴۳٫۴٪-۳۹٫۷٪)۴۱٫۵٪ افراد، در دختران (۴۴٫۲٪-۳۹٫۲٪)۴۱٫۷٪ و در پسران (۴۴٫۲٪-۳۹٫۲٪)۴۱٫۴٪ وجود داشت. مصرف قلیان در حال حاضر، توسط (۲۷٫۴٪-۲۴٫۱٪)۲۵٫۷٪ از دانش‌آموزان گزارش شد.در (۴٫۷٪-۳٫۲٪)۳٫۹٪ از موارد نیز تجربه‌ی مصرف پیپ وجود داشت.

**نتیجه گیری:** جنسیت پسر، والدین یا دوست سیگاری، وضعیت اقتصادی بد (نامناسب) با مصرف بالاتر سیگار در ارتباط است. انجام مداخلات کاهش بار مصرف دخانیات در جمعیت نوجوانان کشور به ویژه در مورد قلیان و سیگار پیشنهاد می‌شود.

**کلمات کلیدی:** مصرف دخانیات(سیگار، قلیان، پیپ)، شیوع، دانش آموزان دبیرستانی، ایران

# Frequency of tobacco use among students in Tehran city

*Alipasha Meysamie[1]. Zahra Mahdiin[3]. Leila Seddigh[2]*

*1- M.D.,MPH Community Based Participatory Research Center, Iranian Institute for Reduction of High-Risk Behaviors, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.*

*2- M.D,Department of Community and Preventive Medicine, Medical Faculty, Tehran, Iran.*

*3- M.D,General Practitioner, Department of Community and Preventive Medicine, Medical Faculty, Tehran, Iran.*

*Introduction: Smoking is known as the most important preventable risk factor for morbidity and premature death. Because of the misconception that waterpipe is less harmless than cigarette and also less socially prohibited, people smoke waterpipe more. Studies showed that tobacco consumption rate is increasing among adolescents and it`s initiation age has been declined. The aim of current study was the assessment of the prevalence of different types of tobacco use among students aged between 14 to 18 year old in Tehran.Also we had a comparison with similar studies.*

*Methods: In this cross-sectional study 2877 students between May and July 2014 have been assessed. Samples were collected from language institutes and "Farhangsara"s according to stratified cluster sampling based on the educational zones in Tehran.A structured questionnaire was used for different types of tobacco use habit assessment. Because of sampling method, data analysis was done with complex sample survey analysis in SPSS, and Stata software.*

*Results: Among participants 11.5% (10.8%-13.3%) had cigarette smoking experience. The prevalence of current cigarette smoking was 4.4% (3.7%-5.3%).1.4% (0.9%-2.2%) of girls and 7% (5.7%-8.5%) of boys were current cigarette smokers (P<0.001). Water pipe smoking experience prevalence was 41.5% (39.7%-43.4%) in total, 41.7% (39.2%-44.2%) in girls and 41.4% (39.2%-44.2%) in boys. Current water pipe smoking was reported in 25.7% (24.1%-27.4%) of students.Pipe smoking experience prevalence was 3.9% (3.2%-4.7%).*

*Conclusion: Cigarette smoking was significantly higher among boys ,having smoker parents or friends or had a bad economical status.Specific interventions should be considered to reduce cigarette and waterpipe smoking in adolescents.*

*Keywords: Iran, prevalence, secondary school, smoking (cigarette, waterpipe, pip)*

# تاثیر مداخلات آموزشی وجلب حمایت در پیشگیری از استعمال دخانیات درشهرستان اراک درسال۹۵-۹۴

ناهید چزانی شراهی[۱]، فاطمه ذاکری[۲]، حسن مهرعلی[۳]، غلامرضا میری[۴]

۱- کارشناس آموزش بهداشت، مرکز بهداشت استان مرکزی، اراک، ایران

۲- کارشناس آموزش بهداشت، مرکز بهداشت شهرستان اراک، ایران

۳- کارشناس مسیول بهداشت محیط، مرکز بهداشت شهرستان اراک، ایران

۴- کارشناس بهداشت محیط، مرکز بهداشت شهرستان اراک، ایران

**نویسنده مسئول:** ناهید چزانی شراهی

**محور:**سیگار و دخانیات

**زمینه و هدف:** این مطالعه باهدف تعیین تاثیر مداخلات آموزشی وجلب حمایت در پیشگیری از استعمال دخانیات انجام گردید.

**روش کار:** پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی مداخله ای بوده که در ۴۰۰ نفر از مراجعین به مراکز بهداشتی انجام شد. ارزیابی وارزشیابی از طریق تکمیل پرسشنامه محقق ساخته که روایی وپایایی آن مورد تایید قرارگرفت، صورت گرفت. که با استفاده از نرم افزار***SPSS***تحلیل گردید. اجرای مداخلات بابرگزاری ۱۲۴۱جلسه آموزشی جهت ۱۳۴۴۲شرکت کننده ،۱۰۰۰ مورد بازرسی اماکن،معدوم سازی ۱۶۸۰قلیان ،۱۰۷ تعطیلی امکنه ، حذف ۸۵٪ قلیان در سفره خانه انجام گرفت.

**یافته ها:** درمجموع از ۴۰۰نفری که وارد مطالعه شدند ۵۸٪زن و۴۲٪مرد،میانگین سن این افراد۳۲سال،متوسط سالهای تحصیل ۱۱سال،۷۷٪در شهر و۲۲٪ساکن روستا،۴۱٪شاغل و۵۹٪غیرشاغل بودند. دراین مطالعه آگاهی درگروه هدف عموم مردم قبل وبعدمداخله از۱۵٪به۲۸٪ ،درزنان باردارازز۶۲٪به ۸۹٪،درزنان شیرده از ۵۷٪به ۸۵٪ ارتقا یافت. استعمال کنندگان ۴۱٪شروع از دوره راهنمایی،۵۷٪بهترین مکان پارک ها،۵۰٪مشوق خودشان و۱۸٪ دوستان بیان نمودند.

**نتیجه گیری:** باتوجه به نتایج حاصله لزوم توانمندی افرادبا اجرای مداخلات آموزشی وفراتر از آن بایدپیگیراجرایی شدن استراتژی های کلیدی ارتقای سلامت مشتمل بر سیاست های حامی سلامت ،محیط های حامی سلامت،تقویت اقدام جامعه بود.

**کلمات کلیدی:** ارزیابی،پیشگیری ،دخانیات

# The impact of educational interventions on smoking prevention in the city of Arak (2015-2016 )

**Nahid Sharahi[1], Fatemah Zakeri[1], Hassan Mehrali[1], Gholamreza Miri[1]**

**1- Health Center of OstanMarkazi, Arak University of Medical Sciences, Arak, Iran**

*Introduction: This study aimed to determine the impact of educational interventions on smoking prevention.*

*Methods: This present study is an interventional study in which 400 patients referred to health centers were participated, assessment and evaluation by completing the questionnaire which its reliability and validity was confirmed and finally were analyzed using SPSS software. interventions , holding a number of training sessions for 13442 participants, 1000 health inspections from the premises, disposing of 1680 hookahs ,107 closures of places , removing 85% of the supplying of hookahs were done.*

*Results: The public target group awareness before and after intervention was promoted from 15 % to 28 % and within pregnant women from 62 % to 89 % and within lactating women from 57 % to 85 %. 41% of users stated their starting from middle school, 57 % stated park as the best place, 50% stated themselves as incentives and 18 % their friends.*

*Conclusion: According to the results, the necessity of individuals empowerment by implementing the educational interventions and beyond of it , we must follow up the implementation of key strategies in health promotion including pro-health policies ,health supportive environments and strengthening the community action.*

*Keywords: assessment, prevention, tobacco*

# رفتار فعالیت فیزیکی منظم در دانش آموزان دختر: کاربرد الگوی بین نظریه ای

هاشم حشمتی[1]

۱- دانشجو، تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** هاشم حشمتی

**محور:**فعالیت فیزیکی و کم تحرکی

**زمینه و هدف:** زندگی بدون تحرک یکی از مهمترین عوامل خطر برای بسیاری از بیماریها به شمار می آید. این مطالعه باهدف بررسی انجام فعالیت فیزیکی منظم بر اساس الگوی بین نظریه ای در بین دانش آموزان دخترشهر گرگان انجام گرفت .

**روش کار:** در مطالعه توصیفی از نوع مقطعی در زمستان ۱۳۹۱ تعداد ۴۱۴ دانش آموز به روش نمونه گیری دو مرحله ای وارد مطالعه شدند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه مراحل تغییر مارکوس و همکاران ، و پرسشنامه های تعادل تصمیم گیری ، خودکارآمدی و فرایندهای تغییر نیگ و همکاران بود. داده های از طریق آمار توصیفی و آزمون های آماری کروسکال والیس، من ویتنی و آزمون رگرسیون لجستیک مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**یافته ها:** از بین افراد مورد مطالعه ۴۶/۱ درصد در مرحله پیش تفکر، ۵/۸ درصد در مرحله تفکر، ۲۳/۷ درصد در مرحله آمادگی، ۱۲/۳ درصد در مرحله عمل و ۱۲/۱ درصد در مرحله نگهداری بودند. بر اساس اندازه اثر (مربع اتا) بیشترین اندازه اثر مربوط به سازه فرایندهای رفتاری بود(۰/۲۵). که از بین فرایندهای رفتاری هم بیشترین اندازه اثر مربوط به فرایند خودرهایی(۰/۲۳)، کنترل محرکی (۰/۱۹) و شرطی سازی متقابل (۰/۱۷) بود.

**نتیجه گیری:** حدود سه چهارم دانش آموزان در مراحل اولیه تغییر فعالیت فیزیکی منظم قرار داشته و زندگی بدون تحرکی دارند.. فرایندهای رفتاری خودرهایی، کنترل محرکی و شرطی سازی متقابل بیشترین اندازه اثر را در گذر از مراحل انجام ورزش نشان دادند.

**کلمات کلیدی:** ***Regular Physical Activity, Transtheoretical Model, student.***

# Regular Physical Activity among Female Students

**Hashem Heshmati[1]**

**1- Student of Tehran University of Medical Sciences**

*Introduction: Sedentary life is one of the most important risk factors to many diseases. The aim of the current study was to investigating of regular physical activity based on transtheoretical model among female pupils of Gorgan city.*

*Methods: In a cross-sectional design in winter 2013, 414 female pupils who recruited through a random two stages method. Data gathered using by Marcus et al, stages of change measure along with Nigg et al\'s, Decisional Balance, Self- Efficacy, and Processes of Change measures.Gathered data were analyzied through descriptive statistics, Kruskal-Wallis, Mann-whietny, and logistic regression tests.*

*Results: Of them, 46.1% were in precontemplation stage, 5.8% in contemplation,23.7% in preparation, 12.3% in action, and 12.1% in maintanenec stage.According to effect size (eta square) the most predictor of exercise stages transitionwas behavioral processes which them the most power effect size were in self-liberation (0.23), stimulus control (0.19), and counter conditioning (0.17). Predicting of regular physical activity*

*Conclusion: The findings indicated that about three-quarters of the pupils were in the earlier stages of chang and have sedentary life.Behavioral processes of self-liberation,stimulus control, and counter conditioning were the strongest predictors of exercise stages transition.*

*Keywords: Regular Physical Activity, Transtheoretical Model, Student.*

# بررسی تاثیر آموزش بر کیفیت زندگی بیماران فشارخون بالا

صدیقه ترابی[1]

۱- مربی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** صدیقه ترابی

**محور:**پرفشاری خون

**زمینه و هدف:** پرفشاری خون یکی از بزرگترین مشکلات مزمن بهداشتی جهان است. سازمان جهانی بهداشت تخمین می زند که حدود ۶۰۰ میلیون نفر در دنیا به پرفشاری خون مبتلا هستند.این بیماری یکی از قویترین عوامل مستعد کننده در ۵۰۰هزار مورد سکته مغزی و عامل عمده در ۱/۲۵میلیون سکته قلبی درسال است پرفشاری خون به علت عوارض و میزان مرگ و میر بالا یک مشکل عمده بهداشتی محسوب می شود

**روش کار:** این پژوهش یک مطالعه کار آزمایی بالینی می باشد. جامعه پژوهش بیماران مبتلا به پرفشاری خون مراجعه کننده به بیمارستان قمر بنی هاشم و شهید مدنی شهرستان خوی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه و روش نمونه گیری در این مطالعه به صورت مستمر و به شیوه تصادفی ساده برای اختصاص دادن روزهای زوج و فرد برای قرار دادن گروه های مداخله و کنترل جهت جلوگیری از نشت اطلاعات توسط بیماران بوده است.

**یافته ها:** : آموزش به بیمار باعث افزایش رضایت، استقلال وی و افزایش شرکت او در برنامه های بهداشتی می شود و همچنین باعث کاهش طول مدت بستری در بیمارستان،کاهش عوارض بیماری، افزایش طول عمر و ارتقاء سلامت می گردد

**نتیجه گیری:** آموزش از جمله راههای احتمالی در ارتقای کیفیت زندگی بیماران توسط پرستاران می باشد، از آنجا که بیماران به طور فزاینده ای خواستار دریافت اطلاعات هستند تا آنها را در امر مراقبت از خود یاری نماید.مطالعات نشان داده اند که عدم آگاهی بیماران از نحوه مراقبت از خود یکی ازدلایل بستری شدن آنهادر بیمارستان است وهدف این پژوهش و برنامه آموزشی موجب افزایش آگاهی و رفتارهای خود مراقبتی بیماران می شود.

**کلمات کلیدی:** پرفشاری خون، آموزش به بیمار، کیفیت زندگی

# The effect of education on the quality of life of hypertensive patients

*Sedigheh Torabi*[1]

*1. School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences*

*Introduction: Chronic hypertension is one of the biggest health problems in the world. The World Health Organization estimates that 600 million people worldwide suffer from hypertension. That is one of the strongest risk factors for stroke and a major factor in 500 thousand 1.25 million heart attacks in the Hypertension due to high morbidity and mortality is a major health problem.*

*Methods: This study is a clinical trial. The study population of patients with hypertension khoy Hospitals of Oromiye University of Medical Sciences And sampling continued in the study and randomly assigned to the Odd and even days to put the intervention and control groups will be used to prevent information leakage by patients*

*Results: Education to increase patient satisfaction, and increase his independence as well as her participation in health programs reduced length of hospital stay, reduced complications, increased length health promotion resources are*

*Conclusion: . Most chronic diseases such as hypertension, lifestyle, mental health and quality of life is closely associated. If not controlled, it timely and appropriate to cause various diseases, significant disability Reduce productivity and ultimately reduce the quality of life As one of the most important members of the health care team plays an important role in balancing quality of life for patients. Aim of the research and educational programs to increase awareness and self-care behaviors of patients*

*Key words: hypertention, patient education, quality of life*

# نمک های رژیمی در دنیا و ایران؛ تنوع و اثربخشی

محمد محمدی[1]، علی پاشا میثمی[2]، جکی وبستر[3]

۱- دستیار، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲- استاد، تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۳- استاد، دانشگاه سیدنی، استرالیا

**نویسنده مسئول:** محمد محمدی

**محور:**پرفشاری خون

**زمینه و هدف:** پرفشاری خون در سال ۲۰۱۵ از میان ۷۹ ریسک فاکتور که موجب بار بیماری در کشورهای مختلف دنیا می شوند، دارای رتبه اول می باشد. در ایران ریسک فاکتور پرفشاری خون پس از چاقی دومین فاکتور دارای بیشترین بار بیماری می باشد. دریافت سدیم زیاد باعث اثرات منفی متعدد بر سلامتی همه افراد شامل مبتلایان به پرفشاری خون و افراد دارای فشار خون طبیعی می شود. دریافت سدیم زیاد یافته ای مشترک در بیشتر کشورها می باشد. استفاده از نمک های رژیمی یا جایگزین روشی کاربردی برای کاهش دریافت نمک می باشد اما اثربخشی آن و سازگاری با ذائقه افراد مهم است

**روش کار:** با جستجوی *PubMed* و *Web of Science* کارآزمایی های بالینی که اثربخشی مصرف نمک های رژیمی را منتشر کرده اند بررسی شد. بانک اطلاعات فارسی *IranDoc* و *SID* برای مقالات فارسی جستجو گردید. محدودیت زمانی برای جستجو درنظر گرفته نشد. در جستجوی عمومی برندهای بین المللی و ایرانی که نمک رژیمی تولید می کنند بررسی گردید

**یافته ها:** شش کارآزمایی بالینی از نمک رژیمی استفاده کرده اند. از بین آنها ۵ مطالعه به اثربخشی نمک رژیمی در کنترل فشار خون اشاره کرده اند. ۱۱ برند نمک در جستجوی عمومی در دنیا یافت شد در ایران سه برند نمک رژیمی وجود دارد. سازگاری با ذائقه افراد در برندی که به مدت ۳ سال در چین پیگیری شد مناسب بوده است

**نتیجه گیری:** مطالعات فعلی اثربخشی خوبی گزارش کرده اند. کارآزمایی های بالینی بیشتر جهت ارزیابی اثرات بیومتریک نمک های رژیمی و سازگاری با ذائقه افراد مورد نیاز است.

**کلمات کلیدی:** نمک رژیمی، فشار خون طبیعی، فشار خون بالا، ذائقه

# Salt Substitutes in the World & Iran: Types & Effectiveness

*Mohammad Mohammadi[1], Alipasha Meysamie[1], Jacqui Webster[2]*

*1. Department of Community Medicine, School of Medicine, Tehran University of Medical Sciences*

*2. The University of Sydney*

*Corresponding author: Mohammad Mohammadi[1]*

*Introduction: Hypertension is the risk factor with the leading burden of disease worldwide. According to global burden of disease and risk factors reported in 2015, hypertension is the second risk factor after obesity with the most burden in Iran. Excess sodium consumption has many health consequences both in hypertensive and normotensive individuals. In most of the world sodium content in everyday diet is far beyond the recommended limit. Salt substitute is a practical way of reducing sodium intake in people\'s diet. However, its effectiveness and the sapor of the product are important factors*

*Methods: We searched PubMed & Web of Science for any clinical trial using salt substitute. No limitation was applied for date of publication. We also searched IranDoc & SID for Persian trials. A general search was also carried out for brands of salt substitutes available on the Web*

*Results: Six clinical trials were found using salt substitutes. Five showed effective control of blood pressure. Eleven brands of salt substitutes were found globally. Three brands are available in Iran. A trial in China with three years of follow-up showed compatible with the diet*

*Conclusion: Six clinical trials were found using salt substitutes. Five showed effective control of blood pressure. Eleven brands of salt substitutes were found globally. Three brands are available in Iran. A trial in China with three years of follow-up showed compatible with the diet*

*Keywords: Salt Substitute, Hypertensive, Normotensive, Sapor, and Burden of Disease*

# پایبندی به درمان دارویی در بیماران مبتلا به فشار خون بالا: بررسی نقش رضایت بیمار از ارتباط با پزشک

احمد محمودیان[۱]، احمدرضا زمانی[۱]، ندا توکلی[۳]، زیبا فرج زادگان[۱]

۱- استاد، علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

۲- متخصص، علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

**نویسنده مسئول:** ندا توکلی

**محور:** سایر

**زمینه و هدف:** در مطالعات مختلف چگونگی ارتباط پزشک با بیمار نقش موثری در رضایتمندی بیمار، تبعیت از درمان و پیامدهای سلامتی داشته است لیکن بررسی نقش جنبه های مختلف ارتباط پزشک-بیمار در پایبندی به درمان دارویی از مواردی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است .بر این اساس، مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیر ابعاد مختلف رضایت بیمار از برقراری ارتباط با پزشک بر پایبندی به درمان دارویی در بیماران مبتلا به فشار خون بالا انجام شد.

**روش کار:** در این مطالعه مقطعی ۳۰۰ نفر از بیماران مبتلا به فشار خون بالا مورد مطالعه قرار گرفتند. نمونه گیری به صورت چند مرحله ایی و از مراکز بهداشتی و درمانی شهراصفهان انجام شد. ابزار جمع آوری اطلاعات شامل پرسشنامه رضایت بیمار از ارتباط با پزشک و ابزار پایبندی به درمان دارویی ۸ گزینه ای موریسکای بود. در این مطالعه نسبت شانس *(OR)*رضایت بیمار از ارتباط با پزشک در حیطه های مختلف در دو گروه دارای پایبندی مناسب و عدم پایبندی مناسب به درمان با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک چندمتغیره و فاصله اطمینان ۹۵ درصد مورد بررسی قرار گرفت.

**یافته ها:** پس از کنترل متغیر های دموگرافیک رضایت پایین تر بیماران از مهارت های ارتباطی پزشک ( *OR=0.20 95% CI 0.06-0.71)*و آرامش روانی دریافتی در ارتباط با پزشک *(OR=0.33 95% CI 0.13-0.80)*با میزان بالاتر گزارش عدم پایبندی به درمان همراه بود.

**نتیجه گیری:** رضایت بیماران از مهارت های ارتباطی پزشک وهمچنین رضایت از آرامش روانی دریافتی ازرابطه با پزشک با پایبندی به درمان بیماران مبتلا به فشار خون بالا در ارتباط می باشد.

**کلمات کلیدی:** ارتباط، پایبندی به درمان دارویی، رضایت بیمار، فشار خون بالا، مهارت ارتباط

# Medication Adherence in Patients with Hypertension: Does Satisfaction with Doctor-Patient Relationship Work?

*Neda Tavakoli[1], Ahmad Mahmoodian[1], Ahmadreza Zamani[1], Ziba farajzadegan[1]*

*1 .Department of Community Medicine, Faculty of Medicine, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran*

*Corresponding Author: Neda Tavakoli*

*Introduction: It is assumed that doctor-patient relationship plays an effective role in patients' satisfaction, medication adherence, and health outcomes, since exploring different aspects of this relationship, such as addressing medication adherence, has rarely been investigated. Therefore, the main aim of the present study was to assess the impact of patients' satisfaction derived from communicating with doctors on medication adherence in hypertensive patients.*

*Methods: This cross-sectional survey was conducted on three hundred patients with hypertension, using multi-stage sampling technique in health care centers in Isfahan, Iran. Data were collected by two questionnaires comprised of 1) patients' satisfaction derived from the relationship with doctors and 2) medication adherence named "Morisky Medication Adherence Scale" with 8 items. Multivariate logistic regression model was applied to test the Odds Ratio (OR) of patients' satisfaction resulting from the relationship with physicians in numerous aspects in two groups: appropriate and inappropriate medication adherence.*

*Results: A lower level of satisfaction derived from building the relationship (CI= 0.95, 0.06-0.71 and OR= 0.20) and empathy subscales (CI= 0.95, 13- 0.80 and OR=0.33) was associated with non-adherence to treatment after controlling the physicians' gender and patients' age, gender, education, and duration of disease.*

*Conclusion: Patients' satisfaction resulting from building the relationship and empathy with physicians appeared to be associated with medication adherence among hypertensive patients.*

*Keywords: Communication, Hypertension, Medication adherence, Patients, Physician*

# چه سطحی از وزن اضافی، قند خون و سن می تواند باعث دو برابر شدن خطر فشار خون شود؟

**ابراهیم بابایی[۱]، جلال پور العجل[۲]،فرزانه فربخش[۳]، لعیا فتح اللهی[۴]**

**۱.کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، مسوول واحد پیشگیری و مبارزه با بیماریهای شبکه پاکدشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی۲. دانشیار ، دانشگاه علوم پزشکی همدان۳. رییس واحد پیشگیری و مبارزه با بیماری های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی۴. کارشناس مامایی، مرکز درمانی مهدیه، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی**

**محور:**پرفشاری خون

**زمینه و هدف:** علیرغم اثر شناخته شده سن، اضافه وزن و افزایش قند خون بر فشار خون، سطح میزان مواجهه این فاکتور های خطر بر میزان افزایش فشار خون بطور گسترده مورد ارزیابی قرار نگرفته است. در این مطالعه مقطعی این موضوع مورد بررسی قرار گرفته است.

**روش کار:** این مطالعه گزارشی از برنامه غربالگری یک گروه بزرگی از جمعیت برای تعیین میزان شیوع پرفشاری خون و دیابت و فاکتورهای خطر مرتبط می باشد. شرکت کنندگان در این مطالعه افراد ۳۰ ساله و بالاتر هستند که به مراکز بهداشتی در تهران و حومه مراجعه کرده اند. پرسشنامه استانداردی بر اساس الگوی *WHO STEPS* برای جمع آوری داده های فشار خون، نمایه توده بدنی *BMI* ، نسبت دور کمر به باسن *WHR*، قند خون ناشتا *FBS* ، وضعیت استعمال دخانیات و اطلاعات دموگرافیک از قبیل سن و جنس مورد استفاده قرار گرفت.

**یافته ها:** از تعداد ۷۶۱۱ نفر ازافراد شرکت کننده در مطالعه تعداد ۶۹۶ (۹,۱٪) نفر مبتلا به فشاری خون بالا بودند. در این مطالعه معلوم شد به ازای افزایش هر ۹,۴ سال در سن، ۱۰,۳ *(Kg/m2)*در نمایه توده بدنی، ۰,۵ واحد در نسبت دور شکم به باسن و ۸۵,۸ *mg/dl* در میزان قند خون ناشتا شانس ابتلا به فشار خون بالا را دو برابر می کند *(OR:2)*

**نتیجه گیری:** نتایج این مطاله میزان تاثیر فاکتورهای خطر را بر ابتلا به پرفشاری خون نشان می دهد.نتایج مطالعه می تواند در سیاست گذاری های بهداشتی و اولویت بندی برنامه های کاهش بار بیماری پرفشاری خون موثر باشد.

**کلمات کلیدی:** فشار خون، نمایه توده بدنی، قند خون، پرفشاری خون

# How much excess body weight, blood sugar, or agecan double the risk of hypertension?

**Ebrahim Babaee[1] ,Poorolajal Jalal[2], Farbakhsh Farzaneh[3], Laya Fatollahi[4]**

1. **Department on Noncommunicable Diseases، SBMU ،Tehran**
2. **Modeling of Noncommunicable Disease ،UMSHA ،Hamadan**
3. **Department on Noncommunicable Diseases ،SBMU ،Tehran**
4. **Department of Mahdiye Hospital, Vic ،Mahdiye Hospital ،SBMU ،Tehran**

**corresponding author: Ebrahim Babaee**

*Introduction: Despite the well-known impact of age, excess body weight, and raised blood glucose on blood pressure, the level of exposure to these risk factors necessary to double the risk hypertension is not widely investigated, but was explored in this cross-sectional study.*

*Methods: This study reports the results of a screening program conducted on a large population of adults to assess the prevalence of diabetes and hypertension and their associated risk factors. The participants were people aged 30 years or older referring to 16 health centers in Tehran and its suburbs. A standard questionnaire was used to collect data on blood pressure, body mass index (BMI), waist-hip ratio (WHR), fasting blood sugar (FBS), smoking status, and demographic characteristics (age and gender) based on WHO STEPS manual.*

*Results: Of the 7611 people who participated in the screening program, 696 (9.1%) had raised blood pressure. The level of exposure of risk factors for high blood pressure necessary to replicate the OR of 2.0 indicated that an OR of 2.0 corresponds to an increase in age of about 9.4 years, an increase in BMI of about 10.3 kg/m2, an increase of waist-to-hip ratio of about 0.5, or an increase in fasting blood sugar of about 85.8 mg/dl.*

*Conclusion: This study indicated how much increase in age, BMI, waist-hip ratio, and FBS can double the risk of hypertension. These results may be of helpful for public health policy and prioritizing effective prevention programs to reduce the burden of high blood pressure.*

*Keywords: Blood Pressure; Hypertension; Diabetes Mellitus; Body Mass Index; Waist*

# بررسی ارتباط آموزش های تغذیه ای با کنترل فشار خون در بیماران مبتلا به فشار خون بالا

پروین جولا[۱و۲]، محمد علی شفیعی نیا[۳]

۱. کارشناس بیماری های غیر واگیر، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران

۲. دانشجوی ارشد تغذیه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

۳. مدیر گروه بیماری های غیر واگیر، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران

**محور:**پرفشاری خون

**زمینه و هدف:** تغییرات سبک زندگی از طریق آموزش تغذیه یکی از موثرترین راه ها در پیشگیری و کنترل بیماری های غیرواگیر از قبیل فشارخون بالا می باشد. هدف از این مطالعه تعیین ارتباط بین آموزش تغذیه با کنترل فشار خون در بیماران مبتلا به فشارخون بالا می باشد.

**روش کار:** در این مطالعه توصیفی مقطعی ، ۶۰ بیمار مبتلا به فشار خون در محدوده سنی ۵۰-۳۰ سال مراجعه کننده به مراکز بهداشتی که تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی دزفولمی باشند، بصورت تصادفی انتخاب شدند. تعداد جلسات آموزش تغذیه و سطوح فشار خون آنها در طول شش ماه بررسی و داده ها با نرم افزاز *spss 16* تحلیل گردید. سطح معناداری کمتر از ۰,۰۵ قرار داده شد.

**یافته ها:** ۵۴ ٪ بیماران حداقل ۵ تا۶ بار، ۳۲٪ بیماران حداقل ۳تا۴ بار و ۱۴٪ بیماران حداقل ۱تا۲ بار آموزش های تغذیه ای را در طول شش ماه دریافت کرده بودند. ۶۱٪ از بیماران با ۵تا۶ جلسه آموزش تغذیه ، ۴۹٪ بیماران با ۳تا۴ جلسه و ۲۴٪ بیماران با ۱تا۲ جلسه فشار خونی کنترل شده داشتند.یک ارتباط معنادار بین تعداد جلسات آموزش تغذیه و کنترل فشار خون مشاهده شد *(p=0.03)* *r=0.54). )*

**نتیجه گیری:** به نظر می رسد هر چه تعداد جلسات آموزش تغذیه بیشتر بوده، میزان فشار خون کنترل شده نیز بیشتر بود. بر اساس نتایج حاضر، تمرکز بر بهبود خدمات آموزش تغذیه توسط کارشناسان تغذیه در مراکز بهداشتی درمانی و تسهیل ارجاع بیمار جهت دریافت چنین آموزشهایی پیشنهاد میگردد.

**کلمات کلیدی:** کنترل فشار خون، آموزش های تغذیه ای، مراکز بهداشتی

# The survey of relationship between nutritional educations with hypertension control in patients with hypertension

**, Mohammad Ali Shafinia[2] [1] Parvin Joola**

1. **Non communicable diseases expert ،Deputy of health ،1.Dezful University of Medical Sciences ،Dezful ،Iran**
2. **Non communicable diseases group man ،Deputy of health ،2.Dezful University of Medical Sciences ،Dezful ،Iran**

**corresponding author: Parvin Joola**

*Introduction: Lifestyle changes through nutritional education is one of the effective ways to prevent and control many noncommunicable diseases such as hypertension.The aim of this study was to determine the association of the nutritional educations with hypertension control in patients with hypertension.*

*Methods: In this analytical cross-sectional study, 60 patients with hypertension in age range 30-50 years referred to health centers of Dezful University of medical Siences were randomized. Their nutritional education sessions and hypertension levels were investigated during the six months. 24-hour recall questionnaire were evaluated at baseline and end of each month. Data were analyzed with SPSS16 software and significant was set at P value < 0.05.*

*Results: 54% of patients at least 5-6 times, 32% of patients 3-4 times and 14% of patients at least 1-2 times had received nutrition educations during 6 months by nutrition experts. 61% of patients with 5-6 nutrition education sessions, 49% of patients with 3-4 sessions and 24% of patients with 1-2 sessions had controlled hypertension. A Significant relationship was observed between the number of nutrition education sessions and controlled hypertension (p=0.03 . r=0.54).*

*Conclusion: We conclude that whatever the number of nutritional education sessions were more, the rate of controlled hypertension also were more. Based on the results, focus on improving services of nutritional educations given by nutrition experts in health care centers and facilitating the patient references to receive such trainings is suggested.*

*Keywords: hypertension control, nutritional educations, health centers*

# بررسی مروری درمان پرفشاری خون با مصرف غذاهای دریایی

فاطمه سادات احمدی[1]، لیلا نظری[2]

۱ دانشجوی مقطع کارشناسی رشته علوم تغذیه واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

**نویسنده مسئول:** فاطمه سادات احمدی

**محور:**پرفشاری خون

**زمینه و هدف:** عدم کنترل پرفشاری خون میتواند به بسیاری از اندام های بدن ازجمله قلب، کلیه ها و مغزآسیب برساند. حدود ۱٫۸ میلیارد نفر در جهان ازپرفشاری خون رنج می برند. شیوع این بیماری در ایران درسنین ۳۰ تا۵۵ سال ،۲۳٪ و در افراد بالای ۵۵ سال حدود ۵۰٪ میباشد.اغلب بیماران بدلیل زندگی کم تحرک و تغذیه ناسالم مبتلا میشوند.این مطالعه مروری به بررسی ارتباط بین مصرف غذاهای دریایی وکاهش فشارخون سیستولیک و دیاستولیک میپردازد.

**روش کار:** مطالعات مرتبط با اثر غذاهای دریایی در درمان پرفشاری خون با جستجو در *PubMed*، *Google Scholar* و *Web of Science* بدست آمد. نتایج این بررسی با جستجو در پایگاه داده ناشرانی همچون *Elsevier* و *Wileyonline* تکمیل شد. تمامی مطالعات مربوطه منتشر شده تا ژانویه ۲۰۱۷ در نظرگرفته شد

**یافته ها:** طبق بررسی چندین کارآزمایی بالینی، مصرف غذاهای دریایی بدلیل نسبت مناسب سدیم و پتاسیم در بین انواع گوشت ها و وجود امگا۳ میتواند در کاهش فشارخون نقش داشته باشد. امگا۳ موجود در روغن ماهی (مصرف ۵۰۰ تا۱۵۰۰ میلی گرم از *EPA*و *DHA* درطول هفته )در بدن به پروستاگلاندین ها تبدیل میشود که میتوانند درتنظیم فشارخون و پروفایل لیپیدی وگشاد شدن عروق نقش داشته باشند.بنابراین ممکن است بتواند موجب کاهش فشارخون مبتلایان به هایپرتنشن و تنظیم فشارخون افراد با فشارخون ملایم شود.

**نتیجه گیری:** مصرف غذاهای دریایی بدلیل دارا بودن اسید های چرب امگا۳ ، نسبت مناسب سدیم و پتاسیم، مکانیزم های گشاد کننده عروق، تنظیم لیپیدهای خون، ممکن است بتواند منجر به کاهش فشارخون سیستولیک و دیاستولیک و خطر بیماری های عروق کرونر شود.

**کلمات کلیدی:** پرفشاری خون-غذاهای دریایی-اسیدهای چرب امگا ۳

# A Review on the Treatment of Hypertension with Seafoods

*Leila Nazari, Fateme sadat Ahmadi*

***corresponding author:*** *Leila Nazari*

*Introduction: failure to control hypertension can harm too many organs including the heart, kidneys and brain. About 1.8 billion people in the world suffer from hypertension.The prevalence in Iran is 23% in the ages of 30 and 55 years, and 50% in people over 55 years. Most patients due to sedentary lifestyle and poor nutrition are affected. This article examines the relationship between seafood consumption and reduced systolic and diastolic pressure.*

*Methods: We conducted a literature search for the role of seafoods in treatment of hypertension. We searched PubMed, Google Scholar, and ISI databases. In addition, our search was supplemented with the search of publisher databases like Elsevier, Wiley Online and SpringerLink. All identified studies published up to January 2017 have been considered.*

*Results: according to the review of several clinical trials, seafood consumption due to the proper ratio of sodium and potassium, and omega-3, may have a role in lowering blood pressure. Omega-3 found in fish oil) 500 to 1500 mg of EPA and DHA per week) is converted in the body into prostaglandins regulate blood pressure and lipid profile that can contribute. So May be able to reduce blood pressure in patients with hypertension and blood pressure in people with mild hypertension.*

*Conclusion: Seafoods consumption due to their omega-3 fatty acids, sodium and potassium ratio, vasodilator mechanisms, regulation of blood lipids, may be able to reduce blood pressure and risk of coronary artery disease.*

*Keywords: hypertension-Seafoods-Fatty Acids, Omega-3*

# بررسی شیوع فشار خون بالا در افرد بالای ۳۰ سال شهرستان کاشان

مرتضی پنجه شاهی[۱]، سید حسین مستوری[۲]، حمیده غفاریان[۳]، داورخواه ربانی[۴]، لیلا خراسانی فر[۵]، حسین اکبری[۶]

۱- کارشناس مسئول بیماریهای غیرواگیر، معاونت بهداشتی دانشگاه کاشان، کاشان، کاشان، ایران

۲- کارشناس بیماریهای غیرواگیر، معاونت بهداشتی دانشگاه کاشان، کاشان، کاشان، ایران

۳- کارشناس برنامه کودکان، معاونت بهداشتی دانشگاه کاشان، کاشان، کاشان، ایران

۴- استادیار گروه بهداشت محیط دانشگاه، دانشکده بهداشت، کاشان، کاشان، ایران

۵- مربی آموزشگاه بهورزی، معاونت بهداشتی دانشگاه کاشان، کاشان، کاشان، ایران

۶- استادیار گروه بهداشت عمومی دانشگاه ، دانشکده بهداشت، کاشان، کاشان، ایران

**نویسنده مسئول:** مرتضی پنجه شاهی

**محور:**پرفشاری خون

**زمینه و هدف:** فشارخون بالا بیماری غیرواگیری است که در جوامع درحال توسعه شیوع چشمگیری دارد. این بیماری سالها بدون علامت باقی می ماند و تشخیص دیرهنگام آن، نهایتا باعث از کارافتادگی ، مرگ و تحمیل هزینه های زیاد به جامعه می گردد. در این مطالعه شیوع فشارخون بالا در افراد بالای ۳۰ سال شهرکاشان بررسی شد.

**روش کار:** در این مطالعه توصیفی, ۱۰۰۰ نفر از مردم شهر کاشان با روش نمونه گیری سیستماتیک از فهرست خانوارها در مراکز بهداشتی، انتخاب و فشارخون سیستولی و دیاستولی آنها اندازه گیری و اثر عواملی مانند سن، جنس،***BMI*** ، شغل، میزان تحصیلات، استعمال سیگار، پیاده روی، مصرف میوه و سبزی بر فشارخون به کمک آزمونهای ***t*** و ***X2*** بررسی شد.

یافته ها: در کل ۱۴/۷٪ نمونه ها دارای افزایش فشارخون بوده اند( مردان ۱۳٪ و زنان ۱۵/۲٪ ). شیوع فشارخون درجه یک و دو به ترتیب ۶ /۱۰٪ و ۴/۱٪ بود. ارتباط معنی‌داری بین جنس، سن و شغل با فشارخون مشاهده شد) ***PV***<۰/۰۵ همچنین ارتباط معنی‌داری بین افزایش سطح تحصیلات و کاهش ابتلا به فشارخون مشاهده گردید. رابطه معنی‌داری نیز بین***BMI*** و مصرف نمک بالا با فشارخون دیده شد.

**نتیجه گیری:** شیوع فشارخون بالا درشهر کاشان ( ۱۴/۷٪) از کل کشور(۲۰٪ ) و از استان اصفهان(۱۸٪) پایینتر است و نسبت به روستاهای کاشان (۱۲/۲٪ ) بالاتر است. با توجه به رابطه فشارخون بالا با جنس، سن، تحصیلات، ***BMI*** ، شغل و مصرف نمک، توصیه میشود افراد با عوامل خطر فوق از نظر فشارخون بیشتر مورد مراقبت قرارگیرند.

**کلمات کلیدی:** ***Hypertension, BMI, Salt***

# The prevalence of high blood pressure in people over 30 years the city of Kashan

***Morteza Panjehshahi, Seyyed Hossein Mastouri, Hamideh Ghafarian, Davarkhah Rabbani, Leyla Khorasanifar, Hossein Akbari***
***corresponding author: Morteza Panjehshahi***

*Introduction: Hypertension is related to some factors such as age, sex, race and social - economical situations. In our country (Iran) according to healthy heart project findings, hypertension prevalence in 35 to 65 years old people is about 23.2%. Also, it was reported 17.7% in the people of Tehran, in 1991. Study which was performed on incoming people in 7 health service centers in Kashan in 2003 showed that 11% of them were suffered from hypertension. Hence, this study was aimed to "Survey on prevalence of hypertension in people with more than 30 years old in Kashan in 2006"*

*Methods: This study was carried out on 1000 Samples in Kashan in 2006. First, out of 30 health centers 15 were selected randomly. Then, samples were chosen by systematic random sampling method proportional to their population. Data from age, sex, BMI, family history, occupation, educational status, smoking, walking, fruit and vegetable consumption were collected. Last data were analyzed using Chi-square, T-test and ANOVA).*

*Results: The results showed that 41 cases (4.1%) and 106 cases (10.6%) suffered from Hypertension prevalence was calculated 14.7% males 13% and females 15.2%). A significant relation was observed between hypertension and sex (P.V< 0.027), age (P.V< 0.001), BMI (P.V< 0.001) salt consumption (P.V< 0.006), occupation (P.V< 0.022 and educational status (P.V< 0.001).*

*Conclusion:In this study hypertension prevalence was calculated 14.7% and a significant relation between hypertension and some factors such as, age, sex, occupation, educational status, BMI and salt consumption was observed.*

# بررسی رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت و عوامل موثر بر آن در کارکنان شرکت دخانیات تهران

فرحناز خواجه نصیری[۱]، شهلا خسروی[۲]، الهام حکم آبادی[۳]، سهیلا دبیران[۴]

۱- عضو هیئت علمی، علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲- عضو هیئت علمی، علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۳- دانشجو، علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۴- عضو هیئت علمی، علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** فرحناز خواجه نصیری

**محور:**نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت

**زمینه و هدف:** زمینه :رفتارهای ارتقا دهنده سلامت راهکارهایی برای حفظ و ارتقا سلامت هستند. تمایل به انجام این رفتارها زمانی بیشتر میشود که فرد وضعیت خود را در انجام آنان نامطلوب ارزیابی کند. با توجه به اینکه مطالعات رفتارهای ارتقا سلامت در جمعیت کارگران که از سرمایه های کشور محسوب می شوند بصورت خیلی محدود انجام شده است این پژوهش با عنوان بررسی رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت و عوامل موثر بر آن در کارکنان شرکت دخانیات تهران انجام شد. هدف: این مطالعه با هدف تعیین وضعیت رفتارهای ارتقادهنده سلامت در کارکنان شرکت دخانیات تهران و عوامل موثر بر آن است.

**روش کار:** روش کار: دراین مطالعه مقطعی (توصیفی– تحلیلی) جامعه مورد بررسی کلیه کارگران شرکت دخانیات تهران(۲۸۲ نفر) می باشد. مشخصات دموگرافیک این جمعیت توسط پرسشنامه دموگرافیک محقق ساخته و رفتارهای ارتقا سلامت با پرسشنامه استاندارد (***HPLP2(Health Promotin Life Style***) جمع آوری گردید. نهایتا پرسشنامه ها از طریق نرم افزار ***SPSS***نسخه۲۲ و با استفاده از آمارهای توصیفی و تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**یافته ها:** مطالعه نشان داد کلیه حیطه های پرسشنامه ارتقا سلامت با نمره کلی ارتباط معنی دار داشت.(***pv<0.005*** و ***r=1*** ) و حیطه مدیریت استرس با تحصیلات فرد ارتباط معنی دار داشت( ***P=0/02***).

**نتیجه گیری:** نتیجه گیری: با توجه به اینکه بعضی از حیطه های رفتارهای ارتقادهنده سلامت تحت تاثیر عواملی همچون مصرف سیگار قرار میگیرد بایستی جهت حذف یا کاهش این عوامل برنامه ریزی صورت گیرد.

**کلمات کلیدی:** ***health-promoting behaviours -industry-workers***

# Health-promoting behaviors and related factors among employees of Tehran Tobacco company

***Farahnaz Khajehnasiri , Shahla Khosravi, Elham Hokmabadi, Soheyla Dabiran***
***corresponding author: Farahnaz Khajehnasiri***

*Introduction: Abstract: health-promoting behaviours are important components in maintaining health and improving quality of life. Tendency to follow these behaviours increases, if individuals find themselves with unsatisfactory condition for doing these behaviours. Aim: This study aims to evaluate the condition of health-promoting behaviours among employees of Tehran Tobacco Company.*

*Methods: Method: A descriptive cross-sectional study is conducted among employees of the Tehran Tobacco Company in 2015) around 400 employees(. A demographic inventory is used to gather data on nationality, The health-promoting behaviours information are gathered using the standard questionnaire health promotion life style II (HPLP-II). The questionnaires' data are analyzed with SPSS software)version 22.0( .the descriptive statistical approach, the t-test independent participants, and the one-way analysis of variance.*

*Results: The analysis results show he overall results of the HPLP-II questionnaire has meaningful correlation with the overall score (r=1 and pv<0.005). Stress management have meaningful correlation with the education levels ( P=0/02).*

*Conclusion:Conclusion: This study provides fruitful information regarding the health-promoting behaviours in the Tehran Tobacco Company. Considering the fact that the health-promoting behaviours are affected by smoking, etc., it is necessary to better plan with the aim of reducing these elements.*

# بررسی تاثیر درآمد بر وضعیت عملکرد خود مراقبتی

سعیده سرحدی[۱]، سهیلا دبیران[۲]، فرحناز خواجه نصیری[۳]

۱- دستیار تخصصی، تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲- دانشیار ، دانشگاه علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۳- استادیار، دانشگاه علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** سعیده سرحدی

**محور:**نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت

**زمینه و هدف:** خود مراقبتی از اشکال مهم مراقبت های اولیه است که از عوامل تاثیر گذار بر کاهش هزینه های بخش سلامت به شمار می رود. عنوان می شود یکی از موانع موجود در اجرای خود مراقبتی هزینه بر بودن آن است.از این رو در این مطالعه به بررسی اثر در آمد خانوار بر روی ابعاد جسمی خود مراقبتی می پردازیم.

**روش کار:** با استفاده از نمونه گیری خوشه ای –تصادفی ۴۸۷ نفر از بین خانم های ۶۰-۱۵ ساله مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی تحت پوشش مرکز بهداشت جنوب انتخاب شدند.با استفاده از روش خود گزارش دهی از پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و ارزیابی وضعیت خود مراقبتی داده ها جمع آوری شد و با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی مورد ارزیابی قرار گرفت.

**یافته ها:** میانگین سنی ۸/۴±۸۶/۳۳ومیانگین درآمد خانوار ۹۲۸،۲۱۳±۶۲۰،۶۸۰،۱تومان بود.استفاده از رژیم غذایی مناسب (***p=0/019***)و مراجعه منظم به پزشک یا مراکز بهداشتی (***p=0/011***)اختلاف معنی داری بر حسب وضعیت درآمد خانوار داشت،در حالیکه اختلاف آماری معنی داری بین خواب کافی ،ورزش و مصرف دخانیات با سطح درآمد مشاهده نشد.

**نتیجه گیری:** سطح درآمدی بالا به تنهایی نمی تواند تضمین کننده اجرای ابعاد جسمی خود مراقبتی باشد .لذا توجه و شناسایی عوامل مختلف تاثیرگذار بر عملکرد خود مراقبتی با نتایج بهتری همراه خواهد بود.

**کلمات کلیدی:** خود مراقبتی-عملکرد-درآمد خانوار-زنان

# Evaluation of the effect income on self-care performance

***Saeedeh Sarhaddi, Soheila Dabiran, Farahnaz Khajehnasiri***
***corresponding author: Saeedeh Sarhaddi***

*Introduction: Self-care is one of the important types of primary care. It is also considered as an effective factor in reducing the costs of the health care system. It is believed that high costs associated with the self-care are restricting its applicability. This is the reason that the current study is considering the effect of household income on the physical aspects of the self-care.*

*Methods: Using random-cluster sampling method, 487 persons have been selected among women between 15 to 60 who have visited health clinics controlled by south health authority. Then, using self-reporting method, data has been obtained from demographic and self-care assessment questionnaires and then descriptive and analytical statistics have been employed to analyze the data.*

*Results: The mean of the age is 33.86+-8.4 and the mean household income is 1,680,620± 928,213(in tomans). Proper dietary regime and regularly visiting physicians or health clinics have a significant statistical difference while there was no significant statistical difference between household income and adequate sleep, physical exercise, and smoking.*

*Conclusion:High levels of household income alone cannot cause the self-care. Therefore, finding and analyzing other important factors impacting the performance of the self-care could lead to better results.*

*Keywords: household income-self-care performance*

# بررسی امکان کاهش مصرف شکر از طریق جایگزینی با استویا

افشین جوادی[1]، آرزو اصغری[2]
۱- دانشیارگروه بهداشت مواد غذایی، مرکز تحقیقات بیوتکنولوژی، واحد تبری، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
۲- کارشناسی ارشد گروه علوم و صنایع غذا، آزاد اسلامی واحد ممقان، آزاد اسلامی واحد ممقان، تبریز، ایران
نویسنده مسئول: آرزو اصغری

**محور:**نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت

**زمینه و هدف:** تغییر فرهنگ زندگی، شیوع انواع بیماریهای غیرواگیر نظیر اضافه وزن، چاقی و دیابت نشان می دهد که توجه به تولید موادغذایی کم کالری ضروری می باشد. کاهش مصرف شکر به دلیل کالری بالا و تأثیر نامطلوب بر بدن بیشتر توصیه می شود. گرایش به تولید و مصرف مواد غذایی با میزان شکر و کالری پایین در حال افزایش است. استویا نوعی شیرین کننده طبیعی با کالری زایی صفر هست که شیرینی ۳۰۰ برابر نسبت به شکر ایجاد می کند. این مطالعه جهت بررسی کاهش مصرف شکر با جایگزینی آن با استویا صورت گرفت.

**روش کار:** در این مطالعه شکر و استویا در نسبت های مختلف در فرمولاسیون شیرکاکائو مورد استفاده قرار گرفت. برای آنالیز آماری از روش سطح پاسخ استفاده گردید و سپس قند کل و کالری نمونه ها اندازه گیری شد.

**یافته ها:** نتایج نشان دادکه نمونه (۱۰۰٪شکر،۵۰٪استویا) بیشترین مقدار قند و کالری و نمونه (۰٪شکر،۵۰٪استویا) کمترین مقدار قند وکالری را داشتند. نمونه های دارای مقادیر زیاد شکر، بیشترین مقدار قند را داشتند که با کاهش شکر و افزایش استویا میزان قند و کالری کاهش یافت. با جایگزینی کامل شکر با استویا میزان کالری محصول ۳/۱۳٪ کاهش یافت.

**نتیجه گیری:** در جهت کاهش مصرف شکر، شیرین کننده طبیعی استویا می تواند جایگزین آن در تولید شیرکاکائو گردد. با توجه به خطرات مصرف بالای شکر در رژیم غذایی روزانه و اهمیت جایگزین کردن آن با شیرین کننده ای ایمن، تولید انواع محصولات رژیمی با ارزش تغذیه ای بالا با استفاده از استویا ضروری به نظر می رسد.

**کلمات کلیدی:** شیرکاکائو، شکر، استویا

# Study the possibility of reducing sugar intake by replacing it with a natural sweetener Stevia

***Afshin Javadi, ArezooAsghari***
***corresponding author: ArezooAsghari***

*Introduction: Changing the culture of life, the prevalence of non communicable diseases such as overweight, obesity and diabetes show that the production of low calorie foods is essential. Reduce sugar intake due to the high calorie and adversely affects the body more recommended. Trends in production and consumption of foods with low sugar and calories is increasing. Stevia is a natural sweetener with create zero calories that 300 times more sweet than sugar is denominated. This study was done to reduce consumption of sugar and replace it with Stevia.*

*Methods: In this study, sugar and stevia chocolate milk formulation was used in different proportions. Response surface methodology was used for statistical analysis of the samples was measured and the total sugar and calories.*

*Results: The results showed that the samples (100% sugar, 50% Stevia) the maximum amount of sugar and calories and sample(0% sugar, 50% Stevia) Had the lowest amount of sugar and calories. Samples containing large quantities of sugar, the maximum amount of sugar that increases with reduced sugar and reduced calorie stevia and sugar. By replacing sugar with stevia calories 13.3% decreased.*

*Conclusion:In order to reduce the consumption of sugar, stevia sweeteners can be replaced in the production of chocolate milk. Given the risks of sugar in the daily diet and replace it with the sweetener of the importance of safe, high nutritional value of different types of diet products using stevia seems necessary.*

*Keywords: Chocolate milk, sugar, stevia*

# راههای کاهش مصرف شکر در جامعه درجهت کاهش بیماریهای غیرواگیر

آرزو اصغری۱، افشین جوادی۲
۱- کارشناسی ارشد گروه علوم و صنایع غذا، آزاد اسلامی واحد ممقان، آزاد اسلامی واحد ممقان، تبریز، ایران
۲- دانشیارگروه بهداشت مواد غذایی، مرکز تحقیقات بیوتکنولوژی، واحد تبری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران
**نویسنده مسئول:** آرزو اصغری

**محور:**نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت

**زمینه و هدف:** در حال حاضر بیماریهای غیر واگیر ***(NCDs)***مهمترین علت مرگ و میر در کشور می باشد به طوری که ٪۷۶ کل بار بیماری ها به بیماری های غیر واگیر اختصاص دارد. تغذیه نامناسب و الگوی غذایی بیشترین علت بروز اضافه وزن و چاقی، بیماری های قلبی، دیابت و برخی انواعی سرطان ها است. میزان سرانه مصرف قند و شکر در افراد ۶۴-۱۵ساله در کشور۶۶ گرم است در حالیکه میزان توصیه شده براساس سبدمطلوب حداکثر ۴۰ گرم است. دراین راستا سازمان جهانی بهداشت کاهش مصرف قند و شکر به دلیل کالری بالا و تأثیرات نامطلوب بر بدن را به‌عنوان یکی از مقرون به‌صرفه‌ترین اقدامات برای بهبود سلامت عمومی می‌شمارد.

**روش کار:** این مطالعه مروری براساس اطلاعاتی از پایگاه های ***Science direct*** و ***Google Scholar*** جستجو و مقالاتی که راهکارهای کاهش مصرف شکر را بررسی کرده بودند، وارد مطالعه شدند.

یافته ها: کاهش مصرف قند و شکر در جامعه از طریق اقدامات و استراتژی هایی انجام پذیر است: ۱) رژیم غذایی محدود از قند و شکر ۲) کمپین‌های اطلاع‌رسانی کاهش مصرف قند و شکر۳) برچسب‌گذاری محصولات ۴) استفاده از شیرین کننده ها ۵) استراتژی صنعت غذا، بخش عمده‌ای از قندو شکر دریافتی را در جامعه کاهش داده‌اند.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج این مطالعه، با وجوداینکه کاهش مصرف شکر در جامعه کار ساده‌ای نیست ولی استراتژی‌های مختلفی برای کاهش مصرف آن در جامعه وجود دارد که با اجرای این استراتژی‌ها، کاهش بخش عمده‌ای از قند و شکردریافتی جمعیت امکان‌پذیر است.

**کلمات کلیدی:** استراتژی، غیرواگیر، شکر، قند

# Ways to reduce consumption of sugar in the community to reduce noncommunicable diseases

***ArezooAsghari, Afshin Javadi***
***corresponding author: ArezooAsghari***

*Introduction: Nowadays non communicable diseases (NCDs) are the most important cause of mortality in the country, the 76% of the total burden of disease is dedicated to non communicable diseases. The most common cause of poor nutrition and dietary patterns of overweight and obesity, Heart disease, diabetes and certain types of cancers. The per capita consumption of sugar in the 15-64 year old in the country, while the recommended amount is 66 grams up to 40 grams is based on desirable food basket. In this regard, the World Health Organization to reduce consumption of high calorie sugar due to unfavorable effects on body counts as a cost most cost effective measures to improve public health.*

*Methods: This review is based on information in Science direct databases and Google Scholar searches and articles that will examine ways to reduce consumption of sugar were entered into the study.*

*Results: Reducing the consumption of sugar in the community through actions and strategies done1) Restricted diet of sugar 2) Information campaigns to reduce consumption of sugar 3)The development of signs 4) Use of sweeteners 5) Food Industry Strategy Much of the added sugars have been reduced in the community.*

*Conclusion:The results of this study, reduction in sugar consumption in the Community Although not an easy task but in a society where there are different strategies for reducing consumption That the implementation of these strategies, reducing sugar intake much of the population is possible.*

*Keywords: Strategy, non communicable, sugar*

# بررسی وضعیت کنترل فشار خون در بیماران مبتلا به پرفشاری خون شناسایی شده شهرستان گناباد سال۹۳

فرخ شریفی مقدم کاخکی۱، سید فرزام میرچراغی۲

۱- کارشناس مبارزه با بیماریها، معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی گ، علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی گناباد، گناباد، ایران

۲- مدیر گروه مبارزه با بیماریها، معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی گ، علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی گناباد، گناباد، ایران

**نویسنده مسئول:** فرخ شریفی مقدم کاخکی

محور:پرفشاری خون

**زمینه و هدف:** پرفشاری خون یکی از عوامل خطرزا قابل اصلاح بیماریهای قلبی و عروقی است. تحقیقات نشان داده است که فقط ۷۰٪ از مبتلایان از بیماری فشارخون بالا از بیماری خود مطلع هستند، از این تعداد۵۰٪تحت درمان بوده و ۲۵٪فشارخون کنترل شده دارند.نکته حائز اهمیت اینکه با پیشگیری و کنترل این بیماری می توان از بروز عوارض و مرگ ومیر ناشی از آن به میزان قابل ملاحظه ای کاست.هدف از این مطالعه بررسی وضعیت کنترل فشار خون در بیماران شناسایی شده می باشد.

**روش کار:** این یک مطالعه توصیفی– مقطعی میباشد.جامعه آماری شامل تمامی بیماران مبتلا به پرفشار خون روستایی شهرستان گناباد میباشد.این بررسی باتکمیل پرسشنامه، معاینات بالینی و کنترل فشار خون درتمام افراد انجام گرفت ودرنرم افزار ***spss*** ثبت و تجزیه تحلیل گردید.

**یافته ها:** طی مطالعه تعداد۲۸۷۰بیماربررسی گردیدندکه۹۴/۷٪افراد تحت درمان بودند.۶۷/۲٪افراد فشارخون کنترل شده زیر۹۰/۱۴۰ میلیمتر جیوه ،۲۸/۳٪فشارخون بین ۱۴۰/۹۰تا ۱۷۰/۱۰۰ و ۴/۵٪ افراد فشار خون بالاتر از ۱۰۰/۱۷۰ داشتند.

**نتیجه گیری:** تعداد کل بیماران۲۸۷۰نفر(شامل ۱۹۲۹نفر زن و ۴۱ نفر مرد)که۲۷۱۹ نفرآنان تحت درمان بودنددرمطالعه عزیزی و همکاران نشان داد۶۰٪از بیماران علیرغم آگاهی از بیماری خود،فشارخون کنترل نشده داشتند.در این بررسی نیز ۳۶,۶٪بیماران فشارخون کنترل نشده داشتند.با توجه به عدم رغبت بیماران دچارپرفشاری خون جهت تغییردرسبک زندگی یا دریافت دارو،کنترل مناسب این بیماری مشکل میباشد. باتوجه به اهمیت بیماریهای قلبی و عروقی،آموزش های بیشتر و مستمردر زمینه پیشگیری و کنترل این بیماریها می بایست مورد تاکید قرار گرفته تابتوان از عوارض ناشی از آن پیشگیری کرد.همچنین پیشنهاد می گرددعلل عدم مشارکت مطلوب بیماران در درمان طی مطالعات آتی بررسی گردد.

**کلمات کلیدی:** کنترل، فشارخون، بیماران

# Check the status of blood pressure in patients with hypertension detected Gonabad city 93 years

***Farrokh Sharifi Moghadam Kakhaki, Syed Farzam Mircheraghy***
***corresponding author: Farrokh Sharifi Moghadam Kakhaki***

*Introduction: Hypertension is one of the modifiable risk factors for cardiovascular disease. Research has shown that only 70% of cases of high blood pressure are aware of their condition and of these only 50% were treated and 25% have controlled hypertension. The aim of this study was to investigate blood pressure is diagnosed.*

*Methods: This is a cross-sectional study. The population consisted of all patients with hypertension Gonabad city is rural. The questionnaire, physical examination and blood pressure control were measured and recorded and were analyzed in spss software*

*Results: In this study, 2870 patients were investigating the 7/94% of patients were treated. 2/67% of blood pressure under 140/90 mmHg control, 3/28% pressure between 140/90 to 170/100 and 4/5 percent had blood pressure greater than 170/100.*

*Conclusion:A total of 2870 subjects (1929 women and 941 men) who were treated 2719 patients in the study of their loved ones and colleagues showed 60% of patients, although knowledge of their disease, hypertension was uncontrolled. In this study, 8/32% of patients had uncontrolled blood pressure. Due to the lack of interest of hypertensive patients to lifestyle changes or taking drugs adequate control of the disease is difficult. It also recommended that future studies examine causes of non-participation of patients in treatment is desirable.*

*Keywords: patients, control, blood pressure*

# بررسی تاثیرخودمراقبتی درپیشگیری از فشارخون درسال۹۴درشهرستان تفرش

مسعود حسنی[۱]، ناهید چزانی شراهی[۲]، محمد حرآبادی[۳]، آزیتا محسن نژاد[۴]، اردلان زیلابی[۵]

۱- کارشناس گسترش، مرکز بهداشت شهرستان تفرش، اراک، اراک، ایران

۲- کارشناس آموزش سلامت، مرکز بهداشت استان مرکزی، اراک، اراک، ایران

۳- کارشناس آموزش سلامت، مرکز بهداشت شهرستان تفرش، اراک، اراک، ایران

۴- کارشناس آموزش سلامت، مرکز بهداشت استان مرکزی، اراک، اراک، ایران

۵- ریاست شبکه بهداشت، مرکز بهداشت شهرستان تفرش، اراک، تفرش، ایران

**نویسنده مسئول:** محمد حرآبادی

**محور:**پرفشاری خون

**زمینه و هدف:** اولین گام برای برنامه ریزی به منظور خودمراقبتی خودآگاهی است.بایدجامعه باکسب آگاهی توانمندشده تاقادر به اتخاذ انتخاب های اگاهانه درباره سلامت گردد.بنابراین این مطالعه باهدف تاثیرخودمراقبتی درپیشگیری از فشارخون انجام گردیده است.

**روش کار:** مطالعه ازنوع مقطعی توصیفی بود. نمونه گیری بصورت تصادفی ساده ازافرادبالای ۳۰سال انجام گرفت داده ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته که روایی وپایایی آن مورد تایید قرارگرفت تکمیل وسپس اطلاعات بانرم افزار***spss***موردتحلیل قرارگرفت.

**یافته ها:** در مجموع از۳۸۰نفر فرد بالای۳۰سال شرکت کننده درمطالعه ۴۵٪ مرد ۵۵٪ زن بودند ۴۲٪درروستا۵۸٪درشهرزندگی میکردند .میانگین سنی این افراد۵۳سال بود.۴۳نفرمبتلا به فشارخون بودند.براساس این مطالعه درزمینه بی علامتی فشارخون۱۱٪؛حداقل تحرک بدنی درهفته ۵۱٪؛میزان مصرف روزانه نمک ۶۰٪؛میزان مصرف روزانه واحد میوه وسبزی ۴۴٪؛تاثیر سیگار در ایجاد فشارخون ۷۲٪؛زمان اندازگیری فشارخون ۶۷٪؛تاثیر چربی در افزایش فشارخون۴۷٪؛تاثیر مصرف ماهی ۵۱٪؛اندازگیری منظم فشارخون۶۷٪اطلاع داشتند.

**نتیجه گیری:** پیشنهاد میگردد مطالعه ای درزمینه سایرعوامل موثر درپایین بودن میزان خودمراقبتی وافزایش تعدادبیماران فشارخونی صورت گیرد.

**کلمات کلیدی:** فشارخون بالا،خودمراقبتی،پیشگیری

# Self-care in the prevention of hypertension in 2015 (Case study of Tafresh city )

***Massoud Hassani, Nahid Chzany Shrahy, Mohammad Horabadi, Azita Mohseninejad, Ardalan Zylaby***
***corresponding author: Mohammad Horabadi***

*Introduction: the first step to self-care plan is the self-awareness, the community should be empowered by awareness to be able to make informed choices about health. Therefore, this study aimed Self-care in the prevention of hypertension. has been done in the field.*

*Methods: The study was a cross-sectional survey. Simple random sampling was performed of people over 30 years old. Using a questionnaire that its validity and reliability was confirmed, the data were completed and then were analyzed by spss software .*

*Results: A total of 380 people over 30 years participating in the study, were 45% men and 55% women that 42% people lived in the village and 58% of them in the city. The mean age of these people was 53 and 43 of them were with hypertension. According to the study, asymptomatic blood pressure (11%), minimal physical activity per week (51%), the daily intake of salt 60% , the daily consumption of fruits and vegetables (44%), the effect of smoking on hypertension (72%), blood pressure measuring time (67%), Effects of Fat in Hypertension (47%), The effect of fish consumption( 51%) and 67% were aware of regular measurement of blood pressure*

*Conclusion:it is suggested that a study in the context of other factors affecting the low-rate of self-care and increase of hypertensive patients to be performed*

*Keywords: High blood pressure, self-care, Needs Assessment*

# بررسی ارتباط بین پلی مورفیسم‌های شایع ژن گیرنده ویتامین *D* و خطر ابتلا به بیماری عروق کرونر قلب: یک مطالعه مروری و متاآنالیز نظام‌مند

**شهاب علیزاده[1]، سکینه شب بیدار[2]**

۱- دانشجو، تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲- استاد، تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** شهاب علیزاده

محور:بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** مطالعات پیشین نتایج ضدونقیضی را در زمینه ارتباط بین پلی مورفیسم‌های ***TaqI***، ***FokI***، ***BsmI*** و ***ApaI*** ژن گیرنده ویتامین ***D*** و خطر ابتلا به بیماری عروق کرونر قلب به دست داده‌اند. هدف این مطالعه سیستماتیک مروری تعیین ارتباط بین این پلی مورفیسم‌ها و خطر بیماری عروق کرونر قلب به‌صورت جامع در قالب متاآنالیز بود.

**روش کار:** به‌منظور دستیابی به تمام مطالعاتی که به مطالعه ارتباط بین پلی مورفیسم‌های شایع ژن گیرنده ویتامین ***D*** و خطر بیماری عروق کرونر قلب پرداخته بودند پایگاه‌های علمی ***PubMed Central***، ***Scopus***، ***MEDLINE*** و ***EMBASE*** به‌صورت نظام‌مند و با استفاده از کلیدواژه‌های مشخص مورد جستجو قرار گرفتند. نسبت‌های خطر ***(OR)***به همراه فاصله اطمینان ***(CI)***متناظر آن‌ها حساب شد و روابط ژنتیکی در مدل‌های غالب، مغلوب، آللی، هموزیگوت و هتروزیگوت مورد تجزیه‌وتحلیل آماری قرار گرفت.

**یافته ها:** ۹ مطالعه با حجم نمونه کلی ۵۲۵۹ مورد بیمار و ۱۹۸۱ کنترل سالم در متاآنالیز حاضر گنجانده شدند. رابطه آماری معنی‌داری بین پلی مورفیسم‌های ***TaqI***، ***FokI***، ***BsmI*** و ***ApaI*** با خطر بیماری عروق کرونر قلب در هیچ‌کدام از مدل‌های ژنتیکی تعریف‌شده مشاهده نشد ($P > 0.05$). علاوه بر این، آنالیز زیرگروه‌ها بر اساس نژاد رابطه معنی‌داری بین پلی مورفیسم‌های موردتحقیق و شانس ابتلا به بیماری عروق کرونر قلب در نژاد هند – اروپایی و آسیای شرقی در هیچ‌کدام از مدل‌های ژنتیکی نشان نداد ($P > 0.05$).

**نتیجه گیری:** شواهد حاضر نشان می‌دهد که پلی مورفیسم‌های ***Taq1***، ***FokI***، ***BsmI*** و ***Apa1*** ژن گیرنده ویتامین ***D*** ممکن است با استعداد ژنتیکی افراد برای ابتلا به بیماری عروق کرونر قلب در ارتباط نباشند.

**کلمات کلیدی:** گیرنده ویتامین ***D***، پلی مورفیسم، بیماری عروق کرونر، متاآنالیز

# Association between common polymorphisms of vitamin D receptor gene and risk of coronary artery disease: a systematic review and meta-analysis

***Shahab Alizadeh, Sakineh Shabbidar***
***corresponding author: Shahab Alizadeh***

*Introduction: ApaI, FokI, TaqI, and BsmI polymorphisms in the vitamin D receptor gene (VDR) have been reported to be associated with the risk of coronary artery disease (CAD), although the results of previous studies have been inconsistent. The aim of this study was to explore whether these polymorphisms play a role in the genetic susceptibility to CAD.*

*Methods: A comprehensive search of SCOPUS, PUBMED Central, MEDLINE and EMBASE databases was conducted for studies evaluating the association between the VDR polymorphisms and CAD risk. Odds ratios (OR) with 95 % confidence intervals (CIs) were calculated to assess the strength of association in the dominant model, recessive model, allelic model, and genotypes contrast.*

*Results: 9 studies involving a total of 5259 cases and 1981 controls were finally included in this meta-analysis. Overall, no significant associations were found between ApaI, FokI, TaqI, and BsmI polymorphisms with the risk of CAD in any of the genetic models (all P > 0.05). Moreover, subgroup analysis by ethnicity did not reveal a significant relationship between all examined polymorphisms and CAD risk in Caucasians and East-Asians for all models (all P > 0.05).*

*Conclusion:Current evidence suggests that the ApaI, FokI, TaqI, and BsmI polymorphisms of VDR gene might not be associated with genetic susceptibility to CAD. Further well-designed studies with large sample sizes are needed to confirm our results.*

*Keywords: Vitamin D receptor, Polymorphism, Coronary artery disease, Meta-analys*

# تاثیر برنامه بازتوانی قلبی به دنبال مداخله عروق کرونر از راه پوست اختیاری بر شدت علایم افسردگی بیماران: مطالعه کوهورت

رضا رحمانی۱، لیلا رحیمی۲، اکبر شفیعی۳

۱- استادیار، بیمارستان امام خمینی، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲- دستیار، بیمارستان امام خمینی، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۳- دستیار تخصصی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** اکبر شفیعی

**محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** افسردگی وضعیتی شایع در بیماران قلبی به شمار می رود.ما اثر برنامه بازتوانی قلبی را روی علایم افسردگی بر اساس نمره افسردگی ***Beck*** در بیمارانی که تحت مداخله اختیاری عروق کرونر از راه پوست قرار گرفته بودند، بررسی کردیم.

**روش کار:** در این کوهورت، ۹۵ بیمار واجد شرایط ورود به مطالعه بودند.بیماران بر اساس مشارکت در برنامه بازتوانی به دو گروه مواجهه و گروه غیرمواجهه (شاهد) تقسیم شدند.گروه شاهد شامل کسانی بود که تنها در جلسه معرفی بازتوانی شرکت کرده بودند. متغیرهای بالینی، دموگرافیک و همچنین نمره افسردگی ***Beck*** بین دو گروه مورد مقایسه قرار گرفت.

**یافته ها:** داده های ۳۵ بیمار که برنامه بازتوانی را کامل کرده بودند با داده های ۶۰ بیمار گروه شاهد مورد مقایسه قرار گرفت. هیچ تفاوت معنی داری بین دو گروه در متغیرهای دموگرافیک و بالینی وجود نداشت؛ به جز فراوانی بیشتر سابقه خانوادگی بیماری عروق کرونر در گروه کنترل (***P<0.001***). فراوانی بیماران بدون افسردگی یا با علایم خفیف در گروه بازتوانی به طور معنی داری بیشتر از گروه شاهد بود (***P=0.020***) همچنین نمره ***Beck*** در گروه کنترل با افزایش معنی دار و در گروه بازتوانی با کاهش معنی داری همراه بود (***P<0.001***). پس از تعدیل از نظر متغیرهای مداخله گر (سابقه خانوادگی و شدت بیماری عروق کرونر) عدم حضور در برنامه بازتوانی به عنوان یک عامل خطر مهم برای بروز علایم افسردگی شناسایی شد. ( ***OR=10.8, 95% CI: 1.3, 88.5; P=0.027***).

**نتیجه گیری:** این مطالعه نشان داد که عدم شرکت در برنامه بازتوانی قلبی به دنبال مداخله اختیار ی عروق کرونر از راه پوست عامل خطر بروز علایم افسردگی است.

**کلمات کلیدی:** بازتوانی قلبی؛ افسردگی؛ مداخله عروق کرونر از راه پوست؛ پیشگیری

# The impact of cardiac rehabilitation program after optional percutaneous coronary intervention on the severity of depressive symptoms in patients: a cohort study

*Introduction: Depression is a common condition in cardiac patients. We investigated the effect of cardiac rehabilitation on depressive symptoms as detected by Beck depression score (BDI) in patients who underwent percutaneous coronary intervention (PCI).*

*Methods: In this cohort, 95 patients met our criteria. Patients were then studied in two groups based on their participation in the rehabilitation programme to rehabilitation (exposure) and the control (non-exposure) groups. The control group consisted of those who only participated in the introductory session and decided not to continue the programme. Finally, demographic and clinical parameters as well as the BDI scores were compared between the study groups.*

*Results: Data of 35 patients who completed rehabilitation programme was compared with 60 patients who did not. There was no significant difference between the study groups regarding the demographic and clinical variables, except for a higher frequency of family history for CAD in the control group ($p<0.001$). The frequency of the patients with no or mild depression was significantly higher in the rehabilitation group than the controls ($p=0.02$). There was also a significant increase in the BDI score of the control group and a significant decrease in the rehabilitation group ($p<0.001$). After adjustment for confounders (family history and severity of CAD), not attending the rehabilitation programme was a strong risk factor for depression (OR=10.8, 95% CI: 1.3, 88.5; P=0.027).*

*Conclusion:Overall, this study showed that not attending cardiac rehabilitation programme following elective PCI was a risk factor for depression.*

# بررسی فعالیت فیزیکی دانشجویان مقطع علوم پایه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳

مژگان مدرسی[۱] ،آرزو آقاکوچک[۲]، محمود وکیلی[۳]، اکرم قدیری اناری[۴]، محبوبه السادات مدرسی [۵*]

۱- مژگان مدرسی ، استادیار، گروه پزشکی اجتماعی ،دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد ،یزد ،ایران.

۲- آرزو آقاکوچک، پژوهشگر، مرکز تحقیقات پایش سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد ،یزد ،ایران.

۳-محمود وکیلی، دانشیار، گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران.

۴-اکرم قدیری اناری، استادیار، گروه بیماریهای داخلی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد ،یزد ،ایران.

۵- محبوبه السادات مدرسی، دستیار پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران.

**نویسنده مسئول:** محبوبه السادات مدرسی محور: فعالیت فیزیکی و کم تحرکی

**زمینه و هدف:** کم تحرکی پدیده ای است که سبب بروز بسیاری از بیماری های غیر واگیر می گردد و امروزه از معضلات بهداشتی بسیاری از کشورها می باشد. هدف از این تحقیق بررسی وضعیت فعالیت فیزیکی دانشجویان مقطع علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد می باشد

**روش کار:** این مطالعه یک مطالعه مقطعی توصیفی و روش نمونه گیری سرشماری بود. کلیه دانشجویان مقطع علوم پایه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد که رضایت به شرکت در مطالعه داشتند وارد مطالعه شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه استاندارد بین المللی فعالیت فیزیکی بود که روایی و پایایی آن در ایران تایید شده بود. بخش اول پرسشنامه شامل خصوصیات دموگرافیک شرکت کنندگان بود . وزن، قد، دور کمر و دور باسن اندازه گیری شده و ثبت شد. بخش دوم شامل پرسشنامه فعالیت فیزیکی بین المللی فرم بلند بود. اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از نرم افزاراس پی اس اس ۱۶ و بر اساس گایدلاین پرسشنامه فعالیت فیزیکی فرم بلند با استفاده از روشهای آماری متناسب آنالیز شد

**یافته ها:** در این مطالعه ی مقطعی ۲۲۱ دانشجوی مقطع علوم پایه از نظر وضعیت فعالیت فیزیکی مورد بررسی قرار گرفتند در این مطالعه ٪۳۳/۵(۷۴ نفر) فعالیت فیزیکی کم، ٪۶۱/۵ (۱۳۶نفر) فعالیت متوسط و ٪۵(۱۱نفر) فعالیت شدید داشتند و فعالیت فیزیکی با سطح شاخص توده ی بدنی( p=۰.۰۰۳) و محل سکونت(p=۰.۰۱۲) و جنس دانشجویان(p=۰.۰۰۱) ارتباط معناداری داشت.

**نتیجه گیری:** در این مطالعه ٪۳۳/۵ از دانشجویان فعالیت فیزیکی کم داشتند و درصد دانشجویان دختر با فعالیت فیزیکی کم ۲ برابر دانشجویان پسربود.

**کلمات کلیدی:** فعالیت فیزیکی ، دانشجویان، پرسشنامه استاندارد بین المللی فعالیت فیزیکی

# Assessment of physical activity in medical students of Shahid Sadoughi university of medical sciences in 2015 – A descriptive cross-sectional study

**Mozhgan modarresi[1], Arezoo Aghakoochak[2], Mahmood Vakili[3], Akram Ghadiri-Anari[4], maboobeh-sadat modarresi[5*]**

1- *Mozhgan Modarresi, Assistant professor, Department of Community Medicine, School of Medicine, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran.*
2- *Arezoo Aghakoochak. MD, Researcher, Health monitoring research center, Shahid Sadoughi University of medical sciences, Yazd, Iran.*
3- *Mahmood Vakili. MD, MPH, Associate Professor in Community Medicine, School of Medicine, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran.*
4- *Akram Ghadiri-Anari, Assistant professor, Department of internal medicine, Diabetes Research Center, School of Medicine, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran.*
5- *Mahboobeh-sadat modarresi, Assistant of Community Medicine, Boushehr University of Medical Sciences, Boushehr, Iran.*

*Introduction: Background: Physical inactivity has been linked with chronic disease and it\'s prevalence has increased in many countries. The aim of this study was to identify the level of physical activity in the students of Basic Medical Sciences of Shahid Sadoughi University of medical sciences of Yazd.*

*Methods: A cross sectional study was carried out on 221 students of basic medical science of Shahid Sadoughi medical university of Yazd. Census sampling method was used. International Physical Activity Questionnaire (long form) was used to collect the data that it\'s validity and reliability was confirmed in Iran. The first part of the questionnaire included demographic characteristics. Weight, height, waist and hip circumference were measured and recoded. The second part of the questionnaire was the International Physical Activity Questionnaire (long form) that was completed by the students. SPSS version 16 was used for data entry and analysis. Analysis of Data was according to the guidelines for data processing and analysis of the IPAQ (long form).*

*Results: Results indicated that 33.5% of students had low physical activity (PA), 61.5% had moderate PA and 5% had severe PA. The level of physical activity was correlated with body mass index and location and gender. The prevalence of obesity and overweight in this study was 22.2% and 4.5% respectively.*

*Conclusion: 33.5 % of students in this study had low physical activity. The level of physical activity was associated with BMI, location and gender*

*Keywords: physical activity, students, IPAQ*

# بررسی تاثیر آموزش بر کیفیت زندگی بیماران فشارخون بالا

صدیقه ترابی[1]

۱- مربی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** صدیقه ترابی

**محور:**پرفشاری خون

**زمینه و هدف:** پرفشاری خون یکی از بزرگترین مشکلات مزمن بهداشتی جهان است. سازمان جهانی بهداشت تخمین می زند که حدود ۶۰۰ میلیون نفر در دنیا به پرفشاری خون مبتلا هستند.این بیماری یکی از قویترین عوامل مستعد کننده در۵۰۰هزار مورد سکته مغزی و عامل عمده در ۱/۲۵میلیون سکته قلبی درسال است پرفشاری خون به علت عوارض و میزان مرگ و میر بالا یک مشکل عمده بهداشتی محسوب می شود

**روش کار:** این پژوهش یک مطالعه کار آزمایی بالینی می باشد. جامعه پژوهش بیماران مبتلا به پرفشاری خون مراجعه کننده به بیمارستان قمر بنی هاشم و شهید مدنی شهرستان خوی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه و روش نمونه گیری در این مطالعه به صورت مستمر و به شیوه تصادفی ساده برای اختصاص دادن روزهای زوج و فرد برای قرار دادن گروه های مداخله و کنترل جهت جلوگیری از نشت اطلاعات توسط بیماران بوده است.

**یافته ها:** : آموزش به بیمار باعث افزایش رضایت، استقلال وی و افزایش شرکت او در برنامه های بهداشتی می شود و همچنین باعث کاهش طول مدت بستری در بیمارستان،کاهش عوارض بیماری، افزایش طول عمر و ارتقاء سلامت می گردد

**نتیجه گیری:** : آموزش از جمله راههای احتمالی در ارتقای کیفیت زندگی بیماران توسط پرستاران می باشد، از آنجا که بیماران به طور فزاینده ای خواستار دریافت اطلاعات هستند تا آنها را در امر مراقبت از خود یاری نماید.مطالعات نشان داده اند که عدم آگاهی بیماران از نحوه مراقبت از خود یکی ازدلایل بستری شدن آنهادر بیمارستان است وهدف این پژوهش و برنامه آموزشی موجب افزایش آگاهی و رفتارهای خود مراقبتی بیماران می شود.

**کلمات کلیدی:** پرفشاری خون، آموزش به بیمار، کیفیت زندگی

# The effect of education on the quality of life of hypertensive patients

***Sedigheh torabi*[1]**
***1. School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences***

*Introduction: Chronic hypertension is one of the biggest health problems in the world. The World Health Organization estimates that 600 million people worldwide suffer from hypertension. That is one of the strongest risk factors for stroke and a major factor in 500 thousand 1.25 million heart attacks in the Hypertension due to high morbidity and mortality is a major health problem.*

*Methods: This study is a clinical trial. The study population of patients with hypertension khoy Hospitals of Oromiye University of Medical Sciences And sampling continued in the study and randomly assigned to the Odd and even days to put the intervention and control groups will be used to prevent information leakage by patients*

*Results: Education to increase patient satisfaction, and increase his independence as well as her participation in health programs reduced length of hospital stay, reduced complications, increased length health promotion resources are*

*Conclusion: . Most chronic diseases such as hypertension, lifestyle, mental health and quality of life is closely associated. If not controlled, it timely and appropriate to cause various diseases, significant disability Reduce productivity and ultimately reduce the quality of life As one of the most important members of the health care team plays an important role in balancing quality of life for patients. Aim of the research and educational programs to increase awareness and self-care behaviors of patients*

*Key words: hypertention, patient education, quality of life*

# نمک های رژیمی در دنیا و ایران؛ تنوع و اثربخشی

محمد محمدی[1]، علی پاشا میثمی[2]، جکی وبستر[3]

۱- دستیار، تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲- استاد، تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۳- استاد، سیدنی، سیدنی، سیدنی، استرالیا

**نویسنده مسئول:** محمد محمدی

**محور:**پرفشاری خون

**زمینه و هدف:** پرفشاری خون در سال ۲۰۱۵ از میان ۷۹ ریسک فاکتور که موجب بار بیماری در کشورهای مختلف دنیا می شوند، دارای رتبه اول می باشد. در ایران ریسک فاکتور پرفشاری خون پس از چاقی دومین فاکتور دارای بیشترین بار بیماری می باشد. دریافت سدیم زیاد باعث اثرات منفی متعدد بر سلامتی همه افراد شامل مبتلایان به پرفشاری خون و افراد دارای فشار خون طبیعی می شود. دریافت سدیم زیاد یافته ای مشترک در بیشتر کشورها می باشد. استفاده از نمک های رژیمی یا جایگزین روشی کاربردی برای کاهش دریافت نمک می باشد اما اثربخشی آن و سازگاری با ذائقه افراد مهم است

**روش کار:** با جستجوی *PubMed* و *Web of Science* کارآزمایی های بالینی که اثربخشی مصرف نمک های رژیمی را منتشر کرده اند بررسی شد. بانک اطلاعات فارسی *IranDoc* و *SID* برای مقالات فارسی جستجو گردید. محدودیت زمانی برای جستجو درنظر گرفته نشد. در جستجوی عمومی برندهای بین المللی و ایرانی که نمک رژیمی تولید می کنند بررسی گردید

**یافته ها:** شش کارآزمایی بالینی از نمک رژیمی استفاده کرده اند. از بین آنها ۵ مطالعه به اثربخشی نمک رژیمی در کنترل فشار خون اشاره کرده اند. ۱۱ برند نمک در جستجوی عمومی در دنیا یافت شد در ایران سه برند نمک رژیمی وجود دارد. سازگاری با ذائقه افراد در برندی که به مدت ۳ سال در چین پیگیری شد مناسب بوده است

**نتیجه گیری:** مطالعات فعلی اثربخشی خوبی گزارش کرده اند. کارآزمایی های بالینی بیشتر جهت ارزیابی اثرات بیومتریک نمک های رژیمی و سازگاری با ذائقه افراد مورد نیاز است.

**کلمات کلیدی:** نمک رژیمی، فشار خون طبیعی، فشار خون بالا، ذائقه

# Salt Substitutes in the World & Iran: Types & Effectiveness

*Mohammad Mohammadi[1], Alipasha Meysamie[1], Jacqui Webster[2]*

*1. Department of Community Medicine, School of Medicine, Tehran University of Medical Sciences*

*2. The University of Sydney*

*Corresponding author: Mohammad Mohammadi[1]*

*Introduction: Hypertension is the risk factor with the leading burden of disease worldwide. According to global burden of disease and risk factors reported in 2015, hypertension is the second risk factor after obesity with the most burden in Iran. Excess sodium consumption has many health consequences both in hypertensive and normotensive individuals. In most of the world sodium content in everyday diet is far beyond the recommended limit. Salt substitute is a practical way of reducing sodium intake in people\'s diet. However, its effectiveness and the sapor of the product are important factors*

*Methods: We searched PubMed & Web of Science for any clinical trial using salt substitute. No limitation was applied for date of publication. We also searched IranDoc & SID for Persian trials. A general search was also carried out for brands of salt substitutes available on the Web*

*Results: Six clinical trials were found using salt substitutes. Five showed effective control of blood pressure. Eleven brands of salt substitutes were found globally. Three brands are available in Iran. A trial in China with three years of follow-up showed compatible with the diet*

*Conclusion: Six clinical trials were found using salt substitutes. Five showed effective control of blood pressure. Eleven brands of salt substitutes were found globally. Three brands are available in Iran. A trial in China with three years of follow-up showed compatible with the diet*

*Keywords: Salt Substitute, Hypertensive, Normotensive, Sapor, and Burden of Disease*

# پایبندی به درمان دارویی در بیماران مبتلا به فشار خون بالا: بررسی نقش رضایت بیمار از ارتباط با پزشک

احمد محمودیان[۱]، احمدرضا زمانی[۱]، ندا توکلی[۳]، زیبا فرج زادگان[۱]

۱- استاد، علوم پزشکی اصفهان، علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

۲- متخصص، اصفهان، علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

**نویسنده مسئول:** ندا توکلی

**محور:** سایر

**زمینه و هدف:** در مطالعات مختلف چگونگی ارتباط پزشک با بیمار نقش موثری در رضایتمندی بیمار، تبعیت از درمان و پیامدهای سلامتی داشته است لیکن بررسی نقش جنبه های مختلف ارتباط پزشک-بیمار در پایبندی به درمان دارویی از مواردی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است .بر این اساس، مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیر ابعاد مختلف رضایت بیمار از برقراری ارتباط با پزشک بر پایبندی به درمان دارویی در بیماران مبتلا به فشار خون بالا انجام شد.

**روش کار:** در این مطالعه مقطعی ۳۰۰ نفر از بیماران مبتلا به فشار خون بالا مورد مطالعه قرار گرفتند. نمونه گیری به صورت چند مرحله ایی و از مراکز بهداشتی و درمانی شهراصفهان انجام شد. ابزار جمع آوری اطلاعات شامل پرسشنامه رضایت بیمار از ارتباط با پزشک و ابزار پایبندی به درمان دارویی ۸ گزینه ای موریسکای بود. در این مطالعه نسبت شانس *(OR)*رضایت بیمار از ارتباط با پزشک در حیطه های مختلف در دو گروه دارای پایبندی مناسب و عدم پایبندی مناسب به درمان با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک چندمتغیره و فاصله اطمینان ۹۵ درصد مورد بررسی قرار گرفت.

**یافته ها:** پس از کنترل متغیر های دموگرافیک رضایت پایین تر بیماران از مهارت های ارتباطی پزشک ( *OR=0.20 95% CI 0.06-0.71)*و آرامش روانی دریافتی در ارتباط با پزشک *(OR=0.33 95% CI 0.13-0.80)*با میزان بالاتر گزارش عدم پایبندی به درمان همراه بود.

**نتیجه گیری:** رضایت بیماران از مهارت های ارتباطی پزشک وهمچنین رضایت از آرامش روانی دریافتی ازرابطه با پزشک با پایبندی به درمان بیماران مبتلا به فشار خون بالا در ارتباط می باشد.

**کلمات کلیدی:** ارتباط، پایبندی به درمان دارویی، رضایت بیمار، فشار خون بالا، مهارت ارتباط

# Medication Adherence in Patients with Hypertension: Does Satisfaction with Doctor-Patient Relationship Work?

*Neda Tavakoli[1], Ahmad Mahmoodian[1], Ahmadreza Zamani[1], Ziba farajzadegan[1]*

*1 .Department of Community Medicine, Faculty of Medicine, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran*

*Corresponding Author: Neda Tavakoli*

*Introduction: It is assumed that doctor-patient relationship plays an effective role in patients' satisfaction, medication adherence, and health outcomes, since exploring different aspects of this relationship, such as addressing medication adherence, has rarely been investigated. Therefore, the main aim of the present study was to assess the impact of patients' satisfaction derived from communicating with doctors on medication adherence in hypertensive patients.*

*Methods: This cross-sectional survey was conducted on three hundred patients with hypertension, using multi-stage sampling technique in health care centers in Isfahan, Iran. Data were collected by two questionnaires comprised of 1) patients' satisfaction derived from the relationship with doctors and 2) medication adherence named "Morisky Medication Adherence Scale" with 8 items. Multivariate logistic regression model was applied to test the Odds Ratio (OR) of patients' satisfaction resulting from the relationship with physicians in numerous aspects in two groups: appropriate and inappropriate medication adherence.*

*Results: A lower level of satisfaction derived from building the relationship (CI= 0.95, 0.06-0.71 and OR= 0.20) and empathy subscales (CI= 0.95, 13- 0.80 and OR=0.33) was associated with non-adherence to treatment after controlling the physicians' gender and patients' age, gender, education, and duration of disease.*

*Conclusion: Patients' satisfaction resulting from building the relationship and empathy with physicians appeared to be associated with medication adherence among hypertensive patients.*

*Keywords: Communication, Hypertension, Medication adherence, Patients, Physician*

# در بررسی شیوع و ریسک فاکتورهای این سندرم در *Tilburg*روان سنجی ابزار ارزیابی آسیب پذیری سالمندان ایرانی

مهتاب عبدی[1]، سهیلا دبیران[2]

۱- دستیار، تهران، تهران، تهران، ایران

۲- استاد، تهران، تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** مهتاب عبدی

**محور:**سایر

**زمینه و هدف:** افراد مسن آسیب پذیر (فرتوت) در بین پرچالش ترین وضعیتهای پزشکی هستند و آگاهی از این سندرم و ریسکهای آن می تواند به ما در مراقبت هوشیارانه این بیماران و کاهش پیامدهای نامطلوب کمک کند. در صورت وجود ابزار غربالگری خود گزراشی مشخص و آسان برای شناسایی افراد مسن آسیب پذیر، از هزینه و عدم قطعیت برای ارزیابی سلامت افراد اجتناب می شود. در این مطالعه بر آن شدیم تا پایایی وروایی ابزار *Tilburg* را در ایران بررسی کنیم و سپس شیوع آسیب پذیری را در سالمندان ایرانی و ارتباط آن با فاکتور هایی مثل اضطراب ، افسردگی ، جنس ، سن ،... را بسنجیم

**روش کار:** جهت ارزیابی پایایی پرسشنامه، تعداد ۷۰۰ پرسشنامه به چندین شهر ایران ارسال گردید، و با آماره آلفای کرومباخ مورد ارزیابی قرار گرفت. سپس به بررسی شیوع این سندرم در شهر تهران پرداختیم. نهایتاً تعداد ۱۳۷۲ پرسشنامه در این مراکز تکمیل گردید و مورد آنالیز قرار گرفتند

**یافته ها:** پس از ارزیابی ۶۷۸ پرسشنامه جمع آوری شده، پایایی این پرسشنامه در ارزیابی آسیب پذیری ۰٫۸۰۷ محاسبه گردید.از تعداد ۱۳۷۲ پرسشنامه تکمیل شده در مراکز بهداشتی درمانی دانشگاه تهران ، ٪۴۱٫۷ آسیب پذیر شناخته می شوند.

**نتیجه گیری:** ابزار *TFI* ، ابزاری دارای روایی و پایایی بالا (۰٫۸) در سنجش آسیب پذیری در سالمندان ایرانی است و با توجه به شیوع بالای این عارضه (٪۴۱) و با عنایت به مولفهایی که در این بررسی در پیشروی آن موثر شناخته شدند لازم است تا برای پیشگیری از گسترش این عارضه در جمعیت رو به سالمندی ایرانی اقدامات موثری اتخاذ گردد.

**کلمات کلیدی:** آسیب پذیری، سالمندان، ابزار تیلبرگ، روایی و پایایی، ریسک فاکتور

# Validity and reliability of Tilburg frailty indicatr in assess of prevalence and risk factors of this syndrome in Iranian elderly

*Mahtab abdi[1], Soheyla Dabiran[2]*

*1. Resident of community medicine, Tehran University of Medical Sciences*

*2. Md, Phd, Tehran University of Medical Sciences*

*Corresponding Author: Mahtab abdi[1]*

*Introduction: This study aimed to examine the validity and reliability of TFI in Iran and The incidence of frail elderly people of Iran and its relations with factors such as anxiety, depression, sex, age, education, and.. measured.*

*Methods: To determine the internal validity of the questionnaire, Tehran University of Medical faculty expertise was used. To evaluate the reliability, the number of 700 questionnaires were sent to several Iranian cities.After ensuring the reliability of the questionnaire, we examined the prevalence of this syndrome in Tehran. Finally, a total of 1372 questionnaires were completed and were analyzed*

*Results: After evaluating 678 questionnaires collected from different cities of Iran, the reliability of the questionnaire was calculated at 0.807 in frailty assessment. From a total of 1372 completed questionnaires in health centers of Tehran University, 41.7% had a score higher than 5 and so they known as frail.*

*Conclusion: The TFI is an high validit and reliable (0.8) instrument in measuring the frailty in Iranian elderly and Given the high prevalence of this complication (41%) and having regard to the factors that were identified in this study that are effective measures to be taken in front of it, It is necessary to prevent the spread of this disease in Iranian elderly population.*

*Keywords: frailty, frailty indicators, TFI, older people, prevalence*

# ارتباط بین خود مراقبتی با کیفیت زندگی مبتلایان به پرفشاری خون در مطالعه آذر کوهورت در شمال غرب ایران

مریم السادات کاظمی شیشوان[۱]، مهستی علیزاده[۲]، نیره امینی ثانی[۳]، محمد اصغری جعفرآبادی[۴]، محمد شهبازی[۵]

۱- دستیار پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۲- هیئت علمی، دانشکده پزشکی، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۳- استادیار، علوم پزشکی تبریز، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۴- دانشیار، علوم پزشکی تبریز، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۵- ***Interim Dean*** ،***public health initiative school of*** ***Jackson State University***، جکسون، آمریکا

**نویسنده مسئول:** مریم السادات کاظمی شیشوان

**محور:**پرفشاری خون

**زمینه و هدف:** با توجه به تناقض نتایج مطالعات در مورد پرفشاری خون و نیاز به برنامه ریزی و سیاست گذاری های سلامت ، نیاز به انجام مطالعه ای برای تعیین وضعیت خود مراقبتی و کیفیت زندگی وجود دارد.

**روش کار:** از۱۰۳۸ نفر شرکت کننده در فاز پایلوت مطالعه کوهورت آذر ۹۵۲ نفر کمتر از ۷۰ سال سن داشتند، و ۸۶ نفر از این افراد شرکت کننده بالای ۷۰ سال بودند، از این تعداد ، ۱۸۱ نفر مبتلا به فشار خون بودند. جمع آوری داده ها توسط پرسشگر آموزش دیده با تکمیل پرسشنامه *H-scale* برای خود مراقبتی و کیفیت زندگی مرتبط با سلامت *(WHOHRQOL-BRFF)* انجام شد. تجزیه تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار *SPSS* ورژن ۲۴ انجام گرفت.

**یافته ها:** ضریب همبستگی بین نمرات کیفیت زندگی و خود مراقبتی ۰/۰۴۸- بدست آمد. *P=0.52* در تحلیل رگرسیون خطی، تنها فعالیت فیزیکی پیشگویی کننده معنی دار کیفیت زندگی بود که نمره کیفیت زندگی شرکت کننده۳,۳۵۸ واحد به ازای هر روز فعالیت فیزیکی افزایش پیدا می کرد.

**نتیجه گیری:** خودمراقبتی ارتباط مستقیم و خطی قوی و معنی داری با کیفیت زندگی ندارد و عوامل دیگری نیز در این ارتباط نقش دارند. فعالیت فیزیکی در پیشگویی کیفیت زندگی نقش معنی داری دارد

**کلمات کلیدی:** کیفیت زندگی، خودمراقیتی، پرفشاری خون

# The Relationship of self care and quality of life in hypertensive patients

*Maryam Sadat Kazemi Shishwan[1], Mahasti Alizadeh[2], Nayyere Amini Sani[3], Mohammad Asghari Jafarabadi[3], Mohammad Shahbazi[4]*

*1. Resident of community medicine, faculty of medicine, Tabriz University of Medical Sciences*

*2. Social Determinants of Health Research Center, Tabriz University of Medical Sciences*

*3. Faculty of Health Sciences, Tabriz University of Medical Sciences*

*4. school of public health, Jackson State University*

*Corresponding Author: Maryam Sadat Kazemi Shishwan[1]*

*Introduction: Considering contradictory results of studies on hypertension, a study to determine the status of self-care and HRQoL is required.*

*Methods: 952 out of 1038 participants in the pilot phase of Azar cohort study were under 70 years old and 89 over 70, and 181 of whom were suffering from hypertension. Data collection was done by trained interviewers through completing H-scale questionnaire for self-care and health-related life quality (WHOHRQOL-BRFF).*

*Results: The correlation coefficient between the scores of HRQOL and self-care was -0. 048. )P = 0.52(. multiple linear regression analysis showed that physical activity could Predict Quality of Life Score, with 3.358-point increase for each day of physical activity ) P>0.05 (*

*Conclusion: Self-care does not have a strong significant linear relationship with quality of life and other factors may play a role. However, Quality of life was predicted with physical activity.*

*Keywords: self-care, health-related quality of life, Hypertension*

# اپیدمیولوژی سکته مغزی در جنوب غربی ایران، بوشهر، ۱۳۹۲

سودابه محمدی[۱]، افشین استوار[۲]، نیلوفر معتمد[۲]، رضا نعمتی[۲]

۱- متعهد به خدمت گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

۲- عضو هیات علمی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

**نویسنده مسئول:** نیلوفر معتمد

**محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** سکته مغزی دومین علت شایع مرگ در جهان است. این بیماری بار اقتصادی و اجتماعی زیادی دارد. تفاوتهای بارز منطقه‌ای حتی در درون کشورها در بروز سکته مغزی وجود دارد. آخرین اطلاعات در خصوص بروز سکته مغزی در بوشهر مربوط به سالهای ۸۲-۱۳۸۱ است. این مطالعه به بررسی بروز سکته مغزی در شهرستان بوشهر در سال ۱۳۹۲ می پردازد.

**روش کار:** پرونده بیمارانی که طی سال ۱۳۹۲ در بیمارستانهای شهدای خلیج فارس و سلمان فارسی با تشخیص سکته مغزی یا حمله گذرای ایسکمیک بستری شده بودند بررسی شد. فهرست بیماران با استفاده از کدهای تقسیم‌بندی بین‌المللی بیماریها ویرایش دهم استخراج گردید. جمعیت شهرستان بوشهر در سال ۱۳۹۲ با استفاده از نتایج سرشماری ۱۳۹۰ برآورد شد. جهت استانداردسازی سنی از جمعیت استاندارد سازمان جهانی بهداشت استفاده شد. تصحیح بروز با استفاده از آنالیز حساسیت انجام گردید.

**یافته ها:** در سال ۱۳۹۲، ۲۵۵ مورد سکته مغزی در دو بیمارستان ثبت شده بود. بروز خام ۷۱/۹۲ در صد هزار و بروز استاندارد شده ۳/۱۹۸ در صد هزار بود. بروز استاندارد شده در مردان بیشتر از زنان بود. بیشترین بروز مربوط به نوع ایسکمیک( ۱۶۹ در صد هزار) و کمترین مربوط به خونریزی تحت‌عنکبوتیه( ۳/۲ در صد هزار) بود.

**نتیجه گیری:** بروز سکته مغزی در شهرستان بوشهر بویژه در مردان نسبت به میانگین کشوری بالاتر است، اگرچه بروز سکته مغزی بار اول نسبت به برخی شهرها پایین‌تر می‌باشد. سکته مغزی در سنین پایین‌تری نسبت به کشورهای با درآمد بالا و کشورهای با درآمد پایین و برخی شهرهای کشور اتفاق می‌افتد.

**کلمات کلیدی:** ***Stroke, Cerebrovascular accident, Incidence, Risk factor, Iran***

# Epidemiology of stroke in south west of Iran, Bushehr, 2013-2014

*Sudabeh Mohammadi [1], Afshin Ostovar [2],Niloofar motamed [2], Reza nemati [2]*

*1.Committed to serving the Department of Social Medicine, Bushehr University of Medical Sciences, Medical Sciences, Bushehr, Bushehr, Iran*

*2.Faculty member, Bushehr University of Medical Sciences, Medical Sciences, Bushehr, Bushehr, Iran*

*Corresponding Author: Niloofar motamed*

*Introduction: Stroke is the second common cause of death in the world. Stroke imposes a large economic and social burden. There are significant regional differences in stroke incidence even within countries. The last information about stroke incidence in Bushehr is relevant to 2002-2003 . This study considers stroke incidence in Bushehr district in 2013-2014 .*

*Methods: Hospital files of the patients who were admitted with diagnosis of stroke or transient ischemic attack in Persian Gulf Martyrs, and Salman Farsi hospitals during 2013-2014 were studied. A list of patients with diagnosis of stroke prepared using international classification of disease 10 codes. Bushehr mid-year population was estimated based on census(2011-2012) . Age standardization was done based on World Health Organization standard population. Incidence correction was done using sensitivity analysis.*

*Results: In the study year, 255 cases of stroke were registered in two hospitals. Crude and standardized incidence of stroke were 92.71 and 198.3 per 100,000 respectively. Standardized incidence was higher in men compared with women. Ischemic stroke had the highest and subarachnoid hemorrhage the lowest incidence( 78.17 versus 1.45 per 100,000) .*

*Conclusion: Stroke incidence in Bushehr district especially in men was higher compared with mean rate in the country; although first ever stroke incidence was lower than some cities. Stroke occurs in younger ages in Bushehr compared with both high and low income countries and also some cities in Iran.*

# تاثیر رژیم پالئو بر عوامل خطر بیماری های قلبی-عروقی

طاهره رنجبر[1]، مریم مهارت[2]

۱- کارشناس ارشد علوم تغذیه، مشاور تغذیه، مرکز بهداشت شهدای والفجر، علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۲- مدیریت واحد بهبود تغذیه جامعه، مرکز بهداشت شهدای والفجر، علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

**نویسنده مسئول:** طاهره رنجبر

**محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** بیماریهای قلبی-عروقی علت عمدهٔ مرگ انسانها در جهان به شمار می روند. چاقی، فشارخون بالا، دیابت و دیس لیپیدمی از عمده ترین عوامل خطر این بیماری هاست. وضعیت تغذیه و فعالیت بدنی نیز از عوامل مهم و تأثیرگذار بر پیشگیری و بهبود بیماریهای قلبی-عروقی می باشند. رژیم پالئو به رژیم دوران غارنشینی اشاره دارد. ترکیبات اصلی این رژیم شامل گوشت بدون چربی، ماهی، سبزیجات، میوه ها، تخم مرغ و مغزهاست. این رژیم فاقد حبوبات، بغولات، ترکیبات لبنی، نمک، شکر تصفیه شده، روغن فرایند شده و هر آنچه قبل از متمدن شدن انسان ها در دسترس نبود، می باشد.

**روش کار:** در این جستار به بررسی ۲۴ مورد از مقالات اخیر بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ توسط موتورهای جستجوگر ***Embase, Google scholar*** و ***PUBMED*** و با استفاده از کلیدواژه های ***cardiovascular disease, Paleolithic diet, dyslipidemia, hypertension*** و ***diabetes*** پرداخته شد.

**یافته ها:** یافته های حاصل از مقالات متعدد نشان داد که حتی مصرف کوتاه مدت رژیم پالئو منجر به بهبود فشارخون، تحمل گلوکز و افزایش حساسیت انسولینی نسبت به گروه شاهد شده است. بعلاوه این رژیم در افراد کم تحرک نیز موجب بهبود پروفایل لیپیدی (کاهش ***TG*** و ***LDL*** به همراه افزایش ***HDL)***شده است. از مزایای دیگر این رژیم می توان به کاهش وزن، دورکمر، قند خون ناشتا و ***BMI*** افراد اشاره کرد.

**نتیجه گیری:** رژیم پالئو تأثیرات مثبتی در سلامت بیماران قلبی-عروقی دارد که از آن جمله می توان به بهبود پروفایل لیپیدی، افزایش حساسیت انسولینی و کاهش گلوکز ناشتا، وزن، دور کمر و فشارخون اشاره کرد.

**کلمات کلیدی:** ***Paleolithic diet, cardiovascular disease, dyslipidemia, hypertension,***

# The effect of paleo diet on the risk factors of cardiovascular diseases

*Tahereh Ranjbar [1], Maryam Maharat [2]*

*1. Master of Science in Nutrition, Nutrition Consultant,Shohadaye Valfajr Health Center, Medical Sciences, Shiraz, Iran*

*2.Community Nutrition Improvement Management Unit, Shohadaye Valfajr Health Center, Medical Sciences, Shiraz, Iran*

*Corresponding Author: Tahereh Ranjbar*

*Introduction: Cardiovascular diseases are the most common reasons of the human death all over the world. Obesity,hypertension,diabetes and dyslipidemia are the major risk factors of these diseases. However nutrition and physical activities play a significant and effective role in preventing cardiovascular diseases and helping one to recover from them. The paleo diet refers to the diet in the caveman era. The main components of this diet include lean meat, fish, vegetables, fruits, eggs and nuts. This diet doesn't contain any beans, legumes, dairy products, salt, refined sugar, processed oil and all of that, which hasn't been available before human civilization.*

*Methods: In this study there have been 24 series of recent articles dating back to the years between 2000 and 2016 studied, all of which have been collected through the search engines Google scholar, Embase and PUBMED using the keywords cardiovascular disease, Paleolithic, diet, dyslipidemia, hypertension and diabetes.*

*Results: Many articles indicated that even the short-term use of paleo diet results in an improved hypertension, glucose tolerance and an inhanced insulin sensitivity compared to the control group. This diet has in addition led to a better lipid profile in sedentary individuals (the decrease of TG and LDL along with the increase of HDL). To the other advantages of this diet belong the reduce of weight, waist circumference, FBS and BMI.*

*Conclusion: The Paleo diet has positive effects on the health of cardiovascular patients, such as an improved lipid profile, an enhanced insulin sensitivity and the decrease of FBS, weight, waist circumference and blood pressure.*

# بررسی کارآمدی سواد سلامت بر فعالیت بدنی و سلامت زنان

ملیحه نقدی[1]، محمد رضا صائینی[2]

۱- کارشناس مسئول بیماریهای غیر واگیر، زنجان، علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران

۲- معاون بهداشت دانشگاه، زنجان، علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران

**نویسنده مسئول:** ملیحه نقدی

**محور:**فعالیت فیزیکی و کم تحرکی

**زمینه و هدف:** اثرات پیشرفت تکنولوژی و صنعتی شدن زندگی بر سلامت انسان روز به روز بیشتر چهره می گشاید. یکی از عمده ترین این اثرات کاهش فعالیت بدنی انسانها میباشد که موجب شیوع بیماریهای غیر واگیر بسیاری در عصر حاضر شده است. از جمله مهمترین این بیماریها میتوان به عنوان مثال به بیماریهای قلبی و عروقی اشاره نمود که آمار رو به رشد و با نرخ فزاینده ای دارد. آنچه امروزه در جوامع مطرح است بحث تاثیر گذاری سطح تحصیلات و سواد سلامت بر فعالیت بدنی و سلامت اشخاص بوده و لیکن در این حوزه هنوز تحقیق جامعی صورت نگرفته تا صراحتا بتوان گفت که بالا بودن میزان این دو عامل مساوی است با سطح سلامت بالا.

**روش کار:** در این تحقیق با هدف گذاری جامعه زنان سعی شده است با تکیه بر مطالعات قبلی صورت گرفته و با جمع بندی آنها و همچنین با توجه به تجربیات میدانی مولفین، نقش سواد سلامت در فعالیت بدنی و متعاقبا سلامت زنان مورد ارزیابی قرار گیرد.

**یافته ها:** با شناسایی فاکتورهای مختلف موثر، اثرات هر یک در گروههای تفکیک شده بررسی و در نهایت اثرپذیری گروهها و اهمیت فاکتورها مشخص شد.

**نتیجه گیری:** اگر چه تحقیقات نشانگر یک رابطه مستقیم در این حوزه هستند ولی می توان ادعا نمود که در شرایط فعلی تنها با تکیه بر سواد سلامت و میزان تحصیلات اشخاص نمی توان از فعالیت استاندارد بدنی و به تبع سلامت اشخاص صحبت نمود و به نظر میرسد اجرای طرحهای کاربردی و عملی سواد سلامت در جامعه ضروریست.

**کلمات کلیدی:** فعالیت بدنی، سلامت، زنان

# Efficiency of health literacy on the physical activity and health in women

***Maliheh Naghdi 1, Mohammad Reza Sainee 2***
***1.Department of Non-Communicable Diseases, Zanjan Medical Sciences, Zanjan, Iran***
***2.Deputy Health University, Zanjan Medical Sciences, Zanjan, Iran***
***Corresponding Author: Maliheh Naghdi***

*Introduction: Advanced technology results in human life to become more industrialized and the result is a huge impact on the human health. One of the main effects of the above mentioned progressing life style is the dramatic decreasing trend in physical activities. This leads to the prevalence of many non-communicable diseases that threaten people. As an instance, heart and vascular diseases are a popular problem all over the world caused mainly by the lack of physical activities. Nowadays, it is common that a high level of health literacy brings about a proper level of physical activity leading to a good level of health.*

*Methods: However, literature shows that there is not a comprehensive study conducted on this subject by which a vigorous and reliable correlation can be asserted. This research reviews previously conducted studies focused on this problem.*

*Conclusion: It can be concluded that, based on the performed researches and filed experiments of the authors, it is not always the case that a high level of education and health literacy guarantee a standard level of physical activity and health. It seems that complementary researches are essential to be done by which practical programs can be developed and applied to societies to enhance the efficacy of the health literacy*

# بررسی میزان تبعیت پزشکان از دستورالعمل انجمن قلب امریکا در رویکرد به عوامل خطر بیماری های قلبی عروقی در بیمارستان آموزشی فیروزگر

زرین تاج حسین زاده شانجانی[1]، مرضیه نجومی[2]

۱- ، دانشکده پزشکی، علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۲- ، دانشکده پزشکی، علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** زرین تاج حسین زاده شانجانی

**محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** از آنجا که بیماری های قلبی عروقی علت اصلی مرگ و میر در بسیاری از کشور ها می باشد دستور العمل هایی با هدف پیشگیری از بیماری های قلبی- عروقی، از طریق آموزش و تحقیقات تخصصی، در جهت کنترل عوامل خطر بیماری های قلبی –عروقی به وسیله اصلاح شیوه زندگی و کاهش کلسترول خون، اضافه وزن و چاقی و فشار خون تدوین شده است. دستور العمل ***AHA (American Heart Association)*** از جمله این راهنما ها می باشد.

**روش کار:** نحوه جمع آوری داده ها به صورت غیر تصادفی و از پرونده های ترخیص بیماران قلبی- عروقی بود. پس از مطالعه دستور العمل ***AHA***، چک لیستی بر اساس این دستور العمل تهیه شد که پس از طراحی، موارد موجود در چک لیست از پرونده بیماران استخراج شد.. چک لیست انتخاب شده براساس گایدلاین ***AHA***شامل ۸ آیتم بود از جمله: فشارخون، چربی خون، دیابت، سیگار کشیدن ، چاقی، رژیم غذایی، فعالیت فیزیکی، آسپرین.

**یافته ها:** مطالعه حاضر شامل بررسی ۲۰۸ پرونده بیمار بستری در بخش قلب و عروق بیمارستان فیروزگر بود. در ۶۱/۱٪ پرونده ها تبعیت کامل پزشکان از توصیه های گایدلاین ***AHA*** دیده شد. در ۱۹/۷٪ از پرونده ها تبعیت متوسط و در ۱۹/۲٪ از پرونده ها عدم تبعیت پزشکان از توصیه های گایدلاین ***AHA*** بدست آمد.

**نتیجه گیری:** بررسی ۲۰۸ پرونده نشان داد که در ۶۱/۱٪ از پروند ه ها تبعیت کامل پزشکان از گایدلاین ***AHA*** وجود دارد.

**کلمات کلیدی:** ***AHA guideline, Cardiovascular diseases, adherence.***

# Assessment of physicians adherence to American Heart Association guidelines on the approach to cardiovascular disease risk factors in Firoozgar educational hospital

*ZarrinTaj Hosseinzade Shanjani [1],Marzieh Nojomi [2]*

*1. Medical School, Medical Sciences, Tehran, Iran*

*2. Medical School, Medical Sciences, Tehran, Iran*

*Corresponding Author: ZarrinTaj Hosseinzade Shanjani*

*Introduction: Cardiovascular diseases are the cause of death in many countries. Instructions have been developed with the aim of preventing cardiovascular disease through research and specialized training to control of cardiovascular disease risk factors by lifestyle and reduce blood cholesterol, overweight and obesity and blood pressure. American Heart Association (AHA) guideline is one of the following guidelines that to help the physicians in selecting the best management strategies for each patient. The aim of this study was to evaluate the Adherence physicians from AHA guideline*

*Methods: 208 records of patients discharged from Firoozgar Hospital Department of cardiovascular examined. After reading the AHA guideline, the list was prepared according to AHA guideline. The Items in the list were extracted from the Patients\' records. In the end, after collecting data, adherence physicians from AHA guideline were evaluated. Selected list based on the AHA guidelines was containing 8 items, including: blood pressure, cholesterol, diabetes, smoking, obesity, diet, physical activity, and aspirin. The experts were used for content validity ratio each of the items.*

*Results: 208 records of patients discharged from Firoozgar Hospital Department of cardiovascular evaluated. In 61/1% of records were seen full adherence physicians from AHA guidelines recommendations. In 19/7% of records average adherence physicians and 19/2% of records non- adherence physicians were observed.*

*Conclusion: Review of 208 cases Firoozgar Hospital Department of Cardiology showed that in 61/1% of records of patients discharged from Firoozgar Hospital Department of cardiovascular were seen full adherence physicians from AHA guidelines recommendations.*

# شیوع بیماری های غیر واگیر در واحد مراقبت های بهداشتی اولیه ایران در شهرضا طی ۱۰ ماه از شروع در ایران از اسفند ۱۳۹۴ تا پایان آذر ماه ۱۳۹۵*IRAPEN*

راهله صادق[۱]، مهشید احمدیان[۲]، زهرا روانخواه[۳]، زهره رحیمی[۴]، کیامرث جهانشاهی[۵]

۱- کارشناس دیابت، معاونت بهداشتی اصفهان، علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

۲- کارشناس مسئول بیماری های غیر واگیر، معاونت بهداشتی اصفهان، دانشگاه اصفهان ، اصفهان، ایران

۳- کارشناس سرطان، معاونت بهداشتی اصفهان، علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

۴- کارشناس مسئول بیماری ها، شبکه بهداشت و درمان شهرضا، علوم پزشکی اصفهان، شهرضا، ایران

۵- کارشناس غیرواگیر، شبکه بهداشت و درمان شهرضا، علوم پزشکی اصفهان، شهرضا، ایران

**نویسنده مسئول:** راهله صادق **محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** بیماری های غیر واگیر بیماری های مزمنی که مسری نیستند ، عامل اصلی مرگ و میر در جهان می باشند . ۴ بیماری اصلی غیر واگیر شامل بیماری های قلبی عروقی،سرطان ها ،بیماری های مزمن ریوی و دیابت است . بیش از ۸۰ درصد مرگ زودرس به دلیل این بیماری ها با تغییر شیوه زندگی و کنترل عوامل خطر مرتبط که تغذیه نامناسب ،تحرک ناکافی ،مصرف دخانیات و الکل است قابل پیشگیری هستند ، ***WHO*** برای کشورهای با درآمدمحدود به نام ***PEN***که در مراحل اولیه بیماری های قلبی عروقی ،دیابت بیماریهای مزمن ریوی و سرطان ها را شناسایی کندرا پیشنهاد داد.ایران تا سال ۲۰۲۵ متعهدشدکه عوامل خطر بیماری های غیر واگیر را کنترل و مرگ ناشی از این بیماریهارا تاسال ۲۰۲۵ ،۲۵٪کاهش دهد.شهرضا پایلوت کشوری ایراپن است.

**روش کار:** مطالعه حاضربررسی آمار اجرای برنامه ایراپن شهرضا از اسفند ۱۳۹۴تاآذر ۱۳۹۵ است .

**یافته ها:** شیوع خطر ده ساله و کمتر از ده سال وقوع بیماریهای قلبی عروقی ۸۰ ٪، خطرسنجی ده ساله بین ۱۰ تا ۲۰ ٪ ۳,۴٪.خطر سنجی بین ۲۰ تا ۳۰ ٪، ۰,۹٪ است، خطر سنجی >۳۰ ٪، ۵,۳٪ میباشد .شیوع دیابت ۹,۴ ٪ .شیوع فشار خون ۲۱٪، شیوع آسم ۱,۶٪ .شیوع مصرف دخانیات ۶,۳٪ و مصرف الکل ۰,۱٪. ۲ سرطان کولورکتال و ۱۲ مورد پولیپ و ۲ سرطان پستان .

**نتیجه گیری:** غربالگری در برنامه ایراپن و کشف موارد جدید دیابت ،فشار خون و مواردی از کانسر کولون و کانسر پستان در افراد بدون علامت لزوم اجرای طرح را نشان می دهد .

**کلمات کلیدی:** ***Shahreza-IRAPEN-NCD***

# The prevalence of non-communicable diseases in iran primary health care unit in Shahreza within 10 months from the start of IRAPEN in Iran from Esfand 1394 until the end of Azar 1395

*Rahele Sadegh[1], Mahshid Ahmadian[2], Zahra Ravankhah[3], Zohreh Rahimi[4], Kyamrs Jahanshahifard[5]*

*1. Diabetes Expert, Department of Health, Isfahan Medical Sciences, Isfahan, Iran*

*2. The Department of Non-Communicable Diseases, Department of Health, Isfahan University, Isfahan, Iran*

*3. Cancer Expert, health departments of Isfahan, Isfahan, Isfahan, Iran*

*4. Diseases Expert, Network Health Branch, Isfahan, Shahreza, Iran*

*5. Non-communicable Expert, Network Health Branch, Isfahan, Shahreza, Iran*

*Corresponding Author: Rahele Sadegh*

*Introduction: Noncommunicable diseases(NCDs)also known as chronic diseases,are not passed from person to person.The 4 main types of noncommunicable diseases are cardiovascular diseases,cancers, chronic respiratory disease .and diabetes.80%of premature heart disease,stroke and diabetes can be prevented.with control of 4main behavioral risk factor such as unhealthy diet ;physical inactivity; tobacco use and harmful use of alcohol. WHO suggest The Package of Essential NCD Disease Interventions (WHO PEN) for primary care in low-resource settings. These tools will enable early detection and management of cardiovascular diseases, diabetes, chronic respiratory diseases and cancer to prevent life threatening complications .IRAN accept this pakage and pledged to implement the package by 2025 to control the risk factors for non-communicable diseases for And dying from NCD by 2025 with 25% reduce control risk factors. Shah is one of four cities in the pilot study in IRAN*

*Methods: the data obtained from the program of IRAPEN in Shahreza by ten months;from March 1394to November1395*

*Results: The ten-year risk of cardiovascular event ≤10% is80%; ten years risk of CVD 10 to 20% is 3.4% ,CVD risk between 20% to30% is 0.9% and of CVD risk ≥30% is 5.3% the prevalence of asthma is 1.6%;using of smoking is6.3% and alcohol use is 0.1% . 12 polyp of colon and 2colorectal cancer and 2cases of breast cancer reported.*

*Conclusion: According to this study we found a lot of patient in all of field of NCD without any sign and symptom.this program can save life from premature death .*

# معرفی برنامه ملی مدیریت درمان سکته حاد قلبی

پگاه محقق[1]، محمد آقاجانی[2]، سیف اله عبدی[3]، فریدون نوحی[4]، جمشید کرمانچی[5]

۱- کارشناس مسئول برنامه مدیریت درمان س، شهرک غرب، بلوار ایوانک، وزارت بهداشت، معاونت درمان وزارت بهداشت، تهران، ایران

۲- معاونت درمان وزارت بهداشت، شهرک غرب، بلوار ایوانک، وزارت بهداشت، شهید بهشتی، تهران، ایران

۳- هیات علمی مرکز قلب شهید رجایی، بیمارستان قلب شهید رجایی، ایران، تهران، ایران

۴- هیات علمی بیمارستان رجایی، بیمارستان قلب شهید رجایی، ایران، تهران، ایران

۵- مشاور معاون درمان در امور بیماریها، وزارت بهداشت، معاونت درمان وزارت بهداشت، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** پگاه محقق **محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** به دلیل مرگ و میر بالای سکته حاد قلبی در کشور و در راستای دست یابی به سیاست توزیع عادلانه خدمات درمانی، معاونت درمان وزارت بهداشت،اقدام به استانداردسازی خدمات درمان سکته حاد قلبی از طریق تدوین شناسنامه استاندارد خدمات و اجرای برنامه مدیریت درمان سکته حاد قلبی در کشور نموده است.

**روش کار:** بدین منظور در اسفند ماه سال ۱۳۹۳ ، کمیته ای متشکل از خبرگان علمی و اجرایی در تخصص های مرتبط با سرپرستی معاونت درمان تشکیل گردید و بعد از جلسات متعدد کارشناسی، شناسنامه استاندارد خدمات تدوین گردید. پس از تدوین چک لیست الزامات بیمارستانهای واجد شرایط، در نهایت ۵۳ بیمارستان داوطلب واجد شرایط اجرای برنامه معرفی گردید.

**یافته ها:** در حال حاضر ۵۳ بیمارستان در کشور مجری این طرح می باشند که به صورت ۲۴ ساعته و ۷ روز در هفته (تحت عنوان بیمارستان ۲۴۷ ) موظف به ارائه خدمت آنژیوپلاستی اولیه ***(Primary PCI)***برای بیماران سکته حاد قلبی با بالا رفتن قطعه ***ST*** که در زمان استاندارد طلایی انجام خدمت مراجعه می کنند می باشند. در صورتی که آنژیوپلاستی اولیه در زمان کمتر از ۲ ساعت از شروع علایم انجام شود درصد برقراری جریان خون در عروق مسدود نسبت به درمان ترومبولیتیک بیشتر و و خطر خونریزی ناشی از ترومبولیز کمتر است.

**نتیجه گیری:** انجام آنژیوپلاستی اولیه در زمان طلایی خدمت، درمان ارجح در ***STEMI*** است. آموزش عمومی در خصوص مراجعه به موقع بیماران و تقویت اورژانس پیش بیمارستانی در افزایش کیفیت خدمات بسیار تاثیرگذار است.

**کلمات کلیدی:** ***STEMI***،آنژیوپلاستی اولیه***(Primary PCI)***،بیمارستان ۲۴۷

# Introducing the National management Program for Acute Myocardial Infarction

***Pegah Mohaghegh [1], Mohammad Agha Jani [2], Seifollah Abdi [3], Fereydoun Nouhi [4], Jamshid Kermanchi [5]***

***1. Department of Therapy Management Program, Shahrak-e Gharb, Eyvanak Boulevard , Ministry of Health, Deputy of the Ministry of Health, Tehran, Iran***

***2. Deputy of the Ministry of Health, , Shahrak-e Gharb, Eyvanak Boulevard, the Ministry of health, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran***

***3. Academic Staff of Shahid Rajai Heart Center, Shahid Rajai Heart Hospital, Iran, Tehran, Iran***

***4. Academic Staff Rajai Hospital, Heart Hospital martyr Rajai, Iran, Tehran, Iran***

***5. Deputy Assistant Treatment of Diseases, Ministry of Health, Deputy of the Ministry of Health, Tehran, Iran***

*Corresponding Author: Pegah Mohaghegh*

*Introduction: Because the high mortality of acute myocardial infarction in the country And in order to achieve an equitable distribution of health care policy, curative affairs in Ministry of Health and Medical Education standardized the treatment of acute myocardial infarction by implementing management Program of ST elevation myocardial infarction.*

*Methods: To this end, in March 2015, a committee of scientific and executive experts with head of curative affairs was formed and after several meetings, service standard was developed. After compiling requirements check list for eligible hospitals, finally in two step, 53 hospitals to implement the plan was introduced.*

*Results: Currently, 53 hospitals in the country implementing this plan 24 hours a day, 7 days a week and are obliged to serve primary PCI for patients with ST- elevation myocardial infarction who were present at the gold standard time for service*

*Conclusion: Based on the results of monitoring and evaluation as well as recording and reporting system, if primary PCI is performed in less than 2 hours of symptom onset, percent of the blood flow in blocked arteries is more than thrombolytic therapy. Also reduced the risk of recurrent stroke and bleeding risk associated with thrombolysis. Public education about importance of time in effective treatment and strengthening of pre-hospital emergency increase service quality*

# مرگ منتسب به چاقی و اضافه وزن، عامل خطر اصلی بیماریهای غیرواگیر

شیرین جلالی نیا[۱]، سحر سعیدی مقدم[۱]، نیلوفر پیکری [۱]، امیر کسائیان [۲]، باقر لاریجانی[۳]، فرشاد فرزادفر[۴]

۱- محقق، مرکز تحقیقات بیماریهای غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲- عضو هیات علمی، مرکز تحقیقات هماتولوژی، آنکولوژی و پیوند سلول های بنیادی، تهران، ایران

۳- پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم ، مرکز تحقیقات بیماریهای غدد و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۴- مرکز تحقیقات بیماریهای غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** شیرین جلالی نیا

**محور:**چاقی

**زمینه و هدف:** برآورد عوارض منتسب به چاقی یکی از اولویتهای حوزه تحقیقات سلامت محسوب می گردد.هدف مطالعه حاضر مقایسه مرگ و میر بیماری کشنده منتسب به افزایش شاخص توده بدنی در ایران در سال ۲۰۰۵ و ۲۰۱۱ بود.

**روش کار:** در این مطالعه با استفاده از استانداردهای روش (***Comparative Risk Assessment (CRA***) ، مرگ مربوط به افزایش شاخص توده بدنی در بزرگسالان ایران ۶۵-۲۵ سال، در سطوح ملی و فرو ملی و برای نه پیامد منتسب مشتمل بر؛ بیماری های ایسکمیک قلب ، سکته مغزی، فشار خون بالا، دیابت ، سرطان کولون، سرطان جسم رحم، سرطان پستان، سرطان کلیه و سرطان لوزالمعده، برآورد گردید.

**یافته ها:** در سال ۲۰۱۱، در بزرگسالان ۲۵ تا۶۵ ساله ، در سطح ملی، افزایش شاخص توده بدنی عامل ۳۹,۵٪ از کل مرگ و میر نسبت داده شد که به ۹ پیامد منتسب بود. ۵۵٪ این موارد مربوط به مردان بود . بالاترین مرگ و میر به ترتیب به ***IHD (55.7%)***، سکته مغزی (۱۹,۳٪) و دیابت (۱۲٪)منتسب بود. بر اساس بررسی های مربوط به کسر منتسب به جمعیت در سال ۲۰۱۱، به جز سرطان کولون، شیوع ۶ پیامد مشترک باقی مانده در زنان بیشتر از مردان بود.

**نتیجه گیری:** علیرغم اهمیت مساله، در حال حاضر همچنان لزوم تدوین و اجرای برنامه جامعی برای پیشگیری و کنترل چاقی در اولویت می باشد. یافته های این مطالعات نشانگر نیاز روز افزون به برنامه های جامع مداخله ای و سیاست گذاریهای ملی و فرو ملی در این زمینه می باشد.

**کلمات کلیدی:** ***Body mass index, burden, mortality, obesity, population attributed fra***

# Mortality Attributable to Excess Body Mass Index in Iran

*Shirin Jalalinia [1], Sahar Saeedi Moghadam [2], Niloofar peykari [3], Amir Kasaeian [4], Bagher Larijani [5], Farshad Farzadfar [6]*

*1. Researcher, Non-communicable Diseases Research Center, jam Research Institute, Tehran, Iran*

*2. The faculty member , Hematology Research Center, Oncology and Cell Transplantation, Tehran, Iran*

*3. The President of the Institute of Endocrinology and Metabolism, Endocrinology and Metabolism Research Center, Tehran, Iran*

*4. The Chairperson of Non-Communicable Diseases Research Center, Research Center of non-communicable diseases, jam Research Institute, Tehran, Iran*

*Corresponding Author: Shirin Jalalinia*

*Introduction: The prevalence of obesity continues to rise worldwide with alarming rates in most of the world countries. Our aim was to compare the mortality of fatal disease attributable to excess body mass index (BMI) in Iran in 2005 and 2011.*

*Methods: Using standards implementation Comparative Risk Assessment (CRA) methodology, we estimated mortality attributable to excess BMI in Iranian adults of 25–65 years old, at the national and sub-national levels for 9 attributable outcomes including; ischemic heart diseases (IHDs), stroke, hypertensive heart diseases, diabetes mellitus (DM), colon cancer, cancer of the body of the uterus, breast cancer, kidney cancer, and pancreatic cancer.*

*Results: In 2011, in adults of 25–65 years old, at the national level, excess BMI was responsible for 39.5% of total deaths that were attributed to 9 BMI paired outcomes. From them, 55.0% were males. The highest mortality was attributed to IHD (55.7%) which was followed by stroke (19.3%), and DM (12.0%). Based on the population attributed fractions estimations of 2011, except for colon cancer, the remaining 6 common outcomes were higher for women than men.*

*Conclusion: Despite the priority of the problem, there is currently no comprehensive program to prevention or control obesity in Iran. The present results show a growing need to comprehensive implications for national and sub-national health policies and interventional programs in Iran.*

# مرور نظام مند شیوع چاقی و اضافه وزن در کودکان و نوجوانان ایرانی

شیرین جلالی نیا[۱]، رویا کلیشادی[۲]، مصطفی قربانی[۳]، نیلوفر پیکری [۱]، باقر لاریجانی[۴]، فرشاد فرزادفر[۵]

۱- محقق ، مرکز تحقیقات بیماریهای غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲- استاد، ، مرکز تحقیقات رشد و نمو کودکان ، علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

۳- عضو هیات علمی، مرکز تحقیقات بیماریهای غیر واگیر دانشگاه علوم پزشکی، کرج، ایران

۴- رئیس پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم، مرکز تحقیقات بیماریهای غدد و متابولیسم، تهران، ایران

۵- رئیس مرکز تحقیقات بیماریهای غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** شیرین جلالی نیا ، **محور:**چاقی

**زمینه و هدف:** چاقی امروزه به یکی از معضلات مهم حوزه بهداشتی تبدیل شده است. به منظور علت یابی و بررسی های اپیدمیولوژیک دقیق این مطالعه به مرور سیستماتیک شیوع چاقی و اضافه وزن در کودکان و نوجوانا ن ایرانی می پردازد.

**روش کار:** بر اساس پروتکل مطالعه پایگاههای اطلاعاتی بین المللی ***(PubMed, ISI, SCOPUS)*** و بانکهای اطلاعاتی داخلی ***(Iranmedex, Irandoc, Scientific Information Database (SID))***مورد جستجو قرار گرفت. به این منظور تدوین استراتژی جستجو بر پایه حوزه های اصلی مرتبط با چاقی و اضافه وزن شکل گرفت و به لحاظ زمانی نیز محدوده زمانی ژانویه ۱۹۹۰ تا دسامبر ۲۰۱۳ لحاظ گردید. تمامی مراحل جستجو و آنالیز داده ها همزمان توسط دو پژوهشگر مستقل صورت پذیرفت.

**یافته ها:** از بین ۳۲۵۳ مقاله یافت شده، متعاقب مراحل پالایش داده ها نهایتا ۱۲۹ مقاله مرتبط وارد مطالعه شد. نتایج نشانگر محدودیت اجرای مطالعات ملی و فقدان مطالعاتی جهت ارزیابی روند شیوع چاقی و اضافه وزن در کودکان ایرانی بود. تفاوت زیاد و پراکندگی قابل ملاحظه بین میزانهای گزارش شده برای شیوع ( از ۱٪ تا ۱۶,۱٪ برای چاقی و از ۴,۴٪ تا ۴۲,۳٪ برای اضافه وزن) از دیگر نکات مهمی بود که امکان متاآنالیز را نیز سلب نمود.

**نتیجه گیری:** به رغم اولویت و اهمیت مساله، اطلاعات موجود بسیار پراکنده و عمدتا محدود به زیر گروههای خاص جمعیتی هستند. این مساله لزوم طراحی و اجرای مطالعات دقیق ملی و فرو ملی و بهره گیری از روشهای نوین و به روز آماری جهت استفاده از داده های موجود را ایجاب می کند.

**کلمات کلیدی:** ***Obesity, Overweight, Pediatrics, Systematic Review***

# A Systematic Review on the Prevalence of Overweight and Obesity, in Iranian Children and Adolescents

*Shirin Jalalinia [1], Rooya Kelishadi [2], Mostafa Ghorbani [3],Niloofar peykari [4], Bagher Larijani [5], Farshad Farzadfar [6]*

*1. Researcher, Non-communicable Diseases Research Center, jam Research Institute, Tehran, Iran*

*2. Professor, Developmental Pediatrics Research Center, Medical Sciences, Isfahan, Iran*

*3. The faculty member, non-communicable Disease Research Center University of Medical Sciences, Karaj, Iran*

*4. The President of the Institute of Endocrinology and Metabolism, Endocrinology and Metabolism Research Center,Tehran, Iran*

*5. The Head of Non-Communicable Diseases Research Center, Research Center of non-communicable diseases, jam Research Institute, Tehran, Iran*

*Corresponding Author: Shirin Jalalinia*

*Introduction: Obesity has now become a common health problem worldwide. To gain insight into the epidemiology of the problem in Iran, we systematically reviewed all available studies on the prevalence of overweight and obesity in the Iranian pediatric population.*

*Methods: We systematically searched PubMed, ISI, SCOPUS, as well as Iranmedex, Irandoc, and Scientific Information Database (SID)databases.All studies on mean and standard deviation or percentile categories of BMI, WC, WHR, or WHtR or prevalence of obesity/overweight in Iranian child and adolescence, were performed from January 1990 to the end of December 2013. Refining processes were conducted by two independent reviewers.*

*Results: From 3253 records, through three refining steps, 129 articles were found related to our study. In Iran, national studies are limited and nearly there is no comprehensive study for sub-national trends. Different age and sex groups had large variations in the prevalence of obesity and overweight (from 1% up to 16.1% and from 4.4% up to 42.3% respectively for obesity and overweight).*

*Conclusion: Related data are very scattered or limited to some specific subgroups in some living areas. For comparing, aggregating, and imputing the information we need more more modern practical statistical methods.*

# چاقی مرکزی و فاکتورهای خطر بیماری های قلبی عروقی: نظام مراقبت بیماری های غیر واگیر *(SURF NCD1391)*

محسن نژاد قادری[۱]، احمد جمالیزاده[۱]، زهرا کامیاب[۲]، علی اسماعیلی ندیمی[۲]، بهروز شهیدی زندی[۱]، ابومسلم رشیدی[۲]، آلاء سعیدی[۱]، امیر حسین پورکرمی[۱]

۱- حوزه معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

۲- دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

**نویسنده مسئول:** احمد جمالیزاده

**محور:**چاقی

**زمینه و هدف:** در سال های اخیر بیماری های غیر واگیر و فاکتورهای خطر آن مثل چاقی و چاقی مرکزی به دلیل تغییرات شیوه زندگی، صنعتی شدن و گذار اپیدمیولوژیک افزایش یافته اند. این مطالعه با هدف مقایسه فاکتورهای خطر بیماری قلبی عروقی در افراد با دور کمر *(waist circumference)*متفاوت طراحی شده است.

**روش کار:** دور کمر *(waist circumference)*متفاوت طراحی شده است. مطالعه حاضر بخشی از نظام مراقبت بیماری های غیر واگیر *(URF NCD)*در ایران می باشدکه به صورت مقطعی در رفسنجان، استان کرمان در سال ۱۳۹۱ انجام شده است. در کل ۶۴۰ نفر شرکت کننده شهری و روستایی با محدوده سنی ۲۰ تا ۶۴ سال مورد بررسی قرار گرفتند. چاقی، اضافه وزن و چاقی مرکزی بر اساس کرایتریای فدراسیون بین المللی دیابت *(IDF)*تعریف شدند.قند خون ناشتا *(FBS)*، کلسترول تام *(TC)*، تری گلیسرید(*HDL*، *LDL*، *TG*) و فشار خون سیستول و دیاستولیک ارزیابی شد. داده ها با استفاده از *SPSS* نسخه ۲۰ و آزمون های آماری در سطح معناداری ۰,۰۵ مورد آنالیز قرار گرفتند.

**یافته ها:** شیوع اضافه وزن، چاقی و چاقی مرکزی در این مطالعه به ترتیب ۲۹,۴٪، ۱۹,۴٪ و ۵۵,۹٪ بود.در آزمون *t* مستقل افراد با چاقی مرکزی در مقایسه با فراد نرمال دارای مقادیر بالاتری از قند خون ناشتا، کلسترول تام، تری گلیسرید و مقادیر کمتری از *HDL* بودند (به ترتیب *p=0/001*، *p=0/005*، *p*=۰۰۴/۰ و *p*=۰۱۴/۰).

**نتیجه گیری:** بر اساس نتایج این مطالعه در رفسنجان چاقی و چاقی مرکزی شیوع بالایی دارد. اقدامات پیشگیری از جمله افزایش آگاهی مردم، بهبود غربالگری و مداخلات درمانی در این زمینه توصیه می شود.

**کلمات کلیدی:** *Obesity, Abdominal, Coronary Artery Disease, Risk Factor, Rafsanjan, I*

# Central obesity and cardiovascular risk factors: The SuRF NCD (Surveillance of Risk Factors of Non-Communicable Diseases) Report 2012

*Mohsen nejad Qaderi [1], A. Jmalizadeh [1], Z.Kamyab [2], Ali Ismaili Nadimi [2], B. Shahidi Zandi [1], Abu Moslem Rashidi [2], Ala Saeedi [1], Amir Hossein Purkaramy [1]*

*1. Department of Health, Tehran University of Medical Sciences, Rafsanjan, Iran*

*2. University of Medical Sciences, Rafsanjan University of Medical Sciences, Rafsanjan, Iran*

*Corresponding Author: Ahmad Jmalizadeh*

*Introduction: In recent years non-communicable diseases (NCDs) and their risk factors such as obesity and central obesity have been increased due to lifestyle change, industrialization and epidemiological transition. this study compared various risk factors of coronary heart disease (CHD) in subjects with different waist circumference (WC).*

*Methods: Our study is a part of non-communicable disease surveillance in Iran (SURF NCD). This cross-sectional study was carried out in Rafsanjan region of Kerman-Iran in 2012, in total, 640 participants aged between 20 and 64 years old living in rural and urban areas. Obesity, overweight and central obesity were determined based on International Diabetes Federation (IDF) criteria. Coronary heart disease risk factors that examined in the current study included FBS, total cholesterol (TC), triglyceride (TG), LDL (Low Density Lipoprotein), HDL (High Density Lipoprotein), systolic and diastolic blood pressure. Data obtained were analyzed using SPSS software version 20, at level of 0.05.*

*Results: In the present study, the prevalence of overweight and obesity were 29.4% and 19.4% of total population and also prevalence of centrally non-obese (CNO) and centrally obese (CO) were 44.1% and 55.9% respectively.Furthermore result of t-test in this study revealed that CO subjects had significantly higher mean values of FBS (p=0.004), TC (p=0.005), TG (p=0.001) and lower mean values of HDL (p=0.014 levels compared with CNO subjects.*

*Conclusion: According to the results of this study obesity and central obesity is highly prevalent in rafsanjan. Prevention programs by increasing awareness and knowledge of lay people, improvement screening and treatment interventions is highly recommended.*

# مداخلات اضافه وزن و چاقی مبتنی بر مشارکت محله: طرح سنجش عدالت در سلامت شهر

فرناز خاتمی[1]، فرزانه رسام[2]

۱- هیات علمی، علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲- کارشناس، اداره کل سلامت شهرداری تهران، آزاد علوم تحقیقات، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** فرناز خاتمی

**محور:**چاقی

**زمینه و هدف:** با توجه به شیوع روز افزون اضافه وزن و چاقی بعنوان یکی از معضلات سلامت شهری، در این مطالعه به بررسی اثرات مداخلات مبتنی بر مشارکت عموم مردم در از بین بردن معضل اضافه وزن و چاقی پرداخته شد.

**روش کار:** در این پژوهش ۵ محله مداخله کننده در اضافه وزن و چاقی در سال ۱۳۹۲ بصورت تصادفی از ۵ پهنه شهر تهران بمنظور بررسی نتایج مداخلات انتخاب شدند. افرادی مورد مطالعه زنان ۱۵ سال و بالاتر دارای اضافه وزن و یا چاقی با کسب رضایت شخصی بودند. مداخلات در طول مدت ۴ ماه و شامل برنامه های آموزشی، فعالیت فیزیکی، معاینات پزشکی، مشاوره های تغذیه ای و سایر موارد بودند.

**یافته ها:** افراد مورد مطالعه ۱۶۶ نفر از زنان ۱۵ سال و بالاتر دارای اضافه وزن و چاقی بودند. میانگین سنی آنها ۱۲,۲±۴۳,۶ سال بود. تعداد ۷۵ نفر (۴۵,۲٪) دارای اضافه وزن و ۹۱ نفر (۵۴,۸٪) چاق بودند. میانگین نمایه توده بدنی کل بیماران قبل از مداخله ۲,۷±۳۰,۳ و بعد از مداخله ۲,۷±۲۹,۴ شد، که این اختلاف قبل و بعد از لحاظ آماری معنی دار بود ($P$ >۰,۰۰۱). سطح تحصیلات بالاتر بعنوان عامل پیشگویی کننده در کاهش نمایه توده بدنی مطرح گردید ($P$ >۰,۰۰۱).

**نتیجه گیری:** این مطالعه نشان دهنده نقش مشارکتی موفق افراد محله در بهبود وضعیت سلامتی خود در زمینه اضافه وزن و چاقی می باشد. نتیجه این اقدامات، ایجاد وسیله ای برای عرضه نتایج مداخلات در شیوه ای متفاوت به سیاستگزاران و مدیران سلامت برای طرح ریزی سیاستهای خرد و کلان در جهت نیل به ارتقاء سلامت جامعه می باشد.

**کلمات کلیدی:** *overweight, obesity, community-based intervention, health status*

# Overweight and obesity contribute to community-based interventions: Health Equity Assessment city plan

*Farnaz Khatami F [1], Farzaneh Rassam [2]*

*1. faculty, Tehran University of Medical Sciences, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran*

*2. Expert, Department of Health Tehran, Azad Science and Research, Tehran, Iran*

*Corresponding Author: F. Khatami*

*Introduction: Given the increasing prevalence of overweight and obesity, as one of the problems of urban health, this study was conducted to investigate the effects of community-based interventions in modification of overweight and obesity.*

*Methods: In this study, five areas of intervention in overweight and obesity were selected randomly to evaluate the results of interventions, in 2013. For this, females of ≥15 years old after verbal consent engaged in the study. Interventions carried over a period of 4 months and included training programs, physical activity, medical & nutritional counseling.*

*Results: The study subjects were 166 women of 15 years old or older with overweight and obesity. Their mean age was 43.6± 12.2 years. A total number of 75 (45.2%) subjects were overweight and 91 (54.8%) were obese. Mean body mass index of the patients was 30.3±2.7 before and 29.4 ± 2.7 after the intervention (P<0.001). Higher education level (P<0.001) and greater floor area (P=0.033) were recognized as predictors for the reduced body mass index after the intervention.*

*Conclusion: This study represents successful collaborative role of the community in improving their health status in terms of overweight and obesity. Urban HEART provides the opportunity for presenting the results of interventions to health policy makers and managers, in a clear and distinct manner. By which, they will be able to adjust more easily macro and micro policies in order to achieve better community health outcomes.*

# بررسی ارتباط الگوهای دریافت غذایی با ترکیب بدن، شانس ابتلا به چاقی عمومی و مرکزی و برخی زیست نشانگرهای بیوشیمیایی مرتبط در بزرگسالان سالم ساکن تهران

مهدی ملاحسینی[1]، محمدحسین رحیمی[2]، خدیجه میرزایی[3]، میرسعید یکانی نژاد[3]

۱- دانشجو، دانشگاه علو پزشکی تهران، تهران، ایران

۳- هیئت علمی، دانشگاه علو پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** مهدی ملاحسینی

**محور:**چاقی

**زمینه و هدف:** امروزه چاقی و اضافه وزن یک مشکل فراگیر جهانی میباشد که با بسیاری از بیماری های غیر واگیر همراه است. و یکی از عوامل اثر گذار بر آن الگوهای دریافت غذایی است.

**روش کار:** در این مطالعه ی مقطعی، تعداد ۲۶۵ فرد بزرگسال سالم تهرانی شرکت کردند. برای ارزیابی الگوهای دریافت غذایی از پرسشنامه بسامد خوراک ۱۴۷ قلمه و روش تحلیل عاملی استفاده شد. برای تعیین درصد چربی بدن از یک دستگاه *Body Analyzer* استفاده شد، نمونه های خون پس از ۱۰-تا۱۲ ساعت ناشتایی جمع آوری شدند.

**یافته ها:** در این مطالعه سه نوع الگوی غذایی شناسایی شدند. پس از تعدیل مخدوش کننده ها پیروی از الگوی غذایی محدود از غلات تصفیه شده با کاهش شانس ابتلا به چاقی مرکزی همراه بود($P$=۰/۰۴۸ و$CI95\%$=۰/۲۲-۰/۹۹ و$OR$=۰/۴۷) .میانگین در صد چربی بدن افراد مذکر نیز با افزایش پیروی از این الگوی غذایی پیش از تعدیل مخدوش کننده ها ($P$=۰/۰۳) و پس از آن ($P$=۰/۰۵) به طور معنی داری کمتر بود. الگوی مبتنی بر حبوبات پیش و پس از تعدیل مخدوش کننده ها با کاهش معنی دار در سطح *Triglyceride (TG)* سرم همراه بود (به ترتیب،$P$=۰/۰۲ و $P$=۰/۰۱) .الگوی سالم پس از تعدیل مخدوش کننده ها با کاهش معنی داری در سطح پروتئین واکنشی$C$ همراه بود($P$= ۰/۰۴) در حالی که پیش از تعدیل مخدوش کننده ها این رابطه معنی دار نبود($P$ =۰/۲۱).

**نتیجه گیری:** الگوی غذایی محدود از غلات تصفیه شده با کاهش شانس ابتلا به چاقی عمومی و مرکزی، الگوی غذایی مبتنی بر دریافت حبوبات با کاهش سطح $TG$ و الگوی غذایی سالم با کاهش میزان التهاب همراه است.

**کلمات کلیدی:** چاقی، الگوی غذایی، دیس لیپیدمی، التهاب،

# Assessing the association between dietary patterns and body composition, general and central obesity and some related biochemical biomarkers in healthy Tehrani adults

*Mehdi Mollahosseini [1], Mohammad Hossein Rahimi [1], Khadijeh Mirzaee[2], Mir Saeed yekani nejad [4]*

*1. Student, Tehran University of Medical Sciences, Medical Sciences, Tehran, Iran*

*2. faculty, Tehran University of Medical Sciences, Medical Sciences, Tehran, Iran*

*Corresponding Author: M. Mollahosseini*

*Introduction: Obesity and overweight are two global problems and are associated with several non-communicable diseases. Pattern of food intake is an affecting factor on these problems.*

*Methods: This cross-sectional study conducted on 265 Tehrani healthy adults Dietary patterns (DP) were extracted by a 147-items semi-quantitative food frequency questionnaire (FFQ) and factor analyzing method. Bioelectrical impedance analysis (BIA) method was used for body analysis. Blood sampling was done after 10-12 hours fasting.*

*Results: Three DPs were extracted. After adjusting for confounders following of restricted of refined grain DP reduced the odds of central obesity (OR=0.47, 95%CI: 0.22-0.99, P=0.048). Average of body fat percent among male participants reduced significantly by following this DP before (P=0.03) and after (P=0.05) adjusting confounders. Legume based DP before and after adjusting confounders reduced triglyceride level of serum (TG) (respectively P=0.02, P=0.01). Healthy DP after controlling for confounders reduced high sensitivity C-reactive protein (hs-Crp) significantly (P=0.04) whereas this reduction was not significant before adjustment (P=021).*

*Conclusion: Results of this study indicate that, following of restricted of refined grain DP is associated with lower odds of central and general obesity. Legume based DP is associated with reduction of TG and healthy DP reduced inflammation level.*

# بررسی میزان شیوع چاقی، مصرف سیگار، عادات غذایی و میزان فعالیت فیزیکی اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل و عوامل موثر بر آن در سال ۱۳۹۲(مطالعه ای کمی و کیفی)

سعید صادقیه اهری[۱]، شکوفه بنائی[۲]، اشکان خیرجویی[۲]

۱- هیات علمی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت ، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران

۲- دانشجو، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر برسلامت ، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران

**نویسنده مسئول:** سعید صادقیه اهری

**محور:**چاقی

**زمینه و هدف:** یکی از راهکارهای نوین برای ترویج سبک زندگی سالم تمرکز بر گروههای مرجع در جامعه می باشد. پزشکان و بویژه اساتید دانشگاههای علوم پزشکی نقش مهمی را در آموزش شیوه صحیح زندگی ایفا می کنند و به عنوان الگوی مناسب، رعایت شیوه درست زندگی به حساب می آیند. لذا این مطالعه با هدف بررسی سبک زندگی سالم در این قشر مهم جامعه تمرکز یافته است.

**روش کار:** برای تحلیل کیفی عوامل تاثیر گذار بر فعالیت فیزیکی اساتید از مصاحبه عمیق استفاده شد و برای این منظور با تعدادی از اعضای هیئت علمی مصاحبه عمیق انجام شد. بعد از تکمیل پرسشنامه ها داده ها وارد نرم افزار آماری *SPSS* و با استفاده از *GUIDE LINE* پرسشنامه *IPAQ (International Physical Activity Questionnaires)* که در سایت پرسشنامه در دسترس است وضعیت فعالیت فیزیکی تحلیل شد.

**یافته ها:** در این مطالعه ۶۹ درصد اساتید دارای اضافی وزن، ۵۶/۲۴ درصد *BMI* نرمال و ۴۳/۶ درصد چاق بودند. میزان مدت فعالیت افراد در هفته اعضاء هیات علمی(به جز زمان صرف شده در حالت استراحت در هفته) در مجموع ۷۶/۱۴ ± ۱۲/۲۶ ساعت و میانگین مدت زمان صرف شده در حالت نشسته ۶۶/۸ ساعت بود. همچنین مشاهده شد که ۲۴/۶۸ درصد(بر اساس پرسشنامه *IPAQ)*میزان فعالیت متوسط، ۴۶/۲۰ درصد فعالیت سبک و ۱۱/۱۱ میزان فعالیت سنگین داشتند.

**نتیجه گیری:** در این مطالعه مشاهده شد که میزان فعالیت اعضاء هیات علمی دانشگاه اردبیل سطح فعالیت کمی دارند ولی این پایین بودن سطح فعالیت با اکثریت مطالعات منطبق بود.

**کلمات کلیدی:** *Obesity, Smoking, Dietary Habits, Physical Activity*

# Prevalence of obesity, smoking, eating habits and physical activity and factors affecting faculty of medical sciences in 1392 (the study of quantitative and qualitative)

*Saeed Sadeghie Ahari [1], shokofeh banaii [2], Ashkan Kheirjui [2]*

*1. Academic Staff, Social Determinants Research Center, Medical Sciences, Ardabil, Iran*

*2. Student Research Center Social Determinants, Medical Sciences, Ardabil, Iran*

*Corresponding Author: Saeed Sadeghie Ahari*

*Introduction: One of the new approaches to promote healthy life-styles is focus on reference groups in society. Doctors and particularly professors of medical university play an important role in education of the proper way of life and are as a good model to abide the proper way of life. This study aimed to evaluate healthy lifestyles in this important class of community.*

*Methods: For qualitative analysis of factors affecting on physical activity professors were conducted a in-depth interviews. After completing the questionnaire, data were analyzed using SPSS software and GUIDE LINE IPAQ questionnaire (International Physical Activity Questionnaires) is available in online questionnaire the physical activity was analyzed.*

*Results: In this study, 69 percent of professors were with excess weight, 24.56% were with normal BMI and 6.43% were obese. The level of individual activity during the week (except time spent resting in a week) was 26.12±14.76 hours and the average time spent sitting was 8.66 hours. It was also observed that the 68.24% (based on a questionnaire IPAQ) had moderate activity, 20.46% light activity and 11.11% had a high activity level.*

*Conclusion: In this study it was observed that the amount of activity level of Ardabil University faculty members is low, but this level of activity was consistent with the majority of studies.*

# معرفی مطالعه همگروه ارزیابی و مدیریت خطر بروز بیماری‌های قلبی- عروقی و دیابت در جمعیت منتخب محله های مناطق ۱۶ و ۱۷ تهران از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰. فاز دوم: استقرار پس از پیش مطالعه موفق امکان سنجی و ارزیابی اولیه.

علی پاشا میثمی[۱]، علیرضا استقامتی[۲]، خسرو صادق نیت حقیقی[۳]، علی واشقانی فراهانی[۴]، فاطمه رجبی[۵]، فریبا کوهدانی[۶]، فرزین حلبچی[۷]، سید مجید موسوی موحد[۸]، محمدسینا رضایی[۹]، احسان شجاعی فر[۹]

۱-استاد، گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران. ۲-استاد، پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران.۳-استاد، مرکز تحقیقات اختلالات خواب شغلی بیمارستان بهارلو، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران.۴-دانشیار، گروه داخلی قلب، مرکز قلب تهران، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران.۵- استادیار، مرکز پژوهش های سلامت مبتنی بر مشارکت جامعه، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران.۶-استاد، گروه تغذیه مولکولی و سلولی، دانشکده علوم تغذیه و رژیم شناسی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران۷-دانشیار، گروه پزشکی ورزشی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران ۸-دانشیار، گروه بیماری های داخلی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران۹-دکترای حرفه‌ای، انجمن علمی پزشکی اجتماعی ایران.

نویسنده مسئول: علی پاشا میثمی

**محور:** بیماری های قلبی عروقی

زمینه و هدف: بیماری عروق کرونر علت اصلی مرگ و میر و بار بیماری ها در کشور پس از سوانح و حوادث در کشور و در کشور ما بر اساس مطالعات انجام شده، فراوانی وجود حداقل یک عامل خطر بیماری عروق کرونر در جمعیت بالغ کشور به طور متوسط بیش از ۴۰٪ بوده و این فراوانی در مورد مجموع همه عوامل خطر با هم حدود ۳۰٪ در جمعیت بالغ کشور می باشد. مطالعات نشان داده است که مداخله برای بهبود عوامل خطر در سطح جامعه، حتی بر جمعیت فاقد عامل خطر نیز نقش پیشگیرانه‌ای داشته است.

**روش کار:** در این فاز از مطالعه مقرر است یک جمعیت ۱۷۰۰۰ نفره از ساکنین مناطق مسکونی ۱۶ و ۱۷ تهران به صورت تصادفی خوشه‌ای طبقه بندی شده انتخاب می شوند. با استفاده از سامانه هوشمند تحت وب طراحی شده بر اساس جداول منطقه اپیدمیولوژیک ***EMR B*** سازمان جهانی بهداشت، ارزیابی خطر انجام خواهد شد. بر اساس طبقه بندی خطر انجام شده و طبق دستور العمل های مبتنی بر شواهد سازمان جهانی بهداشت برنامه مداخلات مختلف بر حسب سطح خطر برای هر یک از افراد دارای خطر بالا و بسیار بالا در کلینیک پیشگیری و ارتقاء سلامت بیمارستان بهارلو انجام خواهد شد. مداخلات حداقل شامل، ترک سیگار، بهبود رژیم غذائی، بهبود فعالیت فیزیکی، کنترل فشار خون، کنترل چربی خون، کنترل وزن و مداخلات روانشناسی خواهد بود.

**نتیجه گیری:** با استقرار این همگروه ضمن بهره مندی جمعیت بزرگی از ساکنین این مناطق از خدمات پیشگیری و ارتقاء سلامت، آماره های ارزیابی و کنترل عوامل خطر بروز بیماری عروق کرونر و دیابت مشخص شده و نواقص و توانمندی های مدل به کار گرفته شده برای کنترل عوامل خطر بیماری های مذکور در عموم مردم، مورد سنجش قرار خواهد گرفت.

**کلمات کلیدی:** همگروهی، ارزیابی و مدیریت خطر، بیماری های قلبی-عروقی، دیابت

# Introduction of Risk Assessment and Risk Management COHORT for Cardiovascular diseases and diabetes mellitus in selected areas of 16th and 17th zones in Tehran from 2016 to 2021: Phase 2, Establishment after a successful pilot and feasibility assessment study

***Alipasha Meysamie[1], Alireza Esteghamati[2] , Khosro Sadeghniat Haghighi[3], Ali Vasheghani-Farahani[4], Fatemeh Rajabi[5], Fariba Coohdani[6], Farzin halabchi[7], Seyed Majid Mosavi Movahed[8], Mohammad Sina Rezaee[9], Ehsan Shojaeefar[9]*** .

***1- Community and Preventive Medicine Department, Medical Faculty, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran. 2- Endocrinology and Metabolism Research Center (EMRC), Vali-Asr Hospital, School of Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.3- Occupational Sleep Research Center, Baharloo Hospital, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran. 4- Department of Cardiology, Tehran Heart Center, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran***.

***5- Community Based Participatory Research Center, Knowledge Utilization Research Center, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran***
***6-Cellular and Molecular Nutrition Department, School of Nutritional Science and Dietetics, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.7-Sports Medicine Research Center, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran. Department of Sports and Exercise Medicine, Faculty of Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran. 8-Internal medicine Department, Medical Faculty, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran. 9- Iranian Scientific Association of Community Medicine***

***Introduction: Cardiovascular diseases are the leading cause of mortality and burden of diseases in the country after injuries. In our country the prevalence of having at least one risk factor for coronary artery disease in the adult population is more than 40%, whereas this amount is about 30% for having of all risk factors together. Studies have shown that interventions to improve community-level risk factors in population with even no risk factor, has also preventive role*** .

***Methods: In this phase of study it has been proposed that a population of 17000 persons in Tehran's 16th and 17th zones will be selected by random clustered stratified sampling. Risk assessment will be done using a web based, semi-intelligent software which designed based on WHO chart of EMR-B. Specific interventions related to level of assessed risk will be provided for patients with very high and high risk in prevention and health promotion clinic of Baharloo hospital. Minimum interventions including quit smoking, improved diet and physical activity, blood pressure and lipid control, weight control and psychological intervention will be provided***.

Conclusion: ***With implementing risk assessment and risk management COHORT for CVDs and diabetes mellitus in selected areas of 16th and 17th zones in Tehran not only the huge population of this zones will benefit from preventive and health promotional services but also statistics of risk assessment and risk management of CVDs and diabetes will be revealed as well as getting evaluated the defects and capabilities of this implemented model for controlling the risk factor of those diseases in whole population***.

***Keywords: Cohort, Risk assessment, risk management, Cardiovascular diseases, Diabetes***

# ارتباط بین افسردگی و بیماری های قلبی عروقی: مقاله مروری

سینا دینداریان[1]، مهدی باقری[1]

۱- ، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه، ایران

**نویسنده مسئول:** سینا دینداریان

**محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** مطالعات متعددی درباره بررسی ارتباط بین افسردگی و بیماری‌های قلبی عروقی انجام شده است. از آنجا که این دو بیماری، جزو اصلی‌ترین بیماری‌های ناتوان‌کننده در سراسر جهان می‌باشند، در مطالعه حاضر بر آن شدیم تا به مرور تعدادی از مقالات بررسی‌کننده‌ی ارتباط بین افسردگی و بیماری‌های قلبی عروقی بپردازیم.

**روش کار:** مقالات انگلیسی در زمینه‌ی بررسی رابطه افسردگی با بیماری‌های قلبی عروقی از پایگاه‌های داده *PubMed*، *Science Direct* و *Google Scholar* استخراج و ۲۰ مقاله خلاصه شد.

**یافته ها:** اکثر مقالات نگاشته شده بر این نکته تاکید داشتند که افسردگی موجب اختلالات فیزیولوژیک می‌گردد که این اختلالات با افزایش تون سمپاتیکی، بر ریسک بیماری‌های قلبی عروقی می‌افزایند. مکانیسم‌های رفتاری نیز موجب افزایش بیشتر ریسک ابتلا به بیماری‌های قلبی عروقی می‌گردند. سبک زندگی نامناسب و عدم رعایت رژیم دارویی، شایع‌ترین مشکلات رفتاری در بیماران افسرده هستند.

**نتیجه گیری:** افسردگی به واسطه مکانیسم‌های فیزیولوژیکی و رفتاری، یک ریسک فاکتور مستقل برای بیماری‌های قلبی عروقی به‌شمار می‌رود.

**کلمات کلیدی:** *Depression, CHD, Peripheral Arterial Disease, Cerebrovascular Disease,*

# Depression and cardiovascular disease: review article

*Sina Dindaryan [1], Mehdi Bagheri [1]*

*1, Student Research Committee, University of Medical Sciences, orumie, Iran*

*Corresponding Author: Sina Dindaryan*

*Introduction: Several studies have been carried out to determine the association between depression and cardiovascular disease. As these are two leading causes of disability worldwide, in this article we aimed to review the studies about the relationship between them.*

*Methods: The relevant English published papers were searched using online databases of PubMed, Science Direct, and Google Scholar. We summarized the findings of 20 relevant studies in this review.*

*Results: Most of the studies have reported that depression causes some physiologic derangements which lead to cardiovascular disease by increasing sympathetic tone. Behavioral mechanisms also cause an even greater cardiovascular risk. Lack of adherence to medical regimen and inappropriate lifestyle are the most common behavioral problems in depressed patients.*

*Conclusion: Due to specific pathophysiological and behavioral mechanisms, depression is an independent risk factor for the development of cardiovascular disease.*

# پیشگیری از چاقی واضافه وزن در شهرستان دلیجان درسال۹۵-۹۴

مهدی سعیدی[۱]، منصوره منصوری[۲]، مریم احمدی[۳]، ناهید چزانی شراهی[۴]

۱- کارشناس آموزش سلامت، مرکز بهداشت شهرستان دلیجان، اراک، ایران

۲- معاون فنی، مرکز بهداشت شهرستان دلیجان، اراک، ایران

۳- کارشناس تغذیه، مرکز بهداشت شهرستان دلیجان، اراک، ایران

۴- کارشناس آموزش سلامت، مرکز بهداشت استان مرکزی، اراک، ایران

**نویسنده مسئول:** مهدی سعیدی

**محور:**چاقی

**زمینه و هدف:** در حدود نیمی از افراد بزرگسال کشور مبتلا به اضافه وزن و چاقی هستند. بنابراین این مطالعه با هدف پیشگیری از چاقی واضافه وزن درشهرستان دلیجان انجام گرفت.

**روش کار:** پژوهش حاضر مطالعه توصیفی مداخله ای بوده که در آن ۴۲۰ نفر از مراجعین به مرکز بهداشتی درمانی شرکت داشتند. دراین مطالعه، ارزیابی قبل از مداخله وسپس طراحی واجرای مداخله و ارزشیابی بعد از مداخله انجام گرفت. ارزیابی وارزشیابی از طریق تکمیل پرسشنامه محقق ساخته که روایی وپایایی آن مورد تایید قرارگرفت، انجام شد. .بمنظور اجرای مداخله با برگزاری ۸۵۰ جلسه اموزشی برای ۸۰۰۰نفر از گروههای مختلف جامعه و ۲۰۰۰ مشاوره تغذیه صورت گرفته است. ودر نهایت اطلاعات با استفاده از نرم افزار$SPSS$تحلیل ودر قالب فراوانی ودرصد مشخص گردید.

**یافته ها:** از مجموع ۴۲۰ نفر،۲۰٪ مرد ۸۰٪ زن که ازاین افراد۶۰٪ شهری و۴۰٪روستایی میباشند. آگاهی قبل از مداخله درزمینه مصرف روزانه روغن وقندوشکر ٪۴۱ وبعد مداخله ٪۷۹، میران مصرف روزانه میوه وسبزیجات از ۴۳٪ به ۸۱ ٪.درخصوص تمایل افراد درکاهش مصرف روغن وقندوشکراز۴۶٪به ۸۰٪وتمایل افزایش به میوه وسبزیجات از۴۷٪ به ۸۰٪وآگاهی نسبت به وزن منتسب برای قد خود از۴۷٪به۸۲ ٪رسیده است

**نتیجه گیری:** در راستای پیشگیری وکاهش اضافه وزن وچاقی لزوم توانمندی افرادبا اجرای مداخلات آموزشی ضروری می باشد وفراتر از آن باید بطورجدی پیگیراجرایی شدن استراتژی های کلیدی ارتقای سلامت مشتمل بر سیاست های حامی سلامت ،محیط های حامی سلامت،تقویت اقدام جامعه بود.

**کلمات کلیدی:** چاقی اضافه وزن . تغذیه

# Prevention of obesity and overweight in the city of Delijan in 2015-2016

*Mehdi Saeedi [1], M Mansouri [2], M Ahmadi [3], Nahid Chazani Sharahi [4]*

*1. The health education specialist, Delijan city health center, Arak, Iran*

*2. Technical Assistant, city health center Delijan, Arak, Iran*

*3. Dietitian, Health Center City Delijan Arak, Iran*

*4. Expert Health Education, Health Center, Markazi Province, Arak, Iran*

*Corresponding Author: Mehdi Saeedi*

*Introduction: within half of the country\'s adults , the overweight or obesity is observed. Therefore, this study aimed Prevention of obesity and overweight in the city of Delijan.*

*Methods: : This study is interventional-descriptive study in which 420 patients referred to health centers participated. In this study, evaluation before intervention .then designing and implementation of intervention and evaluation after the intervention were performed. In order to implement the intervention , was used of holding 850 training sessions for 8000 people from various community groups and 2000 nutritional counseling . Assessment and evaluation by completing the questionnaire was showed that the reliability and validity of it was confirmed. Finally using SPSS software in the form of frequency and percentage were analyzed and determined.*

*Results: Of 420 patients 20% male, 80% female **%60** . civic and 40% were rural . Knowledge before intervention in the daily consumption of oil .sugar was 41% and after intervention 79%, fruits and vegetables daily consumptions from 43% to 81%. Regarding on people\'s willingness to reduce oil consumption 46% to 80% and desire to increase in fruit and vegetables from 47% to 80% and consciousness attributed to your height to weight ratio from 47% to 82% is reached*

*Conclusion: In order to prevent and decrease overweight and obesity , need for empowerment by implementing educational interventions are essential. and beyond that it must be vigorously implementing key strategies including Pro-health policies; health supportive environments , strengthening community action*

*Keywords: prevention , obesity , overweight , Nutrition*

# نقش حمایت اجتماعی و حس انسجام در پیش بینی بیماری عروق کرونر قلبی

محمدرضا حسین پور[1]، لاله سمیعی[2]

۱- مشاوره دانشجویی، مرکز مشاوره دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

۲- روان شناس، درمانگاه حضرت ولی عصر (عج)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، الیگودرز، ایران

**نویسنده مسئول:** محمدرضا حسین پور

**محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش حمایت اجتماعی و حس انسجام در پیش بینی بیماری عروق کرونری قلب می باشد.

**روش کار:** از میان بیماران قلبی – عروقی زن و مرد ۶۰-۲۵ ساله بیمارستان عالی نسب شهر تبریز که طی شش ماهه اول سال ۱۳۹۵ جهت آنژیوگرافی عروق کرونر قلب در بخش های جراحی بستری بودند ۵۰ نفر که واجد ملاک های ورود به پژوهش بودند به صورت هدفمند انتخاب شدند. همچنین از میان همراهان بیماران با روش همتاسازی، ۵۰ نفر انتخاب شدند و به پرسشنامه های حس انسجام آنتونوسکی و حمایت اجتماعی پروسیدانو و هلر پاسخ دادند. داده ها توسط آزمون آماری رگرسیون لجستیک تحلیل شد.

**یافته ها:** نتایج نشان داد که متغیر حمایت اجتماعی با مقدار آماره والد ۷۸۰/۰ که نشان دهنده سودمندی این متغیر است و با توجه به سطح معناداری ۰۰۷/۰ ، قدرت پیش بینی کنندگی بیماری عروق کرونری قلب را دارا می باشد. همچنین متغیر حس انسجام با مقدار آماره والد ۰۹۷/۰ که نشان دهنده سودمندی این متغیر است و با توجه به سطح معناداری ۰۰۵/۰، قدرت پیش بینی کنندگی بیماری عروق کرونری قلب را دارا می باشد.

**نتیجه گیری:** مطالعه حاضر نشان داد که عوامل روان شناختی پیش بینی کننده بیماری عروق کرونر قلب می باشند. بر اساس یافته ها بهتر است در برنامه های پیشگیری بیماری های قلبی عروقی و نیز توانبخشی بیماران به نقش روان شناختی در تداوم بیماری توجه لازم به عمل آید.

**کلمات کلیدی:** عروق کرونر قلبی، حمایت اجتماعی، حس انسجام

# The role of social support and sense of coherence in predicting coronary artery disease

***Corresponding Author: Mohammad Reza Hossein-Pour***

*Introduction: The aim of this study was to investigate the role of social support and sense of coherence is predicted coronary heart disease.*

*Methods: The study population cardio - vascular 60-25 year old men and women august hospitals in Tabriz during the first six months of 1395 cardiac surgical wards were hospitalized for coronary angiography criteria for the study were 50 people who are were chosen. Also among patient with the matching method, 50 patients were selected and questionnaires Antonovsky sense of cohesion and social protection. Mary Procidano and Heller responded. Data were analyzed by using logistic regression.*

*Results: The results showed that social support variables that represent the value and usefulness of the ranges parent 0/780 and 0/007 significant level, its predictive power is capable of coronary heart disease. The variable that represents the sense of coherence with the value and usefulness of the ranges parent 0/097 and 0/005 significant level, its predictive power is capable of coronary heart disease.*

*Conclusion: : This study showed that psychological factors are predictors of coronary heart disease. It is based on the findings in cardiovascular disease prevention programs and rehabilitation to psychological role in the continued operation of the sewage comes attention.*

# دسترسی به درمان و مراقبت در بیماران با سکته مغزی بار اول

منیرالسادات میرزاده[1]، نیلوفر معتمد[2]، رضا نعمتی[3]

۱- طرح تخصص، قزوین، بوشهر، بوشهر، ایران

۲- دانشیار، بوشهر، بوشهر، بوشهر، بوشهر

۳- ، بوشهر، بوشهر، بوشهر، ایران

**نویسنده مسئول:** منیرالسادات میرزاده

**محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** بیماریهای عروق مغز دومین علت شایع مرگ و میر و ششمین علت بار بیماریها را در سطح جهان به خود اختصاص می دهند شروع مجدد جریان خون در مدت ۴/۵-۳ ساعت یک عامل پیشگویی کننده برای درمان موثر می باشد. در مطالعه حاضر بررسی وضعیت دسترسی به درمان و مراقبت در بیماران سکته مغزی بار اول مراجعه کننده به بیمارستان خلیج فارس بوشهر در سال ۹۴ پرداختیم

**روش کار:** در یک مطالعه مقطعی،۱۹۱ بیمار مبتلا به سکته مغزی بار اول مراجعه کننده به اورژانس بیمارستان خلیج فارس بوشهر از مهر ماه ۹۳ تا آبان ماه ۹۴ مورد بررسی قرار گرفتند. چک لیستی شامل اطلاعات دموگرافیک، فواصل زمانی شامل زمان شروع علائم تا اطلاع به سیستم درمانی، اطلاع سیستم درمانی تا ورود به اورژانس بیمارستان و نهایتا تشخیص برای بیماران تکمیل گردید.

**یافته ها:** میانگین سنی بیماران( ۴۸/۱۲± ۹۲/۶۵ ) و محدوده سن ۳۴ تا۹۰ سال بود. جنس اکثر بیماران مورد مطالعه زن ۱۰۶نفر (۵/۵۵ درصد) بود. اکثریت بیماران( ۶/۷۹ درصد) و همراهانشان (۱/۶۹درصد) از علایم سکته مغزی اگاهی نداشتند. میانگین زمان شروع علایم تا ورود به اورژانس، تا تماس با اورژانس۱۱۵، زمان ورود به اورژانس تا انجام سی تی اسکن و تا زمان مشاوره نورولوژی برای بیمار به ترتیب برابر۶۶ /۶۹۹، ۵۱/۱۹۵, ۱۱/۴۵، ۶۲/۴۲۳ دقیقه به دست آمد. درنهایت ۶/۱۴ درصد از بیماران واجد شرایط دریافت *tpA* بودند.

**نتیجه گیری:** مهمترین مانع در دریافت به موقع درمان، گذشتن زمان طلایی است و آموزش همگانی در جهت ارتقاء سطح آگاهی عمومی جامعه می تواند در کاهش این تأخیرزمانی مؤثر باشد.

**کلمات کلیدی:** سکته مغزی بار اول، زمان ، مراقبت و درمان، ایران

# Access to care and treatment in patients with first ever stroke

***Corresponding Author: Monirolsadat Mirzadeh***

*Introduction: Cerebrovascular diseases are determined to be second common cause of mortality and sixth cause of burden of diseases all over the world and it is also expected to be fourth reason by2020. Onset of re perfusion during first 3-4.5 hours is a predictive factor of treatment we investigated the access to care and treatment in patients who had first ever brain stroke in 2015.*

*Methods: In a cross sectional study, 191 patients suffering from first ever stroke which visited emergency department of the Persian Gulf hospital of Bushehr were investigated from September 2014 until October 2015. One checklist was completed which included demographic data. symptoms and intervals regarding onset of symptoms to informing emergency 115, informing of emergency 115 to arrival at emergency department and finally making diagnosis for the patients.*

*Results: Findings: Mean age of the patients was 65.92±12.48 years) .The majority of patients under investigation were female (55.5 percent. The majority of patients (74.6 percent) and their attendants (74.1 percent) lacked any knowledge about brain stroke. Mean duration between onset of symptoms and arrival at emergency department, onset of symptoms and call to emergency 115, time of arrival at emergency department to do CT scan and to be counseled by a neurologist were 699.66, 195.51, 45.11 and 423.62 minutes, respectively. Finally 14.6 percent of patients were qualified to be treated with tpA.*

*Conclusion: public education to promote public awareness could be of great benefit in reducing the referral delay time*

# کشندگی۲۸روزه سکته مغزی درایران:مرورسیستماتیک ومتاآنالیز

یاسمن خلیلی[۱]، مازیار مرادی لاکه[۲]، مرضیه نجومی[۳]، مسعود مهرپور[۴]، فرشاد فرزادفر[۵]

۱- هیات علمی، مرکز آموزشی، تحقیقاتی ودرمانی قلب شهید رجایی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۲- هیات علمی، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۳- هیات علمی، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۴- هیات علمی، بیمارستان فیروزگر، علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۵- هیات علمی، مرکز تحقیقات بیماریهای غیرواگیر، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** یاسمن خلیلی، **محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** بیماریهای قلبی عروقی دومین علت شایع مرگ دردنیا هستند وبیش از ۸۵٪از این مرگهادر کشورهای بادرآمد کم ومتوسط رخ میدهد.بخش اعظمی از این مرگها به سکته قلبی وسکته مغزی منتسب هستند.باتوجه به میزان روبه افزایش بروز سکته مغزی و کمبوداطلاعات درزمینه اپیدمیولوژی سکته های مغزی درایران برآن شدیم تاباانجام مطالعه حاضر به ارزیابی اطلاعات موجود بپردازیم.

**روش کار:** منابع اطلاعاتی الکترونیکی بین المللی (شامل *PubMed, Scopus, Web of Science)*ومنابع اطلاعاتی داخلی( *IranMedex, IRANDOC, Scientific Information Database)*براساس استراتژی جستجوی از پیش تعیین شده دردوره زمانی ژانویه۱۹۹۰ تا ژانویه۲۰۱۷بدون هیچ محدودیت دیگری جستجو شدند.در نهایت کشندگی ۲۸روزه سکته مغزی براساس نوع سکته مغزی از بین ۱۹ مطالعه وارد شده درمتاآنالیزمحاسبه گردید.

**یافته ها:** ۱۴مطالعه مقدار کشندگی ۲۸روزه رابرای سکته مغزی ایسکمیک وهموراژیک گزارش کرده بودند ( بین ۱۱٪تا۳۲٪) و۴مطالعه این میزان رابرای سکته مغزی ایسکمیک گزارش کرده بودند (بین ۷,۳٪تا۱۵,۳٪)ویک مطالعه این میزان رادر سکته هموراژیک گزارش کرده بود(۳۷,۶٪).برآیند کشندگی ۲۸روزه برای ترکیب تمام انواع سکته های مغزی ۲۰٪(فاصله اطمینان ۰,۱۶تا۰,۲۵) محاسبه شد.شایعترین نوع سکته مغزی نوع ایسکمیک وشایعترین عامل خطر فشار خون بالابوده است.

**نتیجه گیری:** میزان کشندگی سکته مغزی درایران با شرق روپا وشرق آسیا قابل مقایسه است ولی ازاغلب کشورهای بادرآمد بالا بیشتر است.

**کلمات کلیدی:** سکته مغزی،کشندگی،ایران

# Case Fatality Rate of Stroke in Iran: A Systematic Review and Meta-Analysis

*Yasaman Khalili[1] , Maziar Moradi-Lakeh[2], Marzieh Nojomi[2], Masoud Mehrpour[3], Farshad Farzadfar[4]*

1. *Rajaie Cardiovascular, Medical and Research Center, Iran University Of Medical Sciences*
2. *Medical faculty, Iran University of Medical Sciences*
3. *Firoozgar hospital, Iran University of Medical Sciences*
4. *Non-Communicable Diseases Research Center (NCDRC) Tehran University of Medical Science*

*Introduction: Cerebrovascular diseases are the second leading cause of death in the world, with more than 85% of the related deaths occurring in low- and middle-income countries. Given the significant increase in the incidence of stroke in the world and the scarcity of data on the epidemiology of stroke in Iran, we sought to calculate the 28-day case fatality rate (CFR) of stroke in Iran .*

*Methods: We searched electronic international (PubMed, Scopus, and Web of Science) and domestic (Scientific Information Databases [SID], IranMedex, and IRANDOC) databases based on a pre-search strategy. We searched the above-mentioned databases from January 1990 to January 2017, with no other limitations. The pooled 28-day CFR of stroke was calculated from 19 identified studies based on stroke sub types.*

*Results: Fourteen studies reported the CFR of both of the pathologic types of stroke (ischemic and hemorrhagic), with a range of 11% to 32%. Additionally, 4 studies documented the CFR of ischemic stroke at a range of 7.3% to 15.3%, and 1 study reported the CFR of hemorrhagic stroke at 37.6%. The pooled estimate of the 28-day CFR for all types of strokes was 20% (95% CI: 0.16 to 0.25) for combination of ischemic and hemorrhagic stroke sub types .The most common type of stroke was ischemic type and the most common risk factor was hypertention.*

*Conclusion: The CFR of stroke in Iran is comparable with that in East Europe and East Asia, while it is higher than that in most high-income countries.*

*Keywords: Stroke; Case fatality rate; Iran*

# تعیین بار سلامتی (*DALY*) ناشی از بیماری سکته قلبی در استان آذربایجان غربی طی سالهای ۱۳۹۱و۱۳۹۲

شاکر سالاری لک[۱]، کامران ابراهیمی[۲]، کمال خادم وطن[۳]

۱- ، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه، ایران

۲- کارشناس بیماریها، مرکز بهداشت بوکان، ارومیه، بوکان، ایران

۳- ، ، بیمارستان فوق تخصصی قلب سیدالشهدا، ارومیه، ایران

**نویسنده مسئول:** شاکر سالاری لک

**محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** بیماری های قلب و عروق شایع ترین علت مرگ در جهان بوده که علت عمده آن گرفتاری عروق است که این مطالعه به جهت اهمیت محاسبه بار ناشی از سکته قلبی انجام شد.

**روش کار:** روش مطالعه مقطعی و داده های ۷۲۳۵ مورد رخداد سکته قلبی که موارد ابتلا از سامانه ثبت سکته قلبی وزارت بهداشت و داده های مرگ براساس *ICD10* ثبت مرگ استخراج شد. تایید رخداد سکته قلبی در بیماران بستری بر اساس یافته :-علائم بالینی- بروز تغییرات در نوار قلب-افزایش آنزیم های قلبی *(CK-MB*و( *Troponin* بود. داده ها با استفاده از نرم افزار *Excell Template*سازمان جهانی بهداشت و از *SPSS* ارزیابی شد

**یافته ها:** کل رخداد سکته قلبی ۷۲۳۵ نفر(مردان ۶۰,۶ ٪ و زنان ۳۹,۴٪)ومیانگین سنی افراد۶۹ ±۱۵ سال بود . تعداد سالهای مفید از دسته رفته عمر به دلیل مرگ یا ناتوانی۴ *(DALY)*ناشی از سکته قلبی ۵۳۸۰۴ سال (۱۷,۷در هزار نفر) و سهم مرگ زودرس۵ *(Yll) 52170* سال (۱۷,۱ در هزارنفر) و ناتوانی ۶*(YLD)*حاصل از بیماری ۱۶۳۴ سال(۰,۵۴ در هزار نفر) بود . بار بیماری در مردان بیشتر از زنان و در هردو جنس بیشترین بار در گروه سنی ۸۰ به بالا بود.میزان شیوع بیماری ۳۷۶ (در۱۰۰۰۰۰نفر) برآورد شد و سکته قلبی ۱۸,۸ ٪ از کل علل مرگ را به خود اختصاص داد

**نتیجه گیری:** بالا بودن بار ناشی از سکته قلبی خصوصا در مردان ، رخداد سکته قلبی را به عنوان یک اولویت بهداشتی و لزوم برنامه ریزی مناسب در جهت اقدامات موثر پیشگیری و درمان مطرح میکند

**کلمات کلیدی:** *MI, Burden of disease, DALY, YLD, YLL*

# Estimation of Burden in DALY for Myocardiac Infacrtion in West Azarbayjan

***Corresponding Author: Shaker salari lak***

*Introduction: Cardiovascular disease is the most common cause of death in the world that is mostly due to vascular disease. This study is important for measuring the burden caused by acute myocardial infarction*

*Methods: Methods Cross-sectional study and total data was 7235. Registration System myocardial infarction morbidity data from the Ministry of Health and ICD10 based on death registration data on mortality were extracted.The occurrence of myocardial infarction in patients during hospitalization with ECG changes and elevated cardiac enzymes (CK-MB و Troponin ) were verified. Data using software from SPSS and Excell Template World Health Organization was used to evaluate the data*

*Results: The occurrence of myocardial infarction 7235 ( 60.6% men and 39.4% women). mean age 69 ± 15 years.The number of DALY4 to MI 53804 years (17.7 per thousand), respectively. The contribution of YLL5caused by the disease 52170 years (17.1 in humans) and its YLD6to 1634 years (0.54 per thousand), respectively. The share of burden of disease in men more than in women and in both sexes was greatest burden in the age group 80 and above. The prevalence of MI events 376 (In hundreds of thousands) and And heart attack accounted for 18.8% of all causes of death.*

*Conclusion: The high burden of MI, especially in men,, especially in men, Myocardial infarction events as a health priority and the need for proper planning in order to take effective measures for the prevention and treatment raises*

# ادراک، دانش و آگاهی از بیماری قلبی در میان دانشجویان پزشکی دانشگاه شهید بهشتی

مریم گل محمدی[۱]، نوشا سمیعی فر[۲]، رضا یاری بروجنی[۳]، محمد مسیح منصوری طهرانی[۴]

۱- دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** مریم گل محمدی

**محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** از آنجا که سلامت هر جامعه به طور مستقیم با سطح دانش ارائه دهنده سلامت جامعه مرتبط است، بنابراین هدف از این مطالعه بررسی آگاهی دانشجویان پزشکی در ارتباط با بیماری های قلبی عروقی *(CVD)*بود

**روش کار:** این مطالعه توصیفی- تحلیلی به صورت مقطعی انجام پذیرفت و با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ۲۶۱ نفر از دانشجویان ترم ۱ تا ۵ در آن شرکت نمودند. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه ای شامل مشخصات دموگرافیک و پرسش های دیگری در ارتباط با مواد مغذی ، عادات و نشانه های بیماری های قلبی بود. جنبه روایی و پایایی پرسشنامه نیز توسط متخصصین به تایید رسید.

**یافته ها:** بررسی سطح آگاهی دانشجویان نشان داد که آنها امتیاز ۱۴,۹ از ۲۲ (۶۷,۷۲٪ از تمام سوالات) را کسب کرده اند. بهترین نتیجه در زمینه تغذیه (۸۰,۶۷ درصد از نمره کل) مشاهده گردید و حداقل امتیاز کسب شده در ارتباط با فعالیت های روزمره (۵۱,۷۵ درصد از نمره کل) به دست آمد. با توجه به تحلیل ما آگاهی زنان کمتر از مردان بود. به طوری که شرکت کنندگان زن در سطح آگاهی متوسط و مردان در سطح آگاهی مناسب (۱۴,۰۷ در مقابل ۱۵,۸۵ از ۲۲) قرار گرفته اند.

**نتیجه گیری:** پزشکان مراکز خدمات بهداشتی می توانند نقش مهمی را در اطلاع رسانی به افراد در ارتباط با عوامل خطر موثر بر بروز بیماری های قلبی-عروقی و چگونگی پیشگیری از آن ها ایفا کنند. بنابراین استراتژی ها باید با هدف افزایش دانش دانشجویان، درک عوامل خطر *CVDs* و یا کاهش و یا از بین بردن این عوامل باشد.

**کلمات کلیدی:** *Awareness , Heart Disease, Medical Students, Iran*

# Perception, Knowledge & Awareness of Heart Disease among Medical Students of Shahid Beheshti University

**Golmohammadi Maryam[1], Noosha Samieifar[1], Reza Yari Brojeni[1], Mohammad Masih Mansoori Tehrani[1]**

1. *Shahid Beheshti University of Medical Sciences*

**Corresponding Author: Maryam Golmohammadi**

*Introduction: Because the health of any society is directly related to the level of health provider knowledge of the community, so the goal of this study was to assess the awareness of medical students in the field of cardiovascular disease (CVD).*

*Methods: This cross-sectional study was a descriptive analytical one. 261 persons in five category from semester 1 to 5 participated in. These participants were selected by simple sampling and data collection tool was a questionnaire included demographic characteristics and some other questions about nutrients aspects, habits and symptoms of heart disease. Also validity and reliability of the questionnaire was confirmed.*

*Results: Evaluating the level of student's awareness showed that they scored 14.9 from 22 (67.72% of all questions). The best result was gained in the field of nutrition (80.67% of total score) and the least was observed in daily routines (51.75% of total score). With due attention to our analysis females score was less than male. So that female participants placed in medium class although male placed in the good class (14.07 against 15.85 out of 22).*

*Conclusion: The physicians who are working at preventive health services can play an important role in informing the individuals about the risks of CVDs and how it can be prevented. So employed strategy must be substantially improved and should include strategies to increase not only knowledge but also perception of modifiable risk factors for CVDs and strategies to reduce or eliminate them.*

# شیوع مصرف سیگار و فشار خون بالا، دو عامل خطر بیماری های غیرواگیر : نظام مراقبت بیماری های غیرواگیر *(SURF NCD) 1391*

احمد جمالیزاده[۱]، زهرا کامیاب[۲]، علی اسماعیلی ندیمی[۳]، محسن نژاد قادری[۴]، آلاء سعیدی[۵]، امیر حسین پورکرمی[۶]

۱- دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

۲- رییس مرکز تحقیقات بالینی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

۳- دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

۴- حوزه معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

۵- حوزه معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

۶-حوزه معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

**نویسنده مسئول:** زهرا کامیاب، **محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** در سال های اخیر، عوامل خطر بیماری های غیرواگیر نظیر مصرف تنباکو و فشارخون بالا افزایش یافته است. این مطالعه با هدف تعیین فراوانی این عوامل خطر بیماری های غیرواگیر در شهرستان رفسنجان انجام شد.

**روش کار:** این مطالعه بخشی از نظام مراقبت بیماری های غیرواگیر *(SURF NCD)*در ایران است. ۶۴۰ نفر افراد مورد مطالعه در ۴ گروه سنی و در دو گروه شهری و روستایی در رفسنجان (شهری در استان کرمان) تقسیم بندی شدند. جمع آوری داده ها با استفاده از رویکرد گام به گام سازمان جهانی بهداشت *(WHO)*برای عوامل خطر بیماری های انجام شد. این مطالعه بر روی دو عامل خطر فشار خون بالا و سیگار متکمرکز می باشد.

**یافته ها:** این مطالعه مقطعی بر روی ۶۴۰ نفر (۱/ ۵۳٪ زن و ۹/۴۶٪ مرد) انجام شد. شیوع فشار خون ۱۹۸ نفر در هر هزار نفر ارزیابی شد که ۸/۴ درصد از آنها سن زیر ۴۴ و ۱۵ درصد بین ۴۵ تا ۷۰ سال بود. همچنین میانگین فشار خون سیستولیک ۶/۱۵± ۱۲۷در مردان و ۶۵/۱۹ ± ۱۱۸در زنان می باشد که این اختلاف معنی دار بود ($p<0/001$). شیوع مصرف سیگار ۱۱۲ نفر در هر هزار نفر بود که ۵۶ نفر ( ۹/۸۸ درصد) روزانه دخانیات مصرف می کردند. میانگین سنی شروع مصرف سیگار ۱۶/۷± ۱۱/۲۱ سال بود.

**نتیجه گیری:** برنامه های پیشگیری اولیه و ثانویه با افزایش آگاهی و دانش مردم ، ارتقا غربالگری و مداخلات درمان، به ویژه برای جوانان به منظور اصلاح عوامل خطر مانند فشار خون بالا و سیگار کشیدن توصیه می شود.

**کلمات کلیدی:** *Hypertension, smoking, prevalence, Iran, Rafsanjan, SuRF NCD*

# Prevalence of Smoking and High Blood Pressure, Two Major Risk Factors for Non-communicable Diseases: The SuRF NCD (Surveillance of Risk Factors of Non-Communicable disease) Report 2012

*Ahmad Jamalizadeh, Zahra Kamiab,Ali Esmaeili Nadimi,Mohsen Nejad Ghaderi. Alae Saeidi, Amir Hossein Poorkarami*

*1.Head of research center, Rafsanjan University of Medical Sciences, Rafsanjan, Iran*

*2. Rafsanjan University of Medical Sciences, Rafsanjan, Iran*

*3. Vice-Chancellor for Health, Rafsanjan University of Medical Sciences, Rafsanjan, Iran*

*Introduction: In recent years non communicable diseases risk factors such as tobacco consumption and high blood pressure have been increased. This study aimed to determine the frequency of risk factors of the main non communicable diseases among inhabitants of Rafsanjan city.*

*Methods: Our study is a part of non-communicable disease surveillance in Iran (SURF NCD). 640 people enrolled and divided in four age groups in urban and rural areas in Rafsanjan (a city in Kerman province).Data were collected using the standardized stepwise protocol for NCD risk factor surveillance of the World Health Organization. This study focused on hypertension and smoking.*

*Results: 640 people (46.9% male 53.1%female) participated in this cross-sectional study. The prevalence of hypertension was 198 per 1000 population. 4.8% of those were below the age of 44, and 15% between 45 and 70 years old. Mean systolic blood pressure was 127± 15.6 in male and 118±19.65 in female and the statistical difference was significant (t=5.55, P value< 0.001). 79 (14.1%) of hypertensive live in urban and 32 (5.7%) live in rural areas ($\chi 2$=8.004, P value= 0.005). The prevalence of current smokers was 112 per 1000 population; among them 56 (88.9%) were daily smokers. The mean age for starting smoking was 21.11±7.16 years.*

*Conclusion: Modifying risk factors such as hypertension and smoking behavior through primary and secondary prevention programs by enhancing awareness and knowledge of lay people, improvement screening and treatment interventions, particularly for the youth is highly recommended.*

# تاثیر مداخله مبتنی بر تئوری برای ترویج فعالیت در دختران نوجوان: یک کارآزمایی بالینی تصادفی

**نویسنده مسئول:** فاطمه دارابی

**محور:** فعالیت فیزیکی و کم تحرکی

**زمینه و هدف:**

*This study evaluated the effects of the physical Activity Education, a comprehensive school-based intervention emphasizing changes in instruction and school, on variables derived from theory planed behavior (TPB) as mediators of change in physical activity among adolescent girls.*

**روش کار:**

*This is a randomized controlled trial that was conducted at 36 high schools. In this study a school- based sample of 578 girls participated (n=289 per group intervention and control). Samples were selected based on multistage random cluster sampling. Framework study was based on the concepts of TPB. All participants in intervention group received an educational program based on a modified TPB. Measures were assessed before and 6 months after the intervention. Then Information was collected six months after intervention.*

**یافته ها:**

*The mean age of the participants was 14.26 years (SD= 0.96). Moreover, adjusted for the baseline values, the mean of the scores of the dimensions in the intervention group was significantly more than that in the control group. The differences in the scores were as follows: attitude (difference: 16/6), perceived behavioral control (difference: 17/2), perceived parental control (difference: 14/4), behavioral intention (difference: 17/5), behavior (difference: 17/2), and subjective norm (difference: 16/5).The difference was found to be statistically significant in all dimensions (all p's<0.001).*

**نتیجه گیری:**

*The results of this study implicate theory based educational intervention is considered to be more effective in improving adolescent physical activity.*

**کلمات کلیدی:** *Theory-based intervention, adolescents, physical activity, TPB*

# Effect of theory-based intervention to promote activity among adolescent girls: a randomized control trial

***Corresponding author: Fatemeh Darabi***

*Introduction: This study evaluated the effects of the physical Activity Education, a comprehensive school-based intervention emphasizing changes in instruction and school, on variables derived from theory planed behavior (TPB) as mediators of change in physical activity among adolescent girls.*

*Methods: This is a randomized controlled trial that was conducted at 36 high schools. In this study a school- based sample of 578 girls participated (n=289 per group intervention and control). Samples were selected based on multistage random cluster sampling. Framework study was based on the concepts of TPB. All participants in intervention group received an educational program based on a modified TPB. Measures were assessed before and 6 months after the intervention. Then Information was collected six months after intervention.*

*Results: The mean age of the participants was 14.26 years (SD= 0.96). Moreover, adjusted for the baseline values, the mean of the scores of the dimensions in the intervention group was significantly more than that in the control group. The differences in the scores were as follows: attitude (difference: 16/6), perceived behavioral control (difference: 17/2), perceived parental control (difference: 14/4), behavioral intention (difference: 17/5), behavior (difference: 17/2), and subjective norm (difference: 16/5).The difference was found to be statistically significant in all dimensions (all p's<0.001).*

*Conclusion: The results of this study implicate theory based educational intervention is considered to be more effective in improving adolescent physical activity*

# Forecast stretching in office workers using health promotion model: cross-sectional study from Tehran, Iran.

محمد حسین دلشاد[۱]، صدیقه السادات طوافیان[۲]، انوشیروان کاظم نژاد[۳]

۱- مسئول گسترش شمیرانات، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تربیت مدرس، تهران، ایران

۲- دانشیار ، تربیت مدرس ، تهران، ایران

۳- استاد تمام، تربیت مدرس، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** محمد حسین دلشاد

**محور:**فعالیت فیزیکی و کم تحرکی

**زمینه و هدف:** کارکنان دفتری در تمام سنین در معرض خطر عدم فعالیت فیزیکی هستند. عدم فعالیت فیزیکی یکی از عوامل اصلی بیماری های غیر واگیر است. شیوع بیماری های اسکلتی عضلانی در ایران افزایش یافته است.هدف: هدف از این مطالعه پیش بینی انجام حرکات کششی در کارکنان دفتری با استفاده از الگوی ارتقای سلامت پندر در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی از ایران.

**روش کار:** کارکنان دفتری از مرکز خدمات جامع شهری وروستائی در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی انتخاب شدند . به طوری که هر یک از۳ مرکزو شبکه بهداشت و درمان تهران، به عنوان یک طبقه به صورت تصادفی، مورد مطالعه قرار گرفتند .اطلاعات توسط پرسش نامه وخود گزارشی جمع آوری شد و با استفاده از آمارمن ویتنی، تجزیه و تحلیل رگرسیون وهمبستگی نیز استفاده شده است.

**یافته ها:** میانگین سن شرکت کنندگان ۸٫۰۳± ۳۷٫۱ بود .نتایج نشان داد که موانع درک شده از انجام حرکات کششی حین کار با رایانه جلوگیری می کند. *OR (%95CI):0.875(0.815-0.939), p<0.001*, خودکارآمدی *OR (%95CI):1.126(1.041-1.217), p=0.003* و تاثیرات بین فردی *OR (%95CI):1.248(1.137-1.370), p<0.001* باعث افزایش انجام حرکات کششی شد.

**نتیجه گیری:** این مطالعه عوامل موثر برپیش بینی رفتار حرکات کششی برمبنای مدل ارتقای سلامت مدل *(HPM)*از افرادبالای ۲۰ سال در تهران را نشان داده است . بنابراین، به نظر می رسد که این مدل به عنوان چارچوبی برای طراحی برنامه های آموزشی به منظور بهبود عملکرد رفتاری کارکان دفتری برای انجام حرکات کششی و نیز کاهش درد عضلانی موثر است.

**کلمات کلیدی:** *Health, Promotion ,Model, tension, muscular, skeletal, Exercise, Offic*

# Forecast stretching in office workers using health promotion model: cross-sectional study from Tehran, Iran.

***Mohammad Hossein Delshad[1], Sedigheh Sadat Tavafian[2], Anoshirvan Kazemnejad[3]***
*1.Shahid Beheshti University of Medical Sciences,Tehran, Iran*
*2.Associate Professor,Tarbiat Modares University, Tehran, Iran*
*3. Professor, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran*

*Introduction: An Office worker of all ages is at risk for developing Physical inactivity. In countries, Physical inactivity is one of the main causes of non-communicable diseases. The prevalence of musculoskeletal diseases is increased in Iran.*

*Methods: In this cross-sectional study, 420 Office workers were selected by Random Allocation sampling from age groups of 20 and older from in the comprehensive service center for urban -rural health urban health centers in Shahid Beheshti University of Medical Sciences of Iran. So that each of the Health Network and health centers 3 of Tehran, as a class was considered to be proportion of random individuals, were studied Data were collected by questionnaires and self-reports and analyzed using statistical Mann-Whitney, correlation regression analysis were also used. The significance level of 0.05 was considered.*

*Results: The average of age participant was 37.1±8.03.The predictors of the tension exercise were determined by the Structures of Health Promotion Model .The results showed that Perceived barriers to action are prevented from stretching. OR (%95CI):0.875(0.815-0.939), p<0.001), Perceived Self efficacy OR (%95CI):1.126(1.041-1.217), p=0.003) and Interpersonal influences OR (%95CI):1.248(1.137-1.370), p<0.001) are increase is stretching.*

*Conclusion: This study has shown the effectiveness of the Health Promotion Model (HPM) to predict the behavior related to TE of individuals, 20 years and older in Tehran city of Iran. So, it seems that the Model as a framework for designing training programs to improve Office Workers and to reduce musculoskeletal pain.*

# تجزیه و تحلیل نابرابری اجتماعی و اقتصادی از رفتارهای کم تحرکی در میان کودکان در کردستان، با استفاده از شاخص تمرکز

اردشیر رحیم زاده[۱]، فریده مصطفوی[۲]، قباد مرادی[۳]، نمامعلی آزادی[۴]

۱- مدیر گروه بیماری های غیر واگیر، معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی ، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، ایران

۲- کارشناس غیر واگیر، معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران

۳- استادیار، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران

۴- استادیار، دانشگاه علوم پزشکی ایران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** اردشیر رحیم زاده **محور:**فعالیت فیزیکی و کم تحرکی

**زمینه و هدف:** این مطالعه با هدف تعیین نابرابری های اقتصادی و اجتماعی در عدم تحرک در کودکان ۱۰-۱۲ سال با روش *Concentration Index* صورت گرفت.

**روش کار:** این مطالعه *cross-sectional* در سال ۱۳۹۴ بر روی ۲۵۰۶ کودک ۱۲-۱۰ سال در شهر سنندج انجام شد. شاخص چاقی و اضافه وزن بر اساس *BMI* سنی جنسی طبق معیار *WHO* تعریف گردید. داده های عدم تحرک با استفاده از پرسشنامه ی *Modifiable Activity Questionnaire* جمع آوری گردید. *Socioeconomic status (SES)* با استفاده از داده های دارایی خانواده ها و با روش *Principal Component Analysis* محاسبه شد. اندازه گیری نابرابری با استفاده از شاخص تمرکز انجام شد. برای آنالیز ارتباط عدم تحرک با چاقی و اضافه وزن از رگرسیون لجستیک مولتیپل استفاده شد.

**یافته ها:** بر اساس نتایج بدست آمده از مطالعه ما شیوع عدم تحرک (۵۴,۶۶-۵۰,۷۵) ٪۴۷,۲۸ بود. شاخص تمرکز برای عدم تحرک ۰,۱۶ *(95CI:0.12-0.21) (P < 0.001)* بود که نشان دهنده وجود نابرابری و شیوع بالای رفتارهای عدم تحرک در گروه با وضعیت اجتماعی اقتصادی بالاتر بود. افرادی که زمان بیشتری را به فعالیت های عدم تحرک می پردازند مستقل از وضعیت فعالیت بدنیشان بیشتر در معرض چاقی و اضافه وزن قرار دارند *(P=0.002).* افراد با *SES* بالا نسبت به افراد با *SES* پایین، زمان بیشتری را به تماشای تلویزیون، ویدئو و بازی های الکترونیکی سپری می کنند *(P=0.001).*

**نتیجه گیری:** با توجه به یافته های بدست آمده رفتارهای عدم تحرک از شیوع بالایی بویژه در گروه اجتماعی اقتصادی بالاتر برخوردار است بهبود سواد مادران و مداخله درمحله ی زندگی می تواند در کاهش نابرابری های اجتماعی اقتصادی در عدم تحرک کودکان موثر باشد.

**کلمات کلیدی:** *sedentary behavior, Socio-economic inequality, Inactivity, Children,co*

# Analyzing socioeconomic inequity of sedentary behaviors among children in Kurdistan, using the concentration index

*Ardashir Rahimzadeh[1],Farideh Mostafavi[2],Ghobad Moradi[3],Namam Ali Azadi[4]*

*1.Head of NCD department, Vice-Chancellor for Health, Kordestan University of Medical Sciences, Sanandaj,Iran*

*2.Vice-Chancellor for Health, Kordestan University of Medical Sciences, Sanandaj,Iran*

*3.social determinant of health research center, Kordestan University of Medical Sciences, Sanandaj,Iran*

*4. Iran University of Medical Sciences, Tehran ,Iran*

*Introduction: This study aimed to determine socioeconomic inequalities in sedentary behaviors among children aged 10 to 12 years old.*

*Methods: A total of 2506 boys and girls students in fifth and sixth grades (12-10years) had complete data from a cross-sectional study in Sanandaj in 2015. Overweight and obesity were defined using BMI age- and gender-specific percentiles proposed by the WHO criteria. Data on the children's sedentary behaviors were collected using the Modifiable Activity Questionnaire. To measure socioeconomic status (SES), we used principal component analysis (PCA) by reviewing household assets data. The concentration index was used to measure inequalities. We assessed the relationship between the time spent on watching TV, video and electronic games per day and overweight by using multivariate logistic regression analysis.*

*Results: The prevalence of sedentary behaviors was 47.28 %( 95% CI=50.75 - 54.66). The concentration index for sedentary behaviors was 0.16(95CI:0.12-0.21) (P < 0.001), revealing significant inequality and a higher prevalence of sedentary behaviors in higher socioeconomic groups. The results of the regression model showed that people who spend more time on sedentary activities regardless of their physical activities, are predisposed to weight-related problems (P = 0.002). People in higher socioeconomic groups spent more time to watch TV, video and electronic games (P = 0.001).*

*Conclusion: Based on this research, sedentary behaviors has a high prevalence and is higher among groups with high socioeconomic level. Improving mothers' level of education, attention to residential areas can help to reduce inequalities.*

# مداخلات موثر به منظور ارتقای فعالیت فیزیکی و کنترل چاقی

فرزین حلب چی[1]

۱- دانشیار گروه پزشکی ورزشی، بیمارستان امام خمینی، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** فرزین حلب چی

**محور:**فعالیت فیزیکی و کم تحرکی

**زمینه و هدف:** بدون تردید کمبود فعالیت جسمانی و زندگی بی‌تحرک بزرگترین مشکل سلامت عمومی در قرن ۲۱ است. متأسفانه مطالعات ملی با ساختار مناسب در خصوص فعالیت جسمانی در میان اقشار مختلف بسیار محدود هستند. با این وجود، مطالعات موجود بروز روزافزون شیوه زندگی بی‌تحرک در ایران را نشان داده‌اند. هیچ راه‌حل منفرد و معجزه‌آسایی برای افزایش فعالیت جسمانی وجود ندارد و یک رویکرد جامع مستلزم استفاده از راهبردهای همزمان خواهد بود. این رویکرد باید مداخلات مبتنی بر جامعه و خانواده و مبتنی بر علائق و توانمندی‌های فردی را در بر بگیرد و همچنین موانع انجام فعالیت جسمانی و دلایل عدم تغییر رفتاری را شناسایی کند.

**روش کار:** در حال حاضر دستورالعمل‌های مختلفی ارائه شده‌اند که توصیه مشترک کالج پزشکی ورزشی و انجمن قلب آمریکا از معتبرترین آنهاست.

**یافته ها:** بر اساس توصیه این سازمان‌ها بزرگسالان سالم باید فعالیت ورزشی متوسط هوازی را به مدت ۱۵۰ دقیقه یا شدید را به‌مدت ۷۵ دقیقه در هفته در برنامه زندگی روزمره بگنجانند و همراه با آن تمرین‌های قدرتی عضلات را با شدت متوسط تا بالا حداقل دو بار در هفته انجام دهند.

**نتیجه گیری:** برای حمایت از کشورهای آماده برنامه‌ریزی برای اجرای سیاست‌های ارتقاء فعالیت جسمانی، هفت حوزه به عنوان «بهترین سرمایه‌گذاری» وجود دارند که با شواهد خوبی مبنی بر اثربخشی پشتیبانی می‌شوند و در سراسر جهان قابل‌اجرا هستند. این موارد شامل برنامه‌های جامع مدرسه، سیاست‌های حمل و نقل، نظام سلامت، برنامه‌های اجتماعی، آموزش عمومی، طراحی شهری و برنامه ورزش همگانی هستند. بخش‌های مختلف جامعه باید در رسیدن به راه‌حل‌ها مشارکت داشته باشند.

**کلمات کلیدی:** *Physical activity, Health improvement, Exercise, Intervention, Strateg*

# Effective interventions to promote physical activity and obesity control

*Halab chi Farzin 1*

*1 Department of Sports Medicine, Imam Khomeini Hospital, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran*

*Corresponding Author: Farzin halabchi*

*Introduction: Obviously, lack of physical activity and sedentary lifestyle is the biggest problem of public health in 21st century. Unfortunately, there are few national studies with structure regarding the quantity of physical activity among different groups. However, existing studies have shown increasing prevalence of sedentary life in Iran. There is no single and magic solution to increase physical activity and a comprehensive approach will require multiple concurrent strategies to be implemented. This approach involves community-based and family-based interventions and also identifies barriers of physical activity and reasons of failure in behavioral changes.*

*Methods: Currently, different guidelines have been recommended, among them, consensus statement of American College of Sports Medicine (ACSM) and American Heart Association (AHA) is considered as the cornerstone.*

*Results: According to these organizations, healthy adults should incorporate moderate aerobic exercise for 150 minutes or vigorous activity for 75 minutes per week. In addition, they should do moderate to high intensity muscle strengthening exercises at least 2 sessions per week.*

*Conclusion: To support countries ready to respond, there are seven "best investments" for physical activity, which are supported by good evidence of effectiveness and that will have worldwide applicability. These include "whole of school" programs, transport policies, health care, social programs, public education, urban design and sport for all programs. Multiple sectors of society need to be involved in the solutions.*

# فعالیت فیزیکی و سندرم متابولیک در زنان ایرانی: پیمایش ملی عوامل خطر بیماریهای غیر واگیر وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی ایران (*SuRFNCD-2011*)

مرضیه نجومی[۱]، فاطمه بهتاج[۲]، جلیل کوهپایه زاده[۳]، عاطفه واعظی[۴]

۱- مدیرگروه، دانشگاه علوم پزشکی ایران، علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۲- کارشناس مدیریت آمار و اطلاعات، وزارت بهداشت- معاونت درمان، علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۳- هیات علمی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۴- هیات علمی، گروه پزشکی اجتماعی دانشگاه علوم پز، علوم پزشکی ایران، اصفهان، ایران

**نویسنده مسئول:** فاطمه بهتاج **محور:**فعالیت فیزیکی و کم تحرکی

**زمینه و هدف:** سندرم متابولیک یکی از مشکلات بزرگ سلامت عمومی محسوب می شود. سبک زندگی کم تحرک از عوامل خطر عمده سندرم متابولیک می باشد. سندرم متابولیک و کم تحرکی در زنان شیوع بیشتری نسبت به مردان دارد. هدف مطالعه، تعیین شیوع سندرم متابولیک و ارتباط آن با فعالیت فیزیکی در زنان می باشد.

**روش کار:** داده های ۶۸۶۶ زن ۲۵-۷۰ ساله جمع آوری شده در پیمایش ملی عوامل خطر غیرواگیر وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی مورد تحلیل قرار گرفت. فعالیت فیزیکی با استفاده از پرسشنامه عوامل خطر غیرواگیر سازمان جهانی بهداشت ارزیابی شد. سندرم متابولیک بر اساس معیارهای *Adult Treatment Panel* تعریف شد. جهت سنجش ارتباط بین فعالیت فیزیکی و سندرم متابولیک از رگرسیون لوجستیک و *odds ratio* با ۹۵ درصد اطمینان استفاده گردید.

**یافته ها:** ۵۸ درصد زنان فعالیت فیزیکی پایین داشتند. شیوع سندرم متابولیک در زنان ۲۵-۷۰ ساله، ۲۶,۴ درصد (*CI95%: 24.3-28.6*) بود. شیوع سندرم متابولیک در سطح فعالیت فیزیکی پایین، ۳۵,۵ درصد بود. بعد از کنترل فاکتورهای سن، محل سکونت و سطح تحصیلات، هیچ ارتباط معنی داری بین سندرم متابولیک و سطوح فعالیت فیزیکی دیده نشد (*P=0.38*، *P=0.69*).

**نتیجه گیری:** در این پیمایش حدود دو سوم زنان فعالیت فیزیکی پایین داشتند. ارتباطی بین سطوح فعالیت فیزیکی و سندرم متابولیک دیده نشد. با توجه به افزایش میزان کم تحرکی نسبت به پیمایش سال ۲۰۰۷ و شیوع بالاتر سندرم متابولیک در سطح فعالیت فیزیکی پایین، سیاستهای دقیقتری در زمینه کنترل عوامل خطر ، توزیع منصفانه امکانات و محدود کردن تبعیضهای جنسیتی پیشنهاد می شود.

**کلمات کلیدی:** سندرم متابولیک، فعالیت فیزیکی، زنان

# Physical activity and metabolic syndrome among Iranian women: National Surveillance of risk factors of non - communicable diseases (SuRF)

*Nojomi Marzieh[1], Behtaj Fatemeh[2], Koohpayeh zadeh[3], Vaezi atefeh[4]*

1. *Iran University of medical science.*
2. *Ministry of health and medical education.*
3. *Iran University of medical science.*
4. *Isfehan University of medical science.*

*Introduction: Metabolic syndrome is an important public health problem. Inactive Life style is one of the main known risk factors for Metabolic Syndrome. The prevalence of metabolic syndrome and physical inactivity is higher in women than in men. The aim of current study was to determine the prevalence of metabolic syndrome and its relationship with physical activity in women.*

*Methods: Data from 6866 25-70 year old women which was collected through a national surveillance of risk factors of non-communicable diseases in Iran, was analyzed in this study. Physical activity was assessed by non-communicable disease risk factor surveillance questionnaire of World Health Organization. Metabolic syndrome was defined according to the Adult Treatment Panel criteria. Logistic regression and odds ratio with 95% confidence interval were used to evaluate the association between physical activity and metabolic syndrome.*

*Results: Fifty eight percent of women had low physical activity. The prevalence of metabolic syndrome was 26.4% (CI 95%: 24.3 -28.6) in 25-70 year old women. The prevalence of metabolic syndrome in low physical activity level was 35.5%. After adjustment for age, residential area and levels of education, physical activity didn't show significant relation with metabolic syndrome at any level (p = 0.38, p = 0.69).*

*Conclusion: The results of current study showed that about two third of women are not physically active enough. The independent association of physical activity and metabolic syndrome was not confirmed. Further and more precise policies about risk factor management, fair distribution of facilities and eliminating gender discrimination, is recommended.*

*Keywords: physical activity, metabolic syndrome, women*

# بررسی تاثیر به کارگیری دستورالعمل های پیشگیری نوع اول بیماری عروق کرونر در کاهش مصرف سیگار و عدم فعالیت فیزیکی

لیلی خدمت[1]، زینت نادیا حتمی[2]

۱- بورد تخصصی، ، علوم پزشکی تهران، تهران ، ایران

۲- استاد، دانشگاه تهران، علوم پزشکی تهران، تهران ، ایران

**نویسنده مسئول:** لیلی خدمت

**محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** بیماریهای عروق کرونر ارتباط قوی با سبک زندگی افراد مخصوصا استفاده از سیگار و عدم فعالیت فیزیکی دارد هدف از انجام این مطالعه مداخله ای بررسی تاثیر دستورالعمل ها یپیشگیری نوع اول بیماری عروق کرونر در کاهش عوامل خطرزای بیماریهای قلبی از جمله سیگار و عدم فعالیت فیزیکی می باشد.

**روش کار:**

**روش کار:**در این نوع مطالعه که از نوع *quasi experimental*است نقش آموزش سبک زندگی با استفاده از دستورالعمل های پیشگیری نوع اول در مورد ترک سیگار و عدم فعالیت فیزیکی بر روی ۳۲۲ نفر افراد بالای ۲۰سال مراجعه کننده به کلینیک های پیشگیری انتخابی شهر تهران که فاقد سابقه بیماری قلبی عروقی تشخیص داده شده بودند بررسی گردید.. درمورد سیگار هدف ترک کامل بود . طبق گایدلاین *AHA2013*،توصیه به فعالیت فیزیکی به صورت حداقل ۳۰ دقیقه فعالیت فیزیکی باشدت متوسط پنج روز یا بیشتر در هفته یا فعالیت فیزیکی شدید به مدت بیست وپنج دقیقه سه روز در هفته نمودیم.

**یافته ها:** در بدو مراجعه ۶۴نفر (۱۹,۹٪)سیگاری بودند که بعد از مداخلات ما بعد از ده ماه این میزان به ۱۱,۸٪با $P<0.001$ رسید و ۲۱۴ نفر (۶۶,۵٪)عدم فعالیت فیزیکی داشتند که بعد از مداخلات این میزان به ۱۵۵نفر(۴۸٪) با $P<0.001$ رسید

**نتیجه گیری:** مداخلات سبک زندگی در مورد ترک سیگار و عدم تحرک فیزیکی که از ریسک فاکتورهای مهم بیماریهای قلبی عروقی هستند در پیگیری ده ماهه بسیار موثر بود بدین منظور بایستی مطالعات مداخله ای در سطح وسیعتر وبه مدت طولانی تر درجهت کاهش بار بیماری عروق کرونر انجام گردد.

**کلمات کلیدی:** بیماری عروق کرونری

# Effect of coronary artery disease primary prevention guidelines on reducing prevalence of cigarette smoking and physical inactivity

*Leila Khedmat[1],Zinat Nadia Hatmi[1]*

*1-Tehran University of Medical Sciences,Tehran,Iran*

*Corresponding Author: Leyli Khedmat*

*Introduction: Coronary artery disease (CAD) is strongly associated with lifestyle, particularly smoking and physical inactivity. Aim of this interventional study was to evaluate efficacy of primary prevention of coronary artery disease guidelines on risk reduction including smoking habit and sedentary life style.*

*Methods: A quasi experimental study conducted to evaluate the role of lifestyle modification in 322 initially healthy individuals aged over 20 years and referred to the preventive clinic in Tehran. The outcome of smoking cessation intervention was complete quit smoking. According to the AHA2013 guideline 30 minutes of moderate physical activity five days a week or vigorous physical activity 25 minutes three days a week.*

*Results: Sixty four smoker and 214 (66.5%) physically inactive individuals were assigned to interventions protocol. After ten months of follow up frequency of smoking decreased to 11.8% <0.001 and physical inactivity reached 48 % P <0.001.*

*Conclusion: Lifestyle interventions on smoking habit and physical inactivity are Dramatically effective. Therefore we recommend these intervention program at a national level to overcome the epidemic of CAD.*

*Keywords: coronary artery disease, clinical trial, outcome, risk reduction, pri*

# بررسی روند حوادث ترافیکی در استان گلستان طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴

رضا حسین پور[۱]، حمیدرضا کمالی نیا[۲]، مهدیه ساورسفلی[۳]، سامیه بنی هاشم[۴]

۱- کارشناس غیرواگیر، معاونت بهداشتی، گلستان، گرگان، ایران

۲- مدیر گروه پیشگیری و مبارزه با بیمار، معاونت بهداشتی، گلستان، گرگان، ایران

۳- کارشناس مسئول بیماریهای غیرواگیر، معاونت بهداشتی، گلستان، گرگان، ایران

۴- کارشناس غیرواگیر، معاونت بهداشتی، گلستان، گرگان، ایران

**نویسنده مسئول:** رضا حسین پور، **محور:**سایر

**زمینه و هدف:** درمطالعه حاضر ضمن بررسی روندسوانح ترافیکی در استان گلستان به تفکیک نوع حادثه و متغیرهای دموگرافیک سن و جنس، همچنین ارتباط بین انواع حوادث ترافیکی ومتغیرهای دموگرافیک مورد آزمون قرارگرفت.

**روش کار:** در این مطالعه، داده های حاصل از جمع آوری اطلاعات مصدومین مراجعه کننده به بیمارستان های استان وارد نرم افزار *Stata* گردید وآنالیز توصیفی و تحلیلی داده ها صورت گرفت. همچنین به منظور بررسی روند حوادث ترافیکی، درصد تغییرات سالانه ( *APC*)و میانگین درصد تغییرات سالانه (*AAPC*)تعیین گردید.

**یافته ها:** میانگین بروز سوانح ترافیکی در طی ۵ سال مورد بررسی برابر با ۷۲۸ در ۱۰۰ هزار نفر بود که بیشترین میزان بروز در سال ۱۳۹۴ (۸۰۶ در ۱۰۰ هزار نفر) و کمترین آن در سال ۱۳۹۱ (۶۳۱ در ۱۰۰ هزار نفر) بود. درطی ۵سال مورد بررسی، روند بروزسوانح ترافیکی، صعودی بوده است بطوریکه میانگین درصد تغییرات سالانه (*AAPC*) برای کل حوادث ترافیکی برابربا ۲,۹۵٪بود.همچنین میانگین بروز سوانح ترافیکی در۵ سال مورد بررسی در مردان برابربا ۵۶۱ مورد در ۱۰۰ هزار نفر(۷۷,۰۶٪) بطور معنی داری بیشتر از زنان بود($P<0.001$). بیشترین نوع حادثه درسوانح ترافیکی مربوط به تصادف موتور سوار بوده است که متوسط میزان بروز ۵ ساله آن برابربا ۳۸۶ مورد در ۱۰۰ هزار نفر(۵۳,۰۳٪) بوده است و بطورمعنی داری بیش از دونوع دیگر یعنی تصادف خودرو سوار وعابر پیاده بوده است($P<0.001$).

**نتیجه گیری:** علی رغم اعمال قوانین راهنمایی و رانندگی و تشدید جرایم تخلفات رانندگی، میزان بروز سوانح ترافیکی در استان گلستان طی سالهای ۱۳۹۰ تا۱۳۹۴ روندی صعودی داشته است. موتورسواران بیشترین سهم سوانح ترافیکی رابه خود اختصاص می دهند.

**کلمات کلیدی:** سوانح و حوادث - سوانح ترافیکی - موتورسوار

# The trend of traffic accidents in Golestan Province from 1390 to 1394

***Reza Hossein-Pour 1, Hamid Reza Kamali Tarzan 2, Mahdieh Savarsofla 3, Samieh Bani Hashem 4***
***1. Non-Communicable Expert, Department of Health, Golestan, Gorgan, Iran***
***2. The director of prevention and fight against diseases, Department of Health, Golestan, Gorgan, Iran***
***3. The Department of Non-Communicable Diseases, Department of Health, Golestan, Gorgan, Iran***
***4. Non-Communicable Expert, Department of Health, Golestan, Gorgan, Iran***
***Corresponding Author: Reza Hossein-Pour***

*Introduction: Evaluation of road traffic injuries trend in Golestan Province and estimation of relation between demographics variables and types of road injuries.*

*Methods: Using hospital data of road traffic injuries from districts of Golestan province, we entry data to Stata software. we applied descriptive and analytical statistics tests. in order to evaluation of road traffic injuries trend we examined Annually Percent of Changes (APC) and Annually Average Percent of Changes (AAPC).*

*Results: The mean of annually incidence rate in five years was 728 per 100.000 that maximum case observed in 2015 (806 per 100.000) and minimum cases in 2012 (631 per 100.000). Road traffic injuries in five years was ascending such that AACP for whole of road traffic injuries was 2.95%. The mean of incidence rate in five years in males (561 per 100.000 : 77.6%) was higher than females (P<0.001). The motorcyclists includes the most of injuries among road traffic accident such that mean of incidence rate of five years was 386 case per 100.000 (53.03%)(P<0.001).*

*Conclusion: However enforcement of road traffic rules in national level, Golestan has high prevalence of road traffic injury and observed ascending trend in road injury. in addition the motorcyclists were high risk group in injury due to road traffic accident.*

# سلامت فرد یا جامعه کدام نقش جدی تری در پیشگیری از سوانح ترافیکی دارند؟ (انالیز چند سطحی)

مجتبی صحت[1]، حسین ملک افضلی[2]، محسن اسدی لاری[3]

۱- مدیرگروه، گروه پزشکی اجتماعی، علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران

۲- هیات علمی، گروه آمار و اپیدمیولوژی، علوم پزشکی تهران، ایران، ایران

۳- هیات علمی، گروه اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** مجتبی صحت، **محور:**سوانح و حوادث

**زمینه و هدف:** این مطالعه با هدف ارزیابی تاثیر فاکتورهای فردی در کنار فاکتورهای اجتماعی بر بروز سوانح ترافیکی در تهران انجام شده است.

**روش کار:** هزار خانوار تهرانی در مناطق ۲۲ گانه تعداد ۶۴۲۰۰ فرد مورد پرسشگری قرار گرفتند.شاخص ثروت و شاخصهای مرتبط با سلامت در سطح جامعه بر اساس اطلاعات تجمعی ساکنین مناطق و شاخص های محیطی در سطح منطقه اخذ شد. انالیز یافته ها به صورت تک متغیره و چند متغیره در سطوح فردی و گروهی جداگانه و با آنالیز چند سطحی برای بررسی تاثیر همزمان انجام گرفت. یافته ها با *MlwiN_2.3* و *STATA10* انالیز شد.

**یافته ها:** تعداد ۶۴۲۰۰ فرد مورد مطالعه ۵۰,۷ درصد مرد بودند. در انالیز تک متغیره بیشترین بروز ترومای ترافیکی در تحصیلات کمتر دیپلم (۱۹,۲درصد)دیده شد. در مدل چند متغیره سطح فردی متغیرهای موثرو معنی دار بر بروز تروما شامل سن،جنس ،شغل،وضعیت اقتصادی و سلامت روان فردی بود. متغیرهای فردی با شاخص های منطقه ای وارد مدل چند سطحی شدند در مدل نهایی برای متغیرهای فردی تنها متغیرهای سن ، جنس، شغل، ارزش خانه و هزینه های کمر شکن بعنوان متغیرهای مرتبط با بروز تروما شناخته شدند .

**نتیجه گیری:** سلامت روان جامعه و شاخص های اقتصادی و اجتماعی هر منطقه مستقل از عوامل فردی و حتی سلامت روان فرد بر تروما تاثیر مستقیم دارند. بنابراین سیاستگزاران و مدیران همه بخش ها به نوبه خود در مدیریت کاهش سوانح تاثیر گذارند و باید با ارتقای اقتصادی و اجتماعی جامعه و ارتقای شاخصهای سلامت روان در کلان جامعه بروز سوانح ترافیکی را کاهش داد.

**کلمات کلیدی:** عوامل اقتصادی اجتماعی ترومای ترافیکی

# Which community health or a more serious role in the prevention of traffic accidents? (Multilevel analysis)

***M. Sehhat 1, Hossein Malek Afzali 2, M. Asadi-Lari 3***
***1. Department of Social Medicine, Medical Sciences, Kashan, Iran***
***2. Department of Epidemiology, Medical Sciences, Tehran, Iran, Iran***
***3. Department of Epidemiology, University of Medical Sciences, Tehran, Iran***

*Introduction: This study examined the contribution of socioeconomic status (SES) to the risk of traffic accident among Iranian adults.*

*Methods: A total of 64200 people aged ≥18 years were identified from 2008 Urban Health Equity Assessment and Response Tool (Urban HEART) survey. Through a three-stage stratified design, 22128 households were interviewed to estimate the overall annual incidence, severity and socioeconomic determinants of traffic accidents (TA) for males and females in Iran capital over the preceding year. Wealth index and house value index were constructed for economic measurement. Weighted estimates were computed adjusting for complex survey design. Logistic regression models were used to examine individual and SES measures as potential determinants of traffic accidents in adults. Multilevel analysis used for study of group level explanatory variables adjusted to individual level explanatory variables.*

*Results: The overall incidence of traffic accident was 17.3 [95% CI 16.0, 18.7] per 1000 per year. TA rate in men and women was 22.6 and 11.8 respectively.Sex, age, job, economic level and mental health in Individual level and immigration rate, health index and mental status in community level were associated with increased incidence and mortality of TA. Association between SES and incidence, severity and mortality of traffic accident were identified.*

*Conclusion: Traffic accidents, which have a noticeable correlation with accident incidence, occur more in lower mental and socioeconomic layers of the society. Preventive programs aimed at behavioral modifications in the society are promoted to decrease the health and economic burden imposed by traffic accidents*

# پیشگیری از رانندگی همراه با حواسپرتی: بررسی اثربخشی یک مداخله آموزشی

مژگان شریفان[۱]، مژگان کاربخش[۲]، محمود طاووسی[۳]، محمد اسلامی[۴]، مهران خلج[۵]

۱- ، ، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲- مدیریت پژوهش دانشگاه ، دانشگاه علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۳- هیات علمی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۴- هیات علمی، وزارت بهداشت و درمان، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۵- هیات علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، علوم و تحقیقات، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** مژگان شریفان **محور:**نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت

**زمینه و هدف:** رانندگی همراه با حواسپرتی، به عنوان یک مساله مهم امنیت جاده ای و مهمترین عامل انسانی منجر به تصادفات رانندگی می باشد.در این خصوص،آموزش رفتارهای سالم رانندگی همراه با اعمال قوانین موثرترین رویکرد جهت ارتقای ایمنی جاده ای می باشد.در این راستا مطالعه حاضر جهت بررسی تاثیر آموزش بر رفتارهای منجر به کاهش تمرکز رانندگی انجام گردید.

**روش کار:** فاز اول مطالعه، تدوین پرسشنامه سنجش رفتارهای منجر به حواسپرتی بر اساس نظریه رفتار برنامه ریزی شده و تعیین روایی و پایایی آن بود. ($\alpha$=۰,۷۱ کرونباخ) در فاز دوم،پرسشنامه توسط ۲۵۳ نفر دانشجوی مقطع کارشناسی تکمیل و بسته آموزشی به آنها ارائه شد.در فاز سوم، سه ماه بعد پرسشنامه توسط رانندگان مجدداً تکمیل گردید و داده های قبل و بعد از آموزش مورد مقایسه قرار گرفت.

**یافته ها:** آموزش ارائه شده باعث ارتقای نگرش و رفتار رانندگان گردید.بر حسب تک تک فعالیتها نیز تفاوت معنی داری بعد از آموزش نسبت به قبل از آن مشاهده شد. نگرش افراد در مورد خطرناک بودن این فعالیتها ، باورهای برجسته هنجاری و کنترلی هر کدام ارتباط معنی داری را در پیشگویی قصدرفتاری افراد نشان دادند و تنها ۱۶ درصد از تغییرات واریانس قصد رفتاری توسط متغیرهای نگرشی فوق پیش بینی می شد.

**نتیجه گیری:** آموزش می تواند به طور شفاف در اصلاح درک خطر و اتخاذ رفتارهای سالم رانندگی موثر باشد .بعلاوه عوامل دیگری که می توانند در تعامل با متغیرهای نگرشی هنجاری و کنترلی ، بر روی قصد رفتاری افراد موثر باشند ، باید در مطالعات بعدی مورد بررسی قرار گیرند.

**کلمات کلیدی:** *Distracted Driving Behavior, Traffic safety training, Injury preventio*

# Distracted Driving Behavior prevention: effectiveness of education

***Sharifan M [1], M Karbkhsh [2], Mahmoud tavosi [3], Mohammad Eslami[4], M. Khalaj [5]***
***1- Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran***
***2. Research Management University, Tehran University of Medical Sciences, Medical Sciences, Tehran, Iran***
***3.Tehran University of Medical Sciences, Medical Sciences, Tehran, Iran***
***4. Department of Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran***
***5. Islamic Azad University, Science and Research, Tehran, Iran***
***Corresponding Author: M. Sharifan***

*Introduction: Distracted Driving behavior has been recognized as an important road safety issue and it is the most important human factor leading to traffic injuries.Regarding human factors,training healthy driving behaviors with law Enforcement,is the most effective approach to promote road safety.In this regard, present study was conducted to investigate the effect of education based on Theory of planned behavior on distracted driving behavior.*

*Methods: The first phase of study was development of a questionnaire to assess distracted driving behavior and determining its validity and reliability.In the questionnaire, 17 activities leading to distracted driving were assessed (Cronbach\'s alpha = 0.71). In the second phase,the questionnaire was completed by 253 college-age drivers and then training package (including two instructional videos,lectures with slide presentation)was presented to them.In the third phase,three months later,the questionnaire was completed by drivers again.Then before and after training data were compared.*

*Results: The study showed that the education provided improved drivers\' attitude and behavior(p value <0.001).Also,this relation was measured based on individual distracted driving activities that significant difference was observed before and after training.Also,their attitude about risk of engagement in distracted driving activities,their attitudes about normative and control beliefs,each showed a significant association in predicting behavioral intention.And only 16 percent of the behavioral intention variance was predicted by the above attitudes.*

*Conclusion: Public education can clearly affect modification of risk perception leading to adoption of safe driving behaviors. Also other variables should be included in further studies that alone or in interaction with above attitudes influence on behavioral intention of people.*

*Keywords: Distracted Driving Behavior, Traffic safety training, Injury preventio*

# بررسی پراکندگی جغرافیایی و علل فوت و عوامل موثر در آن در حوادث جاده ای منجر به فوت در استان اردبیل از تیرماه ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۲ یک تحلیل (GIS)

سعید صادقیه اهری[۱]، شکوفه بنائی[۱]، سعید نورزاد[۱]

۱- هیات علمی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر برسلامت ، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران

**نویسنده مسئول:** سعید صادقیه اهری

**محور:**سوانح و حوادث

**زمینه و هدف:** در ایران تصادفات رانندگی پس از بیمار های قلبی و عروقی دومین علت مرگ و میر، و در گروه سنی زیر ۴۰ سال اولین علت محسوب می شود. هدف این مطالعه بررسی پراکندگی جغرافیایی حوادث جاده ای منجر به فوت در استان اردبیل و تعیین عوامل تاثیرگذار در این گونه حوادث می باشد.

**روش کار:** این مطالعه مقطعی و جامعه مورد مطالعه، کشته شدگان حوادث جاده ای در استان اردبیل از تیر ماه ۱۳۹۱ الی تیرماه ۱۳۹۲ ثبت شده در سازمان پزشکی قانونی استان بود. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته که شامل متغیرهای دموگرافیک ، و متغیرهای مربوط به حادثه بود استخراج و وارد نرم افزار *SPSS* و *GIS* شده و نقشه های استان اردبیل که نشانگر پراکندگی جغرافیایی حوادث جاده ای منجر به فوت می باشند تهیه شدند.

**یافته ها:** از ۲۳۴ مورد فوت، اغلب فوت شدگان مذکر (۷۳/۵٪) و بیشتر در رده سنی ۳۰-۲۱ سال (۲۳/۱٪) قرار دارند و میانگین سنی متوفیان ۱۰/۶۱± ۳۶/۸۶ می باشد. رابطه معکوس بین سطح تحصیلات وفراوانی مشاهده شد.

**نتیجه گیری:** جنس مذکر، سن ۳۰-۲۱ سال، ، تحصیلات پایین، فصل تابستان و وسیله نقلیه سبک، زمان و مکان حادثه، فاکتورهای موثر در بروز تصادفات می باشند. همچنین رطوبت به عنوان یکی از شرایط اقلیمی تاثیرگذار در بروز تصادفات در برنامه ریزی جهت پیشگیری از حوادث جاده ای باید مدنظر باشد.

**کلمات کلیدی:** *trauma, GIS, geographic dispersion, road accidents*

# Reviews the geographical distribution and causes of death and risk factors in fatal road accidents in Ardabil province from July 1391 to 1392 (an analysis GIS)

***Said Sadegieh Ahari 1, shokofeh banaei 2 ,Saeed Nourzad 3***
***1. Social Determinants Research Center, Tehran University of Medical Sciences, Ardabil, Iran***
***Corresponding Author: Saeed Sadegieh Ahari***

*Introduction: Driving accidents are the second most common cause of mortality after cardiovascular events in Iran, while in the below 40 years of age group-the first. The aim of this study was to investigate the geographic distribution of the road accidents resulting in death in the province of Ardebil and determine factors influential in such events.*

*Methods: this was a cross-sectional study, and the study population was people killed in a road accident in Ardabil province from recorded in legal medicine organization in the province. Demographic variables, and variables related to the incident was recorded and analyzed with SPSS software and GIS and maps of the geographic dispersion of Ardabil province road accidents lead to mortalities were produced.*

*Results: of the 234 mortalities, most of those died were male (73.5%), more in the age bracket of 40-60 years (26.1%) with the average age of 36.86 ± 15.61. Reverse relationships were observed between the level of education and frequencies.*

*Conclusion: male sex, age between 40-60 years, lower education, summer season, light vehicles, the time and place of the accident and humidity are effective factors in the occurrence of accidents that should be considered in road accidents prevention programs.*

# هزینه صدمات ناشی از حوادث ترافیکی در شمال شرق ایران (۲۰۱۴-۲۰۱۶)

امین عادل[۱]، فرید باقری[۲]، حسین ابراهیمی پور[۳]، ملیحه ضیایی[۴]، الهه پوراحمدی[۵]

۱- کارشناس، معاونت درمان، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- کارشناس، معاونت درمان، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- مدیر اقتصاد درمان، معاونت درمان، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- کارشناس پژوهشی، معاونت درمان، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۵- کارشناس، معاونت درمان، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

**نویسنده مسئول:** ملیحه ضیایی، **محور:**سوانح و حوادث

**زمینه و هدف:** صدمات ناشی از حوادث ترافیکی *(RTIS)*، بارنامتناسبی از بیماری را بر کشورهای کم درآمد و کشورهای با درآمد متوسط، تحمیل می کنند. دراین کشورها، حدود ۸۵ درصد از مرگ ها و ۹۰ درصد از سال های از دست رفته زندگی به علت ناتوانی *(DALYs)*به علت این حوادث می باشد. جمعیت این کشورها، بیش از دوسوم جمعیت جهان می باشد و همچنین، میزان بالاتری از ماشینی شدن را نسبت به کشورهای پردرآمد تجربه می کنند. هدف این مطالعه بررسی هزینه صدمات ناشی از حوادث ترافیکی در مشهد، واقع شده در شمال شرق ایران است.

**روش کار:** جمعیت بررسی شده در این مطالعه مقطعی شامل افراد صدمه دیده در حوادث ترافیکی۱۳۹۳ تا ۱۳۹۴می باشد که نیاز به خدمات اورژانس پزشکی داشته اند یا در اثر این حوادث، فوت کرده اند .

**یافته ها:** از کل افراد صدمه دیده (۲۵۴۴۶ در ۱۳۹۳ و ۲۸۰۷۵ در ۲۰۱۵)، نسبت مرد به زن، ۲/۳۹ در ۱۳۹۳ و ۲/۳۴ در ۱۳۹۴ بوده است. از کل افراد، بیشترین آن ها (۸۱/۷۴ درصد) توسط اورژانس ۱۱۵ به بیمارستان انتقال یافتند. اکثر تصادفات در خیابان و پیاده روهای شهر، روی داده است. اکثر صدمات منجر به بستری دربیمارستان، ضربه به سر بوده است. بیشترین بیماران ارجاع شده به بیمارستان(<۹۰٪) با بهبودی از بیمارستان مرخص شده اند. کل هزینه صدمات در سال ۱۳۹۳، ۴۵۱۴۱۳۶۶۳۹۰۱ و در سال ۱۳۹۴، ۵۶۶۶۸۸۸۱۶۶۷۹ ریال بوده است.

**نتیجه گیری:** هزینه های اجتماعی اقتصادی حوادث ترافیکی، به وضوح نشان دهنده ی نیاز دولت ها و سیاستگزاران به تقویت سنجه های پیشگیری از حوادث جاده ای می باشد.

**کلمات کلیدی: جراحت سر، تحلیل هزینه، خدمات پزشکی اورژانس**

# Price injuries caused by traffic accidents in the North East of Iran (2014-2016)

***Amin Adel 1, Farid Baghri 2, Hossein Ebrahimi Pour 3, Maliha Ziaee 4, elaheh Pourahmadi 5***

***1. Expert, Deputy treatment, Medical Sciences, Mashhad, Iran***
***2. Expert, Deputy treatment, Medical Sciences, Mashhad, Iran***
***3. Treatment economic managers, vice-treatment, Medical Sciences, Mashhad, Iran***
***4. Research assistant, Department of Therapy, Medical Sciences, Mashhad, Iran***
***5. Expert, Deputy treatment, Medical Sciences, Mashhad, Iran***
***Corresponding Author: Maliha Ziaee***

*Introduction: Road traffic injuries (RTIS) impose the disproportionate burden of disease on low and middle-income countries (LMICs).These countries accounted for about 85% of the deaths and 90% of the annual disability-adjusted life years (DALYs) lost because of RTIS. The population of LMICs is more than two-thirds of the world\'s people, and also these countries experiencing higher rates of motorization as compared to high-income countries. The purpose of this study is to explain about road traffic injuries cost in Mashhad, northeastern of Iran.*

*Methods: The population under this cross-sectional study included traffic injured people who demanded medical attention of the emergency services of the hospitals or individuals who died from these injuries during the period between 20 March 2014 and 20 March 2016.*

*Results: From a total of injured persons (25446 in 2014 and 28075 in 2015),the male-female ratio is 2.39 in 2014 and 2.34 in 2015. More than 81 percent of injured person was transferred to hospital via115 emergencies. More accidents occurred on the urban major street crossings and sidewalks. Most injuries on admission to hospital are head injuries. The greatest number of patients (>90%) with a improvement in the situation has been discharged from the hospital. Total cost (direct cost) of injuries in 2014 is 13,877,268 USD and in 2015 is 17,421,034 USD.*

*Conclusion: High socioeconomic costs of road traffic injuries are clearly indicative of the need for governments and policymakers to strengthen road injury preventive measures.*

*Keywords: head injury, cost analysis, , emergency medical services*

# بررسی میزان فعالیت فیزیکی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی همدان در سال ۹۴

محمد علی سیف ربیعی[۱]، فرزانه اثنی عشری[۲]، جلال الدین امیری[۳]، زهرا صنائی[۴]، فرشته یاراحمدی[۵]

۱- مدیرگروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، همدان، همدان، ایران

۲- هیئت علمی، دانشکده پزشکی، همدان، همدان، ایران

۳- معاون بهداشتی، معاونت بهداشتی، همدان، همدان، ایران

۴- متخصص، دانشکده پزشکی، همدان، همدان، ایران

۵- پزشک، همدان، همدان، همدان، ایران

**نویسنده مسئول:** زهرا صنائی، **محور:**فعالیت فیزیکی و کم تحرکی

**زمینه و هدف:** کم تحرکی در بزرگسالان با طیفی از بیماریهای مزمن مرتبط می باشد وضعیت فعالیت فیزیکی در ایران، در تعداد زیادی از مردم از جمله دانشجویان مناسب نمی باشد . هدف این مطالعه، تعیین وضعیت فعالیت بدنی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی همدان می باشد.

**روش کار:** این مطالعه به روش مقطعی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی همدان در سال ۹۴ انجام شد. نمونه گیری به صورت تصادفی طبقه بندی شده بود و داده ها با پرسشنامه *IPA* جمع آوری شد. پس از آنالیز داده ها با *SPSS16* ، شاخص سوخت و ساز و سوخت و ساز کلی (*MET*و *Total Met*) برای سه سطح فعالیت بدنی کم، متوسط و شدید محاسبه شد. میزان *Total MET* جهت کفایت فعالیت فیزیکی عدد ۶۰۰ و بالاتر در نظر گرفته شد.

**یافته ها:** از ۱۴۲ دانشجو، ۵۹/۲٪ دختر و بقیه پسر بودند. میانگین فعالیت بدنی شدید، متوسط و کم بترتیب ۱۷۲± ۱۱۹۱، ۱۷۲ ± ۱۰۱۷ و۵۰۷± ۴۴۳۲ دقیقه در هفته بود. میانگین زمان فعالیت شدید برای دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر بود *(PV=.001) MET* . برای فعالیت شدید ۱۳۸±۹۵۳، متوسط ۶۹±۴۰۶ و ضعیف ۱۶۷±۱۴۶۲محاسبه گردید که در فعالیت شدید در پسران بیشتر از دختران بود*Total MET 251±2823 .* (*PV=0.001* ) بود که این شاخص نیز در پسران بیشتر از دختران محاسبه شد.*6/72% .(PV=0.001)* دختران و ۹۶/۶٪پسران *Total MET* بالاتر از ۶۰۰ داشتند(*PV<0.001*). میانگین زمان بی تحرکی مطلق ۱۹۲/۲±۴۵۹/۶۴ دقیقه در روز بود

**نتیجه گیری:** در کل میانگین ساعات بی تحرکی مطلق دردانشجویان پزشکی همدان حدود ۷ ساعت در شبانه روز بوده که میتواند هشداری جدی برای مسئولین باشد.

**کلمات کلیدی:** فعالیت فیزیکی، دانشجویان پزشکی، شاخص سوخت و ساز

# Physical Activity Assessment of Medical Students from Hamadan University of Medical Sciences during 2015

***Mohammad Ali Saif Rubaie 1, Farzaneh Esna-Ashari 2, Jalal al-Din Amiri 3, Zahra sanaei 4, fereshteh Yarahmadi 5***
***1. Chief of Department of Community Medicine, Faculty of Medicine, Hamadan, Iran***
***2. The faculty, Faculty of Medicine, Hamadan, Iran***
***3. Deputy Health, Department of Health, Hamadan, Iran***
***4. Specialist, School of Medicine, Hamadan, Iran***
***5. The physician, Hamedan, Hamadan, Iran***
***Corresponding Author: Zahrs sanaei***

*Introduction: Low physical activity is associated with an entire range of chronic diseases. A lack of appropriate physical activity exists among students in Iran. This study aims to assess the physical activity levels of medical students at Hamadan University of Medical Sciences,Hamadan,Iran.*

*Methods: Medical students enrolled in this cross-sectional study during 2015. We used the stratified random sampling method and collected data from the IPAQuestionnaire . SPSS16 software was used for data analyses. The metabolic equivalent of task(MET) and general metabolism index(Total MET) were used for three levels of physical activity among students: low, moderate and vigorous. Adequate Total MET was determined to be ≥600.*

*Results: A total of 142 students enrolled, from which 59.2% were girls. Weekly mean physical activity according to levels were 1191±172 minutes(19.8 hours) for vigorous, 1017±172 minutes(16.9 hours) for moderate, and 4432±507 minutes(73.8 hours) for walking(weak). Boys had higher weekly mean vigorous physical activity level(P=0.001). Calculated MET values were 953+138(severe), 406+69(moderate), and 1462+167(weak). Boys had difference in MET value for vigorous physical activity compared to girls(PV=0.001). Total MET was 2823±51. Boys had a significantly higher Total MET value versus girls( P=0.001). There were 82.4% of students that had Total MET scores greater than 600, in boys and girls respectively 96.6% and 72.6%. 72.6% were girls and 96.6% were boys(PV<0.001). Daily mean time of sitting was 459.64±192.2 .*

*Conclusion: The average hours of inactivity in medical students approximated 7 hours per day. This could be a serious warning sign for those responsible for medical students' affairs.*

*Keywords: Physical activity, Medical students, Metabolism Index*

# مطالعه مبتنی بر جمعیت *Trans -Theoretical Model* پیش بینی مراحل تغییر فعالیت بدنی بر اساس

ویدا وکیلی[1]

۱- استادیار، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

**نویسنده مسئول:** ویدا وکیلی

**محور:**فعالیت فیزیکی و کم تحرکی

**زمینه و هدف:** فعالیت فیزیکی ناکافی یک مشکل سلامت عمومی جهانی است. مدل مراحل تغییر یک ابزار ارزیابی و مداخله کاربردی در برنامه های تغییر شیوه زندگی است. هدف از این مطالعه یافتن مهمترین عوامل پیشگویی کننده فعالیت فیزیکی در مشهد ایران است.

**روش کار:** در این مطالعه مقطعی ۵۶۴ شرکت کننده مبتنی بر جمعیت با استفاده از متد چند مرحله ای از جمعیت عمومی شهرمشهد در سال ۲۰۱۴ انتخاب شدند. یک چک لیست استاندارد برای ثبت اطلاعات اجتماعی اقتصادی و عوامل مرتبط احتمالی و پرسشنامه روا و پایای مراحل تغییر( ۶ مرحله: تفکر پیشین، تفکر، امادگی، اقدام، نگهدارنده و پایانی) برای جمع اوری اطلاعات استفاده شد. داده ها با استفاده از نرم افزار اس پی اس اس نسخه ۱۱,۵ و تستهای اماری کای مربع، من ویتنی و رگرسیون لوجستیک تحلیل شدند.

**یافته ها:** انالیزها نشان داد در کل ۲۳,۴٪ شرکت کنندگان در مرحله تفکر پیشین، ۱۸٪ در مرحله تفکر ۲۴,۶٪ در مرحله امادگی، ۸,۱٪ در مرحله اقدام، ۱۴,۴٪ در مرحله نگهدارنده و ۱۱,۵٪ در مرحله پایانی برای فعالیت فیزیکی مناسب قرار داشتند. سن، جنس، بی ام ای، سابقه صرف الکلف طول مدت خواب در شبانه روز و داشتن همراه و مشوق پیشگو های مرحله تفکر پیشین بودند. جنس، داشتن همراه و مشوق و سابقه استفاده از دوچرخه برای تردد درون شهری پیشگوهای مرحله پایانی بودند.

**نتیجه گیری:** شناخت نکات مثبت و منفی مردم پیرامون تغییر رفتارهای سلامت می تواند به متخصصان سلامت عمومی در طراحی مداخلات متناسب با جمعیت هدف کمک کننده باشد.

**کلمات کلیدی:** *Behavior, physical activity, Trans-Theoretical Model, Urban population*

# Predictors of Stages of Change on physical activity based on Trans -Theoretical Model: A Population-based Study

*Vida vakili[1]*

*1. Assistant Professor, University of Medical Sciences, Mashhad, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran*

*Corresponding Author: Vida vakili*

*Introduction: inadequate physical activity seems to be a global public health problem. The trans-theoretical stages of change model have long been considered a useful interventional approach in lifestyle modification programs. The aim of this study was to find the most important intermediating factors of physical activity in Mashhad, Iran.*

*Methods: In this cross-sectional design, 564 representative participants were included with a multi stage method from the general population Mashhad. A standardized checklist about socio-demographic characteristics and possible related factors and stages of change questionnaire were used for data collection. Data were analyzed by SPSS 11.5 software using Chi-square test, Mann-Whitney U test, and Multiple Logistic Regression.*

*Results: Analysis showed 23.4% of participants were in pre-contemplation stage, 18 in contemplation, 24.6% in preparation, 8.10% in action, 14.4% in maintenance and 11.5% were in termination phase. Age, gender, BMI, alcohol consumption, sleep duration, having compeer and encouragement were identified as predictors of pre-contemplation stage. Genders, having company and using bicycle for transportation were predictors of termination phase.*

*Conclusion: Understanding the pros and cons of changing lifestyle can help public health specialists to perform targeted interventions. Tailor interventions based on the predictors to enhance the physical activity among specific subgroups would be of interest.*

# مقایسه تاب آوری در بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس و افراد سالم

لاله سمیعی[1]، محمدرضا حسین پور[2]، الناز عبداللهی[3]

۱- روان شناس، درمانگاه حضرت ولی عصر (عج)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، الیگودرز، ایران

۲- مشاوره دانشجویی، مرکز مشاوره دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

۳- ، ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، نیشابور، ایران

**نویسنده مسئول:** لاله سمیعی

**محور:**اختلالات روانپزشکی

**زمینه و هدف:** پژوهش حاضر با هدف مقایسه تاب آوری در بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس و افراد سالم انجام شد.

**روش کار:** روش پژوهش حاضر از نوع علّی – مقایسه ای است. جامعه آماری شامل تمامی بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس شهرستان الیگودرز در سال ۱۳۹۵ بودند که گروه نمونه شامل ۴۰ نفر از هر گروه می باشد و نمونه گیری به روش در دسترس، با در نظر گرفتن معیارهای حذف و پذیرش وارد مطالعه شدند. گروه گواه نیز پس از همتاسازی با بیماران از نظر سن، جنس و میزان تحصیلات از میان همراهان بیماران انتخاب شدند. ابزار سنجش پرسشنامه تاب آوری کانر- دیویدسون بود. داده ها بر اساس آزمون $t$ مستقل توسط نرم افزار *Spss20* مورد بررسی قرار گرفت. سطح معنی دار آزمون ها $P<۰۵/۰$در نظر گرفته شد.

**یافته ها:** نتایج یافته های پژوهش نشان داد که میانگین نمرات تاب آوری در بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس برابر با ۵۳/۶۷ و در گروه شاهد برابر با ۹۳/۷۸ بود. آزمون تی مستقل حاکی از کاهش معنادار تاب آوری در بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس در مقایسه با افراد عادی بود ($P(. <۰۰۰/۰$

**نتیجه گیری:** با توجه به یافته های به دست آمده توجه به تاب آوری و استفاده از آموزش های مبتنی بر این متغیر می تواند آثار مثبت روانشناختی و جسمانی برای بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس در پی داشته باشد.

**کلمات کلیدی:** تاب آوری، مالتیپل اسکلروزیس، فشار روانی

## *Compare resiliency in patients with MS and normal subjects*

***Corresponding Author: Laleh Samiee***

*Introduction: This study aimed to compare the resiliency in patients with Multiple Sclerosis and healthy individuals.*

*Methods: The study of causal - comparative. After matched with patients from the control group matched for age, sex and education level were selected among family members. The assessment tool Kanr- Davidson Resilience Scale. Data based on independent t-test were analyzed by software Spss20. Significance level tests p*

*Results: The results showed that the mean scores of resiliency in patients with multiple sclerosis 53/67 and 93/78 in the control group. Independent t-test showed a significant decrease resilience in patients with multiple sclerosis compared with normal subjects (p*

*Conclusion: According to the findings due to the resiliency and use of training based on these variables can be positive effects for patients with multiple sclerosis psychological and physical foundations.*

*Keywords: MS, Multiple Sclerosis, Resiliency*

# بررسی اثربخشی برنامه های آموزشی شیوه های فرزندپروری مادران بر اختلالات رفتاری - هیجانی کودکان پیش دبستانی شهرستان چالوس۹۵

راضیه کیاکجوری[۱]، الهه پاشا[۱]

۱- کارشناس سلامت روان جامعه، چالوس، علوم پزشکی مازندران، چالوس، ایران

**نویسنده مسئول:** راضیه کیاکجوری

**محور:**سایر

**زمینه و هدف:** هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی و مقایسه ی اثر بخشی آموزش مهارت فرزندپروری مادران بر اختلالات رفتاری – هیجانی فرزندان بود روش پژوهش، طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه آزمایش و گروه گواه که برای اجرای پژوهش در ابتدا ۶ مهدکودک و دبستان به صورت تصادفی چندمرحله ای انتخاب و ۸۰ کودک از میان این مهدکودک ها به صورت تصادفی انتخاب شدند.

**روش کار:** تکمیل پرسشنامه سبک فرزندپروری والدین و سیاهه رفتاری کودک *(CBCL)*

**یافته ها:** . مقایسه ی نتایج سبک فرزندپروری نشان داد که شیوه فرزندپروری مستبدانه و سهل گیرانه *(P=0/04)*در مادران گروه آزمایش کاهش یافته و در مقابل شیوه فرزندپروری مقتدرانه *(P=0/05)*افزایش یافته است. بر اساس نتایج به دست آمده، در گروه آزمایش نسبت به گروه گواه در مرحله پس از آزمون کاهش معناداری در شدت اختلالات رفتاری کودکان مشاهده شد، تغییر متوسط در مقیاس *CBCL* در پایان مداخله از نظر آماری معنادار است.

**نتیجه گیری:** بر اساس نتایج به دست آمده، در گروه آزمایش نسبت به گروه گواه در مرحله پس از آزمون کاهش معناداری در شدت اختلالات رفتاری کودکان مشاهده شد، تغییر متوسط در مقیاس *CBCL* در پایان مداخله از نظر آماری معنادار است.

**کلمات کلیدی:** *Parenting Styles training, emotional behavioral disorders in children*

# Assessing the effectiveness of mothers' parenting practices training programs on behavioral-emotional disorders of preschoolers in city of Chalus 95

***Corresponding Author: Razieh Kiakjury***

*Introduction: The purpose of this study was to compare the effect of mothers\' parenting skills training on behavior - emotional disorders children. Method: Research method, pretest-posttest with experimental group and the control group for performance of the study, in the beginning six kindergartens and primary schools are selected by multistage sampling and 80 children were selected randomly from among the kindergartens.*

*Methods: completing the questionnaire Parenting Styles and Child Behavior Checklist (CBCL)*

*Results: . Then the mothers of children who had received a positive score in CBCL questionnaire divided into two groups of 25-person experimental and control group randomly. Parent experimental group, parenting skills training sos 6 received 90-minute session. At the end of six meetings, they did post-test. In order to analyze the data, Pearson correlation and covariance was used. Comparison of the results show that the method authoritarian parenting and neglectful parenting style (P = 0/04) were decreased in mothers and the authoritative parenting style (P = 0/05) increased.*

*Conclusion: According to the results obtained in experimental group comparison to control group at post-test showed significant decrease in the severity of behavioral disorders in children, CBCL medium change is statistically significant at the end of the intervention.*

# شیوع اختلال شخصیت : یک مطالعه مقطعی در تبریز

مریم سپهری[1]، سارا فرهنگ[2]، حبیبه برزگر[3]، علی فخاری[4]، سعید دستگیری[5]

۱- دستیار، دانشگاه علوم پزشکی، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۲- استادیار، مرکز تحقیقات روانپزشکی و علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۳- کارشناس، مرکز تحقیقات روانپزشکی و علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۴- استاد، مرکز تحقیقات روانپزشکی و علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۵- استاد، مرکز مدیریت خدمات سلامت، دانشگاه، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

**نویسنده مسئول:** مریم سپهری

**محور:**اختلالات روانپزشکی

**زمینه و هدف:** اختلال شخصیت یکی از اختلالات مهم در روانپزشکی است که با عواقب مهمی در سلامت عمومی همراه است و میتواند روند درمان سایر اختلالات را دچار مشکل سازد. هدف پژوهش حاضر بررسی شیوع اختلال شخصیت در نمونه ای از جمعیت عمومی شهر تبریز بوده است.

**روش کار:** در پژوهش مقطعی حاضر ۱۵۰ نفر از مراجعین و کارکنان مراکز بهداشتی- درمانی سطح شهر تبریز در طیف سنی ۶۲-۱۸ سال انتخاب شدند. ابزار به کار رفته جهت جمع آوری داده ها *MMPI* فرم کوتاه (۷۱ سوالی) بوده است. پس از تکمیل پرسشنامه ها پروفایل بالینی هر فرد با استفاده از نرم افزار *MMPI* ترسیم و سپس توسط روان شناس بالینی تفسیر گردید.

**یافته ها:** شیوع کلی اختلال شخصیت در جمعیت مطالعه ٪۲۰ (فاصله اطمینان ۹۵٪: ۲۶,۴- ۱۳,۵)، در زنان ۲۳,۷ (فاصله اطمینان ۹۵٪: ۳۲,۱-۱۵,۲)، و متاهلین ۲۰,۹٪ (فاصله اطمینان ۹۵٪: ۲۸,۵- ۱۳,۳) بوده است.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج شیوع در جمعیت مطالعه، ۱ فرد از هر ۵ نفر به نوعی با اختلال شخصیت مواجه میباشد، و از آنجاییکه این اختلال روی جوانب مختلف زندگی افراد و حتی بر روند درمان سایر بیماریها تاثیرگذار است؛ به نظر میرسد بررسیهای جامع تر و دقیق تر در سطح جامعه برای بررسی بار واقعی بیماری، جهت سیاستگزاریهای لازم در برنامه های آینده سلامت روان عمومی و مداخلات پیشگیری لازم است.

**کلمات کلیدی:** شیوع، اختلال شخصیت، *MMPI*

# The prevalence of Personality Disorder :A Cross-Sectional study in Tabriz

***Corresponding Author: Maryam spheri***

*Introduction: Personality disorders considered as an important health problem associated with significant consequenses in the community. The disorders complicate the treatment process of other diseases and conditions as well. The aim of this study was To estimate the prevalence of personality disorder in Tabriz city, northwest Iran.*

*Methods: The short form the Minnesota Multiphasic Personality Inventory (MMPI, 71 Questions) was used to measure the personality disorders in a sample of 150 individuals (aged 18- 62 years) including staff and clients of the primary health care settings in Tabriz, northwest Iran. The clinical profile of participants was assessed using MMPI questionare/software. The patients\' test data were then interpreted by the study investigators.*

*Results: The overal prevalence of personality disorder was 20% (95% Confidence Intervals: 13.5 to 26.4) in the study population. The same rate was calculated 23.7% (95% Confidence Intervals: 15.2 to 32.1) in women, and 20.9% (95% Confidence Intervals: 13.3 to 28.5) for married inividuals.*

*Conclusion: According to our findings, personality disorders are common in the community. One in five persons was detected as having personality disorders. Understanding the epidemiology of personality disorders and the relevant co-morbidities in general population is important for policy making in mental health programmes at community level.*

*Keywords: Personality Disorder,Perevalence,MMPI,COMORBIDITY*

# عوامل زوجی موثر بر شکل‌گیری اعتیاد زنان: یک پژوهش کیفی

جواد خدادادی سنگده[1]، فهمیه میرزاخانی[2]

۱- مشاور، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۲- کارشناس مبارزه با بیماریها، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** جواد خدادادی سنگده

**محور:**اختلالات روانپزشکی

**زمینه و هدف:** هدف: اعتیاد زنان به مواد پدیده فردی، اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی است که عوارض ناشی از آن زمینه‌ساز سقوط بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اخلاقی شده و تهدیدی جهت سلامت فرد، خانواده و جامعه است. پژوهش حاضر به بررسی عوامل زوجی موثر بر اعتیاد زنان طی یک پژوهش کیفی پرداخت.

**روش کار:** روش : پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی بود. نمونه‌گیری بر اساس نمونه هدفمند از سه مرکز درمان اعتیاد در بازه زمانی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ تا رسیدن به اشباع انجام گرفت. منابع جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، مصاحبه و ضبط صدا بود. در مجموع مصاحبه از ۳۲ نفر از زنان معتاد به مواد صورت گرفت. سپس کدگذاری و تحلیل داده‌ها صورت گرفت. تحلیل داده‌ها بر اساس روش تحلیل محتوی انجام شد.

**یافته ها:** یافته‌ها: تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه منجر به استخراج ۶ مقوله اصلی از عوامل و بسترهای زوجی موثر بر شکل‌گیری اعتیاد شد. این عوامل شامل ازدواج نامناسب، اعتیاد همسر، سوءرفتارهای همسر، ارتباط ناکارآمد زوج، بی علاقگی و دلزدگی نسبت به همسر، عدم دریافت حمایت از سوی همسر بود.

**نتیجه گیری:** نتیجه‌گیری: این پژوهش نشان داد عوامل زوجی خاصی می‌تواند زنان را مستعد اعتیاد نماید. نیاز است جهت پیشگیری و یا درمان اعتیاد زنان عوامل موثر در نظر گرفته شوند. زوج درمانی می‌تواند به پیشگیری و درمان اعتیاد زنان یاری رساند.

**کلمات کلیدی:** اعتیاد، زنان، زوج‌درمانی

# Paired factors involved in the emergence of Women addiction: a qualitative study

*Javad Khodadadi Sangdeh 1, Fahimeh Mirzakhani 2*

*1. Consultant, University of Kharizmi, Kharizmi, Tehran, Iran*

*2.Disease control staff, shahid Beheshti University of Medical Sciences, Islamic Azad University South Tehran, Tehran, Iran*

*Corresponding Author: javad khodadadi Sangdeh*

*Introduction: Women\'s addiction is a phenomenon of individual, social, economic and health. Complications of them are underlying has been the downfall of many value, Cultural and Moral norms and is a threat to the health of individuals, families and society. This research has shown the marital factors predisposing of addiction among women*

*Methods: This study was a qualitative study using thematic analysis. Sampling of thirty two addicted women to narcotics that, they come to addiction clinic in 94-95. The research instrument was a deep interview.. The achievement of research has coded and classified in main category.*

*Results: Finally, analysis of data were acquired seven six main components marital characteristics, These factors include bad marriage, addiction of spouse, spouse abuse, relationship dysfunctional couples, apathy and disgust toward his spouse, do not receive support from his wife.*

*Conclusion: this research has shown that special marital factors can be susceptibility in addiction. We need for prevention or cure of addicted women in base of marital factors to be considered. Couples therapy can help prevent and treat women addiction*

# در مراجعین به یک بیمارستان روانپزشکی (V-RISK-10)هنجاریابی ابزار غربالگری خطر خشونت ۱۰ در ایران

زهرا مصطفویان[1]

۱- گروه پزشکی اجتماعی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

**نویسنده مسئول:** زهرا مصطفویان

**محور:**اختلالات روانپزشکی

**زمینه و هدف:** ابزار غربالگری خطر خشونت ۱۰ (V-RISK-10)یکی از معدود ابزارهای موجود برای بررسی میزان خطر خشونت در مراجعین به مراکز روانپزشکی محسوب می گردد. مطالعه حاضر با هدف هنجاریابی نسخه فارسی این ابزار جهت بیماران بستری در بخش روانپزشکی طراحی گردید.

**روش کار:** در این مطالعه آینده نگر ۸۰ بیمار مراجعه کننده به اورژانس یک بیمارستان روانپزشکی در مشهدکه اندیکاسیون بستری داشتند، با استفاده از نسخه فارسی ابزار V-RISK-10 از نظرخطر خشونت مورد بررسی اولیه قرارگرفتند. ارزیابی هر بیمار قبل از پذیرش در بخش و توسط دو ارزیاب به طور مستقل انجام شد. پایایی بین مشاهده گران با ضریب همبستگی داخل طبقه ای ارزیابی شد. جهت بررسی اعتبار پیش گویی کننده این ابزار، خطر اولیه برآورد شده توسط این ابزار در بیماران با میزان خشونت مشاهده و ثبت شده از این بیماران در طول مدت بستری آنان در بیمارستان مقایسه گردید.

**یافته ها:** در طول مطالعه، ۳۸ بیمار از ۸۰ بیمار مورد بررسی (۵/۴۷٪)، خشونت نشان دادند. سطح زیر منحنی مشخصه عملی گیرنده برای نسخه فارسی پرسشنامه V-RISK-10 به میزان ۸۹/۰ به دست آمد و حساسیت و ویژگی آن به ترتیب ۸۷/۰ و ۶۹/۰ و ارزش اخباری مثبت و منفی آن نیز به ترتیب ۷۲/۰ و ۸۵/۰ به دست آمد. ضریب همبستگی داخل طبقه ای کلی پرسشنامه ۹۹/۰ محاسبه گردید.

**نتیجه گیری:** نتایج نشان داد که نسخه فارسی پرسشنامه V-RISK-10 یک ابزار معتبر و مفید از نظر بالینی بوده و می تواند جهت بررسی خطر رفتار تهاجمی در بیماران بستری با مشکلات حاد روانپزشکی کمک کننده باشد.

**کلمات کلیدی:** خشونت، غربالگری، اختلالات روانپزشکی،

# Validation of the Violence Risk Screening-10 instrument (V-RISK-10) among patients referred to a psychiatric hospital in Iran

*Zahra Mostafavian*[1]

*1. Department of community Medicine, Mashhad branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.*

*Corresponding Author: Z. Mostafavian*

*Introduction: Violence risk screening tool 10 (V-RISK-10) is one of the few instruments available for assessing violence risk among patients hospitalized in a psychiatric ward. This study aimed to validation of the Persian version of V-RISK-10 and evaluating the predictive validity of this instrument for patients hospitalized in a psychiatric ward.*

*Methods: In this prospective study, 80 patients who were admitted to the emergency ward of a psychiatric hospital in Mashhad and required inpatient hospitalization were assessed using the Persian version of V-RISK-10 for the violence. Evaluation of each patient was done before ward admission and independently by two raters. Inter-rater reliability was evaluated with an Intra class correlation coefficient (ICC) for the whole instrument. For determining predictive validity, risk assessments at admission were compared to the prospective records of aggression and violence during hospitalization.*

*Results: During the research period, 38 of the 80 patients (47.5%) caused violence. Receiver operating characteristics for the V-RISK-10 Persian version yielded an area under the curve of 0.89. Its sensitivity/specificity was 0.87/0.69 and the corresponding positive/negative predictive value was 0.72/0.85. Intra class correlation coefficient for the whole instrument was 0.99.*

*Conclusion: Results indicated that the Persian version of V-RISK-10 is a valid and clinically useful screen for risk assessment of violent behavior in acutely admitted psychiatric patients in Iran.*

***Keywords:*** *Violence, Screening, Psychiatric*

# بررسی نگرش ارائه دهندگان خدمات بهداشتی و درمانی نسبت به انگ اختلالات روانی درمرکز بهداشت شهرستان کرج در سال ۱۳۹۵

کوروش کبیر[۱]، مریم آقا بیگی[۲]، فاطمه کردلو[۳]، زینب جعفر نژاد[۴]

۱- استادیار، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

۲- کارشناس، مرکز بهداشت کرج، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳- کارشناس، مرکز بهداشت کرج، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

۴- کارشناس، مرکز بهداشت کرج، دانشگاه آزاد اسلامی بوئین زهرا، کرج، ایران

**نویسنده مسئول:** فاطمه کردلو، **محور:**اختلالات روانپزشکی

**زمینه و هدف:** انگ اختلالات روانی مانعی برای ارائه خدمات سلامت است و چنین نگرشی بر کیفیت ارائه خدمات به بیماران تأثیر دارد. این مطالعه با هدف تعیین نگرش ارایه کنندگان خدمات سلامت مرکز بهداشت شهر کرج به انگ اختلالات روانی در سال ۱۳۹۵ انجام شده است.

**روش کار:** این مطالعه به صورت مقطعی بر روی ۲۴۰ نمونه تصادفی از ارایه دهندگان خدمات سلامت شامل مراقبین سلامت، در شهر کرج در سال ۱۳۹۵ انجام شد. پرسشنامه نگرش ارائه دهندگان مراقبت های سلامت نسبت به بیماری روانی مورد استفاده قرار گرفت و نمره بالاتر نشان دهنده نگرش ضعیف تر بود. برای مقایسه از آزمون های تی مستقل و تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شد.

**یافته ها:** میانگین سنی افراد مورد مطالعه ۳۷,۳۶ سال(±۸,۱۶) بود. اکثریت مونث و اغلب متاهل بودند. میانگین نمره نگرش ارایه دهندگان ۲۸,۴۵ بود. نمره نگرش بر حسب شغل تفاوت معنی داری داشت($P$ ۰,۰۰۱)

**نتیجه گیری:** اکثریت گروههای درگیر ارایه خدمات سلامت نگرش مناسبی نسبت به انگ اختلالات روانی ندارند. نگرش روانشناسان خوب و میتواند بعنوان معیار در نظر گرفته شود. وضعیت مناسب بهورزان می تواند از نتایج ادغام بهداشت روان در نظام مراقبتهای بهداشتی اولیه باشد. با توجه به تغییر نقش و نوع ارایه دهندگان، لازم است این موضوع به عنوان یکی از حیطه های صلاحیت بالینی در نظر گرفته شود و در طراحی برنامه های آموزشی مد نظر قرار گیرد و به نحو مطلوب ارزیابی شود.

**کلمات کلیدی:** انگ، اختلالات روانی، ارایه دهندگان خدمات، کیفیت مراقبت

# Attitudes of health care providers about mental disorders stigma in Karaj health centers in 2016

*Kurosh kabir 1 , maryam Aghabeigi 2, Fatemeh Kordlu 3, Zainab Jaafar nezhad 4*

*1. Assistant Professor, Faculty of Medicine, Medical Sciences, Tehran, Karaj, Iran2 proficient, Center for Health Branch, Tarbiat Modarres, Tehran, Iran3 proficient ,Health Center in Karaj, Alborz Medical Sciences, Karaj, Iran4 proficient, Center for Health Branch, Islamic Azad Bouin Zahra, Karaj, Iran: Corresponding Author :Kurosh kabir*

*Introduction: Mental health stigma is an obstacle for health care delivery and a stigmatized attitude can effect on the quality of services. This study aimed to determine the attitudes of health service providers about stigma of mental disorders in Karaj health centers in 1395.*

*Methods: A cross-sectional study on a random sample of 240 health care were carried in the city of Karaj in 1395. OMS-HC questionnaire were used to measure attitudes toward mental illness. Higher scores were indicator of poorer attitudes. Independent t-test and ANOVA were used for data analysis.*

*Results: The mean age of the patients was 37.36(±8.16). Mean score of their attitude was 28.45. There was a significant difference in attitudes score based on their job (P*

*Conclusion: The majority of involved groups in health care delivery, don't have a proper attitude. Psychologists have better attitudes which is understandable and can be used as a comparison criteria. Behvarzs also have relatively appropriate attitudes which probably is related to mental health integration in primary health care. Hence, the health care system is changing and new providers and roles have introduced, it is important to properly plan the education, monitoring and continuous learning of health providers.*

*Keywords: Stigma, Mental disorders, Health care providers, Quality of care*

# بررسی رابطه بین اختلالات شخصیت و حوادث ترافیکی

احمد قاسمی[1]، پیمان نامدار[2]

۱- معاون مرکز مدیریت حوادث و فوریتهای ، مرکز مدیریت حوادث و فوریتهای پزشکی ،دانشگاه آزاد کرج، کرج، ایران

۲- رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریتهای پ، مرکز مدیریت حوادث و فوریتهای پزشکی ، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، قزوین، ایران

**نویسنده مسئول:** احمد قاسمی

**محور:**اختلالات روانپزشکی

**زمینه و هدف:** رانندگان مبتلا به اختلال شخصیت با رفتارهای پرخطر از جمله رانندگی بی مهابا و تخلف رانندگی موجب افزایش حوادث ترافیکی می شوند. نزدیک به نیمی از مداخلات فوریتهای پزشکی استان قزوین به حوادث ترافیکی تعلق دارد. بار اقتصادی اجتماعی حوادث ترافیکی نیز قابل تامل است.

**روش کار:** از بین ۷۰۰ تصادف ترافیکی رخ داده در بازه زمانی مشخص در اتوبان قزوین آبیک، ۷۰ مورد به روش تصادفی انتخاب شده و پرسشنامه $MMPI$ فرم کوتاه را تکمیل کردند. نتایج از طریق آزمون تحلیل رگرسیون مورد تجزیه تحلیل قرار گرفتند.

**یافته ها:** یافته ها نشان دادند که سهم اختلالات شخصیت در بروز حوادث رانندگی بطور معنادار بالا بوده و با افزایش سن کاهش می یابد.

**نتیجه گیری:** اختلال شخصیت با بروز رفتارهای پرخطر و بی توجهی به قوانین رانندگی و حقوق دیگران موجب افزایش حوادث ترافیکی در جاده ها می شود. از اینرو پیشنهاد می شود قبل از صدور گواهینامه رانندگی، آزمون سلامت روان نیز بعمل آید.

**کلمات کلیدی:** اختلال شخصیت- حوادث ترافیکی- سلامت روان- فوریتهای پزشکی

# The relationship between personality disorders and traffic accidents

*Ahmad Ghasemi 1, Peyman Namdar 2*

*1. Deputy Director of the Center for emergency and incident management, emergency service, Azad, Karaj, Iran*

*2. The head of the Center for emergency and incident management, emergency service, the Army Medical Sciences, Qazvin, Iran*

*Corresponding Author: Ahmad Ghasemi*

*Introduction: Drivers suffering from personality disorders with risky behaviors, including driving and traffic violation contribute greatly to the precipitous increase in traffic accidents. Nearly half of medical emergency interventions Qazvin Province belongs to traffic accidents. Accidents social economic burden is considerable*

*Methods: Of the 700 traffic accident occurred in the specified time interval in Qazvin Abyek highway, 70 cases were randomly selected and completed the short form MMPI questionnaire. Results were analyzed through regression analysis.*

*Results: The results showed that the share of personality disorder in traffic accidents was significantly and reduced with increasing age.*

*Conclusion: Personality disorders risky behavior and disregard for traffic laws and the rights of others is an increase in traffic accidents on the road. Therefore, it is recommended before issuing a driver\'s license test is also be tested mental health*

# اثربخشی آموزش سختروبی بر کاهش فرسودگی شغلی پرستاران اورژانس

احمد برجعلی[1]، احمد قاسمی[2]، پیمان نامدار[3]، محمود برجعلی[4]

۱- استاد دانشگاه، دانشگاه آزاد اسلامی کرج، علامه طباطبایی، تهران، ایران

۲- معاون مرکز مدیریت حوادث و فوریتهای ، مرکز مدیریت حوادث و فوریتهای پزشکی ، آزاد کرج، کرج، ایران

۳- رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریتهای پزشکی، مرکز مدیریت حوادث و فوریتهای استان ، علوم پزشکی ارتش، قزوین، ایران

۴- استاد دانشگاه، دانشگاه آزاد کرج، خوارزمی، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** احمد قاسمی، **محور:**اختلالات روانپزشکی

**زمینه و هدف:** شغل فوریتهای پزشکی یکی از مشاغل پراسترس است و موجب فرسودگی پرستاران می شود. آموزش سختروبی از طریق تقویت مولفه های تعهد، کنترل و چالش فرسودگی شغلی پرستاران اورژانس را کاهش می دهد.

**روش کار:** تعداد ۶۰ نفر از پرستاران اورژانس ۱۱۵ قزوین بصورت نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند و بصورت تصادفی در دو گروه کنترل (۳۰) و آزمایشی (۳۰) گماشته شدند. به هر دو گروه پرسشنامه سختروبی کوباسا و فرسودگی شغلی مسلچ داده شد و بصورت طرح پیش آزمون پس آزمون اجرا شد و داده ها از طریق آزمون تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**یافته ها:** یافته ها نشان داد میانگین فرسودگی شغلی گروه آزمایشی پس از مداخله بطور معناداری نسبت به گروه کنترل کاهش یافت.

**نتیجه گیری:** آموزش سختروبی در پرستاران اورژانس ۱۱۵ فرسودگی شغلی را کاهش می دهد.

**کلمات کلیدی:** سختروبی-اورژانس- پرستار- فرسودگی شغلی

# The effectiveness of hardiness to reduce burnout among emergency nurses

*Ahmad Borjali 1, Ahmad Ghasemi 2, peyman namdar 3, Mahmoud Borjali 4*

*1. Professor, Islamic Azad University, Allameh Tabatabaei, Tehran, Iran.2. The deputy director of emergency and incident management, emergency service, azad, Karaj, Iran.3. The head of the emergency and incident management, emergency and incident management center, provincial Military Medical Sciences, Qazvin, Iran.4. University professor. University, Azad University of Karaj, BS, Tehran, Iran*

*Corresponding Author: Ahmad Ghasemi*

*Introduction: Emergency medicine jobs is a stressful jobs and lead to burnout nurses. Hardiness training by strengthening control components, commtment and challenges to reduce burnout among nurses.*

*Methods: Participant were 60 nurses in the emergency department of Qazvin, by using random selection & randomly assigned to two groups: experimental(30) and control(30) groups and completing the Maslach Burnout Inventory & hardiness kobasa and pre-test post-test with control group. Results were analyzed by analysis of covariance.*

*Results: Findings showed that the experimental group mean of job burnout intervention significantly decreased compared to control group.*

*Conclusion: ardiness training in emergency nurses reduces burnout.*

# تاثیر مشاوره ی شناختی-رفتاری بر میزان اضطراب مادران دارای نوزاد بستری در بخش مراقبت های ویژه

معصومه کوچکی[1]، زهره محمودی[2]، سا را اسمعیل زاده ساعیه[3]، کورش کبیر[4]

۱- دانشجو، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج ، ایران

۲- استادیار، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

**نویسنده مسئول:** معصومه کوچکی،**محور:**اختلالات روانپزشکی

**زمینه و هدف:** فشارها و تنش هایی که در زندگی هر فردی وجود دارد باعث ایجاد طیف وسیعی از اختلالات روانی از جمله اضطراب می شود. تولد نوزاد نیازمند مراقبت ویژه یکی از این تنش ها می باشد

**روش کار:** این مطالعه بصورت کار آزمایی تصادفی کنترل شده موازی درسال ۹۵ بر روی ۹۰ زن واجد شرایط مراجعه کننده به بیمارستان کوثرشهر قزوین انجام شد. ابتدا افراد بصورت دردسترس وارد مطالعه شدند و سپس براساس بلوک های تصادفی چهارتایی در دوگروه مداخله و کنترل قرارگرفتند. برای هردوگروه هشت جلسه مشاورهی برگزار گردید.. در ابتدای جلسه ی اول, پایان جلسه ی هشتم و سه هفته پس از پایان مداخله پرسشنامه اضطراب بک در اختیار مادران قرار گرفت, اطلاعات با استفاده از نرم افزار *SPSS (19)*تجزیه تحلیل شدند

**یافته ها:** بر اساس یافته های مطالعه اضطراب مادر در دو گروه مداخله و کنترل قبل از مداخله با یکدیگر تفاوت معناداری نداشتند ($p=0/408$) و ($P=0.881$). طبق آزمون *GEE* مقایسه میانگین نمره اضطراب در دو گروه بلافاصله و سه هفته بعد از مداخله تفاوت معناداری با یکدیگر دارند ($p=0/026$)که با توجه به مقایسه میانگین در گروه مداخله کاهش بیشتر می باشد. نتایج آزمون فریدمن نیز روند کاهش میانگین نمره اضطراب را در سه مرحله تایید نمودند

**نتیجه گیری:** مشاوره تاثیر مثبتی در کاهش میزان اضطراب مادران دارای شرایط خاص می شود. فلذا این روش را می توان جهت بهبود وضعیت مادران دارای شرایط ویژه پیشنهاد نمود

**کلمات کلیدی:** مشاوره, شناختی-رفتاری, اضطراب.

# The impact of cognitive-behavioral counseling on anxiety of mothers of newborns hospitalized in intensive care unit

*Masoume kuchaki [1], Z. Mahmoudi [1], S. Esma'ilzadeh Sayh [1], k.kabir [1]*

*1. Alborz Medical Sciences, Karaj, Iran.*

*Corresponding Author: Masoume kuchaki*

*Introduction: Stresses that in the life of every person there is a wide range of psychiatric disorders including anxiety.*

*Methods: This parallel randomized controlled trial study on 90 women qualified in 95 kosar Hospital in Qazvin. At first, people were enrolled as available and then four in the intervention and control groups were based on random blocks. Eight sessions were held for both groups.*

*Results: According to the study, maternal anxiety in two groups showed no significant difference before intervention encapsulation (p = 0/408 and P = 0.881)The GEE test anxiety scores in the two groups immediately and three weeks after the intervention have significant difference (p = 0/026) by comparing means in the intervention group decreased more.*

*Conclusion: Consulting a positive impact in reducing anxiety of mothers of the particular circumstances. Therefore, this method can be proposed to improve the situation of mothers with special conditions*

# بررسی شیوع اقدام به خودکشی در استان آذربایجان شرقی

عاطفه شادمان[1]، علی حسین زینال زاده چینی بلاغ [2]

۱- ، اردبیل، اردبیل، اردبیل، ایران

۲- استادیار ، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

**نویسنده مسئول:** علی حسین زینال زاده چینی بلاغ

**محور:**اختلالات روانپزشکی

**زمینه و هدف:** خودکشی توسط سازمان جهانی بهداشت یک مسأله مهم بهداشت روانی در کشورهای پیشرفته و در حال رشد شناخته شده است. در این مطالعه شیوع اقدام به خودکشی در استان آذربایجان شرقی بررسی شده است.

**روش کار:** این پژوهش، یک مطالعه توصیفی- مقطعی بوده است. کل موارد خودکشی ثبت شده در استان آذربایجان شرقی از ابتدای فروردین تا آخر اسفند ماه سال ۱۳۸۹ مورد بررسی قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده ازروشهای آماری توصیفی و با به کارگیری نرم افزار $SPSS$ انجام شد.

**یافته ها:** بیشترین موارد خودکشی ثبت شده در جنس زن (۸/۶۲٪)، گروه سنی ۲۴-۱۵ سال (۹/۵۲٪) ، گروه شغلی خانه دار (۲/۴۵٪)، متأهل (۹/۵۱٪)، شهرنشین ها (۴/۷۴٪)، سطح تحصیلات دیپلم (۵/۳۶٪) بود و بیشترین روش مورد استفاده، مسمومیت با دارو(۷/۸۸٪) بود و رفتار خودکشی در شهریور ماه (۵/۱۱٪) و فصل تابستان (۷/۳۱٪) بیشتررخ داده است. در عوامل مرتبط با خودکشی بین سابقه بیماری روانی ($p$(۰۰۱/۰

**نتیجه گیری:** بالا بودن میزان اقدام به خودکشی در استان آذربایجان شرقی، لزوم توجه بیشتر مسئولین جهت تحقیقات ضروری و برنامه ریزی های مدون برای پیشگیری از این معضل را بر می انگیزد.

**کلمات کلیدی:** خودکشی، عوامل خطر، آذربایجان شرقی

# Frequency of in the attempted suicide in East Azerbaijan province

*A. Shadman 1, Ali Hussein Zeynalzadeh Chini bolagh 2*

*1, Ardebil , Iran*

*2. University of Medical Sciences, Tabriz, Iran*

*Corresponding Author: Ali Hussein Zeynalzadeh Chini bolagh*

*Introduction: World Health Organization has recognized suicide behaviors as one of the mental health problems in developed and developing countries. This paper was conducted to determine the prevalence of suicide in East Azerbaijan province.*

*Methods: This paper has been a cross- sectional study. All cases of suicide were evaluated in East Azerbaijan province from 21 March 2010 to 20 February 2011. Data analysis was performed using Descriptive statistics and SPSS software .*

*Results: The most cases of suicide was in women (62/8%), aged group 15-24 years (52/9%), home job group (45/2%), married (51/9%), urban(74/4%), Postgraduate Diploma level (36/5%). And the most used method was drug intoxication (88/7%), and the highest suicide behavior rate was in September (11/5%) and summer (31/7%). From among the factors associated with suicide, the history of mental illness (p*

*Conclusion: The high rate of attempted suicide in East Azerbaijan province, the need for more attention to the research and planning necessary to prevent this problem.*

*Keywords: suicide, East Azerbaijan province*

# بررسی ارتباط مصرف تنقلات کم ارزش با افسردگی در نوجوانان ساکن مناطق با وضعیت اقتصادی-اجتماعی بالا و پایین شهر تهران

نسرین غلامی[1]، آرزو رضازاده[2]، بهناز یعقوبی مقدم[3]

۱- دانشجو کارشناس علوم تغذیه، تهران، دانشجویان علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲- استادیار، کمیته پژوهشی، دانشجویان علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳- دانشجو، انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذ، دانشجویان علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** نسرین غلامی، **محور:**اختلالات روانپزشکی

**زمینه و هدف:** این مطالعه برای تعیین رابطه مصرف تنقلات کم ارزش با سطوح افسردگی در نوجوانان ساکن مناطق با وضعیت اقتصادی-اجتماعی بالا و پایین شهر تهران طراحی شده است.

**روش کار:** در این مطالعه مقطعی، ۲۰۰ نوجوان دختر ۱۳ تا ۱۸ ساله از طریق نمونه گیری تصادفی از مدارس مناطق ۲ و ۱۸ (به ترتیب به عنوان یک منطقه با وضعیت اقتصادی-اجتماعی بالا و پایین) تهران انتخاب شدند. ارزیابی مصرف تنقلات کم ارزش توسط پرسشنامه بسامد خوراک ۲۴ آیتمی نیمه کمی خود اجرا انجام شد. وضعیت افسردگی به وسیله یک پرسشنامه معتبر بک فرم بلند از طریق مصاحبه مورد بررسی قرارگفت. اطلاعات در نرم افزار *spss* وارد شد و از آزمون *chi-square* استفاده شد.

**یافته ها:** میانیگن سنی نوجوانان مورد مطالعه ۱۶,۱۱±۱,۰۹ سال و امتیاز کل افسردگی ۱۲,۳۴±۷,۸۲ بود. میانگین مصرف کل تنقلات کم ارزش در نوجوانان مدارس با وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین بیشتر بود (۲۵,۰۹±۱۲,۹۷ در مقابل ۱۲,۱۵±۲۲,۹۴ سروینگ در هفته). شیوع افسردگی خفیف در مدارس با وضعیت اقتصادی-اجتماعی بالا (۴۱,۴٪ در مقابل ۲۵,۰٪) و شیوع افسردگی متوسط و شدید در مدارس با وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین (۲۶٪ در مقابل ۱۲/۲٪) به طور معنی داری بیشتر بود. اما در هر دو منطقه درصد بیشتری از افراد نرمال یا دارای درجات ملایم افسردگی در پایین ترین سهک و درصد بیشتری از افرادی که افسردگی متوسط و شدید داشتند در بالاترین سهک مصرف تنقلات کم ارزش قرار داشتند

**نتیجه گیری:** مصرف بیشتر تنقلات کم ارزش به طور معنی داری با سطوح بالاتر افسردگی در دانش آموزان دختر نوجوان در هردو گروه با وضعیت اقتصادی-اجتماعی بالا و پایین مرتبط است.

**کلمات کلیدی:** تنقلات کم ارزش، افسردگی، نوجوانان

# Association of Junk Food Consumption with Depression in adolescents living in high and low socio-economic districts of Tehran

***N. Gholami 1, A. Reza zadeh 2, B. yaghubi moghadam 3***
***1. Tehran, students shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.***
***2. Research Committee, students shahid Beheshti Medical Sciences, Tehran, Iran.***
***3. Institute of Nutrition and food, shahid Beheshti Medical Sciences, Tehran, Iran***
***Corresponding Author: N. Gholami***

*Introduction: This study designed to determine the association of junk foods consumption (JFC) with levels of depression in adolescents living in high and low socio-economic districts of Tehran.*

*Methods: In this cross-sectional study, 200 female adolescents aged 13–18 years were selected through a random sampling from a school in district 2 (as a high socioeconomic status [SES] region) and 18 (as a low SES region) of Tehran. JFC was assessed by a 24-items self-adminstered semi-quantitative F.F.Q. Depression staus was assessed by a validated "Beck" long form questionnaire through interview. Data were analysed in Spss software and chi-square test was applied.*

*Results: The mean age of the adolescents was 16.11±1.09 years and total depression score 12.34±7.82. the mean total JFC was higher in low SES school children (25.09±12.97 v.s 22.94±12.15 serving/week). The prevalence of mild depression in high-SES schools (41.4%V.S 25.0%) and prevalence of moderate-to-severe depression in low-SES schools (26% V.S 12.2%) was significantly higher. But in both districts, higher percentage of those with normal or mild degrees of depression were at the lowest tertile and higher percentage of individuals with moderate-to-severe depression were at highest tertile of JFC(p <0.05).*

*Conclusion: High consumption of junkfood significantly associated with high levels of depression in the studied adolescent girls in both high and low SES group.*

# ارتباط الگوی مواد مغذی دریافتی و سرطان پستان در ایران

غزاله اسلامیان[1]

۱- دانشجوی دکتری تخصصی علوم تغذیه، کمیته پژوهشی دانشجویان، دانشکده علوم تغذیه و صنایع، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** غزاله اسلامیان

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** اگرچه در مطالعات گذشته نقش عوامل تغذیه ای به عنوان یکی از عوامل مهم خطر ابتلا به سرطان پستان گزارش شده است، ولی نقش مصرف مواد مغذی به طور کلی در علتیابی سرطان پستان به طور کامل بررسی نشده است. بنابراین هدف از این مطالعه، بررسی رابطه بین الگوهای موادمغذی و ابتلا به سرطان پستان بود.

**روش کار:** در این مطالعه ی مورد ـ شاهدی، تعداد ۸۷ بیمار تازه تشخیص داده شده سرطان پستان (کمتر از شش ماه) بعنوان مورد و ۱۹۸ فرد غیر مبتلا به عنوان گروه شاهد از میان مراجعه کنندگان به بیمارستان، انتخاب شدند.برای تعیین الگوهای مواد غذایی از پرسشنامه بسامد خوراک ۱۶۸موردی معتبر استفاده شد.با استفاده از روش تحلیل عاملی، الگوهای مواد مغذی غالب برای ۳۲ ماده مغذی به دست آمد.سپس نسبت شانس ابتلا به سرطان پستان با الگوهای موادمغذی از طریق رگرسیون لجستیک سنجیده شد.

**یافته ها:** دو الگوی مواد مغذی غالب شناسایی گردید. الگوی اول شامل ریبوفلاوین، نیاسین، پیریدوکسین، تیامین، منیزیم، اسیدپانتوتنیک،کوبالامین، ویتامین $C$، فولات،ویتامین $D$، فیبرکل،سلنیوم، فسفر، ویتامین $E$، منگنز، ویتامین $K$، اسیدهای چرب اشباع، اسیدهای چرب اشباع نشده و پتاسیم بود.الگوی دوم شامل سدیم،کلسترول،چربی اشباع، چربی، بیوتین، کربوهیدرات، آهن،فلوراید، روی، مس،کلسیم و پروتئین بود.پس از تعدیل اثر متغیرهای مخدوشگر مصرف بالاترین سهک مواد مغذی فاکتور اول نسبت به پایین ترین سهک، شانس ابتلا به سرطان پستان را ۵۴٪ کاهش داد ($P = ۰ / ۰۰۴$). در حالیکه افزایش مصرف الگوی مواد مغذی دوم خطر ابتلا به سرطان پستان را ۰۳ / ۲ برابر افزایش داد(نسبت شانس: ۰۳ / ۲،فاصله اطمینان ۹۵٪: ۳۶ / ۲ – ۵۱ / ۱).

**نتیجه گیری:** نتایج حاصل از مطالعه حاضر،نقش احتمالی الگوی مواد مغذی را در کاهش خطر ابتلا به سرطان پستان را پیشنهاد می کند.

**کلمات کلیدی:** الگوی مواد مغذی دریافتی، سرطان پستان، تحلیل عاملی

# Nutrient pattern in relation to the breast cancer

*1 Ghazale Islamian1- PhD student, Student Research Committee, School of Nutrition Science and Industry, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.*

*Introduction: Although nutrition has consistently been found to be an important determinant of the breast cancer risk, the impact of overall nutrient intakes in the etiology of breast cancer has not been thoroughly investigated.The aim of this study was to examine the relationship between nutrient patterns and breast cancer.*

*Methods: Data on lifestyle and diet were collected from the 87 newly diagnosed breast cancer premenopausal women and198five-year age matched controls.All cases were considered for inclusion if breast cancer diagnosis occurred less than six month before interview and if no history of other\'s cancers.Dietary intakes were obtained using a validated semi-quantitative food frequency questionnaire with168 food items. Principal component analysis was conducted on the basis of32nutrients.Multivariate odds ratios(ORs)and95%confidence intervals(CIs)for nutrient patterns were adjusted for age and other major relevant covariates.*

*Results: The mean age of the cases and controls was 36.5(SD7.9)and36.8(SD7.1) years, respectively. Factor-loading matrix for the two retained factors was determined. These factors explained64.3% of the total variance in the original dataset. Factor 1 explained 32.7% of the total variance and had high loadings for riboflavin,niacin, pyridoxine, thiamin, magnesium, pantothenic acid, cobalamin, vitaminC, folate, vitaminD, total fiber,selenium, phosphorus, vitaminE, manganese,vitaminK, monounsaturated fatty acids, polyunsaturated fatty acids and potassium. Factor2displayed high loadings for sodium,cholesterol,saturated fatty acid,fat,biotin, carbohydrate, iron, fluoride, zinc, copper, calcium and protein. After adjustment for potential confounders,participants in the highest tertile of the Factor1, had54%lower risk of breast cancer compared to those in the lowest one(p-trend:0.004). Being in the highest tertile of the Factor2 was positively associated with the breast cancer(OR:2.03,95%CI:1.51-2.36).*

*Conclusion: The results of the present study suggested a possible role for a nutrient pattern including in reducing the risk of breast cancer.*

*Keywords: Nutrient pattern, Breast Cancer*

# عوامل موثر بر بروز سرطان سینه

میترا یگانه[1]، لیلا عبدالهی[2]، آرزو اصغری[3]، حمیده کوشا[4]، ملیحه طالبی[5]

۱- کارشناس بیماریهای غیر واگیر، معاونت بهداشتی، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۲- کارشناس بیماریهای غیر واگیر، معاونت بهداشتی، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۳- کارشناس تغذیه، معاونت بهداشتی، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۴- کارشناس بهداشت پرستاری ومامایی، معاونت بهداشتی، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۵- کارشناس بیماریهای غیر واگیر، معاونت بهداشتی، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

**نویسنده مسئول:** میترا یگانه، **محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** سرطان سینه شایعترین بدخیمی و علت مرگ ناشی از سرطان در زنان می باشد. برخی عوامل خطرزای شناخته شده در بروز این سرطان عبارتند از: بالا رفتن سن، عوامل ژنتیکی، سابقه ی خانوادگی سرطان، عوامل هورمونی، سن شروع یائسگی، عدم سابقه ی زایمان یا زایمان اول تا سن ۳۳ سالگی، عوامل تغذیه ای ، مصرف سیگار، چاقی، مصرف رژیم غذایی پرچرب و کم فیبرشناخت عوامل خطر و کنترل آنها پیشگیری از بروز سرطان سینه را امکان پذیر می سازد.

**روش کار:** این مطالعه، مروری بر مقالات در مورد بررسی ارتباط بین عوامل تغذیه ای و سرطان سینه در پایگاه های داده ای *pubmed*،*Science Direct*،*Google Scholar* مورد بررسی قرار گرفتند.

**یافته ها:** خطر ابتلا به سرطان سینه با افزاش سن، افزاش می یابد.سن پائین شروع قاعدگی، بارداری در سنین بالا، کوتاهی مدت شیردهی و استفاده از قرص های بارداری در ابتلا زنان به این بیماری نقش دارند. تغیراتی که در طی یک حاملگی در بافت سینه رخ می دهد افراد را نسبت به سرطان سینه مقاوم تر می نمایند. حاملگی در سنین پائین، خطر ابتلا به سرطان سینه را کاهش می دهد. چاقی سبب افزایش ابتلای زنان به سرطان سینه می شود. الگوی غذایی سالم اثر محافظت کننده در مقابل بروز سرطان سینه دارد.

**نتیجه گیری:** با توجه به قابل پیشگیری بودن برخی عوامل خطر سرطان سینه می توان با اصلاح سبک زندگی و رعایت الگوی غذایی سالم از شیوع این بیماری کاست.

**کلمات کلیدی:** سرطان پستان، عوامل موثر

# Factors affecting the incidence of breast cancer

*Mitra yeganeh[1], Leyla Abdollahi[1], Arezu Asghari[1], Hamida kusha[1], Malihe talebi[1]*

*1-Tabriz university of medical science*

*Corresponding Author: Mitra only*

*Introduction: Breast cancer is the most common cancer and cause of cancer death in women. Some known risk factors in the development of this cancer include age, genetic factors, family history of cancer, hormonal agents, onset of menopause, with no history of childbirth or first childbirth at the age of 33 years, dietary factors, smoking, obesity, high-fat and low-fiber diet recognize the risk factors and their control prevent breast cancer makes possible.*

*Methods: This review of the literature on the relationship between dietary factors and breast cancer databases pubmed, Science Direct, Google Scholar were examined*

*Results: Breast cancer risk with increasing age, increasing the Yabd.sn down the onset of menstruation, pregnancy, age, short-term breastfeeding and the use of contraceptive pills in women with this disease are involved. Changes that occur during pregnancy in breast tissue of breast cancer patients are more resistant. Pregnancy at an early age reduces breast cancer risk. Obesity may increase the risk of breast cancer in women. Healthy dietary pattern protective effect against breast cancer*

*Conclusion: Given the preventable nature of some breast cancer risk factors can be modified by lifestyle and follow a healthy diet reduced the incidence of the disease*

*Keywords: breast cancer.Factors affecting*

# مطالعه دموگرافیک سرطانهای دستگاه گوارش در شمال شرق ایران:گزارش ۱۲۰۰۰ بیمار

مریم صالحی[۱]، حکیمه باصری[۲]، سودابه شهید ثالث[۳]، سید امیر آل داوود[۴]

۱- عضو هیئت علمی، بیمارستان قائم، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- دستیار تخصصی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد ، مشهد، ایران

۳- عضو هیئت علمی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد ، مشهد، ایران

۴- عضو هیئت علمی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

**نویسنده مسئول:** مریم صالحی

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** مطالعه حاضر با هدف تعیین فراوانی نسبی، میانگین سنی و نسبت جنسی چهار نوع سرطان دستگاه گوارش در میان ۱۲،۰۰۰ بیمار مراجعه کننده به دو مرکزارجاع انکولوژی،در ایران شهر مشهد طی سال ۱۹۸۵-۲۰۱۲ انجام شد.

**روش کار:** در این مطالعه مقطعی داده ها از ۱۱،۴۷۱ بیمار مبتلا به سرطانهای مری، معده، روده کوچک و کولورکتال به دست آمد. مطالعه به پنج دوره ۱۹۸۵-۱۹۹۰، ۱۹۹۱-۱۹۹۵، ۱۹۹۶-۲۰۰۰، ۲۰۰۱-۲۰۰۵ و بعد از ۲۰۰۶ طبقه بندی شد.

**یافته ها:** همه دوره ها سرطان مری شایعترین نوع بود(۵۷۴۴مورد،فراوانی نسبی۵۰,۱٪) که بدنبال آن سرطانهای معده(۳۰٪)، کولورکتال(۱۸,۴٪) و روده کوچک (۱,۶٪) بودند.درپنج دوره زمانی فراوانی نسبی سرطانهای گوارش تفاوت معنی داری داشت ($p<0.001$) و فراوانی نسبی سرطان مری کاهش ولی کولورکتال افزایش داشت.میانگین سن در زمان تشخیص۱۳,۵± ۵۹,۹ سال بود(مرد: ۶۰,۹±۱۳,۵،زن: ۵۸,۳±۱۳,۲).میانگین سنی سرطانهای مری،معده،روده کوچک و کولورکتال به ترتیب۶۱,۸±۱۲،۶۱,۸±۱۱,۹،۴۲,۴و۲۱,۵±۵۳,۱و۱۵,۳ سال بود که با یکدیگر و بر حسب جنس نیز تفاوت معنی دار داشتند( $P<0.001$). در پنج دوره زمانی میانگین سنی در بین انواع سرطانها بطور معنی داری افزایش یافته بود ($P<0.001$) و برای تمام سرطانها بجز کولورکتال در مردان بطور معنی داری بالاتر بود ($P<0.001$)نسبت جنسی مرد به زن برای مری، معده، روده کوچک و کولورکتال به ترتیب ۰,۷۴، ۲,۰۶ ، ۰,۹۳ و۰,۸۱بود.

**نتیجه گیری:** سرطان مری شایع ترین سرطان در تمام طول مطالعه بود. در زمان تشخیص کانسرها از نظر فراوانی نسبی، میانگین سنی و جنسیتی تفاوت معنی داری نشان دادند و سن بیماران با سرطانهای مری و معده در حدود ۶۰ سال و کولورکتال در حدود ۵۰ سال بود.

**کلمات کلیدی:** سرطان دستگاه گوارش – مطالعه دموگرافیک - ایران - مشهد

# Demographic study of gastrointestinal cancers, in north east of Iran: report of twelve thousand patients

***Corresponding Author: Maryam Salehi***

***Introduction: This study was aimed to determine the relative frequency, mean age and sex ratio of the four types of gastrointestinal cancers(GI)among 12,000 patients referred to two referral centers of Oncology,1985-2012 in Mashhad, Iran***

*Methods: This cross- sectional study was conducted on11471 patients with GI cancers include: esophageal, stomach, intestinal and colorectal.The duration of study was categorized into five periods:1985-1990,1991-1995,1996-2000,2001-2005 and after 2006.*

*Results: Esophageal cancer(5,744 cases, relative frequency of 50.1%) was the most frequent cancer overall and in all intervals followed by stomach(30%), colorectal(18.4%) and intestinal(1.6%).Relative frequency of GI cancers had significant differences among five intervals(p <0.001),the relative frequency of esophageal cancer was decreasing but in colorectal cancer was increasing during 3 decades.Mean age at the time of diagnosis was 59.9±13.5years(male: 60.9±13.5, female: 58.3±13.2).There was significant difference in mean age for all cancers dividing by sex(p <0.001).Mean age of esophageal, stomach, intestinal and colorectal cancers was 61.8±12, 61.8±11.9, 42.4±21.5, 53.1±15.3 years, respectively that had significant differences(p <0.001).Mean age of all cancers was significantly rising during 5 periods intervals(p <0.001).Mean age at the time of diagnosis for all cancers except colorectal cancer, was significantly higher in men (p <0.001).Male to female sex ratios for esophageal, stomach, intestinal and colorectal cancers were 0.74, 2.06, 0.93 and 0.81 respectively.*

*Conclusion: Esophageal cancer was the most common GI cancer in the whole duration of this study. Gender differences observed in the relative frequency and in the mean age.Age at diagnosis for esophageal and stomach cancers was about 60 years and for colorectal cancer about 50 years*

*Keywords: Gastro intestinal cancer - demographic study- Iran – Mashhad*

# مهم ترین عوامل خطر سرطان پستان از نظر زنان ۶۵-۲۰ ساله اصفهان در سال ۱۳۹۱

مرضیه محبوبی[۱]، قاسم یادگارفر[۲]، فاطمه ابراهیمی[۳]، پژمان اقدک[۴]، مهناز مستأجران[۵]

۱- ، ، علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

۲- دانشیار، گروه اپیدمیولوژی و آمارزیستی، دانشک، علوم پزشکی اصفهان، اصفهان ، ایران

۳- ، گروه اپیدمیولوژی و آمار، علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

۴- ، معاونت بهداشتی، علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

۵- کارشناس ، معاونت بهداشتی، علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

**نویسنده مسئول:** مرضیه محبوبی، **محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** سرطان پستان شایع‌ترین بدخیمی شناخته‌شده در زنان است. عوامل خطر متعددی در ابتلا به سرطان موثر هستند. آگاهی درست از این عوامل خطر موجب مشارکت بیشترزنان در اقدامات تشخیصی شود. هدف از این مطالعه تعیین مهم‌ترین عوامل خطر سرطان پستان از دیدگاه زنان اصفهانی است.

**روش کار:** این مطالعه مقطعی بر روی ۱۰۰۰۰زن ۲۰ تا ۶۵ ساله شهرستان اصفهان در سال ۱۳۹۱ انجام شد.زنان از طریق مصاحبه به سئوالات پاسخ دادند. پاسخ صحیح به هر سه عامل خطر قوی سرطان پستان(افزایش سن،سابقه ابتلا به سرطان پستان در خانواده و سابقه داشتن توده خوش خیم) به عنوان سطح مطلوبی از آگاهی در نظر گرفته شد.رگرسیون لجستیک برای تعیین عوامل مرتبط با آگاهی مطلوب از عوامل سرطان پستان استفاده شد.

**یافته ها:** ۹۶۲۰ زن با میانگین سنی ۵/۳۷ سال در مصاحبه شرکت کردند.مهم ترین عوامل خطر از دیدگاه زنان ،سابقه ابتلا به سرطان پستان در خانواده (۸۱٪)، سابقه داشتن توده خوش خیم (۶۴٪)، و مصرف مشروبات الکلی (۵۸٪) گزارش شد.۷۸درصد از زنان شیردهی به نوزاد و۷۶ درصد، بارداری را عامل خطر سرطان دانسته و ۷۵ درصد مجرد بودن را به عنوان عامل خطر ذکر نکردند.۳۵٪ زنان (۳۲۴۲)آگاهی مطلوب از عوامل خطر سرطان پستان داشتند. تحصیلات دانشگاهی و وضعیت تأهل نسبت به تجرد، به عنوان پیش بینی کننده های آگاهی مطلوب از عوامل خطر سرطان پستان مشخص شد.

**نتیجه گیری:** با توجه به شیوع پایین آگاهی مطلوب از عوامل خطر سرطان پستان و بالا بودن آگاهی نادرست، نیاز به اقدام فوری سیستم بهداشتی کشور جهت آموزش پستان به زنان می باشد.

**کلمات کلیدی:** عوامل خطر،سرطان سینه،شیوع

# The most important risk factors for breast cancer for the women of 65-20 years old in 1391

***Corresponding Author: Marzieh Mahboubi***

*Introduction: Breast cancer is the most common malignant among women. Several risk factors involve in developing breast cancer. Correct knowledge on these risk factors can lower the risk. This study aimed to determine the most important risk factor form Isfahanian women perspective*

*Methods: This cross-sectional study carried out on 10,000 women aged 20-65 years old, in 2012 in Isfahan. Women attended a face-to-face interview answering questions on breast cancer risk factors. The prevalence of correct answer on each risk factors was separately calculated. Correct answers to three risk factors, age, family history and history of having benign tumor was defined as good knowledge on breast cancer risk factors. Logistic regression was performed to explore predictors of good knowledge on breast cancer risk factors.*

*Results: 9,620 with mean age of 38 years took part in the interview. The most important risk factor was reported as family history of breast cancer (81%), having history of benign tumor (64%) and drinking alcohol(58%).78% of women thought breast feeding is a risk factor for breast cancer; pregnancy by 76% and being single by 75%. 35%(3242) women had good knowledge on breast cancer risk factors. Adjusted logistic regression indicated university education, and marital status (married against single) as predictors of good knowledge.*

*Conclusion: Prevalence of good knowledge on breast cancer risk factors is low and misunderstanding is high. It is vital National Health Services plans an urgent action to train women for breast cancer risk factors and remove misunderstandings.*

# تاثیر زندگی در محیط شهری بر سرطان پستان در ایران

کامبیز عباچی زاده[1]، عبدالرضا مرادی کوچی[2]، علی قنبری مطلق[3]، احمد کوشا[4]

۱- هیئت علمی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ش، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران، تهران، ایران

۲- پزشک، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ش، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران، تهران، ایران

۳- هیئت علمی، بیمارستان امام حسین، دانشگاه علوم پ، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران، تهران، ایران

۴- هیئت علمی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

**نویسنده مسئول:** کامبیز عباچی زاده، **محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** سرطان پستان، دومین عامل مهم مرگ در زنان می باشد. با توجه به نقش عوامل محیطی در ایجاد سرطان پستان در دهه های اخیر، تاثیر شهریت بر بروز سرطان پستان بررسی شده است.

**روش کار:** تحقیق حاضر، با استفاده از آخرین اطلاعات در دسترس پالایش شده نظام ثبت سرطان که در زمان تحقیق مربوط به سال می شد، تعداد ۸۳۳۳ مورد سرطان پستان (۲۵۹ مرد و ۸۰۷۴ زن) مورد بررسی قرار گرفت. اطلاعات جمعیتی بر اساس سرشماری عمومی ۱۳۹۰ توسط مرکز آمار ایران استخراج و میزان بروز استاندارد شده سنی *(Aged Standardized Rate: ASR)* کشور، مراکز استان ها و کلانشهرها (به صورت یک مجموعه) تعیین شد. همبستگی *ASR* و نسبت جمعیت شهرنشین در استانها سنجیده شد.

**یافته ها:** میزان بروز استاندارد شده کل کشور برای جمعیت زنان ۲۴٫۶۱ در ۱۰۰،۰۰۰ به دست آمد. *ASR* مختص مراکز استان ها، ۳۳٫۰۹ و مناطق غیر مراکز استانها، ۱۴٫۹۹ به دست آمد. *ASR* مختص کلانشهرها ۳۴٫۵۷ و مناطق غیر کلان شهر، ۱۸٫۶ به دست آمد. ضریب همبستگی پیرسون بین نسبت شهرنشینی در استان ها و *ASR*، ۰٫۷ به دست آمد.

**نتیجه گیری:** میزان بروز سرطان پستان در مراکز استانها به نسبت مناطق غیر مرکز استان، و در کلانشهرها به نسبت مناطق غیر کلانشهر، حدود دو برابر است. به نظر میرسد بروز سرطان پستان در زنان ایرانی با شهرنشینی رابطه مستقیم دارد. مطالعات حاضر عمدتا بیانگر همراهی بین پدیده شهریت و بروز سرطان پستان می باشد و لازم است برای مشخص کردن دقیق علیت بین این دو پدیده مطالعات بیشتر انجام گیرد.

**کلمات کلیدی:** *Breast cancer, Urbanization, Iran*

# Effects of living in an urban environment on breast cancer in Iran

***Corresponding Author: Kambiz Abachy zadeh***

*Introduction: Breast cancer is the second most important factor leading to death among females. The probability of death from breast cancer is about 3% for each woman. Considering the role of environmental factors on breast cancer incidence, we attempted to examine the effect of urbanization on breast cancer.*

*Methods: Based on the last available data of Iran cancer registry in 2009 at the time of our study (2015), the total of 8333 breast cancer cases (259 males and 8074 females) were examined. The demographic characteristics were determined based on national census conducted by Iran Statistics Center in 2011. The ASR (Age Standardized Rate) for the whole country, center of provinces and metropolises; and the correlation between breast cancer ASR and urbanization was determined.*

*Results: ASR for total population of females was 24.61 in 100,000 persons. All province capitals were considered as a whole and ASR was determined 33.09 and ASR for non-capital area was 14.99. Metropolises were also considered as a whole and ASR was 34.57 and ASR for non-metro areas was determined 19.6. The correlation between the rate of Urbanization and the ASR values was 0.713.*

*Conclusion: The incidence of breast cancer of center of provinces and metropolises are approximately two times more than other areas. It seems there is direct relationship between urbanization and breast cancer. The recent study shows the association between urbanization and breast cancer. To reveal causality between urbanization and breast cancer incidence, it is necessary to conduct more powerful studies like longitudinal cohorts.*

# ارزیابی برنامه غربالگری افراد در معرض خطر سرطان کولورکتال در شهر اراک

جواد جواهری[1]، مهدیه فرامرزی[2]، مینا عسگری[3]

۱- سرپرست علوم پزشکی، خمین، علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

۲- کارشناس، اراک، علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

۳- مربی، خمین، علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

**نویسنده مسئول:** جواد جواهری، **محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** بر طبق گزارشات، میزان بروز سرطان کولورکتال در ایران در طی ۲۵ سال اخیر روند رو به رشدی داشته، اما اطلاعات موجود نشان می دهد که این بیماری در مقایسه با کشورهای غربی جمعیت جوان تری از کشور ما را تحت تأثیر خود قرار داده است

**روش کار:** وابستگان درجه اول ۱۱۴ بیمار مبتلا به سرطان کولورکتال که ۸۲۶ نفر بودند برای انجام غربالگری از نظر تشخیص سرطان کولورکتال بوسیله کولونو سکپی دعوت شدند. اطلاعات سن، جنس، سابقه فامیلی مثبت، سوابق پزشکی و... که در فرم های مخصوص غربالگری سرطان کولورکتال برای این افراد ثبت شده بود مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت .

**یافته ها:** از بین مراجعه کنندگان در معرض خطر ابتلا، ۱۰ نفر( ۲/۳۶ ٪) دارای ضایعه بودند که ۷ نفر (۱/۲۶٪) مبتلا به سرطان کولورکتال شناخته شدند. همچنین در کولونوسکوپی انجام شده در ۳ نفر ( ۷۴/. ٪ ) از مراجعه کنندگان پولیپ تشخیص داده شد. این میزان ضایعات یافت شده در حدود یک دهم موارد مشابه در سایر مطالعات است. عدم مراجعه افراد در معرض خطر سرطان برای انجام غربالگری با شغل و تحصیلات آنها رابطه معنی دار آماری را نشان داد. ($P$ <۰/۰۰۱).

**نتیجه گیری:** میزان ضایعات یافت شده(پولیپ و سرطان) به طور قابل توجهی از سایر مطالعات مشابه کمتر است . باید مشخص شود آیا این میزان پایین ناشی از نقص در اجرای برنامه غربالگری می باشد و یا اینکه اساساً فراوانی این ضایعات در افراد منطقه پایین است

**کلمات کلیدی:** سرطان کولورکتال، غربالگری، افراد در معرض خطر، فامیل درجه یک

# Evaluation of people with Colorectal cancer risk screening program in Arak

***Javad Jowhari, Mahdieh Faramarzi, Mina Asgari***
***Corresponding Author: Javad Jowhari***

*Introduction: Evidence shows that colorectal cancer (CRC) has growing trend in Iran during the last 25 years, but current data represent in comparison with western countries this cancer has been affected younger people in Iran*

*Methods: Study type was analytical cross-sectional one that examined first degree relatives of colorectal cancer patients (target population) were at risk of developing this cancer. These people were recruited for screening colorectal cancer in Arak Amirolmomenin 's hospital. As colorectal cancer screening program had been started since 2009 on Arak city and information of screened people were registered and gathered in special forms and files, we collect data from those databases.*

*Results: Of 826 people who recruited to colonoscopy screening of colorectal cancer, 432(52.3%) were accepted the procedure. From screened persons, 10(2.36%) had lesions which 7(1.26%) of them had cancer and 3(0.74%) polyps. This figure is one tenth of similar studies. There was statistically significant association between job and education with non-adherence for participation in CRC screening program (P<0.001).*

*Conclusion: The prevalence of lesions (cancers or polyps) that founded in this study were markedly lower than studies all over the words. This difference must be identified by reviewing the diagnostic precision .It must be clarified whether the screening program have shortcomings or really the prevalence of lesions in area population are low, and if it true the screening program for CRC in this area should be seriously revised in aspect of cost- benefit and continuation.*

*Keywords: colorectal Cancer, screening, people at risk, first degree relative*

# عوامل اجتماعی تعیین کننده سلامت و بقای پنج ساله سرطان روده بزرگ

محمد علی حیدرنیا[۱]، عصمت داوودی منفرد[۲]، پروین یاوری[۳]، مریم محسنی[۴]

۱- دانشیار، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، شهید بهشتی، تهران، ایران

۲- استادیار، علوم پزشکی بقیه الله، بقیه الله، تهران، ایران

۳- استاد، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، شهید بهشتی، تهران، ایران

۴- استادیار، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، شهید بهشتی، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** محمد علی حیدرنیا، **محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** مطالعه جهت شناخت ارتباط عوامل اجتماعی تعیین کننده سلامت با بقای سرطان روده بزرگ طراحی شد.

**روش کار:** مطالعه، توصیفی ۵۸۰ بیمار مبتلا به سرطان روده بزرگ که از اول فروردین ۱۳۸۴ تا آخر آبان ۱۳۸۵ در مرکز تحقیقات سرطان شهدای تجریش ثبت شدند تحقیق با استفاده از پرسشنامه که با تماس تلفنی با بیماران پر شد. تجزیه و تحلیل با نرم افزار *SPSS* نسخه ۱۹ برای تحلیلهای توصیفی و نرم افزار *STATA* برای تحلیلهای بقا شامل آزمون *log rank* و رگرسیون کاکس سه مرحله ای انجام گرفت.

**یافته ها:** بیماران با محدوده سنی ۲۳ تا ۸۸ سال و میانگین سنی ۶۳ سال بررسی شدند. پس از پنج سال ۶۷,۳٪ بیمار زنده و۳۲,۷٪ بیمار فوت شدند. در آزمون *log rank*، تفاوت معناداری بین سطوح متفاوت توزیع بقای کاپلان مایر بر حسب متغیرهای سن، جنسیت، نوع شغل، منطقه شهرداری محل سکونت و سرپرست دوران کودکی(داشتن پدر و مادر)، محل سرطان، گرید، انجام کامل درمان، انجام کامل پیگیری، سابقه بیماری مزمن (ارتباط معکوس) و سابقه خانوادگی سرطان وجود داشت ($p$ >۰/۰۵). در رگرسیون کاکس سه مرحله ای بقای پنج ساله با سن ($HR=0.39$ , $P=0.032$)، نوع شغل($HR=1.7$, $p=0.001$) ، منطقه شهرداری محل سکونت($HR=3.49$, $p=0.018$) ، ,داشتن والدین در کودکی ($HR=2.87$, $p=0.012$)محل سرطان ( $HR=2.16$, $p\<0.033$) و انجام کامل درمان($HR=5.96$, $p\<0.001$) ارتباط داشت.

**نتیجه گیری:** از آنجایی که عوامل اجتماعی تعیین کننده سلامت در بقای پنج ساله سرطان نقش دارند ، بهتر است علاوه بر تمرکز بر پیشرفت های درمانی، تاملی جدی بر این عوامل تاثیرگذار بر بقای سرطان روده بزرگ شود

**کلمات کلیدی:** - *Social Determinant Of Health Colorectal Cancer Survival*

# Social determinants of health and five-year survival of colon cancer

***Muhammad Ali Heidarnia, Esmat Monfared Davoudi, Parvin Yavari, Maryam Mohseni***
***Corresponding Author: Muhammad Ali Heidarnia***

*Introduction: we assess the relationship between social determinants of health and colon cancer survival.*

*Methods: This is a cross-sectional, descriptive study for patients with colon cancer registered in the Cancer Research Center , from April 2005 to November 2006, performed using questionnaires filled by telephone interview with patients for descriptive analysis and STATA software for survival analysis including log rank test and three step Cox Proportional Hazard regression.*

*Results: 580 patients ages ranging from 23 to 88 years with mean± standard deviation of 63±11.8 years were included in the study. The five year survival was 68.3%. the Cox proportional hazard regression showed 5-year survival was related to age (HR=0.53, p=0.042 in first step, gender (HR=0.60, p=0.006. in second step, job (HR=1.7, p=0.001. Region of residency (HR=3.49, p=0.018. Parents in childhood (HR=2.87, p=0.012 anatomical cancer location (HR=2.16, p<0.033 for colon versus rectal cancer) and complete treatment (HR=5.96, p<0.001 for incomplete versus complete treatment).*

*Conclusion: Social determinants of health have significant effects in 5-year survival of colon cancer and it may be better to consider these factors in addition to developing cancer treatment*

# بررسی توزیع پراکندگی جغرافیایی سرطان مری ورکتوم و مقایسه آنها در بیمارستان های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی در سال ۹۲

پری ناز رضاپور[۱]، ر علی اصغر پیوندی[۲]، ایاد بهادری[۳]، علیرضا ابدی[۴]، فرزاد تاجدینی[۵]، محمدرضا سهرابی[۶]

۱- رزیدنت، دانشکده پزشکی، شهید بهشتی، تهران، ایران

۲- رییس دانشکده، دانشکده پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳- استاد، دانشکده پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۴- استاد، دانشکده پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۵- رزیدنت، دانشکده پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۶- استاد مدیرگروه، دانشکده پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** پری ناز رضاپور، **محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** سرطان سومین عامل مرگ و میر در سطح جهان محسوب میشود. سرطان گوارش در ایران شایعترین سرطان است. هدف از انجام مطالعه، تعیین توزیع پراکندگی جغرافیایی سرطان مری و رکتوم دربیماران بستری در بیمارستان های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی درسال ۱۳۹۲ بود .

**روش کار:** در مطالعه توصیفی ، ۷۱ بیمار مبتلا به سرطان مری و ۱۰۴ بیمار مبتلا به سرطان رکتوم بزرگتر از ۱۸ سال بستری در بیمارستان های آموزشی وابسته به دانشگاه شهید بهشتی استان تهران از مهر ۹۲ تا اسفند ۹۲ مورد بررسی قرارگرفت. داده ها از پرونده های پزشکی و نرم افزار ثبت داده ها استخراج شد. از آمار توصیفی استفاده شد وتحلیل با نرم افزار *SPSS 16* انجام شد.

**یافته ها:** از ۱۰۴ بیمار با سرطان رکتوم ، ۵۲ نفر زن و ۵۲ نفر مرد بودند و میانگین سنی بیماران ۶۰,۱ سال بود.از این تعداد ۹۹ نفر بیمه و ۵ نفر آزاد بود. ساکنین تهران ۶۳ نفر، حومه تهران۱۴ نفر و سایر شهرستانها ۲۷ نفر بود. از تعداد ۷۱ بیمار با سرطان مری ، ۳۱ نفر زن و ۴۰ نفر مرد بود . میانگین سنی بیماران ۶۱,۵ سال بود. از این تعداد ۶۷ نفر بیمه و ۴ نفر آزاد بود . ساکنین تهران ۲۵ نفر، حومه تهران۲۰ نفر و سایر شهرستانها ۲۶ نفر بود.

**نتیجه گیری:** شیوع سرطان مری نسبت به سرطان رکتوم در حومه شهر تهران بالاست و نیاز به بررسی بیشتر دارد.

**کلمات کلیدی:** سرطان مری ، سرطان رکتوم، توزیع جغرافیایی

# The geographical distribution of esophageal and rectal cancer and comparing them in the hospitals of Shahid Beheshti University of Medical Sciences .tehran's Iran - 1392 (Persian Calender)

***Parinaz Rezapour [1], Ali asghar peyvandi [2], Ayad Bahadori [3], Alireza Abadi [4], Farzad Tajdiny [5], Mohamad Reza Sohrabi [6]***

***1. Resident, Faculty of Medicine, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran***
***2. The Dean, Faculty of Medicine, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran***
***3. Professor, Faculty of Medicine, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran***
***4. Professor, Faculty of Medicine, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran***
***5. Resident, Faculty of Medicine, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran***
***6. professor, head of department, Faculty of Medicine, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran***

*Correspondig Author: Parinaz Rezapour*

*Introduction: Cancer is the third leading cause of death in the world. Gastrointestinal cancer is the most common cancer in Iran.The aim of this study was to determine the geographical distribution of the esophagus and rectum cancer patients admitted to hospitals of Shahid Beheshti University of Medical Sciences ,Tehran's Iran*

*Method: This descriptive analytical studied 71 patients diagnosed with esophageal cancer And 104 patients diagnosed with rectal cancer which were older than 18 years hospitalized in teaching hospitals affiliated to Shahid Beheshti University from Mehr 92 to Esfand 92 in Tehran province. Data was extracted from medical records and HIS's hospital. Descriptive statistics were used by SPSS 16 software.*

*Result:104 patients with rectal cancer, 52 females and 52 males were with a mean age of 60.1± 12.9. Tehran's residents were 63 , Tehran's suburb were 14 and other cities were 27 patients .Of the 71 patients with esophageal cancer ,there were 31 women and 40 men. The mean patient 's age was 61.5± 12.5. Tehran residents were 25 people, Tehran's suburb were 20, and 26 patients were from other cities*

*Conclusion: The incidence of esophageal cancer in a suburb of Tehran was more than rectal cancer and needs to be investigated further more.*

*keywords: Colon cancer,Esophageal cancer,Geographic distribution*

# بررسی هزینه پرداختی در بخش دارو بیماران سرطان مری بستری در بیمارستان های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی تهران در سال ۹۲

پری ناز رضاپور[۱]، علی اصغر پیوندی[۲]، ایاد بهادری[۳]، علیرضا ابدی[۴]، فرزاد تاجدینی[۵]، محمدرضا سهرابی[۶]

۱- رزیدنت، دانشکده پزشکی، شهید بهشتی، تهران، ایران

۲- رییس دانشکده، دانشکده پزشکی، شهید بهشتی، تهران، ایران

۳- استاد، دانشکده پزشکی، شهید بهشتی، تهران، ایران

۴- استاد، دانشکده پزشکی، شهید بهشتی، تهران، ایران

۵- رزیدنت، دانشکده پزشکی، شهید بهشتی، تهران، ایران

۶- استاد مدیرگروه، دانشکده پزشکی، شهید بهشتی، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** پری ناز رضاپور **محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** سرطان با بیش از ۱۲ میلیون مورد جدیدونزدیک به ۷٫۶ میلیون مرگ در سال ۲۰۰۸ سومین عامل مرگ و میر در سطح جهان محسوب میشود. در جهان هشتمین سرطان شایع است و در ایران رتبه دوم در مردان و سوم در زنان است. این پژوهش به بررسی هزینه پرداختی در دارو بیمار مبتلایان به کانسر مری دربیماران بستری در بیمارستان های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی درنیمه دوم سال ۹۲ پرداخت .

**روش کار:** نوع مطالعه توصیفی است. بیماران بالای ۱۸ سال مبتلا به سرطان مری بستری در بیمارستانهای آموزشی وابسته به دانشگاه شهیدبهشتی در نیمه دوم سال ۹۲ بررسی شدند.تعداد بیماران مورد مطالعه در مجموع ۷۱ نفر بود. اطلاعات هزینه به وسیله شماره پرونده بیمار از واحد حسابداری و انفورماتیک در اختیار قرار گرفت .در نهایت تحلیل با استفاده ازنرم افزار*S P S S 16* انجام شد و از آمار توصیفی استفاده شد.

**یافته ها:** از تعداد۷۱ بیمار ، ۳۱ نفر زن و ۴۰ نفر مرد بود میانگین سنی بیماران ۶۱٫۵ سال بود.از این تعداد ۶۷نفر بیمه و ۴ نفر آزاد بودو میانگین هزینه پرداختی دارو در بیماران سرطان مری ۹۸۴۰۸۹ تومان و هزینه کل پرداختی دارو توسط بیمار۲۰۲۸۹۴۷ تومان بود که نسبت کل هزینه صرف شده در بخش دارو به هزینه پرداختی دارو توسط بیمار ۴۸٪ بود.

**نتیجه گیری:** هزینه های کمر شکن و میزان هزینه بالای پرداخت شده توسط بیمار درقسمت دارو در سرطان مری ، ضرورت نیازبیش از پیش بررسی هزینه هاو کمک مسوولان بهداشتی را در جهت تامین قسمتی از این هزینه آشکار کرد

**کلمات کلیدی:** هزینه پرداختی بیمار ، سرطان مری، دارو

*word :Esophagial cancer,* ***Out- of- Pocket Payment 's medication of patients with esophageal cancer admitted in hospitals of Shahid Beheshti University, Tehran province- 1392 (Persian Calender)***

***Parinaz Rezapour [1], Ali asghar peyvandi [2], Ayad Bahadori [3], Alireza Abadi [4], Farzad Tajdiny [5], Mohamad Reza Sohrabi [6]***

***1. Resident, Faculty of Medicine, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran***
***2. The Dean, Faculty of Medicine, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran***
***3. Professor, Faculty of Medicine, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran***
***4. Professor, Faculty of Medicine, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran***
***5. Resident, Faculty of Medicine, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran***
***6. professor, head of department, Faculty of Medicine, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran***

*Correspondig Author: Parinaz Rezapour*

*Introduction: With more than 12 million new cases of cancer and nearly 7.6 million deaths in 2008, esophageal cancer is the third leading cause of death in the world. It is the eighth most common cancer in the world.Iran's rank is second in men and third in women.This study examined the Out-of-Pocket Payment in drug of patients with esophageal cancer admitted in hospitals of Shahid Beheshti University in 1392 persian calender.*

*method: This descriptive analytical studied 71 patients diagnosed with esophageal cancer which were older than 18 years hospitalized in teaching hospitals affiliated of Shahid Behesht iUniversity from mehr 92 to esfand 92 in Tehran province. data were collected by patient records and IT and financing unit. Analysis were performed using descriptive statistics.These data were analyzed by SPSS 16*

*Result: 40 patients were men, mean age of patients was 61.5±12.5 .*

*67 patients had insuranced and 4 were free. The average Out- of- Pocket Payment's medication patients with esophageal cancer was $307.52 (984089 Tomans) per patient and the total Out- of- Pocket Payment's medication was $ 634.04 ( 2028947 Tomans) per patient. The proportion of total spending in pharmaceutical sector to the Out- of- Pocket Payment's medication by patient was 48%.*

*Conclusion: Catastrophic costs and costs paid by patient medication in esophageal cancer make a need for further to review costs and help health officials in order to meet part of the cost.*

*key Medication,Out- of- Pocket Payment*

# نقش متفورمین در جلوگیری از سرطان پستان از طریق مهار پروتئین *mTOR*

نگارسادات احمدی[1]، فرزانه پورشاهیان جهرمی[2]

۱- دانشجو، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران

۲- کارشناس ارشد زیست شناسی، آزمایشگاه مرکزی ابن سینا، جهرم، ایران

**نویسنده مسئول:** نگارسادات احمدی

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** سرطان پستان،شایع ترین بیماری بدخیم در اغلب زنان دنیاست. این سرطان همچنین دومین عامل مرگ و میر پس از سرطان ریه می باشد. متفورمین یکی از مهم ترین دارو های ضد دیابتی می باشد که به عنوان خط درمانی اول برای دیابت نوع دوم تجویز می گردد. مطالعه حاضر با هدف بررسی خاصیت ضدسرطانی داروی متفورمین انجام گرفته است.

**روش کار:** مطالعه حاضر از نوع مطالعه مروری می باشد و با جستجوی الکترونیکی با کمک موتورهای جستجوی *Scopus,PubMed* و *ScienceDirect* صورت گرفته است.

**یافته ها:** مطالعات اپیدمیولوژیک نشان داده است که متفورمین به عنوان یک عامل درمانی خط اول برای بیماری دیابت، خطر ابتلاء به سرطان را کاهش می دهد و هدف مولکولی متفورمین، ضدتومور ارزیابی شده است.مطالعات بالینی ،چند مکانیسم مولکولی ضدسرطانی متفورمین از جمله اثرات بازدارندگی پروتئین *mTOR* و اثرات سیتوتوکسیک این دارو را نشان داده اند.کاهش سطح پروتئین *mTOR* سلول های سرطانی با مهار هم زمان تکثیر و مهاجرت این سلولها ارتباط داشته است.

**نتیجه گیری:** این نتایج ، نقش بالقوه متفورمین را به عنوان یک عامل کمکی برای درمان بیماران مبتلا به سرطان پستان نشان می دهد. البته درک بیشتر مکانیسم مولکولی پروتئین *mTOR* به منظور توسعه راهکارهای درمانی مورد نیاز است.

**کلمات کلیدی:** سرطان پستان-متفورمین-ضدسرطان-پروتئین *mTOR*

# The role of metformin in preventing breast cancer through mTOR inhibition

*Negar Sadat Ahmadi* [1,] ***Farzaneh Poursjahian Jahromi 2***

***Corresponding Author: Ngar Sadat Ahmadi***

*Introduction: Breast cancer is the most common malignant disease in most women in the world. This cancer is also the second leading cause of death after the lung cancer. Metformin is one of the most important anti-diabetic medications which is prescribed as the first line therapy for type 2 diabetes mellitus. This study has been done with the aim of investigating the anticancer effect of metformin.*

*Methods: This study is a review and has been done with the help of search engines such as PubMed,Scopus,ScienceDirect.*

*Results: The epidemiological studies have shown that metformin,as a first line treatment for diabetic patients,reduces the cancer risk and the molecular target of metformin has assessed anticancer.Clinical trials have shown some anti-cancer molecular mechanisms of metformin such as inhibitory effects of mTOR and cytotoxic effects of this medication.Decreased mTOR level in the cancer cells is associated with the simultaneous inhibition of the proliferation and migration of these cells.*

*Conclusion: These results indicate the potential role of metformin as an adjunct for the treatment of patients with breast cancer.Of course, a greater understanding of the molecular mechanisms of mTOR needs for developing the therapeutic strategies.*

*Keywords: Breast cancer-Metformin-Anticancer-mTOR*

# مقایسه ارزش تشخیصی *MRI* و *CT-Scan* در سرطان کولورکتال

مهشید غفاری[۱]، سید محدثه نبوی[۲]، داریوش مسلمی[۳]

۱- دانشجو، دانشگاه علوم پزشکی بابل، گنبد کاووس، ایران

۲- دانشجو، دانشگاه علوم پزشکی بابل، رشت، ایران

۳- هیئت علمی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

**نویسنده مسئول:** مهشید غفاری، **محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** سرطان کولون یکی از علل عمده مرگ و میر در غرب است.در صورتی که این سرطان در مراحل اولیه تشخیص داده شود شانس درمان بیمار بسیار بیشتر است. در این سرطان با غربالگری میتوان از برخی عوامل ایجاد سرطان وبه وجود آمدن آن جلوگیری کرد. هدف ما دراین پژوهش بررسی ارزش تشخیصی تصاویر *MRI* و *CT-Scan* و مقایسه این دو روش با یکدیگر است.

**روش کار:** ما در این مقاله از سایت های *pubmed* و *medline* و سایر سایت های معتبر علوم پزشکی بهره برده ایم وبا جستجوی کلمات "سرطان کولورکتال" و" *MRI"*و" *CT Scan"* به مقالاتی مرتبط در این زمینه دست یافتیم که از آن ها استفاده کردیم

**یافته ها:** توموگرافی کامپیوتری ( *CT)* در مرحله بندی سرطان روده بزرگ حتی اگر بحث برانگیز باشد، برای برنامه ریزی جهت عمل جراحی و یا درمان مفید است، به خصوص هنگامی که تومور به ارگان های مجاور و یا دور متاستاز داده باشد. در *MRI* مناطقی که شدت سیگنال بالایی نسبت به بافت کولورکتوم دارند به عنوان یک توده یا متاستاز از گره های لنفاوی در نظر گرفته می شوند. غربالگری توسط *MRI* یک روش ارزشمند در تشخیص انواع بدخیمی ها در این نوع سرطان است به دلیل توانایی *MRI* در سرکوب سیگنال های پس زمینه

**نتیجه گیری:** با توجه به تحقیقات انجام شده در این زمینه تشخیص *CRC* در مراحل اولیه آن بسیار مفید است.جهت تشخیص بدخیمی ها و مراحل پیشرفته تر سرطان استفاده از *MRI* کاربردی تر است در تشخیص مراحل اولیه سرطان و مرحله بندی آن می توان از *CT-Scan* بهره گرفت.

**کلمات کلیدی:** سرطان کولورکتال ، *MRI*، *CT-Scan*

# Compare the diagnostic value of MRI and CT-Scan in Colorectal Cancer

*Mahshid Ghaffari [1], Seyed Mohadese Nabavi [2], Daryoosh Moslemi[3]*

*1 -Babol , Babol Medical Sciences, Gonbad-e Qabus, Iran*

*2 -Babol Medical Sciences, Rasht, Iran*

*3 –Babol Medical Sciences, Babol, Iran*

*Corresponding Author: Mahshid Ghaffari*

*Introduction: Colorectal cancer is a major cause of death in West. If the cancer is detected early, the chances of patient treatment much more. cancer screening is very effective so that screening can decrease causes of cancer surgery and it's Consequences. The aim of this study was to evaluate the diagnostic value of MRI images and CT-Scan and compare the two methods with each other.*

*Methods: In this paper we used sites like pubmed and medline and other Medical Sciences sites and searching this words \"CRC\" and \"MRI\" and \"CT Scan\", we found Related articles that we used them.*

*Results: computed tomography (CT) in the staging of colorectal cancer even if is controversial , to plan for surgery or treatment is beneficial, especially when the tumor is adjacent organs or distant metastasis. MRI signal intensity in areas that have a high proportion of colorectal tissue has considered as a mass or lymph node metastases. Screening by MRI is a valuable technique in the diagnosis of cancers in this type because of the ability of MRI in the suppression of background signals.*

*Conclusion: According to researchs in this field, detection of colorectal cancer in its early stages is very useful and valuable. For more advanced stages of cancer malignancy using of MRI is more functional , In the early stages of cancer diagnosis and staging of it CT-Scan can be used.*

*Keywords: Colorectal cancer, MRI, CT Scan*

# حضور برخی ازهیدروکربن های آروماتیک چندحلقه ای سرطان زا در تخم افتابگردان های بو داده

توران خاکی[1]، بهروز اکبری[2]، پریسا صدیق ارا [3]

۱-دانشگاه علوم پزشکی تهران ، تهران ، ایران

۲- ریاست بخش ، اداره کل ازمایشگاههای غذا و دارو ، وزارت بهداشت و درمان و اموزش پزشکی، تهران ، ایران

۳- استادیار ، دانشکده بهداشت ، دانشگاه علوم پزشکی تهران ، تهران ، ایران

**نویسنده مسئول:** توران خاکی

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** هیدروکربن های آروماتیک چندحلقه ای یکی از آلوده کنندگان جهانی مواد غذایی است. استان اردبیل یکی از بزرگترین تولید کننده تخم افتابگردان و مصرف کننده این محصول به صورت بو داده است. سرطان های معده و مری در این استان شایع است. در این مطالعه حضور این ترکیبات درپوست و مغز تخم افتابگردان بو داده و خام مورد بررسی قرار گرفت.

**روش کار:** طبق پروتکل های تایید شده روند استخراج صورت گرفت و با دستگاه *GC-Mass* حضور ۱۶ ترکیب سرطان زا مورد بررسی قرار گرفت.

**یافته ها:** در این بررسی چهار ترکیب فنانترن، آنتراسن، فلورانتن و بنزوالفا پیرین در پوست و مغز تخم بو داده جدا شد. نمونه های خام هیچ گونه آلودگی نشان ندادند که حکایت از عدم آلودگی در آب و خاک و اتمسفر در این ناحیه است. میزان کل *PAHs* در نمونه های پوست بیشتر از مغز بود. این میزان در پوسته ۱۵٫۹±۴٫۸ *μg/kg* محاسبه گردید.

**نتیجه گیری:** برای اولین بار حضور هیدروکربن های آروماتیک چندحلقه سرطان زا در پوست و مغز تخم آفتابگردان تایید شد.

**کلمات کلیدی:** سرطان زایی،هیدروکربن های آروماتیک چندحلقه ای، تخم آفتابگردان بو داده

# The presence of some carcinogenic polycyclic aromatic hydrocarbons in roasted sunflower seeds

***Corresponding Author: Turan Khaki***

*Introduction: Polycyclic aromatic hydrocarbons (PAHs) are very important in global concerning food contamination. Ardabil province is the major producing and using sunflower seed in Iran. Stomach and esophageal cancers is common Ardabil Province. The present study was conducted to determine the levels of PAHs in shell and kernel of roasted and raw sunflower seeds (Helianthus annus L.).*

*Methods: The analytical method involves saponification with methanolic potassium hydroxide, extraction with cyclohexane, and determination by GC-Mass appratus.*

*Results: Among the 16 PAHs studied in roasted and raw sunflower seeds 4 PAHs were detected in roasted seed: anthracene, benzo[a]pyrene, fluoranthene, and phenanthrene. The obtained results showed no samples of shell and kernels of raw sunflower were polluted. It is possible that environmental sources such as soil, water and atmospheric are free. The PAHs distribution in shell and kernels of roasted seeds displayed that their concentration in shell are more than kernels. The concentration of total PAHs was 15.9±4.8 µg/kg in shell of roasted seeds.*

*Conclusion: The results of this study suggested for first time the presence of carcinogenic PAHs in roasted sunflower seeds*

# نرخ مشارکت و عوامل مرتبط با آن در برنامه غربالگری کولونوسکوپی در بستگان درجه اول بیماران مبتلا به سرطان روده بزرگ و راسترودہ

پروین یاوری[۱]، محمد امین پورحسینقلی[۲]، محمدرضا زالی[۲]، آرزو چوهدری[۱و۳]

۱-گروه پزشکی اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۲-انیستیتیو تحقیقات بیماریهای گوارش و کبد ،دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۱- مرکز توسعه تحقیقات بالینی بیمارستان لقمان حکیم تهران ایران

۲- **نویسنده مسئول:** آرزو چوهدری

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** مقدمه: بستگان درجه اول بیماران تشخیص داده شده با سرطان کولورکتال در معرض خطر ۳-۲ برابری ابتلا به این بیماری هستند. تست غربالگری کولونوسکپی می تواند در پیشگیری از ابتلا موثر باشد.

**روش کار:** ۲۰۰ نفر از بستگان درجه اول افراد مبتلا به سرطان کولورکتال مورد مصاحبه واقع شدند. یک پرسشنامه پایا و روا شده برای جمع آوری اطلاعات از بستگان درجه اول به کار گرفته شد.

**یافته ها:** در مدل رگرسیون لجستیک چند متغیره بین متغیر \" انجام کولونوسکپی تا کنون\" و مبتلا نبودن به بیماری فشارخون (۲ = $OR$و ۴ ۲/۰ – ۵ ۱/۸ = $CI$)، ابتلا به سایر بیماری ها (۴/۲ =$OR$و ۴ ۰/ ۱۶– ۱ ۱/۱ = $CI$)، اعتقاد زیاد به مؤثر بودن انجام کولونوسکپی ( ۵/۶ =$OR$و ۱۶/۹۹ – ۱/ ۸۸ = $CI$) و سن تشخیص سرطان، ۵۰ ارتباط معنی داری کشف شد

**نتیجه گیری:** تغییر نگرش افراد با هدف غلبه بر موانع ، افزایش حمایت اجتماعی، پوشش بیمه و مشاوره پی در پی پزشکان و سیتم بهداشتی کشور در مورد انجام تست غربالگری کولونوسکپی انجام شود.

**کلمات کلیدی:** *colorectal cancer, colonoscopy screening, first degree relatives, part*

# Participation rate and related factors in colonoscopy screening program in first –degree relatives of patients affected by colorectal cancer

***Parvin yavari ,Mohammad Amin Pourhossein gholi, Mohammad Reza Zali, Arezo chowhadri***
***Corresponding Author: Arezo chowhadri***

*Department of health and community medicine,school of medicine,shahid beheshti university of medical sciences,tehran, iran*

*Gastroenterology and liver diseases research center,research institute for gastroenterology and liver diseases,shahid beheshti university of medical sciences,tehran,iran*

*Clinical Research Development Center of Loghman Hakim Hospital,Shahid Beheshti University of Medical Sciences,Tehran,Iran*

*Introduction: FDRs of people diagnosed with colorectal cancer (CRC) have a two to three-fold increased risk of developing disease.Colonoscopyscreening test can be effective in prevention and early treatment.*

*Methods: : 200 FDRs of CRC cases were interviewed by researcher. A reliable and valid questionnaire about undergoing colonoscopy screening test and barriers was filled via phone. To report qualitative data results, we used percent and proportion.Multiple logistic regression analysis used to make a model which was executed using spss19.*

*Results: In total, 59% FDRs had undergone colonoscopy screening test to the time of interview. Major reasons for not participating were fear of pain (23%), concerns about complications and test positive result (21.5%), lack of health insurance (21.5%), do not believe in the test effectiveness (17%), no need because of healthy feeling (13%), embarrassment (12%) and distrust to service provider skill (10%). Results of multiple logistic regression analysis indicatedthere is Statistical significance between participating colonoscopy screening and variables" no affected with hypertension (95%CI: 0.4-2.04, OR=3.7), believe in test effectiveness in FDRs (95%CI: 1.8-16.9, OR=5.6), also age of diagnosis ≥ 50 in CRC cases (95%CI: 1.7-2.3, OR=2)". Finally, age below 50 (95%CI: 1.1-5.1, OR=2.4), not being alive person affected by CRC (95%CI: 1.2-5.8, OR=3.3), monthly family income≥ 10million Rials (95%CI: 1.08-4.7, OR=2.2) and believe in effectiveness of test (95%CI: 2.61-12.55, OR=5.7) were predictor factors to participate.*

*Conclusion: Future Interventions should focus on fostering positive attitudes, overcoming barriers, enhancing social and health insurance support and following medical recommendation consecutive to perform colonoscopy screening test.*

# رایج ترین سرطان های تشخیص داده شده و شایع ترین علت مرگ و میر سرطانی در زاهدان (جنوب شرق ایران) در سال ۱۳۹۲

نرجس سرگلزایی[۱]، ملک کیانی[۲]، علیرضا بخشی پور[۳]، زینب میرزایی[۴]

۱- مدیر گروه، پردیس علوم پزشکی، زاهدان، زاهدان، ایران

۲- معاون اجرایی مرکز بهداشت استان، مرکز بهداشت استان، زاهدان، زاهدان، ایران

۳- هیات علمی، پردیس علوم پزشکی، زاهدان، زاهدان، ایران

۴- پزشک، دانشکده پزشکی، زاهدان، زاهدان، ایران

**نویسنده مسئول:** نرجس سرگلزایی، **محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** سرطانها یکی از علل اصلی مرگ در جهان هستند. با توجه به اهمیت بیماریهای سرطانی و نقش آنها در بار بیماریها و کیفیت زندگی، داشتن اطلاعات به روز در مورد الگوی سرطانها و سرطانهای منتهی به مرگ ضروری به نظر می رسد. این اطلاعات در تعیین اولویتهای سلامتی و سیاستهای موثر پیشگیری از بیماریها مفید خواهند بود.

**روش کار:** این مطالعه یک مطالعه مقطعی است . جامعه مورد مطالعه عبارتند از کلیه موارد بیماریهای سرطانی تشخیص داده شده در آزمایشگاههای خصوصی و دولتی شهرستان زاهدان در سال ۹۴. همچنین علل مرگ ناشی از سرطان ،از سیستم ثبت مرگ مرکز بهداشت استان استخراج گردید .نمونه گیری بصورت سرشماری انجام شد و نتایج با استفاده از آمار توصیفی بیان شده اند.

**یافته ها:** در مجموع ۷۱۲ مورد سرطان تشخیص داده در مراکز پاتولوژی دولتی و خصوصی شهرستان زاهدان در سال ۱۳۹۴ مورد مطالعه قرار گرفتند. سرطان معده شایعترین سرطان ثبت شده بود . سرطان سینه و کولون به ترتیب در رتبه های بعدی قرار داشتند.۵ علت اول مرگ ناشی از سرطان در جمعیت مورد مطالعه به ترتیب عبارت بودند از سرطان معده، کیسه صفرا، کبد، کولون و ریه.

**نتیجه گیری:** صرف نظر از تفاوتهایی که در توزیع انواع مختلف بیماریهای سرطانی در شهرستان زاهدان در مقایسه با الگوی کشوری و جهانی مشاهده شد، شایعترین سرطانها یعنی سرطان معده و سرطان سینه با الگوی کشوری همخوانی دارد.اطلاعات به روز منطقه ای می توانند نقش مهمی در مداخلات مبتنی بر شواهد در جهت پیشگیری از بیماریهای سرطانی داشته باش.

**کلمات کلیدی:** *Cancer;Epidemiology;Breast Cancer;Stomach Cancer.*

# Most common diagnosed cancers and the most common cancerous cause of death in zahedan (south east Iran) in 2014

***Corresponding Author: Narjes Sargolzaee***

*Introduction: Cancer is one of the main reasons of mortality in the world. Considering cancer importance among diseases and its role on diseases burden and quality of life, it seems essential to update data about local pattern of the most common cancers and cancer related deaths, to provide evidence needed for public health priorities and effective prevention policies*

*Methods: It is a descriptive cross-sectional study. Our study population included all the diagnosed cancer cases in public and private pathology centers of Zahedan (Iran south east) in 2014. Sampling method was census. Descriptive statistics were used to state the results*

*Results: All under study patients were 712 whom their cancers were diagnosed in pathology centers of Zahedan during 2014. Stomach cancer is the most common cancer among patients; breast cancer and colon cancer are in the next ranks after it respectively. The first five cancerous causes of death among Zahedan population were as; neoplasm of stomach, gallbladder, liver, colon and lung respectively*

*Conclusion: Generally, having ignored the observed differences in distribution of the frequency of cancers in Zahedan from global and country patterns, the most common diagnosed types of cancers in this city are related to stomach and breast which is congruent with country pattern.Local epidemiological information about most common cancerous diseases and most common cancerous cause of death in Zahedan city can be used to evidence based decision making by health manager, and help them to more effective interventions toward primary, secondary and tertiary preventions.*

# یکپارچه سازی پزشکی شخصی در کنترل و پیشگیری از سرطان: جوانب مثبت و منفی

سیاوش مرادی[1]

۱- استادیار، مرکز تحقیقات سرطان، علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

**نویسنده مسئول:** سیاوش مرادی

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** پزشکی شخصی یکی از پارادایم های جدید پزشکی است که سعی در بکارگیری رهیافتی موثر در مراقبت از بیماران دارد. این مقاله مروری نظرات موافق و مخالف در خصوص شخصی سازی مراقبت از بیماران بر اساس بیولوژی سرطان را توصیف می نماید.

**روش کار:** کلمات کلیدی پزشکی شخصی و سرطان در پایگاه های متعدد اطلاعات پزشکی مورد جستجو قرار گرفتند. همچنین مباحث فلسفی مربوط به پزشکی شخصی از متون مربوطه اقتباس گردید.

**یافته ها:** از بایومارکرها در در ارزیابی خطر سرطان ،پیش آگهی و پیش بینی استفاده می شود. اگرچه بایومارکرها بر اصل\" یک درمان برای همه انواع بیماری \" در کنترل و پیشگیری از سرطان خط بطلان کشیده اند لیکن تنوع آنچه در کانون توجه پزشکی شخصی قرار می گیرد، ضرورت بکارگیری نیروی انسانی متخصص در آن، قیمت بالا و هزینه کرد هنگفت تشخیص بایومارکرها با وجود اعتبار تحلیلی مبهم و عملکرد بالینی ضعیف آن ها و نیز بی توجهی به اختیار بیمار در تصمیم گیری لازم است همزمان مورد بررسی قرار گیرند.

**نتیجه گیری:** پزشکی شخصی با برخورداری از یک توان نسبی در پیشگیری و پیش بینی سرطان لازم است ضمن تجمیع با جزء \"مشارکت\" پزشکی *P4* کمبودهای ناشی از بی توجهی به ارزش ها و ترجیحات بیماران را جبران نماید. برای دست یابی به این هدف ضروری است فواید و مضار بکارگیری پزشکی شخصی و عدم قطعیت موجود درآن به مبتلایان به سرطان معرفی گردد.

**کلمات کلیدی:** *Personalized medicine, Cancer, Control, Prevention, Paradigm*

# Integrating Personalized Medicine in Cancer Control and Prevention: Pros and Cons

*Siavash Moradi*

*Introduction: Personalized medicine (PM) is one of the novel paradigm of medicine in which with making way from the genome to the clinic intends to achieve the most informed and effective approach to patient care. This review describes both pros and cons of individualization of patients care according to cancer biology.*

*Methods: The keywords of personalized Medicine and cancer were searched through several databases. Also philosophical debates about PM were extracted from the Literature.*

*Results: Several kinds of biomarkers allow personalization of control and preventive care in oncology. They can be categorized into major groups such as biomarkers of cancer risk, tumor markers, prognostic and predictive markers. Although biomarkers with this wide array of useful rules crosses off a "one size fits all" manner in cancer control and prevention but the broad foci of PM, its need to trained professionals, its high cost and spending of resources versus ambiguous analytical validity, and also inadequate clinical performance and utility of biomarkers and its ignoring of patient's autonomous decision making should be trade off with its usefulness.*

*Conclusion: PM with its relative predictive and preventive capabilities in cancer management should be summed with participatory part of P4 medicine to adjust its faults in neglecting of patients values and preferences. To achieve this goal both benefits and harms of PM and uncertainties about it should be declared to the cancer patients.*

# نقش آموزش بهداشت در پیشگیری از سرطانها – مرور سیستماتیک

مریم چنگیزی [۱]، مریم چنگیزی [۲]، محمد حسین کاوه [۳]

۱- ، شیراز، علوم پزشکی شیراز ، شیراز، ایران

۲- ، شیراز، علوم پزشکی شیراز ، شیراز، ایران

۳- عضو هیئت علمی ، شیراز، علوم پزشکی شیراز ، شیراز، ایران

**نویسنده مسئول:** مریم چنگیزی ، **محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** سرطان یکی از عوامل مرگ و میر در جهان است که عوامل مختلف بر بروز آن تاثیر دارند. شیوه زندگی و رفتارهایی که افراد اتخاذ میکنند در اتفاق افتادن سرطان نقش دارد. در این راستا آموزش بهداشت و تغییر رفتار افراد به سمت رفتار های سلامت افزون، قابل توجه است. این مطالعه با هدف بررسی نقش آموزش بهداشت درپیشگیری از سرطان ، در جهت طراحی مداخلات اثر بخش آینده ، انجام شده است.

**روش کار:** روش کار : مرور سیتماتیک بوده که از وب سایت های اطلاعاتی *Science direct,Pubmed,ISI ,Scopus* با کلید واژه آموزش بهداشت ، پیشگیری از سرطان، از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶ جستجو شد که در مرحله آخر ۳۳ مقاله مناسب بررسی گردید .

**یافته ها:** بررسی مداخلات انجام شده بیشتر در جهت آفزایش آگاهی و قصد (زنان ،نوجوانان،مردان) برای انجام غربالگری سرطان صورت گرفته بود. تکنیک رفتاری ،شناختی ، آموزش از طریق وب و ایمیل و روشهای سنتی آموزش مورد استفاده قرار گرفتند . آموزش تئوری محور ،حمایت اجتماعی ، آموزش جامعه محور ،خانه محور ،از ویژگی های این مطالعات بود.

**نتیجه گیری:** یافته ها موثر بودن مداخلات آموزش بهداشت را بیشتر در بهبود نگرش ،دانش و قصد تغییر رفتار و برخی انجام رفتار غربالگری سرطان را نشان دادند. رویکردهای تلفیقی مدرن و سنتی آموزش متناسب با فرهنگ جامعه و مبتنی بر اصول سیستماتیک آموزش منجر به تغییر و اتخاذ رفتار سالم در زمینه پیشگیری و کاهش فاکتورهای خطر سرطان می گردد.

**کلمات کلیدی:** آموزش بهداشت ، سرطان ،غربالگری , رفتار

# The role of health education in the prevention of cancer - a systematic review

**Corresponding Author: Maryam changizi**

*Introduction: Cancer is one of the main causes of death in the world; 8.2 million deaths occurred due to cancer in 2012. Meanwhile over 30 percent of cancer-related deaths can be reduced by correcting or avoiding key risk factors. In this regard, one of the most effective and low-cost intervention methods for creating healthy behavior and changing life style for preventing and controlling diseases is health education. Therefore, the present study was conducted with the aim of determining the role of health education in prevention if cancer,In order to design interventions effective future is carried out.*

*Methods: The present study was a systematic review which searched in the information data bases Scopus, ISI, PubMed and Science Direct with the key word cancer prevention educational intervention, from 2010 to 1016. 35 appropriate papers were elected among the results and the rest of the papers were not used due to being repetitive and their employed research method.*

*Results: Evaluation of interventions in order to raise awareness and intention (women, youth, men)for cancer screening had taken place. Techniques, behavioral, cognitive, learning via the web and email and traditional teaching methods were used. Theory-based education, social protection, education, community-based, home-based, the characteristics of the studies.*

*Conclusion: The effectiveness of health education interventions to further improve attitudes, knowledge and behavior to change and some showed cancer screening behaviors.*

# بررسی موانع انجام غربالگری ماموگرافیک سرطان پستان در زنان شهر زاهدان

جاوید دهقان حقیقی[1]، بهاره ذاکر[2]

۱- هیات علمی، دانشکده پزشکی زاهدان، علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۲- دانشجوی پزشکی، دانشکده پزشکی زاهدان، علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

**نویسنده مسئول:** جاوید دهقان حقیقی

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** سرطان پستان یکی از سرطانهای شایع در زنان ایران و بسیاری از کشورهای جهان است.این سرطان مهمترین عامل مرگ به علت بدخیمی در زنان میباشد. تشخیص زودرس سرطان پستان تا حدود زیادی شانس درمان موفقیت آمیز را افزایش میدهد.این مطالعه باهدف بررسی موانع انجام این تست در زنان شهر زاهدان انجام شد.

**روش کار:** این مطالعه در سال ۱۳۹۴ ، بر روی ۸۹۰ زن که سن بالای ۴۰ سال داشتند و آزمون غربالگری پستان را انجام نداده ویا نامنظم انجام داده بودند ، انجام شد.در این خصوص از پرسشنامه ۱۷ سوالی با مقیاس لیکرت که در مورد موانع انجام غربالگری ماموگرافیک پستان طراحی گردیده بود.

**یافته ها:** نتایج این مطالعه نشان داد که بیشترین دلایل و موانع انجام این آزمون مربوط به مواردی مانند : انجام ماموگرافی توسط کارکنان مرد (۴۲,۹٪ ) ، نبودن این آزمون به عنوان اولویت وضرورت زندگی (۲۷,۶٪) و خجالت از برهنه شدن حین ماموگرافی (۳۱٪) ، می باشد.همچنین میانگین نمره موانع انجام غربالگری ماموگرافیک در گروهی از زنان شرکت کننده که سابقه ابتلا به انواع سرطان درفامیل را داشتند در مقایسه با زنان بدون سابقه فامیلی ابتلا به سرطان ، کمتر بود و تفاوت از نظر آماری معنی دار بود.( $(P<0.05$

**نتیجه گیری:** این مطالعه موانع انجام غربالگری ماموگرافیک پستان در این منطقه را مشخص نمود.بر اساس نتایج این مطالعه می توان با تولید محتوای آموزشی مناسب و با استفاده از رابطین بهداشتی و رسانه های جمعی محلی مانند شبکه های رادیویی و تلویزیونی استانی،نسبت به کم کردن و رفع این موانع اقدام نمود.

**کلمات کلیدی:** غربالگری، ماموگرافی، سرطان پستان

# Mammographic screening for breast cancer in women in Zahedan barriers

*Javid Dehghan haghighi 1, Bahareh Zaker 2*

*1. Faculty, Faculty of Medicine, Zahedan Medical Sciences, Zahedan, Iran*

*2. Medical Student, Faculty of Medicine, Zahedan Medical Sciences, Zahedan, Iran*

*Corresponding Author: Javed real farmer*

*Introduction: Breast cancer is one of the most prevalent cancers in women in Iran and many countries in the world. Breast cancer is the major cause of death from cancer in women.Early detection of breast cancer greatly increases the chances of successful treatment. This study aimed to investigate the barriers of this test in women in Zahedan and with finding these barriers, we can planned to solve them.*

*Methods: This study was done in 2015 , on 890 women over the age of 40 years and breast cancer screening test done irregularly or not done. In this regard, the Likert scale questionnaire with 17 questions about breast mammographic screening barriers designed was used.*

*Results: The results of this study showed that the most common reasons and barriers to these tests for things like: Mammography performed by male staff (42.9%) , This test is not a priority and necessity of life (27.6%) and the embarrassment of getting naked during mammography (31%). The mean score of this test barriers in a group of women who had a family history of cancer compared to without a family history of cancer was lower and the difference was statistically significant.(P<0.05)*

*Conclusion: This study was determined the reasons and barriers of not doing mammographic screening for breast cancer in this area. The results of this study can be used to produce educational content for this target groups.Using health volunteers and local mass media such as radio and television networks,should be taken to reduce and eliminate these barriers.*

# بررسی بقای بیماران مبتلا به سرطان ثبت شده در سیستم ثبت سرطان استان بوشهر ۹۲-۱۳۸۰

زهرا رام پیشه[۱]، نیلوفر معتمد[۲]، امین آذرنوش[۳]، بتول طایفی[۴]، مریم بیگلری ابهری[۵]

۱- عضو هیات علمی، علوم پزشکی ایران، علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۲- عضو هیات علمی، علوم پزشکی بوشهر، علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

۳- تهران، آزاد اسلامی، تهران، ایران

۴- استادیار، علوم پزشکی ایران، علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۵- مسوول کلینیک پیشگیری و ارتقاء سلامت، علوم پزشکی ایران، علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** زهرا رام پیشه، **محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** بقاء به عنوان یکی از اصلی ترین شاخصهای پیش آگهی سرطان و نشانگری از وضعیت کنترل بیماری مورد توجه قرار می گیرد.

**روش کار:** در این مطالعه، اطلاعات تمام بیماران ثبت شده در سیستم ثبت سرطان استان بوشهر از فروردین ۱۳۸۰ تا پایان شهریور ۱۳۹۲ استخراج شد و پس از تطبیق با سامانه ثبت مرگ و تعیین وضعیت حیات بیماران، مورد تحلیل بقاء از روشهای جدول عمر و کاپلان مایر و مقایسه میزانهای بقاء از طریق آزمونهای رتبه لگاریتمی و برسلو قرار گرفت.

**یافته ها:** برای ۲۱۳۳ مورد بیمار مبتلا به سرطان در سامانه ثبت سرطان استان بوشهر، پس از تطبیق اطلاعات با داده های سامانه ثبت مرگ استان، ۷۷۳ مورد مرگ که۵۹۷ مورد آن به علت سرطان بود، استخراج گردید. نسبت تعداد مرد به زن ۰۳/۱ محاسبه شد. میزانهای بقاء ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ ساله در مردان ۸۲، ۷۵، ۷۱، ۶۸ و ۶۶ درصد و در زنان ۸۸، ۸۳، ۷۸، ۷۵ و ۷۲ درصد بود.

**نتیجه گیری:** میزان بقاء بیماران مبتلا به سرطان ثبت شده در استان بوشهر، با سایر کشورهای جهان همخوانی داشته ولی از نظر بهبود بقاء در طول زمان با این کشورها متفاوت بوده است که این امر تلاشهای گسترده ای در زمینه آموزش جامعه و بهبود فرآیند تشخیص و درمان و مراقبت های بعد از درمان را می طلبد. همچنین لزوم توجه به سامانه های ثبت بیماریها به عنوان منابع اطلاعات و تلاش در جهت بالا بردن دقت و اعتبار آنها مطرح می شود.

**کلمات کلیدی:** *Cancer, Survival rate, Cancer registry, Death registry, Iran,Bushehr*

# Cancer survival rates according to cancer registry of Bushehr province 2001-2013

*Zahra rampishe 1, nilufar motamed 2, Amin Azarnoush 3, B. Tayefi 4,*

*Maryam Beiglari Abhari 5*

*1. The members of the faculty of Medical Sciences, Medical Sciences, Tehran, Iran.2. The faculty member, Bushehr Medical Sciences, Medical Sciences, Bushehr, Bushehr, Iran.3. Researcher, Tehran, Islamic Azad Tehran, Iran.4- Assistant Professor of Medical Sciences, Medical Sciences, Tehran, Iran.5. Head of prevention and health promotion clinics, Medical Sciences, Medical Sciences, Tehran, Iran*

*Corresponding Author: Z-ROM*

*Introduction: For cancer control, designing studies on precise data which are available in Cancer registry is profitable. Cancer Survival Rate is an important prognostic index, specially from Public Health view. The aim of this study was to estimate the survival rate of cancer patients in Bushehr province.*

*Methods: The records of all cancer cases in cancer registry system of Bushehr Province were extracted during 2001, March to 2013, September. These records were linked and matched with records of death registry system. After determining patients status regarding being alive or dead, survival analysis was done. Life table, Kaplan-Mayer analysis, log rank and Breslow tests were used for computing and comparing survival rates.*

*Results: In 2133 recorded cancer cases, male-female ratio was 1.03. Survival rates were 82, 75, 71, 68 and 66 percent since the first year through the fifth year, respectively in men and 88, 83, 78, 75 and 72 in women with the same order .*

*Conclusion: Although survival rates of registered cancer patients in Bushehr Province are about similar to other countries, the trend is different from those of developed countries. This situation demands more extensive efforts regarding public education and improving the process of diagnosis, treatment and care of patients. Attention to Registry system for promoting the precision and validity of the information is considered.*

*Keywords: Cancer registry, Cancer Survival Rate, Bushehr, Iran*

# مراقبت های بهداشتی ساکنین مناطق ناپایدار (حاشیه نشین) شهر کرج ۱۳۹۳

ملیحه فرید[۱]، افسون تیزویر[۲]، زهرا فشی[۳]

۱- استادیار، کرج، البرز، کرج، ایران

۲- پزشک، کرج، البرز، کرج، ایران

۳- پزشک، کرج، البرز، کرج، ایران

**نویسنده مسئول:** ملیحه فرید، **محور:**مدیریت خدمات بهداشتی

**زمینه و هدف:** حاشیه نشینی چالش اصلی کشورهای در حال توسعه می باشد. عدم وجود اطلاعات کافی از توزیع عوامل خطر بیماری های غیرواگیر شامل تغذیه ی ناسالم و مشکلات روانشناختی از خصوصیات این مناطق می باشد. هدف از این مطالعه نیازسنجی در زمینه سلامت روان و تغذیه ساکنین مناطق ناپایدار (عدم دسترسی به مراکز بهداشتی) شهر کرج بوده است.

**روش کار:** گروه مورد مطالعه در این مطالعه مقطعی - توصیفی ۵۱۴ زن متاهل ساکن ۳ منطقه ناپایدار شهر کرج در سال ۱۳۹۳ بود. مطالعه به روش خوشه ای دو مرحله ای بوده و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه ای محقق ساخته بود.

**یافته ها:** ۶۲,۴٪ و ۵۸,۴٪ به ترتیب نیاز به مشاوره تغذیه و روانشناسی را احساس کرده بودند که تنها ۲۶,۲٪ و ۲۴,۱٪ از آنان مشاوره تغذیه و روانشناسی دریافت کرده بودند. بیش از ۴۰ درصد افراد با نیاز به مشاوره تنها به مراکز خصوصی مراجعه کرده بودند. بیش از ۶۰ درصد از آنان نیز نگرش مثبتی به توصیه های روانشناسان و کارشناسان تغذیه داشته و بیش از ۷۰ درصد از آنان نیازمند کسب اطلاعات بیشتر بودند.

**نتیجه گیری:** نتایج این مطالعه نشان می دهد که افراد در مناطق ناپایدار شهر کرج نیازمند اطلاعات بیشتر و دریافت مشاوره بیشتردر زمینه تغذیه و سلامت روان می باشند. با درنظر گرفتن نیازهای این افراد و نگرش مطلوب آنان به مراقبت های سلامت به نظر می رسد ایجاد ساختارهای لازم برای بهبود دسترسی این افراد به مراقبت های سلامت گام بزرگی در راستای ارتقای سلامت آنان و دستیابی به عدالت در سلامت خواهد بود.

**کلمات کلیدی:** *Slum Areas – Accessibility- Mental Health – Nutrition*

# Health Care in Slums of Karaj 2015

***Maliheh Farid 1, Afsoon Tizvyr 2, Z Fashi 3***
***1. Assistant Professor, Karaj, Alborz, Karaj, Iran***
***2. The physician, Karaj, Alborz, Karaj, Iran***
***3. The physician, Karaj, Alborz, Karaj, Iran***
***Corresponding Author: Farid Maliha***

*Introduction: Slum dwelling is the main challenge that developing countries face. Lack of enough knowledge about the distribution of non-communicable disease risk factors, like unhealthy nutrition and mental problem, is one of the characteristics of these areas. The aim of this study was to assess the health needs of the slum dwellers in term of nutrition and mental health cares.*

*Methods: Participants of this descriptive-cross sectional study were 514 married women of three slums of Karaj in 2015. The study was conducted using two-stage cluster sampling. Data was collected through the researcher-made questionnaire to gather information about the perceived mental and nutritional health care needs.*

*Results: 231 (62.4%) and 299 (58.4%) of participants stated the need for nutritional and psychological consultation respectively, but only 26.2% and 24.1% of them had received proper consultation (in order). More than 40% of people with nutritional and mental health consultation needs had used private sectors to satisfy their needs. More than 60% of them found health expert advices effective, moderate and high, and more than 70% of them found themselves in need of more information*

*Conclusion: The findings indicated that slum dwellers need to get more information and consultation about nutritional and mental health issues. Considering to the slum dwellers needs and their positive attitude toward effectiveness of health care advice, it seems that providing necessary infrastructure to improve these people's access to the health care is essential to improve the health of them and to reach health justice.*

# بررسی میزان رعایت تناسب جنسیتی دربهره مندی خدمات درمانی دربیمارستانهای وابسته به دانشگاه علوم پزشکی مشهد

الهه پوراحمدی [۱]، ملیحه ضیایی[۲]، امین عادل [۳]، حسین ابراهیمی پور[۴]

۱- کارشناس تحلیل منابع مالی ، معاونت درمان دانشگاه مشهد، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایزان

۲- کارشناس پژوهشی، علوم پزشکی مشهد ، علوم پزشکی مشهد ، مشهد، ایران

۳- کارشناس اقتصاد درمان ، اقتصاد درمان ، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- مدیر اقتصاد درمان ، معاونت درمان ، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

**نویسنده مسئول:** الهه پوراحمدی ، **محور:**نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت

**زمینه و هدف:** یکی ازراهبردهای مهم توسعه انسانی،ارتقای برابری جنسیتی است که یکی ازاهداف مهم یک اقتصادکارآمدمحسوب می‌شود. مطالعات تجربی نشان می‌دهدکه رابطه مثبت ومعنی‌داربین برابری جنسیتی‌وتوسعه اقتصادی وجوددارد.

**روش کار:** این پژوهش توصیفی تحلیلی به صورت مقطعی از نوع کاربردی در مهرماه ۱۳۹۵ به صورت گذشته نگر ، طی دوره زمانی فروردین الی شهریور ۹۵ انجام گرفت . جامعه مورد نظر تمام بیماران بستری در بیمارستانهای دانشگاهی مشهد بود (۲۲۸۴۹۶پرونده)که تمام افراد جامعه مورد بررسی قرار گرفتند.داده های مورد نیاز از اطلاعات موجود در سامانه *HIS* دانشگاه علوم پزشکی مشهد درمهر ماه ۱۳۹۵ استخراج شد. برای تحلیل داده ها از آزمون های توصیفی و آزمون *T-test*استفاده شد.

**یافته ها:** از بین بیماران مورد مطالعه ۵۱٪ زن و ۴۹٪ مرد بودند. از میان افراد زن مراجعه کننده بیشترین علت مراجعه، زایمان طبیعی ۱۴,۷٪ ، کاتاراکت ۲,۱٪ ، صدمه سر ۱,۷٪ ، سزارین ۱,۶٪ ، بیماری های قلبی آترواسکلروتیک ۱,۶٪ بود که این پنج تشخیص ۲۳درصد از کل هزینه های زنان بیمار شامل می شود.از میان مردان مراجعه کننده نیز بیشترین تشخیص، صدمه سر ۴,۲٪، بیماری های قلبی آترواسکلروتیک ۲,۲٪ ، کاراتاراکت ۲٪ ، اسهال و استفراغ با منشا عفونی ۱,۴٪ ، درد شکم ۱,۳٪ بود.که این پنج تشخیص ۱۳ درصد از کل هزینه های آقایان مراجعه کننده به بیمارستان ها را شامل می شود.

**نتیجه گیری:** لذا پیشنهاد می شود برای کاهش مراجعات و رنج و تحمل به جامعه، توجه بیشتری به برنامه پیشگیری از موارد ذکر شده باشد.

**کلمات کلیدی:** *inequity, Mashhad, Disease, health care*

# The study of gender equityobservable in health care reception in hospitals of Mashhad University of Medical Sciences

*Elaheh Pourahmadi [1], Maliheh Ziaee [2], Amin Adel[3], Hossein Ebrahimi Pour [4]*

*1. Expert analysis of financial resources, Vice-Chancellor of the University of Mashhad, Mashhad Medical Sciences, Mashhad, Iran.2. Research Expert, Mashhad Medical Sciences, Medical Sciences, Mashhad, Iran.3. economist treatment, treatment economy, Medical Sciences, Mashhad, Iran4. Treatment economic managers, vice-treatment, Medical Sciences, Mashhad, Iran*

*Corresponding Author: E. Pourahmadi*

*Introduction: One of the key strategies of human development is the promotion of gender equity, which is also an important goal of an efficient economy. Studies have shown a positive and significant relationship between gender equityand economic development.*

*Methods: This analytical cross-sectional study was conducted in October 2016 as a historical research during April-September 2016. The sample population wasall the hospitalized patients in the teaching hospitals of Iran,Mashhad.(total evaluated medical files: 228496). Data were extracted from the hospital information system (HIS) of Mashhad University of Medical Science on October 2016. Data analysis was performed using descriptive statistical tests and t-test.*

*Results: Among the participants, 51% were female, and 49% were male. In female patients, vaginal delivery (14.7%), cataract surgery (2.1%), head injury (1.7%), cesarean section (1.6%) and cardiovascular disease (1.6%) were the most common reasons for hospitalization, which included 23% of the total costs of female patients.On the other hand, in male patients, head injury (4.2%), cardiovasculardisease (2.2%), cataract surgery (2%), vomiting, diarrhea with infectious origin (1.4%) and acute abdomen(1.3%) were the most common causes of hospitalization, which included 13% of total costs of male patients in these hospitals.*

*Conclusion: In this regard, reduced number of cesarean section was associated with decreased costs incurred on the health system.*

*Keywords: inequity, Mashhad, Disease, health care*

# شیوع سندرم متابولیک و فنوتیپ های مختلف چاقی در مردان نظامی ایرانی

مولود پیاب[۱]، شیرین حسنی رنجبر[۲]، یاسر مراتی[۳]، علیرضا استقامتی[۴]، مصطفی قربانی[۵]، محبوبه همت آبادی[۶]، هدی رشیدیان[۷]، نوشین شیرزاد[۸]

۱- دانشجو، پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم دانشگاه، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲- استاد، پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم دانشگاه، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۳- متخصص، بیمارستان امام، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۴- استاد، بیمارستان امام، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۵- استاد، پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم دانشگاه، علوم پزشکی البرز، تهران، ایران

۶- استاد، بیمارستان امام، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۷- پژوهشگر، پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم دانشگاه، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۸- استاد، بیمارستان امام، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** مولود پیاب

**زمینه و هدف:** چاقی، به ویژه زمانی که در ناحیه شکمی متمرکز شده باشد، اغلب با حضور سندرم متابولیک مرتبط می باشد این مطالعه با هدف بررسی شیوع اضافه وزن و چاقی و معیارهای سندرم متابولیک و عوامل خطر آن و همچنین فنوتیپ های چاقی در جمعیت نظامیان ۲۰ تا ۵۰ سال طراحی شده است.

**روش کار:** مطالعه حاضر یک مطالعه گذشته نگر بود که داده های آن از بانک اطلاعاتی یک بیمارستان نظامی (۲۲۰۰ نفر) استخراج شد. پرونده های بیماران دارای اطلاعاتی شامل سن، وزن، قد، شاخص توده بدنی، فشار خون، دور کمر، تاریخچه بیماری های قبلی، سابقه مصرف دارو و سیگار و همچنین نتایج آزمایشات شامل پروفایل لیپیدی و قند خون ناشتا *(FBS)*می باشد. برای تشخیص سندرم متابولیک از معیارهای *ATP III* و همچنین دو کرایتریای ایرانی استفاده شد.

**یافته ها:** متوسط سن شرکت کنندگان ۳۳,۳۷ (۷,۷۵) سال بود. شیوع سندرم متابولیک بر اساس دو کرایتریای ایران با دور کمر بیش تر از ۹۰ سانتی متر ۲۶/۶ درصد (۵۸۵ نفر) و با دور کمر بیش تر از ۹۵ سانتی متر ۱۹/۶ درصد (۴۳۲ نفر) می باشد. همچنین براساس معیار *ATP III 1/11* درصد (۲۴۴ نفر) است.

**نتیجه گیری:** نتایج این مطالعه نشان داد که شیوع سندرم متابولیک در مردان نظامی نسبت به دیگر جمعیت ها کمتر می باشد اما میزان شیوع این سندرم نسبت به بقیه افراد نظامی جمعیت های دیگر بالاتر است.

**کلمات کلیدی:** *Metabolic Syndrome, Obesity, Abdominal Obesity*

# The prevalence of metabolic syndrome and different obesity phenotype in Iranian male military personnel

***M Piyab [1], Sh. Hasani Ranjbar [2], Yasser Meraati [3], AR esteghamati [4], Mostafa Ghorbani[5], M. Hemmat Abadi [6], H Rashidian [7], N. Shirzad [8]***

***1. Institute of Endocrinology and Metabolism, Tehran university of Medical Sciences, Tehran, Iran***

***2. Institute of Endocrinology and Metabolism Tehran university of Medical Sciences, Tehran, Iran***

***3. Imam Hospital, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran***

***4. Hospital, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran***

***5. Institute of Endocrinology and Metabolism Tehran university of Medical Sciences***

***6. Hospital, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran***

***7. Institute of Endocrinology and Metabolism Tehran university of Medical Sciences, Iran***

***8. Hospital, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran***

*Introduction: Obesity, especially when concentrated in the abdominal area, is often associated with the presence of metabolic syndrome. This study aimed to investigate the prevalence of overweight and obesity as well as the criteria for metabolic syndrome and its risk factors and different obesity phenotype in a population of military personnel aged 20 - 65 years.*

*Methods: This study is a retrospective cross-sectional study in which data is extracted from the database of a military hospital (2,200 subjects). The records of participants contained information such as age, weight, height, body mass index, blood pressure, waist circumference, history of drug use and smoking, as well as the results of tests including lipid profile and fasting blood glucose, respectively. The ATP III criteria as well as two national criteria were used to identify metabolic syndrome among participants.*

*Results: The average age of participants was 33.37 (7.75) years. The prevalence of metabolic syndrome according to Iranian cut off was 26.6 % for the waist circumference >90 cm (585 persons) and 19.6 % for the waist circumference > 95 cm (432 persons), respectively. As well, the rate of metabolic syndrome was identified as 11.1% (432 cases) according to APTIII criteria.*

*Conclusion: The results of this study identified that the prevalence of metabolic syndrome among military individuals is less than other populations, but the prevalence of the syndrome is higher than other military personnel in other countries.*

# نظام مراقبت *WHO–STEPS* تفاوت شهر و روستا در شیوع عوامل خطر بیماری های غیر واگیر: بیماری های غیرواگیر ایران در سال ۲۰۱۱

زهرا خرمی[۱]، کورش اعتماد[۲]، سهیلا خداکریم[۲]، شهین یار احمدی[۳]، محمد اسماعیل کاملی[۴]، علیرضا مهدوی هزاوه[۵]

۱- دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، فارس، ایران

۲- استادیار، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی ، علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳- استادیار، وزارت بهداشت، اداره بیماری های غیرواگیر، علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۴- مدیر اداره امور بیمارستانی، وزارت بهداشت، اداره بیماری های غیرو، وزارت بهداشت، تهران، ایران

۵- رئیس اداره قلب وعروق، وزارت بهداشت، اداره بیماری های غیرواگیر، وزارت بهداشت، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** زهرا خرمی، **محور:**نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت

**زمینه و هدف:** رفتارهای مرتبط با شهرنشینی مهم ترین تاثیر را بر گذار اپیدمیولوژیک بیماری های غیرواگیر دارند.این مطالعه با هدف بررسی شیوع عوامل خطر بیماری های غیرواگیر طبق رویکرد گام به گام در مناطق شهری و روستایی انجام شد..

**روش کار:** این مطالعه قسمتی از یک طرح مراقبت عوامل خطر بیماری های غیرواگیر که در ۳۱ استان کشور ایران در سال ۱۳۹۰ انجام شده، می باشد.۱۰۰۶۹ فرد ۲۰ تا ۷۰ سال( ۳۰۳۶ نفر ساکن روستا و ۷۰۳۳ نفر ساکن شهر) انتخاب شدند.عوامل خطر اصلی طبق رویکرد گام به گام سازمان جهانی بهداشت بررسی شدند.متغیرهای دموگرافیک،اندازه های انتروپومتریک، فشارخون، فعالیت فیزیکی و رژیم غذایی بررسی شدند

**یافته ها:** در مطالعه حاضر، ساکنین مناطق شهری با مشاغل دولتی از سطح تحصیلات بالاتری نسبت به ساکنین روستایی برخوردار بودند(۷٫۸٪ در برابر ۲٫۴٪)، درحالی که ساکنین روستایی بیشتر دارای مشاغل آزاد بودند(۲۴٪ در برابر ۱۶٫۹٪)( *p-v<0.0001*). طبق این مطالعه، شیوع فعالیت فیزیکی کم (۴۴٫۱٪ در برابر ۳۷٫۷٪) ، مصرف کم میوه و سبزی (۸۴٫۷٪ در برابر ۸۲٫۱٪) و نمایه توده بدنی بالا (۶۰٫۷٪ در برابر ۵۰٫۲٪) به طور معنی داری در ساکنین شهری بالاتر از ساکنین روستایی بود. شیوع مصرف روزانه دخانیات (۱۳٫۳٪ در برابر ۱۲٫۹٪) و پرفشاری خون (۱۷٫۱٪ در برابر ۱۶٫۵٪) در ساکنین شهری نیز بالاتر بود. همچنین میانگین فشارخون سیستول و دیاستول به طور معنی داری در ساکنین شهری نسبت به ساکنین روستایی بالاتر بود( *p-v<0.0001*).

**نتیجه گیری:** شهر نشینی و زندگی شهری به طور معنی داری با افزایش عوامل خطر بیماری های غیرواگیر در ایران مرتبط است.

**کلمات کلیدی:** *Risk factors; Urban; Rural; Non-communicable diseases; Iran.*

# Urban-rural differences in prevalence of risk factors of non-communicable diseases (NCDs): The WHO–STEPS Iranian NCD risk factor surveillance in 2011.

***Zahra Khorami, kouroush Etemat, Soheila Khodakarym, Shahin YarAhmadi, Mohammad Ismail Kamel, Ali Reza Mahdavi Hezaveh***

*Introduction: Behaviors related to urbanization have an important effect on the epidemiologic transition of non-communicable diseases (NCDs). The aim of this study was to assess the prevalence of risk factors of NCD based on the stepwise approach in urban and rural areas.*

*Methods: This study is a part of the national non-communicable diseases' (NCD) risk factor surveillance that was conducted in 31 provinces of Iran in 2011. First, 10069 individuals aging 20-70 years old (3036 individuals from rural and 7033 from urban areas) were recruited. The major risk factors were studied using modified WHO STEPS approach.*

*Results: In the present study, People in governmental occupations had higher education in urban residents than rural (7.8% versus 2.4% in urban and rural areas, respectively), whereas people in rural areas were mostly self-employed (24% versus 16.9%) (p-value <0.0001).This study shows that the prevalence of low physical activity (44/1% versus 37/7%), Low fruit and vegetable intake (84.7% versus 82.1%) and high BMI (60.7% versus 50.2%) were significantly higher in urban compared to rural residents. the prevalence of daily cigarette consumption (13.3% versus12.9) and Hypertension (17.1% versus 16.5%) were higher in urban compared to rural residents. Mean systolic and diastolic blood pressure levels were significantly higher in people living in urban areas (p-value<0.0001).*

*Conclusion: Urbanization and Urban living has a significant association with the increase of NCD risk factors in Iran.*

# چالش های مالی نظام سلامت برای مقابله با بیماری های غیرواگیر

اسری اصغرزاده[1]، ندا یزدانی[2]

۱- علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۲- علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** اسری اصغرزاده

**محور:**مدیریت خدمات بهداشتی

**زمینه و هدف:** نظام سلامت با چالش رو به رشد بیماری های مزمن در کشورهای کم درآمد و با درآمد متوسط مواجه است. بیماری های غیر واگیر ۶۹ درصد مرگ و میر جهانی را تا سال ۲۰۳۰ منجر می شود که در این میان ۸۰ درصد از این مرگ و میرها در کشورهای کم درآمد و با درآمد متوسط است.

**روش کار:** پژوهش حاضراز نوع مروری ضمن بررسی پایگاه های داده مرتبط باهدف بررسی چالش های مالی نظام سلامت جهت مقابله با بیماری های غیرواگیر انجام گرفته است.

**یافته ها:** وجود محدودیت های قابل توجهی در هر یک از اجزای کلیدی نظام سلامت از جمله تامین مالی سلامت، حکومت، نیروی کار سلامت، اطلاعات سلامت، محصولات پزشکی و فن آوری آشکار است. دستور کار جهانی جدید برای سیستم های سلامتی توجه به نیازهای فوری و حفظ و پایداری مداخلات دارای اولویت است. در حال حاضر بیماری های مزمن افزایش هزینه های مراقبت های بهداشتی را به دنبال داشته، ضمن اینکه افزایش سن جمعیت منجر به پیچیده تر و هزینه برترشدن ارائه خدمات در نظام مراقبت سلامت است، لذا تغییر جهت نظام سلامت به سوی فعال کردن یک رویکرد افقی جهت مدیریت بیماری های غیر واگیر در دراز مدت ضروری است.

**نتیجه گیری:** یکپارچه سازی سیستم های مراقبت سلامت از مولفه های اصلی مراقبت سلامت با کیفیت بالا، کارآمد و منصفانه است. برای حرکت در این مسیر، استراتژی تامین مالی باید با خدمات مراقبت برنامه ریزی شده، سازگار باشد.

**کلمات کلیدی:** تامین مالی، نظام سلامت، بیماری های غیر واگیر، چالش ها

# The financial challenges of the health system to deal with non-communicable diseases

***Asra Asgharzadih [1], N. Yazdani [2]***
***1, Medical Sciences, Tehran, Iran***
***2, Medical Sciences, Tehran, Iran***
***Corresponding Author: Asra Asgharzadih***

*Introduction: The health system are facing with growing challenge of chronic diseases in low- and middle-income countries. Non-communicable diseases cause 69% of deaths worldwide by 2030, 80% of these deaths will be in low- and middle-income countries.*

*Methods: Method: The present study has been carried out in order to review relevant databases to investigate the financial challenges of the health system to deal with non-communicable diseases.*

*Results: The presence of significant constraints is obvious on each of the key components of the health system, including health financing, governance, health workforce, health information, medical products and technologies. New global agenda has priority for health systems due to the immediate needs and sustain interventions. Currently, chronic diseases lead to increasing the cost of health care, while an aging population will lead to more complicated and expensive providing services in the health care system. Therefore, any change to the health system is essential to enable a horizontal approach to the management of non-communicable diseases in the long term.*

*Conclusion: The integration health care systems is main component of high-quality, efficient and fair health care. To move in this direction, financing strategy must be consistent with planned care.*

# آیا طرح تحول سلامت تجارب بیماران از بستری را تغییر داده است؟ مقایسه نتایج دو بررسی مقطعی در ۵ بیمارستان دانشگاهی کرج

کوروش کبیر[۱]، مرجان حاج فیروزآبادی[۲]، محسن لطفی[۳]، فاطمه عابدی[۳]

۱- استاد یار، دانشکده پزشکی، علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

۲- مربی، دانشکده پرستاری و مامایی، علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

۳- دانشجو، دانشکده پرستاری و مامایی، علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

**نویسنده مسئول:** کوروش کبیر، **محور:**مدیریت خدمات بهداشتی

**زمینه و هدف:** طرح تحول سلامت از سال ۱۳۹۲ مطرح و از جمله برنامه های آن ارتقای هتلینگ بیمارستان بوده است که یکی از اهداف آن پاسخگویی به انتظارات بیماران بوده است. مطالعه حاضر به مقایسه تجارب بیماران بستری شده قبل و بعد از اجرای طرح می پردازد.

**روش کار:** دو مطالعه با ابزار یکسان به صورت مقطعی ۱۳۹۱ و ۱۳۹۴ روی بیماران در حال ترخیص از ۵ بیمارستان دانشگاهی کرج انجام شد. نمونه گیری به روش سهمیه ای صورت گرفت و برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شد. بیماران به صورت خود ایفا یا توسط همراه بیمار، پرسشنامه را تکمیل کردند.

**یافته ها:** ۱۲۰۵ بیمار در ۲ مقطع بررسی شدند که نیمی (۴۹,۷٪) به صورت اورژانسی بستری شده بودند. نظم مراقبت، زمان تا بستری و محل بستری در اورژانس وضعیت نامناسبتری نسبت به سال ۹۱ داشتند($p$<۰,۰۰۱) .تجربه بیماران از سیستم سرمایش/ گرمایش، تمیزی بخش و کیفیت غذا بهبود یافته بود ($p$<۰,۰۰۱) .سال ۱۳۹۱ حدود۳۰٪ بیماران، بیمارستان مورد نظر را حتما به دیگران توصیه میکردند که در سال ۱۳۹۴ به حدود ۴۴٪ رسیده بود ($p$<۰,۰۰۱) .

**نتیجه گیری:** به نظر می رسد طرح تحول توانسته است برخی شاخص های اقامت بیمارستانی را بهبود دهد، بدتر شدن برخی از تجارب می تواند تاحدی ناشی از افزایش بار کاری بیمارستانهای دولتی تحت تاثیر طرح تحول باشد. بیماران به طور کلی نیز تجارب بهتری را از مراقبت در بیمارستان های کرج داشته اند، با این وجود بسیاری از این شاخص ها هنوز به اندازه کافی خوب نیستند و نیازمند بهبود مداوم و پایش خواهند بود.

**کلمات کلیدی:** طرح تحول سلامت، تجارب بیماران، مراقبت بیمار، بستری، ایران

# Does health reform plan has changed patient experiences of a hospital stay? Comparing results of 2 cross sectional studies in 5 public hospitals in Karaj

***Koroush Kabir [1], M. Haj Firoozabadi [2], Mohsen Lotfi [3], Fatemeh Abidi [3]***

***1- Assistant Professor, Faculty of Medicine, Medical Sciences, Tehran, Karaj, Iran***

***2- .School of Nursing and Midwifery, Medical Sciences, Tehran, Karaj, Iran***

***3- School of Nursing and Midwifery, Medical Sciences, Tehran, Karaj, Iran***

***Corresponding Author: Koroush Kabir***

*Introduction: Health reform plan proposed in 2013, includes some programs, one is promoting hospital hoteling, which one of its objectives is to meet the patients' expectations. This study compares the experiences of hospitalized patients before and after health reform.*

*Methods: Two cross-sectional studies with identical tools were conducted in 2012 and 2015 on patients being discharged from the 5 Karaj public hospitals. Quota sampling was conducted and questionnaires were used to collect data. Patients or their attendant completed the questionnaires.*

*Results: 1205 patients were studied in two time periods, nearly half (49.7%) of them were admitted on an emergency basis. Care organization, time to hospitalization and patient place before hospitalization in emergency department had become less desired comparing to 2012 period(p*

*Results: 51% of the participants were women and 49% were men. Totally, 7.4% of participants had low knowledge, 71.8% moderate and 20.8% high knowledge. The men had significantly more knowledge than women (P=0/027). Regarding the questions evaluating the medical students' attitude, 94.1% of participants had a positive attitude about nutritional factors of NAFLD. In addition, attitude scores were not significantly different between the various groups in terms of age and gender.*

*Conclusion: As the medical students' knowledge about NAFLD in this study was moderate, regarding to physicians' role and their influence on other social groups, improving medical education about NAFLD is necessary.*

# گزارش طراحی مراحل اولیه سند کشوری کنترل و پیشگیری بیماری های غیر واگیر

مهستی علیزاده[1]، احمد کوشا[2]

۱- عضو هیئت علمی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۲- رییس اداره بیماریهای غیر واگیر، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

**نویسنده مسئول:** مهستی علیزاده

**محور:**مدیریت خدمات بهداشتی

**زمینه و هدف:** بیماری های غیر واگیر از مهم ترین علل مرگ و ناتوانی در جهان و ایران هستند. وجودبرنامه و سند ملی پیشگیری و کنترل بیماری های غیر واگیر از تعهدات کشورهای عضو سازمان بهداشت جهانی است. این گزارش به فاز اول طراحی این برنامه که شامل برنامه ریزی و اجرای چهارچوب سند بود می پردازد.

**روش کار:** در این گزارش به مراحل مختلف شامل ، بررسی مستندات، آمار و شواهد ملی و بین المللی، مصاحبه ها و بحث های متعدد گروهی با گروه های مختلف در داخل و مشاوران خارج از کشور و نحوه تهیه چهارچوب برنامه پرداخته خواهد شد

**یافته ها:** چهارچوب فاز اولیه تدوین سند ملی پیشگیری و کنترل بیماری های غیر واگیر بر چهار حیطه زیر استوار بود: عوامل خطر، حاکمیت، نظام مراقبت و ارائه مراقبت سلامت. اهداف و استراتژی ها و فعالیت های پیشنهادی در این چهار حیطه ارائه شد

**نتیجه گیری:** سند ملی بیماری های غیر واگیر بر اساس اسناد و مدارک موجود ، بررسی متون ملی و بین المللی و اجماع نظر متخصصین در چهار حیطه اصلی تدوین شد

**کلمات کلیدی:** *non communicable disease- national plan*

# The early stages of designing Country document of non-communicable Disease Control and Prevention

***Alizadeh M [1], A. Koosha [2]***
***1. Tabriz University of Medical Sciences, Medical Sciences, Tabriz, Iran***
***2. The director of non-communicable diseases, Ministry of Health and Medical Education, Medical Sciences, Tabriz, Iran***
***Corresponding Author: Alizadeh M***

*Introduction: Non-communicable disorders are the most important causes of death and disability in the world and Iran. National prevention and control plan of non-communicable diseases is an obligations of States Parties of the World Health Organization. This report is on the first phase of the program, which includes the planning and framework of the national plan*

*Methods: this report is based on the steps of the first phase of national plan. In which the evidences and documented were searched and also different interviews were done and consultations were taken*

*Results: The framework of the national was based on four domains: risk factors, governance, surveillance and health care*

*Conclusion: the national plan of prevention and control of non-communicable disease was developed in different phase. at the first phase the framework and objectives were designed*

# تاثیر اجرای برنامه پزشک خانواده در بهبود مشارکت مالی بیماران

رضا خدیوی[1]، مریم خیری[2]

۱- مرکز تحقیقات تعیین کننده های اجتماعی سلامت، علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

۲- اداره ارزیابی فناوری تدوین استاندارد وتعرفه سلامت، معاونت درمان وزارت بهداشت، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** مریم خیری

**محور:**نقش پزشک خانواده و نظام سلامت

**زمینه و هدف:** پرداخت از جیب خانوارها جهت مراقبت های سلامتی ممکن است منجر به بروز هزینه های کمر شکن وفقر در خانواده ها شود.یکی از اهداف اصلی اجرای برنامه پزشک خانواده کاهش پرداخت از جیب وهزینه های کمرشکن سلامت خانوارها می باشد.در این مطالعه تا ثیر اجرای برنامه پزشک خانواده در مشارکت مالی بیماران در استان چهار محال وبختیاری بررسی گردید.

**روش کار:** در این مطالعه مقطعی داده های هزینه ودرآمد خانوارهای شهری و روستایی استان چهار محال وبختیاری بدست آمده از مرکز آمار ایران در سال های ۲۰۰۴ و۲۰۱۱ قبل وبعد از اجرای برنامه پزشک خانواده را مورد مطالعه قرار داد.با استفاده از این داده ها هزینه های سلامتی و هزینه های کمرشکن در این سال ها محاسبه گردید.آنالیز های توصیفی ومقایسه های متعدد به روش کای۲ با استفاده از نرم افزار *SPSS ver.20* انجام شد.

**یافته ها:** ۱۷۱۶خانوار در سال های ۲۰۰۴ و۲۰۱۱ به این مطالعه وارد شدند. خانوارهای روستایی دچار هزینه های کمرشکن از ۸/۱٪ در سال ۲۰۰۴ به صفر درصد در سال ۲۰۱۱ رسید.درحالی برای خانوارهای شهری که برنامه پزشک خانواده اجرا نشده بود از ۱٪ به ۸/۰٪ رسید که معنی دار نبود.

**نتیجه گیری:** اجرای برنامه پزشک خانواده در کاهش هزینه های سلامت خانوار های ایرانی تاثیر مثبت داشته است.

**کلمات کلیدی:** هزینه های کمرشکن ، برنامه پزشک خانواده ، ایران

# Does family Physician programme improve financial contribution of patients?

*Reza Khadivi[1] , Maryam Kheyri[2]*

*1-Social Determinant of Health Research center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran*

*2-Health Technology Assessment, Standardization and Tariff Management, Deputy of curative affairs Ministry of Health and Medical Education ,Tehran, Iran*

*Coresponder:Maryam Kheyri*

*Introduction: Out-of-pocket (OOP) payments for healthcare can cause households to incur catastrophic expenditures, pushing them into poverty. The main principle of HSR in IR Iran as the family physician (FP) program is a reduction in out-of-pocket and catastrophic health expenditures. The purpose of this study is an assessment of health expenditures and catastrophic expenditure before and after the HSR in Chaharmahal and Bakhtyari (C&B) province ( one of the pilot province of HSR in IR Iran).*

*Methods: The study uses row data sets of the Statistical Center of Iran in the years2004 (before the family medicine program) and 2011 (after that) containing detailed information on health care utilization and spending and other key individual, household, and community factors.Descriptive analysis and comparisons using Chi-squered test was carried out with SPSS ver.20*

*Results: After implementation of FP program in rural areas of C&B province in Iran, catastrophic health expenditures were declined from 1.8% in 2004 to 0% in 2011. This index had no specific change in urban areas. Inpatient services expenditure was the main factor in creation catastrophic health expenditures.*

*Conclusion: Catastrophic health expenditure was declined significantly in rural area of C&B province but this decline was not markedly in urban areas after seven years.Probably after FP program execution and increase health insurance coverage in rural areas can explain this decrease trend .*

*Keywords: catastrophic health expenditure, family physician program, Iran*

# کاهش مرگ و میر ناشی از بیماریهای غیرواگیر در راستای دستیابی به اهداف توسعه پایدار

نیلوفر پیکری[1]، شیرین جلالی نیا[2]

۱- دبیر دبیرخانه ملی پیشگیری و کنترل ب، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تهران، ایران

۲- معاون توسعه مرکز توسعه هماهنگی و ار، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** نیلوفر پیکری، **محور:**نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت

**زمینه و هدف:** دستیابی به اهداف توسعه پایدار در راستای پایان بخشیدن به فقر شدید، مبارزه با نابرابری ، تعهدی است که سران ۱۹۳ کشور آن را پذیرفته اند. آرمان سوم این اهداف ، ارتقاء سلامتی و رفاه برای همه بوده و بر موضوع بیماری های غیر واگیر نیز متمرکز است.

**روش کار:** مطالعه حاضر مبتنی بر تحلیل محتوایی بار جهانی بیماریها و شاخص اهداف توسعه پایدار با رویکرد سیاستگذاری سلامت است و با استفاده از اطلاعات انستیتو سنجش سلامت صورت پذیرفته است.

**یافته ها:** بیش از ۷۰٪ علل مرگ در جهان به علت بیماری های غیرواگیر بوده و بار اقتصادی ناشی از آن موجب بروز فقر می گردد. کنترل بیماری های عفونی و مراقبت مادران و کودکان موجب افزایش امید به زندگی و کاهش مرگ کودکان شده است ولی ۳۹ میلیون مرگ در جهان ، ۲۵۰۰۰۰۰ مرگ در مدیترانه شرقی و ۳۰۰۰۰۰ مرگ در ایران به علت بیماریهای غیرواگیر مساله ای است که نباید مغفول واقع شود. میزان مرگ و بار بیماریها در مناطق مختلف شهری و روستایی و در گروههای مختلف اقتصادی و اجتماعی متفاوت است و این شاخصی است که با نابرابری سلامت ارتباطی تنگاتنگ دارد.

**نتیجه گیری:** اهداف توسعه پایدار رویکردی عدالت جویانه بوده و دستیابی به پوشش جهانی سلامت از ملزومات آن است. در ایران، مراقبت های بهداشتی اولیه توانست به کنترل بیماریهای عفونی و کاهش مرگ مادران و کودکان یاری رساند. اکنون نیز بهره مندی از این نظام با رویکرد چندبخشی و پیگیری اهداف سند ملی پیشگیری و کنترل بیماریهای غیرواگیر می تواند مؤثر واقع شود.

**کلمات کلیدی:** اهداف توسعه پایدار-بیماریهای غیرواگیر

# Reduce mortality from non communicable diseases in order to achieve sustainable development goals

***NilofarPeikari, Jalalinia SH.***
*Corresponding author:* ***NilofarPeikari***

*Introduction: Sustainable Development Goals (SDGs) achievement targets the end extreme poverty, and the third goal focused on improving health and Non-communicable Diseases (NCD) related issues.*

*Methods: We used content analysis of Global Burden of Diseases results and values of SDGs index provided by IHME.*

*Results: More than 70% of all cause of deaths related to NCDs and its burden leads countries to poverty. Infectious diseases prevention and control, and maternal and child health care led to life expectancy increase and child mortality decrease. But, 39 million deaths in the world, more than 2 million deaths in the Middle East and 300000 deaths in Iran due to NCDs couldn't be ignored. Burden of NCDs is related to urban and rural area, and socioeconomic levels.*

*Conclusion: SDGs have equity-based approach and universal health coverage achievement is essential in this regards. PHC of Iran has critical role in infectious diseases control and child and maternal mortality reduction. Now, this system could effective role in NCDs' prevention and control through multi-sectoral collaboration and attaining to the goals of national action plan of NCDs.*

# بیماری های مزمن و هزینه های کمرشکن سلامت: شواهدی از همدان، ایران

سجاد واحدی[1]، جواد جوان نوغابی[1]، امیرعلی مرادپور[1]

۱- دانشجو، تهران، علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** سجاد واحدی، **محور:**نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت

**زمینه و هدف:** بیماری‌های غیرواگیر مزمن نه تنها باعث کاهش پیامدهای سلامت می شوند بلکه عوارض مالی را بر خانوارها تحمیل کنند. این بیماری‌ها می‌توانند خطر هزینههای کمرشکن سلامت ( *CHE*)را افزایش دهند. مطالعه حاضر در پی تحلیل بروز و شدت *CHE* بین خانوارهای با و بدون بیماری های مزمن است.

**روش کار:** روش‌ها: با انجام یک پیمایش تصادفی که بین تیر و امرداد سال ۱۳۹۳انجام گرفت، به طور تصادفی ۷۸۰ خانوار از لیست خانوارهایی که از خدمات سلامت بستری در بیمارستان‌های همدان بهره‌مند شده بودند انتخاب شد. خانوار دارای یک بیماری مزمن یا بیشتر، به عنوان خانوان دارای بیماری مزمن تعریف شد. هدکوانت و اورشوت به همراه سنجه‌های توزیعی با دیدگاههای متفاوت و آستانه های متنوع برای هزینه های کمرشکن برآورد گردید. نهایتا، عوامل موثر بر بروز و شدت *CHE* برای خانوارهای با بیماری مزمن برآورد گردید.

**یافته ها:** در هر دیدگاه و هر آستانه، خانوارهای با بیماری مزمن هدکوانت و اورشوت بالاتری داشتند. این نتیجه در سنجه های توزیعی نیز مشاهده شد. تحلیل رگرسیون نشان داد که وضعیت اقتصادی پایین، بعد خانوار پایین و افزایش در بهرهمندی از خدمات، با بروز و شدت *CHE* در خانوارها همراه است.

**نتیجه گیری:** با تجدیدنظر در تامین مالی سلامت و جهت دادن بیمه به نیازهای سلامت گرانی که توسط بیماری های مزمن پدید می آید، در کنار توجه به عوامل اقتصادی و اجتماعی نظام سلامت ایران می تواند با ناملایمات مالی نظیر *CHE* که توسط بیماری های مزمن ایجاد می شود کنار آید.

**کلمات کلیدی:** *Chronic Diseases ,Catastrophic Health Expenditure, Hamadan, Iran*

# Chronic Diseases and Catastrophic Health Expenditure: Evidence from Hamadan, Iran

*Sajad Vahedi[1], Javad Javan[1], Amirali Moradpour[1]*

*1-PhD Student of Health Economics, Department of Health Economics, School of Health Management and Information Sciences, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran*

*Introduction: Chronic non-communicable diseases (NCDs) not only decrease health outcomes but also incur financial side-effects on households. These diseases could enlarge the risk of catastrophic health expenditure (CHE). The present study aimed to analyze the incidence and intensity of CHE among households with and without chronic NCDs in Hamadan.*

*Methods: Conducting a household sample survey performed from July to August 2014, we randomly selected a total of 780 households from the list of households benefited from inpatient services in hospitals of Hamadan. A household with chronic NCDs is defined as the one with ≥ 1 chronic disease patient. The headcount and overshoot measures alongside distributive-sensitive measures for CHE were calculated using different approaches and thresholds. Finally, the determinant factors of the incidence and intensity of CHE were investigated for households with chronic NCDs.*

*Results: By any approach and at any threshold, households with chronic disease members had higher headcount and overshot measures. This result observed regards to distributive-sensitive measures. The Regression analysis revealed that lower economic status, lower household size and increase in healthcare utilization were associated with CHE incidence and intensity in the households with chronic NCDs in Hamadan.*

*Conclusion: By reconsideration in health financing and orienting insurance to expensive health-care needs emerged by chronic NCDs, along with addressing relevant socioeconomic factors, the health system of Iran could cope with financial adversities such as CHE incurred by chronic NCDs.*

# معرفی برنامه ملی مدیریت درمان سکته حاد مغزی

پگاه محقق[1]، محمد آقاجانی[2]، مسعود مهرپور[3]، جمشید کرمانچی[4]، بابک زمانی[5]

۱- کارشناس مسئول برنامه مدیریت درمان وزارت بهداشت، معاونت درمان وزارت بهداشت، تهران، ایران

۲- معاونت درمان وزارت بهداشت، ، وزارت بهداشت، شهید بهشتی، تهران، ایران

۳- هیات علمی بیمارستان فیروزگر، بیمارستان فیروزگر، ایران، تهران، ایران

۴- مشاور معاون درمان در امور بیماریها، معاونت درمان وزارت بهداشت، تهران، ایران

۵- هیات علمی بیمارستان حضرت رسول، بیمارستان حضرت رسول، ایران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** پگاه محقق، **محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** بر اساس آخرین گزارش سیمای مرگ در ایران، سکته مغزی دومین علت مرگ و میر در کشور می باشد و سکته مغزی ایسکمیک بیش از دوسوم موارد سکته مغزی را شامل می شود. مهمترین راه کاهش مرگ و میر و ناتوانی ناشی از سکته حاد مغزی استفاده از ترومبولیتیک تراپی برای درمان سکته مغزی حاد ایسکمیک می باشد. بدین منظور معاونت درمان، اقدام به تدوین شناسنامه استاندارد خدمات درمان سکته مغزی و اجرای آن در بیمارستانهای داوطلب واجد شرایط کشور نموده است.

**روش کار:** بدین منظور کمیته ای متشکل از خبرگان علمی و اجرایی تشکیل گردید و بعد از جلسات متعدد، شناسنامه استاندارد خدمات درمان سکته حاد مغزی تدوین و بر اساس چک لیست استاندارد خدمات، ۵۷ بیمارستان دانشگاهی به عنوان بیمارستان ۷۲۴ در سراسر کشور ، برای ارائه خدمات به صورت ۲۴ ساعته و ۷ روز در هفته در واحد درمان سکته مغزی ( *Stroke care unit)*انتخاب شدند.

**یافته ها:** تزریق ترومبولیتیک در سکته حاد مغزی ایسکمیک در زمان طلایی خدمت (۴ ساعت از شروع علایم) سبب کاهش چشم گیر میزان مرگ و میر، بستری بیمارستانی و ناتوانی می شود. تزریق ترومبولیتیک در واحد درمان سکته مغزی( *stroke care unit)*و مانیتورینگ دقیق از زمان شروع مداخله تا حداقل ۴۸ ساعت پس از اقدام درمانی در کاهش خطر خونریزی بعد از تزریق بسیار موثر می باشد.

**نتیجه گیری:** از آنجا که اثربخشی این روش ها وابسته به زمان مداخله از شروع علائم است لذا آموزش و اطلاع رسانی عمومی در خصوص مراجعه به موقع بیماران و تقویت اورژانس پیش بیمارستانی در بهبود نتایج درمانی تاثیرگذار است.

**کلمات کلیدی:** بیمارستان ۷۲۴، ترومبولیتیک تراپی، سکته مغزی، واحد درمان سکته مغزی

# Introducing the National Management program for acute ischemic stroke

***Mohaghegh P,Hajiaghajani M,Abdi S,Nohi F,Kermanchi J,Mehpoor M,Zamani B.***
***1-Community medicine specialist,curative affairs,MOHME***
***2-Assistant professor of shahid beheshti university of medical science***
***3- Professor of cardiology, shahid Rajai Hospital***
***4- Professor of cardiology, shahid Rajai Hospital***
***5- Curative affairs,MOHME***
***6- Associated professor of Iran university of medical science***
***7- Associated professor of Iran university of medical science***

*Introduction: According to the latest report of mortality profile in 2011 in Iran, stroke is the second cause of mortality in the country and ischemic stroke are included More than two-thirds of strokes. One way to reduce deaths and disability of acute ischemic stroke is Thrombolytic therapy. For this purpose, curative affairs of MOHME, standardized the treatment of ischemic Stroke and Implementation this program in eligible hospitals of country*

*Methods: To this end, in April 2015, a committee of experts was formed and after several meetings, service standard was developed. After developing service standard check list for eligible hospitals, finally 57 hospitals (724 hospitals), provide these service in stroke care unit 24 hours a day, 7 days a week.*

*Results: Based on the results, the administration of thrombolytic in acute ischemic stroke care unit in the golden time of service (4 hours of symptom onset) cause significant reduction in mortality, hospitalization and disability. Due to the risk of bleeding, Thrombolytic infusion requires careful monitoring since the start of the intervention until at least 48 hours after treatment.*

*Conclusion: Since the effectiveness of this method depends on the time of onset of symptoms intervention, Public education about importance of time and strengthening of pre-hospital emergency In improving services and outcomes is very impressive.*

*Keywords: Thrombolytic therapy, acute ischemic stroke,*

# بررسی منبع کنترل سلامت و ارتباط آن با کیفیت زندگی در افراد مبتلا به عفونت *HIV*

زهرا مصطفویان۱،محمدرضا خجسته۲

۱- گروه پزشکی اجتماعی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

۲- دانشجوی پزشکی، دانشکده آزاد اسلامی، واحد مشهد، مشهد،

**نویسنده مسئول:** زهرا مصطفویان

**محور:**اختلالات روانپزشکی

**زمینه و هدف:** تاثیرعوامل مختلف روانی- اجتماعی ازجمله کنترل منبع سلامت برکیفیت زندگی درافراد مبتلا به عفونت *HIV* به خوبی نشان داده شده است. در مطالعه ما، کنترل منبع سلامت در بیماران ایرانی مبتلا به عفونت *HIV* ارزیابی و ارتباط آن با کیفیت زندگی در این افراد بررسی شد.

**روش کار:** این مطالعه مقطعی بر روی ۸۰ بیمار با عفونت *HIV* مراجعه کننده به مرکز مشاوره بیماری های رفتاری و عفونی معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۹۴ انجام گرفت. افراد به روش نمونه گیری در دسترس وارد مطالعه شدند. بیماران از نظر متغیرهای دموگرافیک، کیفیت زندگی و منبع کنترل سلامت بررسی شدند. منبع کنترل سلامت با استفاده از پرسشنامه چند بعدی منبع کنترل سلامت و کیفیت زندگی با استفاده از پرسشنامه *SF-36* بررسی گردید.

**یافته ها:** میانگی نمره منبع کنترل درونی۳۰,۳۱±۳,۸۷،بیرونی ۲۴,۱۷±۵,۰۳ وشانس ۳۲,۰۱±۴,۴۹ بودهاست. ضریب همبستگی منبع کنترل درونی با بعد جسمانی کیفیت زندگی $(p<0.001, r=0.53)$و با بعد روانی آن $(p<0.001, r=0.48)$بود. نتایج نشان می دهد ابعاد روانی و جسمانی کیفیت زندگی تنها با بعد درونی منبع کنترل سلامت ارتباط معنی دار آماری دارد. و جهت ارتباط مستقیم و شدت ارتباط با هر دو بعد کیفیت زندگی در حد متوسط می باشد.

**نتیجه گیری:** کیفیت زندگی در بیماران با عفونت*HIV* به طور مثبت تحت تاثیر منبع کنترل سلامت درونی قرار دارد. این یافته ها نشان از اهمیت توجه به ویژگی های روانی و باورهای روانی- اجتماعی این بیماران در ارزیابی و درمان آنان دارد.

**کلمات کلیدی:** عفونت *HIV*، کنترل منبع سلامت، کیفیت زندگی

# Evaluation of health locus of control (HLOC) and association with quality of life among HIV-infected patients

***Zahra Mostafavian1, Mohammad Reza Khojasteh2***
***1. Department of community Medicine, Mashhad branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran***
***2. medical student, Islamic Azad University, Mashhad, Iran***
***Corresponding author: Zahra Mostafavian***

*Introduction: The influence of various psychological factors on quality of life (QOL) in HIV infected patients including health locus of control has been well established. In our study, health locus of control (HLOC) in Iranian HIV-infected patients was evaluated and its association with QOL among them investigated.*

*Methods: In this cross-sectional study, 80 patients with HIV infection who referred to behavioral and infectious diseases consultation center in health departments of Mashhad University of Medical Sciences in 2015 were recruited by convenience sampling. Patients were assessed for demographic characteristics, HLOC and QOL. Health locus of control beliefs were measured with the Multidimensional Health Locus of Control (MHLOC) scale and quality of life, with the Medical Outcome Study Short-Form Health Survey (MOS-SF-36).*

*Results: Participants had a mean internal HLOC score of 30.31±3.87, external HLOC score of 24.17±5.03 and a mean chance HLOC score of 32.01±4.49. Positive correlation between internal HLOC scores and both physical dimension ($p < 0.001$, $r = 0.53$) and mental dimension of quality of life ($p < 0.001$, $r = 0.48$) was found.*

*Conclusion: Quality of life was positively influenced in the patients with HIV infection who had internal health locus of control. These findings suggest the importance of considering the psychological characteristics and psychosocial beliefs of patients in evaluation and treatment of patients with HIV infection.*

*Keywords: health locus of control, HLOC, HIV*

# تأثیرمشاوره گروهی مبتنی بر رویکرد شناختی_ رفتاری وتنش و نگرانی های مختص بارداری

خدیجه سیدکابلی [۱]، زهره محمودی[۲]، زهرا مهدی زاده تورزنی[۳]، مریم تهرانی زاده[۴]،کورش کبیر[۵]، ماهرخ دولتیان[۶]

۱- دانشجو، کرج، علوم پزشکی البرز، تهران، ایران

۲- هیت علمی/استادیار، دانشگاه علوم پزشکی البرز، علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

۳- هیئت علمی/مربی، علوم پزشکی البرز، علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

۴- هیت علمی/استادیار، دانشگاه پیام نور ، کرج، ایران

۵- هیئت علمی/استادیار، علوم پزشکی البرز، علوم پرشکی البرز، کرج، ایران

۶- هیئت علمی/استادیار، علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** خدیجه سیدکابلی **محور:**اختلالات روانپزشکی

**زمینه و هدف:** مقدمه : زنان درطول زندگی با استرسهای متعددی مواجه میشوند. حاملگی و زایمان دوره هایی از زندگی زن می باشندکه تغییرات جسمی و روانی خاصی را پدید می آورند و او را آسیب پذیرتر می کنند.

**روش کار:** این مطالعه یک کارآزمایی تصادفی است که بصورت موازی بر روی ۶۲ زن باردار واجد شرایط در سال ۱۳۹۵ صورت پذیرفت. افراد ابتدا بصورت دردسترس وارد مطالعه شدند و سپس بر اساس بلوک های تصادفی چهار تایی دردو گروه مداخله و کنترل قرار گرفتند. گروه کنترل مراقبت های روتین بارداری و پکیج آموزشی نحوه ی برخورد با تنش های بارداری را دریافت نمودند اما گروه مداخله علاوه بر مراقبت های روتین بارداری طی ۶ جلسه ۹۰ دقیقه ای تحت مشاوره قرار گرفتند. هر دو گروه در ابتدا و انتهای مطالعه با استفاده از پرسش نامه ی تنش و نگرانی مختص بارداری مورد ارزیابی قرار گرفتند. داده های جمع آوری شده توسط نرم افزار *spss 16* مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**یافته ها:** بر اساس یافته های مطالعه دو گروه از نظر سن، تحصیلات، شغل، قومیت، وضعیت مسکن با یکدیگر تفاوت معناداری نداشتند.مقایسه نمره استرس بارداری در دو گروه قبل از مداخله از نظر آماری با یکدیگر تفاوت آماری معناداری نداشتند اما پس از مداخله میانگین نمره استرس در گروه مداخله بطور معناداری کمتر از گروه شاهد گردید.($p=0/001$)

**نتیجه گیری:** مشاوره ی شناختی _ رفتاری می تواند به عنوان روش درمانی انتخابی در جهت کاهش تنش و نگرانی های مختص بارداری به کار گرفته شود .

**کلمات کلیدی:** مشاوره، تنش و نگرانی مختص بارداری، شناختی-رفتاری، بارداری

# The effect of group counseling based on cognitive-behavioral approach on the pregnancy-specific stress and anxiety

***Seyed Kaboli Khadije[1], Mahmoodi Zohreh[2], Mehdizadeh Tourzani Zahra[3], Tehranizadeh Maryam[4], Kabir Kourosh[5], Dolatian Mahrokh[6]***

***1. MS student in Consultation on Midwifery, Alborz University of Medical Sciences, Karaj, Iran***
***2. Assistant Professor , PhD of Social Determinant of Health, Department of Nursing & Midwifery , Alborz University of Medical Sciences, Karaj, Iran***
***3. MS student in Midwifery, Alborz University of Medical Sciences, Karaj, Iran***
***4. Assistant Professor, PhD of Psychology, Payame Noor University, Karaj, Iran***
***5. Assistant Professor, Community Medicine Specialist, Alborz University of Medical Sciences, Karaj, Iran***
***6. Assistant Professor, PhD of Social Determinant of Health, Department of Midwifery & Reproductive Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran***

*Introduction: Women encounter various stresses during life. Different courses of women's life, namely menstruation, pregnancy, and childbirth, cause particular physical and mental changes that make them more vulnerable*

*Methods: This randomized trial recruited 62 qualified pregnant women in 2016. The women were selected through convenience sampling and then divided into two groups, the case and the control group, based on randomized blocks of four. The control group received the routine prenatal care and an instructional package for dealing with stresses during pregnancy. The case group received counseling for 6 sessions of 90 minutes besides the routine prenatal care. Both groups were evaluated at baseline and at the end of the study using Pregnancy-Specific Stress and Anxiety Questionnaire.The collected data were analyzed in SPSS16 software.*

*Results: Based on the results of this study, the two groups did not significantly differ in terms of age, educational level, occupation, ethnicity, and housing. The score of stress during pregnancy was not significantly different at baseline, either. However, mean score of stress after the intervention was significantly lower in the case group than that in the control group (P = 0.001).*

*Conclusion: The cognitive-behavioral counseling can be used as an optional treatment for reducing the pregnancy-specific stress and anxiety and improving the pregnant women's mental health*

# تاثیر برنامه حمایتی خانواده بر استرس اعضای خانواده بیماران جراحی قلب باز

ویدا شفیع پور[۱]، یدالله جنتی[۲]، سید نورالدین موسوی نسب[۳]، فریبا شوشی[۴]

۱- استاد راهنما، ساری، علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۲- استاد مشاور، ساری، علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۳- دانشیار، دانشکده بهداشت، علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۴- ، ساری، دانشکده پرستاری و مامایی نسیب، علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

**نویسنده مسئول:** فریبا شوشی

**محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** بستری شدن بیماران دربخشهای مراقبت های ویژه اغلب بابروز مشکلات روانی درخانواده ی آنان است. توجه به خانواده بیماراز ارکان مهم مراقبت از بیماران می باشد، زیرا خانواده ها مسئولیت حمایت از بیمار را در اکثر مواقع عهده دار هستند. این مطالعه با هدف تاثیر برنامه حمایتی خانواده استرس و اعضای خانواده بیماران جراحی قلب باز انجام شد.

**روش کار:** در این کارآزمایی بالینی تصادفی ۹۰ مراقب بیمار به مدت۴ ماه در سال ۲۰۱۶ به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و به طور تصادفی در یکی از دو گروه مداخله و کنترل تخصیص داده شدند. گروه مداخله برنامه حمایتی را از روز قبل از عمل تا ۱۴روز پس از ترخیص دریافت کردند. اما گروه کنترل تنها مراقبت های معمول بیمارستان را دریافت نمودند. جهت جمع آوری داده ها از پرسشنامه ی افسردگی، اضطراب و استرس ***(Dass21)*** استفاده شد. تحلیل داده هابااستفادهازکای دو،من ویتنی،فریدمن انجامشد.

**یافته ها:** برای اعضای خانواده که برنامه حمایتی رادریافت کردند، میانگین استرس نسبت به گروه کنترل به طور معنی داری در ۲۴ ساعت قبل از ترخیص و ۱۴ روز پس از ترخیص از بیمارستان کاهش یافت ($P<0.001$)

**نتیجه گیری:** برنامه حمایت اعضای خانواده سبب کاهش استرس در مراقبین خانوادگی شده است.

**کلمات کلیدی:** استرس، جراحی قلبی، حمایت خانواده

# The Impact of Family Support Program on Stress in the Family Members of Open-Heart Surgery Patients

**Shafipour Vida [1], Jannati Yadolah [2], Moosavinasab Seyed Noradin [3], Shooshi Fariba [4]**
*Assistant Professor, Mazandaran University of Medical Science, Sari, Iran*
*Assistant Professor, Mazandaran University of Medical Science, Sari, Iran*
*Associate Professor, School of Public Health, Mazandaran University of Medical Science, Sari, Iran*
*School of Nursing and Midwifery, Mazandaran University of Medical Science, Sari, Iran*

*Introduction: Family members of patients hospitalized in intensive care units (ICUs) often face psychological problems. Paying attention to the patient's family members is one of the major principles of patient care because most of the times, the families are responsible for supporting their patients. The present study aimed to investigate the impact of family support programs on stress, in family members of open-heart surgery patients.*

*Methods: In this randomized control trial conducted in 2016, 90 family members for four months were selected through convenience sampling method and were allocated randomly to control and intervention groups. The intervention group received a support program from the day before surgery until 14 days after discharge. To collect the data, depression, anxiety and stress questionnaire (Dass21). Data analysis was conducted using chi-square, Mann-Whitney and Friedman tests*

*Results: The average stress experienced 24 h before discharge and 14 days after discharge significantly decreased in family members who received support program. ($P < 0.001$).*

*Conclusion: Family support programs reduce stress in intervention group.*

*Keywords: Stress, Cardiac Surgery, Support, Family*

# اثربخشی مداخلات بازتوانی قلبی در بیماران مبتلا به بیماری ایسکمیک قلب در شمال غرب ایران

فریبا حیدری[1]

۱- هیئت علمی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

**نویسنده مسئول:** فریبا حیدری

**محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** هدفم ادر این مطالعه تعیین اثربخشی مداخلات بازتوانی قلبی است که بعد از مداخله عروقی از راه پوست در بیماران مبتلا به بیماری‌های ایسکمیک قلبی انجام یافته است.

**روش کار:** این مطالعه مقطعی بر روی صد و پنجاه بیمار مراجعه کننده به کلینیک قلب شهر تبریز که قبلا مبتلا به بیماری ایسکمیک قلبی بوده اند انجام شده است. بیمارانی وارد مطالعه شدند که یک تا دو سال قبل برای انجام مداخلات کرونری پوستی در بیمارستان تخصصی قلب شهر تبریز بستری بوده اند. داده های بعد از ترخیص از بیمارستان از طریق مصاحبه و معاینه به دست آمد، تا با زمان ترخیص مقایسه شوند.

**یافته ها:** شایعترین ریسک فاکتورهای قلبی شناخته شده دربیماران درزمان بستری به ترتیب اختلالات لیپید (۵۲٪)، فشارخون بالا (۵۱,۳٪)،دیابت (۴۱,۳٪) ومصرف سیگار (۲۶,۷٪) بودندکه درمقایسه بین زمان بستری برای مداخله کرونری پوستی ویک تادوسال بعد، تفاوت معنی داری وجود نداشت. از نظر تعداد ساعات فعالیت فیزیکی در هفته نیز تفاوت معنی داری مشاهده نشد. شاخص توده بدنی بیماران کاهش معنی دار به مقدار ۰,۷ در هر دو جنس داشت ($P.$ =۰,۰۰۱)در بررسی تبعیت از درمان تجویز شده در زمان ترخیص ۷۹٪ از بیماران گزارش کردند که داروهای تجویز شده را به طور مرتب مصرف می کنند.

**نتیجه گیری:** برنامه های بازتوانی قلبی ارائه شده در این مرکز در کوتاه مدت باعث تفاوت در شیوه زندگی و عوامل خطر مبتلایان نشده و نیاز به برنامه ریزی برای ارئه موثرتر و منجسم تر این مداخلات به صورت چندرشته‌ای وجود دارد.

**کلمات کلیدی:** بازتوانی، قلبی-عروقی، عوامل خطر

# Effectiveness of cardiac rehabilitation interventions in ischemic heart diseases in North-west of Iran

***Heydari Fariba*[1]**
***1. Tabriz University of Medical Science, Tabriz, Iran***

*Introduction: The aim of this study was to evaluate the effectiveness of cardiac rehabilitation interventions offered after percutaneous coronary interventions to patients admitted in cardiac hospital.*

*Methods: This study is investigated the subjects with ischemic heart diseases which were referred to the cardiology clinic of Tabriz city in North-west of Iran. We included patients who had a percutaneous coronary intervention in the past one to two year(s). Their admission data were extracted from hospital files, and were compared to their health status after one to two year which was evaluated by one-by-one interviews and physical examinations. Their adherence to prescribed drugs was examined.*

*Results: The most prevalent cardiac risk factors at the time of admission were lipid disorders (52%), hypertension (51.3%), diabetes (41.3%), and tobacco smoking (26.7%) respectively. Comparing with one to two year(s) later, in average none of these risk factors were changed significantly. Average hours of physical activity were not change significantly after the cardiac intervention. Body mass index at the time of hospital admission was 29.1 in women and 27.3 in men, which was decreased by 0.7 in both genders and this difference was statistically significant (p=0.001). Considering the adherence toward the prescribed drugs, 79% of subjects reported regular use, 18% reported irregular use*

*Conclusion: In total, cardiac rehabilitation interventions delivered in this center have not changed life style and cardiac risk factors significantly in patients, in short term evaluation. So, planning for more effective and comprehensive rehabilitations programs is needed by multidisciplinary approach along with intensive follow-up sessions.*

*Keywords: rehabilitation, coronary, risk factor*

# بررسی تأثیر کوئرستین بر بیماریهای قلبی عروقی

مریم مهارت۱، طاهره رنجبر۲
۱- دانشجو کارشناسی ارشد علوم تغذیه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده تغذیه، علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
۲-مدیریت واحد بهبود تغذیه جامعه، مرکز بهداشت شهدای والفجر، علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

**نویسنده مسئول:** طاهره رنجبر، **محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** بیماری های قلبی عروقی بیشترین میزان مرگ و میر را در دنیا به خود اختصاص داده اند. فشارخون بالا، چاقی، دیابت و دیس لیپیدمی از فاکتورهای خطر این بیماریها می باشند. تغذیه و فعالیت بدنی مهمترین نقش را در پیشگیری و کاهش عوارض بیماریهای قلبی عروقی ایفا می کنند. بسیاری از گیاهان مانند پیاز، سیب، توت ها، مرکبات و... دارای میزان گسترده ای از نوعی فلاونول به نام کوئرستین می باشند که از مکمل آن برای درمان عفونت های باکتریایی، آلرژی، آسم، نقرس، آرتریت، اختلالات بینایی و بیماریهای عصبی استفاده می شود.

**روش کار:** دراین تحقیق ۳۳ مورد از مقالات اخیر با کیفیت مطلوب در بین سالهای ۲۰۰۰تا ۲۰۱۶ به کمک موتورهای جست وجوگر *Google Scholar*، *PUBMED*،*Embase* و *Sience direct* با استفاده از کلیدواژه های *Quercetin, cardiovascular disease, hypertension, diabetes, dyslipidemia*، *obesity* مورد مطالعه قرار گرفت.

**یافته ها:** یافته های حاصل از مقالات متعدد نشان داد که مکملیاری کوئرستین با کاهش استرس اکسیداتیو، بهبود عملکرد عروقی و دخالت در سیستم رنین آنژیوتانسین آلدوسترون، منجر به کاهش فشار خون در افراد مبتلا به پرفشاری خون و نیز بهبود پروفایل لیپیدی در بیماران مبتلا به دیس لیپیدمی شده است.علاوه بر این پژوهش های دیگر نیز اثرات ضدچاقی و ضددیابتی کوئرستین (افزایش ترشح انسولین و حفاظت از سلولهای $\beta$ پانکراس) را نشان دادند.

**نتیجه گیری:** مکمل کوئرستین میتواند بدلیل اثر هیپولیپیدمیک، هیپوگلایسمیک، ضددیابتی، ضدچاقی و همچنین تأثیرات مثبتی که بر کاهش فشارخون در افراد مبتلا به پرفشاری خون دارد، به عنوان یک داروی جایگزین و همراه با دیگر داروها جهت مقابله با بیماریهای قلبی عروقی مورد استفاده قرار بگیرد.

**کلمات کلیدی:***Quercetin, cardiovascular disease, hypertension, diabetes, dyslipidemi*

# The effects of quercetin on cardiovascular diseases

**Ranjbar Tahereh[1] , Maharat Maryam[2]**
**1. MS student in nutritional sciences, Student Research Committee, School of Nutrition, Shiraz University of Medical Science, Shiraz, Iran**
**2. Manager of Community Nutrition Improvement Unit, Shohadaye Valfajr Health Center, Shiraz University of Medical Science, Shiraz, Iran**

*Introduction: Cardiovascular diseases are among those diseases with the highest mortality rate in the world. High blood pressure, obesity, diabetes and dyslipidemia are the risk factors of these diseases. However nutrition and physical activities play the most significant role in preventing cardiovascular diseases as well as reducing their symptoms. Many of the plants such as onion, apple, berries, citrus and… contain a great amount of a type of flavonol called quercetin, whose supplements are used to treat bacterial infections, allergies, asthma, gout, arthritis, visual disorders and neural diseases.*

*Methods: Materials and*

*Methods: In this study, there have been 33 series of recent well-qualified articles studied, which date to the years between 2000 and 2016. They have been collected through the search engines, such as Google Scholar, PUBMED, Embase and Sience direct using the keywords Quercetin, cardiovascular diseases, hypertension, diabetes, dyslipidemia and obesity.*

*Results: the findings of various articles indicated that taking quercetion supplements helps to lower the blood pressure in the people with high blood pressure and leads to a better serum lipid profile in those suffering dyslipidemia by reducing oxidative stress. Furthermore the anti-obesity and antidiabetic effects of quercetin (increasing insulin secretion and protecting pancreatic ß-cells) have also been mentioned in other studies.*

*Conclusion: Quercetin supplement with its hypolipidemic, hypoglycemic, anti-diabetic, anti-obesity and also positive effects on reducing blood pressure in the people suffering from high blood pressure could be taken as an alternative medicine and along with other medicines to fight against cardiovascular diseases.*

*Keywords: Quercetin, cardiovascular disease, hypertension, diabetes, dyslipidemi*

# بررسی ارتباط دور مچ دست و دور گردن با عوامل خطرزای کاردیومتابولیک در کودکان و نوجوانان: مطالعه کاسپین

گیتا شفیعی[۱]، رامین حشمت[۲]، رویا کلیشادی[۳]، مصطفی قربانی[۴]، زینب احدی[۵]۱- دانشجو، تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۲- رییس مرکز، تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۳- رییس مرکز، اصفهان، ایران
۴- استاد آمار، کرج، البرز، کرج، ایران
۵- کارشناس، تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
**نویسنده مسئول:** گیتا شفیعی **محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** قدرت پیشگویی دورگردن و دورمچ دست برای خطر بیماریهای قلبی- عروقی لازم است مورد بررسی قرار گیرد. مطالعه حاضر با هدف بررسی ارتباط دورگردن و دور مچ دست با برخی از عوامل خطرزای کاردیومتابولیک می باشد.

**روش کار:** این مطالعه چند مرکزی در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ در ۴۲۰۰ کودک و نوجوان ۱۸-۷ ساله انجام شد. افراد به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای از ۳۰ استان ایران انتخاب شدند. شاخص های تن سنجی ( دور گردن، دور مچ، دور کمر، نمایه توده بدن)، بیوشیمیایی و پارامترهای بالینی اندازه گیری شدند. سندرم متابولیک بر اساس معیار تصحیح شده پانل درمانی بزرگسالان *(ATP III)*برای گروه سنی اطفال تعریف شد. کلسترول تام بالا، بالا بودن کلسترول با دانسیته پایین *(LDL-C)*، کاهش کلسترول با دانسیته بالا *(HDL-C)*، چاقی به عنوان عوامل خطرکاردیومتابولیک در نظر گرفته شدند.

**یافته ها:** تعداد شرکت کنندگان ۳۸۴۳نفر بودند. میانگین (± انحراف معیار) سن شرکت کنندگان ۱۲/۳ (۳/۲±) سال بود. در مدل چند متغیره، دور گردن و دور مچ دست رابطه معنی داری با فشار خون بالا ،*HDL-C*پایین، افزایش نمایه توده بدن ، چاقی شکمی، سندرم متابولیک داشت. علاوه بر این، چاقی قویترین ارتباط را با دور گردن (۱/۵۱-۱/۴۵: *CI*و۱/۴۸: *OR)*و دور مچ دست (۲/۳۶-۲/۱۵: *CI*و۲/۲۵: *OR(*داشت.

**نتیجه گیری:** دور گردن و دورمچ دست با برخی از عوامل خطرزای کاردیومتابولیک در ارتباط است ومی توانند به عنوان یک ابزار ساده در امور بالینی جهت بررسی خطر بیماریهای کاردیومتابولیک در قرار گیرند.

**کلمات کلیدی:** دور مچ- دور گردن- عوامل خطرزای کاردیومتابولیک- کودکان- نوجوانان

# The relationship between the wrist and neck circumference with cardiometabolic risk factors in children and adolescents: CASPIAN Study

*Shafiee Gita[1], Heshmat Ramin[2], Klishadi Roya[3], Ghorbani Mostafa[4], Ahadi Zeynab[5]*

1. *Student, Tehran, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran*
2. *Head of the Center, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran*
3. *Professor of Pediatrics, University of Medical Sciences, Isfahan, Iran*
4. *Professor of Statistics, Karaj, Alborz, Karaj, Iran*
5. *Expert, Tehran, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran*

*Introduction: The predictive potentials of neck and wrist circumferences for cardio-metabolic risks in children and adolescents remain to be determined. The current study aims to evaluate the association of neck and wrist circumferences with some cardio-metabolic risk factors in children and adolescents.*

*Methods: This multi-centric study was conducted in the school year of 2014-2015 among 4200 children and adolescents aged 7–18 years. They were selected by multistage cluster sampling from 30 provinces of Iran. Anthropometric indices (neck, wrist and waist circumference and body mass index), biochemical and clinical parameters were measured. Metabolic syndrome (MetS) was defined based on the Adult Treatment Panel III (ATP III) criteria modified for the pediatric age group. Moreover, high total cholesterol, high low-density lipoprotein cholesterol (LDL-C) and obesity were included as other cardio-metabolic risk factors.*

*Results: The participation rate for blood sampling was 91.5% (n=3843). The mean (SD) age of participants was 12.3 (3.2) years. In multivariate model, neck and wrist circumferences had significant association with elevated blood pressure, low high-density lipoprotein cholesterol, increased body mass index (overweight, excess weight and generalized obesity), abdominal obesity, and MetS. Moreover obesity had strongest associations with neck (OR: 1.48; 95% CI: 1.45-1.51) and wrist circumference (OR: 2.25; 95% CI: 2.15-2.36).*

*Conclusion: Neck and wrist circumferences are associated with some cardio-metabolic risk factors. They could be used as alternative clinical tools and easy to use indicators of cardio-metabolic risk in children and adolescents.*

# بومی سازی راهنمای بالینی پیشگیری از بیماری های قلبی عروقی

فاطمه ملارحیمی ملکی[۱]، مرضیه نجومی[۲]، مریم بیگلری ابهری[۳]

۱- متخصص پزشکی اجتماعی، گروه پزشکی اجتماعی دانشکده پزشکی، دانشکده علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

۲- استاد، گروه پزشکی اجتماعی دانشکده پزشکی ، علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۳- متخصص پزشکی اجتماعی، بیمارستان فیروزگر، علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** فاطمه ملارحیمی ملکی

**محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** بیماریها ی قلبی عروقی بیشترین علت مرگ و میر در کشور هستند و وجود یک راهنمای بالینی پیشگیری از بیماری‌های قلبی و عروقی جز نیازهای اساسی برای پیشگیری می‌باشد.

**روش کار:** انتخاب راهنمای مناسب درچهار مرحله با جستجو در پایگاههای اطلاعاتی و ارزیابی اولیه راهنماهای یافت شده شروع و بعد از ارزیابی اولیه، تعداد چهار راهنمای منتخب با ابزار نقادی *AGREE* مورد غربال قرار گرفتند. ترجمه راهنمای نهایی منتخب همراه با استخراج سوالات بالینی و توصیه ها انجام و توصیه های مناسب با توجه به شرایط بومی کشور و هزینه های پیشگیری و درمان مربوطه، جایگزین و در نهایت به صورت یک راهنمای بالینی مدون ارائه گردید.

**یافته ها:** توصیه ها در دو بخش مدیریت سبک زندگی و توصیه‌های بالینی و درمانی بیان شده است. به منظورکاهش فشارخون، افراد به شرکت در فعالیت‌های بدنی هوازی متوسط تا شدید، ۳ تا ۴ بار در هفته، به‌طور متوسط ۴۰ دقیقه در هر جلسه، توصیه می‌شوند. در راستای پیشگیری اولیه در افراد بدون ابتلا به دیابت با *LDL-C 189- 70* میلی‌گرم در لیتر توصیه به دریافت درمان با استاتین و برآورد خطر ده ساله رخداد بیماریهای قلب و عروق، مطرح شده است. در توصیه بالینی مربوط به فشار خون، اگر *mmHg < ABPM/HBPM < 150/90 mmHg 135/85*باشد توصیه به درمان دارویی در کنار اقدامات پیشگیرانه می شود.

**نتیجه گیری:** تاثیر الگوی رژیم غذایی برای کاهش فشارخون، مستقل از تغییرات در وزن و مصرف سدیم می باشد. بیماران باید نسبت به انطباق الگوی رژیم غذایی توصیه‌شده با ترجیحات شخصی و فرهنگی خود تشویق شوند.

**کلمات کلیدی:** بومی سازی، راهنمای بالینی، بیماریهای قلبی عروقی، پیشگیری

# Clinical Guideline on Cardiovascular Disease Prevention

***Maleki Molarahimi Fatemeh[1], Nojomi Marzieh[2], Abhari Biglari Maryam[3]***

1. ***Community Medicine Specialist ,Department of Community Medicine, Ahvaz jundishapoor University of Medical Sciences of, Ahvaz, Iran***
2. ***Professor of community medicine, Department of community Medicine, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran***
3. ***Community Medicine Specialist, Tehran University of Medical Sciences, Firoozgar Hospital, Tehran, Iran***

*Introduction: Cardiovascular diseases (CVD) are the leading cause of death in Iran. We need a suitable clinical guideline to prevent and control CVD.*

*Methods: We selected final guideline in 4 steps and started with searching electronic resources and related webs and data banks. After initial assessment, we applied AGREE appraisal instrument to appraise selected guidelines. Finally adaptation process of guideline finished with extraction of main questions and recommendations.*

*Results: Recommendations are provided in 2 parts: life style management and clinical-therapeutic guides for hyperlipidemia and hypertension. People are advised to have moderate to sever aerobic physical activities 3-4 times weekly for 40 minutes per session. For primary prevention, non diabetic people with LDL-C ranges 170-189 mg/dl, have better to consume Statins. Also we advised them to estimate cardio vascular 10 years risks with their health providers.*

*Conclusion: Dietary patterns reduce blood pressure independently in comparison with low diet sodium and weight reduction. We must encourage people to adjust recommended dietary plans with their cultural and personal preferences.*

# ارزیابی وضعیت سلامت در کارکنان یک ارگان نیمه خصوصی

لیلی خدمت[1]، بهرام میرزایی[2]

۱- بورد تخصصی، علوم پزشکی تهران، تهران ، ایران

۲- مسوول فنی و رئیس مرکز خبرگان پزشکی ، ، تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** لیلی خدمت

**محور:**پرفشاری خون

**زمینه و هدف:** باتوجه به گزارش تعداد موارد بسیار بالای سندرم متابولیک ،این مطالعه با هدف جمع آوری اطلاعات اولیه جهت طراحی واجرای برنامه های مدون آموزشی وعملی جهت اصلاح سبک زندگی تنظیم گردید

**روش کار:** در این مطالعه که ازنوع مقطعی( *cross sectional*)می باشد ۹۵۷ نفراز اعضای یکی از ارگانهای خصوصی درسطح شهر تهران از۲۹آبان سال ۱۳۸۹ تا ۱۵خرداد سال ۱۳۹۰ مورد غربالگری قرارگرفتند

**یافته ها:** ۷۶۴ نفر مرد (۷۹,۸۳٪)و۱۹۳ نفر(۲۰,۷٪) زن وارد مطالعه شدند که ۷۶ مورد (۷,۹٪)فشارخون سیستولیک بیشتر و مساوی ۱۴۰ میلی متر جیوه و ۹۳,۷٪موارد فشارخون سیستولیک کمتر۱۳۰ از میلی متر جیوه و۳,۷٪موارد فشار خون سیستولیک ۱۳۰-۱۴۰میلی متر جیوه داشتند و ۹۴,۶٪فشار خون دیاستولیک کمتر مساوی ۸۰میلی متر جیوه و۳,۷٪ فشار خون دیاستولیک ۹۰-۸۰میلی متر جیوه و۱,۷٪موارد فشار خون دیاستولیک بیشتر مساوی ۹۰ میلی متر جیوه داشتند.۴۷,۷٪موارد *BMI35*داشتند.۷۹٪*ECG* طبیعی و ۲۱٪اختلالات مختلف در *ECG* داشتند.۱۹,۳٪موارد مشکلات گوارشی و هلیکوباکتر پیلوری مثبت داشتند ۴,۲٪موارد درد یا بیماری گردن و۵,۱٪موارد درد یا بیماری زانو ،۹,۶٪موارد درد یا بیماری ستون فقرات لومبوساکرال ،۱۶,۲٪اضطراب ،۲,۴٪اختلال اعصاب و روان ،۰,۳٪وسواس ،۰,۴٪خستگی ،۸,۷٪موارد ضعف و بی حوصلگی،۱,۹٪موارد سردرد وسرگیجه ،۳,۷٪موارد اختلال خواب ،۱۵,۴٪خرخر هنگام خواب ،۳,۱٪ موارد مشکل تنفس از بینی داشتند.

**نتیجه گیری:** باتوجه به اطلاعات به دست آمده ،موارد مهم دسته بندی شدند وبرنامه ریزی لازم جهت اقدامات پیشگیرانه و درمانی به عمل آمد.

**کلمات کلیدی:** *Health,hypertention, BMI, Preventive, Life style*

# Assessment of health status among employees of semi-private organizations

***Khedmat Leili [1], Mirzaee Bahram[2]***

1. ***Community Medicine Specialist, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran***
2. ***Technical director and head of medical experts, Tehran, Tehran, Iran***

*Introduction: Considering high prevalence of metabolic syndrome, this study aimed to collect basic information for designing and implementing educational programs and actions for reform people lifestyle.*

*Methods: In this cross-sectional study, 957 delegates who were members of a semi- private organizations in Tehran were screened from 29 November 2011 to 15 June 2012.*

*Results: 764 men (79.83%) and 193 women (20.7%) were enrolled with this finding :In 76 cases (7.9%) systolic blood pressure was higher than 140; in 93.7% the systolic blood pressure was less than 130 and in 3.7% systolic blood pressure was 130-140; 94.6% had diastolic blood pressure less than or equal to 80 ; 3.7% had diastolic blood pressure 80-90 and 1.7% had diastolic blood pressure 90 or higher. In 47.7 % Of cases BMI WAS 35.In 79% ECG was normal and in 21% abnormalities in ECG were found .19.3% of patients with positive H. pylori test had digestive problem; 4.2% had neck pain and 5.1% had knee pain; 9.6% had lumbosacral or spine disease,anxieties in 16.2% , psychiatric disorders in(2.4%), obsessive disorders in 0.3%, fatigue, weakness and impatience 0.4%, headache in 8.7% , dizziness in 1.9%; 3.7% had sleep disorders, 15.4% had snoring during sleep, 3.1% had difficulty breathing through the nose.*

*Conclusion: According to information obtained, important findings were classified to plan preventive and therapeutic measures.*

# آیا فشار خون بالا ارتباطی با وزن تولد یا وزن کنونی دارد؟

نرگس تبریزچی[۱]، علی پاشا میثمی[۲]، سینا مرادمند[۳]، محمدرضا گنجی[۴]، زهرا مختاری[۵]، زهرا اکبری[۶]

۱-فرهنگستان علوم پزشکی، تهران، ایران،

۲-استاد، دانشکده پزشکی، تهران، ایران،

۳-استاد، بیمارستان امیراعلم، تهران، ایران،

۴-دانشیار، بیمارستان شریعتی، تهران، ۵

۵-دانشجوی ***PhD***، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران،

۶-پژوهشگر،پزشک عمومی، ، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** نرگس تبریزچی، **محور:**پرفشاری خون

**زمینه و هدف:** هدف: فشارخون بالا در کودکان بخصوص در کشورهای در حال توسعه رو به افزایش است. وزن تولد، سن ومشخصه های تن سنجی مانند وزن و قد فعلی به عنوان عوامل مؤثر در فشارخون بالا در کودکان و نوجوانان مطرح شده است. این مطالعه با هدف یافتن فراوانی فشارخون دانش آموزان تهران و ارتباط آن با وزن تولد، قد و وزن کنونی طراحی شد.

**روش کار:** روش: در یک مطالعه مقطعی، بین سالهای۱۳۸۷-۱۳۸۵ از بین۱۱۹۵۹۲۴ دانش آموز در شهر تهران به روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای، ۲۰۴۰ نفر انتخاب شدند. معیارهای ورود به مطالعه سن ۶ تا ۱۹ سال، سلامت کامل جسمی و داشتن کارت سلامت بود و درصورت دوقلویی، فشارخون بالای مادر یا سیگاری بودن وی حین بارداری ازانجام پذیرفت. از آنالیز رگرسیون چند متغیره جهت تعیین *SPSS* مطالعه خارج می شدند. آنالیز آماری توسط نرم افزار ۱۶معادله خط پیش بینی کننده سطح فشارخون استفاده گردید.

**یافته ها:** یافته ها : ۶۹ نفر(۳,۴٪) از دانش آموزان شامل ۴,۸٪از دختران،و۳,۵٪ از پسران فشارخون بالا داشتند($p$=۰,۱۴). همبستگی معنادار مستقیمی بین سن، وزن و قد فعلی و شاخص توده بدنی با فشارخون سیستولیک و دیاستولیک وجود داشت. اما وزن تولد رابطه خطی وضعیف معکوس با فشارخون سیستولیک و دیاستولیک داشت.(به ترتیب $p<0.001, r=-0.111, r=-0.125$ ).

**نتیجه گیری:** نتیجه گیری: توجه به سایز فعلی بویژه وزن کنونی در کنار وزن تولد در پیش بینی فشارخون کمک کننده است که اهمیت پایش وزن و فشارخون کودکی بخصوص در کودکان با سابقه وزن تولد غیرطبیعی و در کودکان با وزن بالا را مشخص می کند.

**کلمات کلیدی:** *Hypertension, Children, Birthweight, association*، فشارخون بالا کودکان

# *Is hypertension in children linked to birth weight or current weight?*

*Narges Tabrizchi[1], Meysami Ali Pasha[2], Moradmand Sina [3], Ganji Mohammad Reza [4], Mokhtari Zahra[5], Akbari Zahra[6]*
***Corresponding author: Narges Tabrizchi***

*Introduction: Aim: High blood pressure in children, especially in developing countries is growing. Birth weight, age and anthropometric parameters such as current height and weight as factors in childhood hypertension and adolescents have been considered. The objective of this study was to evaluate the prevalence of hypertension in children school and it\'s correlation with birth weight and current height and weight.*

*Methods: In a cross-sectional study, between 2006-2008 among 1195924 students in Tehran\'s schools, 2040 individuals were selected by multistage random sampling method. Inclusion criteria were age 6 to 19 years, physical health and having health card. The twins, students with hypertensive and smoker mothers were excluded. Statistical analysis was conducted by SPSSsoftware version 16. The multiple regression analysis equation was used to determine the predictors of blood pressure levels.*

*Results: 69 students(3.4%), including 4.84% of girls and 3.5% of boys had high blood pressure(p=0.14). Significant direct correlation between age, current weight, current height, and body mass index, systolic and diastolic blood pressure was found. However, birth weight has a weak reverse linear correlation with systolic and diastolic blood pressure(respectively=-0.152 and r=-0.111)*

*Conclusion: Attention to Current size, especially Current weight with consideration to birth weight can be helpful to predict blood pressure in adulthood.This is important in monitoring the weight and blood pressure in children, especially child with an abnormal birth weight and overweight children.*

*Keywords: Hypertension, Children, Birth Weight, association*

# همه گیرشناسی سرطان ریه و عوامل خطر ساز آن در اردبیل، ایران

حسن قبادی مراللو[1]، افشان شرقی[2]، ژیلا سادات کرمانی[3]

۱- مدیر گروه داخلی، بیمارستان امام خمینی اردبیل، علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران

۲- مدیر گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران

۳- پزشک عمومی، دانشکده پزشکی، علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران

**نویسنده مسئول:** حسن قبادی مراللو

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** سرطان ریه، از شایعترین سرطانها در سراسر جهان و یکی از سرطانهای مهم در ایران محسوب میشود. هدف این مطالعه بررسی همه گیر شناسی سرطان ریه و عوامل خطر ساز آن در استان اردبیل بود.

**روش کار:** این مطالعه مقطعی از خرداد ۱۳۸۸ تا خرداد ۱۳۹۰در اردبیل انجام گرفت. اطلاعات بیماران از بیمارستان امام خمینی (ره ) و مرکز ثبت سرطان اردبیل جمع آوری شد . برای هر گروه چک لیست جداگانه تهیه شد و پس از تکمیل، اطلاعات حاصل توسط نرم افزار آماری *SPSS 16* مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**یافته ها:** در مجموع ۱۲۴ بیمار از دو مرکز مورد بررسی قرار گرفتند . از نظر توزیع جنسی ، ۳/۸۲٪ بیماران مذکر و میانگین سنی بیماران ۹/۹ ± ۲/۶۴ سال بود. در گروه اول بیش از نصف بیماران (۱۰/۵۴٪) شهرنشین بودند، ۸/۹۰٪ بیماران سابقه مصرف سیگار (با میانگین ۷/۲۵ ± ۶/۳۸ پاکت سیگار در سال)، ۷/۳۴٪ سابقه مصرف اوپیوئید و ۳/۱۷٪ سابقه خانوادگی مثبت بدخیمی داشتند و شایع ترین شکایت اصلی هنگام مراجعه به پزشک خلط خونی با فراوانی ۷/۳۲٪ بود. همچنین لوب فوقانی راست با ۶/۲۷٪ شایع ترین محل بروز ضایعه در برونکوسکوپی این گروه بود. کارسینوم سلول سنگفرشی با ۳/۶۱٪ شایع ترین فرم بدخیمی در کل بیماران بود.

**نتیجه گیری:** بر خلاف کشورهای توسعه یافته و همانند مطالعات داخلی، سرطان سلول سنگفرشی شایعترین سرطان ریه در بیماران بوده و آدنوکارسینوم شیوع کمتری داشت. مردان ۶/۴برابر بیشتر از زنان مبتلا به سرطان ریه بودند .

**کلمات کلیدی:** *Lung Cancer ; Epidemiology ; Risk Factor*

# Lung cancer epidemiology and risk factors in Ardabil, Iran

***Ghobadi Hasan[1], Sharghi Afshan[2],Kermani Ghila Sadat[3]***

1. ***Director of the Department of Internal Medicine, Imam Khomeini Hospital, Ardabil University of Medical Science, Ardabil, Iran***
2. ***Director of the Department of community Medicine, Ardabil University of Medical Science, Ardabil, Iran***
3. ***General Practitioner, Ardabil University of Medical Science, Ardabil, Iran***

*Introduction: Lung cancer is one of the most common cancers in the world and is considered as one of the important cancers in Iran. The aim of this study was to evaluate the epidemiology and risk factors for lung cancer in Ardabil.*

*Methods: This cross-sectional study was done in Ardabil province since May 2009 to May 2011. Subjects were evaluated from Imam Khomeini hospital and Ardabil cancer registry center with diagnosis of primary lung cancer . We collected the data in a data sheet for each group separately and analyzed through the use of SPSS 16.*

*Results: A total of 124 patients with lung cancer enrolled in this study . The male gender was dominant among the patients (82.3%) and the mean age of patients was 64.2±9.9 years. In the first group more than half of the patients (54.1%) were urban, 90.8% had a history of smoking (mean 38.6±25.7 packs of cigarettes per year) and the history of opium abuse was high among subjects (34.7%), the positive family history of cancer was 17.3%, and the most common chief complaint at the time of diagnosis was bloody sputum (32.7%). Right upper lobe was the most common site of cancer of this group (27.64%) and squamous cell carcinoma was the most common form of malignancy (61.3%)*

*Conclusion: This study showed , squamous cell carcinoma was the most , and adenocarcinoma was less common . Lung cancer among the men was seen 4.6 times more than women.*

# آزمایش ژنتیک تشخیص خطر سرطان

محمد حسین صنعتی[1]

۱- استاد عضو هیات علمی، پژوهشگاه ملی مهندسی ژنتیک و زیست فن، مورداک، پرت، استرالیا

**نویسنده مسئول:** محمد حسین صنعتی

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** خطر ابتلا به سرطان را با آزمایش های تشخیص ژنتیک میتوان پیش بینی کرد. شخصی با سابقه فامیلی سرطان یا ابتلا به سرطان در سنین پایین تر از معمول و یا ابتلا به بیش از یک نوع سرطان ممکن است فاکتور ژنتیکی سرطان وراثتی داشته باشد. هیچ آزمابش ژنتیکی نمیتواند بطور قطع مشخص کند که یک نفر در آینده به سرطان مبتلا خواهد شد لکن آنالیز ژنتیکی میزان خطر احتمالی را تعیین می کند. آزمایش ژنتیک تعیین می کند که خطر ابتلا به یک نوع سرطان برای یک فرد در آینده مساوی سایر افراد جامعه یا بیشتر است. این آزمایش ها برای سرطان های پستان – پروستات – تخمدان – کلون – تیروئید و سایر وجود دارد

**روش کار:** مرور کاملی از مقالات و منابع مرتبط با ژنتیک سرطان انجام شد. نتایج تجربیات بیش از ۱۵ سال تشخیص ژنتیک سرطان مورد بررسی و آنالیز قرار گرفت.

**یافته ها:** آزمایش تشخیص ژنتیکی برای سرطان های پستان و پروستات و کلون و سایر وجود دارد. هیچ تست تشخیص ژنتیک نمی تواند بطور قطع تعیین کند که یک فرد در آینده مبتلا به سرطان خواهد شد. تست های ژنتیک یرای تشخیص قبل از تولد و تشخیص قبل از لانه گزینی نیست.

**نتیجه گیری:** آزمایش های تشخیص ژنتیک سرطان به پروباند کمک می کند که با انجام اقدامات پیش گیرانه نظیر جراحی – درمان دارویی – آزمایش های دوره ای و تغییر شرایط زنده گی خطر ابتلا به سرطان را کاهش داده و یا حذف کند.

**کلمات کلیدی:** سرطان - ژنتیک - تشخیص - تشخیص

# Genetic Testing for Cancer Risk

***Mohamad Hosein Sanati*[1]**
***1-Professor of Faculty, National Research Genetic and Biotech Center, Australia***

*Introduction: Chance of developing cancer could be identified using the genetic testing. A person with family history of cancer, cancer at an early age, or multiple cancers, may have the genetic factor for hereditary of the cancer. No genetic test can say a proband will, certainly, develop cancer, but genetic analysis of a high risk person for cancer diagnosis will help to know if he/she has a higher risk of developing cancer than other people. Genetic tests are available for breast, ovarian, colon, thyroid, and some other cancers.*

*Methods: A full review of the literature has been done. Personal experiences of the 15 years genetic diagnostic testing of the patients were considered and analyzed.*

*Results: Genetic tests are available for breast, ovarian, colon, thyroid, and some other cancers. No genetic test can say a proband will, certainly, develop cancer. Cancer genetic tests are not for the prenatal diagnosis.*

*Conclusion: Results will help to choose steps to lower the risk, which may include surgery, medication, frequent screening, or lifestyle changes.*

# تاثیر کار درشب و فشار کاری بر سرطان پستان

محمد علی مومنی[1]، سپهر ابراهیمی اوریمی[2]، فاطمه نظری[3]

۱- عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران

۲- رزیدنت جراحی عمومی دانشگاه علوم پزش، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران

۳- عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** محمد علی مومنی

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** سرطان پستان شایعترین بدخیمی زنان در سراسر دنیاست که رقمی معادل ۲۲ ٪ کل سرطانهای زنان و ۱۴ ٪ کل مرگهای سرطان در زنان را به خود اختصاص میدهد ساعت های کاری نامنظم که شامل کار در شب میشود اثرات جدی فیزیولوژیک و سایکولوژیک بر فرد دارد شواهد بسیاری کار در شب را به عنوان ریسک فاکتوری برای کنسر برست حدس میزنند.

**روش کار:** مقاله حاضر مقاله مروری بوده که از طریق جستجوی اینترنتی باکلید واژه (کنسر پستان ،شب کاری ،فشار کاری) از بین ۲۳مقاله از سال ۱۹۹۲ الی ۲۰۱۵جمع آوری وتدوین شده است

**یافته ها:** در یک مطالعه که برروی ۳۷۵۶۲ پرستاران خانم انجام گرفت طی یک پیگیری ۸ساله ثابت کرد فشار کاری موجب افزایش ریسک کنسر پستان نمیشود . ملاتونین پتانسیل فعالیت انکوستاتیک را نشان میدهد که با در معرض نور قرار گرفتن کاهش میابد . در مطالعه دیگری نشان میدهد ریسک کنسر پستان در طولانی مدت در کسانی که شب کار هستند بیشتر است در یک مطالعه مقطعی نشان داد که ریسک ابتلا به کنسر پستان در زنان ۳۰-۵۴ ساله ای که شب کار بودند۱,۵ برابر بیشتر است که این نسبت با افزایش سابقه کار افزایش می یابد .

**نتیجه گیری:** با توجه به مقالات برسی شده ارتباطی بین فشار کاری و افزایش ریسک ابتلا به کنسر پستان وجود ندارد ولی در مطالعات مختلف مشخص شده است که این ریسک در بانوانی که شیفت کاری آنان در شب میباشد بیشتر است که از جمله مواردی که شاید به عنوان علت احتمالی بتوان در نظر گرفت پایین بودن میزان ملاتونین خون در این افراد است

**کلمات کلیدی:** کنسر پستان ،شب کاری ،فشار کاری

# The effect of night work and working pressure on breast cancer

***Mohammad Ali Momeni[1], Sepehr Ebrahimi Oreymil[2], Fatemeh Nazari[1]***
***1- Member of Student Research Committee, Medical School of Minstry, Tehran, IRAN***
***2- General Surgary Resident, Medical School of Minstry, Tehran, IRAN***

*Introduction: Breast cancer is the most common malignancy in women worldwide Which spans about 22% of cancers in women and 14% of all cancer deaths in women Working irregular hours, including night work is serious effects on a person\'s physiological and psychological Evidence in night work as a risk factor for breast cancer suspected*

*Methods: This article is a review by Internet search sites (google.scholar- pubmed) Is collected and compiled*

*Results: In a study that was conducted on 37562 nurses woman during an 8-year follow-up of breast cancer risk is not increased working pressure proved Melatonin potential oncostatic activity shows that in the light of the reduced exposure In another study shows that breast cancer risk is higher in the long term are those who work at night In a cross-sectional study showed that the risk of breast cancer in women 30-54 years old who work at night were 1.5 times more that this ratio increases with increasing service record.*

*Conclusion: According to the papers examine the relationship between pressure and increase the risk of breast cancer does not exist But various studies have determined that the risk is higher in women who are on the night shift them Including those that might be considered as a possible cause low blood melatonin levels in these patients*

# ارتباط بین سرطان و شیوه زندگی

غزاله عرب زاده

**نویسنده مسئول:** غزاله عرب زاده

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** سرطان هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه دیده می شود و بیماری است که هم ژنتیک و هم محیط روی آن تاثیر دارد.در واقع سرطان یک بیماری نیست بلکه مجموعه ایی از سلولهای مختلف است که در یک مسیر مشابه بوجود می آیند که این مسیر رشد سلولی غیر کنترل شده است . اکثر سرطان‌ها دارای تعداد گسترده‌ای از تغییرات ژنی هستند که به واسطه‌ی عوامل بیرونی ایجاد شده و تنها سرطان‌های کمی هستند که بخش گسترده‌ای از آنها به خاطر تغییرات ژنی درونی رخ می‌دهد. حدود۱۰۰نوع سرطان شناخته شده که برخی صرفا ژنتیکی هستند.در این مقاله چند سرطانی که بیشتر با شیوه زندگی در ارتباط اند به تفصیل توضیح داده خواهد شد.

**روش کار:** بررسی ۱۰۰ مقاله از پاب مد و اسکوپوس که در سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ چاپ شده اند.

**یافته ها:** همه سرطان ها یک زمینه ژنتیکی دارند همانطور که گفته شد سرطان با یک عامل به وجود نمی آید و مجموعه ایی از عوامل سرطان را بوجود می آورند.پس حتی اگر یک شخص زمینه ژنتیکی ابتلا به یک سرطان خاص را در خانواده داشته باشد با رعایت عوامل محیطی و رعایت فاکتورهای خطر مربوط به آن سرطان می تواند از مبتلا شدن به سرطان در امان بماند

**نتیجه گیری:** سرطان یک بیماری مرتبط با شیوه زندگی است که محل زندگی, عادات زندگی و محیط کار و تماس های شغلی روی آن تاثیر دارد.هر سرطان فاکتور خطر مربوط به خود را دارد.

**کلمات کلیدی:** سرطان، سبک زندگی، عوامل خطر

# Association between Cancer and Lifestyle

***Ghazaleh Arabzadeh***

*Introduction: Cancer is seen in all countries whether developed or developing countries. It should be noticed cancer is a disease which both Genetic and Environmental factors are affecting. In fact, cancer is not a unique disease but a collection of different cells that arise in a similar way. This uncontrolled cell growth path is making a group of diseases and now we call it cancer. Most of the cancers have a large number of gene alterations that are created by external factors and only small portion of cancers created by internal gene deviations. About 100 types of known cancer exist and only some of them are solely genetic problem. In this review, some of the cancers which are associated more with lifestyle will be explained in details.*

*Methods: review of 100 types of research which published since 2000 till 2016 from\" PubMed\" and \"scopus\".*

*Results: As mentioned earlier all cancers have a genetic predisposition, But cancer is not created only by one factor and instead will be different factors to make it. So even if a person has a genetic predisposition in own family to develop a particular cancer still could compliance with environmental factors and reduce the risk of cancer.*

*Conclusion: Cancer is a disease of lifestyle! Living place, work, habits and occupational exposures are important while we talk about Life Style. Each cancer has own risk factor.*

*Keywords: Caner,Life Style,Risk Factors*

# عوامل مساعدکننده بر بروز سرطان

لیلا عبدالهی۱ ملیحه طالبی۲، میترا یگانه۲، جبرئیل شعربافی۲، نازلی سلطانی۲
۱- کارشناس ثبت سرطان، مرکز بهداشت استان، علوم پزشکی، تبریز، ایران
۲-کارشناس بیماریهای غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

**نویسنده مسئول:** لیلا عبدالهی

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** امروزه سرطان بعد از بیماری های قلبی عروقی به عنوان مهم ترین عامل مرگ و میر در کشورهای دنیا مطرح است و در آینده اولین عامل مرگ و میر به ویژه در کشورهای در حال توسعه خواهد بود. یک سوم از کل سرطان ها با حفظ وزن مطلوب، تغذیه صحیح قابل پیشگیری است. ارتباط بروز سرطان با مصرف برخی مواد غذایی به عنوان عوامل پیشگیری کننده یا بازدارنده بیانگر نقش تغذیه در ایجاد و یا پیشگیری از سرطان است.

**روش کار:** این مطالعه مروری براساس اطلاعاتی از سایتهای اینترنتی معتبر می باشد. مقالات مرتبط با موضوع در پایگاه های *Science direct* و *Google Scholar* جستجو و مقالاتی که عوامل مساعدکننده بر بروز سرطان بررسی کرده بودند، وارد مطالعه شدند.

**یافته ها:** مطالعات مختلف نشان می دهد که عوامل تغذیه ای همچون آنتی اکسیدان ها مثل ویتامین های $A$، $C$،$E$، کاروتنوئیدها، سلنیوم و... ، مصرف زیاد میوه ها و سبزی ها، افزایش مصرف فیبرهای غذایی، مصرف اسید فولیک، افزایش مصرف ویتامین $D$ و کلسیم سبب پیشگیری از سرطان می شوند. عوامل تغذیه ای مثل مصرف غذاهای پرچرب و مواد غذایی سرخ شده، غذاهای پرنمک، مصرف مواد غذایی آلوده به افلاتوکسین، زیاده روی در مصرف گوشت قرمز و گوشت های فراوری شده احتمال بروز سرطان را افزایش می دهند. تحقیقات مختلف حفظ وزن مطلوب و فعالیت بدنی منظم را عامل مهمی در پیشگیری از سرطان دانسته اند.

**نتیجه گیری:** با توجه به قابل پیشگیری بودن برخی عوامل خطر سرطان می توان با اصلاح سبک زندگی از شیوع این بیماری کاست.

**کلمات کلیدی:** سرطان، عوامل مساعدکننده

# Predisposing factors on cancer incidence

***Leila Abdollahi, Maliheh Talebi, Mitra Yeganeh, Jebreil Sherbafi, Nazli Soltani***
***Corresponding author: Leila Abdollahi***

*Introduction: Today, after cancer, heart disease - cardiovascular morbidity and mortality across countries as the most important factor is the first cause of mortality in the coming decades, especially in developing countries will be. One third of all cancers in the world with maintaining optimal weight, proper nutrition and not smoking can be prevented. Relationship between cancer and the consumption of certain foods as factors preventing or inhibiting key nutritional role in the development or prevention of cancer.*

*Methods: This review is based on information from reputable websites. The related articles in Science direct databases and Google Scholar searches and articles that had predisposing factors on the incidence of cancer, were enrolled.*

*Results: Various studies show that nutritional factors, such as antioxidants like vitamins A, E, C, carotenoids, selenium, etc., high consumption of fruit and vegetables, increasing intake of dietary fiber, folic acid intake, increase intake of vitamin D and calcium prevents cancer. Nutritional factors such as consumption of fatty foods and fried foods, salty foods, consumption of food contaminated with aflatoxin, excessive consumption of red meat and processed meats increases the risk of cancer. Various studies maintain a healthy weight and regular physical activity are considered an important factor in preventing cancer.*

*Conclusion: Given the preventable nature of some cancer risk factors with lifestyle modification can reduce the spread of the disease.*

*Keywords: Cancer, predisposing factors*

# مطالعه بقای سرطان ریه در استان یزد: نتایج یک مطالعه طولی از سال ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۲

قاسم یادگارفر[۱]، سعیده یادگار[۲]، محمدرضا صادقیان[۳]، محمد حسن لطفی[۴]

۱- هیات علمی، دانشکده بهداشت، علوم پزشکی اصفهان، علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

۲- کارشناس ارشد، علوم پزشکی یزد، علوم پزشکی یزد، یزد، ایران

۳- مسئول مبارزه با بیماری های غیر واگی، معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی ی، علوم پزشکی یزد، یزد، ایران

۴- معاون بهداشتی، معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی ی، علوم پزشکی یزد، یزد، ایران

**نویسنده مسئول:** قاسم یادگارفر

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** سرطان ها دومین عامل مرگ بعد از بیماری های قلبی عروقی در سراسر جهان به حساب می آیند. سرطان ریه از شایع ترین سرطان ها در سراسر جهان و یکی از پنج سرطان شایع در ایران محسوب می شود. هدف این مطالعه بررسی میزان بقا سرطان ریه آن در استان یزد می باشد.

**روش کار:** این مطالعه همگروهی آینده نگر از فروردین ۱۳۸۷ تا اسفند ۱۳۹۱ در استان یزد برروی ۲۰۷ بیمار مبتلا به سرطان ریه شناسایی انجام شد. جهت جمع آوری داده ها از داده های مرکز ثبت سرطان جمعیتی ، داده های ثبت احوال، تماس تلفنی با بیماران و یا بستگان، و مراجعه به پرونده بیمارستان استفاده شد. جهت تعیین میزان بقا از روش آماری کاپلان مایر و مدل رگرسیون کاکس استفاده گردید. جهت مقایسه ی توابع بقاء در زیر گروه های مختلف از آزمون های رتبه لگاریتمی لگ رنک و آزمون تعمیم یافته ویلکاکسون (گهان، برسلو) استفاده گردید.

**یافته ها:** از مجموع ۲۰۷ بیمار مورد مطالعه، ۷۵ نفر مونث (۳۶٫۲٪) و ۱۳۲ نفر مذکر (۶۳٫۸٪) بودند. میانگین سنی آنها در زمان تشخیص سرطان، ۱۴٫۱±۶۳٫۷ بود. میانگین و میانه بقا در بیماران به ترتیب ۱۵٫۴ و۱۰٫۸ ماه بود. احتمال بقای یک ساله، سه ساله و پنج ساله در تمام بیماران به ترتیب ۰٫۲۳ و ۰٫۰۵ و ۰٫۰۳ بود. سن از عوامل موثر بر بقای بیماران سرطان ریه نشان داده شد.

**نتیجه گیری:** میزان بقاء بیماران مبتلا به سرطان ریه در استان یزد کمتر از میزان مورد انتظار گزارش شده در دنیا و ایران است.

**کلمات کلیدی:** سرطان ریه، میزان بقاء، یزد

# Mantenance of Lung Cancer Study in Yazd, Results of a Longitudinal Research, Duration: 1386-1392

***Ghasem Yadgarfar[1] Saeedeh Yadegar[2] Mohamadreza Sadeghian[3] Mohamadhasan Lotfi[4]***
***1-Health Faculty member, Isfahan Medical School, Isfahan, IRAN***
***2-Master of Science, Yazd Medical University, Yazd, IRAN***
***3-Responsible against Non-Contagius** Disease**, Yazd Medical School Health Assistant, Yazd Medical University, Yazd, IRAN***
***4-Health Assistant, Yazd Medical University, Yazd, IRAN***

*Introduction: Cancers are the second cause of death worldwide. Lung cancer is one of the most common cancers in the world and considered as one of the top five cancers in Iran. The study aims to investigate lung cancer survival rate in Yazd province.*

*Methods: This is a prospective cohort study on 207 lung cancer patients between 2008 to 2012. To collect required data, Yazd Cancer Registry Office, Province Vital Statistics Department, telephone interview, and hospital records were used. To determine survival rate, Kaplan-Meier method and Cox Regression were applied using SPSS. To compare survival rate in different subgroups, the Log Rank test or generalized Wilcoxon test was employed.*

*Results: Of 207 patients, 132 cases were male (63.8%) and 75 females (36.2%). Overall studied patients, mean age at diagnosis was 63.7±14.1 years. The mean and median survival time were 15.4 and 10.8 months, respectively. The one, three and five year survival rates were 0.23, 0.05 and 0.03, respectively. Cox regression analysis results revealed age as the most important factor influencing the survival of patients.*

*Conclusion: Lung cancer survival rates in Yazd province was estimated less than reported for the worldwide and Iran.*

# بررسی اثر ماده نگهدارنده غذایی سدیم نیترات بر القا تشکیل میکرونوکلئوس در لنفوسیت های انسانی

مژده تقی نیا[۱]، رضا رئوفیان[۲]، زیور صالحی[۳]، محمد حسن زاده نظر آبادی[۴]

۱- دانشجو ، علوم پایه گیلان، مشهد، ایران

۲- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- استاد، دانشگاه علوم پایه رشت، علوم پایه گیلان، رشت، ایران

۴- استاد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

**نویسنده مسئول:** مژده تقی نیا

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** اگرچه مواد نگهدارنده غذایی نقش مهمی در سلامت منابع غذایی ایفا می کنند، اما بسیاری از مطالعات نشان دهنده تاثیرات جهش زایی و خاصیت سمی این مواد بر ژنوم سلولی است. مطالعات قبلی انجام شده بر روی ماده افزودنی ضد میکروبی سدیم سوربات نشان می دهد که این ماده می تواند منجر به ناهنجاری های کروموزومی، جابجایی کروماتیدهای خواهری و تشکیل میکرونوکلئوس در لنفوسیت های انسانی شود. هدف از این مطالعه بررسی اثرات ماده نگهدارنده سدیم نیترات بر تشکیل میکرونوکلئوس در لنفوسیت های انسانی در محیط آزمایشگاهی است.

**روش کار:** نمونه خون از دو فرد دهنده سالم (یک مرد و یک زن) تهیه و تحت سه غلظت متفاوت (۲۰۰۰،۱۰۰۰،۵۰۰ *ppm*) از *SN* با دوره های زمانی ۲۴،۴۸ و ۷۲ ساعت قرار گرفت. برای هریک از دوره های زمانی، یک نمونه کنترل بدون افزودن *SN* در نظر گرفته شد.

**یافته ها:** طبق نتایج حاصل، درصد میکرونوکلئوس فقط در ۷۲ ساعت تیمار با دوز ۲۰۰۰ *ppm* تفاوت معنی داری با گروه کنترل نداشت ($p> 0.05$).اما در سایر تیمارها، درصد میکرونوکلئوس نسبت به گروه کنترل تفاوت معنی دار نشان داد($P<0.05$)

**نتیجه گیری:** طبق نتایج حاصل از این تحقیق، *SN* اثر سیتوتوکسیک و ژنوتوکسیک بر لنفوسیت های خون محیطی انسان داشته و در القا تشکیل میکرونوکلئوس و تغییر شاخص تقسیم سلولی در این سلول ها موثر است.

**کلمات کلیدی:** *Micronucleus, Food preservative, Sodium nitrate, Human lymphocytes*

# Effect of Sodium Nitrate as a Food Preservative on Micronucleus Induction in Human Lymphocytes

***Mojdeh Taghinia[1],Reza Raoofian[2], Zivar Salehi[3], Mohamad Hasanzadeh Nazarabadi[4]***
***1-Student, Basic Science, Gilan, Mashad, IRAN***
***2 -Mashad Medical University, Mashad, IRAN***
***3-Professor of Rasht Basic Science University, Rasht, IRAN***
***4 -Professor of Mashaf Medical University, Mashad, IRAN***

*Introduction: Although food preservatives play an important role in the safety of food supply, many studies revealed the genotoxic potential and mutagenic effects of the additives. Previous investigations revealed the genotoxic effects of sodium sorbate as an antimicrobial food additive through assessing chromosome aberrations (CAs), sister-chromatid exchanges (SCEs), and micronucleus formation (MN) in cultured human lymphocytes. In the present study, we aimed to investigate the effect of sodium nitrate (SN) as a routine food preservative on micronucleus induction invitro in human lymphocytes.*

*Methods: Peripheral blood samples was obtained from two healthy donors (a male and a female). Lymphocytes were treated with different concentration (500, 1000 and 2000 ppm) of SN for 24, 48 and 72 hours, considering a negative control without any treatment by SN was assigned for each time period.*

*Results: obtained results for micronuclei percentage in treated cells with different concentrations of SN demonstrated that this compound did not just affect significantly on micronuclei level compared with the control group at 2000 ppm for 72h ($P> 0.05$). However, except the mentioned time-dosage, all other treatments lead ti increase significantly SN-induced micronuclei in comparison with corresponding controls($P<0.05$)*

*Conclusion: According to this study sodium nitrate plays acute cytotoxic and genotoxic effects on peripheral lymphocyte and dramatically effects on micronucleus induction as well as cell proliferation.*

# نقش حمایت اجتماعی و تاب آوری در پیشگیری و کنترل اختلالات روانشناختی در بیماران مبتلا به سرطان

فرخنده صالحی[1]، نسرین امیری فرد[2]، سارا صالحی ذهابی[3]، شعله محمودی[4]

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی ، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

۲- دانشیارراديوتراپی و آنکولوژی دانشگاه، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

۳- کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، کردستان، ایران

۴- کارشناس مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

**نویسنده مسئول:** فرخنده صالحی

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** سرطان یکی از بیماری های شایع در دنیای متمدن امروزی است که تعداد افراد مبتلا به آن روز به روز در حال افزایش می باشد.این بیماری مسیر زندگی فرد را تغییر می دهد، مشکلات فراوانی در تمامی ابعاد جسمی، روانی، اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی ایجاد می کند تاب آوری و حمایت اجتماعی از جمله مولفه های روانشناختی موثر می باشند که فرد را قادر می سازد که با سختی ها و چالشها سازگار شود.

**روش کار:** این مقاله مروری می باشد

**یافته ها:** حمایت اجتماعی به عنوان یکی از قویترین و نیرومندترین نیروهای مقابله ای برای رویارویی موفقیت آمیز و آسان افراد در زمان درگیری افراد با سرطان و شرایط تنش زا شناخته شده و تحمل مشکلات را برای بیماران تسهیل می کنداز طرفی تاب آوری به فرآیند پویای انطباق مثبت با تجربه های تلخ و ناگوار اطلاق می شود که به معنای مهارتها و خصوصیات و توانمندی هایی تعریف می کنند که فرد را قادر می سازد که با سختی ها و چالشها سازگار شود.

**نتیجه گیری:** لذا با توجه به نقش این دو مولفه ی مهم روانشناختی در سازگاری بیماران مبتلا به سرطان این مطالعه با هدف بررسی جنبه های مختلف این دو مولفه در زندگی بیماران مبتلا به سرطان انجام شد تا بتوان برزو سایر اختلالات روانشناختی در این بیماران را پیشگیری و یا کنترل نمود.

**کلمات کلیدی:** سرطان، پیشگیری، کنترل، حمایت اجتماعی، تاب آوری

# The role of social care and tolerance in prevention and control of psychological disorders in cancer patients

***Farkhondeh Salehi[1], Nasrin Amirifard[2], Sara Salehi Zahabi[3],Shole Mahmoudi[4]***
***1-M.S in Clinical Psychology, Kermanshah Medical University, Kermanshah, IRAN***
***2-Radiotherapy and Oncology Associate Professor, Kermanshah Medical University, Kermanshah, IRAN***
***3-M.S in General Psychology, Sanandaj Azad University, Kordestan, IRAN***
***4-Midwif Bachelor, Kermanshah Medical University, Kermanshah, IRAN***

*Introduction: Cancer is one of the most common diseases in the modern civilized world The number of people infected is increasing day by day. This disease affects a person's way of life, many problems in all physical, psychological, social, economic and familial provide Among the factors affecting psychological social support, which enables the individual to be compatible with difficulties and challenges.*

*Methods: This is a review article*

*Results: Social support as one of the strongest and most powerful oppositional forces successful and easy to meet people in times of conflict and stressful situations known people with cancer And difficulty for patients Kondazi facilitate resiliency hand to the dynamic process of positive adaptation refers bitter experience That means the skills and characteristics and capabilities are defined Enabling that person to be compatible with the hardships and challenges*

*Conclusion: Regarding the role of these two important psychological component in compliance with this study various aspects of cancer These two components in the lives of cancer patients was to allow Borzoo other psychological disorders in these patients prevented or controlled.*

# عوامل مساعد کننده سرطان مثانه

ملیحه طالبی[1]، آرزو اصغری[2]، میترا یگانه[1]، نازلی سلطانی[1]، لیلا عبدالهی[1]
۱- کارشناس بیماریهای غیر واگیر، معاونت بهداشتی، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران
۲- کارشناس تغذیه، معاونت بهداشتی، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

**نویسنده مسئول:** ملیحه طالبی

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** در حال حاضر سرطان جزو سه علت اول مرگ و میر در کشورهای توسعه یافته و همچنین ایران است. با توجه به توزیع متفاوت سرطان در دنیا و اهمیت سرطان از نظر ابتلا و مرگ و میر، تعیین الگوی انواع سرطان به عنوان اولین قدم در راه کنترل این بیماری است. سرطان مثانه شایعترین تومور دستگاه ادراری و شایعترین بیماریهای درمان شده توسط ارولوژیستها می باشد هدف از این مطالعه بررسی عوامل ایجادکننده سرطان مثانه می باشد.

**روش کار:** این مطالعه، مروری بر مقالات می باشد که در پایگاه های داده ای *pubmed*، *Science Direct*، *medline*، *Google Scholar* مورد بررسی قرار گرفتند.

**یافته ها:** در این تحقیق، موارد زیر شناسایی شد. بیماری درمردان شیوع بالاتری دارد. حداکثرشیوع سنی بالای ۴۰ سال می باشد و همچنین سابقه مصرف سیگار، چای، مصرف غذای پرچربی، ابتلا به عفونتهای مکرر و مزمن ادراری ، سابقه فامیلی ابتلا به سرطان مثانه موردعوامل افزایش شانس ابتلا به سرطان مثانه شناخته شده اند.

**نتیجه گیری:** نتایج حاصل از این مطالعه نشان می دهد افرادی که از عوامل ایجاد کننده مانند: سن، جنس، شغل، مصرف سیگار، چای، مصرف غذای پرچربی، ابتلا به عفونتهای مکرر و مزمن ادراری سرطان پیشگیری می کنند شیوع بیماری در آنها کمتر است و همچنین با آموزش گروههای پرخطر مثل کارگران، مشاغل خطرزا و کاهش مصرف مواد مخدر و مصرف داروی فنا ستین با دوز بالادر جهت محافظت فردی از مهمترین راهبردهای پیشگیری اولیه می باشد.

**کلمات کلیدی:** سرطان مثانه، عوامل مساعد کننده ، اورولوژی

# Predisposing factors for bladder cancer

***Maliheh Talebi[1], Arezo Asghari [1], Mitra Yeganeh[1], Nazli Soltani[1], Leila Abdollahi`***

***1- Non communicable disease Expert. Tabriz Medical University, Tabriz, IRAN***

*Introduction: Now cancer is among the top three causes of death in developed countries and also in Iran. Due to the different distribution of cancer worldwide and the importance of cancer morbidity and mortality, diagnosis of cancer as the first step in controlling the disease. Bladder cancer is the most common cancer and the most common urinary tract disease is treated by a urologist aim of this study is to investigate the risk factors for bladder cancer.*

*Methods: This study is a review of the literature in databases pubmed, Science Direct, medline, Google Scholar were examined.*

*Results: In this study, the following were identified. The disease is more prevalent in men. The highest prevalence is over 40 years of age and history of smoking, tea, high-fat diet, and chronic recurrent urinary tract infections, family history of bladder cancer are factors increasing the risk of bladder cancer.*

*Conclusion: high-risk groups such as workers with education, jobs and reduce drug use and drug mortality risk first area to protect high-dose primary prevention is one of the most important strategies*

*Keywords: . urologe.Predisposing factors.bladder cancer*

# بررسی روشهای تشخیص سرطان پستان و نتایج آن رفسنجان ۱۳۹۵-۱۳۹۰

آلاء سعیدی[۱]، سید محسن نژادقادری[۲]، احمد جمالیزاده[۳]، امیرحسین پورکرمی[۱]، نجمه ایران نژاد[۱]

۱- کارشناس بیماریها، حوزه معاونت بهداشتی، رفسنجان، رفسنجان، ایران

۲- مدیرگروه بیماریها، معاونت بهداشتی، رفسنجان، رفسنجان، ایران

۳- معاون بهداشتی، معاونت بهداشتی، رفسنجان، رفسنجان، ایران

**نویسنده مسئول:** آلاء سعیدی

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** سرطان پستان شایع ترین سرطان در زنان بشمار می رود. تومورهای کشف شده در مراحل زودرس و درمان آنها می تواند با بقای بیشتر و کیفیت زندگی بهتر همراه باشد.

**روش کار:** این مطالعه توصیفی بوده و از داده های مراجعین به کلینیک تشخیص بیماریهای پستان رفسنجان ۱۳۹۵-۱۳۹۰ انجام شد.

**یافته ها:** از مجموع ۸۶۶۴ نفر مراجعه کننده به کلینیک تشخیص بیماریهای پستان رفسنجان طی ۵ سال، ۲۴۱۴ نفر (۲۸٪) با روشهای غیرتهاجمی (ماموگرافی ، سونوگرافی ، *MRI*) و ۸۰ نفر (کمتر از ۱٪) با روشهای تهاجمی (بیوبسی و *FNA*) موردارزیابی قرارگرفتند. نتایج حاصل از این روشهای تشخیصی شامل ۱۴۳ نفر (۵/۷ ٪) فیبروآدنوم ، ۳۵۴ نفر (۱۴/۱ ٪) فیبرو کیستیک و ۲۵ نفر (۱٪) سرطان پستان بود

**نتیجه گیری:** کلینیکهای غربالگری سرطان پستان میتوانند بعنوان مرکز مرجع بیماران ارجاعی از مراکزبهداشتی در امر بیماریابی نقش مهمی ایفانمایند.

**کلمات کلیدی:** *Breast cancer ,detection methods, Rafsanjan*

# Breast Canser Diagnosis Methods and Results Study in Rafsanjan (1390-1395)

*Ala Saeedi[1], Amirhosein Pourkarami[1], Najmeh Irannejad [1] Mohsen Nejadghaderi[2] Ahmad Jamalizadeh[3]*

*1-Disease Expert, Health Association, Rafsamjan, IRAN*

*2 -Head of Health Association, Rafsamjan, IRAN*

*3 -Health Association, Rafsamjan, IRAN*

*Introduction: Breast cancer is the most common cancer in women. Tumors discovered in the early stages and treatment can be associated with better survival and life quality*
*Methods: This study is descriptive and data collected from patients in clinics diagnose breast disease Rafsanjan 1390-1395.*

*Results: 8664 patients referred to the clinic of Rafsanjan diagnose breast disease, 2414 patients (28%) with non-invasive methods (mammography, ultrasound, MRI) and 80 patients (less than 1%) with invasive procedures (biopsy and FNA ) were evaluated. 143 patients (7.5%) fibroadenomas, 354 patients (1.14%) Fiber cystic and 25 (1%) were diagnosed with breast cancer were diagnosed.*

*Conclusion: Breast cancer screening clinics can play an important role in the surveillance*

# اپیدمیولوژی سرطان های اولیه ریه و روند آن ها در شمال شرق ایران در سالهای ۱۳۹۱-۱۳۶۴

پردیس شجاعی۱، سودابه شهیدثالث۲، گلبو گشایشی۳، مریم صالحی۴، پردیس شجاعی۱ ۱- دستیار، دانشکده پزشکی، مشهد، ایران
۲- دانشیار، بیمارستان امید، مشهد، ایران
۳- دانشجو، مشهد، ایران
۴- عضو هیئت علمی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران**نویسنده مسئول:** پردیس شجاعی **محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** هدف این مطالعه بررسی اپیدمیولوژی و روند سرطانهای اولیه ریه در شمال شرق ایران در سالهای ۱۳۹۱-۱۳۶۴ می باشد.

**روش کار:** در این مطالعه مقطعی، داده ها از بیمارستان ارجاعی انکولوژی و تنها کلینیک خصوصی انکولوژی-رادیوتراپی مشهد استخراج شدند. برای بررسی روند، بازه مطالعه به سه قسمت فاصله زمانی تقسیم شد: ۱۳۷۴-۱۳۶۴، ۱۳۸۴-۱۳۷۴ و ۱۳۹۱-۱۳۸۴.

**یافته ها:** از بین ۹۳۹ مورد با میانگین سنی ۱۲/۳۱ ± ۶۰/۵۷ سال، ۶۶۰ مورد (۷۰/۳٪) مرد و ۶۸٪ موارد (۵۹٪) سیگاری بودند. میانگین سنی مردان و زنان به ترتیب ۱۲/۰۱±۶۱/۴۷ و ۱۲/۷۵±۵۸/۴۵ بود ($p$=۰/۰۰۱) .میانگین سن($p$=۰/۹۸) و نرخ مصرف دخانیات($p$=۰/۱۵) در سه بازه تفاوتی نداشتند.نسبت مرد به زن روند کاهنده داشت ($p$=۰/۰۱) .گروههای اصلی پاتولوژیک عبارت بودند از کارسینوم سلول سنگفرشی (۴۴/۲٪)، ادنوکارسینوم (۱۸/۲٪)، سرطان سلول کوچک (۱۶/۸٪) و کارسینوم سلول بزرگ (۱/۳٪). فراوانی نسبی در ادنوکارسینوم و کارسینوم سلول بزرگ فزاینده و در سلول سنگفرشی و سلول کوچک روند کاهنده داشتند ($p$<۰/۰۰۱) .مقایسه چهار گروه پاتولوژیک اصلی، تفاوت معنادار آماری را در سن زمان تشخیص ($p$<۰/۰۰۱)، نرخ مصرف دخانیات ($p$<۰/۰۰۱) و نسبت مرد به زن ($p$=۰/۰۱) نشان داد. سن(۱۲/۹±۵۵/۹۲) ، نسبت مرد به زن (۱٫۶) و درصد سیگاری(۴۶٫۸٪) در آدنوکارسینوما کمترین بود.

**نتیجه گیری:** : در سه دهه اخیر در شمال شرق کشور، شاهد روند فزاینده موارد ادنوکارسینومای ریه بودیم که در بین جوانان، زنان و عدم مصرف کنندگان دخانیات شیوع بالاتری داشت. این روندها نشانه تغییر در مواجهه با عوامل خطر و عادات مصرف دخانیات است.

**کلمات کلیدی:** سرطان ریه اپیدمیولوژی ایران

# Epidemiology of primary lung cancers and their trends in Northeast of Iran during 1985-2012

**Pardis Shojaei1, Soodabeh Shahid Sales2, Golboo Goshayeshi3**
**1-Faculty Member , Medical School, Mashad Medical University , Mashad, IRAN**
**2-Associate Professor, Omid Hospital, Mashad, IRAN**
**3-University Student, Mashad, IRAN**

*Introduction: We investigated epidemiology and trends of primary lung cancers in northeast of Iran during 1985-2012.*

*Methods: In this cross-sectional study records of primary lung cancers were investigated. Data were obtained from the referral oncologic hospital and private radiation-oncology clinic. To study trends, study duration was categorized into three periods: 1985-1995, 1995-2005 and 2005-2012. Statistically significant level was considered*

*Results: Of 939 cases with mean age of 60.57(±12.31) years, 660(70.3%) were male and 68% were smoker. Mean age was 61.47±12.01 for males and 58.45±12.75 for females (p=0.001). Mean age at diagnosis and rate of smokers were unchanged in three intervals (p=0.98 and 0.15). Male-to-female ratio have been decreasing from 3.63 at first interval to 1.99 at last one (p=0.01). Squamous cell carcinoma with relative frequency of 44.2% was the most frequent pathologic subtype followed by adenocarcinoma (18.2%), Small Cell (16.8%), large Cell (1.3%) and other subtypes (19.5%). Relative frequency of adenocarcinoma and large cell carcinoma were increasing while it was decreasing for SCC and SCLCs during three decades (p <0.001). There was statistically significant difference in mean age at diagnosis (p<0.001), rate of smokers (p<0.001) and male to female ratio (p=0.01) between leading pathologic subtypes. Age (55.92±12.90), male to female ratio (1.69) and rate of smokers (46.8%) were lowest in adenocarcinomas.*

*Conclusion: Similar to universal picture, adenocarcinoma showed increasing rates during recent decades with higher prevalence among younger patients, women and nonsmokers. These trends are indicative of changes in exposures and smoking habits and reveal need for further studies.*

*Keywords: Lung cancer, Epidemiology, Iran*

# بررسی وضعیت غربالگری سرطان پستان در زنان شهر خرم آباد(یک مطالعه مقطعی)

خاطره عنبری[1]، سیدامیریاسین احمدی[2]

۱- عضو هیات علمی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

۲- دانشجو، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

**نویسنده مسئول:** خاطره عنبری

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** سرطان پستان شایع ترین سرطان زنان است بیش از ۹۰٪ از بیماران با تشخیص زودهنگام درمان شده و بهبود می یابند. هدف مطالعه حاضر بررسی وضعیت غربالگری سرطان پستان در شهر خرم آباد در غرب ایران بود.

**روش کار:** در این مطالعه مقطعی، جامعه مورد مطالعه شامل ۴۵۷ زن ۲۰ تا ۶۵ ساله مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر خرم آباد در طول یک دوره ۶ ماهه درسال ۱۳۹۴ بود که برای دریافت خدمات مراقبت های بهداشتی به این مراکز مراجعه نموده بودند.روش نمونه گیری بصورت چند مرحله ای و بصورت تلفیق خوشه ای تصادفی بود.از یک پرسشنامه چند قسمتی استفاده شد از آزمون دقیق فیشر و کای اسکوئر و تی تست برای تحلیل اطلاعات استفاده گردید.

**یافته ها:** معاینه منظم پستان توسط خود فرد در ۱۲/۳٪ زنان ، مراجعه به پزشک جهت انجام معاینه بالینی توسط ۶٪ شرکت کنندگان و ماموگرافی منظم هر یک تا دو سال در ۲/۴٪ زنان انجام شده بود ارتباط آماری معناداری بین شغل $(P = 0.001)$، مصرف منظم قرص های ضد بارداری خوراکی $(P = 0.032)$، سابقه سرطان پستان در اقوام درجه اول $(P = 0.001)$و سابقه سرطان پستان در اقوام درجه دوم $(P = 0.005)$با انجام منظم خودآزمایی پستان دیده شد.

**نتیجه گیری:** برنامه ریزی به منظور افزایش آگاهی زنان در مورد سرطان پستان و روش های تشخیص زودرس آن و طراحی برنامه های آموزشی، می تواند گامی مهم در جهت کاهش مرگ و میر و ناتوانی ناشی از این بیماری در میان زنان باشد

**کلمات کلیدی:** سرطان پستان، زنان، خودآزمایی ، ماموگرافی

# Screening for Breast Cancer in women in Khoram Abad (a cross-sectional study)

***Khatereh Anbari [1], Seyed Amir Yasin Ahmadi [2]***

1. ***Board member, Faculty of Medicine, Lorestan University of Medical Sciences, Khorram Abad, Iran***
2. ***Student, Faculty of Medicine, Lorestan University of Medical Sciences, Khorram Abad, Iran***

*Introduction: Breast cancer is the most common women\'s cancer that more than 90% of the patients can be treated or even cured through early diagnosis. So we intend to investigate the status of breast cancer screening in Khorramabad, a city in the west of Iran.*

*Methods: In the present cross-sectional study, the study population included 457 number of 20 to 65 year old women referring to the health centers of Khorramabad during the second half of 2015 to receive health care services. The sampling method was multistage random-cluster. A multi-part questionnaire were used. Fisher exact test, chi-square and independent t tests were used to analyze the data.*

*Results: The regular self-breast exam (SBE) had been carried out by 12.3% of the women, visiting doctors for regular clinical breast exam (CBE) had been done by 6% of the respondents and regular mammography every one to two years had been performed by 2.4% of the women. A statistically significant relationship was seen between occupation (P = 0.001), regular consumption of contraceptive pills (P = 0.032), history of breastfeeding, history of breast cancer in the first degree relatives (P = 0.001), and a history of cancer in the second degree (P = 0.005) relatives, and the regular SBE.*

*Conclusion: : Planning to enhance the women\'s awareness about breast cancer and the methods of early diagnosis and designing educational programs can be an important step to reduce deaths and disabilities caused by this disease among the women.*

*Keywords: Breast Cancer, Women, Self-examination, Mammography*

# بررسی فراوانی انجام غربالگری سرطان پروستات و عوامل مرتبط با ان در مردان شهرستان زاهدان در سال ۱۳۹۵

میثم زینلی بوجانی[۱]، سهیل سزگزی[۱]
۱- دانشجو، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

**نویسنده مسئول:** میثم زینلی بوجانی

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** سرطان‌پروستات رتبه ی هفتم بین سرطان‌ها در ایران دارد. غربالگری تلاش برای شناسایی افراد مبتلا می‌باشدکه علامتی از بیماری ندارند. غربالگری در روند درمان سرطان ها اثر مثبت دارد. باتوجه به ضرورت غربالگری هدف این مطالعه تعیین وضعیت غربالگری سرطان پروستات در شهرستان زاهدان می‌باشد. از نتایج میتوان جهت آموزش استفاده نمود

**روش کار:** این مطالعه مقطعی و توصیفی _تحلیلی روی ۳۲۰نفر مردان با سن ۵۰ سال و بالاتر این شهر در سال۱۳۹۵به روش تصادفی_طبقه‌ای انجام شد.جمع آوری اطلاعات با فرم اطلاعاتی از مراجعین به بیمارستان‌های شهر و با توجه به حجم نمونه از هر منطقه شهری تعداد مساوی وارد مطالعه شدند. داده ها با *spss* نسخه ۱۶ آنالیز شدند.و برای آنالیز داده‌ها از آزمونهای آماری توصیفی و کای اسکوئر استفاده گردید.

**یافته ها:** بر اساس نتایج میانگین سنی۵۹/۶±۵/۴۲ بود که۹۶/۳٪ متاهل بودند.و از نظر تحصیلات ۴۲/۶٪ زیر دیپلم ۲۶/۷٪ دیپلم و ۳۰/۷٪ دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. ۱۲/۴٪ سابقه خانوادگی سرطان داشتند. بر اساس آنالیز داده‌ها ۲۹/۵٪ با غربالگری سرطان پروستات آشنایی داشتندکه از این افراد فقط ۱۵/۲٪ آزمون غربالگری را به صورت منظم هر ساله انجام دادهاند. ۸۳/۹٪ شرکت کنندگان تمایل به انجام این تست داشتند. به ترتیب بین سطح تحصیلات،شغل و سن با انجام غربالگری رابطه معناداری وجود داشت.( $p<0.001)$ ،$p=0.02$

**نتیجه گیری:** بیش تر افراد این آزمون را انجام نداده‌اند و پس از آگاه سازی از غربالگری تمایل به انجام این آزمون پیداکردند.با توجه اینکه انجام این تست نسبت به سایر شهرهای کشور کمتراست لذا پیشنهاد میشود با فرهنگ سازی و آموزش برای پیشگیری از سرطان پروستات برنامه‌ریزی شود.

**کلمات کلیدی:** غربالگری، سرطان‌پروستات، زاهدان

# Evaluation of the prevalence of prostate cancer screening and related factors in men of zahedan in 2016

***Meisam Zeinali Boujani*[1], *Soheil Sazgazi*[1]**

1. ***Student, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran***

***Corresponding author: Meisam Zeinali Boujani***

*Introduction: This cross-sectional and analytical study was conducted on 320 male persons aged 50 years and older residing in Zahedan in 2016 through stratified random sampling. Prostate cancer ranked seventh between cancers in Iran. Screening is efforts to identify people who do not have symptoms of the disease. Screening for cancer treatment has a positive effect. The aim of this study is to determine the status of prostate cancer screening in the city of Zahedan.*

*Methods: This cross-sectional and analytical study was conducted on 320 male persons aged 50 years and older residing in Zahedan in 2016 through stratified random sampling. Data collection performed among referees to hospitals in the city in proportion three regions by checklist. Data Analyzed by SPSS 16. For descriptive and inferential statistical tests include: chi-square.*

*Results: Results showed that means of age was 59.6±5.42**%96.3** . married and 12.4% have a cancer family history. Based on an Analysis 29.5% subjects were knowledgeable with prostate cancer screening that only 15.2% subjects have done screening test regularly each year and 83.9% interested to do this test. Respectively between education level, job and age there was a significant relationship with doing of screening (p=0.02, p<0.001)*

*Conclusion: Most subjects have not done screening test and after Awareness from screening tests were willing to do this test. Considering that this test is less than in other cities Therefore, it is suggested with Culturalization and training planned for the prevention of prostate cancer.*

*Keywords: Prostate cancer, Screening, Zahedan*

# رابطه سرطان پروستات و فعالیت جنسی: یک مطالعه مورد-شاهدی

سید حبیب الله موسوی بهار۱، محمد علی سیف ربیعی۲، مسعود جعفری۳، جلال الدین امیری۴، زهرا صنائی۵ ۱- رئیس دانشگاه ، دفتر ریاست، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

۲- مدیر گروه پزشکی اجتماعی، همدان دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

۳- پزشک، همدان، ایران

۴- معاون بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

۵- پزشک، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

**نویسنده مسئول:** زهرا صنائی، **محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** سرطان پروستات چهارمین سرطان شایع در سراسر جهان است که دارای عوامل خطر محیطی و ژنتیکی است. به تازگی، فعالیت جنسی به عنوان یک عامل خطر در نظر گرفته شده است. ما دراین مطالعه به بررسی نقش فعالیت جنسی در سرطان پروستات پرداختیم.

**روش کار:** این مطالعه مورد-شاهدی در بخش اورولوژی بیمارستان شهید بهشتی(بیمارستان دولتی رفرال در همدان) در سال ۲۰۱۵انجام شد. ۱۲۰ بیمار، ۵۹ فرد مبتلا به سرطان پروستات و ۶۱ بیماربا دیگر بیماری های اورولوژی وارد مطالعه شدند و از یک روش تطابق فردی برای کنترل عوامل مخدوش کننده (سن، وزن، و غیره) استفاده شد. یک پرسشنامه خودساخته توسط محقق برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز مانند عادات جنسی مورد استفاده قرار گرفت. سپس داده ها با *SPSS 16* با آزمون های آماری مناسب تجزیه و تحلیل قرار شدند. سطح معنی داری آماری در این مطالعه ۰,۰۵ در نظر گرفته شد.

**یافته ها:** میانگین فعالیت جنسی(در هفته) برای ۵-۱۰ سال گذشته ۱ ± ۱,۷۸ در گروه مورد و در گروه شاهد ۰,۲ ± ۱,۶ بود($PV=0.26$). در مجموع ۸۲,۵ درصد از گروه مورد و ۹۴,۹٪ از گروه شاهد فعالیت جنسی طبیعی یا بیش از طبیعی در مراحل اولیه زندگی(در سنین جوانی) داشتند( $PV = 0.078$). متوسط سن اولین فعالیت جنسی برای گروه مورد ۴,۳ ± ۲۱,۸ سال، در حالی که در گروه کنترل ۴ ± ۲۱,۴ سال ($P$ = ۰,۵۷۶) بود.

**نتیجه گیری:** نتایج حاصل نشان دهنده عدم ارتباط بین فعالیت جنسی و سرطان پروستات است. مطالعات بیشتر، به ویژه متا آنالیز جهت بررسی این موضوع پیشنهاد می شود.

**کلمات کلیدی:** ایران، سرطان پروستات؛ فعالیت جنسی

# Relationship between Prostate Cancer and Sexual Activity: A Case-Control study

*Seyed Habibollah Mousavi Bahar[1], Mohammadali Seif Rabiee[2], Masoud Jafari[3], Jalaleddin Amiri[4], Zahra Sanaee[5]*

1. *Dean, Dean's office, Hamedan University of Medical Sciences, Hamedan, Iran*
2. *Head of the Community Medicine Department, Faculty of Medicine, Hamedan University of Medical Sciences, Hamedan, Iran.*
3. *General Practitioner, Hemedan, Iran*
4. *Deputy of health, Hamedan University of Medical Sciences, Hamedan, Iran.*
5. *General Practitioner, Faculty of Medicine, Hamedan University of Medical Sciences, Hamedan, Iran*

*Corresponding author: Zahra Sanaee*

*Introduction: Prostate cancer is the fourth most prevalent cancer worldwide that has both environmental and genetic risk factors. Recently, the role of sexual activity has been considered as a possible risk factor. We conducted this study to evaluate the role of sexual activity in prostate cancer.*

*Methods: This case-control study conducted in the Urology Ward of Shahid Beheshti Hospital, a referral public hospital in Hamadan, Iran in 2015. We enrolled 120 patients, 59 with prostate cancer and 61 with other urologic conditions. We used an individual matching technique to control for confounders (age, weight, etc). A self-structured questionnaire was used to gather required information such as sexual habits of the participants. Finally, data were analyzed with SPSS 16.*

*Results: The mean sexual activity (per week) for the last 5-10 years was 1.78±1 in the case group and 1.6±0.2 in the control group (P=0.26). A total of 82.5% of the case group and 94.9% from the control group reported normal or more than normal sex in the earlier stages of life (at a young age; P=0.078). The mean age of the first sexual activity for the case group was 21.8±4.3 years, whereas for the control group it was 21.4±4 years (P=0.576).*

*Conclusion: The results appear to indicate the lack of a clear relationship between sexual activity and prostate cancer. Additional studies, especially meta-analyses or systematic reviews, should be conducted to clarify this issue*

*Keywords: Iran; prostate cancer; sexual activity*

# رابطه کمبود ۲۵ هیدروکسی ویتامین دی سرم با ریسک سرطان پستان

رضا شکرریز فومنی[۱]، فائزه خدائی[۲]

۱- استادیار، ، شهید بهشتی، تهران، ایران

۲- دانشیار، شهید بهشتی، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** رضا شکرریز فومنی

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** سرطان پستان یکی از شایع ترین سرطان ها در میان زنان دنیا می باشد. همچنین، شواهد موجود نشان می دهند که در بیماران دچار سرطان پستان، کمبود ویتامین دی بسیار شایع می باشد. هدف ما از انجام این تحقیق، بررسی رابطه بین کمبود ۲۵ هیدروکسی ویتامین دی سرم با ریسک سرطان پستان در میان زنان می باشد.

**روش کار:** این مطالعه مروری سیستماتیک، بر طبق بیانیه *PRISMA (Preferred Reporting Items for Systematic Reviews and Meta Analyses)* انجام شده است. بدین منظور، پایگاه اطلاعاتی *PubMed* با کلید واژه های *"Vitamin D AND Breast Neoplasms"* با اعمال محدودیت مقالات پژوهشی اصیل به زبان انگلیسی از تاریخ اول ژانویه ۲۰۱۴ به بعد، تحت جستجو قرار گرفت. عناوین و چکیده مقالات جهت یافتن معیارهای ورود بررسی شدند. ارزشیابی مقالات با استفاده از ابزار ارزیابی کیفیت مطالعات *NHLBI (National Heart, Lung and Blood Institute)* موسسه بهداشت ملی آمریکا، انجام شد.

**یافته ها:** در جستجوی اولیه، ۷۶ مقاله یافت شد که پس از غربالگری، ۱۳ مطالعه واجد شرایط معیارهای ورود بودند. تعریف کمبود ویتامین دی در میان مطالعات متفاوت بود که همین امر مقایسه را مشکل می ساخت، لیکن، اکثر مطالعات کمبود ویتامین دی را سطح سرمی ۲۵ هیدروکسی ویتامین دی کمتر از ۲۰ *ng/ml* تعریف کرده بودند. کیفیت اکثر مطالعات در سطح خوبی بود.

**نتیجه گیری:** این مطالعه شواهدی ارائه کرده است مبنی بر اینکه شیوع کمبود ویتامین دی در افراد مبتلا به سرطان پستان به طور معنی داری بیشتر از جمعیت کنترل مورد مقایسه بوده است. همچنین، ریسک سرطان پستان با کمبود ویتامین دی افزایش یافته است.

**کلمات کلیدی:** سرطان پستان، کمبود ویتامین د

# Association of 25-hydroxy Vitamin D and the risk of breast Cancer

***Reza Shekarriz Foumani[1], Faezeh Khodaee[2]***

1. ***Assistant professor, Department of community medicine, Faculty of Medicine, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran***
2. ***Associate professor, Faculty of Medicine, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran***

***Corresponding author: Reza Shekrriz Foumani***

*Introduction: Breast cancer has been considered as one of the most common types of cancer among the women worldwide, and patients with breast neoplasms have been reported with high prevalence of low serum 25-hydroxyvitamin D levels. Our aim was to evaluate the correlation of plasma 25-hydroxyvitamin D deficiency with breast neoplasms risk among women.*

*Methods: This systematic review was conducted according to PRISMA (preferred reporting items for systematic reviews and meta-analyses) statement. PubMed database was searched with MeSH (medical subject headings) keywords "vitamin D AND breast neoplasms" which was restricted by original articles written only in English and published from January 1, 2014. To find the articles that met eligibility criteria, titles and abstracts were examined. Critical appraising of evidence was performed, using the study quality assessment tools of national institutes of health, national heart, lung and blood institute (NHLBI).*

*Results: Overall, 76 potential articles were identified and after screening, 13 articles met eligible criteria for inclusion. Definition of low vitamin D levels varied greatly among studies, making comparisons difficult, but most of them have defined deficiency as 25(OH) D < 20 ng/mL. Evidence was mainly of fair quality.*

*Conclusion: This study has provided evidence that vitamin D deficiency has been very prevalent in patients with breast neoplasms, more than comparable matched control population, and risk of breast cancer has increased with low vitamin D levels.*

*Keywords: Breast Neoplasms, Vitamin D Deficiency*

# بررسی فعالیت فیزیکی و تحرک بدنی در زنان باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان در سال ۱۳۹۴

فرزانه بنی هاشمی[۱]، فرزانه پازنده[۲]، ماهرخ دولتیان[۲]

۱- کترشناس مسئول بیماری های غیرواگیر، شبکه بهداشت بستک، بستک، هرمزگان، ایران

۲- استادیار، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** فرزانه بنی هاشمی

**محور:**فعالیت فیزیکی و کم تحرکی

**زمینه و هدف:** فعالیت فیزیکی مناسب در طول دوران بارداری به حفظ و ارتقاء سلامت مادر و فرزند آینده او کمک می کند. هدف این مطالعه توصیف وضعیت فعالیت فیزیکی به عنوان یکی از ابعاد سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت در زنان باردار است.

**روش کار:** این مطالعه توصیفی-مقطعی بر روی ۸۰۰ زن باردار در سه ماهه های دوم و سوم بارداری انجام شد. داده ها با استفاده از بخش پنجم پرسشنامه استاندارد سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت *(HPLP2)*که مربوط به بررسی فعالیت فیزیکی بود، جمع آوری شد. درمانگاه های شهری و روستایی با روش نمونه گیری خوشه ای تصادفی و زنان باردار به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار آماری ( *SPSS*نسخه ۲۱) و آزمون های آماری توزیع فراوانی نسبی و مطلق و ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد.

**یافته ها:** میانگین سن زنان باردار ۲۶±۵,۹ سال و میانگین سن بارداری ۲۶,۴±۷,۴ هفته بود. با وجودی که میانگین نمره کلی سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت ۷۱,۳۹±۲۲,۵۲ درصد بود (سطح متوسط)، اما نمره بعد فعالیت فیزیکی ۵۰,۳۷±۵,۱۲ درصد بود و از میان سایر ابعاد، کمترین نمره را به خود اختصاص داد(سطح ضعیف).

**نتیجه گیری:** آموزش و ترویج فعالیت فیزیکی مناسب باید به عنوان یک بخش جدایی ناپذیر سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت در خدمات بهداشتی برای زنان باردار فراهم شود. بنابراین تحقیقات بعدی جهت مطالعه زیرساخت های فرهنگی - اجتماعی و انجام مداخلات مناسب جهت تغییر و تقویت بعد فعالیت فیزیکی در زنان باردار استان هرمزگان توصیه می گردد.

**کلمات کلیدی:** زنان، حاملگی، فعالیت فیزیکی، پروفایل سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت

# Physical Activity in Pregnant women presenting to Health Care Centers of Hormozgan University of Medical Sciences in 2015

***Farzaneh Banihashemi[1], Farzaneh Pazandeh[2], Mahrokh Dolatian[2]***

1. ***Expert of non-communicable diseases, Bastak Health Network, Bastak, Hormozgan, Iran.***
2. ***Associate Editor, School of nursing and midwifery, Shahid BEheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.***

***Corresponding author: Farzaneh Banihashemi***

*Introduction: Physical activity during pregnancy helps to the protection and promotion of the health of mother and her future offspring. The aim of this study was to describe the situation of physical activity as one of the aspects of health promoting lifestyle in pregnant women.*

*Methods: This descriptive- cross-sectional study was done on 800 pregnant women in the second and third trimester of pregnancy. Data were collected by using from the section five of health-promoting lifestyle questionnaire (HPLP2) that is relevant to the assessment of physical activity. Urban and rural clinics were selected with random cluster sampling method and also pregnant women by convenience sampling. To analyze the data was used from the statistical software SPSS (version 21) and statistical tests of absolute and relative frequency distribution and Spearman correlation coefficient.*

*Results: The average age in pregnant women was 26± 5.9 years and mean gestational age was 26.4 ± 7.4 weeks. Although the overall mean of health-promoting lifestyle score was 71.39± 22.52 percent (intermediate level), but physical activity score was 50.37±5.12 percent and was given the lowest score among other aspects (weak level).*

*Conclusion: Education and promotion appropriate physical activity should be provided as an integral part of the health promoting lifestyles in health services for pregnant women. So is recommended further researches to study the social-cultural infrastructures and to do the appropriate interventions to changing and strengthen physical activity in pregnant women of province Hormozgan.*

*Keywords: Physical Activity, Pregnancy, Health promotion life-style profile*

# بررسی روند فعالیتهای ورزشی زنان باردار و باورها نسبت به آن:براساس تئوری رفتارهای برنامه ریزی شده

سارا اسمعیل زاده ساعیه[1]، سیمین تعاونی[2]، حمید حقانی[2]

۱- هیئت علمی، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

۲- هیئت علمی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** سارا اسمعیل زاده ساعیه

**محور:**فعالیت فیزیکی و کم تحرکی

**زمینه و هدف:** مقدمه:حاملگی و پس از زایمان بهترین زمان تغییر جهت انجام رفتار صحیح بهداشتی مانند انجام فعالیت ورزشی و بهبود کیفیت زندگی می باشند تئوری رفتار برنامه ریزی شده، یکی از پرکاربردترین مدلها در تشریح رفتارهای سلامتی می باشد

**روش کار:**این مطالعه ،مطالعه طولی گذشته نگر بود که در بین ۲۲۵ خانم در دوران نفاس صورت گرفت .پرسشنامه ها به صورت خودگزارش دهی و متناوب تکمیل گردید .این پرسشنامه شامل رفتار ورزشی،نگرش،افراد مشوق،موانع رفتاری و تمایل به انجام فعالیت ورزشی می شد.

**یافته ها:** :بیشترین فعالیت ورزشی انجام شده توسط مادران پیاده روی بود و روند فعالیتهای ورزشی یک روند کاهشی بود و نتایج آزمون رگرسیون نشان داد که تمایل و موانع کنترلی درک شده به طور معنی دار با رفتار ورزشی ارتباط معنی دار داشت.۲) نگرش بیشترین تاثیر را در تمایل به انجام فعالیت ورزشی و به دنبال آن موانع درک شده رفتار و افراد مشوق داشت

**نتیجه گیری:** این مطالعه روند کاهشی فعالیتهای ورزشی از قبل از بارداری تا سه ماه پس از زایمان را نشان دادبنابراین پیشنهاد می شود تا در بخشهای پس از زایمان که مادر برای معاینه و کنترل رشد و تکامل کودک مراجعه می کند بر انجام غعالیتهای ورزشی و مزایای آن در پس از زایمان مجددا توصیه و تاکید شود. همچنین نتایج این مطالعه بر حمایت از تئوری رفتار برنامه ریزی شده به عنوان چهارچوبی در بررسی رفتار ورزشی صحه می گذارد

**کلمات کلیدی:** فعالیت ورزشی، بارداری، روند، تئوری رفتار برنامه ریزی شده

# Trend of Physical Exercise in Pregnant women and their attitude: Based on Planned behaviour theory

***Sara Esmaeilzadeh Saeieh[1], Simin Ta'avoni[2], Hamid Haghani[2]***

1. ***Alborz University of Medical Sciences, Karaj, Iran***
2. ***Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran***

***Corresponding author: Sara Esmaeilzadeh Saeieh***

*Introduction: Pregnancy and Postpartum is the best period for gaining health behaviors, including exercise, to promote quality of life is pregnancy and postpartum. One of the best theories in health behavior is theory of planned behavior. The aim of the present study was to examine the trend of exercise before, during and after pregnancy and belief about it*

*Methods: Material and method: This was a retrospective longitudinal study, in which 225 women were enrolled by continuous sampling and completed self-reported measures of their exercise, attitude, subjective norm, perceived behavioral control, intention, and behavior about it .*

*Results: The most frequent exercise, before, during and after pregnancy was walking. The result of repeated measure test showed that trend of exercise before pregnancy to 3 months after that was negative. Hierarchical regression analyses indicated: 1) intention and not perceived behavioral control significantly predicted exercise behavior; and 2) attitude was the strongest determinant of exercise intention, followed by perceived behavioral control, and subjective norm.*

*Conclusion: This study showed that the trend of physical activity decreased from the period before pregnancy to 3 month after that, so it is suggested that professional care in prenatal ward, vaccination clinic and family planning clinic focus on encouraging women to continue their activity, during and after pregnancy. These findings provide preliminary support for the TPB as an effective framework for assessing exercising during pregnancy.*

*Keywords: Physical exercise, Pregnancy, Trend, theory of planned behavior*

# بررسی اپیدمیولوژیک دلایل مراجعه سالمندان بیمارستانهای مشهد

امین عادل ۱، الهه پوراحمدی۲، ملیحه ضیایی۲، حسین ابراهیمی پور۳

۱- کارشناس اقتصاد درمان ، اقتصاد درمان ، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- کارشناس تحلیل ، اقتصاد درمان معاونت درمان ، علوم پزشکی مشهد ، مشهد ، ایران

۳- مدیر اقتصاد درمان، معاونت درمان ، علوم پزشکی مشهد ، مشهد، ایران

**نویسنده مسئول:** امین عادل ، **محور:**نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت

**زمینه و هدف:** افزایش مشکلات سالمندان،افزایش بارمالی ومراقبتی قابل توجهی را برای سیستمهای بهداشتی ودرمانی به دنبال دارد. درراستای دستیابی به اطلاعات صحیح جهت برنامه ریزیهای پیشگیرانه ویادرمانی دقیقتر،تحقیق حاضر باهدف سنجش وضعیت بیماری سالمندان و نسبت سالمندان به کل بیماران انجام شد تا راهکار مناسبی برای ارائه خدمات بهداشتی درمانی به سالمندان کشور تنظیم شود.

**روش کار:** این مطالعه از نوع توصیفی کمی است که به صورت مقطعی و ازنوع کاربردی درمهرماه ۱۳۹۵ به صورت گذشته نگر،طی دوره زمانی فروردین الی شهریور۱۳۹۵ انجام گرفت. جامعه موردنظرتمام بیماران بستری وتحت نظردربیمارستانهای دانشگاهی مشهد (۲۴ بیمارستان)بود (۲۲۸۴۹۶پرونده) که تمام افراد سالمند ( بالای ۶۰ سال) ۱۰۲۱۹۴نفر مورد بررسی قرارگرفتند. داده های مورد نیاز از اطلاعات موجود در سامانه *HIS* دانشگاه علوم پزشکی مشهددرمهرماه ۱۳۹۵ استخراج شد. برای تحلیل داده ها ازآزمون های توصیفی،محاسبه میانگین،میانه ودرصداستفاده شد.

**یافته ها:** در جامعه نمونه ۴۵٪ افراد سالمند و از بین افراد مورد مطالعه ۴۹٪ زن و ۵۱٪ مرد بودند. بیشترین بیماران سالمند مراجعه کننده به بیمارستان های مورد مطالعه به علت کاتاراکت ، بیماری های قلبی آترواسکلروتیک ، اختلالات شبکیه چشم، آنژین ناپایدار و درد قفسه سینه بود.

**نتیجه گیری:** با توجه به میزان بالای تعداد افراد سالمند بیمار و افزایش نرخ سالمندی نیاز به توجه بیشتری در این قشر بیماران می‌باشد. بیشترین علل مراجعه که افراد سالمند نسبت به افراد دیگر داشتند بیماری های قلبی، آنژین ناپایدار و درد قفسه سینه می‌باشد که پیشنهاد می شود برنامه های ترویج سبک زندگی سالم تقویت گردد و خدمات درمانی مطلوب برای این افراد در نظر گرفته شود.

**کلمات کلیدی:** سالمندان، بیماری، مشهد

# Epidemiological assessment of reffering reasons in elderly people in Mashhad's hospitals

**Amin Adel[1], Elaheh Pourahmadi[2], Maliheh Ziaee[3], Hasan Ebrahimipour[3]**

1. *Department of Health Economics, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran*
2. *Department of Health Economics, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran*
3. *General Director of Health Economics, Deputy of Treatments, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran.*

**Corresponding author: Amin Adel**

*Introduction: Increased problems of the elderly could result in a significant escalation in the financial burden for healthcare systems. This study was conducted to evaluate the elderly patients, health status and the elderly-total patient ratio to achieve the correct information for more accurate planning of preventive or therapeutic programs. By doing so, we attempted to reach a suitable strategy to provide healthcare services for the elderly in Iran.*

*Methods: This analytical cross-sectional study was conducted on October 2016 as a retrospective research during April-September, 2016. The sample population included all hospitalized patients in the teaching hospitals of Mashhad, Iran (24 hospitals, 228496 medical files). In total, 102194 elderly patients (aged >60 years) were assessed in this study. Necessary data were extracted from the hospital information system (HIS) of Mashhad University of Medical Science on October 2016. Data analysis was performed using descriptive statistical tests and estimating mean, median and percent.*

*Results: The sample population consisted of 45% elderly patients, 49% and 51% of whom were female and male, respectively. The most common cause of referral in the elderly patients was cataract surgery, cardiovascular disease, retinal disorders, unstable angina and chest pain.*

*Conclusion: The most common cause of hospitalization in the elderly patients, compared to other individuals, were cardiovascular diseases, unstable angina, and chest pain. It is recommended that programs be planned to promote a healthy lifestyle and provide proper healthcare services for the elderly population of our society.*

*Keywords: elderly, disease, Mashhad*

# ارتباط بین اسکیزوفرنی و بیماریهای قلبی عروقی: مقاله مروری

مهدی باقری[1]، سینا دینداریان[1]

۱- ، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه، ایران

**نویسنده مسئول:** مهدی باقری

**محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** تاکنون تحقیقات متعددی در زمینه بررسی ریسک بیماری‌های قلبی عروقی در بیماران اسکیزوفرنیک و مقایسه آن با جمعیت عمومی انجام شده است. در این مطالعه بر آن شدیم تا به مرور تعدادی از این مقالات بپردازیم.

**روش کار:** پایگاه‌های داده‌ی *PubMed*، *Google Scholar* و *Science Direct* با استفاده از کلمات کلیدی "اسکیزوفرنی"، "بیماری قلبی کرونری"، "بیماری شریانی محیطی"، "بیماری مغزی عروقی" و "بیماری قلبی عروقی" جستجو شدند. مقالاتی که در آنها خطر بیماری‌های قلبی عروقی در بیماران اسکیزوفرنیک بررسی شده بود، مورد مطالعه قرار گرفته و ۲۰ مقاله انگلیسی خلاصه شد.

**یافته ها:** مطالعات انجام شده نشان می‌دهند که ریسک بیماری‌های قلبی عروقی در بیماران اسکیزوفرنیک در مقایسه با جمعیت عمومی افزایش یافته است. برای این افزایش ریسک ۳ علت اصلی مطرح است؛ سبک زندگی پائین‌تر از حد مطلوب، استفاده از داروهای آنتی‌سایکوتیک دارای عوارض جانبی و دسترسی محدود این بیماران به خدمات بهداشتی.

**نتیجه گیری:** آگاهی از افزایش ریسک بیماری‌های قلبی عروقی و شرایط بهداشتی بیماران اسکیزوفرنیک برای جامعه روان‌پزشکی و متخصصان قلب و عروق ضروری به‌نظر می‌رسد. این آگاهی موجب فراهم شدن خدمات مناسب و کافی برای ارتقای بهداشت این افراد می‌شود.

**کلمات کلیدی:** اسکیزوفرنی، بیماری عروق کرونر قلب، بیماری عروق محیطی، بیماری قلبی-عروقی

# Schizophrenia and cardiovascular disease: review article

***Mehdi Bagheri[1], Sina Dindarian[1]***

***1. Students' Research Committee, Uromia University of Medical Sciences, Uromia, Iran***

***Corresponding author: Mehdi Bagheri***

*Introduction: Numerous researches have been carried out about the risk of cardiovascular disease in schizophrenic patients in comparison with the general population. In this study, we aimed to review some of the previous papers.*

*Methods: Online databases of PubMed, Science Direct, and Google Scholar were searched using the keywords of "Schizophrenia", "Coronary heart disease", "Peripheral arterial disease", "Cerebrovascular disease" and "Cardiovascular disease". We studied the papers in which the risk of cardiovascular disease in people with schizophrenia was assessed. 20 English papers were summarized.*

*Results: Studies show a higher risk of cardiovascular disease in the schizophrenic patients in comparison with the general population. They suggest 3 main reasons which lead to the increased risk. First, suboptimal lifestyles including unhealthy diets, excessive smoking and alcohol use, and lack of exercise. Second, use of antipsychotic drugs with adverse effects. Third, limited access of these patients to healthcare services.*

*Conclusion: It is prudent for the psychiatric and cardiology community to be aware of schizophrenic patients' health condition and their risk status for cardiovascular disease and provide enough services and care for them.*

*Keywords: Schizophrenia, Coronary Heart disease, Peripheral arterial disease, cerebrovascular disease*

# بررسی تاثیر پرفشاری خون بر میزان و وضعیت رتینوپاتی هایپرتانسیو در بیماران مراجعه کننده به بخش های داخلی و قلب بیمارستان خاتم الانبیاء و امام حسین شاهرود – ۱۳۹۴

سیده مهتاب میر استوار مقدم[۱]،محمد رضا خادمی[۲]، مرتضی فارسی[۳]، هادی عبدالهی[۴]

۱- دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود، شاهرود، ایران

۲- هیت علمی دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود، شاهرود، ایران

۳- مرکز تحقیقات بیمارستان قائم مشهد، مشهد، ایران

۴- بخش مراقبت های ویژه، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

**نویسنده مسئول:** سیده مهتاب میر استوار مقدم

**محور:**پرفشاری خون

**زمینه و هدف:** در پرفشاری خون هر چند بالا رفتن فشار خون مهم است، لیکن آسیب ارگان های هدف از جمله چشم مهم تر است. لذا این مطالعه با هدف تعیین تاثیر پرفشاری خون بر میزان و وضعیت رتینوپاتی هایپرتانسیو در بیماران مراجعه کننده به بخش های داخلی و قلب بیمارستان خاتم الانبیا وامام حسین شاهرود در سال ۱۳۹۴ انجام شده است.

**روش کار:** در این مطالعه توصیفی که بصورت مقطعی در بیمارستان های خاتم الانبیا و امام حسین(ع) شاهرود انجام شد، ۱۳۵ بیمار بستری مبتلا به پرفشاری خون توسط چشم پزشک معاینه افتالموسکوپی شده و مراحل رتینوپاتی در آنها مشخص گردید. داده ها به کمک نرم افزار آماری *SPSS* نگارش ۱۶ و روش های آماری توصیفی و آزمون های آماری کای مربع و *T-test* تجزیه و تحلیل گردید.

**یافته ها:** از ۱۳۵ بیمار مبتلا به پرفشاری خون ۶۲ نفر (۴۶/۷٪) مرد و مابقی زن بودند. میانگین سنی ۱۰/۳ ± ۶۴/۵ سال بود که شایع ترین گروه مبتلاء گروه ۵۹-۵۰ سال با ۳۳/۳ درصد قرار داشت. ۷۸ نفر (۵۷/۵٪) افراد مورد مطالعه دچار رتینوپاتی هیپرتانسیو بودند که میزان ابتلای زنان ۵۷/۵٪ و مردان ۵۸/۱٪ بود.

**نتیجه گیری:** وجود سابقه خانوادگی مثبت پرفشاری خون و ابتلاء دیگر اندام های هدف به عوارض پرفشاری خون بخصوص عارضه مغزی- عروقی از عوامل خطر ابتلا به رتینوپاتی هیپرتانسیو است. تشخیص و کنترل زودرس پرفشاری خون جهت پیشگیری از عوارض چشمی و دیگر عوارض آن ضرورت دارد.

**کلمات کلیدی:** رتینوپاتی، پرفشاری خون، بیماری عروق چشم

# Effect of Hypertension on rate and severity of Hypertensive Retinopathy in patients presenting to Internal Medicine and Cardiology Departments of Khatamolanbia Hospital and Imam Hosein Hospital in Shahrood— 2015

***Seyedeh Mahtab Mirostovar Moghaddam 1, Mohammadreza Khademi 2, Morteza Farsi 3, Hadi Abdollahi 4***
***Corresponding author: Seyedeh Mahtab Mirostovar Moghaddam***

*Introduction: Target organ damage is important in the natural history of hypertension. The hypertensive vasculopathy can be directly identified on the retinal vessels by ophthalmoscopy. This study was done determine the prevalence rate of hypertensive retinopathy in high blood pressure patients.*

*Methods: 135 patients with hypertension that admitted in Khatam – al – anbia and Imam Hossein hospitals of Shahroud in 2014 were examined to determine the ophthalmologic stages of their retinopathy.*

*Results: In this study 135 hypertensive patients (62 males and 73 females) in age range of 36-75 years old (mean age: 64.5±10.3 years), mean duration of diagnosed hypertension 6.7± 5.5 years and mean duration of medical treatment 7.1±4.7 years were evaluated. 57.5% of patients had hypertensive retinopathy which was less common in women (57.5%) than in men (58.1%). 61.3% of patients with positive family history. 5.9% of patients had mild hypertension (HTN), 39.3% had moderate HTN and 54.8% had severe HTN. The most common ophthalmoscopic findings in hypertensive retinopathy were: arteriole narrowing (35.1%), artrial irregularity (17.1%) and cotton wool patch and hemorragy (9.3%).*

*Conclusion: Early diagnosis and control of high blood pressure prevents ocular and other target organ hypertension complications. Positive family history of hypertension and also hypertensive complications of target organs especially cerebrovascular are risk factors for hypertensive retinopathy.*

*Keywords: Retinopathy, Hypertension, Eye vessels diseases*

# بررسی شیوع فشار خون بالا در جمعیت بالای ۳۰ سال روستایی در دانشگاه علوم پزشکی دزفول در سال ۱۳۹۵

پروین جولا۱، سعید حمید زاده۲

۱. کارشناس بیماری های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور، اهواز، ایران

۲. کارشناس بیماری های غیرواگیر، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران

نویسنده مسوول: پروین جولا

**محور:**پرفشاری خون

**زمینه و هدف:** فشارخون بالا یک چالش جدی بهداشت عمومی در دنیا است و بعنوان یکی از بیماریهای شایع غیرواگیر نقش عمده ای را در مرگ و میر بیماریهای قلبی عروقی در جوامع دارد. شیوع فشار خون بالا در ایران در جمعیت ۱۵ سال به بالا ۱۹درصد گزارش شده است. این شاخص در جمعیت روستایی در سال ۱۳۸۷، ۹/۲ درصد می باشد. هدف از این مطالعه بررسی شیوع فشار خون بالا در جمعیت بالای ۳۰ سال روستایی در دانشگاه علوم پزشکی دزفول در سال ۱۳۹۵ میباشد.

**روش کار:** در این مطالعه توصیفی مقطعی کل جمعیت بالای ۳۰ سال در مناطق روستایی به روش سرشماری انتخاب و در یک دوره شش ماهه از نظر وجود بیماری فشارخون بالا توسط پرسنل مراکز بهداشتی و درمانی بررسی شدند. فراخوان هایی در بازه زمانی شش ماهه در مراکز بهداشتی انجام شد و افرادی که مراجعه نکرده بودند بصورت فعال پیگیری شدند. داده ها با استفاده ازچک لیست مخصوص گردآوری و از طریق آزمونهای آماری توصیفی تحلیل گردیدند.

**یافته ها:** از کل جمعیت بالای۳۰ سال (۱۳۳۴۳۸نفر)، ۱۰۹۲۵۹ نفر غربالگری شده که پوشش مطالعه ۸۱/۸۸٪ بود. در این مطالعه ۲۲۰۲ بیمار جدید شناسایی شد و ۸۵۶۷ بیمار قدیمی ثبت گردید که بروز و شیوع به ترتیب ۰۱/۲٪ و ۸۵/۹٪ بود.

**نتیجه گیری:** نتایج نشان می دهد درصد پوشش و شیوع فشارخون بالا در جمعیت روستایی نسبت به دور قبلی غربالگری افزایش یافته است. بدلیل تاثیر فشارخون بالا بر بروز بیماریهای قلبی عروقی بعنوان اولین عامل مرگ و میر، مداخلات کاربردی در این حوزه ضرورت دارد.

**کلمات کلیدی:** فشار خون بالا،شیوع در جمعیت بالای ۳۰ سال، دزفول

# The prevalence of hypertension in rural population over 30 years in Dezful University of Medical Sciences, 1395

***Parvin Joola*** [1] ***Saeed Hamidzadeh*** [2]

***1- Non communicable diseases expert, Ahvaz Jundi Shapur University of Medical Sciences, Ahvaz, ran***

***2- Non communicable diseases expert ،Deputy of health ،Dezful University of Medical Sciences ،Dezful ،Iran***

***Corresponding author: Parvin Joola***

*Introduction: Hypertension is a serious public health challenge and as one of the most common non-communicable diseases has a major role in cardiovascular disease mortality in societies. The prevalence of hypertension have been reported 19% in the population over 15 years. This index in rural population is 9.2% in 1387.The aim of this study was to evaluate the prevalence of hypertension in the urbon population over 30 years in Dezful University of Medical Sciences in 1395*

*Methods: In this cross-sectional study, all rural population over 30 years were selected by census method and investigated in terms of having hypertension by personnel health care centers within six months. Calls were carried out for screening in within six months in the health centers. Subjects who did not refer to rural health centers were actively followed. The data were collected by particular check lists and analyzed by SPSS16 software using descriptive statistical tests.*

*Results: Of all population over 30 years (133438), 109259 subjects were screened which the coverage percentage was 88.81%. In this study , 2022 new patients were identitfied and 8567 known patients were recorded. The incidence percent and prevalence were 2.01%, 9.85% resprectively.*

*Conclusion: Results showed that coverage percent and prevalence percent of hypertension among rural population increased compared to the previous screening. Because of the impact of hypertension on cardiovascular disease as the first cause of death in population over 30 years, performing functional interventions is necessary in health field.*

*Keywords: Hypertension, prevalence, population over 30 years, Dezful*

# فراوانی خشونت علیه پرستاران شاغل در بیمارستان های آموزشی وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی مشهد در سال ۱۳۹۴

زهرا مصطفویان[۱]، محمدرضا خجسته[۲]

۱- گروه پزشکی اجتماعی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

۲- دانشجوی پزشکی، دانشکده آزاد اسلامی، واحد مشهد، مشهد

نویسنده مسئول: زهرا مصطفویان

**محور:**مدیریت خدمات بهداشتی

**زمینه و هدف:** خشونت علیه کارکنان درمانی مشکل بزرگی است که بر سلامت و بازدهی کارکنان درمانی مؤثر است. هدف از مطالعه حاضر بررسی فراوانی خشونت علیه پرستاران شاغل در بیمارستان های وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی مشهد و عوامل موثر بر آن می باشد.

**روش کار:** در یک مطالعه مقطعی ۳۵۰ پرستار در سال ۱۳۹۴ از نظر مواجهه با خشونت در محل کار، بررسی شدند. معیار ورود داشتن رضایت به شرکت در مطالعه و حداقل یک سال کار در بیمارستان بود. در پرسشنامه ای۲۷سوالی محقق ساخته شامل اطلاعات دموگرافیک و سوالات مرتبط با خشونت فیزیکی و روانی توسط پرستاران تکمیل گردید. تجزیه و تحلیل داده ها با آمار توصیفی و آزمون های تحلیلی کای دو، آزمون دقیق فیشر و رگرسیون لجستیک در نرم افزار *SPSS v.20* انجام شد.

**یافته ها:** ۲۲,۹ درصد از شرکت کنندگان مورد خشونت فیزیکی و ۷۷,۴ درصد مورد خشونت روانی قرارگرفته بودند. وضعیت تاهل و رده شغلی با خشونت فیزیکی رابطه معنی دار آماری نداشت($p>0.05$) ر حالیکه سن، جنس، سابقه کار، بخش کاری، تعداد بیماران در هر شیفت، متوسط ساعت کار در ماه و شیفت کاری با خشونت فیزیکی رابطه معنی دار آماری داشتند ($p<0.05$) **نتیجه گیری:** خشونت علیه پرستاران یک مشکل شایع می باشد. لذا انجام مطالعات بیشتر جهت اتخاذ راهکارهای پیشگیرانه مناسب و محافظت کارکنان درمانی با در نظر گرفتن عوامل موثر در بروز خشونت باید مد نظر قرار گیرد.

**کلمات کلیدی:** خشونت فیزیکی، خشونت روانی، پرستاران، بیمارستان، دانشگاه آزاد اسلامی

# Prevalence of Violence against nurses working in teaching hospitals affiliated to Mashhad Islamic Azad University in 1394

***Zahra Mstafavian1 Mohammad Reza Khojasteh2***
***1. Department of community Medicine, Mashhad branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran***
***2. medical student, Islamic Azad University, Mashhad, Iran***
***Corresponding Author: Zahra Mstafavian***

*Introduction: Violence against health workers is a main problem that affects the health and efficiency of medical staff. The aim of this study is to investigate the frequency of violence against nurses working in hospitals in the Islamic Azad University of Mashhad and the associating factors.*

*Methods: In a cross-sectional study, 350 nurses in terms of exposure to violence in the workplace were studied. The inclusion criteria were consent to participate in the study and at least one year of experience in hospital. Data were collected by a researcher made questionnaire with 27questions included demographic information, physical violence and psychological violence questions which was completed by nurses. To analyze the data, descriptive statistics and chi-square test, Fisher\'s exact test and logistic regression were done by SPSS v.20 software.*

*Results: The frequency of physical violence and psychological violence was %22.9 and %77.4 respectively. There is no significant relation between physical violence, and marital status and professional category (p> 0.05). While age, sex, years of work experience, hospital ward, and the number of patients per shift, average hours of work per month and work shift had significant correlation with physical violence (p > 0.05). Years of work experience, hospital ward and average hours of working per month were associated with psychological violence significantly (p <0.05)*

*Conclusion: The results of this study show violence against health workers is a common problem. More research needs to be done in order to take preventive strategy according to known risk factors.*

# بررسی نیازهای سلامت دختران نوجوان ایران: مطالعه موردی شهر خرم‌آباد در سال ۱۳۹۴

محمدحسن ایمانی‌نسب[۱]، ناهید خشنودفر۲، مهدی بیرجندی۳، مریم خشنودفر۲، شادی عبدی۲

۱- عضو هیات علمی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، ایمانی‌نسب، خرم آباد، ایران

۲- مراقب سلامت، علوم پزشکی لرستان، علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

۳- عضو هیات علمی، علوم پزشکی لرستان، علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

**نویسنده مسئول:** محمدحسن ایمانی‌نسب، **محور:**نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت

**زمینه و هدف:** ارتقای سلامت نوجوانان، وابسته به آگاهی نوجوانان از خدمات مراقبتی، شناخت نیازهای آنان و استفاده نوجوانان از خدمات ارائه شده است. شناخت و تشخیص نیازهای سلامت آنان به‌خصوص دختران نوجوان به دلیل نقش دوگانه آنان در سلامت جامعه و سلامت نسل‌های آینده مهم است. در این مطالعه نیازهای سلامت دختران نوجوان شهر خرم‌آباد مورد سنجش و ارتباط آن با برخی متغیرهای زمینه‌ای آزمون شده است.

**روش کار:** در این مطالعه مقطعی، ۴۰۰ دختر دانش‌آموز در مقاطع متوسطه اول و دوم شهر خرم‌آباد با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و خوشه‌ای چندمرحله‌ای وارد مطالعه شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه استاندارد نیازهای سلامت دختران نوجوان بود که روایی و پایایی آن توسط شاه حسینی و همکاران در سال ۱۳۹۰ تایید شده است. داده‌ها با استفاده از نرم افزار *SPSS-21* و آزمون‌های ضریب همبستگی، *t* مستقل، آنالیز واریانس تحلیل و نتایج در سطح معنی داری ۰۵/۰ گزارش شد.

**یافته ها:** میانگین و انحراف معیار نمره نیازهای سلامت دختران نوجوان ۴/۱۱± ۷۹/۸۹ بود. کمترین نیاز سلامت، نیاز آموزشی با میانگین ۱۳/۱۴±۳۷/۸۷ و بیشترین آن نیاز اعتقادی با میانگین ۰۷/۱۱±۷۹/۹۴ درصد بود. آزمون ضریب همبستگی بین ابعاد مختلف سلامت نشان داد بین ابعاد مختلف نیازهای سلامت دختران نوجوان همبستگی قوی وجود دارد. ابعاد اجتماعی و اعتقادی به‌ترتیب بیشترین (۷۵٪) و کمترین (۶۵٪) همبستگی را با سایر ابعاد داشتند.

**نتیجه گیری:** نمره نیازهای سلامت دختران نوجوان حاکی از نیاز قابل توجه دختران مورد مطالعه در ابعاد مختلف سلامت است. اولویت‌بندی نیازهای مختلف سلامت دختران نوجوانان به‌ترتیب عبارت بودند از: سلامت اعتقادی، سلامت جسمی، سلامت اجتماعی، سلامت روانی-عاطفی و سلامت آموزشی.

**کلمات کلیدی:** دختران نوجوانان، نیازهای سلامت، نیازسنجی، ایران

# Assess the health needs of adolescent girls in Iran: A Case Study of Khorramabad in 1394

***Mohammad Hassan Aimaninasab*** [1], ***Nahid*** *Khoshnodfar* [2], ***Mahdi Birjandi*** [3], *Maryam Khoshnodfar*[2], *Shadi* ***Abdi*** [2]

***1 faculty member, Lorestan University of Medical Sciences, Aymanynsb, Khorramabad, Iran***

***2. Health care, Medical Sciences, Medical Sciences, Khorramabad, Iran***

***3. Faculty, Lorestan Medical Sciences, Medical Sciences, Khorramabad, Iran***

*Introduction: Identification of health needs of female adolescents is a necessity due their important roles in community health and development of infrastructure required toward achieves national development goals. In this research, a sample of Iranian female adolescents was studied and the relationships between health needs and various demographic variables were measured.*

*Methods: The statistical population of the cross-sectional study was female adolescents living in Khorramabad city in the year 2015. A total of 400 girls studying in the city\'s high schools were selected through using of stratified sampling and multistage cluster sampling. The tool used for data collection was Female Adolescents\' Health Needs questionnaire which was developed by Shah-Hosseini et al in 2011. To analyze collected data, correlation coefficient test, SPSS-20 Software, t-test and ANOVA were used.*

*Results: The mean and standard deviation (SD) of the girls\' health needs scores was measured at 89/79 ± 11/47. The highest need was spiritual needs with average score of 94/79 ± 11/70 % and the lowest need was educational needs with average score of 83.37 ± 14/13 %. The correlation coefficient test indicated that there is a strong and significant correlation between different dimensions of female adolescents\' health needs. Social (75%) and spiritual (65%) dimensions had the highest and the lowest correlations with other aspects, respectively.*

*Conclusion: The study results suggested that the girls had various health needs. The needs with the highest level on the hierarchy include spiritual health, physical health, social health, mental-emotional health and educational health.*

# ارزیابی اثربخشی خدمات سلامت مادران با تاکید بر نقش تعیین گرهای اجتماعی

الهام خانلرزاده[1]، مهستی علیزاده۲، ژیلا خامنیان ۳، نعیم السادات کیا۴، حسین جباری بیرامی۵، الهام خانلرزاده۶

۱- استادیار ، همدان ، علوم پزشکی همدان ، ایران

۲- استاد، دانشگاه علوم پزشکی تبریز ، علوم پزشکی تبریز، ایران

۳- استادیار ، دانشگاه علوم پزشکی تبریز ، علوم پزشکی تبریز، ایران

۴- متخصص ، سمنان، علوم پزشکی سمنان ، ایران

۵- دانشیار ، دانشگاه علوم پزشکی تبریز ، علوم پزشکی تبریز، ایران

۶- استادیار ، دانشگاه علوم پزشکی ، علوم پزشکی همدان ، ایران

**نویسنده مسئول:** الهام خانلرزاده **محور:**نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت

**زمینه و هدف:** داشتن یک کودک ومادر سالم آرزوی هر فرد و خانواده ای در تمامی جوامع می باشد.امروزه با وجود تاثیر مثبت مراقبتهای بارداری و افزایش پوشش خدمات ،شاهد تفاوتهای ناعادلانه و اجتناب پذیری در طبقات متفاوت اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی می باشیم .پژوهش حاضرجهت ارزیابی اثربخشی خدمات براساس ارزشیابی فرآیند با تکیه بر نقش اساسی تعیین گرهای اجتماعی سلامت انجام شد.

**روش کار:** این مطالعه به صورت کوهورت تاریخی وایندہ نگر انجام شد . ۶۰۰ زن بارداراز ۲۰ بخش دولتی وخصوصی تبریز در طول بارداری و تا ۳ ماه پس از زایمان از نظر پیامدهای مادری پیگیری شدند.

**یافته ها:** درزنان با مراقبت پیش از بارداری ۲/۶ برابرعوارض کمتری دیده شد.بروز عوارض در کل ۱۹/۲ ٪ : زایمان زودرس ۴/۶ ،پره اکلامپسی ۴/۲،کم وزنی۹/۲، سقط ۳/۷ ،پره اکلامپسی ۲/۴ ، دیابت بارداری ۳/۹ ،ماکروزومی ۲/۸ و سزارین ۷۴درصد بود و۸۳/۳٪ عوارض مربوط به روستا(شایع ترین انها زایمان زودرس)و ۱۰/۴٪ازبخش خصوصی(شایع ترین انها خونریزی و دیابت)و ۶/۲٪ در مراکز شهری (شایع ترین انها سقط) بود. تحصیلات مادررابطه ی معنی داری با سقط وسزارین نشان داد. $BMI$ غیر نرمال نقش عمده ای در اغلب پیامدهای منفی بارداری (زایمان زودرس ،وزن کم هنگام تولد،سقط وسزارین )داشت. درامد اولین پیشگویی کننده ی وزن کم تولد بود.اهمیت فاکتورهای سوشیودموگرافیک ورفتاری به ویژه در پیشگویی سقط،زایمان زودرس و کم وزنی نشان داده شد.

**نتیجه گیری:** تعیین گرهای اجتماعی نقش اساسی در پیامدهای بارداری و عوارض مادری و کودکی ایفا میکنند.

**کلمات کلیدی:** تعیین گرهای اجتماعی-مراقبت بارداری-عوارض زایمان-عوارض بارداری

# Effectiveness of Maternal Health Care and Role of Social Determinants on Pregnancy Outcome

**Elham Khanlarzadeh [1], Mahasti Alizadeh [2], Jila Khamenian [3], Naim al-Sadat Kia [4], Hossein Jabbari Beirami [5], Elham Khanlarzadeh [6]**

**1- Assistant Professor, Hamedan Medical Sciences, Hamadan, Iran**
**2. Professor, University of Medical Sciences, Tabriz, Iran**
**3. Assistant Professor, University of Medical Sciences, Medical Sciences, Tabriz, Iran**
**4. expert, Semnan University of Medical Sciences, Semnan, Iran**
**5. Associate Professor, University of Medical Sciences, Medical Sciences, Tabriz, Iran**
**6. Assistant Professor, University of Medical Sciences, Medical Sciences, Hamadan, Iran**
**Corresponding Author: E. Khanlrzadh**

*Introduction: Healthy Mothers & Babies are valued hopes of families in all cultural heritages . evidence suggests Social determinant of health's and Disparity affect on pregnancy outcome.This document assess the Effectiveness of Maternal Health Care and Role of Social Determinants on Pregnancy Outcome*

*Methods: A cohort of 600 pregnant women was recruited from 20 public and private antenatal health care service in Tabriz city. they were followed up from the time of pregnancy diagnose till 3 months after delivery.*

*Results: Socioeconomic indicators and pregnancy care based upon health ministry guidelines; and Pregnancy outcomes were measured and assessed. Chi square test .regression analysis (univariate and multivariate) was done by SPSS version 17. we found significant relationship between preconception care and pregnancy complication (0R:2.6).the incidence of complication at all was 19.2% PTL: 4.6%, LBW: 9.2%, Preeclampsia: 4.2, Gestational diabet: 3.9% macrosomia: 2.8. Cesarean section: 74%. Complications were seen in rural area: 83.3 %( most common: PTL), private office: 10.4% (Most common: bleeding and diabetes) and urban centers: 6.2%. (Most common: abortion) Maternal education showed a significant relation with cesarean section and abortion. BMI plays a major role in almost all poor pregnancy outcomes (LBW,preterm labor .Cesarean section .miscarriage) and income status was the first predictor of low birth weight. Socio demographic and behavioral factors were particularly important for predicting miscarriage .preterm labor and low birth weight.*

Conclusion: *Social determinant of health's and Disparity in distribution of resources in rural and urban area was one of the main factors that complicated pregnancy and damaged family.*

*Keywords: Social determinant ,prenatal care. pregnancy outcome*

# بررسی شیوع اضافه وزن، چاقی در ادارات استان آذر شرقی

حمیده کوشا[1]، آرزو اصغری[2]، فتح اله پورعلی[3]، فریده کوشا[4]

۱- کارشناس بهداشت پرستاری ومامایی، معاونت بهداشتی، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۲- کارشناس تغذیه، معاونت بهداشتی، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۳- کارشناس تغذیه، معاونت بهداشتی، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۴- کارشناس مامایی، سازمان بیمه تامین اجتماعی، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

**نویسنده مسئول:** حمیده کوشا

**محور:**چاقی

**زمینه و هدف:** چاقی عامل خطر برای بروز بسیاری از بیماریها نظیر بیماریهای قلبی، فشارخون و دیابت است که رو به رشد است. کارکنان ادارات و سازمان ها بدلیل تحرک بدنی ناکافی جزء افرادی هستند که میزان شیوع اضافه وزن و چاقی در آنها بیشتر است

**روش کار:** این مطالعه با هدف بررسی وضعیت شیوع چاقی و اضافه وزن در کارکنان ادارات دولتی استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۹۴ انجام شد. در این مطالعه قد، وزن، نمایه توده بدنی کارکنان اندازه گیری شد. معیارهای تعریف شده برای اضافه وزن، نمایه توده بدنی ۲۹,۹- ۲۵ و برای چاقی، نمایه توده بدنی بیشتر و مساوی ۳۰ در نظر گرفته شد.

**یافته ها:** در این بررسی تعداد ۱۴۷۵۷ نفر از کارکنان ادارات استان آذر شرقی تن سنجی شدکه از تعداد کل افراد تن سنجی شده ۷۰۴۳ نفر دارای اضافه وزن، ۲۰۳۰ نفر دارای چاقی خفیف، ۳۲۶نفر دارای چاقی متوسط و۳۹نفر دارای چاقی شدید بودند. از تعداد کل افراد تن سنجی شده ۲۳۹۵ نفر دارای چاقی بودند که نتایج نشان داد میزان شیوع اضافه وزن در بین افراد ۶۴ درصد و شیوع چاقی در بین افراد ۱۶,۲۳ درصد بود.

**نتیجه گیری:** این مطالعه خطر افزایش شیوع اضافه وزن و چاقی را در کارکنان ادارات استان نشان می دهد و آموزش در مورد چاقی و عوارض آن، تشویق افراد به تغییر عادات غذایی و اصلاح شیوه زندگی و انجام فعالیت فیزیکی می تواند در جهت کاهش شیوع چاقی مؤثر باشد.

**کلمات کلیدی:** چاقی، نمایه توده بدنی، تن سنجی

# Prevalence of overweight and obesity in offices in Azar East

***Hamideh Kosha[1], Arezo Asghari [2], Fatollah Pourali [3], Farideh Koosha [4]***
***1- Department of Health, Medical Sciences, Tabriz, Iran***
***2. Department of Health, Medical Sciences, Tabriz, Iran***
***3. Department of Health, Medical Sciences, Tabriz, Iran***
***4.The social security insurance, Medical Sciences, Tabriz, Iran***
***Corresponding Author: Hamida Koosha***

*Introduction: Obesity is a risk factor for many diseases such as heart disease, hypertension and diabetes is growing. Offices and agencies due to insufficient physical activity are among the people that the prevalence of overweight and obesity among them the most.*

*Methods: This study aimed to investigate the prevalence of obesity and overweight in East Azerbaijan province in 1394 was conducted within the bureaucracy. In this study, height, weight, body mass index was measured staff. Defined criteria for overweight, BMI 25- 29.9 and for obesity, body mass index higher than 30were considered.*

*Results: A total of 14 757 employees in offices in Azar Eastern anthropometric survey that had the total number of people overweight by 7043 people, 2030 people with mild obesity, 326 patients had moderate obesity and severe obesity was 39. Of the total number of people surveyed 2395 people who have obesity results showed that the prevalence of overweight and obesity among 64 percent of the people was 16.23 percent*

*Conclusion: The increasing prevalence of overweight and obesity risk study among office workers in show Education about obesity and its complications, encouraging people to change their eating habits and lifestyle and physical activity can be effective in decreasing the prevalence of obesity*

*Keywords: Overweight. Obesity .Body Mass Index. Anthropometric*

# با ترکیب بدن، شانس ابتلا به چاقی *P21*بررسی برهمکنش الگوهای دریافت غذایی و پلی مورفیسم های ناحیه ۹ عمومی و مرکزی و برخی زیست نشانگرهای بیوشیمیایی مرتبط در بزرگسالان سالم تهرانی

مهدی ملاحسینی۱، محمدحسین رحیمی۱، خدیجه میرزایی۲، میرسعید یکانی نژاد۲، ژیلا مقبولی۲

۱- دانشجو، دانشگاه علو پزشکی تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲- هیئت علمی، دانشگاه علو پزشکی تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** مهدی ملاحسینی **محور:**چاقی

**زمینه و هدف:** آلل های خطر پلی مورفیسم های ناحیه *p21*۹ باعث افزایش خطر ابتلا به بیماری های عروق کرونر و انفارکتوس میوکارد میشوند، این پلیمورفیسم ها با بیان ژن های مرتبط با گسترش بافت های چربی نیز در ارتباطند. اما تاکنون ارتباط این پلیمورفیسها با ترکیب بدن بررسی نشده است.

**روش کار:** این مطالعه مقطعی برروی ۲۶۵ مرد وزن بزرگسال سالم شهر تهران می باشد. الگوهای دریافت غذایی با استفاده از پرسشنامه ۱۴۷ قلمه بسامد خوراک ( *FFQ)*و با روش تحلیل عاملی تعیین شدند، برای آنالیز ترکیب بدن از روش ایمپدانس بیوالکتریک ( *BIA)*و برای تعیین نوع ژنوتایپ *rs1333048* از روش *PCR-RFLP* استفاده شد. نمونه خون پس از ۱۰تا ۱۲ ساعت ناشتایی اخذ گردید.

**یافته ها:** ژنوتایپ *AA* نسبت به *CC* با افزایش شانس ابتلا به چاقی عمومی (*P*=۰/۰۴۵ و*CI95%*=۱/۰۲۷-۹/۶۱۷ و*OR*=۳/۱۴۳) و مرکزی (*P*=۰/۰۲۶ و*CI = 95%*۱/۱۲۶-۶/۱۷۳و *OR*=۲/۶۳۶) همراه بود. میان ژنوتایپ های این پلی مورفیسم و میزان پیروی از الگوی غذایی حبوبات بر روی دور کمر(*P*-=۰/۰۴۷برهمکنش) ، درصد چربی(*P*-=۰/۰۴۸برهمکنش)، سطح *hs_Crp* (*P*-=۰/۰۴۲برهمکنش) ، *BMI*(*P*-=۰/۰۷۳برهمکنش)، نسبت دور کمر به قد(*WHtR*)(*P*-=۰/۰۶۳برهمکنش) و شانس ابتلا به چاقی(*P*-=۰/۰۵۱برهمکنش) برهمکنش وجود داشت، به این صورت که با افزایش پیروی از این الگو مقدار تمام موارد مذکور برای افراد با ژنوتایپ *CC* کاهش و برای افراد با ژنوتایپ *CA* و *AA* افزایش یافت.

**نتیجه گیری:** آلل *A* پلی مورفیسم *rs1333048* با خطر ابتلا به چاقی عمومی و مرکزی در ارتباط است. میان این پلیمورفیسم و الگوهای دریافت غذایی بر روی شانس ابتلا به چاقی عمومی و درصد چربی بدن، دور کمر، *BMI WHtR* و سطح *hs_Crp* برهمکنش وجود دارد.

**کلمات کلیدی:** چاقی، ترکیب بدن، نوتریژنتیک، الگوی غذایی، دیس لیپیدمی، التهاب، ۹ *p21*

# Assessing the dietary patterns and 9P21 region polymorphisms interaction on body composition measurements, general and central obesity and some related biochemical biomarkers in healthy Tehrani people

***Mehdi Mollahosseini [1], Mohammad Hossein Rahimi [1], Khadija Mirzaee [2], Mir Saeed Yekaninejad [2], Jila Maghbouli [2]***

***1. Student, Tehran University of Medical Sciences, Medical Sciences, Tehran, Iran***

***2. The faculty, Tehran University of Medical Sciences, Medical Sciences, Tehran, Iran***

***Corresponding Author: M. Mollahosseini***

*Introduction: Risk alleles of 9P21 region single nucleotide polymorphisms (SNPs) are associated with risk of cardiovascular diseases. As well as these SNPs are associated with expression of genes related to development of fat tissue.*

*Methods: This cross-sectional study conducted on 265 Tehrani healthy adults. DPs were extracted by a 147-items semi-quantitative food frequency questionnaire (FFQ) and factor analyzing method. Bioelectrical impedance analysis (BIA) method was used for body analysis. Weight, height, waist circumference, waist to height ratio (WHtR), body mass index (BMI), lipid profile, fasting blood glucose and high sensitivity C-reactive protein (hs_Crp) were measured. Blood sampling was done after 10-12 hours fasting. rs1333048 were genotyped by restriction fragment length polymorphism (PCR-RFLP) method.*

*Results: AA genotype compared to CC had greater odds for general obesity (OR=3.11; 95% CI =1.008-9.60, P=0.048) and central obesity (OR=2.63; 95% CI =1.12-6.17, P=0.026). Significant Interactions were observed between legumes based DP and rs1333048 SNP on waist circumference (P-interaction= 0.047), body fat percent (P-interaction = 0.048), hs-Crp (P-interaction =0.042), BMI (P-interaction =0.073), WHtR (P-interaction =0.063) and odds for general obesity (P-interaction =0.051) in this way that last tertile of this DP compared to first tertile, reduced all mentioned items for individuals with CC genotype whereas increased them for who with CA and AA genotypes.*

*Conclusion: Results of this study indicates significant associations between A allele of rs1333048 SNP and general and central obesity and significant interactions between this SNP alleles and dietary patterns on odds of general obesity, body fat percent, waist circumference, BMI, WHtR and hs-Crp.*

*Keywords: obesity, body composition, nutrigenetics, pP21*

# بررسی شیوع چاقی در دانش آموزان ۱۱- ۹ ساله مدارس ابتدایی دخترانه تهران در سال تحصیلی ۹۳-۹۲

مژگان مدرسی[۱]، محمدرضا سهرابی[۲]، محبوبه السادات مدرسی[۳]، آرزو آقاکوچک[۴]

۱- استادیار، دانشکده پزشکی، علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

۲- استاد، دانشکده پزشکی، علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳- دستیار، دانشکده پزشکی، علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

۴- محقق، دانشکده پزشکی، علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

**نویسنده مسئول:** محمدرضا سهرابی

**محور:**چاقی

**زمینه و هدف:** بیماریهای مزمن علل ۳/۴ همه مرگها در کشورهای درحال توسعه باشد. یکی از مهمترین عوامل بروز این گروه از بیماریها چاقی است که خود معلول عوامل محیطی رفتاری متعددی است. باتوجه به اهمیت موضوع ما برآن شدیم تا وضعیت شاخص توده بدنی و تعیین گرهای آن رادردانش اموزان مدارس ابتدایی دخترانه تهران بررسی کنیم تامشخص کنیم وضعیت کنونی چاقی و اضافه وزن درکودکان دبستانی چگونه است.

**روش کار:** این مطالعه یک مطالعه مقطعی توصیفی تحلیلی است که درآن ۱۰۳۷ دانش آموز دختر ۱۱-۹ ساله ازدبستانهای دخترانه تهران به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند .قد ووزن دانش آموزان اندازه گیری شد و برای تقسیم بندی شاخص توده بدنی ازمعیارهای *WHO* و*CDC* استفاده گردید. تعیین گرهای شاخص توده بدنی با استفاده از یک پرسشنامه استاندارد تکمیل گردید

**یافته ها:** در این مطالعه میانگین سن دانش آموزان ۱۰٫۸ ±۰٫۶۸ سال بود. بر اساس معیار *WHO 14.5%*دانش آموزان چاق بودند،۲۲٫۶ ٪ اضافه وزن داشته و۳ ٪ لاغر بودند. شاخص توده بدنی دانش آموزان با سطح تحصیلات پدر، وضعیت مصرف صبحانه ارتباط داشت

**نتیجه گیری:** شیوع چاقی و اضافه وزن در دختران دبستانی تهران بالاست که بررسی برای ایجاد مداخلات موثر برای کنترل آن ضروری به نظر می رسد

**کلمات کلیدی:** *obesity, overweight,body mass index, student.*

# Prevalence of obesity in 11- 9-year-old female primary school students in Tehran in the academic year 93-92

***Mojgan Modarresi*** [1]***, Mohammad Reza Sohrabi*** [2]***, Mahboubeh Sadat Modarresi*** [3]***,*** *Arezo Aqakochaki* [4]

***1. Assistant Professor, Faculty of Medicine, Medical Sciences*** *Shahid sadoqi* ***Yazd, Yazd, Iran***

***2. Professor, School of Medicine,*** *Shahid* ***Beheshti Medical Sciences, Tehran, Iran***

***3. Assistant, Faculty of Medicine, Medical Sciences, Bushehr, Bushehr, Iran***

***4- Researcher, School of Medicine, Medical Sciences*** *Shahid sadoqi* ***Yazd, Yazd, Iran***

***Corresponding Author: Mohammad Reza Sohrabi***

*Introduction: Chronic disease is a cause of 3/4 all of deads in developing countries and obesity is a major cause of chronic disease. Several behaviour and environmental factors can lead to obesity. The aim of this study was to investigate body mass index and it's riskfactors with in a sample of elementary schoolgirls in Tehran to determined the prevalence of obesity , overweight and underweight in this society.*

*Methods: This crosssectional study was carried out in Tehran in 2014. A total of 1037 healthy elementary schoolgirls aged 9-11 years were selected by multistage cluster sampling. Data on weight, height were obtained. The percentage of subjects in the corresponding body mass index categories of the WHO and CDC. Determinants of body mass index were assessed by self administered validated questionnaire*

*Results: According to WHO, overall 14.5%, 22.6% and 3% of schoolgirls were obese, overweight and underweight, respectively. There was an inverse association between body mass index and high paternal educatin, low frequency of breakfast consumption*

*Conclusion: According to this findings,The prevalence of obesity and overweight in elementary schoolgirls in Tehran is high.*

# غربالگری دیابت و فشار خون در بالغین و مروری بر عوامل خطر بروز دیابت در مرکز آموزشی درمانی اسدآبادی تبریز

الهه بایبوردی۱، حسین جباری۲
۱- مدیر مرکز پزشکی جهاد دانشگاهی، جهاد دانشگاهی تبریز، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران
۲- رییس بیمارستان، مرکز اموزشی درمانی اسدابادی، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران
**نویسنده مسئول:** الهه بایبوردی

**محور:**دیابت

**زمینه و هدف:** بیماریهای متابولیک و بویژه دیابت و پرفشاری خون با توجه به شیوع بالا و رو به افزایش بیماری و هزینه های سنگین از جمله مهمترین مسائل نظامهای سلامت به شمار می روند.

**روش کار:** .در این طرح ابتدا شرح حال عمومی از بیمار گرفته شد.سپس کنترل قند خون و فشارخون در مراجعین انجام پذیرفت .در صورت تشخیص قندخون بالاتر از نرمال و فشار خون بالای ۱۴۰/۹۰ میلیمتر جیوه آزمایشات تکمیلی درخواست شد. قد و وزن و شاخص توده بدنی افراد اندازه گیری شد تا در صورت قرار گرفتن در محدوده اضافه وزن و چاقی مداخلات لازم کاهش وزن و افزایش فعالیت فیزیکی انجام گیرد.

**یافته ها:** در این طرح که به مدت چهار روز بطول انجامید تعداد ۱۰۹۰ نفر شرکت نمودند، تعداد۸۹۶ نفر اطلاعی از وضعیت قند خون خود نداشتند ،۴۸ نفر(۵درصد) مبتلا به دیس گلیسمی تشخیص داده شدند و تحت بررسی های تکمیلی پیشگیری از ایجاد و پیشرفت عوارض دیابت قرار گرفتند.

**نتیجه گیری:** با توجه به گوشه از مشکلات بالینی و هزینه های مستقیم و غیر مستقیم که به علت دیابت و فشار خون در جامعه ایجاد میشود، غربالگری جامعه از نظر دیابت و فشار خون به خصوص افراد بالای ۴۵ سال که سبک زندگی کم تحرک و رژیم غذایی پرکالری دارند به صورت دوره ای و هر سه سال یکبار توصیه می شود.

**کلمات کلیدی:** غربالگری، دیابت،پرفشاری خون

# Screening for diabetes and high blood pressure in adults and a review of risk factors for diabetes in the asadabadi hospital, Tabriz

*Elaheh* ***Baiburdi [1], Hossein Jabbari [2]***
***1. The director of the Medical Center of University Jihad, Jihad Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran***
***2. The director of the hospital, hospital in Asadabad, Medical Sciences, Tabriz, Iran***
***Corresponding Author: E. Baiburdi***

*Introduction: Metabolic diseases, especially diabetes and hypertention due to high and increasing prevalence of the disease and the high costs of health systems are among the most important issues.*

*Methods: This initiative was taken in the first general history and with people who were fasting and non fasting blood glucose control blood pressure in patients was conducted to determine. In case of detection of blood sugar higher than normal and high blood pressure was higher than 140/90 mmHg , additional tests were requested. Height and weight were measured and body mass index as being in the range of overweight and obesity, necessary interventions to reduce weight and increase physical activity were done*

*Results: The project, which lasted for six days, 1090 people participated, 896 people were not aware of their blood sugar condition. 48 patients (5%) were diagnosed with dysglycemia, so that additional tests for the prevention of diabetes complications and progress were created*

*Conclusion: According to a corner of clinical problems and the direct and indirect costs due to diabetes and hypertension, Community screening for diabetes and hypertension, will be useful ,especially in adults over 45 years old who have a sedentary lifestyle and a high calorie diet,and it is recommended every three years periodically.*

# غربالگری دیابت در افراد ۳۰ ساله و بالاتر جامعه روستایی قزوین سالهای ۱۳۹۴-۱۳۹۳

فاطمه ناجی[1]، سولماز فرخ زاد[2]

۱- کارشناس بیماریهای غیرواگیر، معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی، علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

۲- کارشناس مسیول بیماریهای غیرواگیر، معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی ق، علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

**نویسنده مسئول:** فاطمه ناجی

**محور:**دیابت

**زمینه و هدف:** دیابت سلامت جهانی را تهدید می کندتغییرات دموگرافیک ودگرگونی شیوه زندگی در جوامع همراه با پدیده پیر شدن دیابت را یه یک اپیدمی جهانی تبدیل کرده است این مطا لعه از نوع توصیفی و با هدف شناسایی ومراقبت بیماران دیابتی و پیشگیری و تاخیر در بروز عوارض انجام شد

**روش کار:** در راستای اجرای برنامه کشوری پیشگیری و کنترل دیابت ۹۱٪ افراد ۳۰ ساله و بالاتر در مناطق روستایی از نظر وجود عوامل خطر ابتلا به بیماری دیابت بررسی شدند. در صورت مشاهده هر یک از عوامل خطر جهت انجام آزمایش قند ناشتای خون ارجاع و در صورت تائید بیماری بر اساس معیارهای سازمان *WHO* مورد مراقبت قرار گرفتند.نتایج مورد تحلیل قرار گرفت

**یافته ها:** ۱۱۱۸۹۳ فرد ۳۰ ساله و بالاتر (۴۹۸۴۲ مرد و ۶۲۰۵۱ زن ) ازنظر عوامل خطر دیابت ارزیابی شدند و از میان آنها (۴۷٪ سالم ـ۲/۴٪ بیمار قدیمی ـ ۵۰٪ در معرض خطر ) شناسائی شدند. شیوع دیابت در زنان ۷٪ و در مردان ۷/۳٪ (کل۶٪) بر آورد شد در تمام گروههای سنی شیوع دیابت در زنان بیشتر از مردان است بروز دیابت ۸/۱٪ درصد، افراد پره دیابتی شناسایی شده ۵/۴٪ بوده است

**نتیجه گیری:** ۵/۴٪ جامعه مورد مطالعه پره دیابتی شناسایی شدند که لزوم آموزش آنها احساس می شودو از سوی دیگر ابتلا بیشتر زنان به دیابت قابل تامل است و می تواند با شیوع چاقی و اضافه وزن در زنان مر تبط باشد که لزوم کنترل این ریسک فاکتور را گوشزد می کند

**کلمات کلیدی:** غربالگری ـ دیابت ـ پره دیابت ـ قزوین

# Screening for diabetes in people 30 years and older rural population of Qazvin during 1394-1393

***Fatemeh Naji 1, Soulmaz Farrokhzad 2***
***1- Noncommunicable diseases, health departments University of Medical Sciences, Isfahan, Qazvin, Iran***
***2 Department of noncommunicable diseases, health departments niversity of Medical Sciences, Isfahan, Qazvin, Iran***
***Corresponding Author: Fatemeh Naji***

*Introduction: Diabetes is the most common metabolic disorder. Early diagnosis is preventing serious complications. Screen programs provide early diagnosis Objective: Screening for diabetes in rural areas in Qazvin province.*

*Methods: Materials and Methods :Based on national diabetes control programme , all 30 years old people of rural areas were recalled through Health system .At first , they were studied about diabetes related risk factors including : overweight ,obesity ,familial history of diabetes ,hypertension ,abortion ,stillbirth, gestational diabetes and pregnancy .People who had at least one risk factor were referred to FBS test .Twice FBS≥126 detected as diabetic case . FBS=100-126 detected as pre diabetic case*

*Results: In total 111893 people were screened (91%coverage). 56637(50%) people had at least one risk factor for diabetes. Of them 6889 cases were detected as diabetics including 1621 (30%) new cases .*

*Conclusion: one third of patients were unaware of their diabetes . In addition training and following pre diabetic cases will be possible through this programme 4/5% of the study were identified pre-diabetes, which raises the need to train them On the other hand, women more susceptible to diabetes is very important and could be something to do with the prevalence of overweight and obesity in women is relevanAnd this is necessary, control of risk factors for specific warnsrural areas in Qazvin.*

# بررسی اثربخشی مراقبت بیماران دیابتی نوع دو لارستان در سال ۱۳۹۴

عزیزاله دهقان[۱]، پرویز آقایی[۲]، امامداد شرفی[۳]، عباس یزدانپناه[۴]

۱- هیات علمی، علوم پزشکی فسا، علوم پزشکی کرمان، فسا، ایران

۲- استادیار، مرکز تحقیقات عوامل رفتاری موثر بر س، ازاداسلامی مرودشت، مرودشت، ایران

۳- مدیرگروه غیرواگیر، معاونت بهداشتی دانشکده علوم پزشکی ل، علوم پزشکی لارستان، لار، ایران

۴- استادیار، دانشگاه ازاداسلامی مرودشت، ازاداسلامی مرودشت، مرودشت، ایران

**نویسنده مسئول:** امامداد شرفی

**محور:**دیابت

**زمینه و هدف:** با توجه به شیوع بالای بیماری دیابت نوع دو و اهمیت کیفیت مراقبت در کاهش عوارض و مرگ ومیرو هزینه های اقتصادی ناشی از آن ، بررسی اثربخشی مراقبت بیماران دیابتی نوع دو در لارستان در سال ۱۳۹۴ انجام شد.

**روش کار:** مطالعه به صورت توصیفی تحلیلی می باشد کل نمونه مورد مطالعه شامل ۳۵۵نفر می باشد.بعد از انجام پرسشگری و تن سنجی و پس از مشخص شدن جواب آزماشات موارد فوق در نرم افزار *spss* وارد گردید و با استفاده از آزمونهای آماری تی مستقل، ضریب همبستگی اسپیرمن، و کای اسکوایر تجزیه و تحلیل شد از آمار های میانگین وانحراف معیار برای توصیف متغیرهای کمی و فراوانی و فراوانی نسبی برای توصیف متغیرهای کیفی استفاده شد

**یافته ها:** در این مطالعه میانگین و انحراف معیار سن بیماران مراقبت شده برابر ۹,۵۳±۵۸,۹۳ و میانگین و انحراف معیار سن بیماران مراقبت نشده برابر۹,۵۲±۵۹,۹۵ بود.تعداد ۲۳۷ نفر یعنی ۶۶,۸ درصد را زنان و ۱۱۸ نفر یعنی ۳۳,۲ درصد را مردان در مطالعه تشکیل میدادند.۶۹,۶ درصد را بیماران مراقبت شده و ۳۰,۴ درصد را بیماران مراقبت نشده شامل می شدند. ۵۲,۷ درصد افراد مورد مطالعه ساکن شهر و ۴۷,۳ درصد افراد مورد مطالعه در روستا ساکن بودند .از نظر شغل ۶۶,۲ درصد آنان خانه دار و ۱۲,۴ درصد آنان شغل آزاد داشتند.از نظر تاهل ۸۷درصد افراد مورد مطالعه متاهل بودند.

**نتیجه گیری:** با توجه به مطالعه انجام شده کیفیت و اثر بخشی مراقبت بیماران دیابتی شهرستان لارستان از وضعیت مطالعات مشابه و کشوری مراقبت بیماران دیابتی بهتر ولی همچنان با استاندردهای *ADA* فاصله دارد.

**کلمات کلیدی:** دیابت نوع دو، اثربخشی مراقبت،استاندارد مراقبت، *ADA*

# Study of effectiveness of diabetic care (type II) in LARESTAN-2015

***Azizollah Dehghani [1], Pervez men [2], Emamdad Sharafi [3]Abbas Yazdanpanah [4]***
***1.Medical Sciences, Fasa, Kerman University of Medical Sciences, Fasa, Iran***
***2. Research Center behavioral factors affecting Q, Unit Shiraz, Shiraz, Iran***
***3. Non-Communicable Chief of Department, Department of Health, Faculty of Medical Sciences L, LARESTAN Medical Sciences, Lar, Iran***
***4. Assistant Professor, Islamic Azad University of Shiraz, Shiraz Azad, Shiraz, Iran***
***Corresponding Author: Emamdad Sharafi***

*Introduction: Considering the high prevalence of Type2 diabetes and importance of the care quality to reduce its complications and mortality and costs resulting from it,the effectiveness of type 2 diabetic patients care in Larestan was studied in2015 .*

*Methods: The present study is of cross-sectional analytical kind.The statistical universe studied includes all Type 2 diabetic patients of Larestan having an active file in the health center. total sample of studied consists of 355 people.The present research was performed in three stages including (1) interviewers training and checklist completing (2) somatometrics and (3) blood sampling. After determining the answers of the test the above cases were analyzed by software SPSS and T-Test and descriptive statistic analysis method.*

*Results: In the present research the average and standard deviation related to the age of patients under the care were equal to58.93±9.53 and those of the uncared patients were 59.95±9.52 . 237 individuals were females and 118 individuals were males.247 were the patients under care and the remainingsto were the patients uncared.52/7%subjects resided in the cities and 47/3%were rurals. 58/3%subjects were illiterate and 28/7%of them had primary education and 7/9% had secondary education.In terms of job, 66/2%of them were housekeepers, 12/4% had free job .87% were married .*

*Conclusion: Considering the present research the quality and effectiveness of care status related to the diabetic patients of Larestan is better than that of country's patients but is far from ADA standards.*

*Keywords: Type 2 diabetes, Care effectiveness ,ADA*

# تاثیرآموزش برموانع زندگی با دیابت

ملیحه اکبری عبدل آبادی[1]

۱- کارشناس بیماری های بدخیم، معاونت امور بهداشتی، شهید بهشتی، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** ملیحه اکبری عبدل آبادی

**محور:**دیابت

**زمینه و هدف:** این مطالعه باهدف تعیین تاثیر مداخله آموزشی مبتنی بر مدل بزنف بر موانع آگاهی ، سبک زندگی ، سازگاری و حمایتی در زندگی با دیابت در بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ و عوامل مؤثر بر آن طراحی و اجرا شد.

**روش کار:** این مطالعه یک مداخله نیمه تجربی دو گروهی بود که روی ۱۶۸ نفر از بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی طی ماههای مرداد و شهریور سال ۹۴ انجام شد. قبل از اجرای مداخله پرسشنامه موانع زندگی با دیابت و پرسشنامه بر اساس سازه های الگوی بزنف تکمیل گردید که بعد از انجام پیش آزمون با تخصیص تصادفی به دو گروه مداخله و مقایسه با روش بلوکهای چهارتایی تصادفی شده انتخاب شدند و در دو گروه مداخله و کنترل تحت بررسی قرار گرفتند . بیماران مبتلا به دیابت گروه مداخله، تحت شش جلسه آموزشی ۴۵ قرار گرفتند، طراحی برنامه آموزشی بر اساس سازه های مدل بزنف ومحتوی آموزشی براساس موانع زندگی با دیابت تدوین گردید.

**یافته ها:** بین میان نمره دریافتی مربوط به مولفه های آگاهی، سبک زندگی، سازگاری و حمایتی موانع زندگی با دیابت و آگاهی، نگرش، نرم های انتزاعی، عوامل قادر کننده و قصد رفتاری متغیرهای اجزای مدل بزنف در گروه مورد قبل و بعد از مداخله آموزشی اختلاف معنی داری وجود داشت.

**نتیجه گیری:** آموزش بیماران دیابتی نوع ۲ بر اساس الگوی بزنف به عنوان الگوی آموزشی موثر می تواند به کاهش مولفه های آگاهی، سبک زندگی، حمایتی و سازگاری موانع زندگی با دیابت منجر شود

**کلمات کلیدی:** *Type 2 diabetes, Barriers to living with diabetes,BASNEF Model*

# The effect of barriers to living with diabetes

***Malihe Akbari Abdol Abadi*** [1]
***1- malignant disease expert, Department of Health ,Shahid Beheshti University, Tehran, Iran***
***Corresponding Author: Maliha Abdul Akbar Abadi***

*Introduction: Overcoming barriers associated with diabetes is considered a logical infrastructure to empower diabetic patients in management of living with diabetes and identify factors which affect these barriers. This study aimed to determine the effect of an educational intervention based on the BASNEF model on barriers in living with diabetes in patients with type 2 diabetes and it\'s related factors.*

*Methods: This was a quasi-experimental study which. Performed among 168 patients with type 2 diabetes referred to health centers of Beheshti University of Medical Sciences from August to September 2014. Before the educational intervention, questionnaires of life barriers and the BASNEF structures were completed. After pre-test, the patients were randomly allocated to the case and control groups based on randomizing four block design. Only in the intervention group patients received six education sessions of 45 to 60 minutes that fifth education session with their families, and related staff. The educational program was designed based on the BASNEF constructs (Knowledge, attitude, subjective norm, enabling factors and behavioral intention), and educational content was developed based on the barriers to living with diabetes. Data analyzed Spss stafware version 20 utelized to data analysis using statistical tests such as independent sample t-test, paired t test, Wilcoxon, McNemar test, and Mann-Whitney U .*

*Results: Our findings showed that there was a significant difference between a score received on components of barriers to of living with diabetes*

*Conclusion: Education in type2diabetic patients based on BASNEF, as a model for effective education, can lead to dimensions barriers reduction*

# رابطه کنترل قند خون و پروفایل لیپیدها در بیماران دیابتی

محمد خواجه دلویی[1]، حسن جاهد طاهرانی[2]، سپینوش سجادی میرزایی [3]

۱- استاد، مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- رزیدنت سال۳، مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- معاونت پرستاری، مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

**نویسنده مسئول:** محمد خواجه دلویی

**محور:**دیابت

**زمینه و هدف:** دیابت عامل خطر بزرگی جهت ایجاد آترواسکلروزیس در عروق کرونر، مغزی و محیطی است. بیماری قلبی عروقی ( *CVD)*علت اصلی مرگ و میر بیماران دیابتی می باشد. کنترل شدید و زودرس قند خون می تواند تاثیرات مفید و طولانی مدت در بروز *CVD* داشته باشد.در دیابت، لیپوپروتئین های سرم دچار تغییرات می شوند که خطر *CVD* را افزایش میدهد.هدف از این مطالعه بررسی رابطه وضعیت کنترل قند و پروفایل لیپیدهای خون در بیماران دیابتی است.

**روش کار:** این مطالعه مقطعی با بررسی پرونده ۱۵۰۱ نفر { ۶۲۱(۴۱,۴٪) مرد و ۸۸۰(۵۸,۶٪)زن } از بیماران دیابتی نوع ۲، در یکی از کلینیک های تخصصی دیابت شهر مشهد در سال ۱۳۹۴ انجام شده است. *FBS*، *HbA1c*، *Total Cholesterol*، *HDL* و *LDL* بیماران بررسی و تحت آنالیز آماری قرار گرفتند.

**یافته ها:** میانگین *T.Chol (P=0.03)* و *LDL (P=0.038)* در گروه های مختلف *HbA1C* طبق تقسیم بندی انجمن دیابت آمریکا ، با سطح معنی داری *P*

**نتیجه گیری:** *FBS* و *HbA1C* در بیماران دیابتی علاوه بر نشان دادن وضعیت کنترل قند خون ، ارتباط مستقیمی با پروفایل چربی بیماران را نشان می دهند.

**کلمات کلیدی:** *Diabetes, glycemic control, lipid profile, HbA1c*

# The relationship between glycemic control and lipid profile in patients with diabetes

***Mohammad Khajedalooie [1], Hasan Jahed Tehrany [2], Sepinoosh sajadi Mirzaee [3]***
***1. Professor, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran***
***2. Researcher , Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran***
***3. Department of Nursing, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran***
***Corresponding Author: Mohammad Khajedalooie***

*Introduction: Diabetes is major risk factor for atherosclerosis in coronary, cerebral and peripheral arteries. Cardiovascular disease (CVD) is the leading cause of death in diabetic patients. Early and Intensive control of blood sugar can be has beneficial and long-term effects in the incidence of CVD. In diabetes, serum lipoproteins are changed which increases the risk of CVD. The aim of this study was to investigate the relationship between glycemic control and blood lipid profiles in patients with diabetes.*

*Methods: This cross-sectional study with 1501 patients [621 cases (41.4%) were male and 880 (58.6%) were female} of type 2 diabetic patients, in one of the specialized diabetes clinics in Mashhad in 2016 was conducted. FBS, HbA1c, Total Cholesterol (T.C), HDL and LDL patients were examined and analyzed.*

*Results: Average T.C (P = 0.03) and LDL (P = 0.038) in different groups HbA1C divided according to the American Diabetes Association, with a significance level of P*

*Conclusion: FBS and HbA1C in diabetic patients, in addition to showing the status of glycemic control, show a direct relationship with lipid profile of patients.*

# تاثیر آموزش از طریق پمفلت بر رفتارهای خودمراقبتی و الگوی توانمند سازی خانواده در بیماران دیابت نوع دو

محمد رضا رزم آرا[1]، محمد رضا جانی[2]، ابراهیم رحمانی مقدم[3]

۱- مربی، بیرجند، علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

۲- مربی، بیرجند، علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

۳- دانشجو، بیرجند، علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

**نویسنده مسئول:** محمد رضا جانی

**محور:**دیابت

**زمینه و هدف:** علیرغم شیوع بالای دیابت نوع دو، اغلب مبتلایان به دیابت، درانجام رفتارهای خودمراقبتی کوتاهی میکنند. توانمند سازی بیمار به عنوان یک برنامه موثر در راستای آموزش خودمراقبتی و تغییر رفتار در مراقبت دیابت محسوب می شود. هدف از این تحقیق بررسی تاثیر آموزش خودمراقبتی بر توانمند سازی بیماران مبتلا به دیابت بود.

**روش کار:** این پژوهش از نوع مداخله ای تجربی است، که بر روی ۴۰ بیمار مبتلا به دیابت نوع دوکه بصورت تصادفی در دوگروه مداخله و شاهد قرار گرفتند.آموزش به صورت دادن پمفلتی که شامل اطلاعاتی در مورد تغذیه، فعالیت جسمی و ورزش، کنترل عوارض و مصرف دارو و مراقبت از پا بود که در ابتدا به بیماران و خانواده هایشان به طور کامل توضیح داده شد. با استفاده از پرسشنامه خودمراقبتی، در دو مرحله قبل و بعداز اجرای مداخله، نمره خود مراقبتی سنجیده شد. داده های جمع آوری شده توسط نرم افزار *spss16* و آزمون های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**یافته ها:** پس از اجرای آموزش، سطح رفتارهای خودمراقبتی گروه مداخله،به تفکیک درتمامی حیطه ها و در نمره کل رفتارهای خودمراقبتی افزایش یافت($p<۰/۰۵$). در حالیکه در گروه شاهد تغییر معناداری مشاهده نشد.

**نتیجه گیری:** نتایج این پژوهش نشان داد که آموزش، تاثیر مثبتی در بهبود رفتارهای خودمراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت نوع دو داشته است. لذا نتایج این مطالعه میتواند در سایر بیماری های مزمن و در حیطه های مختلف خدمات پرستاری جهت بهبود رفتارهای خودمراقبتی بیماران بکارگرفته شود.

**کلمات کلیدی:** آموزش، پمفلت، خود مراقبتی، دیابت

# The effect of education pamphlets on self-care and empowerment of families in type II diabetic patients

*Mohammad Reza* ***Razmara*** [1], ***Mohamad Reza Janny*** [2], ***Ebrahim Rahmani Moghadam*** [3]
***1. Instructor, Birjand, Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran***
***2. The coach, Birjand, Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran***
***3. Student, Birjand, Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran***
***Corresponding Author: Mohammad Reza Janny***

*Introduction: Despite the high prevalence of type II diabetes, most people with diabetes, they perform a short self-care behaviors. Empower patients as an effective program for training in diabetes care is self-care and behavior change. The aim of this study was to investigate the effect of self-care education to empower patients with diabetes.*

*Methods: In this experimental interventional study, which included 40 patients with diabetes were randomly assigned to two groups of intervention and control. by Giving pamphlets that includes information about nutrition, physical activity and exercise, control and the effects of medication and foot care to patients and their families, have been fully explained. Using self-care questionnaire, in two stages, before and after the intervention, self-care score was measured. Spss16 data collected by the software and statistical tests were analyzed.*

*Results: After the education, the level of self-care behaviors in the intervention group, by all domains and total score increased self-care behaviors (05/0 p <). While there was no significant change in the control group.*

*Conclusion: The results showed that education was effective in improving self-care behaviors in patients with diabetes have type II. The results of this study can be used in other chronic diseases and nursing services in various fields will be used to improve self care behaviors*

# بومی سازی راهنمای بالینی پیشگیری، ارزیابی و مدیریت عوامل خطر بیماری دیابت در کلینیک پیشگیری بیمارستان فیروزگر تهران

زرین تاج حسین زاده شانجانی۱، مرضیه نجومی۲، سودابه هویدا منش ۱

۱- دستیار، دانشکده علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۲- استاد، دانشکده علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** زرین تاج حسین زاده شانجانی

**محور:**دیابت

**زمینه و هدف:** دیابت یک بیماری جدی و بالقوه ویرانگر است که عوارض آن روی تمامی گروه های سنی در تمام جهان اثر می گذارد.

**روش کار:** روش کار به این ترتیب بود، که در مرحله اول جستجوی منابع الکترونیک با استفاده از کلید واژه های مربوطه، آغاز شد

**یافته ها:** پس از جمع آوری نتایج تمام جستجوها، ، راهنماهای به دست آمده توسط همکاران طرح با ابزار *Agree* مورد نقد قرار گرفت

**نتیجه گیری:** ۱ : ارزیابی خطر ۲ : افرادرا برای یک ارزیابی خطر تشویق کنید . ۳ : شناسایی خطر ( مرحله ی ۱ ) ۴ : شناسایی خطر ( مرحله ی ۲ ) ۵ : هماهنگ سازی مداخلات با خطر . ۶ : ارزیابی مجدد خطر : . ۷ : کمیسیون سازی شناسایی خطر ها و برنامه های تغییر اساسی سبک زندگی: چه کسی فعالیت انجام می دهد ؟ ۸ : برنامه ی تغییر اساسی سبک زندگی ، با کیفیت مطمئن: طراحی و ارائه . ۹ : برنامه ی تغییر اساسی و با کیفیت مطمئن سبک زندگی: محتوا . ۱۰ : برنامه ی تغییر اساسی و با کیفیت مطمئن سبک زندگی : ۱۱ : افزایش آگاهی در زمینه ی اهمیت فعالیت های فیزیکی. ۱۲ : توصیه هایی در زمینه ی فعالیت های فیزیکی . ۱۳ : توصیه ها ی مدیریت وزن . ۱۵ : گروه های آسیب پذیر: اطلاعات و سرویس ها ۱۶ : گروه های آسیب پذیر : ۱۷ : برنامه ی تغییر اساسی سبک زندگی : ۱۹ : متفورمین .

**کلمات کلیدی:** دیابت؛پیشگیری,گایدلاین

# Adaptation of Guideline for assessment, prevention, management of risk factors for diabetes

***Zarrintaj Hosseinzadeh Shanjani[1], Marzieh Nojomi[2],Soodabeh Hoveidamanesh[1]***
***1-Resident of Community medicine, Department of Community medicine, School of medicine, Iran university medical sciences***
***2-Professor of Community medicine, Department of Community medicine, School of medicine, Iran university medical sciences***

*Introduction: Diabetes is a serious disease and is devastating effects on all age groups. Treatment of acute and chronic complications of diabetes requires significant costs from patients and community health care systems. Complications of diabetes worldwide have been investigated in several studies. Because diabetes makes many complications, correct Diagnosis and treatment of this disease is very important. According these cases, Localization Guide of Assessment, prevention, management of risk factors for diabetes seems necessary*

*Methods: The first step was to search for valid medical electronic databases. After collecting the results of all searches, Obtained clinical guidelines, have been reviewed by a team of social medicine specialists, and clinical guidelines were examined according to date and available*

*Results: 19 itemes of 20 items are valided.*

*Conclusion: The guidelines were reviewed by experts.Finally a guideline was chosen as the ultimate guideline.the guideline contains: 1. Risk assessment 2. Encourage people to assess risk 3. Risk Identification (Stage 1) 4. risk identification (step 2) 5. Harmonization of interventions with risk 6. Re-evaluation of risk 7. risk identification and lifestyle change programs.*

# بررسی تاثیر آموزش خود مراقبتی در پیشگیری و کنترل دیابت بارداری

عشرت السادات موسوی[1]، مهین سادات عظیمی[2]، نادیا مشایخی[3]، ناهید شراهی[4]، شهلا نظری[5]

۱- کارشناس مسئول مادر وکودک، مرکز بهداشت استان مرکزی، علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

۲- رئیس اداره سالمندان، وزارت بهداشت درمان وآموزش پزشکی، وزارت بهداشت درمان وآموزش پزشکی، تهران، ایران

۳- کارشناس مسئول آموزش سلامت، مرکز بهداشت استان مرکزی، اراک، اراک، ایران

۴- کارشناس اموزش سلامت، مرکز بهداشت استان مرکزی، اراک، اراک، ایران

۵- مدیرگروه بهداشت خانواده، مرکز بهداشت استان مرکزی، اراک، اراک، ایران

**نویسنده مسئول:** عشرت السادات موسوی، **محور:**دیابت

**زمینه و هدف:** دیابت بارداری نوعی اختلال است که طی بارداری مادر شناسایی می شود. قندخون بالا در دوران بارداری می تواند با خطر افزایش فشارخون، ابتلا به مسمومیت حاملگی، تولد نوزاد با وزن بالا و احتمال زایمان به روش سزارین همراه باشد . این مطالعه با هدف بررسی تاثیرآموزش خود مراقبتی در کنترل دیابت بارداری دراستان مرکزی درسال ۹۴انجام گرفت

**روش کار:** این مطالعه از نوع مقطعی توصیفی است. برای ۳۹۸ مادر باردار که بصورت نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شده پرسشنامه محقق ساخته که روایی وپایایی آن مورد تایید قرارگرفت تکمیل گردید. داده ها بااستفاده از نرم افزار *spss*مورد تجزیه وتحلیل قرارگرفت.

**یافته ها:** این مطالعه بر روی۳۹۸ مادر باردار صورت گرفت. میانگین سن مادران باردار۲۷ سال و ۹۴٪ از نمونه ها غیر شاغل بودند.۵۷٪ مادران باردار تحت مطالعه درشهر و۴۳٪ در روستا زندگی میکردند. ۲۱٪ از زنان باردار دارای سابقه خانوادگی دیابت و۳۸٪مادران باردار دارای اضافه وزن و۱۱٪چاق بودند . ۷۵٪ پرادارى۶۵٪ پرنوشی.۶۳٪چاقی و ۵۹٪ پرخوری را از علایم دیابت بارداری می دانستند .۸۸٪ سابقه خانوادگی دیابت ۸۶٪ مصرف مواد قندی و ۷۴ ٪ چاقی را عامل ایجاد کننده دیابت می دانستند. ۸۹ ٪ در طی همین آزمایش قند خون داده و تنها ۴۶ ٪ طی یکسال گذشته آزمایش جربی خون داده اند.

**نتیجه گیری:** یافته ها نشان داد بین فعالیتهای خودمراقبتی و کنترل دیابت رابطه مستقیمی وجود دارد . تهیه کتابچه خودمراقبتی می تواند به مادران باردار کمک کند تا دیابت را کنترل و عوارض ناشی از آن را کاهش دهد .

**کلمات کلیدی:** دیابت بارداری - خودمراقبتی

# The Effect of Self-care Education in Prevention and Control of Gestational Diabetes

***Eshrat Sadat Mousavi [1], Mahin Sadat Azimi [2], Nadia Mashayekhi [3] , Nahid Sharahy [4], Shahla Nazari[5]***

***1 Department of mother and child, Central Province Health Center, Medical Sciences, Tehran, Iran***

***2. The Director of Nursing, Ministry of Health and Medical Education, Ministry of Health and Medical Education, Tehran, Iran***

***3. The Department of Health Education, Health Center, Markazi Province, Arak, Iran***

***4. The health education specialist, Central Province Health Center, Arak, Iran***

***5. Family head of department, Central Province Health Center, Arak, Iran***

***Corresponding Author: Eshrat Sadat Mousavi***

*Introduction: Gestational diabetes is a disorder that can be detected during a mother's pregnancy. High blood sugar during pregnancy can be accompanied with the risk of increase in hypertension (high blood pressure), the preeclampsia, high birth weight of infant, and likelihood of cesarean delivery. This study aimed to investigate the effect of self-care education to control gestational diabetes which was conducted in Markazi province in 1394*

*Methods: This study is a descriptive cross-sectional one. 398 pregnant women were selected by simple random sampling and their reliability was confirmed by valid researcher-made questionnaires. Data were analyzed using SPSS software.*

*Results: This study was conducted on 398 pregnant women. The mean age of mothers was 27 years, and 98% of non-pregnant samples were unemployed. 57% of pregnant women in the study lived in the city and 43% in rural areas. 21% of pregnant women had a family history of diabetes and 38% of pregnant women were overweight and 11% obese. From the total participants, 75% considered Polyuria, 65.1% Polydipsia, 63.1% obesity and 57.8% overeating as the symptoms of diabetes in pregnancy. 87% addressed family history of diabetes, 86% Sugar intake, and 74% obesity as the cause of diabetes. 89% measured their blood sugar during the this study and only 46% had their blood fat tested over the last year.*

*Conclusion: The findings suggested that there is a direct correlation between self-care activities and diabetes control. Providing self-care manual can help pregnant women control diabetes and reduce its side effects.*

*Keywords: gestational diabetes, self-care*

# بررسی وضعیت افسردگی افراد بالای ۱۶ سال مبتلا به دیابت

زهرا زری مقدم[۱]، ناهید چزانی شراهی[۲]، نادیا مشایخی[۳]، عباس اسماعیلی[۴]، ایمان نویدی[۵]

۱- کارشناس بهداشت روان، مرکز بهداشت استان مرکزی، اراک، اراک، ایران

۲- کارشناس اموزش سلامت، مرکز بهداشت استان مرکزی، اراک، اراک، ایران

۳- کارشناس مسئول آموزش سلامت، مرکز بهداشت استان مرکزی، اراک، اراک، ایران

۴- معاون فنی، مرکز بهداشت استان مرکزی، اراک، اراک، ایران

۵- کارشناس بیماریها، مرکز بهداشت استان مرکزی، اراک، اراک، ایران

**نویسنده مسئول:** زهرا زری مقدم، **محور:**دیابت

**زمینه و هدف:** مطالعات نشان داده اند که شیوع اختلال افسردگی در مبتلایان به دیابت به سایرین و حتی دو برابر جمعیت عمومی است. افسردگی می تواند مدیریت فردی دیابت و کنترل قد خون را با مشکل مواجه کند. بنابراین این مطالعه با هدف بررسی وضعیت افسردگی افراد بالای ۱۶ سال مبتلا به دیابت در استان مرکزی در سال ۹۴ انجام گردیده است.

**روش کار:** مطالعه از نوع مقطعی توصیفی بوده که در ۳۹۷ بیمار دیابتی در استان مرکزی انجام شده. نمونه گیری بصورت تصادفی ساده از بیماران مبتلا انجام گرفت ، داده ها با استفاده از پرسشنامه استاندارد بک تکمیل و با نرم افزار *spss* مورد تحلیل قرار گرفت.

**یافته ها:** از مجموع ۳۸۵ بیمار دیابتی ۲۶٪ مردو ۷۴٪ زن که متوسط سن این افراد ۵۶ سال ، ۲۹ درصد در شهر و ۷۳ درصد در روستا زندگی می کردند. متوسط سالهای تحصیل ۳ سال ، که ۸۱/۴ درصد شاغل و ۲۴ درصد غیرشاغل و متوسط افراد خانواده ۳ نفر بود. در بررسی وضعیت افسردگی این بیماران ۵۳٪ بهنجار ، ۲۱/۵ ٪افسردگی خفیف ، ۱۱٪ افسردگی متوسط و ۱۴٪ دارای افسردگی شدید بودند.

**نتیجه گیری:** با توجه به تاثیر خود مراقبتی در توانمند سازی بیماران برآن شدیم نسبت به تهیه کتابچه خود مراقبتی در پیشگیری و کنترل بیماری دیابت اقدام نمائیم ، تا افراد مبتلا به دیابت در صورت مواجهه شدن با علائم افسردگی به روان پزشک و روان شناس مراجعه کرده و هر چه زودتر تحت درمان قرار گیرند و بتوانند عوارض و آسیب های افسردگی را کنترل نمایند.

**کلمات کلیدی:** خود مراقبتی ، دیابت ، افسردگی

# study the status of depression in people over 16 years with diabetes

***Zahra Zari Moghadam[1], Nahid Chazany Sharahy [2], Nadia Mashayekhi [3], Abas Smaili [4], Iman Navidi [5]***

***1. Health center Markazi Province, Arak, Iran***

***2. Health center Markazi Province, Arak, Iran***

***3. Department of Health Education, Health Center, Markazi Province, Arak, Iran***

***4. Technical Assistant, Health Center, Markazi Province, Arak, Iran***

***5. Health center Markazi Province, Arak, Iran***

***Corresponding Author : Zahra Zari Moghadam***

*Introduction: Studies have shown that the prevalence of depression in patients with diabetes is higher than the others and even is twice than the general population. Individual management of diabetes and depression can make it difficult to control blood Height, this study aimed to investigate depression status of people over 16 years with diabetes in the Markazi Province has been done in 1394.*

*Methods: Cross-sectional study was conducted in 397 patients with diabetes in the Markazi province. Simple random sampling was done of patients. Beck standard questionnaire completed and data analyzed by spss software.*

*Results: A total of 385 patients with diabetes, 26% men and 74% women, mean age of the patients was 56 years, %29 in cities and %73 lived in rural areas. Average years of schooling 3 years, 4/81% employed and 24% unemployed and the average family had 3 people. In the state of depression in patients with diabetes .normalized in 53%, 21.5% had minor depression, 11% moderate depression and 14% had severe depression*

*Conclusion: Due to the impact of the self-care to empowerment of patients we decided to provide self-care manual in the prevention and control of diabetes attempting, to people with diabetes with depression symptoms referred to a psychiatrist and psychologist and the sooner they can be treated to be able control depressive symptoms and damage.*

*Keywords: Self-care, diabetes, depression*

# اثر سیاه دانه و عسل در کنترل هلیکوباکتر پیلوری و دیس پپسی

فتانه هاشم دباغیان[1]، شهرام آگاه[2]

۱- مدیر پژوهشی، موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلام، ع پ ایران، تهران، ایران

۲- هیات علمی، بیمارستان حضرت رسول اکرم، ع پ ایران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** فتانه هاشم دباغیان

**محور:**سایر

**زمینه و هدف:** ترکیب سیاهدانه و عسل (دوسین) در طب سنتی ایران و طب اسلامی برای کنترل علایم گوارشی توصیه شده است. هدف این مطالعه بررسی اثر این ترکیب بر دیس پپسی و عفونت هلیکوباکتر پیلوری بود

**روش کار:** ۱۹ بیمار مبتلا به عفونت هلیکوباکتر پیلوری( بر اساس تست اوره تنفسی*(UBT*، بدون سابقه زخم، کانسر و خونریزی گوارشی، بمدت دو هفته ترکیب دوسین را به مقدار ۱ قاشه چایخوری ۳ بار در روز مصرف کردند و ۴ هفته پس از خاتمه مداخله، *UBT* تکرار شد. مقایسه علایم دیس پپسی قبل و بعد از مداخله با آزمون ویلکاکسون انجام شد.

**یافته ها:** ۱۴ بیمار مطالعه را کامل کردند. *UBT* در ۸ نفر آنها (۵۷/۱ ٪ ) از آنها متفی شد. امتیاز پرسشنامه دیس پپسی بطور معنادار کاهش پیدا کرد ( از (۱۲-۵)۵/۵ به (۴-۰) ۱). عوارض جدی مشاهده نشد فقط یک نفر دچار اسهال شد.

**نتیجه گیری:** دوسین می تواند سبب درمان دیس پسی و کنترل هلیکوباکتر پیلوری معده گردد. مطالعات بالینی بیشتری برای بررسی این اثر و مقایسه با رژیمهای آنتی بیوتیکی لازم است.

**کلمات کلیدی:** هلیکوباکتر پیلوری. عسل. سیاه دانه. دیس پپسی

# The effect of buckwheat and honey in the control of Helicobacter pylori and dyspepsia

***Fataneh Hashem Dabaghyan [1], Shahram Agah [2]***
***1. The Director of Research, Institute for the History of Medicine, Islamic medicine, Tehran, Iran***
***2. The faculty, Rasool Akram, Tehran, Iran***
***Corresponding Author: F. Hashim Dbaghyan***

*Introduction: Combination of N. sativa with honey (Dosin) is used according to Iranian traditional medicine and Islamic medicine for alleviating gastrointestinal symptoms like abdominal pain, bloating and diarrhea. The aim of this study was to assess the effectiveness of (Dosin) on dyspepsia and gastric H. pylori infection.*

*Methods: Nineteen patients who had positive result for H. pylori infection by Urea breath test (UBT) without the past history of peptic ulcer, gastric cancer or gastrointestinal bleeding, were suggested to receive 1 teaspoon of the mixture of Dosin (6g/ day of N. sativa as ground seeds and 12g/day of honey) three times a day after meals for 2 weeks. The second urea breath test was used to detect the presence of H. pylori 4 weeks after completion of the regimen. Also symptoms of dyspepsia were scored before and after the study and analyzed with Wilcoxon signed-rank test.*

*Results: Fourteen patients completed the study. Negative UBT was observed in 57.1% (8/14) of participants after intervention. The median (IQR) of total dyspepsia symptoms was significantly reduced from 5.5 (5-12) to 1 (0-4) (P= 0.005). All patients tolerated Dosin except for one who was excluded due to mild diarrhea. No serious adverse events were reported.*

*Conclusion: Dosin is concluded to be an anti H. pylori and the anti dyspeptic agent. Further studies are recommended to investigate the effect of Dosin plus antibiotics (concurrently or following another) on gastric H. pylori infection.*

# تعیین عوامل خطر مرتبط با سنگ کلیه : مطالعه مورد-شاهدی

فریبا اسدی[1]، حسین فلاح زاده[2]، رویا حمایتی[3]

۱- کارشناس پژوهش، فردوس، علوم پزشکی بیرجند، فردوس، ایران

۲- هیئت علمی، یزد، علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

۳- هیئت علمی، یزد، علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

**نویسنده مسئول:** حسین فلاح زاده

**محور:**سایر

**زمینه و هدف:** سنگهای ادراری که سنگ کلیه جزئی از آن می باشد، سومین مشکل شایع دستگاه ادراری محسوب می شود. با توجه به بار اقتصادی بالای این بیماری و روند رو به افزایش آن شناخت عوامل مرتبط با این بیماری می تواند موجب پیشگیری از شیوع آن وکاهش هزینه های درمانی آن گردد.

**روش کار:** این مطالعه از نوع گذشته نگر وبه صورت موردشاهدی بود که جامعه گروه مورد را۱۲۴ نفر افراد بالای ۱۸سال مراجعه کننده به مراکز سنگ شکنی وکلینیک خاتم الانبیاء یزد تشکیل دادند. جامعه گروه شاهد شامل ۱۸۶ نفر افراد بالای ۱۸ سال بودند که هیچگونه علامت ویا سابقه سنگ کلیه نداشتند وهمزمان با گروه مورد دربیمارستان حضور داشتند. اطلاعات از طریق پرسشنامه وبه صورت مصاحبه چهره به چهره جمع آوری شد. داده ها با استفاده از نرم افزار *SPSS 19*توسط آزمونهای کای دو و تی مستقل ورگرسیون لجستیک مورد تجزیه وتحلیل قرار گرفت.

**یافته ها:** در این مطالعه میانگین سنی مردان در گروه مورد۴۳/۵۲ و در زنان ۴۶/۲۸ بدست آمد. سطح تحصیلات ( *OR=.63, CI 95%=(.51,.77)*) سابقه خانوادگی(*OR=2.1, CI 95%=(1.3,3.3)*) تنها عواملی بودند که در ابتلا به سنگ کلیه مؤثر تشخیص داده شدند. نتایج همچنین نشان داد که خوردن آب، لبنیات کم چرب، میوه وسبزیجات باعث کاهش شانس ابتلا به سنگ می شود.

**نتیجه گیری:** هرچند سابقه خانوادگی و به عبارتی ژنتیک افراد قابل تغییر نیست ولی می توان با بالا بردن سطح آگاهی افراد و تغییر رژیم غذایی آنان درصد مبتلایان را تا حد زیادی کاهش داد.

**کلمات کلیدی:** *kidney stone, risk factors, logistic regression*

# Determining the risk factors relating to kidney stones:case-control study

***Fariba Asadi [1], Hossein Fallahzadeh [2], Roya Hemayati [3]***
***1. Researcher, Ferdous, Birjand University of Medical Sciences, Ferdous, Iran***
***2. The faculty, Yazd, Shahid Ghodoosi of Medical Sciences, Yazd, Yazd, Iran***
***3 The faculty, Yazd, Shahid Ghodoosi of Medical Sciences, Yazd, Yazd, Iran***
***Corresponding Author: Hossein Fallahzadeh***

*Introduction: After urinary tract infections and prostate disorders, urinary stones, which Kidney stones is part of it,is the third most common problem. The purpose of this study was to evaluate risk factors of the this disease. According to High economic burden of the disease and trend of increasing recognition Factors associated with the disease can prevent the spread of the disease and reduce the cost of treating it.*

*Methods: This study was a retrospective case-control study that the case group consisted of 124 persons over the age of 18 which referred to lithotripsy centers and Yazd Khatamolanbiya clinic who for the first time they had been diagnosed with stones and the control group consisted of 186 persons over the age of 18 who had no symptoms or history of kidney stones and at the same timeattended with case group in thehospital.The data collected through a questionnaire and interviews face to face. The data analyzed using SPSS19 software by chi-square and t logistic regression.*

*Results: In this study,the average age ofmen and womenin case groupwas 43/52and46/28respectivelywhich most frequency in this group, 81 patients (65/3%) were male. Education level(OR=.63, CI 95%=(.51,.77))andfamily history(OR=2.1, CI 95%=(1.3,3.3))werethe only factorsthatwereinfluentialin the development ofkidney stones.The results alsoshowedthat drinkingwater,low-fat dairy,consumption of fruits and vegetablesreduces therisk ofstones, but drinking teaand beverage havedirect relationship tothe risk ofkidney stones.*

*Conclusion: : Although family historyandgeneticexpressionare unchangeable, but we can decrease the percentage ofpatientswithraising the levelof awarenessand changingtheirdietgreatly. As well as, by decreasing consumption ofteaand beverageandincreasing consumption oflow-fat dairy, fruits and vegetablescan reducethe risk ofstones.*

*Keywords: kidney stone, risk factors, logistic regression*

# ارتباط بین دانشگاههای علوم پزشکی و بیمارستانهای آموزشی در ایران

فاطمه رجبی[۱]، آزاده سیاری فرد[۱]، لاله قدیریان[۱]، مژگان فرشادی[۲]، فرید ابوالحسنی[۳]

۱- استادیار، مرکز تحقیق و توسعه سیاست های دانشگا، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲- کارشناس امور بیمارستان ها، مرکز تحقیق و توسعه سیاست های دانشگا، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۳- دانشیار، موسسه ملی تحقیقات سلامت، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** فاطمه رجبی

**محور:**سایر

**زمینه و هدف:** چگونگی ارتباطات بین بیمارستان‌های آموزشی با دانشکده پزشکی و سایر واحدهای دانشگاه مسئله ای چالش برانگیز است. از آنروی که چگونگی این ارتباطات بر طیف وسیعی از حوزه های عملکرد دانشگاه همچون آموزش، پژوهش و ارائه خدمت تاثیرگذار است، این مطالعه با هدف دستیابی به یک درک صحیح از چگونگی این ارتباطات و همچنین چالش های موجود در دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام شد.

**روش کار:** اطلاعات از طریق انجام ۳۳ مصاحبه عمیق و یک جلسه بحث گروهی متمرکز گردآوری شد. مصاحبه شوندگان از سازمان ها و پست های متفاوت و از طریق روش نمونه گیری هدفمند و گلوله برفی انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل داده های کیفی به روش آنالیز محتوی و با کمک نرم افزار ***MAXQDA*** انجام شد.

**یافته ها:** پس از طبقه بندی مفهومی، طبقه های به دست آمده در ۱۹ ساب تم و ۴ تم اصلی شامل «تصمیم سازی و سیاست گذاری»، «تهیه منابع»، «نظارت و ارزشیابی»، و «جریان اطلاعات» قرار داده شدند. تمام این تم ها زیرمجموعه از یک تم اصلی «یکپارچگی» می باشند.

**نتیجه گیری:** با در نظر گرفتن تجارب قبلی در زمینه اصلاحات در داخل و خارج کشور، و با توجه به اصول رویکرد نظام‌مند، چنانچه دانشگاه علوم پزشکی تهران با هدف کاهش چالش های موجود، قصد حرکت به سوی کاهش تمرکزگرایی در مدیریت بیمارستان های متبوع را داشته باشد، علاوه بر افزایش اتونومی، باید به جنبه های سازمانی بیمارستان ها نیز توجه نماید.

**کلمات کلیدی:** ***Relationship, medical schools, teaching hospitals, centralization, Tehran***

# Relationships between medical schools and teaching hospitals in Iran: A case study at Tehran University of Medical Sciences

***Fatemeh Rajabi[1], Azadeh Sayarifard[2], Laleh Ghadirian[2], Mojgan Farshadi[3], Farid abolhasani[4]***

***1- Assistant Professor in community medicine, Community Based Participatory Research Center, Iranian Institute for Reduction of High-Risk Behaviors, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran***

***2- Assistant Professor in community medicine, Center for Academic and Health Policy, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran***

***3- BSc, Centre for Academic and Health Policy (CAHP), Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.***

***4- Associate Professor of Internal medicine, National Institute of Health Research, Internal Diseases Department, Anatomy Department, School of Medicine, University of Medical Sciences, Tehran, Iran***

*Introduction: Nature of relationships between medical schools and teaching hospitals is a challenging issue. Since it can cause problems in a wide range of areas such as education, research, and service provision; this study was conducted to obtain an exact understanding of this relationship in addition to the existing challenges in Tehran University of Medical Sciences in order to design future change program.*

*Methods: Thirty-three In-depth interviews and 1 focus group discussion (FGD) were used to collect data. Participants from different organizations and positions were selected through targeted and snowball sampling. Qualitative content analysis method using qualitative analysis software, MAXQDA, was used for analyzing data.*

*Results: After conceptual categorization, the obtained categories were turned into 19 subthemes and 4 main themes which were "decision and policy making", "providing resources", "supervision and evaluation" and "information flow". All these themes are subsets of the main "unity" theme.*

*Conclusion: Considering the previous hospital reform experiences inside and outside the country and relying on principles of systemic approach, if Tehran University of Medical Sciences intends to move toward decreasing centralization in managing university affiliated hospitals in order to reduce present challenges, it should pay attention to a range of hospital organizational aspects along with increase of hospitals' autonomy.*

# بررسی روایی ملاک پرسشنامه تشخیص بیماریهای انسدادی مزمن ریوی با اسپیرومتری در جمعیت آذر کوهورت

دل آرا لاغوثی[1]، مهستی علیزاده۲، خلیل انصارین۲، محمد اصغری جعفرآبادی۲، نیره امینی ثانی۲

۱- همکار تحقیقاتی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر ، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۲- هیئت علمی، دانشکده پزشکی، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

**نویسنده مسئول:** دل آرا لاغوثی

**محور:**سایر

**زمینه و هدف:** تشخیص بیماری انسدادی مزمن ریه *( COPD)*در صورت وجود نشانه های بالینی سرفه ، دفع خلط و تنگی نفس در نظر گرفته شده و با استفاده از اسپیرومتری در صورت وجود محدودیت جریان هوا تایید می گردد.در مطالعات اپیدمیولوژیک، اغلب داده های اسپیرومتریک برای تایید تشخیص *COPD* وجود ندارد.هدف از انجام این مطالعه بررسی درستی تشخیص پرسشنامه با استفاده از اسپیرومتری می باشد.

**روش کار:** روایی ۳۵۰ پرسشنامه تشخیص *COPD* با استفاده از اسپیرومتری بر اساس معیارهای *for Chronic Obstructive Lung Disease ( GOLD) Global Initiative* و معیار *American Thoracic Society (ATS) / European Respiratory Society (ERS)* برای جمعیت ۳۵ ساله و بالاتر بررسی شد.حساسیت، ویژگی، *PPV*، *NPV*، *LR+*و *LR-* برای درستی پرسشنامه محاسبه شد.

**یافته ها:** حساسیت پرسشنامه برای تشخیص محدودیت جریان هوا با معیار *GOLD*، ۸/۳ ٪ و با معیار *ATS/ERS*، ۶/۵ ٪ بدست آمد ولی ویژگی پرسشنامه با استفاده از هر دو معیار ۹۶ ٪ بدست آمد. .

**نتیجه گیری:** ویژگی و *NPV* بالای پرسشنامه نشان می دهد که این پرسشنامه بیشتر احتمال دارد که بتواند افرادی را که محدودیت جریان هوا ندارند را شناسایی کند ولی حساسیت پایین این پرسشنامه می تواند باعث تخمین کمتر از مقدار واقعی *COPD* در جمعیت عمومی شود

**کلمات کلیدی:** *ATS/ERS criteria, COPD, GOLD criteria, spirometry, validity*

# Validity of Questionnaire-Based Diagnosis of Chronic Obstructive Pulmonary Disease in Azar-Cohort Population

***Delara Laghvsy [1], Mahasti Alizadeh [2] Ansarin Khalil[2], Mohammad Asghari Jafarabadi [2], Nayyereh Amini Sani [2]***

***1. Research Fellow, Center for Social Determinants of Research, Tabriz Medical Sciences, Tabriz, Iran***

***2. faculty member, Faculty of Medicine, Tabriz Medical Sciences, Tabriz, Iran***

*Introduction: The clinical diagnosis of chronic obstructive pulmonary disease should be considered in any patient who has dyspnea, chronic cough or sputum production, and diagnosis should be confirmed by performing spirometry in the presence of airflow limitation. The aim of this study was to assess the validity of a questionnaire used to detect chronic obstructive pulmonary disease based on spirometry findings*

*Methods: The validity of a questionnaire for chronic obstructive pulmonary disease diagnosis was examined using spirometry based on both Global Initiative for Chronic Obstructive Lung Disease and American Thoracic Society/European Respiratory Society criteria for the population of 35 years and older. In total, 350 questionnaires were completed. Sensitivity, specificity, positive predictive value, negative predictive value, positive likelihood ratio and negative likelihood ratio were calculated for accuracy of the questionnaire.*

*Results: The sensitivity of the questionnaire in detection of airflow limitation was 8.3% and 6.7% by the Global Initiative for Chronic Obstructive Lung Disease and the American Thoracic Society/the European Respiratory Society criteria, respectively, whereas specificity was 96% by both criteria*

*Conclusion: The high specificity of the questionnaire indicates that the questionnaire is more able to identify people who do not have airflow limitation, whereas the low sensitivity of the questionnaire could underestimate the real situation of chronic obstructive pulmonary disease in the general population.*

# بررسی ارتباط وضعیت رشد کودک با رفتار تغذیه ای مادران کودکان ۳ تا ۶ ساله مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی قزوین

امنه باریکانی۱، مریم جوادی۲، بهنام صدوقی۳

۱. متخصص پزشکی اجتماعی، دانشیار گروه پزشکی اجتماعی، مرکز تحقیقات رشد کودکان، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

۲. متخصص تغذیه ، دانشیار گروه علوم تغذیه، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات رشد کودکان، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

۳. دانشجوی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

**محور:**سایر

**زمینه و هدف:** پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط وضعیت رشد کودک با رفتار تغذیه ای مادران کودکان ۳ تا ۶ ساله مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی قزوین، انجام گردید،

**روش کار:** این پژوهش توصیفی-تحلیلی در مراکز بهداشتی درمانی شهر قزوین با شرکت ۳۰۰مادر دارای کودکان ۳ تا ۶ ساله به روش آسان در دسترس انجام شد. جمع آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه رفتار و تن سنجی انجام شد. اطلاعات در دو بخش توصیفی و استنباطی با نرم افزار SPSS۱۹ و با سطح معنی داری کمتر از ۰,۰۵مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت

**یافته ها:** از تعداد ۳۰۰ کودک مورد بررسی ۱۵۴ نفر پسر و ۱۴۶ نفر دختر بودند. قد بدو تولد کودکان ۲,۸۱±۴۹,۴۷ و وزن بدو تولد ۰,۴۷±۳,۲۷ بود. بین وزن و قد کودکان با رفتار تغذیه ای مادررابطه معنادار دیده نشد،. بین رفتار تغذیه ای مادر با سطح سواد وی ارتباط معنی داری مشاهده شد.(P=۰.۰۳)

**نتیجه گیری:** بین رفتار تغذیه ای و قد و وزن ارتباط معنی داری دیده نشد.اما رفتار تغذیه ای با سواد مادر مرتبط بود.

**کلمات کلیدی:** *Child growth, maternal feeding behavior, 3-6-year-old children*

# Relationship between child growth and maternal feeding behavior

***Ameneh Barikani[1],Maryam Javadi[2], , Behnam Sadooghi[3]***
***1.Dietitian, Associated Prof Department of Dietitian, Children Growth Research Center, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran***
***2.Community Medicine, Associated Prof Department of Community Medicine , Children Growth Research Center, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran***
***3.Medical Student at Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran***

*Introduction: The present study intended to examine the relationship between child growth and maternal feeding behavior. The participants in this study consisted of 3-6-year-old children's mothers who asked for help in healthcare centers in Qazvin.*

*Methods: A descriptive-analytical design was employed in this study in which the statistical population consisted of mothers who had children aged 3-6 and asked for help in healthcare centers in Qazvin. Through convenience sampling, a sample of 300 subjects were selected as the participants in the study. Data collection was undertaken by administering the feeding behavior questionnaire to mothers and by performing anthropometric measurements. Data was analyzed through the SPSS19 software to provide us with descriptive and inferential statistics (at P<0.05)*

*Results: Of the 300 children studied, 154 were boys and 146 were girls. Height and weight at birth was 49.47 ±2.81and 3.27 ± 0. Respective ly. .The results revealed that there was significant relationship between children's weight and their mothers' educational level(P=0.03) There was no significant relationship between children's height and weight and their mothers' feeding behavior at P>0.05.*

*Conclusion: There was no significant relation between nutritional behavior and height and weight .*

# بررسی نحوه عملکرد دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در زمینه ورزش وفعالیت های فیزیکی در سال ۱۳۹۴

علیرضا عباسی تشنیزی۱، معصومه معزی۲، سپهر فاضلی۱
۱- دانشجو، شهرکرد، علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران
۲- استادیار، شهرکرد، علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران
**نویسنده مسئول:** علیرضا عباسی تشنیزی

**محور:**فعالیت فیزیکی و کم تحرکی

**زمینه و هدف:** ورزش و فعالیت فیزیکی منظم به عنوان یک رفتار مهم ارتقا دهنده سلامت، باعث پیشگیری و یا به تاخیر انداختن انواع بیماری‌های مزمن و مرگ و میر زودرس می‌گردد. کم‌تحرکی در زندگی مدرن امروزی یکی از معضلات بهداشتی قرن حاضر محسوب میشود. هدف این مطالعه بررسی نحوه عملکرد دانشجویان علوم پزشکی به عنوان قشر جوان و آینده دار نظام سلامت کشور میباشد.

**روش کار:** در این مطالعه توصیفی تحلیلی به شیوه مقطعی، به منظور تعیین فراوانی و نحوه عملکرد دانشجویان در زمینه ورزش و فعالیت فیزیکی پرسشنامه حاوی اطلاعات دموگرافیک به صورت محقق ساخته تنظیم گردید و سپس پرسشنامه در اختیار۳۸۴ نفراز دانشجویان قرار گرفت. داده های جمع آوری شده از طریق نرم افزار ***SPSS*** تجزیه و تحلیل گردید.

**یافته ها:** شرکت کنندگان درمطالعه ۴۸ درصد پسر و۵۲ درصددختر بودند.۴۳,۷ درصد آنان اظهار داشتند فعالیت جسمانی مناسبی ندارند.۳۶ درصد آنان اصلا ورزش نمیکردند.به طور کلی عملکرد پسران در فعالیت‌های بدنی۷۳ دقیقه در هفته و در مورد دختران ۳۵دقیقه در هفته بود که نشان دهنده آن است که دانشجویان از عملکرد مناسبی در زمینه فعالیت‌های جسمانی برخوردار نیستند.ورزش کردن در گروه دختران به طور معناداری کمتر از گروه پسران بود.

**نتیجه گیری:** با توجه به عملکرد ضعیف دانشجویان دراین زمینه وتاثیر آن در سلامت جسمی و روانی آنان توجه بیشتر به ورزش وفراهم آوردن امکانات ورزشی و فرهنگ سازی گسترده به فعالینت های جسمانی توسط معاونت فرهنگی دانشجویی دانشگاه ها ضروری بنظر میرسد.چرا که صرف وجود دو درس تربیت بدنی ۱و۲ در برنامه آموزشی آن هم در ترم های ابتدایی تحصیل نمیتوان انتظار عملکرد مناسب در این زمینه را داشت.

**کلمات کلیدی:** ورزش ,فعالیت فیزیکی ,دانشجویان ,کم تحرکی

# Evaluate the performance of students at the University of Medical Sciences in the field of sports physical activities in 1394

***Alireza Abbasi Teshnizi [1], Masomeh Moezi [2], Sepehr fazeli [1]***
***1. Student, ShahrekordMedical Sciences, Shahrekord, Iran***
***2. Assistant Professor, Shahrekord Medical Sciences, Shahrekord, Iran***
***Corresponding Author: Alireza Abbasi Teshniz***

*Introduction: Exercise and regular physical activity as an important health promoting behavior,cause Prevention or delaying of chronic disease and early mortality. Lack of physical activity in modern life is one of the health problems of the present century. The aim of this study was to evaluate the performance of medical students as young and promising in health system.*

*Methods: In this cross-sectional analytical manner, in order to determine the frequency and method of operation of Students in the field of sports and physical activity, self-made questionnaire containing demographic information was developed. The questionnaire was provided to 384 students. Collected data were analyzed by SPSS software.*

*Results: Study participants were 48% male and 52 female .43.7 percent said they have no physical activity. 36% of them did not exercise at all. In general, the performance of boys and girls in physical activity 73.22 minutes and 35.14 minutes per week Which indicates that students do not have a good performance in the field of physical activity. Exercise significantly lower in girls than in boys.*

*Conclusion: Due to the poor performance of students in the field and its effect on their physical and mental health Bring more attention to the sport and providing sports facilities and encourage wide dissemination of physical activity by the cultural deputy of university students seems necessary. Because the mere existence of two physical education classes 1 and 2 in the tutorial program in the first semester can not expect to have good performance in this area.*

# بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب روش خودکشی کامل در استان کرمانشاه

مهران رستمی[۱]، عبداله جلیلیان[۲]، رامین رضایی زنگنه[۳]، آرش سالاری[۴]

۱- کارشناس آموزش بهداشت، بیمارستان امام خمینی (ره)، علوم پزشکی کرمانشاه، اسلام آباد غرب، ایران

۲- استادیار گروه آمار، دانشگاه رازی، رازی، کرمانشاه، ایران

۳- مدیر مؤلفه های اجتماعی موثر بر سلام، معاونت درمان، علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

۴- کارشناس، سازمان پزشکی قانونی کشور، سازمان پزشکی قانونی، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** مهران رستمی

**محور:**نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت

**زمینه و هدف:** شناسایی عوامل مؤثر بر انتخاب روش خودکشی، یکی از فرصت های مهم در زمینه پیشگیری از خودکشی کامل است. هدف از انجام این مطالعه اندازه گیری اثر جنسیت، سن، محل زندگی، سطح تحصیلات و وضعیت تأهل بر انتخاب روش های مختلف خودکشی در بین ساکنین استان کرمانشاه، واقع در غرب ایران بوده است.

**روش کار:** این مطالعه مقطعی بر روی تمامی مرگ های ناشی از خودکشی کامل که از ابتدای سال ۱۳۸۵ تا انتهای شهریور ۱۳۹۲ در سازمان پزشکی قانونی استان کرمانشاه ثبت گردیده، انجام شده است. بعد از تحلیل های مقدماتی، بمنظور اندازه گیری اثر هر متغیر مورد بررسی بر انتخاب روش های مختلف خودکشی، یک مدل رگرسیون لجستیک چندجمله ای به داده ها برازش داده شد. خطر نسبی انتخاب هر روش خودکشی در مقایسه با روش حلق آویز با محاسبه شاخص نسبت خطر نسبی برآورد گردید.

**یافته ها:** با توجه به اینکه حلق آویز به عنوان روش خودکشی پایه در محاسبات انتخاب شد؛ خطر نسبی انتخاب روش های خودسوزی، مسمومیت عمدی با داروها و مسمومیت عمدی با مسموم –نسبت به روش حلق آویز- در زنان بالاتر از مردان بود. همچنین خطر نسبی انتخاب روش های خودسوزی و مسمومیت عمدی با داروها –نسبت به روش حلق آویز- در افراد مقیم شهر بالاتر از ساکنین روستاها بود. از سوی دیگر، خطر نسبی خودکشی با اسلحه در مردان و روستانشینان بالاتر از زنان و ساکنین شهر بود.

**نتیجه گیری:** در استان کرمانشاه، اثر تغییرات و دگرگونی های سریع اجتماعی بر زنان و نیز دسترسی به سلاح گرم در مناطق روستایی و دسترسی آسان به داروها در مناطق شهری بایستی در برنامه های پیشگیری از خودکشی مورد توجه قرار گیرند.

**کلمات کلیدی:** *Multinomial logistic model; Relative-risk ratio; Suicide methods; Iran*

# The factors affecting the choice of complete suicide method in Kermanshah Province

***Mehran Rostami [1], Abdullah Jalileans [2], Ramin Rezaei Zanganeh [3], Arash Salari [4]***
***1. health education experts, Imam Khomeini (RA), Kermanshah Medical Sciences, Islamabad West, Iran***
***2 Assistant Professor, Department of Statistics, University of mystery, secrets, Kermanshah, Iran***
***3. The director of the social factors influencing Hi, vice-treatment, Medical Sciences, Kermanshah, Iran***
***4. Expert, Organization of Forensic Medicine, Forensic Medicine Organization, Tehran, Iran***

*Introduction: One of the opportunities in suicide prevention is identification of effective factors in the choice of suicide methods. We aim to quantify the effect of gender, age, living area, education level and marital status on the choice of suicide method among residents of Kermanshah province, west of Iran.*

*Methods: A cross-sectional study of all completed suicides in Kermanshah province from March 2006 to September 2013. Data extracted from electronic file of Forensic Medicine Organization suicide forms. After preliminary analysis, a multinomial logistic model was fitted to the data in order to test and quantify the impact of each influential factor on the choice of suicide method. The relative risk of each suicide method over hanging was estimated by calculating relative-risk ratios from the multinomial logistic model.*

*Results: Considering hanging as the baseline suicide method and based on significant relative-risk ratios, we found that women are at higher relative risk than men for suicide by self-immolation, intentional drug-poisoning and toxic-poisoning. Also, the relative risk of suicide by self-immolation and intentional drug-poisoning is higher for urban residents and young individuals. On the other hand, men and rural residents are at higher relative risk of suicide by firearm.*

*Conclusion: In Kermanshah province, the impact of rapid social changes on women and the availability of firearms in rural areas and drugs in urban households require more attention in any suicide prevention planning.*

# غربالگری نوروپاتی محیطی در بیماران مبتلا به دیابت مراجعه کننده به مرکز دیابت شهرخرم آباد در سال ۱۳۹۴

پرستو بهاروند[۱]، حبیب معظمی گودرزی[۲]

۱- مدیر گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

۲- هیات علمی، دانشکده پزشکی، علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

**نویسنده مسئول:** پرستو بهاروند

**محور:**دیابت

**زمینه و هدف:** نوروپاتی دیابتی مهمترین عارضه دیابت می باشد که باعث ناتوانی در بیماران می شود. شواهد حاکی از آن می باشد که شناسایی زودرس نوروپاتی می‌تواند باعث کاهش زخم پای دیابتی و قطع عضو شود. این مطالعه با هدف غربالگری نوروپاتی محیطی در بیماران دیابتی طراحی گردید

**روش کار:** مطالعه به صورت توصیفی مقطعی در سال ۱۳۹۴ در مرکز دیابت شهر خرم اباد انجام شد و نمونه ها به صورت تصادفی از بیماران دیابتی مراجعه کننده به این مرکز انتخاب شدند. ابزار جمع آوری داده ها شامل پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، آنتروپومتریک و پرسشنامه میشیگان بود که این پرسشنامه از دو قسمت مصاحبه (علایم نوروپاتی) و معاینه تشکیل شده است. روایی و پایایی پرسشنامه پیشتر مورد تایید قرار گرفته است. داده ها با استفاده از نرم افزار آماری *SPSS21* مورد توصیف و تحلیل قرار گرفتند.

**یافته ها:** ۲۰۰ نفر مورد مطالعه قرار گرفتند که ۵۴ نفر انها نوروپاتی دیابتی داشتند. (۲۷ درصد ). بین طول مدت بیماری سن *BMI* و سیگار با نوروپاتی ارتباط مستقیم مشاهده گردید که به لحاظ آماری معنادار بود($P(<۰,۰۵)$ در حالی که بین نوروپاتی و سایر متغیرها ی بررسی شده در این مطالعه ارتباط معناداری مشاهده نگردید

**نتیجه گیری:** نتایج این مطالعه بر اهمیت غربالگری در شناسایی زود هنگام نوروپاتی در بیماران دیابتی تأکید دارد. پرسشنامه میشیگان با توجه به سادگی، قابلیت اجرا و کم هزینه بودن آن، برای شناسایی افراد در معرض خطر نوروپاتی مناسب به نظر می رسد..

**کلمات کلیدی:** دیابت، نوروپاتی محیطی، غربالگری ،پرسشنامه میشیگان.

# Screening for peripheral neuropathy in diabetic Patients referred to diabetes center of Khorramabad in 2015

***Parasto Baharvand [1], Habib Moazami Goudarzi [2]***
***1. The Director of Social Medicine, Faculty of Medicine, Lorestan Medical Sciences, Khorramabad, Iran***
***2. The Faculty, Faculty of Medicine, Lorestan Medical Sciences, Khorramabad, Iran***
***Corresponding Author: Parasto Baharvand***

*Introduction: Neuropathy is an important complication and contributes to the morbidity of diabetes mellitus. Evidence indicate that early detection of neuropathy is cause reduction of foot ulcers and amputations. The purpose of this study was to screening for peripheral neuropathy in diabetic patients.*

*Methods: This cross-sectional study was conducted on diabetics selected who randomly referred to diabetes center of Khorramabad in 2015. The data collecting sheet included demographic information, body mass index and Michigan questionnaire which consisted of two parts. The first part assessed neuropathic symptoms and the second part encluded a brief physical examination.Validity and reliability was approved earlier. The descriptive and analytic statistics were used for data analysis with software SPSS21*

*Results: In this study 200 subject were studied .The frequency of diabetic neuropathy in patients was 27 percent. Duration of disease ,age, BMI and smoking were signifcantly associated with peripheral neuropathy (P value <0.05)*

*Conclusion: The results of this study emphasize on the importance of screening for early detection of neuropathy in diabetic patients . Michigan questionnaire would appear to be an appropriate ,cheap applicability and easy tool for identifying patients who are at risk of neuropathy.*

*Keywords: Diabetes, Screening, Peripheral neuropathy, Michigan questionnaire.*

# ویژگی‌های یک نظام پاداش‌دهی مؤثر بر بهبود عملکرد کارکنان بیمارستان

آزاده سیاری فرد[۱]، فرید ابوالحسنی[۱]، لاله قدیریان[۱]، مریم نظری[۲]، فاطمه رجبی[۳]

۱- هیئت علمی، علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲- کارشناس، علوم پزشکی تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳- استادیار، علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، تهران

**نویسنده مسئول:** آزاده سیاری فرد

**محور:**سایر

**زمینه و هدف:** نظام پاداش‌دهی، ابزار سرمایه‌گذاری سازمان به‌منظور بهبود کیفیت خدمات است. بر این اساس مطالعهٔ حاضر باهدف شناسایی ویژگی‌های یک نظام پاداش‌دهی مؤثر بر بهبود عملکرد کارکنان بر اساس دیدگاه گروه‌های ذینفع در بیمارستان‌های دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام گرفت.

**روش کار:** مطالعهٔ کیفی حاضر از نوع تحلیل محتوا بود که در دانشگاه علوم پزشکی تهران و در نیمه دوم سال ۱۳۹۳ و نیمه اول سال ۱۳۹۴ انجام گرفت. نمونه‌گیری هدفمند بود و با طیف متنوعی از صاحب‌نظران و افراد مجرب شامل مدیران، اعضا هیئت‌علمی و کارکنان بیمارستان‌ها به‌صورت نیمه ساختاریافتهٔ عمیق و چهره به چهره مصاحبه شد. پس از پیاده‌سازی کلمه به کلمه متن مصاحبه‌ها و استخراج کدها (عبارات معنادار)، مجدداً این عبارات به‌منظور دستیابی به زیرطبقات مرور گردید. بر اساس زیرطبقات، اطلاعات به طبقات مرتبط دسته‌بندی گردید. برای اطمینان از روایی، پایایی و مقبولیت داده‌ها نیز از روش بازنگری مشارکت‌کنندگان و نظرات تکمیلی همکاران و اعضاء هیئت‌علمی استفاده شد.

**یافته ها:** درمجموع با ۲۹ نفر مصاحبه گردید و نظرات، در ۶ طبقه اصلی، ۱۹ زیرطبقه و ۱۱۰۰ کد دسته‌بندی گردید. طبقات اصلی عبارت بودند از سازوکارهای موجود در بیمارستان به‌منظور افزایش انگیزهٔ کارکنان، چالش‌های سازوکارهای پاداش‌دهی، فرصت های منتج از تجارب پاداش‌دهی، اقدامات نظام‌مند برای پاداش‌دهی، انواع پاداش مناسب برای کارکنان، بسترسازی برای اجرای بهتر نظام پاداش‌دهی.

تیجه گیری: نظام پاداش‌دهی می‌تواند رضایت کارکنان و مدیران سطوح مختلف سازمان را فراهم آورد و مدیریت نادرست آن، چالش‌هایی را به دنبال خواهد شد، بنابراین به‌منظور استقرار یک نظام پاداش‌دهی موفق در بیمارستان‌ها، طراحی الگویی مناسب بر اساس عوامل کلیدی شناسایی‌شده در این مطالعه پیشنهاد می‌گردد.

**کلمات کلیدی:** نظام پاداش دهی، بهبود عملکرد، کارکنان، بیمارستان

# Features of an effective reward system on the performance of hospital staff

***Azadeh sayarifard [1], Farid Abolhasani [1], Laleh Ghadirian [1], Nazari Maryam [2], Fatemeh Rajabi [3]***

***1. faculty, Tehran University of Medical Sciences, Medical Sciences, Tehran, Iran***

***2. Expert, Tehran University of Medical Sciences, Islamic Azad University, Tehran, Iran***

***3. Assistant Professor, Tehran University of Medical Sciences, Medical Sciences, Tehran, Tehran***

***Corresponding Author: Azadeh sayarifard***

*Introduction: Reward system program is an investment tools in order to improve quality of services. Accordingly, this study was conducted aimed to identify the characteristics of an effective reward system program based on the views of stakeholders in Tehran University of Medical Sciences hospitals.*

*Methods: This Qualitative study was carried out in Tehran University of Medical Sciences during 2014 and 2015 using content analysis method. Targeted sampling was done and in-depth semi structured and face to face interviews were performed with a wide veriety of experts and professionals including managers, faculties and hospital staffs. After word by word transcripting and extracting codes (meaningful phrases), these codes was reviewed again in order to achieve subcategories. Based on subcategories, information was classified to assossiated categories. For validity and reliability checking, stakeholders and faculties member check and Peer debriefing were used.*

*Results: Eventually a total of 29 interviews were held. The comments were classified within 6 main categories, 19 subcategories and 1100 codes. The main categories included existing arrangements in hospitals in order to improve staff motivation; reward system challenges; derived opportunities from rewarding experiences; rewarding systematic actions; types of appropriate rewards and making infrastructure for better rewarding system implementation.*

*Conclusion: Reward system can provide different level directors and staff satisfaction, but it is noticeable that mismanagement would create some challenges. So designing an appropriate model based on identified key factors in this study is recommended for stablishing a successful reward system.*

*Keywords: Reward system; improve performance; staff; hospital*

# تاثیر مدل فرانظری بر افزایش فعالیت جسمانی کارکنان : یک اقدام پژوهی

جواد جواهری[۱]، نسرین روزبهانی[۲]، هاجر صادقی[۳]

۱- سرپرست علوم پزشکی، خمین، علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

۲- سرپرست مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دانشکده بهداشت، علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

۳- معاون آموزشی دانشکده پرستاری، خمین، علوم پزشکی خمین، خمین، ایران

**نویسنده مسئول:** جواد جواهری

**محور:**فعالیت فیزیکی و کم تحرکی

**زمینه و هدف:** کم تحرکی یکی از مهمترین عوامل خطر چاقی می باشد. کارمندان جزو گروه های کم تحرک می باشند. هدف این مطالعه بررسی تاثیر اقدام پژوهی با استفاده از مدل فرانظری بر ارتقاء فعالیت جسمانی کارکنان مرکز بهداشت استان مرکزی بود.

**روش کار:** در ابتدا پنج جلسه بحث گروهی با کارکنان برگزار شد و از آنها عوامل موثر بر کم تحرکی و راهکارهای افزایش تحرک پرسیده شد. سپس لیست راهکارها دسته بندی شده و با روش دلفی اولویت ها مشخص شدند. بر اساس اولویت ها، مداخلاتی انجام شد. قبل و بعد از مداخلات ارزیابی اولیه تعداد گام (با پدومتر) سازه های مدل فرانظری (پرسشنامه) و شاخص توده بدنی(ترازو و متر استاندارد) انجام شد. در نهایت نظر کارمندان از نظر رضایت مندی، کیفیت و تاثیر مداخلات پرسیده و پروتکل نهایی نوشته شد.

**یافته ها:** قبل از مداخله ۱۲,۵ درصد از افراد حداقل ۱۰۰۰۰ گام در روز برمی داشتند که بعد از مداخله به ۳۹,۹ درصد رسید ($P <$ ۰۰۰۱/۰) .در ابتدای مطالعه اکثر افراد در مراحل قبل از عمل بودند ولی بعد از مطالعه اکثر افراد در مراحل عمل و نگهداری رفتار فعالیت جسمانی قرار گرفتند. نمره سازه های خودکارآمدی، فرایندهای تغییر و حمایت اجتماعی نیز به طور معنی داری افزایش داشتند.

**نتیجه گیری:** اقدام پژوهی با استفاده از مدل فرانظری در ارتقاء فعالیت جسمانی کارکنان موفق بود. پیشنهاد می شود از این پروتکل که اساس آن را انجام مداخلات بر اساس راهکارهای اولویت بندی شده از سوی کارمندان تشکیل می داد استفاده شود.

**کلمات کلیدی:** فعالیت جسمانی، اقدام پژوهی، مدل فرانظری، کارمندان، پدومتر

# Impact of trans-theoretical model on promoting employees' physical activity: An action research

***Javad Jowhari [1], Nasrin Roozbehani [2], Hajar Sadeghi [3]***
***1. The head of Khomein Medical Sciences, Tehran, Iran***
***2. Head of Medical Education Development Center, School of Public Health, Medical Sciences, Tehran, Iran***
***3. Nursing Assistant Training College, Khomeini, Khomeini Medical Sciences, Khomeini, Iran***
***Corresponding Author: Javad Jowhari***

*Introduction: Sedentary life is one of the most important risk factors of obesity. Employees are among group taking sedentary lifestyle. The purpose of this study was to evaluate the impact of trans-theoretical model on promoting physical activity in health care workers in Markazi province.*

*Methods: At first, five focus group discussions (FGD) were held attending the employees asking them inducement factors of their sedentary lifestyle and possible solutions of getting rid of these factors. Then, list of all possible strategies was categorized and via Delphi technique, the priorities were specified. Based on these priorities, some interventions were taken. First evaluation was performed using distance traveled on foot (by pedometer), trans-theoretical model constructions (questionnaire) and body mass index (measured by standard weight scale and meter). Finally, level of satisfaction, quality and effectiveness of interventions among the employees were asked and the final protocol was drafted.*

*Results: Before the interventions, 12.5% of study population were travelling at least 10,000 steps a day, but after the interventions, this was increased to 39.9 percent ($p< 0.05$). Score of self-efficacy structures, processes of alteration and social supporting were also significantly increased.*

*Conclusion: Results of this study indicated the success of this action research using trans-theoretical model on promoting employees' physical activity. It's recommended to use this protocol that's based on prioritized strategies by employees*

*Keywords: Action research, Employees, Pedometer, Physical activity, Protocol*

# نگرش خوردن در دختران نوجوان شهر تهران: مطالعه مقطعی مبتنی بر مدرسه

سهیلا دبیران[۱]، هستی سنایی شعار [۲]

۱- هییت علمی، علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲- هییت علمی، وزارت بهداشت، تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** سهیلا دبیران

**محور:**اختلالات روانپزشکی

**زمینه و هدف:** اختلالات نگرش به خوردن ممکن است منجر به افزایش خطر اختلالات خوردن و عوارض مزمن ان شود. هدف مطالعه تعیین شیوع اختلالات نگرش به خوردن و شناخت عوامل مرتبط در دانش آموزان دختر شهر تهران بود.

**روش کار:** در مرحله اول، ۲۵ دبیرستان دخترانه به طور تصادفی از شهر تهران انتخاب شدند. برای اطمینان از تعمیم یافتن ، نمونه برداری از تمام مناطق شهر تهران انجام شد. در مرحله دوم ازبین تمام دانش آموزان هر مدرسه ۳۰ نفر انتخاب شدند. در مجموع ۶۱۹نفر از دختران دبیرستانی به صورت خود اجرا باپرسشنامه *EAT-26* و پرسشنامه دو سوالی اضطراب و افسردگی مورد بررسی قرار گرفتند.

**یافته ها:** بر اساس امتیاز پرسشنامه *EAT-26* صد و پنجاه وسه نفر (۲۴٫۷٪) از دانش آموزان اختلالات نگرش به خوردن داشتند. بین اختلالات نگرش به خوردن وبرخی عوامل رابطه وجود داشت . نتایج رگرسیون لجستیک نشان داد که اختلالات نگرش به خوردن با افسردگی [$P = 0.007$ ،$OR = 1.8\ (1.2\text{-}2.8)$] اضطراب [$P = 0.04$ ،$OR = 1.6\ (1.1\text{-}2.4)$] و تصور ذهنی از شکل بدن (دارای اضافه وزن )[$P < 0.001$ ،$OR = 2.7\ (1.7\text{-}4.3)$]در ارتباط است.

**نتیجه گیری:** میزان نسبتا بالایی از اختلالات نگرش به خوردن در دانش آموز دختر نوجوان در تهران شناخته شد که با تصور ذهنی از شکل بدن و اختلالاتی از جمله افسردگی و اضطراب مرتبط بود. برنامه های پیشگیری و غربالگری در مدارس می تواند دانش آموزان در معرض خطررا شناسایی و از توسعه و عوارض اختلالات خوردن پیشگیری کند .

**کلمات کلیدی:** *Eating disorder, Eating attitude, EAT-26, Adolescents, Cross-Sectional*

# Eating attitudes among adolescent girls in Tehran:A school-based cross-sectional study

***Soheila Dabiran[1], Hasti Sanaie Shoar [2]***
***1. Faculty Memeber, Tehran University of Medical Sciences, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran***
***2. The Scientific Board, Ministry of Health, Tehran, Iran***
***Corresponding Author: Soheila Dabiran***

*Introduction: Eating attitude disorders may indicate an increased risk for eating disorders and their chronic health complications. The purpose of this study was to determine the prevalence of eating attitude disorders and to identify the factors associated with them among female students in Tehran.*

*Methods: At first stage, 25 female public high schools were randomly sampled in Tehran. To ensure representativeness, sampling was done from all districts of Tehran. At second stage, 30 subjects were systematically selected based on a list of all students at each participating school. A total of 14–18 year-old high school girls (n=619) completed a standardized self-report EAT-26 questionnaire and a demographic questionnaire. Mental health problems were investigated by means of the Patient Health Questionnaire-2 and the Generalized Anxiety Disorders-2.*

*Results: Based on EAT-26 scores, 153 (24.7%) students had eating attitude disorders. There was no relationship between abnormal eating attitudes and both individual and socioeconomic factors. Logistic regression analysis demonstrated that eating attitude disorders were significantly associated with depression [OR = 1.8 (1.2 - 2.8), P = 0.007], anxiety [OR = 1.6 (1.1 - 2.4), P = 0.04] and perception of body shape as overweight [OR = 2.7 (1.7 - 4.3), P < 0.001].*

*Conclusion: A relatively high rate of eating attitude disorders was found among adolescent schoolgirls in Tehran. Related factors were body image and psychological issues including depression and anxiety. Preventive and screening program scould identify at-risk students and prevent development and complications of eating disorders.*

# وضعیت اختلالات عملکرد جنسی در خانواده های ایرانی: یک مطالعه مرور سیستماتیک

خدابخش احمدی [۱]، محمد آرش رمضانی[۲]، آفاق قائم مقامی[۳]

۱- استاد، انستیتو علوم اعصاب، علوم پزشکی بقیه الله، تهران، ایران

۲- استادیار، پژوهشکده خانواده، شهید بهشتی، تهران، ایران

۳- درمانگر، کلینیک خانواده بهسا، شهید بهشتی، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** خدابخش احمدی ، **محور:**اختلالات روانپزشکی

**زمینه و هدف:** مقدمه: اختلالات عملکرد جنسی در زوجین از جمله شایعترین اختلالاتی هستند که تعارضات زناشویی را بدنبال دارند. با تشخیص و درمان این اختلالات می توان کیفیت زندگی زناشویی را درافراد متاهل افزایش داد. هدف: هدف این مطالعه تعیین و ارائه شیوع تجمعی و فراوانی نسبی اختلالات عمکرد جنسی در بین افراد متاهل ایرانی با ارزیابی تمامی مطالعات در این زمینه بود.

**روش کار:**

**روش کار:** مطالعه حاضر از نوع مطالعات مرور سیستماتیک به همراه متاآنالیز بود. برطبق پروتکلهای استاندارد جستجو و ارزیابی مقالات در این نوع مطالعات موتورهای جستجوی بین المللی *Pubmed/medline, Scopus, Psychnet, and Scholar google* و منابع اطلاعاتی ایرانی مانند *Iran psych, Irandoc, Iranmedex, SID* بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۴ جستجو شد. تعداد ۴۴۹ مقاله بدست آمد که بعد از بررسی نقادانه ۲۳ مقاله برای متاآنالیز شرایط لازم را کسب کردند.

**یافته ها:** نتایج: تحلیل نشان داد که در مردان اختلال نعوظ ۵۶٫۱٪ و در خانمها اختلال بی میلی جنسی ۳۵٪ (*CI95%: 17.6%--52.1%)*، اختلال انگیختگی۳۳٫۸٪ (*CI95%: 18.3%--49.3%)*، اختلال ارگاسمی ۳۵٫۳٪ ( *CI95%: 26.8%--43.8%).* اختلال درد و واژینیسموس ۲۰٫۱٪ (*CI95%: 6.4%--33.8%)*، بود.

**نتیجه گیری:** بحث: مقایسه نتایج این فراتحلیل با نتایج دیگر کشورهای نشان داد که بطور قابل توجهی شیوع دو اختلال ارگاسمی و اختلال درد وواژینیسموس در کشور ما نسبت به مطالعات سایر نقاط دنیا بالاتر است.

**کلمات کلیدی:** اختلال عملکرد جنسی، مرور سیستماتیک، ، ایران

# Sexual dysfunction status, in Iranian Families: a systematic review

***Khodabakhsh Ahmadi [1], Mohammad Arash Ramezani [2], Afaq Ghaem Maghami[3]***
***1 Professor, Institute of Neuroscience, Baghiat-allah Medical Sciences, Tehran, Iran***
***2. Assistant Professor, Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran***
***3. therapist, family clinics BEHSA, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran***
***Corresponding Author: Khodabakhsh Ahmadi***

*Introduction: Background: The aim of this study was to determine the cumulative prevalence rate of every sexual dysfunctions (SDs) in Iranian population.*

*Methods:*

*Methods: We searched international database such as: PubMed/Medline, Scopus, PsychNET, and Scholar Google and Iranian database such as Iran Psych, IranDoc, IranMedex, and SID. Search duration was between 1990 and 2013.*

*Results:*

*Results: From 449 articles were retrieved, then 11 articles on male with total sample size of 2142 and 8 articles on female with total sample size of 4391 were selected after critical appraisal. For quality assessment check list to evaluate a prevalence article was contained study population, sampling method, sample size, criteria for SD diagnosis, specific rates, study location, and authors list. In male, erectile dysfunction was 56.1%. In female, pooled estimation prevalence of hypoactive sexual desire disorder general population 35% (95% CI: 17.6-52.1%). Sexual arousal disorder was 33.8% (95% CI: 18.3-49.3%). Orgasmic disorder was 35.3% (95% CI: 26.8-43.8%). Sexual pain disorder pooled estimation prevalence was 20.1% (95% CI: 6.4-33.8%).*

*Conclusion: Conclusions: The rate of SD in Iran was approximately the same of worldwide except orgasmic disorder which was two times more than the worldwide average.*

# بررسی افسردگی و اضطراب در بیماران مزمن کلیوی تحت درمان با درمان های جایگزینی کلیه، مشهد، ۹۴-۱۳۹۳

مریم عمادزاده[۱]، محمد خواجه دلوئی[۲]، محمدجواد مجاهدی[۳]، فاطمه محرری[۱]، مهدی رضا عمادزاده[۴]، فاطمه ناظمیان[۵]، مجیدرضا عرفانیان تقوائی[۱]

۱- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- استاد، ، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- بیمارستان قائم، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- دانشیار، بیمارستان قائم، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۵- بیمارستان امام رضا(ع)، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

نویسنده مسئول: مریم عمادزاده، محور:اختلالات روانپزشکی

**زمینه و هدف:** بیماری مزمن کلیه وضعیتی است با اختلال عملکرد کلیه که امروزه شیوع زیادی دارد. بیماران مبتلا به این اختلال طول عمر کوتاهتری دارند. این بیماران برای ادامه حیات نیازمند درمان با یکی از سه روش دیالیز خونی، دیالیز صفاقی و پیوندکلیه هستند. هر یک از این روش‌ها عوارضی دارد که در کنار هزینه درمان و ازکارافتادگی می‌تواند منجر به علایمی همچون افسردگی و اضطراب گردد. مقایسه میزان افسردگی و اضطراب در این سه گروه می‌تواند در مدیریت درمان این بیماران کمک‌کننده باشد.

**روش کار:** چک لیست اطلاعات دموگرافیک، همراه با پرسشنامه افسردگی و اضطراب همیلتون بین بیماران مبتلا به مرحله آخر بیماری مزمن کلیه در سه گروه درمانی در مراکز درمانی شهر مشهد، در سال ۹۴-۱۳۹۳، توزیع شد. در گروه دیالیز خونی۶۶ نفر، دیالیز صفاقی ۷۰ نفر و پیوندکلیه ۷۹ نفر پرسشنامه ها را تکمیل کردند. اطلاعات حاصل با کمک نرم افزار ***SPSS*** نسخه ۱۱ مورد تحلیل قرار گرفت.

**یافته ها:** میانگین نمره افسردگی در گروه‌های مختلف درمانی تفاوت معناداری از نظر آماری نداشت($p$=۹۲/۰). فراوانی افسردگی در گروه همودیالیز، دیالیز صفاقی و پیوند کلیه به ترتیب ۱۵/۶۵٪، ۲۸/۶۴٪ و ۴۹/۵۹٪ بود. ۱۴ نفر از کل بیماران(۵/۶٪) اضطراب متوسط یا شدید داشتند. آزمون آماری تفاوت معنی‌داری را بین درجات اضطراب و گروه‌های مختلف درمانی نشان نداد($p$=۷۶/۰).

**نتیجه گیری:** با توجه به کمتر بودن اضطراب و افسردگی در بیماران پیوندکلیه، بهتر است تدابیری برای فرهنگ‌سازی اهداءعضو صورت گیرد. همراهان و اعضای خانواده بیماران باید مورد توجه ویژه کادر درمانی قرار گیرند. بهره‌گیری از مشاورین روانشناس یا روانپزشک در مراحل اولیه درمان می‌تواند به کسب نتایج بهتر درمانی کمک کند

کلمات کلیدی: بیماری مزمن کلیه، افسردگی، اضطراب، همودیالیز، دیالیز صفاقی، پیوند کلی

# To Assess the Frequency of Depression and Anxiety in Chronic Kidney Disease Patients Undergoing Hemodialysis, Peritoneal Dialysis and Kidney Transplantation,Mashhad, 2014-15

**Maryam Emadzadeh [1], Mohammad Khajedalooie [2], Mohammad Javad Mojahed [3], Fatemeh Moharreri [1], Mahdi Reza Emadzadeh [4], Fatemeh Nazemianpour [5], Majid Reza Erfanian Taghvaei [1]**

**1. Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad , Iran**

**2. Professor, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran**

**3. Ghaem Hospital, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran**

**4. Associate Professor, Ghaem Hospital, Mashhad Medical Sciences, Mashhad, Iran**

**5. Imam Reza Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran**

**Corresponding Author: Maryam Emadzadeh**

*Introduction: Nowadays Chronic Kidney Disease (CKD)-which is accompanied by renal malfunction- is prevalent around the world. This disease leads to premature mortality. Patients with CKD need to use renal replacement therapy including hemodialysis(HD), peritoneal dialysis(PD) and kidney transplantation. Each of these methods has specific complications. These complications combined with cost of treatment and disability may lead to anxiety and depression. Comparing the score of anxiety and depression in three treatment groups may help us in disease management.*

*Methods: Demographic checklist and Hamilton Anxiety and Depression questionnaires were distributed between End Stage Renal Disease patients in three treatment groups referring to treatment centers in Mashhad, 2014-15. Sixty six patients in HD, seventy patients in PD, and seventy nine patients in transplantation groups completed the questionnaires. Data were analyzed by SPSS software version 11.*

*Results: The mean score of depression did not have any significant difference between three treatment groups (p=0.92). The frequency of depression in HD, PD and transplantation group were 65.15%, 64.28% and 59.49% relatively. Fourteen patients (6.5%) had moderate to severe anxiety. The statistical analysis did not indicate any significant difference between anxiety levels in three treatment groups(p=0.76).*

*Conclusion: Due to the low frequency of anxiety and depression in transplantation group, more plans for organ donation are needed. Family members and caregivers also need special attention. Consultation with psychologists and psychiatrists in the first stages of treatment can help health care providers to obtain better health outcomes.*

*Keywords: chronic kidney disease, hemodialysis, peritoneal dialysis, kidney tran*

# بررسی تاثیر نوع عمل جراحی بر بروز دلیریوم در بیماران بعد از عمل جراحی چشم

اطهره نذری پنجکی[۱]، اسدالله کیخایی[۲]، غلامحسین سرگزی[۳]، میثم زینلی بوجانی[۳]، نیلوفر کیخایی[۳]

۱- نویسنده اول ، علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۲- نویسنده مسئول، علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۳- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

**نویسنده مسئول:** اسدالله کیخایی، **محور:**اختلالات روانپزشکی

**زمینه و هدف:** دلیریوم نوعی اختلال هوشیاری و شناختی در عملکرد مغز است.تشخیص به موقع و درمان دلیریوم یک عامل اساسی درکاهش مدت و شدت دلیریوم و عوارض پس از آن می باشد؛بنابراین شناخت فاکتورهای پیش بینی کننده دلیریوم بعد ازعمل جراحی از طریق شناسایی بیماران مستعد دلیریوم ضروری ست تا مداخلاتی به منظور پیشگیری از این عوارض انجام داد.

**روش کار:** در این مطالعه تحلیلی-مقطعی ۱۰۰ نفر از بیماران تحت اعمال جراحی چشم در اتاق عمل بیمارستان چشم پزشکی الزهرا(س) شهرستان زاهدان در تیرماه ۹۵ با روش نمونه گیری دردسترس وارد مطالعه شدند.ابزار سنجش اطلاعات پرسش نامه استاندارد مقیاس دلیریوم ***Nu-DESC*** بود.به منظور توصیف داده ها از روش های آمار توصیفی وبه منظور ارتباط بین متغیرها از آزمون های کای اسکوئر و کروسکال والیس استفاده گردید.سطح معنی داری ۵٪ در نظر گرفته شد.

**یافته ها:** میانگین سن بیماران ۵۷ سال بود. همچنین ۵۸درصد از افراد مرد بودند که بروز دلیریوم در دو جنس تقریبا به صورت یکنواخت بود.تمام افرادی که دچار دلیریوم شده بودند تحت بیهوشی عمومی قرارگرفته بودند اما آزمون کای-دو رابطه آماری معنی داری نشان نداد.***(P=0.20)***بیشترین اعمال جراحی بر روی لنز با فراوانی ۷۱درصد صورت گرفت که ارتباط معناداری با بروز دلیریوم مشاهده نشد.***(P=0.27)***

**نتیجه گیری:** میزان بروز دلیریوم در بیماران تقریبا مشابه منابع ذکر شده در جراحی های چشمی می باشد،اما به طور محسوسی پایین تر از شیوع آن در سایر اعمال جراحی از جمله قلب و ارتوپدی است که احتمالا به علت استفاده از بیهوشی سبک تر در بیماران جامعه مطالعه حاضر است.توصیه می شود پژوهش حاضر درحجم نمونه بیشتر،جامعه ی وسیع تر،به صورت چند مرکزی و در زمان های متعددی برای هربیماربعد از عمل جراحی انجام شود.

**کلمات کلیدی:** دلیریوم- بیهوشی- جراحی چشم

# Survey of effect of type of Surgery on outbreak of delirium in patients after eye surgery in AL-Zahra eye hospitals

*Nazri Panjaki A[1], Sargazi Gh[2],Keykhaie N[3], Keykhaie A[2]*

1. ***Bachelor student of anesthesia, Student scientific research center , Zahedan University of Medical Science, Zahedan, Iran***
2. ***Postgraduate of anesthesia, Faculty member of Zahedan University of Medical Science, Zahedan, Iran***
3. ***Medical student, Student scientific research center, Zahedan University of Medical Science, Zahedan, Iran***

*Introduction: delirium is a disturbance of consciousness and cogniline impairment in brain function a necessary factor to reduce time and intensity of delirium and sequela of it is a early diagnosis and therapy of delirium.Therefore it seems necessary to recognize the pnatictine factors of delirium after surgery through recognition the ready patients of delirium for duing intervention to prevent these sequelas*

*Methods: in this cross-sectional analytical study,100 patients, being under eye surgery in Al-zahra eye hospital, zahedan branch`s surgery room, were studied by available sampling method. The delirium scale questionnaire Nu-DESC was the assessment tool information. ,.Chi-square and kruskal-Wallis examinations were used to connect between variables and through description statistics to describe data.the significant to level of 5% is cousifenet.*

*Results: average of patient`s age is 57years. 58% of them are men while the delirium`s outbreak in both gender is same.All patients with delirium were under general anesthesia,but chi-square doesn`t show statistically significant relationship.also most of surgeries on the lens were done with 71% dose that didn't show a significant relationship with delirium`s outbreak.*

*Conclusion: amount of delirium`s outbreak in the patients is almost similar to the mentioued resources of the eye surgery . but significantly the spreading of it is lower than other surgeries such as heart or orthopedic surgery in which the ligher anesthesia is used on the social patients. it is recommended that current research should be done in more sample size, wider community, multicenter and multiple times for every patients after surgery.*

# نقش حفاظتی و درمانی اریتروپویتین درحوادث حاد عروقی

مهدی شفیعی ثابت

**نویسنده مسئول:** مهدی شفیعی ثابت

**محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** ایسکمی زمانی رخ میدهد که مقدار اکسیژن و دیگر مواد مغذی که توسط جریان خون به بافت میرسد کفایت نیاز متابولیک بافت را نکند. واقعه نهایی در ایسکمی مرگ سلولها است که منجر به از دست رفتن برگشت ناپذیر عملکرد سلولی میشود. به وضوح مشخص شده است بسیاری از تغییرات بیوشیمیایی که آسیب را تشدید میکند در پاسخ به آسیب اولیه رخ میدهد. فهمیدن مکانیسمهایی که در طی آن مرگ سلولی اتفاق میافتد منجر به یافتن استراتژیهایی شده است که هدف آن پیشگیری از تغییرات بیوشیمیایی ثانویه است و حاصل آن کاهش وسعت آسیب ناشی از ایسکمی است. اریتروپویتین یک سایتوکاین القا شده در جریان هیپوکسی است که خونسازی را تحریک میکند. یافته های اخیر نشان داده است اریتروپویتین دارای طیف وسیعی از عملکردهای حفاظت بافتی است که روی سیستمهای غیر خونساز نیز اثر میکند.

**روش کار:** عملکردهای پروتکتیو اریتروپویتین در حیطه ایسکمی بافتی مورد بررسی و نقش بالقوه آن در استراتژیهای جدید درمان حوادث حاد عروقی مورد بحث قرار میگیرد.

**یافته ها:** اریتروپویین (۱) توکسیسیتی گلوتامات را کاهش میدهد، (۲) تولید فاکتورهای ضد آپوپتوز القا میکند، (۳) التهاب را کاهش میدهد، (۴) آسیب با واسطه نیتریک اکساید را کاهش میدهد، و (۵) اثرات آنتی اکسیدانی مستقیم دارد. در ترایالهای بالینی انجام شده از فرم نوترکیب انسانی اریتروپویتین در درمان حوادث حاد عروقی نتایج امیدبخشی بدست آمده است.

**نتیجه گیری:** در مجموع یافته ها اینگونه پیشنهاد میکند که اریتروپویتین ممکن است یک رویکرد جدید درمانی را در سکته های قلبی و مغزی فراهم آورد.

**کلمات کلیدی:** *Protective; Therapeutic; Erythropoietin; Acute Ischemic Events*

# Protective and Therapeutic Role of Erythropoietin in Acute Ischemic Events

*Mehdi Shafiee Sabet*

*Corresponding Author: Mehdi Shafiee Sabet*

*Introduction: Tissue ischemia occurs when the amount of oxygen and other nutrients supplied by blood flow is insufficient to meet the metabolic demands of tissue. The final event in ischemia is the death of cellules, resulting in irreversible loss of function. It has become increasingly clear that many secondary biochemical changes that exacerbate injury occur in response to the initial insult. Understanding of the mechanisms by which cell death takes place has resulted in a number of therapeutic strategies that aim to prevent secondary biochemical changes and thus decrease the damage that results from ischemia. Erythropoietin is a hypoxia-induced cytokine that stimulates erythropoiesis. Recent evidence supports that erythropoietin has a broad spectrum of tissue protecting actions affecting other systems than hemopoietic.*

*Methods: Protective actions of erythropoietin are reviewed in the context of ischemia and its potential benefits in new treatment strategies are discussed*

*Results: Erythropoietin (i) decreases glutamate toxicity, (ii) induces the generation of neuronal anti-apoptotic factors, (iii) reduces inflammation, (iv) decreases nitric oxide-mediated injury, and (v) has direct antioxidant effects.*

*Conclusion: Collectively, the evidence suggests that erythropoietin may provide a new approach to the treatment of cerebral and cardiac ischemia.*

# مکانیکی و دستی در بیماران نیازمند احیا و مزایای *CPR*مقایسه بقای کوتاه مدت و عملکرد عصبی دستگاه مکانیکی در احیا پیش بیمارستانی و داخل آمبولانس

مهتاب محبوبی[1]، سعید باباجانی[2]، بنیامین ثابت[3]، حسام سالخورده[3]

۱- دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۲- مدیر گروه، مدیر گروه اتاق عمل دانشکده پیراپزشک، علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران

۳- دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** مهتاب محبوبی، **محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** ایست قلبی خارج بیمارستانی یکی از علل عمده مرگ و میر و عوارض است. عامل کلیدی که باعث بهبود بقا می شود، احیاء قلبی ریوی با کیفیت خوب است. تعداد کم پرسنل، خستگی، دسترسی سخت بیمار، راه پله باریک، آسفالت ناهموار، دشواری احیا در یک وسیله در حال حرکت موجب کاهش کیفیت *CPR* میشود. دستگاه های ماساژ مکانیکی برای استفاده در محیط های پیش بیمارستانی توسعه یافته اند. هدف این مقاله بررسی و مقایسه نتایج بقای کوتاه مدت و عملکرد عصبی استفاده از ماساژ با دستگاه مکانیکی و دستی در طول ایست قلبی و مزایای دستگاه مکانیکی در اقدامات احیا پیش بیمارستانی و داخل آمبولانس است.

**روش کار:** این مقاله به مرور مطالعات انجام شده تا سال ۲۰۱۶ می پردازد. جست و جو در پایگاههای *PUBMED*، *GOOGLE SCHOLAR* انجام شد.

**یافته ها:** نتایج نشان داد تفاوتی در نمرات عملکرد مغز، مدت اقامت در بیمارستان و بقا بین احیا دستی و مکانیکی برای بیماران خارج از بیمارستان وجود نداشت. *CPR* مکانیکی بقا داخل بیمارستان را بهبود نمی بخشد. اما در طول حمل و نقل آمبولانس بهتر عمل میکند. آنها بدون خستگی و به طور موثر ماساژ را انجام میدهند.

**نتیجه گیری:** مطالعات موجود نشان داد که دستگاه مکانیکی در طول احیا در بیمارستان فوق العاده نیستند. استفاده از آنها به عنوان جایگزینی برای *CPR* دستی توصیه نمی شود، بلکه یک درمان مکمل در استراتژی کلی برای درمان ایست قلبی است.

**کلمات کلیدی:** *CPR* ، ایست قلبی ، احیا مکانیکی، آمبولانس، عملکرد

# Compare short-term survival outcomes and neurological function in patients undergoing mechanical and manual CPR, And the benefits of mechanical compressions in pre-hospital and inside the ambulance resuscitation

**Salkhordeh Hessam[1], Sabet Benyamin[1], Mahboobi Mahtab[2], Babajani Saeed[3]**

*1- Surgical technologist student, Aja University of Medical Science, Tehran, Iran*

*2- Neonatal Intensive Care Nursing M.sc Student, Iran Univesity Of Medical Science,Tehran, Iran*

*3- Phd candidate of nursing, Head of surgical technology department, Faculty of paramedicine, Aja University of Medical Science, Tehran, Iran,*

*Corresponding Author: Mahboobi Mahtab*

*Introduction: Out of hospital cardiac arrest is a major cause of morbidity and mortality. A key factor that improves survival is good quality cardiopulmonary resuscitation the small number of crew present, fatigue, patient access , Narrow staircase, uneven asphalt, difficulty of performing resuscitation in a moving vehicle reducing the quality of the CPR. Mechanical compression devices have been developed for use in pre-hospital environment. The aim of this review was to investigate and Compare of Short-term survival And neurological function using mechanical and manual compression during cardiac arrest and the benefits of mechanical devices in pre-hospital resuscitation measures and the ambulance.*

*Methods: In this paper, a review was conducted on the studies published until 2016. The studies were searched out through scientific databases, including PubMed and GOOGLE SCHOLAR.*

*Results: Results shows The difference in scores brain function, length of stay in hospital survival between manual and mechanical resuscitation for patients outside the hospital did not exist. Mechanical CPR did not improve survival inside the hospital. But during ambulance transport better. They tirelessly and effectively to do compression.*

*Conclusion: Studies show that the mechanical device during resuscitation in the hospital arent fantastic. Use them as an alternative to manual CPR is not recommended, but the overall strategy for the treatment of heart failure is a complementary therapy.*

# مدل سازی عوامل موثر بر مرگ ومیر در اثر عمل جراحی قلب باز با استفاده از دو مدل رگرسیون لجستیک و درخت تصمیم

نوشین اکبری شارک[1]، مهدی جباری نوقابی[2]، مرضیه محمودی منش[3]، فرزانه برومند[4]

۱- دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲- استادیار، دانشگاه فردوسی مشهد، فردوسی، مشهد، ایران

۳- دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

۴- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

**نویسنده مسئول:** مرضیه محمودی منش، **محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** جراحی قلب و عروق از جمله جراحی های متداول است که با هدف افزایش بقا در بیماران انجام میگردد.در این مطالعه تلاش شده است اثر عوامل موثر بر روی وضعیت مرگ و میر بیماران بعد از عمل جراحی با استفاده از رگرسیون لجستیک و درخت تصمیم تعیین گردد.

**روش کار:** برای این پژوهش از داده های مربوط به ۱۹۱۹ بیمار که تحت عمل جراحی قلب باز قرار گرفته بودند استفاده شده است. متغیر پاسخ وضعیت مرگ و میر پس از عمل جراحی قلب باز می باشد و متغیرهای پیشگو شامل جنسیت، سن، بیماری مزمن ریوی، اختلالات عروقی قلبی، اختلال عملکرد عصبی، سابقه عمل جراحی قلب، کراتینین بیشتر از ۲۰۰، التهاب لایه داخلی قلب، حالت بحرانی قبل از عمل، درد ناپایدار قلبی، کسر دفعی خون از بطن چپ در دقیقه بین ۳۰-۵۰، کسر دفعی خون از بطن چپ در دقیقه کمتر از ۳۰، سابقه آنفارکتوس میوکارد، فشارخون ریوی بالا، وضعیت اورژانس، بغیر از پیوند از طریق شریان اکلیلی، جراحی بر روی قفسه سینه، ارسال آنفارکت پارگی سپتوم می باشد.

**یافته ها:** با توجه به خروجی های مربوط به مدل رگرسیون لجستیک و درخت تصمیم، متغیرهای سابقه آنفارکتوس میوکارد و پیوند از طریق شریان اکلیلی و سطوح مربوط به آن ها معنی دار شده اند

**نتیجه گیری:** بررسی سابقه آنفارکتوس میوکارد و پیوند از طریق شریان اکلیلی، پیش از عمل می تواند در پیش بینی زنده ماندن فرد پس از عمل تعیین کننده باشد.

**کلمات کلیدی:** بیماری های قلبی، جراحی قلب باز، رگرسیون لجستیک، درخت تصمیم

# Modeling the factors affecting mortality of open heart surgery using two models: Logistic regression and decision trees

***Nooshin Akbari Sharak[1], Mehdi Jabari Noghabi[2], Marzieh Mahmudimanesh[3], Farzane broumand[4]***

***1. MSC Biostatistics, Department of Epidemiology and Biostatistics, School of Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.***

***2. Assistant Professor, Department of Statistics, Faculty of Mathematics Ferdowsi University Of Mashhad***

***3. MSC Biostatistics, Department of Epidemiology and Biostatistics, School of Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran.***

***4. PhD candidate of biostatistics, Student research committee, Department of biostatistics and epidemiology, School of public health, Mashhad University of medical science, Mashhad, Iran***

*Introduction: Cardiovascular Surgery is among conventional surgeries which are done aimed to increase survival and improve quality of life in patients. In this study, it is tried to determine the effects of risk factors on mortality after surgery using logistic regression and decision trees*

*Methods: The data on 1919 patients who had undergone cardiac surgery is used for this study. The response variable is mortality rate after cardiac surgery and predictor variables include gender, age, Chronic pulmonary disease, Extra cardiac arteriopathy, neurological dysfunction, Previous cardiac surgery, creatinine greater than 200 (Cr>200), Active endocarditis, Critical preoperative state, Unstable angina, excretory fraction of blood from the left ventricle in 30-50 minutes (LVEF3050), LVEF*

*Results: According to the output of the logistic regression model and decision tree, Recent myocardial infarct and Other than isolated CABG and the levels related to them are significant.*

*Conclusion: The results of the two fitted models show that two variables, Recent myocardial infarct and Other than isolated CABG affect mortality after cardiac surgery. Thus, checking these two factors before surgery can be crucial in predicting survival after surgery.*

*Keywords: Cardiovascular diseases, cardiac surgery, logistic regression, tree de*

# بررسی تاثیرآموزش برآگاهی وعملکردتغذیه ایی بیماران تحت جراحی عروق کرونربراساس الگوی دربیمارستان شهیدبهشتی قم درسال۱۳۹۳*HBM*

روح اله فرهادلو[۱]، مصطفی واحدیان[۲]، ثاراله شجاعی[۲]

۱- کارشناس فوریت پزشکی، علوم پزشکی قم، علوم پزشکی تهران، قم، ایران

۲- پرستار، علوم پزشکی قم، علوم پزشکی اصفهان، قم، ایران

**نویسنده مسئول:** روح اله فرهادلو **محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** بسیاری از مطالعات انجام شده در زمینه تغذیه ورژیم غذایی، ارتباط معنی داری را بین نوع رژیم مصرفی وابتلا به بیماری قلبی نشان داده اند. دوعامل خطرمستقل درایجادبیماری قلبی عروقی ،بالابودن فشارخون وبالابودن کلسترول خون است که این دوعامل ارتباط مستقیم بانوع تغذیه شخص دارد.باکاهش موثرفشارخون ازطریق تغذیه صحیح می توان میزان حمله قلبی راتا۲۱درصد،سکته مغزی راتا۳۷درصدومرگ دراثراین بیماری راتا۲۵درصدکاهش داد.باکاهش ۱۰درصدازمیزان کلسترول خون میزان بروز بیماری عروق کرونر تا۳۰درصدکاهش می یابد.

**روش کار:** این تحقیق یک کارآزمایی بالینی تصادفی سازی شده است وجامعه موردمطالعه بیماران تحت جراحی عروق کرونر بیمارستان شهیدبهشتی شهرقم درسال ۱۳۹۳می باشند.اطلاعات مورد نیازازدوگروه مورد وشاهدبوسیله پرسشنامه پنج قسمتی مشتمل بر۵۶سئوال بدست آمد ومداخله آموزشی براساس آموزش تغذیه صحیح دربیماران تحت جراحی پیوندکرونربراساس ایجاد حساسیت و شدت درک شده درگروه موردبه اجرا گذاشته شدومجددا به فاصله یکماه آزمون ازهردو گروه به عمل آمد.درپایان داده هابااستفاده ازنرم افزار ***spss***موردتجزیه وتحلیل قرار گرفت ومیزان تاثیرمداخله آموزشی درمیزان آگاهی وعملکردتغذیه ایی گروه مورد بدست آمد.

**یافته ها:** مداخلات آموزشی سبب افزایش معنی‌داری در میانگین نمرات آگاهی گروه مورد (***p=0/001***)وشدت درک شده(***p=0/007***)ومنافع وموانع درک شده(***p=0/003***)شد ولی در عملکرد تغذیه ایی آنهاتاثیر معناداری مشاهده نشد(***p=0/39***).

**نتیجه گیری:** اگرچه آموزش براساس مدل اعتقادبهداشتی درافزایش سطح آگاهی تغذیه‌ای موثرمیباشدولی جهت تغییررفتار تغذیه ایی نیاز به آموزش بیشتروزمان مناسب ترضروری به نظر میرسد. بنابراین توجه به برنامه‌های آموزشی منسجم ومناسب جهت ارتقاء رفتارهای تغذیه‌ای امری ضروری است

**کلمات کلیدی:** بیماری کرونری-آگاهی- منافع وموانع - شدت درک شده-عملکرد

# the effec of health belief model based educational program on the nutritional knowledge and behaviors of patients with cabg in shahidbeheshti hospital in pom

*Roohollah Farhadloo[1], Mostafa Vahedian[2], Sarallah Shogaei[3]*

***1- Ms in health education and promotion, Emergency Medical Center, Qom University of Medical Sciences, Qom, Iran.***

***2- Phd student in Epidemiology, Epidemiology & Biostatistics Department Faculty of Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran.***

***3-Phd student of health education and promotion, Department of Health Education, Faculty of Medical Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.***

*Introduction: : Many studies on base choices dietary and nutrition, have shown a significant relationship between type of dietary and heart disease affection.two risk factors independent of cardiovascular disease is high blood pressure and high cholesterol that these two factors have a direct relationship with type of nutrition. By reduce blood pressure through proper nutrition can be reduce the heart attack rate by 21%, stroke by 37 and death rate by 25percent. % 10 the coronary artery disease incidence has reduced by 30%through reduction in cholesterol rate .*

*Methods: The data obtain by five part quationnaire(contain 56 questions) of case and study groups and then an educational program was applicated based proper nutrition education by perceived sensitivity and severity of hazardous potentially in the case group(without intervention in study group) and were completed the same questionnaire as post test by groups one month later .Statistical analysis of data was performed by SPSS16 software*

*Results: Educational intervention have caused a significant increase in mean scores of knowledge(p=0/001) and perceived severity(p=0/007)and perceived benefits and barriers(p=0/003) in the case group, but havn't a significant increase in mean score of nutritional behavior .(p=0.39)*

*Conclusion: Education based HBM increased nutritional knowledge but it seems necessary to the more education and suitable time to change nutritional behaviors in patients.Therefore, planning educational programs seems necessary to improve nutritional behaviors.*

# پیشگویی بروز انفارکتوس قلبی در مراجعین به مرکز قلب تهران

الهام فیض آباد[۱]، آزیتا خیل تاش[۲]، الهام ملائی[۳]، غلامرضا داودی[۴]

۱- رزیدنت، دانشگاه تهران، تهران، تهران، ایران

۲- استادیار، دانشگاه تهران، تهران، تهران، ایران

۳- پزشک عمومی، دانشگاه تهران، تهران، تهران، ایران

۴- دانشیار، دانشگاه تهران، تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** الهام فیض آباد

**محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** بیماری ایسکمیک قلبی رتبه یک را در میان علل عمده مرگ و میر در خاورمیانه به خود اختصاص داده است. هدف از این مطالعه تهیه مدلی جهت پیش بینی خطر بروز انفارکتوس میوکارد *(MI)*در مراجعین با علایم سندرم کرونری حاد *(ACS)* به اورژانس، جهت رسیدگی سریع تر و بهتر به افراد دارای خطر بالاتر می باشد.

**روش کار:** در این طرح از داده های مطالعه "مدیریت سندرم حاد کرونری در کشورهای در حال توسعه" که در سال ۱۳۸۹، در مرکز قلب تهران، از ۳۹۹ بیمار بستری شده با تشخیص *ACS* جمع آوری گردیده، استفاده شده است.

**یافته ها:** ارتباط بین *MI* با متغیرهای *ECG*، سابقه آنژین، زمان تاخیر در مراجعه به بیمارستان پس از شروع درد سینه بر حسب ساعت و سابقه مصرف آسپیرین از لحاظ آماری معنادار شد. مدل $MI=0.7+delay(h)+0.17ECG+0.39ASA+0.47angina$ جهت پیشگویی خطر بروز *MI* بدست آمد.

**نتیجه گیری:** تاخیر در مراجعه به بیمارستان پس از شروع درد سینه، داشتن سابقه آنژین، داشتن سابقه مصرف آسپیرین و *ECG* بیمار از لحاظ نرمال بودن یا نبودن، قوی ترین متغیرهای پیش بینی کننده ی *MI* می باشند. به وسیله ی مدل ما می توان خطر *MI* را در بیماران با علایم *ACS*، تخمین زد و با شروع سریع درمان موثر قدمی اساسی در نجات جان این افراد برداشت.

**کلمات کلیدی:** *MI*, پیشگوی, مدل, *ACS*, اورژانس

# Predicting MI among patients in emergency unit of Tehran heart center

**E.Feizabad[1], .Kheiltash[1], E.Mollaei[1], GH.Davoodi [1].**
**[1]Department of Community Medicine, School of Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.**

*Introduction: Ischemic heart disease in the Middle East has been ranked first within the leading causes of mortality. The aim of this study is to get a model to predict the risk of MI (Myocardial Infarction) in patients with symptoms of ACS (Acute Coronary Syndrome) in emergency unit, for faster and better care for patient with higher risk.*

*Methods: We used the management of acute coronary syndrome in developing countries study´s data that was done in 1389 in Tehran heart center on 399 patients with a diagnosis of ACS.*

*Results: The correlation between MI and variables contains ECG, history of angina, time delay in going to hospital after the onset of chest pain in hours and history of using aspirin was statistically significant. The model "MI=0.7+delay (h)+0.17ECG+0.39ASA+0.47angina" to predict the risk of MI was obtained.*

*Conclusion: Delay in going to hospital after the onset of chest pain, history of angina, having history of aspirin ingestion and the patient's ECG in terms of being normal or not, were the most powerful predictor variables. The risk of MI in patients with symptoms of ACS could be estimated with our model and with timely effective treatment, saving the lives of these people will be undertaken.*

*Keywords: ACS, Emergency Unit, Predicting*

# تاثیر آموزش و پی گیری پس از ترخیص بیماران در میزان مراجعه مجدد

رضا شکر ریز فومنی[۱]، نسترن لعل[۲]، محمد اسماعیل قیداری[۳]

۱- استاد راهنما ، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲- نویسنده اصلی، وزارت بهداشت، علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳- نویسنده همکار، بیمارستان طالقانی تهران، علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** نسترن لعل

**محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** ترخیص پایان درمان نیست و میتواند منجر به ایجاد مشکلات جدید برای بیمار و خانواده او گردد. پی گیری نامناسب پس از ترخیص منجر به افزایش ریسک بستری مجدد برنامه ریزی نشده می گردد که به عنوان فاکتور نشان دهنده عملکرد ضعیف نظام سلامت مورد توجه قرار می گیرد. هدف از انجام این مطالعه تعیین تاثیر آموزش و پی گیری پس از ترخیص در میزان مراجعه مجدد می باشد.

**روش کار:** این مطالعه به صورت یک کارآزمایی بالینی، بر روی ۱۲۰ بیمار مبتلا به نارسایی قلبی که در بیمارستان طالقانی تهران بستری بودند صورت گرفت که با استفاده از روش تصادفی بلوکی در دو گروه مداخله و کنترل قرار گرفتند. گروه مداخله پس از ترخیص آموزش دیده و به وسیله ۹ تماس تلفنی پی گیری میشدند ولی گروه کنترل خدمات روتین را دریافت می کردند. اطلاعات بیماران هر دو گروه به مدت سه ماه طبق چک لیست کنترلی ثبت می گردید.

**یافته ها:** میزان بستری مجدد بیماران در گروه مداخله۳/۱۹٪ و در گروه کنترل ۲/۳۸٪ بود که بیانگر کاهش معنی دار در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل می باشد ($p$=۰/۰۵). بیمارانی که نیاز بالا جهت مراجعه به پزشک داشتند در گروه مداخله ۵/۱۷٪ و در گروه کنترل ۳/۲۸٪ که ارتباط معنی داری یافت نشد و دو گروه از لحاظ میزان مراجعه سرپایی به پزشک تفاوت معنی داری با هم نداشتند.

**نتیجه گیری:** آموزش و پی گیری بیماران مبتلا به نارسایی قلبی پس از ترخیص منجر به کاهش میزان بستری مجدد می گردد.

**کلمات کلیدی:** *Patient Readmission; Heart Failure; Patient Education; Follow up*

# Effects of patient education and post_discharge follow upon readmission rate

***Nastaran Laal[1], Reza Shekarriz-Foumani[2], Mohamad Esmail Gheidari[3]***

***1-MD, Department of Community Medicine, School of Medicine, Shahid Beheshti University of Medical Sciences.***

***2-MD, MPH, Department of Community Medicine, School of Medicine, Shahid Beheshti University of Medical Sciences.***

***3-MD, Department of Cardiology, School of Medicine, Shahid Beheshti University of Medical Sciences***

*Introduction: Inadequate and ineffective follow-up after discharge has increased the risk of unplanned readmissions which have been a financial burden for healthcare systems. Objectives: The aim of this study was to determine the effects of patient education and post-discharge follow-up on outpatient visits to physician and hospital readmission rate among heart failure (HF) patients*

*Methods: Randomized controlled trial, parallel, single blind, single center, phase III Participants: We recruited literate patients aged 20 and older with diagnosis of heart failure admitted to Taleghani hospital, Tehran, Iran. Interventions: The patients in intervention group were educated based on recent guidelines and were followed up for 3 months by 9 telephone interviews (every week for the first month after discharge, then every two weeks for the next two months), but the control group received usual care.: Every two weeks after discharge, data about main outcome measures were collected including frequency of outpatient visits to physician, frequency of readmission and adherence to medications.*

*Results: : Overall, 120 patients were allocated equally with block randomization method. Readmission rate was 19.3% in intervention and 38.2% in control group (P-value = 0.05, odds ratio = 2.21). Outpatient visits and adherence to medications were not significantly different in both groups.*

*Conclusion: In the present study, post-discharge intervention was effective on reduction of readmission rate among HF patients*

*Keywords: Readmission heart failure follow up*

# فاکتورهای موثر در بستری مجدد بیماران نارسایی قلب

نرجس توکلی کیا[1]، آزیتا خیلتاش[2]، سهیلا دبیران[3]، حکیمه صادقیان[4]، زهره طالبی مزرعه شاهی[5]

۱- دستیار، تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲- استادیار، دانشگاه علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۳- دانشیار، دانشگاه علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۴- استاد، دانشگاه تهران، تهران، تهران، ایران

۵- فارق التحصیل، علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** نرجس توکلی کیا، **محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** نارسایی قلب , بیماری پیشرونده قلبی است که بخش بسیار مهمی از بیماریهای قلبی عروقی را تشکیل میدهد. بستری مجدد در بیماران حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد, طی سه تا شش ماه بعد از ترخیص است. پژوهش حاضر به منظور تعیین عوامل مرتبط با بستری مجدد بیماران مبتلا به نارسایی قلب در بیمارستان مرکز قلب تهران انجام شده است.

**روش کار:** : پژوهش حاضر از نوع توصیفی مقطعی بوده و بر روی ۲۱۹ بیمار منتخب از بین ۵۱۷ بیمار مبتلا به نارسایی قلبی معرفی شده توسط مرکز قلب تهران انجام شد. بیماران در دو گروه بستری مجدد با ۹۷ نفر و عدم بستری با ۱۹۹ نفر قرار گرفتند. اطلاعات بیماران با استفاده از بانک اطلاعاتی مرکز قلب تهران و رجوع به پرونده الکترونیک بیماران تکمیل گردید. متغییرهای مصرف دارو, سیگار, اپیوم, وجود آریتمی, سابقه جراحی قلب, مشخصات دموگرافیک, بیماری زمینه ای و عوامل محیطی و ارتباط آن با بستری مجدد بررسی شد.

**یافته ها:** از میان شرکت کنندگان ۹۷ نفر (۳۲,۷٪) طی شش ماه بعد از بستری اول, مجددا بستری شدند. شایعترین علت بستری مجدد فشار خون بالا بود. سایر علل به ترتیب شامل سابقه انفارکتوس قلبی, بیماری دریچه قلبی و بیماری های کلیوی بودند. از بین داروها, داروهای آنتی آریتمی با بستری مجدد ارتباط داشت.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج این مطالعه و بالاتر بودن آن از میزان های جهانی، به نظر میرسد مداخلات در زمینه آموزش در زمینه مصرف درست داروها و کنترل فشار خون و بیماریهای زمینه ای دیگر می تواند در کاهش بستری مجدد موثر باشد

**کلمات کلیدی:** نارسایی قلبی. بستری مجدد.فاکتور خطر.فشار خون بالا

# Effective factors in heart failure readmission

***Narjes Tavakoli Kia [1], Azita kheyltash [2], Soheila Dabiran[3], Hakimeh sadeghian [4], Zohreh Talebi mazrae Shahi [5]***
***1. Resident, Tehran, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran***
***2 Assistant Professor, Tehran University of Medical Sciences,Tehran, Iran***
***3. Associate Professor of Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran***
***4. Professor, Tehran University, Tehran, Iran***
***5. Graduated, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran***
***Corresponding Author: Narjes Tavakoli Kia***

*Introduction: Heart failure is a progressive disease and forms a very important part of cardiovascular disease. Hospital readmission in patients with the disease within three to six months after discharge is about 10 to 15 percent .This study tries to determine factors related to readmission of patients with heart failure in Tehran Heart Center during the years 2012 to 2015.*

*Methods: This research is a cross-sectional descriptive study on 296 patients among 517 patients with heart failure introduced by Tehran Heart Center. They were divided in two groups of 97 and 199 with readmissions and no hospital readmission respectively. Information about smoking, drug history, underlying disease, previous heart surgery or arrhythmia and demographic variables extracted from the database of Tehran Heart Center and electronic patient records.*

*Results: Among the participants, 97 (32.7%) were readmitted within six months after first hospitalization. High blood pressure was the most common cause of heart failure exacerbation among readmitted patients. Other influencing factors were: previous heart attack , valvular heart disease, renal disease. Among drugs, antiarrhythmics was associated with readmission.*

*Conclusion: According to the results of this study and higher rate of readmission comparing to other centers, it seems that interventions in the field of patient education for better drug compliance specially patients with hypertension and other underlying diseases can reduce readmission and exacerbation of heart failure.*

*Keywords: Risk factor, High blood pressure, readmission, Heart failure*

# بررسی پراکندگی بیماریهای قلبی -عروقی بستری و توزیع تختها در بخشهای مراقبت ویژه قلبی در سالهای ۱۳۹۰-۱۳۹۴: بر اساس سامانه آمار و اطلاعات بیمارستانی (آواب) وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی

محمد اسماعیل کاملی[۱]، فاطمه بهتاج[۲]، مهرنوش پروان[۳]، اکرم واحدی برزکی،[۴]

۱- رئیس گروه مدیریت آمار و اطلاعات درم، وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، تهران، ایران

۲- کارشناس گروه مدیریت آمار و اطلاعات ، وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۳- کارشناس گروه مدیریت آمار و اطلاعات ، وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، علمی کاربردی، تهران، ایران

۴- کارشناس گروه مدیریت آمار و اطلاعات ، وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: **محمد اسماعیل کاملی** محور:**بیماری های قلبی عروقی**

**زمینه و هدف:** بیماریهای قلبی-عروقی، به عنوان علت اول مورتالیتی در جهان، هزینه های هنگفتی بر نظام بهداشتی- درمانی کشورها تحمیل می کنند. در این مطالعه، الگوی پراکندگی بیماران قلبی عروقی و توزیع تخت بستری و عدالت در توزیع تخت در بخش مراقبتهای ویژه قلبی را بررسی نموده ایم.

**روش کار:** مطالعه از نوع مقطعی می باشد. داده های مربوط به بخشهای مراقبت ویژه قلبی *(ccu)*کل بیمارستانهای کشور در سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ از سامانه \"آواب\" دفتر مدیریت بیمارستانی و تعالی خدمات بالینی معاونت درمان وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی استخراج شد. میانگین بیمارپذیری (بیمار بستری به ازاء ۱۰۰۰ نفر جمعیت) و پراکندگی استانی و شاخص تخت بستری و شاخص جینی مورد بررسی قرار گرفت.

**یافته ها:** روند کشوری بیمارپذیری و شاخص تخت به جمعیت در بخش *ccu* در سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ افزایشی بوده و به ترتیب از ۵,۳۷ و ۰,۰۵۵ در سال ۱۳۹۰ به ۶,۵۴ و۰,۰۶۲ در سال ۱۳۹۴ رسیده است. بیشترین بیمارپذیری به ترتیب در استانهای یزد و تهران میانگین ۵ ساله، ۱۲,۴۱و ۸,۹۹ دیده شد. بیشترین میانگین شاخص تخت، در استان یزد و۰,۱۲ بوده است. ضریب جینی تختهای *ccu* از ۰,۵۶ در سال ۱۳۹۰ به ۰,۵۳ در سال ۱۳۹۴ رسیده است.

**نتیجه گیری:** روند بیمارپذیری قلبی- عروقی در سالهای ۱۳۹۰-۱۳۹۴، افزایشی بوده است. روند توزیع عادلانه تختها، بهبود یافته است. با توجه به پراکندگی بیمارپذیری در استانها، افزایش روند و وجود برابری نسبی در توزیع تختهای *ccu*، لزوم برنامه ریزیهای بیشتر در پیشگیری و تخصیص امکانات درمانی لازم است.

**کلمات کلیدی:** بیماری قلبی- عروقی، مراقبتهای ویژه قلبی، تخت بیمارستانی

# Dispersion of inpatient cardiovascular diseases and distribution of Coronary Care Unit beds during 2011-2015: based on hospital data and information of ministry of health and medical education of Iran

*Kameli Mohammad- Esmaeil[1], Behtaj Fatemeh[2], Parvan Mehrnoosh[3], Vahedi Barzoki Akram[4]*

1- *MD, MPH. Ministry of health and medical education.*
2- *MD, Community medicine specialist, Ministry of health and medical education.*
3- *BSC in IT, Ministry of health and medical education.*
4- *MSC in HIT, Ministry of health and medical education.*

*Introduction: cardiovascular diseases as the main reason for mortality impose high costs on health systems. In this study, dispersion pattern of cardiovascular inpatients distribution in coronary care units, has been examined.*

*Methods: this is a cross-sectional study. Coronary- care – units' data of Iranian hospitals during 2011-2015 was extracted from AVAB web site of ministry of health and medical education of Iran. The average of patient admission index (inpatient admissions per 1000 people), provincial distribution, and bed index as well as gini index was estimated.*

*Results: the CCU patient admission index and bed index was increased from 5.37 and 0.055 in 2011 to 6.54 and 0.062 in 2015 respectively. The maximum of average CCU patient admission index was 12.41 and 8.99 in Yazd and Tehran provinces respectively. The maximum of bed index was observed in Yazd province as 0.12. CCU beds Gini index received from 0.56 in 2011 to 0.53 in 2015.*

*Conclusion: Trend of cardiovascular patients' admission index was increased during 2011-2015 and fair distribution trend has been improved these years. More planning and policy making on non-communicable risk factors prevention and resource allocation is due to patient admission index distribution and relative fairness in CCU beds distribution.*

*Keywords: cardiovascular disease, coronary care unit, hospital beds*

# بررسی ارتباط بین شیفت کاری با میزان موفقیت احیای قلبی-ریوی در اورژانس و بخشها

نرگس سالاری[1]، اطهره نذری پنجکی[2]، معصوم خوش فطرت[3]، میثم زینلی بوجانی[3]

۱- ارائه دهنده، ، علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۲- نویسنده مسئول، ، علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۳- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

**نویسنده مسئول:** اطهره نذری پنجکی، **محور:**بیماری های قلبی عروقی

**زمینه و هدف:** احیای قلبی-ریوی مداخله ای فوری در جلوگیری از مرگ در فردی است که دچار ایست قلبی- ریوی شده است. این مطالعه به منظور بررسی میزان موفقیت احیای قلبی-ریوی و ارتباط آن با شیفت کاری انجام شد.

**روش کار:** در این مطالعه تحلیلی-مقطعی از مهر تا اسفند ۱۳۹۴ تعداد ۱۹۹ نفر از بیمارانی که دراورژانس و بخش ها ی بیمارستانهای علی-بن-ابیطالب(ع) و خاتم الأنبیاء(ص) زاهدان دچار ایست قلبی-ریوی شدند وتحت احیای قلبی-ریوی *(CPR)*قرار گرفتند،به روش در دسترس مورد بررسی قرار گرفتند.سپس اطلاعات بیمار با استفاده از چک لیست محقق ساخته جمع آوری شد.نرم افزار *SPSS* جهت تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آمار توصیفی و آزمون های کای-دو و آزمون تی انجام شد.

**یافته ها:** ۴۰/۷٪ از موارد *CPR* نیز در شیفت صبح اتفاق افتاد که رابطه معنی داری با نتیجه*CPR* نداشت *(P=0.72)*. همچنین ۲۸/۶٪ از کل بیماران قبل از *CPR*اینتوبه بودند که ۶۹/۹٪ از افرادی که*CPR* ناموفق داشتندقبل از *CPR* اینتوبه نبودند؛ اما رابطه معنی-داری با نتیجه احیا مشاهده نگردید*(P=0.86)*. نتیجه ۳۶/۷٪ از موارد *CPR* انجام شده موفقیت آمیز بود ولی در نهایت ۴/۰۸٪ از بیماران احیاشده زنده ماندند.

**نتیجه گیری:** موفقیت *CPR* تا حدودی بالاتر از سایرمطالعات انجام شده می باشد؛اماموفقیت نهایی احیا در مطالعه حاضر پایین تر از سایر مطالعات بررسی شده می باشد و باید اقداماتی انجام گردد تا میزان موفقیت نهایی پس از احیای اولیه موفقیت آمیز افزایش یابد.هیچ رابطه معنی داری بین وضعیت اینتوبیشن بیمار پیش از *CPR*با نتیجه آن مشاهده نشد.پیشنهاد می شود مسئولین ذیربط، به منظور ثبت دقیق اطلاعات توسط پرسنل محترم بیمارستان ها برای استفاده در پژوهش های بعدی،تدابیر لازم را بیاندیشند.

**کلمات کلیدی:** احیای قلبی-ریوی ، ایست قلبی-تنفسی، اورژانس و بخش ها، نتیجه

# Investigating the relationship between working shifts and the success rate cardio-pulmonary resuscitation

*Salari N [1], Nazri Panjaki A[1], khoshfetrat M[2], Zeynali boujani M[3], Mahjubifard M[4]*

*1.Bachelor student of anesthesia, Student scientific research center , Zahedan University of Medical Science, Zahedan, Iran*

*2.Assistant professor, Department of anesthesia and intensive care, Zahedan university of medical science, Zahedan, Iran*

*3.Medical student, Student scientific research center, Zahedan University of Medical Science, Zahedan, Iran*

*4.Assistant Professor of Anesthesia, Cardiac anesthesia Fellowship, Children and Adolescent Health Research Center Ali-ebne-Abitaleb Hospital Zahedan university of Medical Sciences, Khash Road,Zahedan, Iran*

*Introduction: The process of cardio-pulmonary resuscitation(CPR)is a quick and immediate interference to prevent or delay it in a person who has suddenly suffered cardio-pulmonary arrest.The present study was performed to investigate the success rate of CPR and its relationship with the working shift.*

*Methods: In this analytical and cross-sectional study from September 2015to February2016,a number of 199 patients who suffered cardio-pulmonary arrest in emergency and wards of Ali-ibn-AbiTalib and Khatam-al-anbia hospitals of Zahedan,were investigated.Then,the information of the patients was collected through researcher-made checklist and eventually,SPSS software was used for data analysis by using descriptive statistics and Chi-square and T-tests.*

*Results: 40.7% of CPR cases were performed in the morning shift which didn\'t have a significant relationship with the outcome of CPR(P=0.72).Also,28.6% of total number of patients before CPR were intubed and 69.9%of the patients who undergone unsuccessful CPR were not intubed before resuscitation;but no significant relationship was observed with the result of resuscitation(P=0.86). The result of36.7%of performed CPRs was successful and eventually4.08% of resuscitated patients survived.*

*Conclusion: the success rate of CPR is almost higher than other performed studies;but the ultimate success rate of resuscitation in the present study was lower than other reviewed studies and some measures must be taken to increase the ultimate success rate after initial successful resuscitation.No significant relationship was observed between patient\'s intubation condition prior to CPR.It is suggested that the related officials,should come up with the essential ideas to make sure that the personnel register the information accurately in the hospital to be used in future studies.*

# بررسی الگوی خانواده محور بر توانمندی بیماران فشارخونی

غلامحسین محمودی راد[1] ، فاطمه محلی[2]، زهرا عبادی نژاد[3]

۱- هئیت علمی، دانشکده پرستاری بیرجند، علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

۲- مربی آموزشی، دانشکده پرستاری قائن، علوم پزشکی بیرجند، قائن، ایران

۳ - هئیت علمی، دانشکده پرستاری قائن، علوم پزشکی بیرجند، قائن، ایران

**نویسنده مسئول:** غلامحسین محمودی راد

**محور:**پرفشاری خون

**زمینه و هدف:** هیپرتانسیون از بیماری های مزمن در جهان است که سبب کاهش شاخص های توانمندی (تهدید درک شده، خودکارآمدی و عزت نفس) می گردد. از آنجایی که خانواده تاثیر انکار ناپذیری بر ارتقای شاخص های توانمندی دارد این مطالعه با هدف تاثیر الگوی توانمندسازی خانواده محور بر شاخص های توانمندی بیماران مبتلا به پرفشاری خون انجام گردید.

**روش کار:** مطالعه حاضر، نیمه تجربی بر روی ۶۷ بیمار مبتلا به پر فشاری خون اولیه مراجعه کننده به مراکز بهداشتی –درمانی شهر قاین که بصورت تصادفی در دو گروه آزمون و کنترل قرار گفتند(۳۲ نفر در گروه آزمون، ۳۵ نفر در گروه کنترل) در سال ۱۳۹۲ انجام شد. مداخله در گروه آزمون بر اساس الگوی توانمندسازی خانواده محور انجام شد. ابزار مطالعه شامل پرسش نامه های خود ساخته دموگرافیکی و شاخص های توانمندی بود. داده ها با استفاده از نرم افزار *SPSS 18* با آزمون های آماری توصیفی، آزمون تی مستقل، من ویتنی، کای دو، تی زوجی تجزیه و تحلیل شدند.

**یافته ها:** بین دو گروه از نظر اطلاعات دموگرافیکی تفاوت معنی داری دیده نشد ($P<0/05$). نمرات عزت نفس، دانش، خودکارآمدی بیماران در گروه آزمون از (۲۷/۵۰±۳/۷۲ به ۲۹/۱۵±۴/۱۶ )،( ۵۹/۴۶±۱۲/۵۴ به ۸۰±۱۳/۳۸ )، ( ۳۵/۷±۵/۳۷ به ۴۹/۳۸±۶/۲۱) ارتقاء یافت. ولی در نمرات موارد ذکر شده در گروه کنترل تفاوتی دیده نشد($p>0/05$).

**نتیجه گیری:** نتایج مطالعه حاضر نشان می دهد که الگوی توانمندسازی خانوده محور سبب افزایش شاخص های توانمندی بیماران می گردد. پیشنهاد می گردد که پرستاران جهت آموزش به بیماران مبتلا به بیماری های مزمن به جای آموزش بیمار محور خانوده را درگیر کنند

**کلمات کلیدی:** توانمندسازی،خانواده محور، شاخص توانمندی، پرفشاری خون

# The effect of family-centered empowerment model on the indicators of the ability of patients with high blood pressure

*Gholamhossein Mahmoudi Rad, Fatemeh mohalli, Zahra Ebadi Nejad*

*Corresponding author: Gholamhossein Mahmoudi Rad*

*Introduction: Hypertension is one of the most common diseases, chronic and growing all over the world, like other chronic diseases Hypertension cause decreased capability index (threat perceived self-efficacy and self-esteem) . Since the family is the undeniable impact this study were performed with titlle the effect of family-centered empowerment model on the indicators of the ability of patients with high blood pressure.*

*Methods: This study, quasi-experimental study on 67 patients with high blood pressure who referred to health care centers in the city of qain who were randomly assigned to two groups intervation and control (32 patients in th intervation group, 35 patients in the control group) was done in 1392. Model-based educational group intervention for family-centered empowerment was done. Data collection tools included demographic questionnaires and self-empowerment index (threat perceived self-efficacy and self-esteem. Data were analyzed by using SPSS 18 and by descriptive statistics, independent t-test, Mann-Whitney, chi-square, paired t-test.*

*Results: Demographic differences between the two groups was not statistically significant (P <0/05). Self-esteem, knowledge, self-efficacy, patients in the test group (72/3 ± 50/27 to 16/4 ± 15/29), (54/12 ± 46/59 to 38/13 ± 80), (37/5 ± 7/35 to 21/6 ± 38/49) was promoted. But in scores of cases in the control group were similar (p> 0/05).*

*Conclusion: The results suggest that family-centered empowerment model of education based on increased knowledge, self-esteem and self- efficacy. It also recommended that the nurses to educate patients with chronic diseases such as hypertension affect family oriented rather than patient*

*Keywords: Empowerment, family-Center, ability index, hypertension*

# بررسی کارکرد اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در موضوع بیماران نیازمند

ملیحه ضیایی[1]، امین عادل[2]، فرید باقری[2]، حسین ابراهیمی پور۴، الهه پوراحمدی[2]

۱- کارشناس پژوهشی، معاونت درمان، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- کارشناس، معاونت درمان، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- مدیر اقتصاد درمان، معاونت درمان، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

**نویسنده مسئول:** ملیحه ضیایی، **محور:**مدیریت خدمات بهداشتی

**زمینه و هدف:** مددکاری اجتماعی حرفه ای است که با روش های گوناگون مددکاری فردی، گروهی و اجتماعی در بهبود وضعیت سلامت جوامع تاثیر گذار است. در اکثر بیمارستانهای دولتی، بخشی تحت عنوان مددکاری اجتماعی وجود دارد. هدف از پژوهش حاضر بررسی تعداد بیماران نیازمند و سهم میزان تخفیفات داده شده به آنها می باشد.

**روش کار:** پژوهش به صورت مقطعی طی دوره زمانی فروردین الی شهریور ۱۳۹۵ انجام گرفت. جامعه مورد نظر تمام بیماران بستری و تحت نظر در بیمارستانهای دانشگاهی مشهد بود. داده های مورد نیاز از اطلاعات موجود در سامانه *HIS*دانشگاه علوم پزشکی مشهد استخراج شد.

**یافته ها:** از مجموع ۲۰۳۳۸۶ بیمار بستری مورد مطالعه قرار گرفته (۴۹٪ زن و ۵۱٪ مرد)، ۲۶۱۲۲ بیمار (۱۳٪)، نیازمند شناخته شده است. از بین این افراد ۵۵٪ داری بیمه سلامت ایران (۱۰,۳٪ کارمندی و ۸۹,۷٪ غیرکارمندی) ، ۲۳٪ بیمه تامین اجتماعی، ۱۶٪ فاقد دفترچه بیمه و ۴٪ دارای بیمه کمیته امداد امام خمینی بودند. بیشتر بیمارانی که از تخفیفات مددکاری بیمارستان استفاده کردند شامل: آسیب و مسمومیت (۱۳٪)، بیماری های چشم و گوش (۹٪)، بیماری های دستگاه گردش خون (۱۰٪) و بیماری های دستگاه گوارش (۷٪).

**نتیجه گیری:** با توجه به اینکه سهم بیمه و یارانه سلامت در صورتحساب بیماران نیازمند نتوانسته نیازهای درمانی این اقشار جامعه هدف را پوشش دهد نیاز به حمایت بیشتر جهت تحت پوشش قراردادن خدمات می باشد. همچنین افرادی که در طول دوره درمان دفترچه بیمه همراه نداشته اند نتوانسته اند از خدمات بیمه و یارانه سلامت استفاده کنند نیاز به وجود پرونده الکترونیک سلامت بیشتر حس می شود.

**کلمات کلیدی:** *Performance, Poor, Need, Mashhad, Insurance*

# Evaluation of Mashhad University of Medical Science performance in poor patients: 2016

*Maliheh Ziaee[1]*, Amin Adel[2], Farid Bagheri[3], Hosein Ebrahimipour[4], Elaheh pourahmadi[5]*

*1.MD. Community medicine, Deputy of treatment, Mashhad University of Medical Sciences, Iran*

*2.MSc. Healthcare management, Deputy of treatment, Mashhad University of Medical Sciences, Iran*

*3.Master of Entrepreneurship (MBA), Deputy of treatment, Mashhad University of Medical Sciences, Iran*

*4.PHD. Healthcare management, Deputy of treatment, Mashhad University of Medical Sciences, Iran*

*5.MSc. Health economics, Deputy of treatment, Mashhad University of Medical Sciences, Iran*

*Introduction: Social aid is a profession, which could promote the health status of societies through different individual, group and social methods. social workers have been recruited in the majority of public hospitals. the aim of this study was evaluation of the number of needy patients and their sharing of discounts.*

*Methods: This cross-sectional study was conducted during April-September, 2016. The sample population included all the hospitalized patients in the teaching hospitals of Mashhad. Data were extracted from the hospital information system (HIS) of Mashhad University of Medical Science.*

*Results: In total, 203386 hospitalized patients were evaluated (49% female and 51% male), 26122 (13%) of whom were recognized as destitute. Among the assessed participants, 55% had Salamat Iran insurance (10.3% through government employment and 89.7% without government job), 23% had Social Security insurance, 16% had no insurance and 4% were covered by the Imam Khomeini Relief Foundation. Regarding the cause of hospitalization, more participants that referred to the hospital and were qualified for social work discount includes: injury and poisoning (13%), eye and ear disorders (9%), blood circulatory system disease (10%) andgastric diseases (7%).*

*Conclusion: Given the fact that insurance share and health subsidies have failed to meet the treatment needs of poor patients, there is a greater need for support to cover the insurance of these people. Also, individuals who had no health insurance card were deprived of insurance services and health subsidies. Therefore, there needs to be an electronic medical file to eliminate such problems in the future.*

# ارزیابی آگاهی زنان سنین باروری از مراقبت پیش از بارداری

لیدا جراحی[1]، سیده الهه واحد[2]، حسین حیدری[3]، نیما مردانی[3]

۱- دانشیار، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- دستیار، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- پزشک، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

**نویسنده مسئول:** سیده الهه واحد

**محور:**نقش پزشک خانواده و نظام سلامت

**زمینه و هدف:** مقدمه: مراقبت قبل از بارداری جهت شناسایی و پیشگیری مشکلات بارداری است. یکی از عوامل تاثیرگذار در میزان پوشش یک خدمت آگاهی و مشارکت جامعه است، این مطالعه میزان آگاهی زنان متاهل شاندیز درباره مراقبت های پیش از بارداری را بررسی نموده است.

**روش کار:** در ۱۰۰ نفر از زنان متاهل مراجعه کننده به مرکز بهداشت پرسشنامه شامل اطلاعات دموگرافیک، وضعیت استفاده از روش های جلوگیری از بارداری، قصد باردار شدن، سوالاتی در مورد مراقبت های پیش از بارداری براساس کتابچه مراقبت های ادغام یافته مادران تکمیل شد. اطلاعات توسط نرم افزار آماری ۱۷ *SPSS* تحلیل شد.

**یافته ها:** میانگین سن زنان ۲۷٫۸سال بود، ۴۲٪ تحصیلات سیکل و کمتر،۴۵٪ تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم، ۱۳٪ تحصیلات لیسانس و بالاتر داشتند، ۸۵٪ افراد خانه دار بودند. ۱۶٪ افراد تاکنون حامگی نداشتند، ۱۷٪ افراد حامگی را تجربه کرده بودند اما مراجعه مراقبت پیش بارداری نداشتند. ۹ سوال مربوط به اطلاعات افراد در زمینه مراقبت های پیش از بارداری بود که شرکت کنندگان میانگین نمره ۴٫۵ را کسب نمودند. تنها عامل تاثیر گذار بر نمره آگاهی افزایش سطح تحصیلات بود. منبع اصلی دریافت اطلاعات در ۷۰٪ پزشک –ماما و در رتبه بعد دوستان، آشنایان و رسانه بود.

**نتیجه گیری:** سطح آگاهی زنان از مراقبت پیش از بارداری در حد متوسط بود. پزشک و ماما از نظر مراجعه کنندگان، بهترین منابع تامین اطلاعات در زمینه مراقبت های پیش بارداری بودند که اهمیت آن را در مراکز بهداشتی در رابطه با مراقبت های پیش از بارداری نشان می دهد.

**کلمات کلیدی:** آگاهی، زنان سنین باروری، مراقبت پیش از بارداری

# Assessment of knowledge of reproductive age women of pre-pregnancy care

*Lida Jarahi [1], SyedehElaheh Vahed [2*], Hossein Heidari [3], Nima Mardani [3]*

*1. Associate Professor, Department of Community Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran*

*2. Resident of Community Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran*

*3. GP, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran*

*Introduction: identification and prevention of pregnancy complications is the aim of prenatal care. One of the important contributing factor in the covering of a service care is community participation and awareness. This study evaluated married women's knowledge about pre-pregnancy care in Shandiz city.*

*Methods: In 100 married women referred to the health center a questionnaire including demographic data, using of contraception methods, planning for pregnancy, some questions about care of pre-pregnancy on the base of integrated care booklets were completed. Data was analyzed by SPSS17 statistical software.*

*Results: The mean age of women was 27.8 years, 42% of them had elementary education, 45% of high school and diploma, 13% were bachelor degree, also 85% were housewives. 16% of women had no pregnancy, 17% had experienced pregnancy, but people who did not pre-pregnancy care. 9 questions related to information about pre-pregnancy care that participants gained a mean score of 4.5. The only factors influencing knowledge scores was increased levels of education. The main source of information in 70% was physicians -midwife and after that were from friends, acquaintances and media.*

*Conclusion: The level of women's knowledge about pre-pregnancy care was moderate. Physicians and midwives are the most referring sources of information on pre-pregnancy care that show its importance in the health centers with pre-pregnancy care.*

# عوامل اجتماعی موثر بر افسردگی در افراد ضایعه نخاعی در ایران

زهرا خزاعی پور[1]، مریم نقدی[2]

۱- استادیار، مرکز تحقیقات ضایعات مغزی و نخاعی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲- پژوهشگر، مرکز تحقیقات ضایعات مغزی و نخاعی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** زهرا خزاعی پور

**محور:**نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت

**زمینه و هدف:** افسردگی یک مشکل شایع روانی است که رضایت از زندگی و کیفیت زندگی در افراد مبتلا به آسیب نخاعی *(SCI)*را کاهش می دهد. هدف از این مطالعه بررسی شیوع افسردگی پس از آسیب نخاعی و ارتباط آن با عوامل پاتوفیزیولوژیک، جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی، از جمله سن، جنس، سطح آسیب، وضعیت مالی، و افکار خودکشی بود.

**روش کار:** این مطالعه مقطعی در ۱۳۴ فرد مبتلا به آسیب نخاعی بالای ۱۸ سال که به مرکز تحقیقات ضایعات مغزی و نخاعی، دانشگاه علوم پزشکی تهران جهت توانبخشی سرپایی مراجعه کرده بودند، انجام شد. آزمون افسردگی بک( *BDI-II*فارسی)، که شامل ۲۱ سوال چند گزینه ای است، برای اندازه گیری حضور و شدت افسردگی مورد استفاده قرار گرفت. داده ها با مصاحبه جمع آوری شد.

**یافته ها:** شصت و شش (۴۹,۳ درصد) افسردگی خفیف تا شدید داشتند. افسردگی در افراد مبتلا به آسیب نخاعی که جنس مونث، تتراپلژی، افکار خودکشی، سابقه اقدام به خودکشی، و سطح تحصیلات پایین، داشتند و افرادی که توسط یکی از اعضای خانواده به غیر از همسر و یا پدر و مادر مراقبت می شدند، بیشتر بود.

**نتیجه گیری:** افسردگی در افراد ضایعه نخاعی بسیار شایع است و با برخی از عوامل دموگرافیک، پاتوفیزیولوژیک، و اجتماعی و اقتصادیارتباط دارد. شاخص های پیش بینی اولیه و عوامل موثر بر افسردگی باید تعیین شود با ارائه تشخیص زودرس و درمان به موقع می توان از عوارض بیشتر پیشگیری کرد و باعث بهبود کیفیت زندگی انها شد.

**کلمات کلیدی:** *Depression; Gender; Income; Level Of Injury; Socioeconomic; Spinal Cor*

# Social determinants of depression in people with spinal cord injury

*Zahra Khazaeipour[1], Maryam Naghdi [2].*

*1.Assisstant professor, Brain and Spinal Cord Injury Research Center, Neuroscience Institute, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.*

*2. Researcher, Brain and Spinal Cord Injury Research Center, Neuroscience Institute, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.*

*Introduction: Depression is a common psychological problem that decreases life satisfaction and quality of life in people with spinal cord injury (SCI). The aim of this study was to investigate the prevalence of depression after SCI and its association with pathophysiological, demographic, and socioeconomic factors, including sex, age, level of injury, financial status, and suicidal thoughts.*

*Methods: This was a cross-sectional study of 134 adults (≥ 18 years old) with SCI who were referred to the Brain and Spinal Cord Injury Research Center (BASIR) clinic, Tehran University of Medical Sciences, for outpatient rehabilitation. The Beck Depression Inventory (BDI-II Persian), a 21-question multiple-choice inventory, was used to measure the presence and severity of depression. Data were collected by interview.*

*Results: Sixty-six (49.3%) participants had mild to severe depression. There was a higher probability of depression in individuals with SCI who were female, had tetraplegia, had suicidal thoughts, had a history of suicide attempt, had a low education level, or were taken cared for by a family member other than a spouse or parents.*

*Conclusion: Depression was highly prevalent in individuals with SCI and was related to some demographic, pathophysiological, and socioeconomic indicators. The primary predictive indicators and the factors influencing depression should be determined to provide early detection and timely treatment to prevent more complications and improve quality of life for individuals with SCI.*

# تجربه زیسته زنان چاق: یک مطالعه پدیده شناسی هرمنیوتیک

سمیرا شهباززادگان[1]

۱- استادیار، دانشکده پرستاری مامایی اردبیل، علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران

**نویسنده مسئول:** سمیرا شهباززادگان

**محور:**چاقی

**زمینه و هدف:** اضافه وزن و چاقی یکی از شایع ترین مشکلات بهداشتی و عامل خطر برای بسیاری از بیماری است. با افزایش روزافزون چاقی در جامعه، نسبت زنان چاق بیشتر از مردان چاق می شود. مطالعه حاضر با هدف تبیین تجربه زیسته زنان چاق انجام شد.

**روش کار:** از رویکرد پدیده شناسی تفسیری برای هدایت مطالعه استفاده شد. مشارکت کنندگان ۱۴ زن با شاخص توده بدنی بالای ۳۴ بودند که مورد مصاحبه های نیمه ساختار یافته عمیق قرار گرفتند. برای تبیین پدیده تحت مطالعه تمام مصاحبه ها پس از کسب اجازه از شرکت کنندگان ضبط و بازنویسی شده و با استفاده از روش ون مانن و با کمک گرفتن از نرم افزار *MAXQDA* مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند تا مضامین و الگوی بنیادین آن ها پدیدار گردد.

**یافته ها:** از ۶۵۸ کد اولیه بدست آمده از تجربه زنان چاق، مضمون اصلی« تن پروری و بی اراده بودن» استخراج گردید. این مضمون از زیرمضمون های « ناتوانی »، « نگاه های آزارنده و شرم آور» و « تحقیر شدن » تشکیل شده است.

**نتیجه گیری:** این مطالعه پدیده شناسی هرمنیوتیک نشان داد زنان چاق یک گروه آسیب پذیر هستند و نیازمند دریافت مراقبت ها و آموزش های خاص خودشان می باشند. ارائه دهندگان خدمات سلامت باید از نگرش و رفتارهای خود در برابر این گروه از مددجویان آگاه بوده و نه تنها از مقصر نمودن و هرگونه رفتار آزارنده با این افراد اجتناب نمایند بلکه همکاری های لازم را در جهت حل مشکلات و بهبود کیفیت زندگی آنان نمایند.

**کلمات کلیدی:** *Lived Experience, Obesity, Women, Phenomenology*

# Lived Experience in obese women: A Hermeneutic Phenomenological Study

*Samira Shahbazzadeghan*

*Assisstant professor, Midwifery Faculty of Ardabil, Ardabil.Iran*

*Introduction: Overweight and obesity is one of the most common health problems and a risk factor for many diseases. In addition to increase the rate of obesity in the population, the proportion of obese women is also enhanced compared to obese men. This study was conducted with the aim of to explore the lived experiences of obese women.*

*Methods: A hermeneutic phenomenological approach was used in this study. Fourteen women with the body mass index of over 34 were interviewed by semi-structural method. The interviews were recorded and transcribed verbatim after obtaining consent from the participants. van Manen method was used for all steps of study including data collections, data analysis, interpretation, and reporting the findings. Data analysis was performed by using MAXQDA software ver. 10 and emerged the fundamental themes and pattern.*

*Results: 658 primary codes obtained from obese women experiences; the main theme of \"Self-indulgence and passivity\" was emerged. This theme included of "disability \", \"shameful and annoying looks\", and \"despising\" subthemes.*

*Conclusion: This hermeneutics phenomenology study showed that the obese women are a vulnerable group, and need to receive special care and education. Health providers must be aware from the attitudes and behavior of this group of patients and not only avoid from their blaming and annoying behaviors but also accompanying to solve their problems and promote their life quality.*

# بررسی ارتباط وضعیت رشدکودکان ۳ تا ۶ ساله با امنیت غذایی در خانوار در مراجعین به مراکز بهداشتی درمانی قزوین سال ۱۳۹۵

مریم جوادی[۱]، امنه باریکانی[۲]، فریبا مهری[۲]

۱- دانشیار و هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

۲- دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

**نویسنده مسئول:** مریم جوادی

**محور:**سایر

**زمینه و هدف:** سوء تغذیه به ویژه در مراحل اولیه زندگی، اثرات نامطلوبی بر رشد و نمو کودکان دارد. هدف از این مطالعه بررسی ارتباط وضعیت رشد کودکان ۳ تا ۶ ساله با امنیت غذایی در مراجعه کنندگان به مراکز بهداشتی درمانی قزوین بود.

**روش کار:** این مطالعه مقطعی بر روی ۳۰۰ خانوار دارای کودک ۳ تا ۶ ساله مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر قزوین در سال ۱۳۹۵ انجام گرفت. اطلاعات جمعیت شناختی و تن سنجی جمع آوری شد. امنیت غذایی با استفاده از پرسشنامه *USDA* بررسی و اطلاعات با نرم افزار *SPSS* نسخه ۱۶ تحلیل شد. ارتباط بین متغیرهای کیفی با آزمون کای اسکوئر و مقایسه میانگین‌ها با آزمون تی تست و *ANOVA* بررسی شد. سطح معنی داری ۰,۰۵ در نظر گرفته شد.

**یافته ها:** شیوع ناامنی غذایی در بین کودکان مورد بررسی، ۵۲,۷ درصد بود که ۳۷ درصد دچار ناامنی غذایی بدون گرسنگی، ۱۰,۷ درصد دچار ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط، و ۵ درصد دچار ناامنی غذایی با گرسنگی شدید بودند. بین قد کودکان ($P$=۰,۰۱۳) و شاخص توده ی بدنی آن‌ها ($P$=.۰۲۵) با وضعیت امنیت غذایی خانوار، ارتباط معنی دار وجود داشت. بین رتبه ی تولد، مدت زمان تغذیه از شیر مادر، جنسیت، وزن، دور سر، دور سینه، و وضعیت چاقی کودکان مورد مطالعه، با وضعیت امنیت غذایی آن‌ها ارتباطی وجود نداشت.

**نتیجه گیری:** نتایج نشان دهنده ی شیوع بالای ناامنی غذایی و ارتباط ان با قد و شاخص توده بدنی کودکان بود.

**کلمات کلیدی:** *Food security, children, growth.*

# A Study of Relationship between Child Growth and Food Security in family with Children Aged 3 to 6 Years Old in Qazvin 1395

*Maryam Javadi[1], Ameneh Barikani[2], Fariba Mehri[2]*

*1.Associate professor,Qazvin University of Medical sciences, Qazvin,Iran*

*2. Qazvin University of Medical sciences, Qazvin,Iran*

*Introduction: Malnutrition, especially in the early stages of life, has adverse effects on growth and development of children. On the other hand, children are one of the most vulnerable groups during household food insecurity. The aim of this study was to investigate the relationship between child growth and food security in children aged 3 to 6 years old in qazvin.*

*Methods: The current cross-sectional study was carried out among 300 children aged 3 to 6 years old referred to health centers of Qazvin. Demographic and antheropometry data were gathered. Food security was assessed by USDA questionnaire. Statistical analysis was performed by SPSS 16 software using chi2, student t test and anova with p*

*Results: The prevalence of food insecurity among children was 52.7% which 37% had mild food insecurity, 10.7% had moderately food insecurity, and 5% severely food insecurity. There was a significant relationship between height and body mass index of children with food security status of households. But, there was no significant relationship between households food security status and sex, weight, birth order, duration of breastfeeding, and head and chest circumference*

*Conclusion: The current study showed a high prevalence of food insecurity among children and its relation with height and body mass index .*

*Keywords: Malnutrition, Child, Growth, Food security*

# کیفیت زندگی مرتبط با سلامت در بیماران مزمن کلیوی تحت درمان با دیالیز خونی، صفاقی و پیوند کلیه

محمد خواجه دلوئی۱* ، مریم عمادزاده۲، محمدجواد مجاهدی۳، فاطمه محرری۴، علی عمادزاده۵، فاطمه ناظمیان ۳، مجیدرضا عرفانیان تقوایی۶

۱. استاد گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۲. متخصص پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۳. فوق تخصص نفرولوژی، استاد گروه داخلی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۴. فوق تخصص روانپزشکی کودک و نوجوان، دانشیار گروه روانپزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۵. فوق تخصص نفرولوژی، استادیار گروه داخلی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، ۶. متخصص بیماریهای عفونی، استاد گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

**نویسنده مسئول:** محمد خواجه دلوئی **محور:**سایر

**زمینه و هدف:** بیماری مزمن کلیه یکی از معضلات بهداشتی مهم در جوامع است که شیوع روزافزونی دارد. این بیماران برای ادامه حیات خود نیازمند درمان با یکی از روش‌های جایگزینی کلیه هستند که مشتمل بر همودیالیز، دیالیز صفاقی و پیوند کلیه است. ابتلا به مرحله آخر بیماری مزمن کلیوی(ESRD) و درمان با هر یک از این روش‌های درمانی، بر سلامت جسمی و روانی بیماران اثر می‌گذارد . مقایسه کیفیت زندگی بیماران در این سه گروه درمانی می‌تواند راهنمای خوبی در مدیریت درمان این بیماران باشد.

**روش کار:** بیماران مبتلا به ESRD تحت درمان با سه روش دیالیز خونی(۶۶ نفر)، صفاقی(۷۰ نفر) و پیوند کلیه(۷۹ نفر) مراجعه‌کننده به مراکز درمانی شهر مشهد در سال ۹۴-۱۳۹۳ در این مطالعه بررسی شدند. چک لیست اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه کیفیت زندگی اختصاصی بیماران کلیوی بین بیماران توزیع و داده‌ها به کمک نرم افزار SPSS نسخه ۱۱ تحلیل شد.

**یافته ها:** بیماران پیوند کلیه در غالب حیطه‌های پرسشنامه کیفیت زندگی بالاترین میانگین نمره را کسب کردند. در بخش SF-۳۶ پرسشنامه میانگین درصد نمرات در سه گروه در پنج حیطه سرزندگی، عملکرد فیزیکی، درد، سلامت عمومی و خستگی/انرژی تفاوت معناداری با یکدیگر داشت. در بخش اختصاصی پرسشنامه، در تمامی حیطه‌ها به جز حمایت اجتماعی تفاوت معناداری بین میانگین نمرات در گروه‌های درمانی مختلف دیده شد( $p<۰۵/۰$ )

**نتیجه گیری:** با توجه به این‌که در مطالعه حاضر کیفیت زندگی در بیماران پیوند کلیه بهتر از بیماران دیالیزی بود، توصیه می‌شود برنامه‌های مناسبی جهت فرهنگ‌سازی برای اهداء عضو صورت گیرد. همچنین بایستی ارتقاء کیفیت زندگی در بیماران تحت درمان با دو روش دیگر مد نظر قرار گیرد.

**کلمات کلیدی:** بیماری مزمن کلیه، کیفیت زندگی، دیالیزخونی، دیالیز صفاقی، پیوند کلیه

# Health Related Quality of Life in Chronic Kidney Disease Patients Undergoing Hemodialysis, Peritoneal Dialysis and Kidney Transplantation

*Mohammad Khajedaluee[1]*, Maryam Emadzadeh[2], Mohammad Javad Mojahedi[3], Fatemeh Moharari[4], Ali Emadzadeh[5], Fatemeh Nazemian[3], Majid Reza Erfanian Taghvaee[6]*

*1 Professor of Community Medicine, Department of Community Medicine, Medical Faculty, Mashhad University of Medical Sciences*

*2 Specialist in Community Medicine, Department of Community Medicine, Medical Faculty, Mashhad University of Medical Sciences*

*3 Professor of Nephrology, Department of Internal Medicine, Medical Faculty, Mashhad University of Medical Sciences*

*4 Associate Professor of psychiatry, Department of Psychiatry, Medical Faculty, Mashhad University of Medical Sciences*

*5 Assistant Professor of Nephrology, Department of Internal Medicine, Medical Faculty, Sabzevar University of Medical Sciences*

*6 Professor of Infectious Diseases, Department of Community Medicine, Professor of Nephrology, Department of Internal Medicine, Medical Faculty, Mashhad University of Medical Sciences*

*Introduction: Chronic Kidney Disease is one of the most important health problems in many countries with increasing prevalence rate. Patients suffering from this disease need to use one of the methods of renal replacement therapy including hemodialysis(HD), peritoneal dialysis(PD) and kidney transplantation. End Stage Renal Disease (ESRD) and these treatment methods, influence physical and mental health of patients. Comparing quality of life in three treatment groups could help us in managing patients.*

*Methods: This study includes patients with ESRD undergoing HD (66 patients), PD (70 patients) and kidney transplantation (79 patients), who referred to treatment centers in Mashhad, 2014-15. Checklist of demographic information and specific questionnaire for quality of life of kidney disease patients (Kidney Disease Quality of Life Short Form (KDQOL-SF), version 1.3) were distributed between patients. Data were analyzed by SPSS 11.*

*Results: Kidney transplant patients had the highest mean score in most of the area of quality of life questionnaire. In the SF-36 part of this questionnaire, there were significant differences between the mean score of these five areas (emotional well-being, physical functioning, pain, general health, fatigue/energy) in three treatment groups. In the specific part of questionnaire, there were significant differences (p*

*Conclusion: Since kidney transplant patients had better quality of life in this study, more appropriate programs for organ donation are suggested. Quality of life improvement in patients undergoing two other treatments is also recommended.*

***Keywords: chronic kidney disease, hemodialysis, peritoneal dialysis, quality of life***

# بررسی تمایل مادران کودکان مبتلا به سرطان نسبت به دریافت خبر بیماری فرزندشان

زهرا مصطفویان[1]، آرزو فرج پور[2]

۱- گروه پزشکی اجتماعی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

۲- مرکز توسعه مطالعات آموزش پزشکی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

**نویسنده مسئول:** زهرا مصطفویان

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** مسئولیت ارائه خبر بد به بیماران یکی از مشکل ترین وظایف پزشک در طول کار حرفه ای وی می باشد. هدف مطالعه حاضر ، بررسی نحوه ارائه خبر بد به مادران کودکان مبتلا به سرطان و تمایل آنان نسبت به دریافت خبر بیماری می باشد.

**روش کار:** در یک مطالعه مقطعی در بیمارستان دکتر شیخ مشهد در سال ۱۳۹۵، ۳۲ مادر کودک مبتلا به سرطان به روش نمونه گیری آسان انتخاب شدند. داده ها با یک پرسشنامه ۱۷ سوالی گردآوری شد که شامل ویژگی های دموگرافیک، تمایل مادران نسبت به دریافت خبر بیماری (۱۱ سوال) ، کیفیت ارائه خبر بد و رضایت کلی آنان در این مورد (۳ سوال) بود. داده ها در نرم افزار *SPSS v20* به شکل درصد بیان شدند.

**یافته ها:** خبر بیماری به۴۳٫۸٪ ازمادران توسط متخصص کودکان،۱۸٫۸٪ توسط متخصص سرطان ،۱۸٫۸٪ توسط پرستار،۱۲٫۵٪ توسط پرسنل آزمایشگاه و در۶٫۳٪ توسط همسرانشان ارائه شد . ۵۶٫۳٪ آنان تمایل داشتند خبر توسط همسرانشان، ۱۰۰٪ ترجیح دادند خبر بطور خصوصی، ۹۳٫۸ ٪ مایل به آگاهی به محض تشخیص بیماری،۷۵٪ ترجیح دادند خبر با جزئیات کامل و ۸۷٫۵٪ترجیح دادند جزئیات خبر در یک جلسه ارائه گردد. ۶۸٫۸٪ آنان مایل به حضور بیماران دیگر نبودند. ۹۸٫۸٪ نمی خواستند کودکانشان از بیماری مطلع گردند.

**نتیجه گیری:** با توجه به این که بیشتر مادران ترجیح می دادند اطلاعات مربوط به بیماری فرزندشان به طور کامل ارائه شود، پیشنهاد می گردد انتقال خبر بد توسط پزشک و در حضور یکی عضو فامیل و بدون حضور فرزندشان و با ارائه جزییات صورت گیرد.

**کلمات کلیدی:** ارائه خبر بد، کودکان، سرطان، مادران-

# *Mothers' preferences toward Breaking Bad News about their children cancer*

*Zahra Mostafavian1,*, Arezou Farajpour2*

*1-Department of community medicine, Mashhad branch, Islamic azad university, Mashhad, Iran*

*2- Education Development Center, Mashhad branch, Islamic azad university, Mashhad, Iran*

**Corresponding author: Zahra Mostafavian*

*Introduction: The Responsibility of breaking bad news (BBN) to patients is one of the most difficult tasks of a medical profession. The current study aimed to investigate BBN forms and the preferences of mothers of children with cancer about BBN.*

*Methods: In a cross-sectional study, 32 mothers of children with cancer at Dr-Sheikh hospital in Mashhad in 2015 were recruited by convenience sampling. We used a questionnaire including 17 questions. In addition to demographic data, 11 questions were about the mothers' preferences to BBN; three questions were about quality of BBN and general satisfaction about it. Data displayed as percent by SPSS v20 software.*

*Results: Bad news delivery to mothers was done by paediatrician in 43.8%, oncologist in 18.8%, nurses in 18.8%, and laboratory staff in 12.5% and in 3.6% cases by their spouses. 56.3% of mothers preferred to be informed by their spouses,100% via privacy and 93.8% preferred BBN conducted early and 75% of them preferred in details. 87.5% chose to be aware of announce details at one session, 68.8% preferred the presence of a relative and 68.8% weren't willing to presence of other patients. 98.8% wouldn't like their children to be aware of their disease.*

*Conclusion: According to the most mothers' preferences to be aware of their children disease it is suggested that the disclosure of cancer be done by a physician, in the presence of a family member, in the absence of their children and in details.*

*Keywords: BBN, Children, Cancer, Mothers*

# پیشگیری و کنترل سرطان پستان با تصویربرداری مولکولی

صالح صالحی ذهابی[1]، کیخسرو هجری راد[2]، هادی شمشیر بند[3]

۱- گروه رادیولوژی و پزشکی هسته‌ای، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

۲- مرکز تصویربرداری بیمارستان شریعتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۳- مرکز تصویربرداری بیمارستان شریعتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** صالح صالحی ذهابی

**محور:** سرطان‌ها

**زمینه و هدف:** تصویربرداری از سینه نه تنها یکی از اصلی ترین اجزای غربالگری سرطان سینه می باشد، بلکه برای تشخیص، ارزیابی، درمان، پیگیری و در نهایت برای پیشگیری و کنترل بیماران مبتلا به سرطان اهمیت دارد.

**روش کار:** اغلب روش های تصویربرداری که در کلنیک مورد استفاده قرار می گیرند ازجمله ماموگرافی، سی تی اسکن، سونوگرافی و ***MRI***، اغلب آناتومیکال هستند و ویژگی های آناتومی بافت مثل اندازه، شکل و دانسیته ی سرطان سینه را مشخص می کنند. در عین حال روش های تصویربرداری مولکولی مثل ***PET***، ***SPECT***، ***MRS***، سونوگرافی با ماده ی کنتراست زا و تصویربرداری های اپتیکی می توانند ویژگی های سلولی، مولکولی و بیوشیمیایی بافت های سالم و تومورال را اندازه گیری کنند.

**نتیجه گیری:** لذا باتوجه به نقش تصویربرداری های مولکولی در پیشگیری و کنترل سرطان سینه، در این مطالعه ی مروری به کاربردهای تصویربرداری های مولکولی در سرطان سینه تمرکز می کنیم.

**واژه های کلیدی:** سرطان سینه، پیشگیری و کنترل، تصویربرداری مولکولی

# Prevention and Control of Breast Cancer by Molecular Imaging

***Saleh Salehi Zahabi[1,*], Keykhosrow Hejri Rad[2], Hadi Shamshirband[3]***
***1- Radiology and nuclear medicine department, Kermanshah University of medical science, Kermanshah***
***2- Medical Imaging Center of Shariati Hospital, Tehran, Iran***
***3- Medical Imaging Center of Shariati Hospital, Tehran, Iran***
****Correspondin author: Saleh Salehi Zahabi, Radiology and nuclear medicine department, Kermanshah University of medical science, Kermanshah, Iran.***

***Introduction: Imaging the breast is a vital component not only for breast cancer screening, but also for diagnosis, evaluation, treatment, and follow-up of and finally for prevention and control of patients with breast cancer.***

***Materal and methods: Most imaging modalities used in clinical practice include mammography, x-ray computed tomography (CT), ultrasound, and magnetic resonance imaging (MRI) are largely anatomic in nature, using tissue features such as size, shape, and density to identify breast cancer.***

***Results: Alternatively, molecular imaging modalities -such as PET SPECT, MRS , US with Contrast and Optical Imaging - measures regional in vivo biochemical, cellular, and molecular properties of tumors and normal tissues.***

***Conclusion: Because Molecular imaging have important role in prevention and control of Breast cancer so in this review we focus primarily on applications of molecular imaging modalities in Breast cancer.***

***Keywords: Breast Cancer, prevention and control, molecular imaging, imaging modalities***

# ترجمان دانش در پیشگیری و غربالگری سرطان: مرور توصیفی منابع MEDLINE

پریسا اسلامی پرکوهی[1]، قاسم جان بابایی،[2] رضا علیزاده نوایی[3]

۱-متخصص پزشکی اجتماعی، معاونت تحقیقات و فناوری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۲- هماتولوژیست- انکولوژیست، دانشیار، مرکز تحقیقات سرطان گوارش، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۳- دکترای تخصصی علوم زیست پزشکی، استادیار، مرکز تحقیقات سرطان گوارش، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

**نویسنده مسئول:** پریسا اسلامی پرکوهی

**محور:** سرطان

**زمینه و هدف:** اخیرا فرایند ترجمان دانش سرطان شناسی، شامل تولید، انتقال وکاربرد نهایی این دانش در طبابت بالینی و سلامت عمومی، به دستورکار برنامه های کنترل سرطان وارد شده است. در مطالعه حاضر جایگاه این فرایند در پژوهش های سرطان با نگاهی ویژه به موضوع پیشگیری و غربالگری بررسی می شود.

**روش کار:** این پژوهش، مروری توصیفی با استفاده از مجموعه واژگان کلیدی مرتبط با سرعنوانهای ***Neoplasm***، ***Translational Medical Research*** و ***Knowledge Translation*** و جستجوی مقالات انگلیسی زبان با متن کامل در پایگاه داده ***MEDLINE*** در طی ۱۰ سال اخیر(۲۰۱۶-۲۰۰۷) می باشد.

**یافته ها:** از مجموع ۲۶۷ مقاله استخراج شده، مضامین اصلی و درصد فراوانی مقالات مربوطه عبارتند از: اهمیت و مراحل اجرایی ترجمان دانش بدون اشاره اختصاصی به موضوع سرطان (۵/۲٪)، اهمیت و کاربرد ترجمان دانش در زمینه عملکرد نظام های کنترل سرطان(۲۰/۲٪)، انتقال دانش پایه ای علوم سرطانی به مطالعات بالینی(۲۱/۳ ٪) و اهمیت و کاربرد مداخلات ترجمان دانش برای هریک از مراحل زنجیره مراقبت سرطان شامل پیشگیری و غربالگری(۹/۵ ٪)، تشخیص نهایی و درمان(۲۰/۲ ٪) و بقا، پیگیری، مراقبتهای حمایتی و تسکینی(۲۳/۶ ٪). در حیطه پیشگیری و غربالگری، کمتر از یک سوم مطالعات به صورت اقدام پژوهی اجرا و هر یک از سطوح مداخله سازمانی و حرفه ای حداقل در دو سوم موارد و سطح مداخله فردی در کمتر از یک سوم موارد گزارش شدند.

**نتیجه گیری:** برای کنترل جمعیت محور سرطان، اختصاص اولویت بالا به خدمات پیشگیری و غربالگری در فرایند ترجمان دانش سرطان همراه با افزایش مطالعات مربوطه با طراحی اقدام پژوهی و مداخله در سطح سیاستگزاران سلامت و افراد جامعه ضروری به نظر می رسد.

# Cancer Prevention and Screening through Knowledge Translation: a MEDLINE Literature Review

***Parisa Islami Parkoohi[1], Ghasem Janbabaei[2], Reza Alizadeh-Navaei[2]***
***1- Vice Chancellery for Research and Technology, Mazandaran University of Medical sciences, Sari, Iran.***

***2- Gastrointestinal Cancer Research Center, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran.***

***Corresponding Author: Parisa Islami Parkoohi***

***Introduction:Newly, the agenda of cancer control programs include oncology knowledge translation covering generation, transmission and application of this knowledge into clinical practice and public health.1-3***
***In the present study, we investigated the status of this process in cancer-related researches with a special focus on prevention and screening.***

***Method:A narrative review was conducted.The English, full text articles were retrieved from MEDLINE database during the last 10 years (2007-2016).A set of key words associated with the MeSH headings of Neoplasm, Translational Medical Research and Knowledge Translation were used.***

***Results:A total of 267 articles were extracted. The main content and frequency of relevant articles included: importance and implementation phases of KT without specific reference to the issue of cancer (%5.2), KT as a performance of the cancer control systems (%20.2), translation of oncology basic sciences into clinical studies (%21.3) , importance and implementation of KT fits to stages in cancer care continuum including prevention and screening(%9.5), diagnosis and treatment(%20.2),survivorship, follow up, supportive and palliative care(23.6%)***
***In field of prevention and screening, less than a third of studies were conducted as action research. In terms of the reported level of KT intervention, at least two-thirds and less than a third of cases aimed at organizational / professional and individual level respectively .***

*Conclusion:* ***For population-based cancer control, it seems essential to assign a high priority to preventive and screening services in KT interventions. In this regard, more KT interventions aimed at health policy-makers and individuals with action research design is suggested.***

# ریسک تومورهای مغزی مرتبط با هورمونهای جنسی اندوژن و اگزوژن

**نویسنده مسئول:** مهدی شفیعی ثابت

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** تومورهای مغزی اولیه یک گروه از تومورهای نامتجانس هستند که از نظر منشا بافتی با هم متفاوتند. دو نوع شایعتر این تومورها گلیومها و مننژیومها میباشد. اتیولوژی این تومورها ناشناخته است. مشاهدات قبلی نقش هورمونهای جنسی را در پاتوژنز این تومورها نشان داده است. رسپتورهای این هورمونها در بافت تومورهای مغزی یافت شده است. رسپتورهای استروژن در یک دهم، پروژسترون در دو سوم و آندروژن در دو سوم مننژیومها وجود دارد. رسپتورهای هورمونی در گلیومها نیز یافت میشود.

**روش کار:** ما یک مرور کامل جهت آنالیز ارتباطات محتمل بین هورمونهای جنسی اندوژن و اگزوژن با خطر تومورهای مغزی انجام دادیم.

**یافته ها:** در مننژیومها یک برتری نسبت زن به مرد خصوصا در دوره باروری خانمها و نیز افزایش رشد مننژیوم در طی حاملگی و در فاز لوتآل، مطرح کننده تاثیر هورمونهای جنسی زنانه در ایجاد و رشد آنها، دیده میشود. بروز پایین تر گلیومها در خانمها خصوصا در سنین منارک مطرح کننده اثر حفاظتی هورمونهای زنانه در این تومورها است. ریسک مننژیوم در خانمها بدنبال هورمون درمانی و مصرف داروهای ضد باروری طولانی اثر افزایش میابد. در آقایان مصرف شبه استروژنهای خارجی با کاهش ریسک مننژیوم و عوامل استروژنی اندوژن نظیر چاقی با افزایش ریسک همراه است.

**نتیجه گیری:** در میان تومورهای مغزی مننژیوم بیشترین ارتباط را با هورمونهای جنسی دارد. مننژیوم یک بیماری با موربیدیتی بالاست و یافتن ریسک فاکتورهای بروز و رشد تومور و تعدیل آنها نقش مهمی در بهبود سلامت عمومی دارد.

**کلمات کلیدی:** *Brain Tumors; Endogenous; Exogenous; Sex Hormones*

# Risk of Brain Tumors Associated with Exogenous and Endogenous Sex Hormones

**Mehdi Shafiee Sabet**

*Introduction: Prior observations have implicated gender-specific hormones in the pathogenesis of brain tumors. Hormone receptors are present in brain tumor tissue; progesterone receptors are present in approximately two thirds of meningiomas, estrogen receptors in one tenth, and androgen receptors in two thirds.*

*Methods: We conducted a vast review to analyze possible associations between sex steroid hormones and the risks of meningioma and glioma.*

*Results: A higher female:male ratio in meningiomas, especially during the female reproductive years, and an observed growth stimulation during pregnancy and the luteal phase of menstruation suggest that endogenous female sex hormones influence the development and growth of meningiomas. A higher incidence of glioma in men has been shown to be evident around the age of female menarche, suggesting that female hormones may have a protective effect. An increased relative risk of meningioma was found among postmenopausal women for ever use of hormone replacement therapy. Women who had used long-acting hormonal contraceptives had an increased risk of meningioma, but no clear association was found with oral contraceptive. In male estrogen-like exogenous exposures, was inversely associated with meningioma risk. Endogenous estrogen–associated factors such as high body mass index appear to be associated with an increased risk of developing meningioma in men.*

*Conclusion: It has been suggested that female sex hormones influence the development and growth of brain tumors, particularly meningiomas. Meningioma is a disease with a high morbidity, and the identification of modifiable exposures that reduce the risk has important public health implications.*

# بررسی تاثیر نانواولئوروپین بر پروتئین *PSMD7* در سل لاین سرطانی *MCF7*

کاملیا مبشری[1]، محمد ضعیفی زاده[2]

۱- ، ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل، ایران

۲- استادیار گروه زیست شناسی، دانشگاه ازاد اسلامی اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل، ایران

**نویسنده مسئول:** کاملیا مبشری

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** سرطان پستان یکی از شایعترین انواع سرطان است که هر ساله باعث مرگ و میر فراوانی در بین زنان می شود. از آنجایی که شیوع سرطان سینه در مقایسه با سایر سرطان ها در زنان بالا است، هدف از این مطالعه آگاهی یافتن از مواد غذایی کاهش دهنده یا کنترل کننده پیشرفت این بیماری است. امروزه با توجه به شیوع بالای سرطان سینه و عوارض سنگین ناشی از شیمی درمانی و رادیوتراپی، اقبال عمومی بالایی جهت استفاده از داروهای طبیعی وجود دارد. زیتون، به علت داشتن ترکیبات آنتی اکسیدانی به عنوان کاندیدی در کنترل و پیشگیری سرطان مطرح می باشد.

**روش کار:** در این مطالعه بررسی تاثیر نانو اولوروپین حاصل از زیتون در غلظت های (شاهد) *ppm۰*، *ppm300* و *ppm600*، بر روی پروفایل پروتئینی در رده ی سلولی *MCF-7*به روش الکتروفورز دو بعدی *MALDI TOF-TOF* انجام شد.

**یافته ها:** نتایج تغییرات بیان اسپات های پروتئینی نشان داد که از بین ۳۱۷ اسپات، پروتئین *PSMD7* تغییر افتراقی معنی داری داشت که با سطح احتمال کمتر از ۱٪ در *Masscot* تائید گردید.

**نتیجه گیری:** این پروتئین عاملی مهم در مسیر آنتی پرولیفراتیو و القای مسیر آپوپتوزیس است. بنابراین با القای افزایش بیان پروتئین *(PSMD7)*توسط تیمار اولوروپین، سلول های سرطانی *MCF-7*به کمک مکانیزم های آنتی پرولیفراسیون و آپاپتوز، در مهار سلول ها نقش اصلی را ایفا می کنند.

**کلمات کلیدی:** : سرطان سینه، *MCF-7*، پروتئومیکس، الکتروفورز*(IEF)*، *MALDI TOF-TOF*، *PSMD7*

# Mechanism on the Evaluation of Nano Oleuropin Effects on PSMD7 Protein in MCF7 Cell line

*Kamelia Mobasheri[1],*, Mohammad Zaefizadeh[2]*

*1-Kamelia Mobasheri , Masters student , Department of Biology, Faculty of Basic Sciences, Islamic Azad University of Ardabil, Iran*

*2-Mohammad Zaefizadeh, Assistant Professor, Department of Biology, Faculty of Basic Sciences, Islamic Azad University of Ardabil, Iran*

**Corresponding author: Kamelia Mobasheri, Masters Student, Department of Biology, Faculty of Basic Sciences, Islamic Azad University of Ardabil, Iran*

*Introduction: Breast cancer is the most common type of cancer which leads to many deaths among women each year. Since the incidence of breast cancer compared to other cancers among women is high, having knowledge about foodswhich reduce or control the progression of the disease is of great importance. Nowadays, due to the high incidence of breast cancer and heavy side effects caused by chemotherapy and radiotherapy, there is a high public interest in the use of natural remedies. Olive because of its antioxidant compounds is considered as a candidate in controlling and prevention of cancer.*

*Methods: In this study the impact of Nano Oleuropein of olive in densities, namely 0ppm, ppm300 and ppm600 treatment on the protein profile in MCF-7 cell line using two-dimensional electrophoresis and MALDI-TOF-TOF was examined.*

*Results: Results of changes in expressed protein spots showed that among 317 spot, protein (PSMD7), had significant differential change which were confirmed with level less than 1% in Masscot.*

*Conclusion: This protein is important factor in the antiproliferative pathway and induction of apoptosis pathway. Therefore, by inducing the incensement of expression of (PSMD7) protein by oleuropein treatment, cancer cells of MCF-7 with the help of anti-proliferation and apoptosis mechanisms play a major role in their containment.*

*Keywords: Breast Cancer, MCF-7, Proteomics, Electrophoresis (IEF), MALDITOF-TOF,*

# بررسی عوامل موثر در بازگشت به مصرف مواد درمعتادان مراجعه کننده به مراکز ترک اعتیاد شهر خرم اباد در سال ۱۳۹۵

پرستو بهاروند[۱]

۱- مدیر گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

**نویسنده مسئول:** پرستو بهاروند

**محور:**سیگار و دخانیات

**زمینه و هدف:** بحران اعتیاد به مواد مخدر و عود ان معضلی است که بسیاری از جوامع جهان را مبتلا کرده است. این پژوهش با هدف تعیین عوامل موثر در بازگشت به مصرف مواد از دیدگاه افراد مراجعه کننده به مراکز ترک اعتیاد شهرخرم آباد انجام گرفته است.

**روش کار:** مطالعه به صورت *cross-sectional* در سال ۹۵ طراحی گردید ، افراد با سابقه حداقل یکبار عود اعتیاد که به مراکز ترک اعتیاد شهر خرم آباد مراجعه نمودند با روش نمونه گیری چند مرحله ای مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار جمع اوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته بود که در ۴ حیطه طراحی گردید . روایی محتوایی و ظاهری پرسشنامه با نظر کارشناسان و اعتبار ساختاری پرسشنامه با روش آنالیز عامل اکتشافی مورد تایید قرار گرفت . پایایی پرسشنامه نیز ۰/۸۷ گردید. داده ها توسط نرم افزار آماری *SPSS21* مورد تحلیل قرار گرفتند

**یافته ها:** در این پژوهش ۴۸۰ نفر مورد مطالعه قرار گرفتند نتایج نشان داد لذت جویی در حیطه فردی ، (٪ ۸/۴۴) ، در حیطه اقتصادی -اجتماعی ،عامل بیکاری (٪ ۵ /۶۹) و در دسترس بودن مواد (٪ ۳/۶۴ ) ،در حیطه خانوادگی، رفتار نامناسب والدین (۳/۳۶ ٪) و در حیطه درمان تاکید بر درمان به تنهایی(۴۸٪/۴) از مهمترین و فراوان ترین عوامل موثر در عود اعتیاد بوده اند.

**نتیجه گیری:** پیشگیری از عوامل خطر عود مصرف مواد مخدر یک برنامه چند بعدی است به ویژه میتوان با ایجاد فرصت های شغلی و رفع معضل بیکاری از عود اعتیاد در آنها جلوگیری نمود

**کلمات کلیدی:** اعتیاد ، عود، سوء مصرف مواد، خرم آباد

# Study of effective factors in return to substance abuse in clients referred to addiction treatment centers of Khorramabad in 2016.

*Parastoo Baharvand[1],**

*1- Department of Community Medicine, Medical University of Lorestan, Khoram Abad, Iran*

**Corresponding Author: Parastoo Baharvand: Head of Department of Community Medicine, Medical University of Lorestan, Khorramabad, Iran*

*Introduction: Crisis and relapse of drug addiction is a problem that affects many societies of the world.This study aimed to determine the Factors influence on return to substance abuse in clients referred to addiction treatment centers in Khorramabad city.*

*Methods: A cross sectional study was performed on clients referred to addiction treatment centers of Khorramabad in 2016, who had at least once a return to substance abuse and were selected using multi stage sampling method. Data collectede whit the questionnaire was designed in 4 areas. . The content validity of the questionnaire has been confirmed by the technical experts and for validity of structuring, exploratory factor analysis was used .the reliability of the questionnaire was 0.87%. The descriptive and analytic statistics were used for data analysis with SPSS21*

*Results: In this study 480 subject were studied. The results showed Pleasure factor in the area of individual (36.3%). , in the area of socio-economic factors, unemployment (69.5%) and the availability of substsnce (36.3%). in the area of family factors , Parents inappropriate behavior and in treatment factors area ,emphasizing on treatment alone(48.4%) were most effective factors in addiction relapse ..*

*Conclusion: The prevention of risk factors for relapse in substance abuse is a multidimensional program,specially ,which can prevent with creation jobs and elimination unemployment problem.*

*Keywords: Addiction ,Relapse, Substance Abuse, khorramabad*

# فراوانی مصرف ریتالین(متیل فنیدیت) و فاکتورهای همراه در دانشجویان پزشکی

ملیحه دادگرمقدم[۱]، حسن جاهدطاهرانی[۲]، حکیمه باصری[۳]

۱- استادیار، دانشکده پزشکی، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- دستیار، دانشکده پزشکی، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- دستیار تخصصی، دانشکده پزشکی، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

**نویسنده مسئول:** ملیحه دادگرمقدم

**محور:**سیگار و دخانیات

**زمینه و هدف:** مقدمه: متیل فنیدیت یا ریتالین از مشتقات گروه آمفتامین ها و از داروهای محرک سیستم اعصاب مرکزی است که از نظر شیمیایی به کوکائین شباهت داردو گزارشهای زیادی ازسوء مصرف آن وجود دارد . این پژوهش با هدف تعیین فراوانی نسبی و عوامل مرتبط با مصرف ریتالین در بین مقاطع مختلف تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام می گیرد.

**روش کار:** در این مطالعه توصیفی تحلیلی ، نمونه گیری به صورت طبقه ای تصادفی از مقاطع مختلف تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۹۴ انجام گردید وابزار جمع آوری اطلاعات چک لیست بود

**یافته ها:** شیوع مصرف ریتالین در دانشجویان این مطالعه ۱۷٫۳٪ بود. بیشترین عاملی که علت استفاده ریتالین در دانشجویان این مطالعه عنوان شده است مصرف در ایام امتحانات (۸۳درصد) بوده و۷۵٫۵٪ دانشجویانی که سوء مصرف ریتالین داشتند کشیدن سیگار و ۲۰٫۸٪ آنها اعتیاد به مواد مخدر را گزارش کردند. دانشجویانی که در خوابگاه و خانه دانشجویی سکونت داشتند با دانشجویانی که با همسر و با والدین خود زندگی می کردند به طور واضحی در مصرف ریتالین اختلاف داشتند [*OR(95%CI)=0.5(0.27-0.93)*] که مصرف در خوابگاه بالاتر بود. همچنین مصرف ریتالین در دانشجویانی که سیگار نمی کشیدند با دانشجویان سیگاری [*OR(95%CI)=40.34(18.34-88.72)*] اختلاف آماری معنی دار داشت.

**نتیجه گیری:** همراهی مصرف سیگار با ریتالین و مصرف بالاتر در خوابگاه های دانشجویی،لزوم توجه به مداخلات پیشگیرانه سریعتر درمحیط های اجتماعی که همسالان با هم زندگی می کنند و دانشجویانی که در معرض آسیب های بیشتر در اثر سوء مصرف مواد هم هستند را آشکار می سازد

**کلمات کلیدی:** *Ritalin – Medical students – Different educational levels*

# The frequency of methylphenidate (Ritalin) consumption and it's associated factors in medical students

*Maliheh Dadgarmoghaddam[1,*], Hasan Jahedtaherani[2], Hakimeh Baseri[3]*

*1-Assistant professor of Community Medicine, School of Medicine, Mashad University of Medical Science*

*2, 3-Resident of Community Medicine, School of Medicine, Mashad University of Medical Science*

**corresponding author: Maliheh Dadgarmoghaddam*

*Introduction: Methylphenidate or Ritalin, is a central nervous system stimulant drug that is chemically similar to cocaine, there are apartments available reports about misuse of it. This study aimed to determine the relative frequency of Ritalin use and associated factors among different level ofmedical students of Mashhad University of Medical Sciencesin 2016.*

*Methods: This is a descriptive analytical study by random sampling from each level of medical students.Data gathering was done by using a check list. Analysis was done by SPSS ver 11.5.*

*Results: This is a descriptive analytical study by random sampling from each level of medical students.Data gathering was done by using a check list. Analysis was done by SPSS ver 11.5.*

*Conclusion: Companship of cigarrete smoking and Ritalin use and higher use in dormitory,is nessiate the early intervention in environment that peers are live together and among smoker who are at higher risks.*

# کاربرد مدل فرانظری در رفتار پیشگیری از پوکی استخوان ( فعالیت فیزیکی )در زنان ۳۰-۵۰ سال خرم آباد

فریده ملکشاهی[۱]، علیرضا حیدر نیا[۲]، شمس الدین نیکنامی[۲]، فرخنده امین شکروی[۲]

۱- عضو هیات علمی، دانشکده پزشکی، علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

۲- عضو هیات علمی، دانشکده پزشکی، تربیت مدرس، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** فریده ملکشاهی

**محور:**فعالیت فیزیکی و کم تحرکی

**زمینه و هدف:** پوکی استخوان یک اولویت مهم بهداشتی درایران و جهان است. اخیرا پیشگیری از پوکی استخوان ، هدف بسیاری از متخصصان امر سلامت شده است .تغییر رفتار یکی از استراتژیهای قدرتمند جهت پیشگیری از پوکی استخوان است.مطالعه حاضر با هدف تعیین کاربرد مدل فرانظری در رفتار پیشگیری از پوکی استخوان ( فعالیت فیزیکی )در زنان ۳۰-۵۰ سال خرم آباد طراحی شده است .

**روش کار:** این مطالعه توصیفی تحلیلی مقطعی که ۲۶۹ زن سنین ۳۰-۵۰ سال بر اساس معیارهای پژوهش بصورت تصادفی خوشه ای و سیستماتیک از بین کلیه مراکز بهداشتی درمانی خرم آباد انتخاب شدند .ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه های روا و پایای اطلاعات فردی ، مراحل تغییر رفتار ،تعادل تصمیمی و خودکارآمدی فعالیت فیزیکی بود. تجزیه تحلیل اطلاعات با استفاده از آزمون کای دو،ضریب همبستگی اسپیرمن و رگرسیون لجستیک انجام شد.

**یافته ها:** میانگین (انحراف معیار) سنی افراد مورد مطالعه ۳۸/۷۲±۷/۰۰۳ سال و میانگین و انحراف معیار فعالیت فیزیکی سبک هفتگی بر حسب دقیقه برابر با ۳۸/۸۳±۵۶/۴۰۰ بود..همچنین نتایج نشان داد که سازه خودکارآمدی بالاترین توان پیشگویی کنندگی رفتار پیشگیرانه را دارد.

**نتیجه گیری:** نتایج مطالعه نشان داد که از میان سازه های مورد بررسی مدل فرا نظری ،خودکارآمدی تنها سازه پیشگویی کننده اتخاذ رفتار پیشگیری از پوکی استخوان می باشد. بنابراین یافته های این پژوهش می تواند به عنوان پایه ای برای مداخلات آموزشی در زمینه تغییر رفتار جهت پیشگیری از پوکی استخوان ،مورد استفاده متولیان امر سلامت قرار گیرد.

**کلمات کلیدی:** *osteoporosis, Trans-theoretical Model, prevention, physical activity*

# Application of Trans –theoretical Theory Model for physical activity behavior in osteoporosis preventive among women Khoramabad: A study based on the Trans-theoretical Model

*Farideh Malekshahi[1] , Alireza Heidarnia[2] , Shamsedin Niknami [3], Farkhondehamin shokravi[4]*

*1- Community Medicine Dep. Faculty of medical University. Lorestan University of Medical sciences.*

*2 - Health education Dep, Faculty of Medical. Trbiat Modares University. Tehran, Iran*

*3- Health education Dep, Faculty of Medical. Trbiat Modares University. Tehran, Iran*

*4 - Health education Dep, Faculty of Medical. Trbiat Modares University. Tehran, Iran*

**Corresponding author: Farideh Malekshahi, PhD. in Health Education & Health PromotionAssistant Professor, Faculty of Nursing Midwifery Khoramabad Lorestan University of Medical Sciences (LUMS)*

*Introduction: Osteoporosis is a major public health priority in Iran and the world. Recently, osteoporosis prevention, have come the goal of many health professionals . One of the most powerful behavior change strategies for the prevention of osteoporosis. This study aimed to determined application of Trans –theoretical Theory Model for physical activity behavior in osteoporosis preventive among women Khoramabad is designed.*

*Methods: This descriptive study that randomly assigned 269 women ages 30-50 years according to cluster and systematic study of all health centers in Khoramabad were selected. Tools for data collection were Valid and reliable questionnaire of personal information, stage of change in behavior, physical activity ,self- efficacy and self-balancing decision. Analyzed using chi-square test, Spearman correlation and logistic regression.*

*Results: The results showed that were the mean (SD) age of participants72/38 ± 003/7 years and mean (SD) physical activity weekly style in minutes with 83/38 ± 400/56. Results also showed that structures of self-efficacy has the highest predictive power for behavior preventive*

*Conclusion: The results showed that only the structure of self -efficacy trans-theoretical model could predicted adopt of preventive behavior for osteoporosis Thus, the findings of this study can serve as a base for training in behavior change interventions for the prevention of osteoporosis, health authorities must be used.*

# عوامل اجتماعی موثر بر سندرم روده تحریک پذیر در زنان مراجعه کننده به بیمارستان اروند اهواز

بهمن صادقی[۱]، سید جلال هاشمی[۲]، سید هاشم میر مومن[۳]، مژده میر مومن[۴]، سحر صادقی[۵]

۱- مدیر گروه، علوم پزشکی اراک، علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

۲- هیئت علمی، علوم پزشکی اهواز، اهواز، ایران

۳- پزشک درمانی، اهواز، ایران

۴- دکترای عمومی، اراک، ایران

۵- دانشجوی ارشد، تهران، علوم بهزیستی، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** بهمن صادقی، **محور:**نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت

**زمینه و هدف:** سندرم روده تحریک پذیریکی از شایع ترین اختلالات عملکردی دستگاه گوارش است که علت آن نامشخص می باشد. تحقیقات نشان می دهند که بین این سندروم و عوامل اجتماعی ، رابطه وجود دارد. هدف از این پژوهش،.بررسی نسبت شانس عوامل اجتماعی مختلف در افراد مبتلا به سندرم روده تحریک پذیر در مقایسه با گروه کنترل می باشد.

**روش کار:** این مطالعه توصیفی- مقطعی بر ۱۳۰ نفر از بیماران مبتلا به سندروم روده تحریک پذیر با معیار های تشخیصی *ROME III* مراجعه کننده به درمانگاه گوارش بیمارستان اروند اهواز، و ۱۱۰ نفر از همراهان که فاقد مشکل گوارشی بودند انجام شد. دو گروه پرسشنامه محقق ساخته عوامل اجتماعی را تکمیل نمودند.

**یافته ها:** ۲۴۰ نفر از مجموع ۳۱۲ نفر واجد شرایط، به مطالعه وارد شدند. بر اساس مدل رگرسیون چند طرفه بین بیماری و استفاده از مسکن *(OR=2.12)*،سن ۲۰ تا ۳۰ سالگی *(OR= 2.03)*، سن ۳۱تا ۴۰ سال*(OR= 3.14)*، سن ازدواج ۱۰ تا ۲۰ سال *(OR= 2.09)*،مصرف آب کمتر از دو لیوان در روز*(OR= 2.63)*، وضعیت اقتصادی اجتماعی دوران کودکی *(OR= 2.4)*و رضایت از زندگی *(OR= 3.42)*همبستگی معنی دار وجود داشت . اما بین بیماری و جنس، شاخص توده بدن، دخانیات، استفاده از تلفن همراه و تلویزیون و رایانه و تماس با حیوان خانگی و نوع آب مصرفی همبستگی وجود نداشت.

**نتیجه گیری:** سندروم روده تحریک پذیر قویا با وضعیت اقتصادی اجتماعی و فرهنگی مرتبط است. اما نقش علائم ناشی از وضعیت اقتصادی اجتماعی نیاز به مطالعه و بررسی بیشتر دارد

**کلمات کلیدی:** *Irritable Bowel Syndrome, Risk Factors, Socioeconomic Condition*

# Survey of Social factors in Patients with Irritable Bowel Syndrome

***Bahman Sadeghi[1],*, Seied Jalal Hashemi[2], Seid Hashem Mirmomen[3], Mozhdeh Mirmomen[3], Sahar Sadeghi[4]***

***1- Department of Community Medicine, Arak University of Medical Sciences, Arak, Iran***

***2- Department of Internal Medicine, Jondi Shapour University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran***

***3- Private Sector, Ahvaz, Iran***

***4- Medical Student, Arak University of Medical Sciences, Arak, Iran***

***5- Master Student, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran***

****Corresponding author: Bahman Sadeghi, Head of Department of Community Medicine, Arak University of Medical Sciences, Arak, Iran***

*Introduction: Irritable bowel syndrome (IBS) is the most common functional gastrointestinal disorder and its cause is unknown. Studies show that there is a relation between this syndrome and social factors. The purpose of this research is investigation of various social factors in people with irritable bowel syndrome compared with control group.*

*Methods: this cross-sectional study was performed on 130 patients with irritable bowel syndrome fulfilling ROME III diagnostic criteria referred to gastroenterology clinic in Arvand Hospital in Ahvaz, Iran, and 110 people of their fellows who were no digestive problems. Both groups completed questionnaires of social factors made by researcher*

*Results: 240 individuals of total 312 eligible people were entered into the study. There was a significant correlation based on multi-regression model between the disease and use of analgesics (OR=2.12), 20 to 30 year old age (OR=2.03), 31 to 40 year old age (OR=3.14), age of marriage from 10 to 20 years (OR=2.09), water consumption less than two glasses per day (OR=2.63), childhood socioeconomic status (OR=2.4) and life satisfaction (OR=3.42). However, there was no correlation between disease and sex, body mass index, smoking, use of mobile phones, television, and computer, contact with pets and kind of drinking water.*

*Conclusion: irritable bowel syndrome is strongly associated with dysmenorrhea, working on night shift and in turns shifts, use of detergents and bleaches and other socioeconomic and medical conditions . But role of symptoms caused by socioeconomic conditions needs to study further.*

# بررسی میزان بروز دیس لیپیدمی در دوران بارداری و نقش آن در ایجاد دیابت بارداری سال ۹۵-۱۳۹۴

زینت نادیا حتمی[۱]، الهام فیض آباد[۲]، صدیقه حنطوش زاده[۱]، مهرناز رادمهر[۳]

۱- استاد دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲- رزیدنت، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳- متخصص، بیمارستان میلاد، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** زینت نادیا حتمی

**محور:**اختلالات چربی خون

**زمینه و هدف:** لیپیدهای سرم در طول بارداری به خصوص در سه ماهه دو و سوم افزایش می یابند. همچنین در تمام مراحل بارداری, غلظت تری گلیسیرید بالاتر با افزایش خطر تحمل گلوکز ناشتای مختل بارداری و ایجاد دیابت بارداری مرتبط است.

**روش کار:** درمطالعه کوهورت حاضر با روش نمونه گیری آسان *(convenient), 368* نفر از خانم های باردار در بیمارستان میلاد تهران مورد مطالعه و پیگیری قرار گرفتند. لیپیدهای سرم شامل تری گلیسیرید, کلسترول, *HDL* و *LDL* در آن ها اندازه گیری شد.

**یافته ها:** ۷۰ درصد از شرکت کنندگان دیس لیپیدمی را دارا بودند ( ۶۵,۱ درصد خانم های باردار دارای$LDL \geq 100$).میزان کلسترول توتال, تری گلیسیرید, *LDL* و *HDL* در خانم های بارداری که در سه ماهه دوم و سوم بودند, نسبت به خانم هایی که در سه ماهه اول بارداری خود بودند, بالاتر بود ($pvalue<0.001$). میزان تری گلیسیرید سرم با قندخون ساعت اول تست تحمل گلوکز ($pvalue<0.001,\ r=0.489$), قند خون ساعت دوم ($pvalue<0.001,\ r=0.402$) و قند خون ساعت سوم ($pvalue=0.048,\ r=0.332$) ارتباط مستقیم و معنی داری دارد. در سه ماهه دوم و سوم بین قندخون ناشتا و میزان تری گلیسیرید سرم ارتباط مثبت و معنی داری وجود داشت. ($pvalue=0.008,\ r=0.188$)

**نتیجه گیری:** بارداری با تغییرات چربی خون آتروژنیک مرتبط است . این تغییرات می تواند در ایجاد اختلال عملکرد اندوتلیال و دیابت بارداری نقش داشته باشد. در نتیجه تشخیص زود هنگام دیس لیپیدمی در جلوگیری از ایجاد عوارض بارداری نقش دارد.

**کلمات کلیدی:** دیس لیپیدمی، دیابت بارداری، دوران بارداری

# Incidence rate and the role of dyslipidemia during pregnancy in developing gestational diabetes

***Zinat Nadia Hatmi[1,*], Elham Faizabad[1], Sedigheh Hantoushzade[1], Elham Radmehr[1]***
***1- Department of Community Medicine, School of Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran***

****Corresponding author: Zinat Nadia Hatmi, Department of Community Medicine, School of Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran***

*Introduction: Lipid profile gradually increases during pregnancy especially in the second and third trimesters. High triglyceride level has been correlated with an increased risk for gestational impaired glucose tolerance and gestational diabetes during pregnancy.*

*Methods: A cohort study comprises of 368 pregnant women has been conducted. Serum lipids including triglycerides, cholesterol, HDL and LDL were measured.*

*Results: 70% of participants had dyslipidemia (65.1% of pregnant women with LDL ≥ 100). Total cholesterol, triglycerides, LDL and HDL in pregnant women who were in the second and third trimesters compare to women who were in their first trimester were higher ($p < 0.001$). There was a positive correlation between serum triglyceride and first hour ($p < 0.001$, $r = 0.489$), second hour ($p < 0.001$, $r = 0.402$) and third hour ($p = 0.048$, $r = 0.332$) gestational glucose tolerance test. In the second and third trimesters, fasting plasma glucose was associated with serum triglyceride level ($p = 0.008$, $r = 0.188$).*

*Conclusion: Pregnancy is associated with an increase in atherogenic lipid profile. These changes can be involved in the development of endothelial dysfunction and gestational diabetes. Accordingly, early detection of dyslipidemia can prevent complications of pregnancy.*

# ارتباط سطوح بالای تری گلیسرید پلاسما با دیابت حاملگی و سایرعوارض در سه ماهه دوم بارداری

زهرا خزاعی پور[۱]، محبوبه شیرازی[۲]

۱- استادیار، مرکز تحقیقات ضایعات مغزی و نخاعی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲- استادیار، مرکز تحقیقات مادر، جنین و نوزاد، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** زهرا خزاعی پور

**محور:**اختلالات چربی خون

**زمینه و هدف:** لیپیدهای پلاسما و لیپوپروتئین در دوران بارداری، افزایش می یابد. اما مکانیسم آن کاملا مشخص نیست. ا به نظر می رسد تا حدودی از استروژن بالا، پروژسترون و *lactogen* جفت انسان ایجاد می شود. هدف از این مطالعه بددسی سطوح تری گلیسرید بالای پلاسما در سه ماهه دوم بارداری با عوارض بارداری شامل، پره اکلامپسی، زایمان زودرس، و دیابت حاملگی است.

**روش کار:** این مطالعه کوهورت آینده نگر بین سال های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۰ است. سطح کلسترول، *LDL*، *HDL* و تری گلیسرید پس از ۸ ساعت ناشتایی اندازه گیری شد. ۴۵ زن باردار که سطح تری گلیسیرید بالا داشتند (≤۱۹۵ *mg / dl* بود) با ۱۳۵ زن باردار با سطح تری گلیسیرید

**یافته ها:** شیوع دیابت بارداری (۲۰٪ در مقابل ۵٫۹٪، *P* = ۰٫۰۳)،تولد زودرس (۲۴٫۴٪ در مقابل ۵٫۹٪، *P <0.0001*) و پره اکلامپسی (۱۷٫۸٪ در مقابل ۳٫۷٪، *P = 0.004* )، در گروه تری گلیسرید بالا به طور قابل توجهی بالاتر از گروه شاهد بود.

**نتیجه گیری:** یک رابطه مثبت بین *hypertriglyceridaemia* و پره اکلامپسی، زایمان زودرس، و دیابت بارداری وجود دارد.

**کلمات کلیدی:** *Hypertriglyceridaemia, Pre-Eclampsia, Preterm Birth. Gestational Diabe*

# Relationship between High levels of plasma triglyceride with gestational diabetes and other problems in the second trimester of pregnancy

**Zahra Khazaeipour[1,*], Mahboobeh Shirazi[2]**

**1-Brain and Spinal Cord Injury Research Center, Neuroscience Institute, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.**

**2-Maternal, Fetal, and Neonatal Research Centre, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.**

***Corresponding author: Zahra Khazaeipour**

*Introduction: Plasma lipids and lipoproteins increase during pregnancy, but the mechanism is not completely understood, but appears to be partly caused by elevated oestrogen, progesterone and human placental lactogen. We aimed to determine whether high plasma triglyceride levels in the second trimester of pregnancy are associated with adverse pregnancy outcomes including, pre-eclampsia, preterm birth, gestational and diabetes mellitus.*

*Methods: This was a prospective cohort study between 2008 and 2010. Plasma levels of low-density lipoprotein cholesterol, high-density lipoprotein cholesterol and triglyceride were measured after 8 hours of overnight fasting. We compared the outcomes of 45 pregnant women who had high triglyceride levels (≥195 mg/dl) with 135 pregnant women with triglyceride levels*

*Results: The incidence of gestational diabetes (20% vs. 5.9%, p=0.03), Preterm birth (24.4% vs. 5.9%, p<0.0001), and Pre-eclampsia (17.8% vs. 3.7%, p=0.004), in the high triglyceride group was significantly higher than that in the control group.*

*Conclusion: There is a positive relation between hypertriglyceridaemia and pre-eclampsia, preterm birth, and gestational diabetes.*

# آیا اختلالات نگرش به خوردن با چاقی همراه است؟

سهیلا دبیران[1]، آزیتا خیل تاش[2]، هادی حجت دوست[3]، لیلا صدیق[2]

۱- دانشیار،متخصص پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲. استادیار،متخصص پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۳.پزشک عمومی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** لیلا صدیق

**محور:**چاقی

**زمینه و هدف:** اختلالات نگرش به خوردن و چاقی به عنوان مشکلات شایع و در حال افزایش به خصوص در میان نوجوانان می باشد.براساس مطالعات این دو ممکن است دارای فاکتورهای خطر مشترک باشند.هدف این مطالعه بررسی شیوع اختلالات نگرش به خوردن در دبیرستان و فاکتورهای همراه مانند چاقی و مشکلات روانی می باشد.

**روش کار:** در این مطالعه مقطعی ۲۴۰۰ دانش آموز پسر دبیرستانی از مناطق ۱ و۶ تهران در سال تحصیلی ۹۱ و۹۲ به صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه های خود ایفا شامل پرسشنامه دموگرافیک و تست نگرش به خوردن (EAT_۲۶)و افسردگی (PHQ_۲) و اضطراب (GAD_۲)برای جمع آوری اطلاعات مورد استفاده قرار گرفتند.(میزان پاسخگویی: ۸۴٪)

**یافته ها:** میانگین سنی دانش آموزان ۱۵٫۸۹ سال است.شیوع کلی اختلالات نگرش به خوردن ۹٪ می باشد. براساس نمایه توده بدنی در ۱۸۱۳ دانش آموز شیوع اختلالات نگرش به خوردن در افراد چاق ودارای اضافه وزن تقریبا دو برابر افراد دارای وزن نرمال و کم وزن می باشد.(۱۴٫۶٪ و ۶٫۷٪)($P<0.001$ ) به علاوه ، شیوع افسردگی واضطراب در افراد دارای اختلالات نگرش به خوردن بالاتر می باشد.($P<0.001$ )تفاوت معنی دار آماری بین شیوع اختلالات نگرش به خوردن براساس تحصیلات والدین (زیر دیپلم وبالای دیپلم ) و برحسب شغل آنها وجود ندارد..

**نتیجه گیری:** تا به حال مطالعات کمی برای بررسی اختلالات نگرش به خوردن در دانش آموزان پسر دبیرستانی در ایران با این تعداد بالای حجم نمونه انجام شده است.به علاوه شیوع بالاتر چاقی در بین مبتلایان به این اختلال می تواند زمینه ای برای طراحی و اجرای برنامه های پیشگیری در حوزه سلامت باشد.

**کلمات کلیدی:** اختلالات نگرش به خوردن، دانش آموزان دبیرستانی، چاقی

# Is Abnormal Eating Attitudes Associated With Obesity?

*Dabiran Soheila[1], Kheiltash Azita[1], hojjatdoust Hadi[2],Seddigh Leila[1],*

*1.Community Medicine Specialist ,Department of Community Medicine, School of Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran*

*2.General Physician, School of Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran*

*Introduction: Abnormal eating attitudes and obesity have been considered to be common and growing problems especially among adolescents.Moreover, some studies indicate that they may share some risk factors.The aim of current study is to investigate the prevalence of abnormal eating attitudes in high school students and possible associated factors like obesity and psychological issues.*

*Methods: In this cross-sectional study, 2400 male high school students from 1 and 6 educational districts of Tehran in 1391_92 were randomly selected, and self-administered questionnaires consisting of demographic characteristics, standard Eating Attitude Test (EAT_26), depression (PHQ_2) and anxiety (GAD_2) used for the purpose of gathering information (response rate: 84%).*

*Results: Mean age of students is 15.89 years. The overall prevalence of abnormal eating attitudes is 9%.Besides, regarding BMI in 1813 students, the prevalence of abnormal eating attitudes is almost two-fold greater in overweight and obese students than their normal and underweight counterparts.(14.6% vs. 6.7%) (p value<0.001).Moreover, prevalence of depression and anxiety are significantly higher among abnormal eating attitudes sufferers.(p value<0.001) With regard to demographic, there is no statistical significant difference between prevalence of abnormal eating attitudes based on parental education(under diploma and upper diploma) and carriers.*

*Conclusion: To the best of our knowledge, few studies have been done to assess abnormal eating attitudes in Iranian high-school boys with such a large sample size. In addition, the higher prevalence of obesity among sufferers could shed light for further researches on the issue that could be helpful in designing and implementing preventive health programs.*

*Keywords: abnormal eating attitudes, high school students, obesity*

# نگرش و عملکرد جامعه ایرانی نسبت به استئوپروز بررسی آگاهی،

محدثه اکابری[1]، محمود براتی[2]

۱- مشاور تغذیه، علوم پزشکی شهید بهشتی، علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲- مهندس، پدافند هوایی، آیت الله آملی، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** محدثه اکابری

**محور:**سایر

**زمینه و هدف:** پوکی استخوان یک بیماری منتشره استخوانی است که با کاهش توده استخوان و تغییر ساختمان میکروسکوپی نسج آن مشخص و منجر به افزایش شکنندگی استخوان می شود و به آن اپیدمی خاموش یا دزد خاموش می گویند با توجه به این که ایجاد رفتارهای بهداشتی ، نقش اصلی در پیشگیری از استئوپروز در سنین سالمندی ایفا میکند این مطالعه با هدف بررسی سطح آگاهی و نگرش و عملکرد جامعه ایرانی نسبت به استئوپروز انجام گرفته است.

**روش کار:** پژوهش حاضر یک مطالعه علمی ترویجی در خصوص سطح آگاهی جامعه ایرانی اعم از دانش آموزان ،دانشجویان، زنان و پرستاران نسبت به پوکی استخوان است، که به روش مرور مقالات چاپ شده در مجلات داخلی و خارجی معتبر در ۱۰ سال گذشته انجام گرفته است.

**یافته ها:** با توجه به بررسی های انجام شده در مقالات در گروه های مختلف هدف به نظر می رسد سطح آگاهی و نگرش و عملکرد افراد نسبت به استئوپروز ضعیف بوده و نیازمند مداخلات آموزشی منظم و برنامه ریزی های بهداشتی طبقه بندی شده جهت بهبود آگاهی و عملکرد آنها می باشد.

**نتیجه گیری:** پوکی استخوان بیماری شایع دوران سالمندی به خصوص در زنان است. به همین دلیل، ضرورت اجرای طرح های راهبردی پیشگیری از پوکی استخوان جهت کاهش بار اقتصادی ناشی از شکستگی ها و ناتوانی افراد و مرگ و میر متعاقب آن حائز اهمیت است. همچنین اجرای پروتکل های تغذیه ای به شکل مداخله ای نیازمند مشارکت سایر ارگانها و موسسات می باشد.

**کلمات کلیدی:** *Osteopenia, Osteoporosis, Preventive Behavior*

# A survey of knowledge,attitude and practice of Iranian society about osteoporosis

**Mohadeseh Akaberi, Mahmood Barati**

**Medical University of Shahidbeheshti, Tehran, Iran**

*Introduction: Osteoporosis is a diffuse disease with bone loss and changes in microscopic structure of bone tissue, leading to increased bone fragility is unknown and it is called silent epidemic or the silent thief. Due to the fact that health behaviors, plays a major role in the prevention of osteoporosis in old age , This study aimed to assess the knowledge, attitude and practice of Iranian society about osteoporosis has been done.*

*Methods: This study is a scientific study extension on the awareness of Iranian society, students, nursing women against osteoporosis That through a review of published articles in prestigious national and international journals in the past 10 years has been done.*

*Results: According to the studies in the literature on different target groups, it seems Knowledge and attitudes, the performance was poor compared to osteoporosis and Requires regular training and health programs and interventions to improve knowledge and functional classification.*

*Conclusion: Osteoporosis is a common disease of old age, particularly in women. For this reason, the necessity of strategic projects prevention of osteoporosis in order to reduce the economic burden of fractures and subsequent disability and mortality is important. The nutritional protocol requires the participation of other organizations and institutions is a form of intervention.*

# تدوین الگوی مراقبت زنان پس از زایمان در منزل و بررسی تاثیر آن برسلامت مادران

پرستو امیری[۱]، حوریه شمشیری میلانی[۲]، مریم محسنی[۲]، محمد علی حیدرنیا[۳]، کامبیز عباچی زاده[۳]، علیرضا ابدی[۳]

۱- طرح ضریب *k*، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، شهید بهشتی، تهران، ایران

۲- استادیار، علوم پزشکی شهید بهشتی، علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳- دانشیار، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** پرستو امیری

**محور:**سایر

**زمینه و هدف:** ارائه خدمات پس از زایمان، یکی از مهم ترین عوامل در پیشگیری از پیامدهای ناخواسته مادران است، ویزیت مادران در این برهه زمانی بسیار ضروری است. بدین منظور مطالعه حاضر به تدوین الگوی مراقبت مادران در منزل و بررسی تاثیر آن بر سلامت مادران در ایران پرداخت.

**روش کار:** این مطالعه در دو مرحله صورت گرفت. ابتدا با مطالعه تطبیقی و جمع بندی اطلاعات راهنمای مراقبت مادران در منزل در کشورهای مختلف و استفاده از نظرات صاحبنظران، الگوی واحدی تدوین و سپس کارآزمایی بالینی انجام شد. جامعه مورد مطالعه ۲۷۶ نفر از زنانی بودند که در بیمارستان های تابعه دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی وضع حمل کردند. در گروه مداخله ۹۲ نفر و ۱۸۴ نفر درگروه کنترل قرار گرفتند. برای گروه مداخله طبق این الگو خدمات ویزیت در منزل انجام شد، گروه کنترل این خدمات را دریافت نکردند.

**یافته ها:** در بررسی پیامدها در روز ۶۰ پس از زایمان، از نظر مصرف مکمل ها در مادر، استفاده از روش های پیشگیری از بارداری، افسردگی پس از زایمان، مشکلات پستان، یبوست و خستگی، تفاوت آماری معنی داری وجود داشت($P$ <۰/۰۵) ولی در مورد بستری مادران، عارضه هموروئید و پشت درد و کمردرد، دو گروه تفاوت آماری معنی داری نداشتند($P$ >۰/۰۵).

**نتیجه گیری:** ارائه مراقبت پس از زایمان در منزل، تاثیر مثبتی بر سطح سلامت و رضایت مندی مادران از ارائه خدمات دارد، بنابراین استفاده از این راهکار به مسوولان بهداشتی پیشنهاد می شود.

**کلمات کلیدی:** *Postpartum Care; Home Visit; Mother's Health; Women's Health; Postpart*

# Developing of take care of the postpartum women at home and assess the effect of the mother's health

*Parastoo Amiri [1], Hurieh Shamshiri Milani [2], Maryam Mohseni [2], Mohammed Ali Heidarnia [4], Kambiz Bachyzadeh[4], Ali Reza Abadi [4]*

*1. Coefficient k, Sabzevar University of Medical Sciences, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran*

*2. Assistant Professor, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran*

*4. Associate Professor, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran*

*Corresponding Author: Parasto Amiri*

*Introduction: Postpartum home care plays an important role in prevention of postpartum complications. Regular visits of mothers during this period are imperative. This study aimed to provide postpartum home care for mothers to assess its effects on mothers' health in Iran.*

*Methods: This study was carried out in two phases. First, a comprehensive postpartum home care program was complied by performing a comparative study, using the available guidelines in this regard in different countries and based on the opinions of the experts. Next, a clinical trial was carried out on 276 women who gave birth in the university hospitals affiliated to Shahid Beheshti University of Medical Sciences. There were 92 mothers in the intervention and 184 in the control group. The intervention group mothers were provided with postpartum home care service while the control group did not receive such a service.*

*Results: Outcome assessment at 60 days postpartum revealed a significant difference between the two groups in terms of use of supplements, birth control methods, postpartum depression, breast problems, constipation and fatigue (P0.05).*

*Conclusion: The postpartum home care program had a positive effect on the health status of mothers and their satisfaction. Thus, provision of this service is recommended.*

# رابطه بین سلامت روان دانش آموزان و گرایش به رفتارهای پرخطر

فهیمه میرزاخانی[۱]، زهرا عامری[۲]، نرگس خانجانی[۳]، امیر امینی[۴]، امیر رضا نبی پور[۵]

**نویسنده مسئول:** فهیمه میرزاخانی

۱-دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۲-دانشکده مامایی و پرستاری دانشگاه تهران، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۲- گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی دانشگاه علوم پزشکی کرمان

۳- دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۴- مرکز تحقیقات علوم عصبی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان

**محور:**سایر

**زمینه و هدف:** بروز رفتارهای پرخطر در جوامع، صدمات و آسیب‌های جبران ناپذیر برجا میگذارد. اغلب این نوع رفتارها در جمعیت نوجوانان و جوانان شیوع دارد. جهت پیشگیری و انجام اقدامات مداخله‌ای میبایست علل و عوامل تاثیرگذار جهت گرایش به رفتارهای پرخطر شناسایی و مورد بررسی قرارگیرند. پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط میان گرایش به رفتارهای پرخطر و سلامت روانی در میان دانشجویان دانشگاه آزاد پیشوا- ورامین صورت گرفت.

**روش کار:** مطالعه حاضر مطالعه مقطعی از نوع توصیفی- تحلیلی بوده است. نمونه آماری ۴۷۷ نفر از دانشجویان این دانشگاه با میانگین سنی ۲۲/۸۸ بوده است. این حجم نمونه بصورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای از بین دانشکده‌های دانشگاه انتخاب شده‌اند. جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه سلامت‌روانی و مقیاس گرایش به خطرپذیری جوانان جمع آوری شده است. داده ها در *SPSS-21* و با آزمون گشتاوری پیرسون، تحلیل واریانس یک طرفه و تی مستقل تحلیل شدند.

**یافته ها:** سطح بهزیستی روانشناختی با گرایش به خشونت ارتباط منفی معنی‌داری داشت. سطح درماندگی روانشناختی با گرایش به سیگار کشیدن، مصرف الکل و خطرپذیری جنسی همبستگی مثبت و قوی داشت.

**نتیجه گیری:** یافته های این تحقیق ضرورت مداخله در سنین جوانی در جهت افزایش سطح سلامت روانی، و در نتیجه کاهش گرایش به رفتارهای پرخطر و آسیب زننده را نشان میدهد.

**کلمات کلیدی:** *Risky Behavior, Psychological Well-Being, Psychological Distress*

# The relationship between students' mental health and tendency toward risky behavior

**FAHIMEH MIRZAKHANI[1], ZAHRA AMERI [2], NARGES KHANJANI[3], AMIR AMINI[4] AMIR REZA NABIPOUR[5]**

*1-Shahid Beheshti University of Medic ،South Tehran BranchIslamic Azad University ،Tehran ،IRAN*

*2- Shahid Beheshti University of Medic ،Nursing and Midwifery School, Tehran University o ،Tehran ،IRAN*

*3-Faculty of Public Health, Kerman Un ،Department of Biostatistics and Epidemiology, Facu ،Kerman ،IRAN*

*4- Shahid Beheshti University of Medic ،Shahid Beheshti University of Medical Sciences ،Tehran ،IRAN*

*5- Neuroscience Research Center ،Kerman University of Medical Sciences ،Kerman ،IRAN*

*Introduction: Background Risky behaviors can cause severe damage and consequences in communities. These behaviors are more prevalent among youths. Aim The aim of this study was to investigate the relationship between risky behavior and mental health in students attending a university in Tehran province, Iran.*

*Methods: This was a cross-sectional study. The participants were selected using multistage cluster sampling from the university faculties. In total 477 students completed the Youth Risk*

*Results: Psychological wellbeing had a significant negative correlation with tendency to violence. There was a strong significant correlation between psychological distress and smoking, drinking and sexualrisk-taking.*

*Conclusion: The results of this study showed that in order to decrease tendency to risky behavior among youths, interventions regarding mental health promotion should be conducted.*

# شیوع برونشیت مزمن و آسم در جمعیت آذرکوهورت

مهستی علیزاده[1]، دل آرا لاغوثی[2]، خلیل انصارین[3]، محمد اصغری جعفر آبادی[4]، نیره امینی ثانی[5]

۱- استاد، دانشکده علوم پزشکی تبریز، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۲- پزشک اجتماعی، مرکز تحقیقات عوامل موثر بر سلامت، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۳- استاد، مرکز تحقیقات ریه، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۴- دانشیار، دانشکده بهداشت، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۵- استادیار، دانشکده بهداشت، علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

**نویسنده مسئول:** دل آرا لاغوثی

**محور:**سایر

**زمینه و هدف:** برونشیت مزمن ، یک بیماری مزمن ریوی است که با وجود سرفه و دفع خلط به مدت حداقل ۳ ماه در عرض یکسال و در دو سال پیاپی، تشخیص داده می شود. هدف از انجام این مطالعه، بررسی شیوع برونشیت مزمن و آسم در بین بزرگسالان شهر خامنه بود

**روش کار:** جهت بررسی شیوع برونشیت مزمن در شهر خامنه، برای کل جمعیت ۳۵ ساله و بزرگتر ساکن در شهر خامنه ( ۱۰۰۶ نفر) پرسشنامه تشخیص بیماری های مزمن ریوی توسط پزشک عمومی پر شد. جهت بدست آوردن شیوع آسم از خودگزارش دهی افراد استفاده شد. شیوع برونشیت مزمن بین زنان و مردان با آزمون کای دو و ارتباط بین برونشیت مزمن، مصرف سیگار و جنسیت با آزمون رگرسیون لوجستیک محاسبه شد.

**یافته ها:** شیوع برونشیت مزمن در این مطالعه۳۸/۲ درصد و شیوع آسم۵/۲ درصد بدست آمد. شیوع برونشیت مزمن در مردان ۱/۴ درصد و در زنان ۹/۰ درصد بدست آمد. ۲/۷۹درصد افراد مبتلا به برونشیت مزمن مرد بودند ($OR=4/62$ و $P=0/003$). در بررسی ارتباط بین برونشیت مزمن و مصرف سیگارنتایج نشان داد که سابقه مصرف سیگار، شانس برونشیت مزمن را ۰۷/۹ برابر افزایش می دهد و سیگاری اخیر هم شانس برونشیت مزمن را ۸/۷ برابر افزایش می دهد.

**نتیجه گیری:** شیوع برونشیت مزمن در بزرگسالان شهر خامنه در مقایسه با شهرهای دیگراز جمله تهران و اصفهان پایین بدست آمد. یک علت آن می توانند آلودگی بیشترهوای شهرهای بزرگتر باشد.در این مطالعه هم مصرف سیگار ارتباط قوی با برونشیت مزمن داشت.

**کلمات کلیدی:** برونشیت مزمن، آسم، شیوع، پرسشنامه

# Prevalence of Chronic Bronchitis and Asthma in Azar- Cohort Population

*Mahasti Alizadeh [1], Delara Laghusi [2], Khalil Ansarin[3], Mohammad Asghar Jafari Abadi [4], Nayyereh Amini Sani [5]*

*1 Professor, Faculty of Medical Sciences, Tabriz, Iran*

*2. community Medicine group, Research Center of social determinant of health of Tabriz Medical Sciences, Tabriz, Iran*

*3. Professor, Pulmonary Research Center, Medical Sciences, Tabriz, Iran*

*4. Associate Professor, School of Public Health, Medical Sciences, Tabriz, Iran*

*5. Assistant Professor, School of Public Health, Medical Sciences, Tabriz, Iran*

*Corresponding Author: Delara Laghusi*

*Introduction: Chronic bronchitis is defined as cough and sputum production for at least 3 month in each of two consecutive years. The aim of this study was to assess the prevalence of chronic bronchitis and Asthma in Khamaneh city's adults.*

*Methods: The estimation of the prevalence of chronic bronchitis and Asthma in adult was conducted on all residents of Khameneh city who were 35 and older (approximately 1006 person) using questionnaire that filled out by general physicians. The prevalence of Asthma was obtained by self- reported information. The prevalence of chronic bronchitis between male and female is calculated by $\chi 2$ test. Logistic regression was applied to evaluate relationship between chronic bronchitis, smoking and gender.*

*Results: In the present study the prevalence of chronic bronchitis was 2.38 percent and Asthma was 2.5 percent. The prevalence of chronic bronchitis was 4.1 and 0.9 percent in male and female, respectively. Seventy-nine percent of individuals who had chronic bronchitis were male (OR=4.62, P=0.003). Smoking history is increased the chance of chronic bronchitis to 9.07 and current smoking is increased to 7.8 times.*

*Conclusion: The prevalence of chronic bronchitis in adults of Khameneh city was low in comparison to other cities of Iran such as Esfahan and Tehran. One reason for this difference may be high air pollution of big cities. In our study the same as other studies, smoking has strong relationship to chronic bronchitis.*

*Keywords: Chronic bronchitis, Asthma, Prevalence, Questionnaire*

# چگونه سیستم ثبت ستون فقرات ایران را راه اندازی کردیم؟

زهرا آزاد[1]، وفا رحیمی موقر[2]

۱- معاون پژوهشی، مرکز تحقیقات تروما و جراحی سینا، ع پ تهران، تهران، ایران

۲- استاد، مرکز تحقیقات تروما و جراحی سینا، ع پ تهران، تهران، ایران

**نویسنده مسئول:** زهرا آزاد

**محور:**سایر

**زمینه و هدف:** هدف ما از راه اندازی سیستم ثبت ضربه نخاعی و ستون فقرات ایران بررسی کیفیت مراقبت می باشد نه اپیدمیولوژی.

**روش کار:** ۱-جست و جوی ثبت مشابه در جهان: ثبت آر اچ آی ونکوور کانادا، سازمان بهداشت جهانی.۲-بحث متمرکز گروهی/فردی با همکاران خارجی و داخلی. ۳-شمول ثبت: ضربه نخاع نه آسیب نخاع به علل غیر ضربه مثل تومور عفونت التهاب مادرزادی و دژنراتیو. ۴-ثبت آینده نگر نه ثبت ۱۸۳۰۱ بیمار نخاعی تحت پوشش بهزیستی. ۵-شمول ثبت شکستگی دررفتگی ستون فقرات. ۶-از بالای گردن تا دنبالچه. ۶-ضربه حاد (ماه اول).۷-نرم افزار هوشمند ۸-ثبت دموگرافی (تلفن متعدد بیمار) ۹-نوع شکستگی ۱۰-نقیصه عصبی حسی-حرکتی ۱۱-پرسشنامه های (درد، زخم، کیفیت زندگی و اسپاستیسیته) مرحله مزمن نیازمند بستری مجدد.

**یافته ها:** سه بیمارستان سینا، فیروزگر و پورسینای رشت انتخاب شدند. در تهران، آموزش پرستار ثبت کننده (ثبات) بیشتر از رشت بود، ثبات فقط کار ثبت میکرد نه کشیک پرستاری، مستقیم ثبات به ازای هر مورد پول دریافت میکرد نه پرداخت به مرکز تحقیقات. میزان بیماران شناسایی شده در رشت کمتر از تهران بود. از نظر کامل بودن، تدوام و دقت در رشت پایین تر بود. ضعفهای سیستم ثبت: عدم پیگیری بیماران، عدم ثبت اجباری تصویربرداریهای تشخیصی و عدم ثبت زمان بندی شده عوارض. اصلاح در قالب پروژه.

**نتیجه گیری:** آموزش بیشتر پرستار ثبت کننده، هماهنگی بین مراکز، اختصاصی برای ثبت کار کردن و پرداخت مستقیم به ثبات، توسعه بر اساس آماده بودن زیر ساخت ها اولویت ما میباشد. ضمنا معیار ارزیابی شدت آسیب (آی اس اس) در ثبت گنجانده میشود.

**کلمات کلیدی:** *Development, national, spinal cord, column, fracture, injury, registry*

# How we developed national spinal (cord and column) injury registry of Iran(NSCIR-IR)?

**Zahra azad,Vafa rahimimoaghar**

*Sina Trauma and Surgery Research Center, Tehran University of Medical Sciences*

*Introduction: Our object of national spinal (cord and column) injury registry of Iran (NSCIR-IR) was quality of care not epidemiology or policy making.*

*Methods: 1.Literature search: RHI, WHO; 2.Hospital-based not population-based; 3.Prospective not on 18,301 registered individuals with spinal cord injury (SCI) partially supported by welfare organization; 4.Acute (First month) before chronic; 5.Follow-up based on the complications need re-hospitalization until death; 6.Cover iatrogenic cases of spine fractures/dislocations; 7.Exclude all cases of non-traumatic SCI from tumor to degenerative, inflammatory, infective, demyelinating and congenital; 8.From O-C1 to coccyx. 9.Multidisciplinary specialties; 10.Decision: Focus group or one to one discussion with internal and external specialists. 11.Demographic variables and multiple telephone numbers; 12.Quality of care variables; 13.Fracture type based on the validated AOSpine classification; 14.American spinal injury Association impaired Scales (AIS); 15.Developed intelligent software. 16.Different questionnaires for chronic cases such as health-related quality of life, pain, spasticity and pressure sores.*

*Results: In pilot phase, we had three hospitals (Sina, Firouzgar, Poursina of Rasht). Our training of registrar and our communication was not good in other city. Dedicated registrar is necessary and direct supervision for payment to registrar not research center is highly suggested. Our case identification rate, completion rate, consistency, and accuracy were different in centers. Other important deficits: Lack of variable to show severity of multiple trauma (Injury Severity Score: ISS); lack of trend registration for complications; lack of registration of diagnostic imaging; plan: Correction in independent projects.*

*Conclusion: Plan: Prepare better educational services for registrars; resource-oriented increase of centers.*

# ارزیابی دانش و نگرش دانشجویان پزشکی در رابطه با ایدز

ملیحه دادگر مقدم[1]، حکیمه باصری[2]، شبنم نیرومند[3]

۱- استادیار، دانشکده پزشکی مشهد، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- دستیار، دانشکده پزشکی مشهد، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- استادیار، دانشکده پزشکی مشهد، علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

**نویسنده مسئول:** شبنم نیرومند

**محور:**سایر

**زمینه و هدف:** دانشجویان پزشکی به دلیل جایگاهی که در نظام سلامت دارند، در برنامه های پیشگیری از ایدز دارای جایگاه ویژه ای هستند. هدف این مطالعه بررسی دانش و نگرش دانشجویان پزشکی در رابطه با بیماری ایدز است.

**روش کار:** این مطالعه مقطعی در میان دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در نیمه دوم سال ۲۰۱۶ انجام شد. ۲۰۲ دانشجوی پزشکی در ۴ مقطع تحصیلی با تکنیک نمونه گیری تصادفی خوشه ای طبقه بندی شده انتخاب شدند. پرسشنامه سازمان جهانی بهداشت در رابطه با بررسی دانش و نگرش مرتبط با ایدز به کار گرفته شد. برای مقایسه متغیرهای پیوسته بعد از بررسی نرمالیته تستهای آماری *one-way-Anova* یا کروسکالوالیس مورد استفاده قرار گرفت.

**یافته ها:** میانگین سنی افراد مورد مطالعه ۲۲,۳۱+۲,۹۷ سال بود. ۶۵,۷٪ شرکت کنندگان مذکر و ۷۷,۴٪ مجرد بودند. بطور کلی دانشجویان پزشکی دانش عمومی خوبی در مورد ایدز داشتند. ۲۸,۹-۹۸٪ شرکت کنندگان به سوالات این بخش صحیح پاسخ داده بودند. در قسمت آگاهی از راههای انتقال تا حدودی تصورات اشتباه در مورد بعضی از راههای انتقال بیماری وجود داشت. ۱۵,۶-۹۸,۵٪ شرکت کنندگان به سوالات این قسمت صحیح پاسخ دادند. بیشتر دانشجویان دارای نگرش مثبت نسبت به بیماران مبتلا به ایدز بودند و ۷۴-۹۸,۲٪ به سوالات این قسمت پاسخ صحیح دادند. دانشجویان، کتاب و بعد تلویزیون را به عنوان مهمترین منبع کسب اطلاعات مرتبط با ایدز عنوان کردند.

**نتیجه گیری:** برنامه های آموزشی مرتبط با ایدز با تاکید بر راههای انتقال بیماری و مواجهه موثر با بیماران مبتلا به ایدز برای دانشجویان پزشکی بسیار مهم است.

**کلمات کلیدی:** دانش، نگرش، دانشجوی پزشکی، ایدز، سندرم نقص ایمنی اکتسابی

# Assessment of medical students' perceptions of HIV/AIDS

***Maliheh Dadgarmoghaddam1,Hakime baseri[2], Shabnam niroumand[3]***

***1. Assistant Professor of Community Medicine, Department of Community Medicine, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran.***

***2. Resident of Community Medicine, Department of Community Medicine, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran.***

***3. Corresponding Author: Assistant Professor of Community Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran.,***

*Introduction: Iran is estimated to have about 73000 (50000-130000) people living with human immune deficiency virus (HIV) by end of 2015. Medical students are of special emphasis in agenda setting against Acquired Immunodeficiency Syndrome (AIDS).The aim of this study was to assess the Knowledge and attitudes of medical students to HIV/AIDS.*

*Methods: This cross-sectional study was conducted among medical students in Mashhad, Iran in the second half of the year 2016. A stratified cluster random sampling technique was used to select 240 students in 4 courses of medical education. The world health organization's instrument was used for assessing knowledge and attitudes about HIV/AIDS. To compare continuous variables between four study groups, one-way ANOVA or Kruskal-Wallis test were used, after assessing the condition of normality.*

*Results: The mean age of the subjects was 22.31+2.97 years. Most of them were male (65.7%) and 77.4% were single. Medical students had almost good general knowledge about HIV/AIDS. 28.9-98% answered correctly to this section. In transmission knowledge section there were to some extent misconceptions about the routes of transmission and 15.6- 98.5% answered correctly.The majority of students had positive attitudes toward HIV/AIDS, and 74-98.2% of respondents answered correctly to this part. The respondents determined books and then television as their most important source of information about AIDS.*

*Conclusion: Educational HIV/AIDS programs for medical students considering accurate transmission information about HIV/AIDS and effective occupational exposure with HIV/AIDS patients are important. Also, more effort should be done for interpreting knowledge to prevention measures.*

*Keywords: Knowledge, Attitude, medical students, HIV, acquired immune deficiency*

# الگوی متیلاسیون *DNA* در سرطان پستان

حسین دهداری[۱]، فاطمه مرادیان[۲]، علی برزگر[۳]، محمد علی ابراهیم زاده[۴]

۱- مجری، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ، علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ساری، ایران

۲- همکار، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ، علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ساری، ایران

۳- استاد راهنما، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ، علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ساری، ایران

۴- دانشگاه علوم پزشکی مازندران، علوم پزشکی مازندران، ، ایران

**نویسنده مسئول:** حسین دهداری

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** سرطان پستان عامل اصلی مرگ و میر ناشی از سرطان در زنان میان سال است. سموم کشاورزی به عنوان گروهی مهم از زنوبیوتیک ها در شمال کشور به طور گسترده استفاده می شوند ثابت شده می-تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر روی اپی ژنوم تاثیر بگذارد. یکی از اصلی ترین سیتوکروم های *P450* خارج کبدی خانواده فاز *I* آنزیم های سم زدایی است. ناحیه ۵′ تنظیمی پروموتر واجد جزیره *CpG* می باشد که با متیلاسیون *DNA* منجربه سرکوب بیان ژن می شود.

**روش کار:** وی متیلاسیون دی نوکلئوتید های *CpG* در ناحیه ۵′ تنظیمی ژن بیماران مبتلا به سرطان پستان مورد بررسی قرار گرفت. یک جفت بافت سرطانی و بافت سالم مجاور آن از هر بیمار تحت جراحی جدا شد. *DNA* ژنمومی با روش فنل-کلروفرم استخراج و بعد از تبدیل بیسولفیت با *PCR* تکثیر شد. درصد متیلاسیون هر *CpG* محاسبه و تفاوت میزان متیلاسیون بین بافت سرطانی و سالم با آزمون من-ویتنی *U-test* بررسی شد.

**یافته ها:** افته ها نشان داد دی نوکلئوتیدهای *CpG* منطقه ۱۰۸۰- تا ۳۱۶- متیله نشده. اما نواحی دیگر از ۱۷۳۵- تا ۱۱۰۳- دارای میزان متیلاسیون متغیر است. بررسی های آماری نشان می دهد تفاوت معنی داری در متیلاسیون این ناحیه بین بافت سرطانی و نرمال وجود دارد به ویژه، جایگاه های ۱۳۳۴- *(P value = 0.021)*، ۱۳۲۷*(P value =0.021)* - و ۱۳۱۶- *(P value = 0.043)* که تفاوت بیشتری نشان می دادند.

**نتیجه گیری:** متیلاسیون *DNA* منطقه ۱۷۳۵- تا ۱۱۰۳- در ناحیه تنظیمی ژن ممکن است در بروز سرطان تاثیر مثبت داشته باشد و ممکن است مسئول کاهش بیان ژن در بافت سرطانی پستان که قبلا در بیماران سرطان پستان مشخص شده است باشد.

**کلمات کلیدی:** اپی ژنتیک، جزایر *CpG*، سرطان پستان، متیلاسیون

# Model of DNA Methylation in Breast Cancer

*Hussein Dehdari [1], F Moradian [2], A. Barzegar [3], Mohammad Ali Ebrahimzadeh [4]*

*1. The presenter, University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Agricultural Sciences and Natural Resources Sari, Sari, Iran*

*2. collaborator, University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Agricultural Sciences and Natural Resources Sari, Sari, Iran*

*3. Supervisor, University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Agricultural Sciences and Natural Resources Sari, Sari, Iran*

*4. Mazandaran University of Medical Sciences, Medical Sciences, Mazandaran, Iran*

*Corresponding Author: Hussein Dehdari*

*Introduction: Breast cancer is the leading cause of cancer related death in middle-aged women. Pesticides as a group of important xenobiotics are widely used in the north of Iran and it was proved that can directly or indirectly affect the epigenome. is one of the main extrahepatic cytochrome P450 family of phase I detoxifying enzymes. The 5' regulatory promoter region of contains CpG islands which is subject to DNA methylation leading to suppress mRNA expression.*

*Methods: he CpG dinucleotides methylation pattern of 5' regulatory region of gene was evaluated in patients with breast cancer. A paired cancerous as well as its neighboring healthy tissues were dissected from each patient. Genomic DNA was extracted using phenol-chloroform method and subjected to PCR amplification following bisulfite conversion. The methylation percentage of each CpGs were calculated and statistically analyzed by Mann-whithney U-test to determine methylation variation between cancerous and healthy tissues.*

*Results: Results showed that CpG dinucleotide present in -1080 to -316 region are not methylated. But, those present in region -1735 to -1103 have variable methylation rates. Statistical analysis showed significant differences of methylation rates between cancerous and normal tissues in this region. Specially, CpG sites including -1334 (P= 0.021), -1327 (P= 0.021), and -1316 (P= 0.043) showed more variation.*

*Conclusion: DNA methylation of -1735 to -1103 5' regulatory region ofgene may have positive influence in breast cancer incidence. it may be responsible for lower expression in cancerous tissues as previously detected in breast cancer patients.*

# تاثیر حرکات ایروبیک بر اضطراب کودکان مبتلا به سرطان

زهرا عبادی نژاد[1]، محمد رضا جانی جانی[2]، محمد رضا رزم آرا[3]

۱- هئیت علمی، دانشکده پرستاری قائن، علوم پزشکی بیرجند، قائن، ایران

۲- مربی آموزشی، دانشکده پرستاری قائن، علوم پزشکی بیرجند، قائن، ایران

۳- هئیت علمی، دانشکده پرستاری قائن، علوم پزشکی بیرجند، قائن، ایران

**نویسنده مسئول:** زهرا عبادی نژاد

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** سرطان از بیماری های مزمن و رو به افزایش در دوران کودکی است که پیامدهای زیادی را به دنبال دارد، یکی از پیامدها اضطراب می باشد. این پژوهش با هدف، تعیین تاثیر حرکات ایروبیک بر اضطراب کودکان مبتلا به سرطان انجام شد.

**روش کار:** این پژوهش یک مطالعه نیمه تجربی بود. جامعه پژوهش کودکان ۷ تا ۱۲ ساله مبتلا به سرطان بودند که در بخش انکولوژی یکی از بیمارستان‌های مختص به کودکان وابسته به دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۹۳ بستری بودند. نمونه گیری به شیوه در دسترس انجام شد. ۳۱ کودک که بر اساس پرسش نامه اضطراب اشپیل برگر که اضطراب خفیف داشتند، وارد مطالعه شدند. سپس حرکات ایروبیک به مدت ۴۵ دقیقه در اتاق بازی طی ۶ جلسه انجام شد. روز پایانی مداخله (روز ششم) و سه هفته بعد مجددا با خواندن عبارات پرسشنامه برای کودکان تکمیل شد. داده ها با استفاده از آزمون های آنالیز واریانس با اندازه های مکرر، آزمون تی مستقل، ضریب همبستگی پیرسون و آنالیز واریانس یک طرفه تحت نرم افزار *SPSS 18* مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند

**یافته ها:** یافته های پژوهش نشان داد که میانگین نمره اضطراب کودکان قبل از شروع مداخله، روز پایانی مداخله و سه هفته بعد به ترتیب (۱۱/۳±۱۵/۲۵)، (۸۱/۱±۵۷/۲۱) و(۶۲/۵±۰۴/۲۰) بود که این تفاوت، معنی داری بود ($p$<۰۰۱/۰) .

**نتیجه گیری:** نتایج حاضر بیانگر این است که حرکات ایروبیک به عنوان یک مداخله غیر دارویی سبب کاهش اضطراب کودکان مبتلا به سرطان شد. لذا استفاده از آن جهت برقراری سلامت و شادابی کودکان بستری توصیه می شود.

**کلمات کلیدی:** حرکات ایروبیک-اضطراب- کودکان مبتلا به سرطان

# The Effect of aerobics on anxiety mild in Children with Cancer

*Zahara Ebadi Nejad [1], Mohammad Reza Jan Jany [2], Mohammad Reza Razmārā [1]*

*1. Faculty member, School of Nursing of Birjand Medical Sciences, Qain, Iran*

*2. Training Instructor, School of Nursing of Birjand Medical Sciences, Qain, Iran*

*Corresponding Author: Zahara Ebadi Nejad*

*Introduction: Cancer is one of the chronic diseases in children that has many psychological outcomes one of these consequences is anxiety. This study was conducted to determine the effect of aerobics on mild anxiety in children with cancer*

*Methods: The current research was a quasi-experimental study. population was all of the 7-12 years old children with cancer who were hospitalized in the oncology ward of the one of the hospitals in Tehran in 2014. anxiety in children was measured through Spielberger Anxiety Questionnaire and 31 eligible children were selected through convenience sampling. Intervention was done as 6 group sessions of 45 minutes with the implementation of aerobics in playroom.Anxiety of children was measured again in the last day of intervention (sixth day) and also three weeks later. The data were analyzed through using repeated measures ANOVA, independent T-test, Pearson's correlation and one-way ANOVA in the SPSS 18.*

*Results: The results showed that the mean score of Anxiety in children has significantly decreased after the intervention (21/57±1/81) and 3 weeks later (20/04±5/62) in compare with the before the intervention (25/15±3/11) ($P < 0.001$).*

*Conclusion: The results revealed that the aerobics can reduce the mild Anxiety in children with cancer. Therefore, it is recommended to restore the health and vitality of hospitalized children.*

*Keywords: aerobics,anxiety,children with cancer*

# در بیماران مبتلا به سرطان (HIPEC)ارزیابی اثربخشی بالینی شیمی درمانی داخل صفاقی هایپرترمیک پیشرفته معده: مرور نظام مند بر مطالعات مرور نظام مند

بیتا لشکری۱، مجتبی نوحی۲، محمد جواد کیان۳، محمد هشیاری۴، رضا جهانگیری۵، روح اله لک۶

۱- کارشناس، وزارت بهداشت، شهید بهشتی، تهران، ایران

۲- دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی ، ایران، تهران، ایران

۳- هیئت علمی، پژوهشکده سلامت صنعت نفت، علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۴- هیئت علمی، بیمارستان شهدای تجریش، شهید بهشتی، تهران، ایران

۵- کارشناس، ستاد مرکزی هلال احمر، ایران، تهران، ایران

۶- کارشناس، شبکه بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اصفه، علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: بیتا لشکری محور:سرطان ها

**زمینه و هدف:** این مطالعه به منظور تعیین اثربخشی بالینی شیمی درمانی داخل صفاقی هایپرترمیک در درمان سرطان های پیشرفته معده طراحی شده است.

**روش کار:** پایگاه های اطلاعاتی ***PubMed***، ***Cochrane***، ***trip database***، ***CRD*** و گوگل اسکالر تا پایان سال ۲۰۱۶، جستجو شد. مرورهای نظام مندی که به بررسی اثربخشی ***HIPEC*** در مقایسه با عمل جراحی تنها در مبتلایان به سرطان معده پرداخته بودند، وارد مطالعه شدند. محدودیت زبان در این مطالعه اعمال نشد. کیفیت مطالعات توسط دو پژوهشگر به صورت مستقل ارزیابی شد. پیامدهای مورد سنجش، میزان بقای اختصاصی و بقای کلی بود.

**یافته ها:** : سه مرور نظام مند (***RCT=37, n=4129***)، معیارهای ورود و خروج مطالعه را داشتند. کارآزمایی های وارد شده در مطالعات هم¬پوشانی داشتند. در یکی از این مطالعات (***n=1161 RCT=11***) ، میزان مرگ در بیماران دریافت کننده ***HIPEC*** در مقایسه با کنترل به طور معناداری (***OR=0.51, CI=0.40-0.65***)پایین تر بود. در مطالعه دیگر( ***RCT= 10, n=1062***)، میزان بقا در بیماران دریافت کننده ***HIPEC*** به طور کلی(***RR= 0.73, CI= 0.64 0.83, P<0.00001***) ) و در زیرگروه های دریافت کننده میتومایسین ***C RR=0.75, CI=0.65-0.86, P<0.00001***)) و ۵-فلورواوراسیل (***RR=0.69, CI= 0.52-0.9***) بهبود داشت. مطالعه دیگر (***RCT=16, n=1906***)، میزان بقای یکساله (***HR=2.9, CI= 2.21-4.05***) ، دوساله (***HR=2.43, CI= 1.81-3.26***) ، سه ساله(***HR=2.63, CI= 2.17-3.2***)، پنج ساله (***HR=2.45, CI= 1.97-3.14***)، نه ساله(***HR=2.14, CI=1.38-3.32*** ) و همچنین میزان عود موضعی ۲، ۳ و ۵ ساله تومور در دریافت کنندگان ***HIPEC*** به طور معناداری بهتر نشان داد.

**نتیجه گیری:** میزان بقا در مبتلایان به سرطان معده با استفاده از فناوری شیمی درمانی داخل صفاقی هایپرترمیک بهبود می یابد.

**کلمات کلیدی:** شیمی درمانی داخل صفاقی هایپرترمیک، سرطان معده

# Assessment of the Clinical effectiveness of hyperthermic intraperitoneal chemotherapy (HIPEC) for patients with advanced gastric cancer: a comprehensive review of systematic reviews

*Bita lashkari [1], mojtaba nouhi [2], mohammad javad kian[3], mohammad houshyari[4], reza jahangiri[5], roholah lak[6]*

1. *Bita Lashkari. MD, Ministry of health, Tehran, Iran*
2. *Mojtaba Nouhi, PHD Student in Health Economic, IRAN University of Medical Science, Tehran, Iran*
3. *Mohammad Javad Kian.MD, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran*
4. *Mohammad Houshyari, Associated professor in Oncology, Shahid Beheshti University of Medical Science, Tehran, Iran*
5. *Reza Jahangiri, MS in Health Economic, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran*
6. *Roholah Lak, Ms in Health Technology Assessment, Tehran University of Medical Science, Tehran, Iran*

**Correspond author: Bita Lashkari*

*Introduction: To determine the clinical effectiveness of hyperthermic intraperitoneal chemotherapy for patients with advanced gasteric cancer.*

*Methods: We searched PubMed, Cochrane Library, CRD, trip database and Google Scholar up to December 2016. We included systematic review studies which focused on clinical effectiveness of HIPEC compared with surgery alone in patients with advanced gastric cancer. No language restriction was considered. Assessment of methodological quality of all included studies was evaluated by two independent reviewers. The outcomes of interests were disease specific survival and overall survival.*

*Results: Three systematic reviews (37 trials with 4129 participants) met the criteria. The selected studies were overlapped in trials. In One of these studies (RCT=11, n=1161) mortality rate in patients receiving HIPEC, was significantly lower (OR= 0.51, 95% CI = 0.40-0.65) than control group. The other study (RCT=10, n= 1062) showed significant improvement in survival in HIPEC compared to surgery alone (RR=0.73, 95% CI= 0.64-0.83) as well as in the mitomycin C (RR =0.75, 95% CI 0.65-0.86) and the 5-FU subgroups (RR =0.69, 95% CI= 0.52-0.90). In another included study (RCT=16, n=1906), HIPEC was associated with a significant improvement in survival rate at 1 (HR= 2.9, 95% CI= 2.21- 4.05), 2 (HR= 2.43, 95% CI=1.81- 3.26), 3 (HR=2.63, 95% CI= 2.17-3.20), 5 (HR= 2.49, 95% CI= 1.97- 3.14), and 9 years (HR= 2.14, 95% CI= 1.38- 3.32) and also significant decrease in local tumor recurrence within 2, 3 and 5 years of follow up.*

*Conclusion: The survival of patients with gastric cancer will improve with hyperthermic intraperitoneal chemotherapy.*

*Keywords: Hyperthermic intraperitoneal chemotherapy, gastric cancer*

# اثرات مصرف الکل بر ژن و پروتئین *XRCC1:* عوامل تهدید کننده سلامت ارگان های حیاتی بدن انسان

سید علیرضا میرصانع[1]، سید مجتبی میرصانع[2]

۱- مجتمع ۱۵ خرداد، قم، ایران

۲- مدرس، اصفهان، ایران

**نویسنده مسئول:** سید علیرضا میرصانع

**محور:**سرطان ها

**زمینه و هدف:** پروتئین *X-ray repair cross-complementing 1 (XRCC1)* بوسیله ی ژن *XRCC1* کد می گردد و نقش مهمی در ترمیم صدمات وارد شده بر *DNA* دارد.هدف از این مطالعه بررسی اثرات الکل بر ژن و *X-ray repair cross-complementing 1 (XRCC1)* در ارتباط با ایجاد مشکل برای اندامهای حیاتی بود.

**روش کار:** روش کار بررسی مطالعات انجام شده در این زمینه با جستجو در پایگاه های *PubMed, Ovide ,Elsevier and ProQuest.Studies* بود.

**یافته ها:** محققان نشان دادند که خطر جدی در افراد با آلل *Arg399Gln* و مصرف الکل وجود دارد. همچنین اظهار داشتند که اعتیاد به نوشیدن الکل می تواند فعالیت پروتئین *XRCC1* را با ایجاد پلی مورفیسم کاهش دهد.در تحقیقات متا آنالیز، محققان به این نتیجه رسیدند که پلی مورفیسم *Arg399Gln* در ژن *XRCC1* با استعداد ابتلا به بیماری عروق کرونری مرتبط است و این پلی مورفیسم در رشد و گسترش هپاتوسلولار کارسینوما دخیل است و ممکن است مارکرهای پیش بینی مفیدی در این بیماری باشند . بعلاوه، محققان گزارش داده اند که پلی مورفیسم مذکور با افزایش خطر سرطان ریه ارتباط دارد و پلی مورفیسم *Arg399Gln* در ژن *XRCC1* را می توان به عنوان یک ریسک فاکتور برای وقوع گلیوما دانست .

**نتیجه گیری:** پلی مورفیسم *Arg399Gln* در ژن *XRCC1* باعث کاهش فعالیت پروتئین *XRCC1* است. اعتیاد به الکل مسئله بسیار مهمی برای ایجاد و توسعه مشکلات مرتبط با این اختلال میباشد.بنابراین عدم مصرف الکل یک روش مطلوبی برای ارتقای سلامت اجتماعی است.

**کلمات کلیدی:** الکل , پروتئین *XRCC1,* ارگان های حیاتی

# The effects of alcohol on XRCC1 gene and protein: health problems of the human body vital organs

*Myrsane Seyed Alireza [1], Myrsane Seyed Mojtaba [2]*

*1. Association 15 Khordad, Qom, Iran*

*2. Professor, Isfahan, Iran*

*Corresponding Author: Myrsane Seyed Alireza*

*Introduction: : X-ray repair cross-complementing 1 (XRCC1) protein is encoded by XRCC1 gene and it has a significant role in the DNA damage repair. Our aim was efficiency checking of the effects of alcohol consumption on the gene and protein XRCC1in relevance to health of human body vital organ.*

*Methods: We did a review of studies identified by searching PubMed, Elsevier and Google scholar.*

*Results: Researchers indicated that there is a serious risk in persons with Arg399Gln allele and alcohol consumption. Also, they stated that alcoholism can decrease activity of XRCC1 protein via polymorphism occurrence. In a meta-analysis studies, researchers concluded that the gene polymorphism of XRCC1 Arg399Gln are associated with coronary artery disease susceptibility and this polymorphism is involved in development of hepatocellular carcinoma and it may be helpful prognosis markers in this disease. Furthermore, scholars have been reported that mentioned polymorphism has association with increase of lung cancer risk and XRCC1 Arg399Gln polymorphism can be as a risk factor for glioma occurrence.*

*Conclusion: XRCC1 Arg399Gln polymorphism is reducer of XRCC1 protein activity. As mentioned above, alcoholism is a very important matter to creation or development of mentioned problems linked to this polymorphism. So lack of alcohol consumption is favorable way for promotion of social health.*

# ارزشیابی تأثیر برنامه آموزش اصلاح سبک زندگی مرتبط با چاقی (بعد فعالیت فیزیکی) در دانش آموزان دارای اضافه وزن مقطع ابتدایی شهر اصفهان

شراره حقانی[1]

۱- مربی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

**نویسنده مسئول:** شراره حقانی

**محور:**چاقی

**زمینه و هدف:** اضافه وزن و چاقی یکی از مشکلات بهداشتی - تغذیه‌ای در جهان و ایران است. این مشکل با سرعت بیشتری در کودکان و نوجوانان مشاهده می‌شود.هدف ازمطالعه ی حاضر، تعیین تأثیر آموزش اصلاح سبک زندگی در بعد فعالیت فیزیکی در دانش آ موزان دارای اضافه وزن پسر مقطع ابتدایی شهراصفهان در سال ۱۳۹۴ بود.

**روش کار:** در یک مطالعه نیمه تجربی دو مدرسه مقطع ابتدایی ناحیه ۳ شهر اصفهان به تصادف جهت انتخاب گروههای مداخله و مقایسه در نظر گرفته شده اند وسپس از هر مدرسه به تصادف ۳۲ دانش آموز (مجموعأ ۶۴ نفر) به شکل تصادفی انتخاب و وارد مطالعه شدند پرسشنامه استاندارد تعیین رفتارهای فیزیکی قبل از مداخله توسط دانش آموزان تکمیل گردید آموزش در ۴ جلسه برای گروه مداخله برگزار شد یک و چهار ماه بعد از مداخله آموزشی پرسشنامه ها مجددأ توسط دانش آموزان تکمیل گردید.اطلاعات وارد نرم افزار نسخه ۲۰ گردید و با آزمونهای آماری در سطح معنی داری کمتر از ۰,۰۵ مورد تحلیل قرار گرفت.

**یافته ها:** نتایج مطالعه نشان داد که میانگین نمره ی سبک زندگی در بعد فعالیت فیزیکی یک وچهار ماه بعد از آموزش بین گروه مداخله ومقایسه تفاوت معناداری داشت $(p < 0.001)$. درصورتیکه قبل ازمداخله این تفاوت معنادار نبود.

**نتیجه گیری:** آموزش سبک صحیح زندگی در بعدفعالیت فیزیکی به دانش آموزان دارای اضافه وزن مقطع ابتدایی سبب بهبود رفتارهای فیزیکی آنان گردید .بنابراین، استفاده از چنین مداخلاتی برای پیشگیری از عوارض افزایش وزن در کودکان توصیه میشود.

**کلمات کلیدی:** آموزش، سبک زندگی، اضافه وزن، پسران دانش آموز

# Evaluate the effectiveness of lifestyle modification for obesity (physical activity) in overweight elementary school students in Isfaha

*Sharareh. Haqqani* [1]

**1. Clinical instructor, , Isfafahan university of Medical Sciences, Isfahan, Iran**

***Corresponding Author: Sharareh. Haqqani***

*Introduction: The overweight and obesity issue is regarded as one of health and nutrition issues worldwide. This is immediately recognizable in both children and adolescents. This study attempted to determine effects education about lifestyle modification related to physical activity could have on elementary school students in Isfahan in 1394.*

*Methods: In a quasi-experimental study, two elementary schools in Isfahan District 3 were randomly selected in order to determine the intervention and comparison groups. Subsequently, 32 students from each school, 64 in total, were chosen arbitrarily and included in the study. They filled out the standardized questionnaire of physical activity before the intervention. Subsequent to one and four months' educational intervention, they were asked to fill out the questionnaires once more. The data were entered into the SPSS software program, version 20, and analyzed by using statistical tests ($p < 0.05$).*

*Results: the average of the lifestyle scores related to physical activity after one and four months' education showed a significant difference between the groups ($p < 0.001$). However, this difference was not significant before the intervention.*

*Conclusion: Providing overweight elementary school students with education about a healthy lifestyle related to physical activity improves the general lifestyle related to physical activity. Therefore, it is recommended that such interventions be applied in order to prevent the complications of overweight among children.*

*Keywords: Education, Lifestyle, Overweight,Boy students*

# ارزشیابی تأثیر برنامه آموزش بهداشت بر سبک زندگی مرتبط باتغذیه، در دانش آموزان دارای اضافه وزن شهر اصفهان

شراره حقانی[1]

۱- مربی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

**نویسنده مسئول:** شراره حقانی

**محور:**چاقی

**زمینه و هدف:** سازمان جهانی بهداشت مشکل اضافه وزن وچاقی را یکی از مشکلات اساسی در عرصه بهداشت بیان نموده است که عامل افزایش دهنده بیشتر بیماریها ست .هدف ازمطالعه ی حاضر، تعیین تأثیر آموزش اصلاح سبک زندگی مرتبط با تغذیه بر دانش آ موزان دارای اضافه وزن پسر مقطع ابتدایی شهراصفهان در سال ۱۳۹۴ بود.

**روش کار:** در یک مطالعه نیمه تجربی دو مدرسه مقطع ابتدایی ناحیه ۳ شهر اصفهان به تصادف جهت انتخاب گروههای مداخله و مقایسه در نظر گرفته شده اند وسپس از هر مدرسه به تصادف ۳۲ دانش آموزبه شکل تصادفی انتخاب و وارد مطالعه شدند پرسشنامه استاندارد رفتارهای تغذیه ای قبل از مداخله تکمیل وآموزش در ۴ جلسه برای گروه مداخله برگزار شد یک و چهار ماه بعد از آموزش پرسشنامه ها مجددأ تکمیل گردید .$BMI$ دانش آموزان قبل و چهار ماه بعد از آموزش اندازه گیری شد. اطلاعات وارد نرم افزار نسخه ۲۰ گردید و با آزمونهای آماری مورد تحلیل قرار گرفت .

**یافته ها:** نتایج مطالعه نشان داد که میانگین نمره ی سبک زندگی در بعد فعالیت فیزیکی یک وچهار ماه بعد از آموزش بین گروه مداخله ومقایسه تفاوت معناداری داشت ($p < 0.001$).درصورتیکه قبل ازمداخله این تفاوت معنادار نبود.

**نتیجه گیری:** آموزش سبک صحیح زندگی مرتبط با تغذیه به دانش آموزان دارای اضافه وزن سبب بهبود رفتارهای تغذیه ای آنان گردید .بنابراین، استفاده از چنین مداخلاتی برای پیشگیری از عوارض افزایش وزن در کودکان توصیه میشود.

**کلمات کلیدی:** آموزش، سبک زندگی، اضافه وزن، شاخص توده بدنی ،دانش آموز

# Evaluation of the impact of health education program on lifestyle related to nutrition, overweight students in Isfahan

*Sharareh. Haqqani [1]*

*1. Clinical Instructor, Isfahan university of Medical Sciences, Isfahan, Iran*

*Corresponding Author : Sharareh Haqqani*

*Introduction: The World Health Organization has declared that the overweight and obesity issue, as a major factor in developing or exacerbating most of diseases .This study attempted to determine effects education about lifestyle modification related to nutrition could have on elementary school students in Isfahan in 1394.*

*Methods: In a quasi-experimental study, two elementary schools in Isfahan District 3 were randomly selected in order to determine the intervention and comparison groups. Subsequently, 32 students from each school, were chosen arbitrarily and included in the study. They filled out the standardized questionnaire of dietary behaviors before the intervention. Subsequent to one and four months' educational intervention, they were asked to fill out the questionnaires once more. Also students\' BMI were measured before and four months after the intervention.The data were entered into the SPSS software program, version 20, and analyzed by using statistical tests ($p < 0.05$).*

*Results: The average of the lifestyle scores related to nutrition after one and four months' education showed a significant difference between the groups ($p < 0.001$). this difference was not significant before the intervention ($p = 0.66$). The average BMI groups together four months after the intervention had no significant difference.*

*Conclusion: Providing overweight elementary school students with education about a healthy lifestyle related to nutrition improves the general lifestyle related to nutrition . Therefore, it is recommended that such interventions be applied in order to prevent the complications of overweight among children.*

*Keywords: Education, Lifestyle, Over weight, Body mass index, Student*

# بررسی مروری درمان پرفشاری خون با مصرف غذاهای دریایی

فاطمه سادات احمدی[1]، لیلا نظری[2]

۱ دانشجوی مقطع کارشناسی رشته علوم تغذیه واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

**نویسنده مسئول:** فاطمه سادات احمدی

**محور:**پرفشاری خون

**زمینه و هدف:** عدم کنترل پرفشاری خون میتواند به بسیاری از اندام های بدن ازجمله قلب، کلیه ها و مغزآسیب برساند. حدود ۱٫۸ میلیارد نفر در جهان ازپرفشاری خون رنج می برند. شیوع این بیماری در ایران درسنین ۳۰ تا۵۵ سال ،۲۳٪ و در افراد بالای ۵۵ سال حدود ۵۰٪ میباشد.اغلب بیماران بدلیل زندگی کم تحرک و تغذیه ناسالم مبتلا میشوند.این مطالعه مروری به بررسی ارتباط بین مصرف غذاهای دریایی وکاهش فشارخون سیستولیک و دیاستولیک میپردازد.

**روش کار:** مطالعات مرتبط با اثر غذاهای دریایی در درمان پرفشاری خون با جستجو در *PubMed*، *Google Scholar* و *Web of Science* بدست آمد. نتایج این بررسی با جستجو در پایگاه داده ناشرانی همچون *Elsevier* و *Wileyonline* تکمیل شد. تمامی مطالعات مربوطه منتشر شده تا ژانویه ۲۰۱۷ در نظرگرفته شد

**یافته ها:** طبق بررسی چندین کارآزمایی بالینی، مصرف غذاهای دریایی بدلیل نسبت مناسب سدیم و پتاسیم در بین انواع گوشت ها و وجود امگا۳ میتواند در کاهش فشارخون نقش داشته باشد. امگا۳ موجود در روغن ماهی (مصرف ۵۰۰ تا۱۵۰۰ میلی گرم از *EPA*و *DHA* درطول هفته )در بدن به پروستاگلاندین ها تبدیل میشود که میتوانند درتنظیم فشارخون و پروفایل لیپیدی وگشاد شدن عروق نقش داشته باشند.بنابراین ممکن است بتواند موجب کاهش فشارخون مبتلایان به هایپرتنشن و تنظیم فشارخون افراد با فشارخون ملایم شود.

**نتیجه گیری:** مصرف غذاهای دریایی بدلیل دارا بودن اسید های چرب امگا۳ ، نسبت مناسب سدیم و پتاسیم، مکانیزم های گشاد کننده عروق، تنظیم لیپیدهای خون، ممکن است بتواند منجر به کاهش فشارخون سیستولیک و دیاستولیک و خطر بیماری های عروق کرونر شود.

**کلمات کلیدی:** پرفشاری خون-غذاهای دریایی-اسیدهای چرب امگا ۳

# A Review on the Treatment of Hypertension with Seafoods

*Leila Nazari[1], Fateme sadat Ahmadi[1]*

*1- Undergraduate Student in Nutrition Science and Research Branch of Islamic Azad University*

*Introduction: failure to control hypertension can harm too many organs including the heart, kidneys and brain. About 1.8 billion people in the world suffer from hypertension.The prevalence in Iran is 23% in the ages of 30 and 55 years, and 50% in people over 55 years. Most patients due to sedentary lifestyle and poor nutrition are affected. This article examines the relationship between seafood consumption and reduced systolic and diastolic pressure.*

*Methods: We conducted a literature search for the role of seafoods in treatment of hypertension. We searched PubMed, Google Scholar, and ISI databases. In addition, our search was supplemented with the search of publisher databases like Elsevier, Wiley Online and SpringerLink. All identified studies published up to January 2017 have been considered.*

*Results: according to the review of several clinical trials, seafood consumption due to the proper ratio of sodium and potassium, and omega-3, may have a role in lowering blood pressure. Omega-3 found in fish oil) 500 to 1500 mg of EPA and DHA per week) is converted in the body into prostaglandins regulate blood pressure and lipid profile that can contribute. So May be able to reduce blood pressure in patients with hypertension and blood pressure in people with mild hypertension.*

*Conclusion: Seafoods consumption due to their omega-3 fatty acids, sodium and potassium ratio, vasodilator mechanisms, regulation of blood lipids, may be able to reduce blood pressure and risk of coronary artery disease.*

*Keywords: hypertension-Seafoods-Fatty Acids, Omega-3*